

تاریخ معاصر ایران



خاطرات مهاجرت عبدالحسین شیبانی وحید الملک

خاطرات مهاجرت

از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن

عبدالحسین شیبانی وحید الملک

به کوشش ایرج افشار ، کاوه بیات

کمتر دوره‌ای از تاریخ معاصر ایران می‌توان سراغ گرفت همچون سال‌های جنگ اول جهانی که در خلال آن با حضوری چنین گسترده و فراگیر از نیروهای سیاسی و اجتماعی ایران برای تامین منافع ملی و خاتمه دادن به چیرگی بیگانگان بر شئون کشور مواجه باشیم. خاطرات و یادداشت‌های روزانه میرزا عبدالحسین خان شیبانی، وحیدالملک، یکی از فعالین و رهبران تراز اول این عرصه از تحولاتی که به سفر مهاجرت و تشکیل جمعیت مدافعین وطن منجر شد و از آن مهمتر شرح مأموریت او به برلن در مقام نماینده دولت موقت کرمانشاه برای تامین خواسته‌های ملیون ایرانی، سند و نوشته‌ای است گویا در تبیین این مهم.



به کوشش ایرج افشار ، کاوه بیات



۲۴۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۶۵۷۸-۱۹-۵ ISBN: 964-6578-19-5

رأد حضرت عبده امتی مرتبه ششم پنجم ندر عبادی الهی

عبده امتی در تحت ربیت حضرت ایزد آای نظام لفظی در تحت قدر ایزد
 شفق کرده با شرح مفضیح حضرت ایزد آای نظام لفظی بیان فرموده در اهمیت
 مردک اسد برل و بر لفظ و سینه است این آن مرد کرد این مرد لفظ در خاصیت
 بر قرار بود و تأمین نام در این لفظ وضع دنیا کانه سبق نه است کانه این
 در ایزد است و نکات نظامی جلب بود از برای رسیدن به مقصود و حکم
 فرموده نه در لفظ و ایزدی فرستادن با اسد برل و بر این نام فرموده در
 زودتر کردن ایقام با ایزت محو رکنه شغری است شرف و از برای انجام این
 خدمت یقانی جمله در و میسر یک در تعیین و در تاب فرموده نه در
 نایه کان صخره (عضا، ایزت نظامی است که از نسبت یقانی فوق آنه گرفته
 ایزت فرستادن تأمین بر ایزد است و نظرات حضرت ایزد است
 فرموده در ایزد بر چه زودتر آقانی حرکت که بر ایزت تأمین
 فرستادن ایقام نمایند لفظ
 نظامی

تمام شد
 در
 کماله

تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۱۴

نشر و پژوهش شیرازه



شیبانی، عبدالحسین، ۱۲۵۲-۱۳۴۲.

خاطرات مهاجرت از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن /
عبدالحسین شیبانی (وحیدالملک)؛ به کوشش ایرج افشار، کاوه بیات. - تهران:
مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۸.
[۸۰۶] ص: مصور (رنگی)، نمونه، عکس. - (مجموعه تاریخ معاصر
ایران؛ ۱۴)

ISBN 964-6578-19-5: ۴۴۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).
کتابنامه: به صورت زیرنویس.

۱. شیبانی، عبدالحسین، ۱۲۵۲ - ۱۳۴۴ - خاطرات. ۲. ایران - تاریخ -
قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. ۳. جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ - ایران. الف.
افشار، ایرج، ۱۳۰۴ -، مصحح. ب. بیات، کاوه، ۱۳۳۳ -، مصحح. ج. عنوان.
۲ خ ۹ ش / DSR ۱۴۶۲ / ۹۵۵/۰۷۵۲۰۹۲
کتابخانه ملی ایران - ۵۱۷-۷۸ م



خاطرات مهاجرت

عبدالحسین شیبانی (وحیدالملک)
به کوشش: ایرج افشار و کاوه بیات
طراح جلد: علی خورشیدپور
حروفچینی: مؤسسه قصیده
چاپ: فاروس
صحافی: صحافی کتاب
چاپ اول: بهار ۷۸
تعداد: ۲۲۰۰ نسخه
حق چاپ و نشر محفوظ است.
تهران، صندوق پستی: ۱۱۳۸ / ۱۹۳۹۵
تلفن: ۲۵۶۰۹۸۳

شابک ۹۶۴-۶۵۷۸-۱۹-۵ ISBN 964-6578-19-5

۶۰۵	اختلافات سیاسی متفقین در کنفرانس آینده
۱۷	بسط انقلاب اشتراکی و سختی
۶۳۹	وضع زندگی در اروپای مرکزی
۶۸۱	مقدمه صلح و انعقاد عهدنامه
۷۰۸	ضمائم
۷۴۲	سالشمار توضیحی
۷۵۷	فهرست اعلام
۷۸۳	تصاویر

فهرست

۵	یادداشت
۱۱	وحیدالملک و مهاجرت
۱۵	پیشگفتار نویسنده
۱	از تهران تا قصر شیرین
۲	از قصر شیرین تا بغداد
۳	از بغداد تا استانبول
۴	استانبول
۵	ورود به برلن و مذاکرات مقدماتی
۶	نخستین روزهای توقف در برلن
۷	آلمانها حاضر به [قبول] تعهدات رسمی با حکومت موقتی نیستند
۸	ورود امریکا به جنگ
۹	تحولات به نفع متفقین
۱۰	شرکت در کنفرانس استکهلم
۱۱	پایان مسافرت استکهلم
۱۲	حملات متفقین در فرونت فلاندر و ایتالیا
۱۳	پیشرفت آلمانها
۱۴	مقدمه پایان جنگ با روسیه
۱۵	متارکه جنگ متفقین با آلمان
۱۶	تجدید مذاکرات متارکه جنگ و مقدمات صلح میان آلمان و متفقین
۵۷۰	

(مخصوصاً در طرز صرف افعال) پیش آمده است و در این چاپ کوشیده شده است که آن گونه تسامحات از میان برده شود.

این متن به اجازت دختر صاحب کمال و فرزانه مرحوم وحیدالملک، سرکار خانم ایران (کتایون) شیبانی (فرهودی) که سالهایی چند از همکاری دلسوزانه ایشان در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران برخوردار بودم، به چاپ می‌رسد و خانم مریم فرسود (نوه مرحوم وحیدالملک) هم در تهیه فتوکپی از عکسها و اسنادی که در اینجا چاپ شده است ما را یاری داده‌اند.

* * *

عبدالحسین شیبانی از رجال سیاسی و استادان دانشگاهی ایران است. تحصیلات عالی او در انگلستان انجام شد و چندی سمت دستیاری پرفسور ادوارد براون^۱ را در دانشگاه کمبریج برعهده داشت. سوانح احوال او به‌طور سالشماری چنین است.

۱۲۹۲ ق (۱۲۵۲ ش) - تولد در کاشان - فرزند میرزا آقاخان^۲

- تحصیل مقدماتی در کاشان

- تحصیل مدرسه‌ای در دارالفنون

- سفر به هندوستان و تحصیل زبان انگلیسی

(حدود شش سال)

۱۳۱۶ ق - سفر به انگلیس و تحصیل در دانشگاههای لندن و

ورود کلماتی است چون شهربانی، شهرداری، افسر، ترکیه، فرهنگی، و عنوان امیرلشکر در مورد حبیب‌الله‌خان شیبانی (او در ۱۹۱۷ هنوز به مرتبه امیرلشکری نرسیده بود).

۱. پس از او شیخ حسن تبریزی، حین کاظم‌زاده ایرانشهر، ذبیح بهروز، دکتر عیسی صدیق دستیار براون بوده‌اند.

۲. برای سلسله خاندان شیبانی (محمد حین‌خانی) نگاه کنید به:

- تاریخ کاشان (مرآة کاشانی) تألیف عبدالرحیم کلانتر ضرابی به انضمام

یادداشت‌هایی از المنیار صالح. به کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۴۱). ص ۳۸۸ - ۳۹۴.

- تاریخ شیبانی شرح حال طایفه شیبانی. تألیف علی محمد مجیرالدوله. (تهران، ۱۳۲۱). ص ۸۲ - ۸۴ درباره وحیدالملک و برادرانش.

- خاندان شیبانی، تألیف رحمت‌الله شیبانی. به اهتمام فرامرز طالبی. (تهران، ۱۳۷۱). ص ۲۰۹ و مخصوصاً ۲۷۳ - ۲۷۵ که اختصاصاً شرح حال اوست.

یادداشت

خاطرات مهاجرت بازنوشته تقریرات عبدالحسین شیبانی ملقب به وحیدالملک است از وقایع و سوانح ایامی که در دوران مهاجرت سیاسی سال ۱۳۳۴ هجری قمری بر او گذشته است. از هنگام حرکت از تهران به همراه قافله مهاجرین به سوی قم و تشکیل دادن کمیته دفاع ملی در آنجا و سپس عزیمت به کرمانشاه و تشکیل شدن هیأت حکومت موقتی و پس از آن تشکیل دادن جمعیت مدافعین وطن در قصر شیرین، و پس از آن ورود به بغداد و استانبول که منجر به فرستادن او به نمایندگی آزادیخواهان و مهاجرین به برلین شد. وی حدود سه سال در آن شهر اقامت داشت. درباره کیفیت مهاجرت و اهمیت این خاطرات در تبیین آن قضیه، دوست و همکارم کاوه بیات در گفتار خود آنچه را در بایست بوده است به قلم آورده است. همچنین مراجع مرتبط به آن جریان را نشان داده است.

این متن همانطور که اشاره شد تحریرات عبدالحسین شیبانی است از قضایای مهاجرت براساس یادداشت‌های روزانه‌ای که در دوران مهاجرت ضبط و آن را پیش از ترک اروپا در یکی از بانکهای هلند به امانت گذاشته بود. او چنان که خود نیز اشاره کرده است حدود چهار سال پس از آن واقعه (در دوران کهولت) به صرافت می‌افتد که یادداشت‌های قدیمیش به رشته تحریر درآید و آمادگی چاپ پیدا کند. بدین منظور مطالب را از روی دفاتر پیشینه خود (که متأسفانه اکنون اثری از آنها نیست) تقریر و یکی از معاشران (احتمالاً از دانشجویان قدیمش) گفته‌های او را تحریر می‌کرده است.^۱ ناچار در چنین نگارشی بعضی افتادگیها

۱. از نشانه‌هایی که این تقریرات در سالهای پسینه زندگی وحیدالملک تهیه شده بودند

کمبریج حدود هشت سال (رشته تاریخ و حقوق) و ضمناً دستیاری پرفسور ادوارد براون در تدریس زبان فارسی.

۱۳۲۴ ق

— بازگشت به ایران و اخذ لقب وحیدالملک (پس از وفات برادرش علی که لقب وحیدالملک داشت)

— تدریس زبان انگلیسی و حقوق در دارالفنون و مخبری روزنامه تائمز.

— عضویت محکمه‌ای که پس از فتح تهران تشکیل شد. ۱۳۲۷

— ازدواج با مریم شیبانی دختر ندیم‌الدوله^۱ ۱۳۲۸

— نمایندگی در مجلس دوم از تهران
— عضویت حزب دمکرات - عضویت شورای معارف

— سفر اجباری یک‌سال و نیمه فرنگ (پس از ۱۳۳۱

اولتیماتوم روس) در دوره نیابت سلطنت ناصرالملک

— نمایندگی در مجلس سوم از تهران ۱۳۳۲

— مهاجرت به قم و تشکیل کمیته دفاع ملی مرکب ۱۳۳۴

از سلیمان میرزا اسکندری، سیدمحمدرضا مساوات، محمدعلی کلوب و وحیدالملک

— مهاجرت به کرمانشاه و سپس قصرشیرین و تشکیل جمعیت مدافعین وطن

— عزیمت به بغداد و استانبول

۱. فرج‌الله ندیم‌الدوله ده فرزند داشت که اشهر همه حبیب‌الله‌خان شیبانی است.

— عزیمت به آلمان به عنوان نماینده مهاجرین^۱
— عزیمت به استکهلم برای شرکت در کنگره ۱۳۳۵ (شوال)

سوسیالیستها و اعلام مظلومیت ایران^۲
— عضویت در انجمن آلمان و ایران که در برلین تشکیل شد^۳

— حرکت از برلین به لاهه و سپس لندن (۲۷ اوت ۱۹۱۹) و عاقبت به سوی ایران (۱۱ اکتبر ۱۹۱۹)^۴

— نمایندگی در مجلس چهارم از تبریز
— ادامه تدریس در دارالفنون و همچنین تدریس و ریاست مدرسه علوم سیاسی

— وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (در آبان - دی ۱۲۹۹ ش کابینه سردار منصور)

— وزیر پست و تلگراف (در کابینه قوام‌السلطنه) خرداد - بهمن ۱۳۰۱

۱. در مجله کاوه ورود وحیدالملک در شماره ۱۲ (ذی‌القعدة ۱۳۳۴) مندرج است و تبریک گفته شده. اخبار مربوط به مهاجرین در اغلب شماره‌های کاوه درج شده و از منابع است.

۲. تاریخ رفتن و بازگشتن سیدحسین تقی‌زاده و وحیدالملک از برلین به استکهلم را مرحوم محمد قزوینی از یادداشتهای دوره اقامت برلین (یادداشتهای قزوینی، جلد نهم، ص ۱۸۲ و ۱۸۳) ضبط کرده و چون وحیدالملک در یادداشتهای خود ذکری از حضور تقی‌زاده در استکهلم ندارد آن تواریخ از یادداشتهای قزوینی نقل می‌شود.

— تاریخ حرکت تقی‌زاده ۲ ژوئن ۱۹۱۷

— تاریخ حرکت وحیدالملک ۲۴ ژوئن ۱۹۱۷

— تاریخ مراجعت وحیدالملک ۱۴ اوت ۱۹۱۷

— تاریخ مراجعت تقی‌زاده ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۷

۳. نگاه کنید به عکس ورقه مربوط به تشکیل انجمن و اسامی اعضای آن که در اوراق اولیه تجدید چاپ مجله کاوه (تهران، ۱۳۵۵) به چاپ رسانده‌ام.

۴. مرحوم قزوینی نوشته است: «۲۷ اوت - مراجعت وحیدالملک از لاهه که از آنجا به لندن رفته بود به قصد مراجعت به ایران و آنجا به گیر پولیس مخفی انگلیس افتاده و استنطاق شده و بعد از انگلستان اخراج شده بوده است» (یادداشتهای قزوینی، ۲۱۶:۹)

- ۱۱ خرداد ۱۳۰۶ - وزیر فواید عامه (در کابینه مخبرالسلطنه)
تا ۲۹ آبان ۱۳۰۷
۱۳۰۶ به بعد - استادی در دانشسرای عالی و سپس دانشکده
ادبیات دانشگاه تهران
۱۳۱۱ - ۱۳۱۵ تألیف و نشر تاریخ عمومی قرون وسطی (سه جلد)
۱۱ بهمن ۱۳۴۲ درگذشت در تهران^۱

این کتاب به طور کلی حاوی دوگونه مطلب است. قسمتی عبارت است از آنچه مربوط می شود به مهاجرت و تحولات آن، و قسمتی هم افرادی که در آن جریان سیاسی دخیل بودند. در این مبحث گاهی به اخلاق و رفتار افراد هم پرداخته است. از جمله در مورد سلیمان میرزا می گوید «شاهزاده سلیمان میرزا با روش تند و حسن نیتی که داشت اغلب کارها را به سلیقه خود انجام می داد و کمتر در امور با کمیته مشورت می نمود» (ص ۲۳). جای دیگر نوشته است «شاهزاده اسکندری تقصیری نداشت و برای چنین کاری ساخته نشده بود و انگهی همیشه گرفتار احساسات تند بود و از تظاهرات در تندی بی میل نبود... خود شاهزاده به مادیات علاقه نداشت و از جاده صحت منحرف نمی گردید» (ص ۳۰). و یا در مورد عبدالحسین میرزا فرمانفرما که می نویسد: این شاهزاده هیچ وقت نظر خوش به ملیون نداشت» (ص ۲۷). ولی اصولاً توجه

۱. سرگذشت وحیدالملک به جز آنکه در تاریخ شیبانی (از مجیرالملک شیبانی) و خاندان شیبانی (از رحمت الله شیبانی) آمده است در مراجع دیگری هم مندرج است از جمله: فرهنگ رجال ایران. از جورج چرچیل. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. (تهران، ۱۳۶۹). ص ۲۰۹؛ رجال عصر مشروطیت. از ابوالحسن علوی. به کوشش حبیب یغمایی و ایرج افشار. (تهران، ۱۳۶۳). ص ۱۲۷ - ۱۲۸؛ مؤلفین کتب چاپی (فارسی و عربی). از خاناباا مشار. جلد سوم. (تهران، ۱۳۴۱). ص ۷۳۸ - ۷۳۹؛ اعزام محصل به خارج. از غلامعلی سرمد. (تهران، ۱۳۷۲). ص ۴۷۴ - ۴۷۵؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران. از حسن مرسلوند. جلد چهارم (تهران، ۱۳۷۴). ص ۱۴۳ - ۱۴۴ و سراب زندگی. از منوچهر ریاحی (تهران، ۱۳۷۱). ص ۱۳۵ - ۱۴۷.

مؤلف به نفس وقایع است و از افراد به ندرت تحسین یا انتقاد می کند. یکی از مواردی که جای رسیدگی و پی جویی دارد این است که چرا از تقی زاده به تصریح نام نمی برد و ظاهر این است که هر جا گفته است «یکی از رؤسای ملیون» بی گمان منظورش تقی زاده است. نگاهی به این گونه موارد^۱ جای تردید نمی گذارد که همه اشارات به شخص تقی زاده است نه دیگری مخصوصاً در صفحه ۶۴۴ که می نویسد یکی از حضار درباره تبدیل تقویم صحبت کرد، هرگونه شبهه ای را می زداید و در میان ایرانیان کسی جز تقی زاده نبوده است که به مباحث گاه شماری علاقه مندی داشته باشد.^۲

میان اسناد بازمانده که چاپ شده است آنکه به امضای عده ای از ایرانیان مقیم برلین است امضای تقی زاده هم دیده می شود و در عکسهایی که از مجمع ایرانیان و همچنین انجمن آلمان و ایران برداشته شده تقی زاده و وحیدالملک هر دو هستند.

این یادداشت با سپاسگزاری از کتایون شیبانی و یاد از برادرش دارا شیبانی که سالها در مدرسه ابتدایی زرتشتیان و دبیرستان فیروز بهرام همکلاس بودیم به پایان می رسد.

بیست و هفتم بهمن ۱۳۷۷
ایرج افشار

۱. برای نمونه بنگرید به ص ۱۸۴، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۳-۷، ۲۱۰، ۲۳۶-۹، ۲۷۸ و ۲۸۳
۲. در یادداشتهای مرحوم قزوینی ضمن اخبار یکشنبه دهم نوامبر ۱۹۱۸ آمده است: «بعد از ظهر ساعت پنج به خانه تقی زاده رفتیم و آنجا آقایان علوی و وحیدالملک و تربیت بودند. قدری درخصوص این اوضاع گفتگو کردیم» (ص ۲۰۱).

وحیدالملک و مهاجرت

هنگامی که در تابستان ۱۹۱۴ میلادی / ۱۳۲۲ هجری قمری با پیشامد جنگ اول جهانی، در کنار دیگر قدرتهای جهانی، روس و انگلیس، دو دشمن اصلی آزادی و استقلال ایران نیز درگیر یک زد و خورد مهیب و گسترده شدند، اهمیت و اغتنام چنین فرصتی بر هیچ‌یک از نیروهای سیاسی کشور پنهان نماند. با توسعه تدریجی دامنه جنگ، بخش مهمی از این نیروها که طیف وسیع و متنوعی از شخصیت‌های سیاسی ایران را شامل می‌شد به حساب برخورداری از حمایت مادی و معنوی دولتهای آلمان و عثمانی بر ضد روس و انگلیس وارد عمل شدند. نهضت مهاجرت که با خروج این بخش از نیروهای سیاسی کشور از تهران در محرم ۱۳۳۴ آغاز و با تشکیل دولت موقتی نظام‌السلطنه مافی در غرب ایران به نقطه اوج خود رسید، مهمترین حرکتی بود که در این زمینه صورت گرفت.

اطلاعات موجود از کم و کیف این حرکت تاریخی به هیچ‌وجه اطلاعات جامعی نیست. خاطرات ادیب‌السلطنه سمیعی و حاج عزالممالک اردلان^۱ و همچنین خاطرات دیوان بیگی^۲ در این زمینه اگرچه از مهمترین منابع موجود در باب مهاجرت به‌شمار می‌آیند ولی فقط گوشه‌هایی از این حرکت گسترده،

۱. حسین سمیعی، (ادیب‌السلطنه) و امان‌الله اردلان، (حاج عزالممالک)، اولین قیام مقدس ملی در جنگ بین‌الملل اول، تهران: این‌سینا، ۱۳۳۲.

۲. دیوان بیگی، رضاعلی، سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی، تهران، ۱۳۵۱.

آن‌هم بیشتر در توضیح مراحل اولیه کار را دربر می‌گیرند. دیگر نوشته‌های پراکنده‌ای نیز که در این زمینه در دسترس قرار دارند، مانند قسمتهایی از خاطرات یحیی و علی محمد دولت‌آبادی^۱ و یا نوشته‌های برجای مانده از سید یعقوب انوار^۲ نیز وضعیت مشابهی دارند.

خاطرات مهاجرت میرزا محمدعلی خان شیبانی و حیدالملک نیز اگرچه مانند دیگر منابع موجود در این زمینه فقط بخشی از تحولات دوره مهاجرت را دربر می‌گیرد، ولی در مقایسه با این نوشته‌ها تحولات و رخدادهایی را شامل می‌شود که تاکنون درمورد آنها نوشته‌ای چنین جامع و ممتنع در دست نبود. گذشته از بخشهای اولیه خاطرات و حیدالملک که به چگونگی خروج مهاجرین از تهران و نحوه شکل‌گیری نهضت در قم و اصفهان و بالاخره دوران کوتاه استقرار آنها در کرمانشاه می‌پردازد، که آن نیز به نوبت خود از لحاظ تاریخی نکات ناگفته فراوانی دربر دارد، بخش اصلی خاطرات به توضیح و توصیف آن بخش از مذاکرات و مناسبات سیاسی عالی با دولتهای آلمان و عثمانی اختصاص دارد که تاکنون در هیچ‌یک از منابع ایرانی موجود منعکس نبوده‌اند. در واقع مهمترین مأخذی که این بخش از مناسبات سیاسی نهضت مهاجرت را با دولتهای هم‌پیمان نهضت، یعنی عثمانی و آلمان مورد توجه داشته کتاب گرانقدر اولریخ گرکه ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول است که خوشبختانه ترجمه فارسی آن نیز اخیراً منتشر شده است.^۳ خاطرات و حیدالملک که روایت ایرانی امر است نه فقط مکمل مباحث مطرح‌شده در کتاب گرکه به‌شمار می‌آید که به نوعی جوانب یک‌جانبه این گزارش آلمانی را نیز تصحیح می‌کند. درست است که مهاجرین به گونه‌ای که در اغلب منابع آلمانی منعکس است در بسیاری از موارد با مطامع ارضی و سیاسی نه‌چندان مخفی

۱. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ۴ ج، تهران: انتشارات عطار و فردوس، ۱۳۶۱، ج ۳ و ۴، صص ۲۶۹ - ۲۹۱ و ۷۷ - ۹.

۲. انوار، یعقوب، «یادداشت‌های آقا سید یعقوب انوار»، اطلاعات هفتگی، بهمن - اسفند ۱۳۳۱.

۳. اولریخ گرکه، پیش به سوی شرق، ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدیقی، تهران: انتشارات کتاب سیامک، ۲ ج، ۱۳۷۷.

هم‌پیمان خود، دولت عثمانی مشکل داشتند، ولی چنان‌که از خاطرات وحیدالملک و شرح تلاشهای او برای واداشتن آلمانی‌ها به تضمین و تحقق خواسته‌های ایران برمی‌آید، دولت آلمان نیز آن هم‌پیمان مطلقاً بی‌نظر و کاملاً صادق که وانمود می‌کرد نبود.

یکی دیگر از ویژگیهای خاطرات مهاجرت که مخصوصاً در بخشهای پایانی کتاب خود را نشان می‌دهد آن است که وحیدالملک فقط به ثبت رویدادها و شرح ماوقع اکتفا نکرده است، سعی در نقد و تحلیل این رخدادها نیز دارد. طرح پرسشهایی چون این موضوع که آیا تمام‌شدن جنگ به نفع آلمان و متحدانش می‌توانست به نفع ایران باشد - در سرآغاز فصل پانزدهم کتاب - و یا این که در آستانه فروکش این تحولات ایران چه خط مشی‌ای را می‌بایست درپیش گیرد و پرسشهای مشابهی که در نقد و ارزیابی سیاستهای ملیون مطرح شده است، هریک از توجه و احساس مسئولیتی تاریخی حکایت دارند که به‌ندرت در سایر خاطرات برجای مانده از دیگر رجال سیاسی ایران معاصر ملاحظه می‌شود.

در آماده‌سازی متن خاطرات وحیدالملک برای انتشار نکاتی چند ملحوظ گردید که ذکر پاره‌ای از آنها ضروری است؛ نخست آنکه در پاره‌ای از موارد ثبت اسامی رجال و اماکن خارجی، با صورت اصلی آنها تفاوتی داشت، از این‌رو پس از مطابقت این اسامی با ضبط لاتین آنها - که در فهرست اعلام کتاب منعکس شده‌اند - این موارد تصحیح شدند.

وحیدالملک در حاشیه خاطرات خود به پاره‌ای از رخدادهای وقت در جبهه‌های جنگ اروپا یا تحولات ایران اشاره دارد که در پاره‌ای موارد توضیح بیشتری طلب می‌کردند. در اینگونه موارد نیز سعی شد به‌جای افزودن پاورقیهای طولانی در حاشیه کتاب، توضیحاتی مطابق با ترتیب سنواتی رخدادها و تحولات مزبور فراهم آید و حاصل کار به‌صورت یک «سالشمار توضیحی» در بخش پایانی کتاب ضمیمه شود.

کاوه بیات

اسفند ۷۷

نداشته و اقدامی علیه ما نخواهند کرد؟ از این سؤالات زیاد بود که جوابش خیلی آسان نبود، بخصوص در آن تنگنای زمان.

ما آزادی خواهان، نمایندگان دموکرات مجلس شورای ملی، چه می خواستیم؟ ما پیوسته برای حفظ استقلال کامل خودمان می کوشیدیم. ما معتقد بودیم که سرنوشت ایران را کاملاً در دست خودمان نگاه داریم. ما آرزومند بودیم دارای کشوری آزاد و مستقل و مترقی باشیم. ما می خواستیم ایران را با تمدن امروزی کاملاً مربوط سازیم. ما مایل بودیم میهن خودمان را به معنویات و فرهنگ امروزی نزدیک آوریم و استقلال مملکت را با سرفرازی خودمان حفظ کنیم و نگذاریم خارجی در امور داخلی ما مداخله نماید. ما خودمان می بایستی نیروی انتظامی کشور را تحت تسلط خود داشته باشیم. ما می خواستیم اوضاع استبداد قرون وسطی را از میان خود براندازیم و با وحدت کامل میان خود زندگی کنیم.

ما مجاهدت می کردیم که با تمام ترقیات امروزی، ایرانی بمانیم و معنویات نژادی ایرانی را با دموکراسی حقیقی توأم سازیم. ما اصولاً [می خواستیم] در حفظ قومیت محافظه کار و در پیشرفت امور و بسط و ترقی از ملل امروزی جهان به شمار رویم. ما نمی خواستیم در شاهراه ترقی و تعالی و حفظ حدود و ثغور مملکت احساسات ملی خود را پنهان نگاه داریم. ما برای استقرار حکومت مستقل و آزاد می کوشیدیم ولی متأسفانه نفوذ خارجی بخصوص در آن زمان که جنگ عالمگیر در جریان بود نمی گذاشت دولت ایران آن طور که ما می خواستیم در حفظ امنیت و آرامش کامیابی حاصل نماید. ما آرزو داشتیم آزادانه در بسط بازرگانی و کشاورزی از سرچشمه های ثروت مملکت استفاده نماییم. ما طالب کشمکشهای داخلی نبودیم ولی استقرار دموکراسی بدون کشمکش و فداکاری فراهم نگردد و دست تظاول خارجی از دامن کشور ضعیفی مانند ایران کوتاه نشود.

مسائل گفته شده پیوسته در جلوی ما قرار داشت ولی با پیشامدهای ناگوار و

پیشگفتار نویسنده

زمانی که جنگ اول عالمگیر این قرن با نهایت شدت در جریان بود و دول روس و انگلیس و فرانسه و مؤتلفین آنها بر ضد دول آلمان و اتریش و متحدین آنها در میدان جنگ و خونریزی مبارزه می کردند و کشور عزیز ما تحت تاخت و تاز قرار گرفته نیروی متجاوز روس به نزدیکی پایتخت سلطان احمد شاه قاجار در حرکت بود و بیم آن می رفت که هر چه زودتر تهران را تحت اشغال آورده، مرکز آزادی و استقلال کشور را برطرف سازد جمعی از وجوه ملیون من جمله نگارنده و عده ای از نمایندگان دوره سوم مجلس شورای ملی با اطلاع خصوصی رئیس دولت وقت مرحوم مستوفی الممالک که از رجال نیک و نامی دوره دموکراسی ایران به شمار رفته تصمیم گرفتیم از تهران به طرف جنوب حرکت کرده بلکه موقتاً مرکز امن تر و آرام تری به دست آورده، مسائل آتیۀ خودمان را کاملاً تحت مذاقه و مباحثه بگذاریم. فرضاً اگر آلمان و متحدین آن شکست خورده، مغلوب از میدان خارج شدند و روس و انگلیس و مؤتلفین آنها پرچم پیروزی برافراشته اوضاع ما چه خواهد بود؟ به چه ترتیب خودمان را حفظ خواهیم کرد؟ دولت عثمانی آن روز چه صورتی به خود خواهد گرفت؟ آیا با مظفریت قطعی آلمان و متحدین آن دولت، روش ایران چه خواهد بود؟ آیا ما خواهیم توانست منافع خودمان را کاملاً حفظ کنیم؟ آیا آلمانها با ما موافقت خواهند داشت؟ آیا آنها حاضر خواهند بود استقلال ما را ضمانت کنند؟ آیا آنها با عثمانیها قراردادی مخالف استقلال ما منعقد نموده اند؟ آیا عثمانیها نظری مخالف استقلال ما

تجاوزات قشون روس به داخل ایران از حوصله مذاکره و مداخله در آن روز خارج شده بود. ما می‌بایستی رخت سفر به یک نقطه نامعین بر بندیم و به راه جنوب که بر روی ما هنوز باز بود به راه افتیم. از همان ساعت که این تصمیم را اتخاذ کرده بودیم می‌دانستیم راه آسانی را در جلو نگرفته‌ایم. انواع مشکلات در جلوی راه ما خواهد بود و به علاوه قطع ارتباطات با مرکز و فقدان وسایل پیشرفت نقشه کار خودمان را در جلو می‌دیدیم. ولی امیدواری به این که فداکاری ما در راه خدمت به میهن، در راه سعادت ایران عزیز، در راه حفظ استقلال و تمامیت خاک وطن، در راه اصلاح حال رنجبران ایران، در راه حفظ آزادی، بی‌ثمر نبوده و این درس در مکتب فداکاری بی‌فایده نمی‌ماند، در عین حال که می‌دانستیم یک عده محدودی از نمایندگان هر قدر هم قوی و متنفذ باشند نمی‌توانند با نیروی دشمن قوی پنجه که به سوی ما حمله‌ور شده و اساس هستی ما را به لرزه درآورده بود به مبارزه درآیند، باز احتمال می‌دادیم با پیشامدهای مساعد و با طول زمان برای نیل به هدف قدمی مفید برداشته باشیم. ما معتقد بودیم که می‌بایستی مکتب فداکاری را عملاً باز [نگاه] داریم تا بلکه دست تظاول از دامان مملکت کوتاه شود. چه بسا ممکن بود شکستهای سخت در میدان کارزار و با انقلابات داخلی از شدت تجاوزات روسها در ایران بکاهد، نیروی آنها از کشور ما دور شود و ما بتوانیم با سرافرازی پرچم آزادی و استقلال مملکت را بر فراز کاخ مشروطیت کامل ایران به اهتزاز درآوریم.

در هر صورت نگارنده با عزمی جزم این مسافرت را بر خود هموار و به نگارش یادداشتهای پیشامدهای ناگوار و این مسافرت زحمت‌بار پرداخته، امیدوارم با دقتی که نگارنده در ثبت مسائل بالنسبه مفید و نظریات تاریخی و ذکر غوامض امور و حذف مسائل غیرمفید به کار خواهم برد یادگاری بس مهم در خاطرات آینده و آیندگان در راه میهن‌دوستی باقی خواهد گذاشت.

اینک پس از چهل سال مرور زمان که یادداشتهای سفر خودم را که به نام «سفر مهاجرت» معروف شده ورق زده تحت نظر می‌گیرم بی‌فایده نمی‌بینم و

بلکه تا حدی لازم می‌شمارم آنها را طبع [کنم] و در دسترس هموطنان عزیز بگذارم.

چنان که می‌دانیم جنگ اول جهانی این قرن به انقلاب روسیه و افتادن حکومت تزاری و استقرار دولت بلشویک در آن کشور و شکست دولت آلمان و اتریش و فتح و پیروزی دولت انگلیس خاتمه یافت. سیاست تجاوزکارانه روس تزاری از ایران، میهن عزیز ما، برافتاد و بدیهی است بر قدرت سیاسی و نفوذ انگلیس نه تنها در ایران بلکه در قسمت عمده دنیا افزوده گردید. اگر تحولات کشور خود را، از پایان جنگ جهانی اول ۱۹۱۸-۱۹۱۴ تا امروز از نظر بگذرانیم و بی‌طرفانه قضاوت کنیم می‌بینیم پیشرفت ما در خط دموکراسی، در بهبودی وضع جامعه، در رشته فرهنگ و به طور کلی در سیر تمدن امروزی طبق آرزوی آزادی‌خواهان چهل سال پیش نبوده، بلکه در بعضی شئون عقب رفته [ایم] که جلو نیامده‌ایم. علل جلو نرفتن، با دنیای امروزی هم قدم نشدن، از تمدن امروزی کاملاً بهره‌مند نگشتن بسیار زیاد است، تمدن امروزی اخلاق و معنویات امروزی را لازم دارد. باید با نظر باز به مسائل مهم مملکت نگاه کنیم و موفقیت اشخاص را در خدمت به میهن با دیده تحسین و تقدیر و تکریم بنگریم. از خداوند بخواهیم ایرانیان را در خدمت به میهن توفیق دهد، جهالت را به معرفت و میهن‌دوستی حقیقی مبدل گرداند. باید کوتاه‌نظری را کنار گذاشت و اغراض شخصی را به دور انداخت و تنها سعادت مردم را خواهان بود. بر سر جاه و جلال و نفوذ موقتی به جان همدیگر نیفتاد، برای جلب منافع مادی به سیاست خارجی متوسل نشد. حفظ موقعیت و نیل به ترقیات امروزی وحدت کامل جامعه را لازم دارد. باید افراد جامعه را عزیز بداریم و خوشی و ترقی آنان را خوشی و ترقی کشور بدانیم. اگر افراد سعادت‌مند باشند ملت [و] در نتیجه کشور سعادت‌مند است و برعکس اگر افراد بدحال و پریشان باشند کشور پریشان است، اگر افراد متحد باشند ملت قوی است و مملکت آباد.

از ظاهرسازی پرهیز کنیم و به معنویات بپردازیم و مطمئن باشیم که اگر افراد

دارای روحیات و معنویات امروزی باشند ملت و مملکت از ترقیات امروزی و استقلال حقیقی برخوردار خواهند بود. خوب به خاطر دارم در اواخر جنگ اول کمی پیش از آنکه از آلمان حرکت کنم با یک پرفسور آلمانی در صحبت بودم و از شکست مذاکره می‌کردیم. گفت: «از شکست آلمان نباید تأسف خورد. لشکرهای آلمان ممکن است شکست بخورند ولی روحیات و معنویات آلمان شکست‌ناپذیر است». دیدیم حقیقت گفته این پرفسور را که چه‌طور آلمان به جنگ دوم جهانی اقدام نمود و امروز نیز شاهد ترقیات آن هستیم. دیگر بیش از این به طول کلام نپرداخته، هم‌میهنان عزیز را به مطالعه این یادداشتها که به دست یکی از افراد کشور، که عمری را به عقیده خودش در راه خدمت به ایران عزیز مصروف داشته، [نوشته شده است] دعوت می‌نمایم.

عبدالحسین شیبانی وحیدالملک

منظره

روز ۴ محرم - به منظره آمدیم. در اینجا آقایان میرزا سلیمان خان (میکده) و سلیمان میرزا (اسکندری) رسیدند. پنج نفر ژاندارم دولت را همراه داشتند. از قرار اظهار خودشان حرکت آنها به تصویب و استظهار شاه و مستوفی الممالک رئیس الوزرا بوده و محرمانه هم اجازه دولت را برای شروع پاره‌ای اقدامات انقلابی و عملیات مخالف صوری با حکومت تهران به دست آوردند و نیز اظهار داشتند احتمال دارد شاه هم عنقریب از تهران به طرف جنوب و از جلوی قشون متجاوز روس حرکت نماید.

کمیته دفاع ملی

روز ۵ محرم - در اوایل شب وارد قم شدیم. شبانه جلسه منعقد کرده قرار گذاشتیم در قم مانده مشغول حاضر کردن افکار عمومی بشویم و از هر گونه تبلیغات به نفع کشور مضایقه نماییم و عملاً نشان بدهیم که اگر دولت قالب بی‌روح برابر نیروی متجاوز روس از حرکت افتاده است، ما نمایندگان ملت به نام کشور ابراز حیات می‌نماییم و از مظلومی که وارد می‌شود با صدای بلند به گوش عالمیان می‌رسانیم و مردانه بیرق فداکاری را بر فراز کاخ استقلال میهن نگاه می‌داریم. «زنده باد استقامت! پاینده باد آزادی و دموکراسی ایران!»، شعار ما مردان آزادی‌خواه همین بود و تا آخر بر جا خواهد ماند. چنین مقرر داشتیم که کمیته‌ای به نام کمیته دفاع ملی انتخاب کنیم و کلیه دستورها و تبلیغات به نام کمیته دفاع ملی صادر گردد. در حقیقت کمیته دفاع ملی شکل حکومت موقتی و انقلابی بر خود گیرد و هیچ کاری از طرف مجاهدین و آزادی‌خواهان مخالف دستور کمیته صورت نگیرد و در همین شب کمیته دفاع ملی مرکب از اشخاص نامبرده زیر انتخاب گردید: شاهزاده سلیمان میرزا (اسکندری)، سید محمدرضا مساوات، میرزا محمدعلی خان کلوب (فرزین) و نگارنده (وحیدالملک

از تهران تا قصر شیرین

علی آباد

روز ۲ محرم ۱۳۳۴ هجری قمری مطابق با ۱۵ نوامبر ۱۹۱۵ میلادی - نگارنده با آقایان سید محمدرضا مساوات، میرزا محمدعلی خان کلوب، سید عبدالرحیم خلخالی، سید جلیل اردبیلی و جمعی دیگر تهران را محرمانه ترک کرده، به راه افتادیم. نگارنده و آقای سید محمدرضا مساوات در یک درشکه حرکت کردیم. وقتی که به کهریزک رسیدیم رفقا که قبلاً به راه افتاده از آنجا در شرف حرکت بودند، به اتفاق آنها به علی آباد رفته یک روز در آنجا ماندیم. شب را آقای ادیب السلطنه نماینده گیلان به ما ملحق شد. تمام شب را در باغ علی آباد بیدار بودیم و راجع به حال و آتیه خردمان مذاکره می‌کردیم. در پایان شب نظریات بدین جا ختم شد که نباید دست از کار بکشیم و تا لب مرگ باید مجاهدت کنیم. هر جا باشیم باید علیه دشمن یعنی هر نیرویی که دست تجاوز به استقلال و آزادی ما دراز دارد فعالیت نشان بدهیم.

شیبانی). اشخاص نامبرده بالا به سمت اعضاء اصلی هیئت مدیره کمیته دفاع ملی انتخاب شدند و کمیته‌های فرعی چندی هم برای امور مالی و نظامی و فرهنگی و تبلیغی انتخاب شدند. شاهزاده سلیمان میرزا به سمت مدیریت کل تحت دستور کمیته دفاع ملی منصوب گردید.

رفتار سلیمان میرزا

عمر کمیته دفاع ملی در قم از ۶ محرم تا ۱۰ صفر ۱۳۳۴ هجری قمری بود. در این مدت اقامت قم از جهت زندگی به ما بد نگذشت ولی به تدریج ناراحتی زیادی در افکار ما تولید گردید. شاهزاده سلیمان میرزا با روش تند و حسن نیتی که داشت اغلب کارها را به سلیقه خود انجام می‌داد و کمتر در امور با کمیته مشورت می‌نمود و ما مخوف بودیم که مبادا عملیات انفرادی مورث زحمت و به نام کمیته تمام شود. از طرفی جمعی از نمایندگان مجلس از احزاب مختلف به قم وارد و کشمکش حزبی تهران را در جای کوچکی مانند قم آغاز کرده، پیوسته مشغول زد و خورد حزبی بودند و از همه سخت‌تر نیروی روس هر روز به ما نزدیک‌تر می‌گردید.

روسها در ساوه

روز ۷ محرم - سلطان احمدشاه مصمم شده بود از تهران حرکت کند. به نمایندگان مجلس هم اطلاع داده بودند که باید هر چه زودتر به طرف جنوب حرکت کنند. گویا در لحظه آخر شاه فسخ عزیمت کرده، پس از اطمینان از این که نیروی روس وارد تهران نخواهد شد از حرکت به جنوب منصرف گردید. اواخر محرم عده کمی از نیروی روس به حدود ساوه تجاوز کرده جلو آمده بود. کمیته دفاع ملی تصمیم گرفت که از جلو آمدن این نیرو مخالفت شود. لذا آقایان میرزا سلیمان خان (میکده) و میرزا

محمدعلی خان کلوب (فرزین) را مأمور کرد به ساوه رفته در آنجا به جمع‌آوری قوا و جلوگیری از روسها پردازند. میرزا محمدعلی خان کلوب پس از چهل ساعت به حالت یأس مراجعت نمود ولی میرزا سلیمان خان تا روز غلبه قطعی روزها در ساوه مانده بود.

جلسات قم

در این مدت یک ماه قرب سی و سه چهار نفر از نمایندگان مجلس به قم آمدند و روزها بعد از ظهر در خلوت فتحعلی شاهی جلسه منعقد می‌کردیم و اغلب با تهران و با نمایندگان دولت تلگرافات حضوری داشتیم. کابینه وزرا ما را دعوت به تهران می‌نمود ولی تضمینی از بهبودی اوضاع و از کاستن تجاوزات روسها به ما نمی‌داد. چند نفر از نمایندگان به تدریج مراجعت کردند.

ورود به کاشان

روز ۱۰ صفر ۱۳۳۴ - نزدیک به غروب با تلفن از دو فرسخی ساوه خبر دادند روسها غلبه کرده قوای چریک ایرانی را متواری کرده، ساوه را ضبط و به طرف قم رهسپار شده‌اند. شب یازدهم صفر چهار ساعت از شب گذشته تصمیم گرفتیم شبانه از قم به طرف کاشان حرکت کنیم. نزدیک صبح بدون اینکه کسی از اهل شهر خبردار شود دسته جمعی از قم حرکت کرده، روز پانزدهم صفر یک ساعت از شب گذشته به کاشان رسیدیم.

نایب حسین

پس از ورودمان به کاشان شبانه معلوم شد کمیته دفاع ملی در آنجا تقریباً به دام افتاده و می‌بایستی عاجلاً در مقام چاره‌جویی برآید. زیرا قوای ژاندارمری که به سرکردگی کاپیتان آرتنگرن سوئدی برای سرکوبی نایب

حسین و اتباع او به کاشان فرستاده شده بود اینک بر اثر اقدام کمیته در عفو نایب حسین و اتباع او و اعزام آنها به جبهه ساوه اصولاً با ما مخالفت می‌ورزید و حاضر نبود با سران کمیته ملاقات [کند] و از نظریات آنها برخوردار شود. از طرفی چراغ علی خان در منظریه از روسها شکست خورده [بود]، قم را چاپیده به طرف ما و به عزم چاپیدن افراد کمیته می‌آمد. از همه بدتر نایب حسین و اتباع او که از روسها در جبهه ساوه شکست خورده و این شکست را ناشی از اقدامات کمیته می‌دانست، از ساوه فرار کرده به خط مستقیم رو به کاشان آورده، در چهار فرسخی شهر موضع گرفته، بیم آن می‌رفت به طرف ما حمله ور گردد و بدین ترتیب کمیته دفاع ملی وجه المصالحة ژاندارمری و چراغ علی خان و نایب حسین واقع شود. کاپیتان ارتنگرن تلگرافخانه کاشان را ضبط و روابط ما را با تهران قطع کرده بود تنها عده‌ای که با ما موافقت داشت و به کاشان رسیده شکرالله خان لمبونی اصفهانی بود که با یکصد نفر مجاهد اصفهانی که بیشتر آنها با سلاح کهنه مسلح و پیاده به کمک کمیته آمده بودند که با نیروی روس برابری کنند. شکرالله خان هم با تمام قورخانه‌ای که به سینه خود آویزان کرده کافی نبود با ژاندارمری و چراغ علی خان و نایب حسین به جنگ درآمده و کمیته را حفظ کند.

کمیته در کاشان

روز ۱۲ صفر - در یکی از باغات خارج شهر کاشان محرمانه جلسه کمیته را منعقد و قطع کردیم که شاهزاده سلیمان میرزا با شکرالله خان لمبونی و مجاهدین او به نوبت از راه گلپایگان به اراک رود و نگارنده سایرین را برداشته به اصفهان برویم و در آنجا هرچه زودتر برنامه آتیه خود را معین نماییم. قرار شد همان شب که شب چهاردهم صفر بود از کاشان حرکت کنیم.

به سوی اصفهان

در ۱۳ صفر - سه از شب گذشته در تاریکی و سکوت شب از کاشان به حرکت افتادیم. نگارنده و مشارالدوله (حکمت) در یک درشکه و دیگران هر دو نفر در یک درشکه. میان کاشان و اصفهان پنج روز در راه بودیم. به علت سرما و فقدان وسایل سفر چندان خوش نگذشت. در وسط راه آقایان ناصرالاسلام و ادیب‌السلطنه به ما ملحق شدند و چون حضرات هیچ‌گونه وسایل سفر نداشتند، به زحمت دیگران افزودند. به خصوص در طرق و گز که منزل کردیم خیلی بد گذشت و میان گز و اصفهان بدی راه مزید زحمت گردید.

در خانه شیبانی

در ۱۸ صفر - بعد از ظهر وارد اصفهان شدیم. نگارنده به منزل سلطان حبیب‌الله خان شیبانی (امیر لشکر شیبانی آینده) وارد شدم. تازه از رختخواب بیماری بلند شده و زخمی که در جنگ با نایب حسین برداشته [بود] کمی التیام یافته بود. سایر رفقا خانه شیخ‌الاسلام رئیس بلدیة اصفهان که از دموکراتهای محل بود وارد شدند. من هم مجبور بودم بیشتر اوقات توقف در اصفهان را منزل شیخ‌الاسلام باشم. مشارالدوله حکمت منزل میرزا قاسم خان رئیس مالیه منزل کرده بود. دوازده روز در اصفهان توقف کردیم. نگارنده بیشتر ساعات بیکاری خود را به دیدن ساختمانها و آثار تاریخی اصفهان صرف می‌نمود.

ورود سلیمان میرزا

شاهزاده سلیمان میرزا سه روز پس از ورود ما به اصفهان با مسیو شوئمان آلمانی وارد شده، خانه امین‌التجار منزل کرد. شاهزاده لدی‌الورود شروع به عملیات انقلابی نمود و همین موضوع باعث شد مخالفت با ما یعنی

کمیته و توقف ما در اصفهان آغاز شود. اهالی بیم آن را داشتند که مبادا توقف ما و عملیات انقلابی به نام کمیته، نیروی روس را به اصفهان جلب نماید. در واقع اهالی هم بی‌حق نبودند.

استعفای کابینه

به محض ورود ما به اصفهان خبر رسید کابینه مستوفی الممالک مستعفی و کابینه جدیدی به ریاست شاهزاده فرمانفرما تشکیل شده و این شاهزاده هیچ‌وقت نظر خوش به ملیون و دموکراتها نداشت. چنان‌که تلگرافی به عنوان یکی از رؤسای اعتدالیون کرده بود که بیش از این گول دموکراتها را نخورده، به تهران مراجعت کنید. از طرفی در اصفهان شهرت داده بودند که دسته‌ای از نیروی روس از قم به عزم تصرف اصفهان حرکت کرده بودند.

علت استعفا

بی‌موقع نیست علت استعفای غیرمنتظره آقای مستوفی الممالک در اینجا ذکر شود؛ روز بعد از ورود ما به کاشان آقایان ارباب کیخسرو و میرزا قاسم خان صور و عدل الملک (دادگر) از طرف آقای مستوفی الممالک از تهران عقب سر ما وارد کاشان شدند و سواد عهدنامه‌ای را که آقای مستوفی الممالک با نمایندگان روس و انگلیس مذاکره و قطع کرده بود که به امضا برسد با خود آورده بودند. آقای مستوفی الممالک آقایان نامبرده را مأمور کرده بود به قم آمده سواد این معاهده را به ما ارائه داده کسب تکلیف کنند. حضرات روز بعد از حرکت ما از قم به آنجا وارد [شدند] و چون ما حرکت کرده بودیم مستقیماً به کاشان آمده بودند. آقای مستوفی الممالک شفاهاً به آنها گفته بود اگر این معاهده قبول و پذیرفته شود خواهد توانست در مقام خود بماند والا اگر پذیرفته نشد تلگرافاً

اطلاع دهند که به فوریت استعفا داده، از فشار روسها خلاص شود و نیز سفارش کرده بود که رونوشت معاهده را غیر از نمایندگان هیچ کس نبیند و نسخه‌ای هم از آن برداشته نشود. بدون فوت وقت نمایندگان حاضر در کاشان جلسه منعقد کرده، رونوشت معاهده را تحت مذاکره و مذاقه قرار دادند. معاهده مشتمل بر پانزده ماده بود. مواد مهم آن از قرار زیر است:

مواد معاهده

- ۱- دولتین روس و انگلیس کلیه قروض ایران را که از آنها یا بانکهای آنها شده به دولت ایران واگذار نمایند.
- ۲- دولتین تا یک ماه پس از جنگ بین‌المللی ماهی سیصد هزار لیره بلاعوض به دولت ایران خواهند پرداخت.
- ۳- کلیه امتیازاتی که دولتین از ۱۹۰۷ به بعد گرفته‌اند واگذار خواهند کرد.
- ۴- عهدنامه ۱۹۰۷ میان روس و انگلیس راجع به ایران ملغی خواهد شد.
- ۵- دولتین از حقوق قونسولی خود در ایران صرف‌نظر خواهند کرد.
- ۶- دولتین مخارج پنجاه هزار قشون را بلاعوض به ایران خواهند داد.
- ۷- دولت انگلیس بحرین را به ایران واگذار خواهد کرد.
- ۸- دولت ایران حق نگاه داشتن یک اسکادران کشتی جنگی در دریای خزر را خواهد داشت.
- ۹- دولت ایران دشمنان دولتین را از خاک خود خارج خواهد کرد.
- ۱۰- دولت روس نیروی کافی به ایران برای خارج کردن دشمنان دولتین خواهد داد. سرکردگی این قشون با پادشاه ایران بود و پس از پایان جنگ قشون دولتین خاک ایران را تخلیه خواهند کرد.
- ۱۱- مؤتلفین دولتین، فرانسه، بلژیک، ایتالیا و ژاپن صحت اجرای مواد عهدنامه را تضمین خواهند کرد.

عقیده نمایندگان

پس از مذاکرات زیاد عقیده نمایندگان این بود جواب داده شود نیروی روس در مواضع خود اقامت داشته تجاوز جدیدی نکند تا آنکه تمام نمایندگان پراکنده شده در اصفهان جمع و رأی قطعی اتخاذ کنند. به محض وصول جواب نمایندگان در جلسه کاشان آقای مستوفی الممالک که در فشار سخت دولتی واقع شده و نیروی روس هر لحظه به تجاوزات خود می افزود و پایتخت در خطر مستقیم واقع بود استعفای خود را تقدیم سلطان احمدشاه نمود و اثر این تغییر به زودی در اصفهان نمایان گردید.

تقدینه بانک شاهی

چهار روز پیش از حرکت از اصفهان آلمانیها با مساعدت شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری شعبه بانک شاهنشاهی را شکسته تقدینه آن را که عبارت از نود و هشت هزار تومان پول نقره بود ضبط کردند. از این مبلغ بیست هزار تومان شاهزاده سلیمان میرزا برای مخارج مجاهدین که تحت حکم او بودند برداشته و مابقی را ژاندارمری برای مخارج جاری خود [در] تصرف گرفت. شاهزاده نامبرده سالارنظام را به موجب حکم کتبی به امضای خودش ولی به نام کمیته دفاع ملی مأمور اجرای این کار کرده بود. در صورتی که اعضای کمیته اطلاعی از جریان امر نداشتند. این عمل و بعضی عملیات تروریستی دیگر که بدون اطلاع کمیته صورت می گرفت کم کم حس مخالفت تولید کرده، به دو دستگی منجر گردید. عده ای از دموکراتها به دستجات مخالف ملحق شدند. صحیح است [که] عمل تصمیم فوری لازم دارد لیکن کمیته همیشه برای مذاکره و اخذ هرگونه تصمیمی حاضر بود. در این موارد حسن نیت تنها کافی نیست باید با صبر و با تدبیر امور را انجام داد. برای مأمورین آلمان که برای خراب کردن و برطرف نمودن منافع روس و انگلیس به ایران آمده بودند این گونه عملیات مسئولیتی نداشت ولی برای کمیته ملی ایران که اعضای آن از

نمایندگان مجلس شورای ملی بودند شایسته نبود بدون تعمق عملیات وحشت آمیز صورت دهند. چنان که همین عمل توقف کمیته را در اصفهان غیرممکن نموده ما را مجدداً به حرکت انداخت. شاهزاده اسکندری تقصیری نداشت و برای چنین کارها ساخته نشده بود. وانگهی همیشه گرفتار احساسات تند بود و از تظاهرات در تندی بی میل نبود و بسا بیان [مطلب] و عمل پیشاپیش فکر او به حرکت می افتاد. خود شاهزاده به مادیات علاقه نداشت و از جاده صحت منحرف نمی گردید. ولی یک عده غیرمسئول مسلح که برای جلب فایده نام «مجاهد» روی خود گذاشته و در اطراف شاهزاده جمع شده بودند آنها بودند که با چپاول، آن هم به نام کمیته ملی نام اشخاص را ضایع می کردند. شاید بهتر آن می بود که از کاشان این عده مجاهدین را به خدا و به نایب حسین سپرده خود کمیته با سایر آقایان نمایندگان که تهران را ترک کرده بودند و یک عده کمی ژاندارم که حاضر خدمت آنها بودند به اصفهان آمده آن شهر تاریخی را مرکز تجمع و مشاوره ملی قرار دهند. در این صورت آقای مستوفی الممالک هم شاید می توانست تا مدتی در رأس دولت باقی بماند. سه چهار روز آخر توقف اصفهان به تدارک سفر پرداختیم. چند رأس اسب برای کمیته خریداری [کردیم] و برای هر یک از نمایندگان مجلس و اعضای کمیته یک اسب و یا یک قاطر سواری اختصاص داده شد، سی رأس قاطر باری هم کرایه شد که برای حمل بار و بنه حاضر باشند. هر کس به میل خود تدارک سفر می دید. برای مخارج هر یک از نمایندگان و اعضای کمیته روزی چهار قران و برای هر یک نوکر دو قران جیره معین شد. زیاده از این مخارج را هر کس می بایستی از جیب خود پردازد.

آثار صفوی

در ایام توقف اصفهان نگارنده موقع را غنیمت شمرده آثار دوره صفوی را خوب تماشا کردم. عمارت چهل ستون و مساجد متعدد و میدان شاه،

همان قدر بر عظمت عهد صفوی می‌افزاید که خرابکاریهای امروزی، دوره شاهزادگان فعلی را شرم‌آور نشان می‌دهد. این آقایان برای حفظ آثار نفیسه قدمی برنداشته بلکه سعی کرده‌اند هرچه زودتر این آثار نابود شود. در بعضی جاها ابنیه تاریخی صفوی را خراب و از مصالح آنها عمارات جدید بی‌مصرف ساخته‌اند و امروز تمام ابنیه و پلهای روی زاینده‌رود که باقی مانده محتاج به تعمیرات فوری است. جای افسوس است که مأمورین دولت به کلی بی‌اعتنا به حفظ آثار تاریخی ایران می‌باشند. عقیده نگارنده بر این است که اصفهان از هر جهت امتیاز دارد. اصفهان با زاینده‌رود و جلگه‌های بارور و وسیع آن ممکن است با مختصر توجه و زحمتی مرکز کشاورزی و بازرگانی کشور باشد. مردم اصفهان بشاش به نظر می‌آیند. نباید فراموش کنیم که تمدن از سواحل رودها سرچشمه گرفته، رود نیل بود که قدیم‌ترین تمدن مصری را به وجود آورد و در سواحل دجله و فرات و کارون و متفرعات آنها بود که تمدن کلدی و آشور و ایران باستان پا به عرصه وجود گذاشت و امروز در قرن بیستم تمدن به کنار رودهای تایمز و سین و دانوب و رن و سایر رودهای اروپا انتقال یافته است.

وصف اصفهان

قدری نزدیکتر از اصفهان صحبت کنیم. آبادی اصفهان بیشتر مرهون زاینده‌رود است. در کنار این رودخانه که ممکن است زمانی از رودهای مهم به شمار رود بیشه‌های خرم، باغهای باصفا، و آبادیهای عالی در سواحل این رودخانه واقع است. از برکت این رودخانه وفور آب و آبادی در داخل و در خارج شهر دیده می‌شود. هر چاهی را که در اصفهان حفر کنید به عمق پنج شش ذرع به آب می‌رسد و این آب ناشی از زاینده‌رود است. به علاوه زاینده‌رود است که هوای اصفهان را تعدیل می‌کند و اگر

شهر پاکتر از این بود و اصول بهداشت امروزی در آنجا رعایت می‌شد اصفهان دارای اقلیمی بس عالی می‌بود. زاینده‌رود اصفهان را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم و خیابان چهارباغ این دو قسمت را با هم و پلهای تاریخی خواجو و اللهوردی خان و سی‌وسه پل آنها را با هم متصل می‌کند، جلفا و تخت پولاد در طرف جنوب و یسار زاینده‌رود واقع است. جلفا ارمنی نشین و دارای یک کلیسای بالنسبه قدیمی است. در داخل کلیسا علاوه بر نقاشیها، فرامین پادشاهان صفوی که به عنوان خلفای ارامنه صادر شده دیده می‌شود. باغها و گردشگاههای اصفهان بیشتر در طرف مغرب شهر و در امتداد رودخانه واقع است. عصرها مردم شهر از هر سو به این تفرجگاهها روی می‌آورند و بسا در آنجا به عیش و نوش مشغول می‌شوند.

ابنیه و پلها

عمده آثار تاریخی اصفهان از زمان صفوی است و عمده این آثار در اطراف میدانی به نام میدان نقش جهان دیده می‌شود. مسجد شاه در قسمت جنوبی این میدان واقع و مسجد شیخ لطف‌الله و عمارت عالی قاپو در این میدان دیده می‌شود. هر قدر از زیبایی و کاشی‌کاری مسجد شیخ لطف‌الله تمجید کنیم کم است. مسجد شاه از شاهکارهای معماری دوره صفوی است. عالی قاپو به امر شاه عباس بنا شده و از عمارات تاریخی است. عمارت چهل ستون از ساختمانهای تاریخی دوره شاه عباس است. در تالار بزرگ این عمارت چند قطعه نقاشی از مجالس بزم و میدانهای رزم شاه عباس دیده می‌شود. مسجد جامع اصفهان از ابنیه تاریخی سلجوقیان است که در اواسط قرن پنجم هجری ساخته شده. پل خواجو و پل اللهوردی خان از شاهکارهای معماری دوره صفوی به شمار می‌رود.

کاروان بی نظم

در ۲۹ صفر ۱۳۳۴ - قبل از ظهر از اصفهان حرکت کردیم. کاروانی بسیار ناجور تشکیل می دادیم، عبارت از ده دوازده نفر نماینده مجلس و یک عده اشخاصی که از قم گرد کمیته دفاع ملی جمع شده بودند و یک عده مجاهد و چند نفر ژاندارم. روی هم رفته سی نفر سوار و سی رأس قاطر بنه، چند نفر هم پیاده به راه افتاده بودند که در یک منزلی برای آنها فکر مال کردیم. در هر صورت کاروانی بی نظم از طریق سردسیر به طرف خوانسار و گلپایگان به راه افتادیم. در قریه الوند، یکی از دهات ظل السلطان خبر دادند که برف زیادی راه را مسدود کرده به قسمی که مسافرت از آن راه امکان پذیر نبوده، می بایستی از راه پایین که راه گلپایگان است برویم. الوندی ها می گفتند یک راه دیگری است از وسط دره موسوم به گذار خاکی که چهار فرسنگ مارا به رحمت آباد کنار جاده گلپایگان می رساند. پس از مذاکرات مصمم شدیم از همان راه که در نظر داشتیم برویم.

گلپایگان - خمین

روز ۳ ربیع الاول - صبح از الوند حرکت کردیم. تا یک فرسنگ راه بالنسبه خوب بود و غفلتاً برف و بوران شروع و طوفان برفی که از جلو می آمد به قسمی سرد شد که سوار را در روی اسب بلند می کرد. تمام روز را در این گذار گرفتار برف و بوران بودیم ولی با سختی جان از سرما تلف نشده از آن گذار سالم خارج و پس از طی دو منزل وارد گلپایگان شدیم. گلپایگان جایی است بسیار کثیف و مخروبه. یک روز در آنجا لنگ کرده روز ۸ ربیع الاول از آنجا به طرف خمین راه افتادیم و پس از دو روز طی راه به خمین رسیدیم. آقا سید محمد کمره ای قبلاً به خمین رفته برای ما جا تهیه کرده بود. یک روز در خمین ماندیم. آب و هوای خمین بالنسبه خوب و به

گلپایگان ترجیح دارد. شب بعد قرار شد نمایندگان مجلس به دیدن امیر مفخم بختیاری به اره که دو فرسنگی خمین است برویم و شب را در آنجا مانده صبح از آنجا به طرف اراک حرکت کرده در یک منزلی به رفقا ملحق شویم.

خانه امیر مفخم

روز ۱۱ ربیع الاول - پیش از ظهر از خمین حرکت کردیم. باران هم به شدت می بارید. زمین گل بود. نیم فرسنگ که راه پیموده بودیم اسب نگارنده در گل غلطیده من را به زمین پرتاب کرد لیکن آسیب زیادی وارد نشد. ناهار را در منزل امیرحشمت کمره ای صرف کرده نزدیک غروب به طرف اَرّه به راه افتاده نیم ساعت از شب گذشته وارد منزل امیر مفخم شدیم. امیر مفخم بختیاری چند سالی است در اره منزل دارد و این محل متعلق به عیالش خواهر امیرحشمت کمره ای است. از قراری که شنیدیم این خانم در خانه داری ممتاز است. تمام کارهای شوهرش را اداره می کند. شیرینی آلات و میوه جات زیاد برای ما آوردند و بعد شام مفصلی دادند. از قرار معلوم امیر مفخم مشغول بنایی مفصلی در اینجا می باشد. چند اطاق را فرش و مزین کرده فرشهای پر بها گسترده و قالیچه های ممتاز به دیوارها نصب کرده بودند. از قرار معلوم خود امیر مفخم در نزدیکی اره مرکز قالی بافی تهیه کرده و استادانی از کرمان آورده و به قالی بافی گماشته است. مفصل با امیر مفخم صحبت کردیم از قرار معلوم کنسول آلمان که در اراک است به اَرّه آمده با او قراری برای گرفتن سوار بختیاری داده است. دو پسر امیر با عده ای سوار حاضر خدمت بر ضد روسها شده اند و خود امیر هم خواهان ریاست کل قوای ایران می باشد. همان مقامی را که قبلاً آقای نظام السلطنه مافی حائز شده است. از قرار مسموع از تهران بختیارها به امیر مفخم نوشته اند که باید بی طرف بماند والا از

طرف روسها صدمه خواهند دید. امیرمفخم به نصیحت آنها گوش نداده برای خدمت آلمانها حاضر شده است.

روسها در دولت آباد

شب را در منزل امیرمفخم خوابیده صبح دو ساعت از روز بالا آمده حرکت کردیم. نزدیک غروب نیم فرسنگی که به منزل داشتیم سوار بختیاری را دیدیم که به سرعت به طرف اره می رفت. از او پرسیدم از کجا می آید؟ گفت از دولت آباد می آیم. قوای ایرانی از روسها شکست خورده متفرق شده اند. دولت آباد به تصرف روسها درآمده، اراک را هم ماژور پوست تخلیه و به طرف بروجرد حرکت کرده است. بدیهی است از این خبر چه حالتی در کاروان ما تولید شد. ما به اراک می رفتیم که از آنجا از جاده مستقیم به دولت آباد و کرمانشاه برویم. حالا می بایستی راه را تغییر داده با تحمل صدمات و مخاطرات از وسط کوههای سربند اراک به بروجرد و از آنجا از طرف نهاوند و کنگاور کهنه به کرمانشاه برویم. در فصل تابستان گذشتن از این راه آسان و بی خطر نیست تا چه رسد به وسط زمستان که کوهها از برف مسدود است. معهذاً شبانه مصمم شدیم به هر قیمتی شده خودمان را از راه سربند به بروجرد برسانیم.

تیراندازی بختیاریها

روز بعد صبح زود بار برداشته از وسط گذار بسیار سخت پر از برف حرکت کرده یک ساعت از شب گذشته به آبادی موسوم به عمارت رسیدیم. این محل کنار راه دولت آباد به خمین واقع است. از اینجا باید راه راکج کرده از دربند قاقم داخل سربند بشویم. شب را در عمارت ماندیم. برف و بوران سختی گرفته بود. صبح زود از عمارت حرکت کرده یک ربع فرسخ راه که پیمودیم به قریه حصار رسیدیم. جلوی کاروان ما که نزدیک

به حصار رسیده و در پای کوه عظیمی واقع شده بود مورد شلیک سختی واقع گردید. اول خیال کردیم ژاندارمهای خودمان تیر می انداختند. بعد شلیک زیاد شد و همه به حالت حاضر باش ایستادیم. پس از چند دقیقه جلوی کاروان ما به سرعت برگشته معلوم شد بختیاریها در آن آبادی متوقف و به طرف ما تیراندازی می کردند. قریب دویست تیر خالی کرده ولی به کسی صدمه وارد نشده بود. ناچار در حصار مانده به سردار بختیاری نامه نوشته خودمان را معرفی کردیم. خان بختیاری در جواب معذرت خواسته و اظهار کرده بود خیال می کردند کاروان ما پیش قراول روس بوده که به طرف آنها حمله کرده بود و قرار گذاشته بود صبح روز بعد خودش آمده ما را به ده ارامنه در دو فرسخی ببرد.

هژبر السلطنه

صبح روز بعد خان نامبرده با ده دوازده سوار به دیدن ما آمد و به اتفاق او به ده ارامنه برای ملاقات هژبر السلطنه بختیاری چهارلنگ رفتیم. تمام راه را اهالی بیچاره دهات از دست غارت سواران هژبر السلطنه شکایت داشتند. این سوارها آمده بودند با روسها جنگ کنند در عوض به چاپیدن مردم مشغول بودند و خود هژبر السلطنه در ده ارامنه به کشیدن تریاک و عیاشی وقت می گذرانید. آن روز و شب را در ده ارامنه مانده و شام را با خود هژبر السلطنه صرف کردیم. آقای هژبر السلطنه رئیس این سوارها خود را به فرقه دموکرات و به دوستی آقایان میرزا احمد قزوینی و میرزاسید محمد کمره ای و سید محمد رضا مساوات نزدیک کرده بود.

مهمان سهم الممالک

صبح روز بعد خبر رسید که روسها وارد اراک شده و یک دسته از نیروی آنها با کشیش ارامنه به طرف خمین ده حرکت کرده اند. ما هم به سرعت از

این ده حرکت کرده ناهار را در دو فرسخی منزل حاجی سهم‌الممالک برادر سهم‌الملک نماینده اراک خوردیم. سهم‌الملک هم در آنجا بود و با ما خصوصیت می‌کرد، اگرچه همیشه با ما در مجلس مخالفت مسلکی می‌نمود. بعد از ظهر از خانه سهم‌الممالک بیرون آمده از داخل جبال سربند به راه افتادیم. سوارهای هژبرالسلطنه جلو رفته برفها را کوبیده جاده را برای ما معین می‌کردند. خود هژبرالسلطنه هم با ما به طرف بروجرد پشت به نیروی روس در حرکت بود.

بارش برف

پنج روز تمام در کوههای سربند کوه‌نوردی و برف‌پیمایی می‌کردیم. راه فوق تصور صعب و خطرناک و در بعضی جاها با بیش از چند ذرع برف مستور و شیبهای غریبی از برف و یخ تشکیل داده بود. سوار و قاطر از بالا به پایین می‌غلطیدند. اغلب ساعات روز و شب برف می‌بارید و از همه بدتر مردم دهات هم از ترس سوارهای بختیاری و چپاول آنها ما را به آبادی خود راه نمی‌دادند.

بروجرد

روز ۱۷ ربیع‌الاول - با مشقت و صدمات فراوان وارد بروجرد شدیم و در دو فرسخی شهر ناهار را منزل خسروخان دهکردی خوردیم. خسروخان از خوانین محل سفره خوبی دارد. هر کس به او وارد شد پذیرایی خوبی از او می‌کند. یک میدان به شهر مانده عزالممالک اردلان و نگارنده به ملاقات علیمردان خان رئیس بیرانوند رفتیم. مردی است مانند اغلب لرها دارای صورت خشن تا حدی غمناک با یک جفت سیل آویزان. به ما می‌گفت چرا محمدعلی شاه را برداشته یک بچه را به جای او گذاشته و کار مملکت را به اینجا کشانیده‌اید. مشروطه یعنی چه؟ مشروطه یعنی

بی انضباطی، بی بزرگی و بی سرداری، بی شاه و بی مملکت داری. این ژاندارمها را چرا به جان اهالی بیچاره انداخته تا خانه آنها را خراب کنند؟ در این زمان نگارنده و حاج عزالممالک به هم نگاه کرده که بالاخره تکلیف ما دو نفر با خان چه خواهد شد. آیا خواهیم توانست به سلامتی از دست او رهایی حاصل کنیم؟ سیدمحمدتقی کاشانی هم در آنجا بود. از قرار معلوم از طرف ماشاءالله خان آمده بود که دختر برادر علیمردان خان را برای پسر ماشاءالله خان خواستگاری کند. بالاخره این وصلت سرگرفت و شبانه آقای مساوات به منزل علیمردان خان آمده و صیغه عقد را اجرا کردند و بدین ترتیب روابط ماشاءالله خان کاشانی با علیمردان خان لرستانی در زمینه راه‌زنی مستحکم گردید.

به سوی نهاوند

دو روز در بروجرد توقف کردیم. هوا چندان بد نبود و برف و بارانی نمی‌آمد. روز بیستم ربیع‌الاول از بروجرد به طرف نهاوند حرکت کردیم. هژبرالسلطنه و سوارهایش در بروجرد ماندند. از این پیشامد خوشحال بودیم که از دست حضرات آسوده شده‌ایم. دیگر صدای فغان مردم از چپاول سواران به گوش ما نمی‌رسید. منزل اول اشترینان و منزل دوم نهاوند بود. در اشترینان ریشهای بلند مردان جلب توجه می‌کرد و زمان فتحعلی شاه قاجار را به خاطر می‌آورد. ریشها اغلب تا نزدیک شال مردان می‌رسید. ورود کاروان ما به نهاوند مصادف با ورود افراد شکست خورده غیرمنظم از فرونت اراک بود. مردم از ترس درب خانه‌های خود را بسته و جا به ما نمی‌دادند.

سالار ناصرزند

در نهاوند شنیدیم کنت کانیس آلمانی خودش را در جنگ ملایر کشته

است. نزدیک غروب به ملاقات ماژور دوماره که از فرونت اراک شکست خورده عقب‌نشینی کرده بود رفتیم. می‌گفت خوب است چند روزی در نهارند بمانیم تا خبر از راهها برسد که آیا می‌توانیم برویم یا خیر. روز بعد سالار ناصر زند مأمور تفتیش راه کنگاور کهنه عازم حرکت بود. ما هم مصمم شدیم با او برویم. به این ترتیب پس از یک روز توقف در نهارند به طرف کرمانشاهان از طریق کنگاور کهنه به راه افتادیم. در یکی دو جا به مسافت کمی از قشون روس گذشتیم.

ورود به صحنه

روز ۲۵ ربیع‌الاول - از گردنه بیدسرخ که موضع مدافعه ژاندارم ایرانی و نیروی عثمانی در مقابل روسها بود گذشتیم. اطراف دره‌ها را سنگربندی کرده مترصد حمله روسها هستند. بیدسرخ برای مدافعه جای محکمی است. ولی معلوم است اگر روسها با قوای کافی حمله کنند مدافعین تاب مقاومت نخواهند داشت. مقارن ظهر همین روز وارد صحنه شدیم. آقای نظام السلطنه پسر کوچکش محمدتقی خان را تا نیم فرسنگی به استقبال ما فرستاده بود. خودش در صحنه متوقف بود. دکتر واسل وزیر مختار آلمان هم در صحنه بود. دو روز در صحنه مانده مهمان آقای نظام السلطنه بودیم. یک دفعه هم دکتر واسل را ملاقات کردیم.

نظریات آلمانها

در اینجا ترتیب کار و اقدامات آلمانها کاملاً معلوم شد. فهمیدیم که آقای نظام السلطنه مافی باکنت کانیس مأمور مخصوص آلمان قراردادی منعقد کرده، ریاست قشون ملی ایران را بر عهده گرفته است. فن درگولتس آلمانی دوروزی به کرمانشاهان آمده مجدداً به بغداد برگشته بود. فن درگولتس کلنل بوپ را از طرف خودش به ریاست اتاماژور قوای ایران در

این قسمت معین کرده و یک عده افسران آلمانی را هم تحت امر او قرار داده است. صندوقی آلمانها برقرار کردند که تمام مخارج قوای ایران از آن صندوق پرداخته شود. اما هنوز هیچ خبری از وعده‌های آلمانها در اعزام نیرو به این قسمت نیست. دیگر آنکه آلمانها حاضر نیستند هیچ‌گونه قرارداد سیاسی با ما منعقد نمایند. دکتر واسل مایل است یک حکومت ملی موقتی ایران در کرمانشاهان تشکیل شود که بتواند زمام امور نیروهای مختلف را در دست بگیرد. پس از دو روز توقف در صحنه تصمیم گرفته شد ما جلو برویم به کرمانشاهان و بعد آقای نظام السلطنه و دکتر واسل بیایند.

به سوی کرمانشاه

روز ۲ ربیع‌الثانی مطابق اول فوریه ۱۹۱۶ - از صحنه به طرف کرمانشاهان حرکت کردیم. منزل اول بیستون است. کوهپاره غریبی است. مثل اینکه تمام آن را تراش داده باشند. حجاری بسیار در این کوهپاره شده ولی آنچه باقی و خوب نمایان است مجسمه‌ای است نفیس که در طرف پایین کوه حجاری شده است. روز چهارم ربیع‌الثانی وارد کرمانشاه شدیم. سوار ایلی بسیار و عده زیادی از معاریف شهر و رؤسای ادارات به استقبال آمده بودند. آقای نظام السلطنه و دکتر واسل دو روز پس از ما وارد کرمانشاه شدند. زندگی ما در کرمانشاه چندان خوش نبود. جای گردش نداشتیم و اغلب می‌بایستی در اطاقهای خفه نشسته از اشخاص مختلف صحبت‌های ناجور بشنویم و به سؤالات مردم که جواب آنها را خودمان هم نمی‌دانستیم پاسخ دهیم. مثلاً برای چه آمده‌اید؟ به کجا می‌روید؟ رفتار آلمانها چگونه است؟ آلمانها چقدر مرد و مهمات خواهند فرستاد؟ با قشون روس چه معامله خواهد شد؟ با چه قوه‌ای از روسها جلوگیری خواهد شد؟ عثمانیها کجا هستند؟ آیا عثمانیها عراق عرب را در مقابل

انگلیسیها حفظ خواهند کرد؟ آیا عثمانیها خواهند توانست به کمک ما بیایند؟ به این گونه سؤالات می‌بایستی جواب بدهیم.

مهارت فرزین در جواب

بعضی از ماها در این گونه محاورات ید طولایی داشتند. مثلاً آقای میرزا محمدعلی خان کلوب (فرزین) می‌توانست ساعتها جواب چنین سؤالاتی را بدهد به طوری که مفهومی نداشته و دروغ هم نباشد. اتفاقاً ما اغلب به ایشان متکی می‌شدیم که از طرف هیئت نمایندگان و اعضای کمیته با اشخاص متفرقه به محاوره و مکالمه پردازند. در یک موقع که ایشان با چند نفر خوانین لرستان صحبت می‌کردند جملات ایشان طوری حضرات را تهییج کرده بود که حاضر به هرگونه فداکاری شده بودند. در کرمانشاه با بودن آقای نظام‌السلطنه و دکتر واسل و فشار دائم روسها و با اخبار موحش که هر روز بلکه هر ساعت از فرونت می‌رسید کمتر محتاج توسل به آقای کلوب می‌شدیم و خود ایشان هم بیش از دیگران در دید و بازدید امساک می‌کردند.

بیست روز در کرمانشاه

توقف ما در کرمانشاه بیست روز بود. هفته آخر به اصرار دکتر واسل هیئتی به نام حکومت موقتی ملی تحت ریاست آقای نظام‌السلطنه تشکیل شد. جمعی از آقایان نمایندگان مجلس ملی در عضویت شرکت کردند. نگارنده از عضویت استنکاف نمود. پیش از آنکه هیئت نامبرده داخل کار شده عرض اندام کند نیروی روس فرونت بیدسرخ را شکسته به طرف کرمانشاهان سرازیر گردید. تخلیه کرمانشاه شکل فرار را به خود گرفت. هر کسی به هر ترتیبی که می‌توانست خود را از شهر و از جلوی روسها دور می‌نمود. روز ورود ما به کرمانشاه عده بسیاری از سوارهای متفرقه و

سوارهای نادری آلمانها به استقبال ما آمده بودند. عده ما مرکب بود از اعضای کمیته دفاع ملی و بعضی از دموکراتهای مهاجر، شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری و میرزا سلیمان خان میکده و چند نفر دیگر که از راه خرم‌آباد آمده بودند و بعد در قصر شیرین ملحق شدند. در یک فرسخی شهر اقبال‌الدوله (غفاری) حاکم کرمانشاه را دیدیم که با یک عده سوار از شهر خارج شده رو به تهران آورده بود. با ما تعارفی هم نکرد. قنسول آلمان و اعضای میسیون آلمان و ایران تا نیم فرسخی به استقبال ما آمده بودند. بدیهی است مردم کرمانشاه انتظار زیادی از ما داشتند ولی اشکالات محلی هم فراوان بود. دسته‌ای از ارتجاعیون محل علیه دموکراتها کار می‌کردند. میان آلمانها و عثمانیها هم باطناً چندان حسن تفاهمی وجود نداشت. آمدن ما قدری دسته ارتجاعیون را سست کرده، اقبال‌الدوله حاکم محل مانند خودش را در شهر صلاح ندانسته به دو فرسخی نقل مکان کرده بود. از اول معلوم بود که توقف ما در کرمانشاه ممتد نمی‌شود. روسها از هر طرف فشار می‌آوردند و کمکی هم از هیچ طرف برای ما نمی‌رسید. نگارنده با چند نفر دیگر در بالاخانه‌های مشرف به میدان مشق بزرگ کرمانشاه متعلق به حاجی ملک که سابقاً اداره بانک شاهنشاهی بود منزل داشتیم.

حکومت موقتی

پنج روز پس از ورود ما به کرمانشاه آقایان میرزا سیدمحمد طباطبایی و ناصرالاسلام و حاجی شیخ اسمعیل گیلانی و جمعی دیگر از آقایان اعتدالیون و هیئت علمیه از راه کنگاور کهنه وارد کرمانشاه شدند. پس از ورود آنها آقایان نمایندگان از هر حزب که بودند در منزل آقای طباطبایی بزرگ جمع شده قطع کردند مرتباً به نظارت امور سیاسی مشغول باشند و از اختلاف نظر حزبی اجتناب نمایند. پس از مذاکرات مفصل چنانکه گفته

شد حکومت موقتی به ریاست آقای نظام‌السلطنه تشکیل گردید. ولی پیش از آنکه این هیئت جامعه عمل به خود برگیرد تخلیه فرونت بیدسرخ و حرکت از کرمانشاهان به میان آمد. در این مدت عملیات نظامی در دست کلنل بوپ آلمانی و صندوق در دست ماژور کیسلینگ آلمانی بود. کلنل نامبرده از روز اول ورود ما به کرمانشاه امیدواری اظهار نمی‌کرد که بتواند بیدسرخ را حفظ نماید. نگاه‌داری مواضع دفاعی قورخانه و مهمات لازم دارد. هیچ کمکی به این بیچاره نمی‌رسید و از طرفی هر روز نیروی روس فزونی می‌یافت و هر قدر دشمن جلوتر می‌آید نیروی او بیشتر می‌آیوس و از هم پاشیده‌تر می‌گردد. تنها عده‌ای سوار در کرمانشاه جمع شده بودند، در شهر نمایش می‌دادند ولی حاضر به رفتن فرونت و جنگ کردن نبودند. بسیاری از رؤسای آنها به نام سوار معلوم و یا غیر معلوم وجوهات می‌گرفتند و به عیش و نوش مشغول بوده و علی‌الظاهر فدایی می‌خواستند با دولت روس جنگ کنند ولی به فرونت هم نمی‌رفتند انسان نزد آلمانها خجالت می‌کشید، بدون جوی خدمت و فداکاری حمله به صندوق ماژور کیسلینگ می‌آوردند.

جنگ ژاندارمها

بختیارهای امیرمفخم نزدیک کنگاور کهنه شکست خورده متفرق شده بودند. در این موقعیت قوه‌ای که فی الحقیقه جنگ می‌کرد قریب دو هزار نفر از ژاندارمهای خودمان بودند. این بیچاره‌ها از پا افتاده و به هیچ قسم کمکی برای آنها نمی‌رسید. وضع آنها فی الحقیقه رقت‌بار بود. لباس زمستانی نداشتند و بعضی از آنها می‌بایستی در کوههای پر از برف پای برهنه جنگ کنند. قورخانه آنها هم تمام شده بود. برعکس روسها همه قسم استعداد داشته و هر روز هم برای آنها کمک می‌رسید. ملیون هم که مشوق این اوضاع بودند به واسطه پیش‌آمدهای نامطبوع کم‌کم می‌آیوس

می‌شدند. از فتح و ظفر دیگر امید زیادی در این قسمت نبود. زیرا نگاه‌داری حال حاضر با این اوضاع مقدور نمی‌شد. وعده‌های آلمانها هم که در تهران و قم و اصفهان می‌دادند همه به نظر حرف می‌رسید و از قرار معلوم اساسی نداشت. بدیهی است قوای مادی و معنوی از طرف ما ضعیف و برعکس از طرف مقابل مستحکم و نیرومند [بود]. به این ترتیب حفظ موضع بیدسرخ مشکل بلکه غیرممکن به نظر می‌رسید و کرمانشاه می‌بایستی تخلیه شود.

به سوی قصر شیرین

روز ۲۳ فوریه - صبح خیلی زود از ناحیه دکتر واسل و کلنل بوپ انتشار داده شد که روز پیش روسها از همه طرف حمله آورده و مدافعین ما پس از مقاومت سختی مجبور به تخلیه بیدسرخ و عقب‌نشینی شده بودند. لذا کرمانشاه می‌بایستی فوراً تخلیه شود. بدین ترتیب که ما بی‌صدا حاضر شده، شبانه به طرف قصر شیرین حرکت کنیم. با وجود ضیق وقت هر قدر که ممکن بود مهاجرین مختصر تهیه خود را تکمیل و برای حرکت حاضر شدند. قرار شد قسمت قسمت حرکت کنند. هر قسمتی از قسمت دیگر مستقل و در فراهم آوردن خوراک نیز مستقل باشند. اشخاصی که بالنسبه بی‌دست و پا بودند جلو حرکت کنند و بعد کسان دیگر به تدریج به راه افتند. آلمانها منتظر شب نشده چهار بعد از ظهر حرکت کردند و بارهای سنگین صعب‌الحرکه خودشان را در عقب گذاشتند که بعد حمل شود. ما هم آقای میرزا سید محمد طباطبایی و جمعی دیگر را در اول شب حرکت دادیم و یک عده از نمایندگان و نگارنده آخرین کسی بودیم که پنج ساعت از نصف شب گذشته از داخل کوچه‌های پرگل کرمانشاه گذشته، از دروازه خارج شدیم. آقای نظام‌السلطنه قبل از ما با اجزای خودش حرکت کرده بود. راهها به واسطه بارانهای پی در پی بسیار خراب و بد بود. میان

ماهی دشت و هارون آباد به قسمی گل و خراب بود که عبور و مرور مشکل گشته بود. تا زانو مال در گل می نشست. این اراضی خاک سیاه و نرمی دارد و به همین واسطه بسیار بارور است. دو منزل ماهی دشت و هارون آباد بسیار بدگذشت. از طرفی کثافت و گل زیاد و از طرفی فقدان منزل صحیح و بدی و کمی آذوقه مسافری را ناراحت نموده بود. نظامیان هم از عقب رسیده جا را بر غیر نظامی تنگ می کردند.

کرنند

از گل هارون آباد که خلاص شدیم و به زمین سخت افتادیم حال ما هم قدری بهتر شد. میان هارون آباد و قصر شیرین بعضی جاهای خوب دیده می شود. مثلاً کرنند جای خوبی است. منظره زیبایی در دامنه کوه دارد ولی با این اوضاع و روحیه خراب خیلی دلپسند نبود. یک روز در کرنند ماندیم. در صورتی که نه خودمان چیزی داشتیم بخوریم و نه خوراکی داشتیم به آنها بدهیم. اهالی کرنند هم با نظر خوش به ما نگاه نمی کردند که به ما کمکی بنمایند. شب هم این قدر در دامنه کوه شلیک تفنگ بود که گویا در فرونت جنگ واقع بودیم. رثوف یک سال گذشته در همین جا جنگی با سنجابی و سایر ایلات غربی ایران کرده و شونمان آلمانی میان را گرفته وسیله اصلاح شده بود. استیضاح تاریخی از فرمانفرما در مجلس برای همین وقایع بود که بعد اهمیت زیادتری احراز نمود.

چند نفر از نمایندگان و نگارنده روز ۲۶ فوریه وارد قصر شده در عمارت مدرسه متعلق به شیرخان معروف رئیس ایل سنجابی منزل کردیم. اینجا دارای منظرخوشی است که به رود الوند و باغ دوستی (کذا) نگاه می کند. دو روز بعد با چند نفر دیگر از نمایندگان و رفقا در کاروانسرای هارون یهودی در وسط قصبه منزل گرفته و در همین محل تا روز حرکت از قصر شیرین منزل داشتیم.

در قصر شیرین

زندگانی قصر شیرین یادگار فراموش نشدنی در زندگانی نگارنده باقی گذاشته است. در چنین محل کوچکی که جمعیت فراوانی از همه جای کشور درهم ریخته و به سختی زندگی می کردند تجربیات و امتحانات اخلاقی و روحی به آسانی فراهم می شود که در جاهای بزرگتر در زمان عادی میسر نیست. در اوایل ورود ما هوای قصر شیرین خشک و معتدل بود مانند هوای اول بهار تهران. اطراف قصبه سبز و خرم، درختان پر از شکوفه و پست و بلندبهای اطراف قصبه مملو از گلهای رنگارنگ. ولی به واسطه کثرت جمعیت که اینجا جمع شده بودند آذوقه سخت بود. به زحمت قرص نان و ماست و خرمایی به دست می آمد ولی به تدریج کار آذوقه سخت تر گردید. اما آن وقت گرمی هوا و زیادتی مگس اذیت را شروع کرد و فقدان بهداشت تب حصبه را شیوع داد.

تهیه صورت مهاجرین

روز پس از ورود نگارنده ملاقاتی از دکتر واسل کردم. اظهار داشت خوب است آقایان نمایندگان و هیئت سیاسی در قصر نمانده مدتی در عراق عرب یا جای دیگر راحت کنند تا وضع نظامی ما تغییر کرده کرمانشاه استرداد شود. این موضوع در هیئت نمایندگان تحت مذاکره قرار گرفت و نظر بر این شد که نمایندگان و سایر مهاجرین بایستی در قصر شیرین مانده همان رویه کرمانشاه را تعقیب کنند. هیئت نمایندگان کمیسیونی به عضویت آقایان مساوات و ناصرالاسلام و نگارنده انتخاب کردند که برای مهاجرین ترتیب موقتی برای کار آنها بگذاریم. پس از چند روز زحمت صورتی از تمام مهاجرین ترتیب داده و بودجه برای آنها معین کردیم و به زحمت و به همت نگارنده مهاجرین بیچاره موقتاً از فلاکت بیرون آمدند، بی دست و پاهای آنها را روانه کاظمین کردیم.

اتحاد میان دسته‌های مختلف

شب عید نوروز دسته عمده‌ای از نمایندگان وعده‌ای دیگر که در بروجرد مانده و خودشان را به راه خرم‌آباد زده بودند وارد شدند. سرگذشت آنها داستانی است تاریخی؛ بیچاره‌ها پس از چند هفته زد و خورد با الوار و دادن تلفات خودشان را به بیچار رسانیده بودند. پس از ورود آقایان به همت آقایان طباطبایی و مساوات و مدرس و میرزا محمدعلی خان کلوب و نگارنده زمینه اتحادی میان مهاجرین و احزاب مختلف فراهم گردید^۱ و این اتحاد در روز اول آوریل ۱۹۱۶ صورت رسمی به خود گرفت. کمیته دفاع ملی که در قم تشکیل شده بود رسماً منفصل و به امضای تمام نمایندگان حاضر و وجوه مهاجرین اعلام گردید که تا پایان جنگ اسم و اختلاف حزب در میان نبوده بلکه تمام ملیون و آزادیخواهان از هر حزب سیاسی که بودند به نام مدافعین وطن علیه دشمن مشترک کار کنند.

میسون برای آلمان و استانبول

چند روز پس از این تصمیم در آوریل هیئت حکومت موقتی و هیئت نمایندگان حاضر در قصر شیرین چنین تصمیم گرفتند که باید میسون به استانبول و برلن فرستاده شود تا در آنجا اطلاعات لازم کسب و رابط میان دولتین عثمانی و آلمان و هیئت حکومت موقتی و هیئت نمایندگان واقع باشد. برای این مأموریت آقای سید محمد صادق طباطبایی را برای استانبول و نگارنده را برای برلن به اتفاق آراء انتخاب کرده و مقرر داشتند که ما هر چه زودتر تهیه خود را دیده تا موقع از دست نرفته حرکت کنیم.^۲ لذا حرکت میسون استانبول و برلن از قصر شیرین در دوازدهم آوریل ۱۹۱۶ مطابق ۲۳ فروردین ۱۲۹۵ صورت گرفت.

۱. برای آگاهی از چگونگی این اتحاد بنگرید به اسناد ضمیمه، سند شماره ۲.

۲. برای آگاهی از چگونگی این تصمیم بنگرید به اسناد ضمیمه، سند شماره ۳.

۲

از قصر شیرین تا بغداد

در خاتقین

روز چهارشنبه ۱۲ آوریل ۱۹۱۶ مطابق ۶ جمادی‌الثانی ۱۳۳۴-سه ساعت بعد از ظهر از قصر شیرین حرکت کردیم. جمعی از آقایان نمایندگان و فوزی بیک آتاشه نظامی عثمانی به مشایعت آمده بودند. هوا ملایم و صاف بود. مقارن غروب از مرز ایران خارج شدیم. مسافرین عبارت بودند از آقایان سید محمد صادق طباطبایی و مشارالدوله حکمت و نگارنده. یک ساعت از شب گذشته وارد خاتقین شدیم. چند نفر سوار از طرف حاکم شهر منتظر ورود ما بوده و منزل هم برای ما معین نموده بودند. ولی ما این منزل را قبول نکرده منزل آقای ناصرالاسلام که مدتی پیش به اینجا آمده و برای خودش تهیه کرده بود وارد شدیم. مستخدمین ما در کاروانسرا منزل گرفتند. سیزدهم آوریل را در خاتقین ماندیم. بعد از ظهر با رفقا در خاتقین گردش کردیم. بازار بالنسبه آبادی دارد. خاتقین از قصر شیرین بزرگتر و آبادتر است، ولی به همان نسبت از آن کثیف‌تر است. پل بزرگ بالنسبه مستحکمی یک نفر ایرانی روی رودخانه ساخته

است. از خانقین تا قصر شیرین چهار فرسنگ و راه بالنسبه خوب و مسطحی است. شب را آقایان سردار محیی و میرزا قاسم خان صور و حاج میرزا یحیی دولت آبادی از قصر بدین جا آمدند و با هم بودیم. چند نفر از آقایان را نیز بین راه ملاقات کردیم. حاکم شهر ابراهیم ادهم که نیز سمت ریاست ژاندارمری را دارد بعد از ظهر به دیدن ما آمد. آدم بدی نیست از «اتحاد اسلام» صحبت می کرد و امیدوار بود که جنگ برای دول اسلامی نتیجه خوبی داشته باشد.

قزل رباط

جمعه ۱۴ آوریل - سه ساعت به ظهر مانده از خانقین حرکت کردیم. از خانقین تا قزل رباط پنج فرسخ است. تمام راه سبز و خرم بود. در بعضی جاهای جلگه گل‌های رنگارنگ زمین را پوشانده فوق‌العاده فرح‌بخش به نظر می‌رسید. نزدیک ظهر باد سختی وزیدن گرفت و تا منزل ادامه داشت. دو نفر ژاندارم عثمانی همراه ما بودند و از وسط راه که پست ژاندارم بود عوض شده دو نفر دیگر جای آنها را گرفتند. سه ساعت بعد از ظهر وارد قزل رباط شدیم. اینجا قصبه کوچکی است دارای یک بازار کوچک و چند کاروانسرا و سه چهار نخلستان. چند نفر از مهاجرین که پیش از ما از قصر حرکت کرده بودند و به طرف بغداد می‌رفتند در یکی از این کاروانسراها منزل داشته ما هم در همان کاروانسرا پیاده شدیم. آقای مشارالدوله حکمت و نگارنده با هم هم خرج هستیم. هرکدام یک پیشخدمت و یک مهتر داریم. فتح‌الله خان جوشقانی کاشانی که مدتی نزد نگارنده در تهران بود در این سفر به همراه است. از او کمال رضایت را دارم.

شهربان

شنبه ۱۵ آوریل - چهار به ظهر مانده [از] قزل رباط برای شهربان حرکت

کردیم. مسافت میان دو منزل قرب پنج فرسنگ است. همه جا سبز و باصفا بود گل‌های رنگارنگ در جلگه سبز چشم را خیره می‌نمود. یک فرسنگ و نیم که به شهربان داشتیم نگارنده در حین تاخت اسب پرت شده صدمه بسیار برداشتم و آن چنین بود که دست اسب داخل سوراخ موش شده و غلطید و من را چند ذرع آن طرفتر پرتاب کرد. ترقوه دست چپ از وسط شکسته دیگر نتوانستم سوار اسب شوم. سوار قاطرینه شده با درد و حال بدی به شهربان رسیده در آنجا بستری شدم.

یعقوبیه

یکشنبه ۱۶ آوریل - به واسطه صدمه دیروز و عارضه تب سخت با یک دستگاه کالسکه در مصاحبت با آقایان حاجی نظم‌السلطنه (برادر آقای حکیم‌الملک) و سالار نظام به طرف بغداد حرکت کردیم. منزل اول یعقوبیه است که قرب هشت فرسنگ از شهربان مسافت دارد. هوا هم گرم بود. تمام این هشت فرسنگ سبز و آباد بود ولی با درد دست و تب سخت که نگارنده داشتم بدیهی [است] به من خیلی خوش نگذشت. یعقوبیه جای بدی به نظر نمی‌آمد. نارنجستان و نخلستان فراوان دارد و اغلب این باغها در طرف چپ رودخانه واقع است. شب را در یعقوبیه توقف کردیم. رفقا هم از شهربان به یعقوبیه رسیدند.

عزالممالک

دوشنبه ۱۷ آوریل - صبح زود از یعقوبیه حرکت کرده مقارن ظهر وارد بغداد شدیم. آقای حاج عزالممالک اردلان نماینده کردستان و چند نفر از رفقا قبلاً وارد بغداد شده بودند. عصر همین روز با آقای حاج عزالممالک به کاظمین و به منزلی که ایشان گرفته بودند رفتیم. رفقا هم روز بعد وارد کاظمین شدند.

در کاظمین

سه‌شنبه ۱۸ آوریل - صبح با حالت تب به بغداد نزد دکتر آلمانی، دکتر هرله، رفتم. دست چپ را پس از راست نمودن ترقوه مستحکم نوار پیچ نموده با حالت تب و درد زیاد به کاظمین برگشتم. از این تاریخ تا دوازده ماه مه بیست و چهار روز گرفتار درد دست و ضعف بودم. در این مدت دو روزی منزل حاج عزالممالک متوقف و پس از ورود آقای مشارالدوله حکمت منزل علیحده گرفتم با ایشان هم منزل بودیم. زندگی کاظمین با وجود کسالت نگارنده و جمع نبودن حواس چندان بد نگذشت. هوا در اوایل معتدل بود و گاهی هم باران می‌بارید ولی کم‌کم رو به گرمی گذاشت به خصوص بعد از ظهر خیلی گرم می‌شد. شبها را بالای بام می‌خوابیدیم و روزها را بیشتر وقت در زیرزمین بسیار گودی صرف وقت می‌کردیم. حال نگارنده که قدری بهتر شد هر دو روز یک مرتبه به بغداد می‌رفتیم. از کاظمین تا بغداد قرب یک فرسنگ فاصله است. کاظمین طرف راست رودخانه و بالای بغداد واقع است. راه آهن بغداد از عقب کاظمین می‌گذرد. در اواسط ماه آوریل رود دجله طغیان فراوان داشت. مانند دریایی در حرکت بود. ولی کم‌کم آب پایین رفته رودخانه به حال عادی برگشت. در روزهای طغیان جسر را از روی رودخانه باز کرده آمد و رفت تنها به وسیله قایقهای محلی و کلکها که به شکل دیگ خیلی بزرگی است صورت می‌گرفت. بعد که آب پایین رفت جسر را مجدداً بر روی رودخانه بسته، آمد و رفت آسان گردید.

تخلیه قصر شیرین

در پایان ماه آوریل کونت‌العماره که مدتی در محاصره نیروی عثمانی بود سقوط کرد و شادمانی عمومی تولید نمود. سه شب در بغداد چراغانی و عمارات را با بیرقها تزئین کرده بودند. ولی چند روزی طول نکشید که نیروی ما در طرف هارون‌آباد با وجود رشادت سواران سنجابی شکست

خورده راه قصر شیرین به روی نیروی روس باز و تخلیه قصر شیرین شروع گردید. آقای نظام‌السلطنه با نمایندگان و آن قسمت از مهاجرین که در قصر بودند به اتفاق افسران آلمانی و عثمانی قصر را تخلیه کرده به تدریج وارد بغداد شدند. فوزی بیک آتاشه عثمانی چند روز پیش به بغداد آمده در هتل دجله منزل گرفته بود. شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری و آقایان مساوات و کزازی و دیگران نیز وارد بغداد و کاظمین شدند.

نظر عثمانیها

۱۴ مه ۱۹۱۶ - پیش از ظهر با آقایان نوبری و مشارالدوله و جمعی دیگر از وجوه مسافرین جلسه‌ای منزل آقای نظام‌السلطنه منعقد کرده مذاکره مفصل در اطراف وضعیت خودمان نمودیم. از قرار معلوم فوزی بیک و دکتر واسل تلگرافات لازم به استانبول و برلن مخابره کرده که هرچه زودتر از طرف دولتین عثمانی و آلمان دعوت از آقای طباطبایی و نگارنده به عمل آید تا مسافرت ما صورت رسمیت به خود گیرد. آقای نظام‌السلطنه از اوضاع خودمان چندان ناراضی نبوده می‌گفت عثمانیها حاضرند با ما قرارداد رسمی ببندند که هر گاه فاتح شدند به ایران و استقلال کشور ما تخطی نکنند. امروز آقایان ادیب‌السلطنه سمیعی و میرزا محمدعلی خان کلوب به کاظمین وارد و در منزل آقایان بقاءالملک و میرزا احمدخان قزوینی که نزدیک منزل ما است وارد شدند. از قراری که امروز گفته شد شاهزاده سلیمان میرزا مبتلا به بیماری مالاریای غش شده است.

اظهارات یکی از علما

دوشنبه ۱۵ مه را در کاظمین و در منزل گذراندم. بیشتر رفقا به بغداد رفته بودند. بعد از ظهر را مدتی با آقای طباطبایی صحبت در اطراف مسافرتی که در پیش داشتیم کردیم. بعد جمعی از رفقا به منزل ما آمدند. یک نفر از

علما که سابقاً در این حدود بر ضد انگلیسیها به عملیات مشغول بوده و اخیراً از همدان و کرمانشاهان آمده اظهار می داشت که نیروی روس متوقف در همدان به یک هزار نفر و در کرمانشاهان و کرند به پنج هزار نفر بالغ است و پیوسته از عقب یعنی از خط رشت و قزوین کمک به آنها می رسد.

طرز زندگی

زندگی ما در کاظمین بدین ترتیب می گذشت که به واسطه گرمی هوا بیشتر ساعات روز را در زیرزمین به سر می بردیم. صبح که از بام پایین می آمدیم پس از شستشو با آب سرد صبحانه می خوردیم که مرکب بود از خامه و شیر و نان و چای. پس از صرف صبحانه دو ساعتی در ایوان جلوی اطاق نشسته و قرب یک ساعت پیش از ظهر به زیرزمین رفته و ناهار را در آنجا می خوردیم. ناهار ما اغلب از تخم مرغ و یک خوراک گوشت و ماست و میوه پخته تشکیل می شد. یک ساعت به غروب مانده که هوا قدری ملایم شده بود از زیرزمین بیرون آمده و پس از شستشو با آب سرد لباس پوشیده برای گردش و یا ملاقات رفقا بیرون می رفتیم. اوایل شب به بالای بام رفته و اگر نسیم بود هوای بام نامطبوع نبود والا گرما و پشه اذیت می کرد. سه از شب گذشته بالای بام شام می خوردیم که عبارت بود از چلو و یک خوراک گوشت و قدری میوه پخته. ماست در کاظمین و بغداد فراوان و ارزان است. پس از شام داخل پشه بند شده می خوابیدیم. آقای مشارالدوله و نگارنده هر کدام یک پشه بند بالنسبه بزرگ داشتیم.

دیدار علما

جمعه ۱۹ مه - پس از صرف صبحانه به دیدن حاج شیخ اسمعیل رشتی رفتیم. آقازاده آیت الله آقامیرزا تقی شیرازی و جمعی دیگر از آقایان علما

منزل ایشان بودند. صحبت های مختلف در میان بود. از وضع کربلا شکایت داشتند. می گفتند دولت به خوبی می توانست کار آنجا را اصلاح کند ولی متأسفانه این کار را به اهمال می گذرانند.

ورود انورپاشا

سه ساعت بعد از ظهر از اداره پلیس اطلاع دادند که انورپاشا پیش از ظهر وارد بغداد شده و یک ساعت به غروب برای زیارت به کاظمین خواهد آمد، خوب است نمایندگان هم به دیدن او بروند. آقایان طباطبایی و میرزا قاسم خان صور و نگارنده تا نزدیک قرائتخانه که خیلی دور از منزل ما نبود تماشاکنان رفتیم. نزدیک به غروب اتومبیل انورپاشا وارد شد. در جلو خلیل پاشا، در طرف راست و سالار معظم پسر آقای نظام السلطنه در طرف چپ و در عقب اتومبیل انورپاشا دست راست و آقای نظام السلطنه دست چپ نشسته بودند. در اتومبیل دیگر فوزی بیگ و سه نفر از افسران ارتش قرار داشتند. اتومبیلها تا درب صحن رفته پیاده شدند. انورپاشا یک شمشیر و یک جلد قرآن از طرف سلطان برای حضرت آورده بود. آقایان مدرس و سردار سعید نیز امروز از یعقوبیه وارد شده آنها را ملاقات کردیم.

تنقید از اشخاص

شنبه ۲۰ مه - صبح با آقایان طباطبایی و مشارالدوله و میرزا قاسم خان سواره به بغداد رفته ناهار را در منزل آقایان سردار محیی و میرزا کریم خان موعود بودیم. آقای سردار مقتدر کاشانی هم بود. بعد از ناهار مذاکره از اوضاع خودمان به میان آمد، تنقید بسیار از اوضاع و از اشخاص می شد. در پایان مذاکرات قرار شد روز بعد جلسه ای از وجوه نمایندگان و مهاجرین در منزل آقای طباطبایی منعقد [شود] و چند نفری را به عنوان کمیسیون برای تعیین تکلیف مهاجرین معین کنند. سه به غروب مانده به

دیدن آقای ناصرالاسلام رفتیم. اول شب در منزل آقای السلطنه کمیونی مرکب از چهار نفر انتخاب شد که در مذاکرات با انورپاشا برای عقد قراردادی با دولت عثمانی شرکت نمایند.

زد و خورد

یکشنبه ۲۱ مه - صبح بر حسب دعوت به منزل آقای طباطبایی رفته چند نفر از وجوه مهاجرین حضور یافته بودند. مذاکرات زیاد شده ولی بدون اخذ نتیجه قبل از ظهر به منزل مراجعت کردیم. طرف عصر در صحن مطهر بودیم. حاج محمدتقی شاهرودی که تازه از کربلا آمده است شرح زد و خورد آنجا را می داد. از قرار گفته ایشان در این زدو خورد میان مردم و مأمورین دولت قرب یکصد نفر تلف شدند. دو کاغذ هم حاجی نامبرده از تهران داشت. از قرار معلوم وضع تهران چندان تغییری نکرده است. در یک کاغذ شریک حاجی می نویسد که اگر سعی به آمدن تهران دارید به آسانی وسایل آن فراهم می شود. اول شب آقای کزازی به منزل ما آمد شکایت از وضع مهاجرین داشت. از قرار معلوم بعضی فی الحقیقه بی تکلیف و پریشان حال هستند و کسی احوالی از آنها نمی پرسید.

مذاکره عهدنامه با عثمانی

دوشنبه ۲۲ مه - عصر را آقای نظام السلطنه دعوت کرده بود که در منزل ایشان رفته مذاکرات با عثمانیها مطرح شود. در این جلسه یادداشت‌هایی برای مذاکرات با انور پاشا تهیه و قرار شد باز روز بعد جلسه منعقد و یادداشتها تکمیل شود. جلسه یک ساعت از شب گذشته ختم و مابقی به جلسه بعد محول شد.

گفته‌های واسل

سه‌شنبه ۲۳ مه، بیستم رجب ۱۳۳۴ - پیش از ظهر تمام وقت را مشغول

تحریر مواد مذاکره با عثمانیها بودیم. کمی پیش از ظهر دکتر واسل به دیدن آقای نظام السلطنه آمده بود می گفت روسها در تهران شهرت داده‌اند که اغلب ملیون و نمایندگان مجلس به دست نیروی روس اسیر شدند. مقارن ظهر مواد مذاکره با عثمانیها تمام شد. یک ساعت پیش از غروب با آقایان سردار سعید و مشارالدوله و خانباخان برای گردش سوار شدیم. کنار رودخانه بی صفا نبود. امروز نزدیک به غروب یک ترن حامل عساکر عثمانی از سامره وارد بغداد شد. قوای عثمانی که از طرف استانبول می آیند تا آنجا که خط آهن هست با ترن و بعد با قایق به سامره که بیست فرسنگی بغداد است آمده و از آنجا با راه آهن به بغداد می آیند. خط آهن از این طرف تا سامره ساخته شده است. باز همین تکه برای حمل نیرو و مهمات جنگی بسیار مهم می باشد.

علی بیگ تونسی

چهارشنبه ۲۴ مه، مطابق با ۲۱ رجب را از چهار ساعت به ظهر مانده تا هشت بعد از ظهر مشغول مذاکره و نوشتن عهدنامه سیاسی و قرارداد نظامی با عثمانیها بودیم. از طرف عثمانیها آقایان فوزی بیگ آتاشه میلیتر سفارت عثمانی در تهران و علی بیگ مشاور حقوقی از اهالی تونس تحصیل کرده پاریس و دکتر در حقوق نماینده بودند. علی بیگ آدمی است باهوش و متین حاضر برای قبول شرایطی که از طرف ما پیشنهاد می شد ولی فوزی بیگ برعکس زیاد از نظریات خودشان طرفداری می کرد. از طرف ما آقایان مدرس و طباطبایی و میرزامحمدعلی خان کلوب و سالار معظم و نگارنده نماینده بودیم. یادداشت‌هایی که روز قبل از طرف ما تهیه و به فرانسه و ترکی ترجمه شده بود پیشنهاد شد و پس از مذاکرات بسیار صورتی متضمن مقدمه طولانی و هشت فصل حاضر و تهیه شد که به نظر و تصویب انورپاشا برسد. قرارداد نظامی هم در ده فصل نوشته و قرار شد این دو قرارداد به زبان فارسی و ترکی نوشته و در

دو نسخه به امضای آقایان نظام السلطنه و انورپاشا مبادله شود. امروز صبح انورپاشا که از کوت مراجعه کرده بود با اتومبیل به طرف خانقین حرکت نمود و از قرار معلوم همین امشب مراجعت می نماید. علی بیک وجوه مهاجرین را دعوت کرده که فردا انورپاشا را در بغداد ملاقات کنند. این دعوت مورد قبول واقع شده است.

ملاقات انورپاشا

پنج شنبه ۲۵ مه - صبح را برای ملاقات انورپاشا از کاظمین تا بغداد سواره با آقای مشارالدوله حکمت رفتیم، از آب گذشته به منزل میرزا کریم خان که نزدیک هتل دجله و در مرکز شهر است وارد شدیم. سایر آقایان نمایندگان و وجوه مهاجرین در آنجا جمع شده بودند. نزدیک ظهر خبر رسید که انورپاشا برای ملاقات آقایان حاضر است. همگی از رودخانه گذشته به عمارتی که سابقاً منزل فن درگلتس بوده و انورپاشا در آنجا وارد شده بود رفتیم. عمارتی است بزرگ دو طبقه در یکی از خیابانهای معروف بغداد. در تالار بزرگ طبقه بالا جمع شدیم. دورتادور این تالار شمشیرهایی که از انگلیسها به غنیمت گرفته چیده بودند. انورپاشا با علی بیک وارد تالار شدند. صفایک مستشار یک یک آقایان را معرفی کرده انورپاشا با هر یک دست داده سپس نزدیک درب ورودی جلوس نمود. پس از تشکر از حضار گفت امروز تمام مسلمانان با هم متحدند و برای یک مقصود عالی خون خود را می ریزند. با وجودی که از توقف آقایان در کشور عثمانی مسرت داریم امیدواریم که عمر اقامت آقایان در اینجا کوتاه بوده و عنقریب با انجام مرام خود به تهران مراجعت خواهند نمود.

قیافه انورپاشا

آقایان طباطبایی و حاجی میرزایحیی دولت آبادی هر یک چند جمله در

جواب اظهار امتنان از خود او و از دولت عثمانی نموده مجلس ختم گردید. انورپاشا جوانی است خوشرو و متوسط القامه شبیه عموی خودش خلیل پاشا والی بغداد، اما از او قدری جوانتر و خوش صورت تر است. پس از خارج شدن از تالار پانزده نفر از ماها را دعوت کرده به ناهار نگاه داشتند. انورپاشا و خلیل پاشا در سر میز مقابل یکدیگر نشسته بودند. هر دو امروز از اشخاص مهم دولت عثمانی می باشند. پس از صرف ناهار آقای طباطبایی و نگارنده به او معرفی شدیم که ما عازم استانبول و برلن می باشیم. اظهار امیدواری نمود که روابط میان دولتین و حکومت موقتی ایران به واسطه اقدامات ما محکم تر گردد. سه به غروب مانده انورپاشا از بغداد به طرف استانبول حرکت نمود.

مخارج مهاجرین

جمعه ۲۶ مه، ۲۳ رجب - یک ساعت به غروب مانده به هیئت که منزل آقای نظام السلطنه در بغداد منعقد می شد رفتیم. سایر اعضای هیئت هم حاضر بودند. موضوع پول در میان بود که بعد از این برای مخارج مهاجرین چه باید کرد. پس از مذاکرات زیاد قرار شد نگارنده در برلن اقدام نموده اگر ممکن شود یک مبلغی به عنوان استقراض برای مخارج مهاجرین و عملیات نظامی و جنگی گرفته شود و ضمناً قرار شد آقای میرزا محمد علی خان کلوب موادی برای تشکیل یک دایره مالیه حاضر کرده در جلسه بعد مطرح مذاکره قرار گیرد. موسیو شولتس آلمانی هم برای خدا حافظی آمده بود. از قرار گفته او میسیون نظامی آلمان و ایران منحل و کارهای این حدود به سرعسکری قشون ششم عثمانی به سرداری کل خلیل پاشا محول گردیده و تقریباً تمام افسران آلمانی عضو میسیون نامبرده رفته اند. از قرار گفته میو شولتس اتریشها شکست سختی به ایتالیاها داده به قسمی که نزدیک است به زودی ایتالیا از هم پاشیده شود. دیگر آنکه فرمانفرما به حکمرانی فارس معین گردیده است.

امضای قرارداد

شنبه ۲۷ مه - رایک ساعت به غروب به هیئت رفتیم. تمام اعضا به استثنای آقای طباطبایی حاضر بودند. اصل قراردادها رؤیت شد. قرارداد سیاسی را چندان تغییری نداده ولی قرارداد نظامی را قدری تغییر داده و امضا کرده بودند. این قرارداد به کلی مطابق میل عثمانیهاست که تا به حال طبق آن رفتار می‌کردند. عثمانیها سفارش کردند که این قراردادها باید محرمانه باشد و به آلمانها هم گفته نشود. این موضوع اسباب ناراحتی هیئت گردید، زیرا آلمانها به خوبی می‌دانستند که ما مشغول مذاکره و نوشتن قراردادی با عثمانیها بودیم.^۱ در این صورت مفاد قرارداد را از آنها پنهان داشتن کار خوبی نبود. درخصوص پول باز مذاکرات زیادی در هیئت شد ولی به هیچ قسم مسئله حل نگردید. عده‌ای از مهاجرین بیچاره مریض و مفلوک و بی‌خرجی مانده‌اند و به علاوه نظامیها و مجاهدین در فرونت جنگ بی‌خرجی در حالت اسفناکی هستند.

ملاقات مدرس

یکشنبه ۲۸ مه - صبح دو ساعتی در منزل آقای طباطبایی با آقای میرزا قاسم خان صرف شد. راجع به اوضاع سیاسی و امور مهاجرین صحبت در میان بود. عقیده آقای طباطبایی بر این است که قراردادها را نباید مخفی نگاه داشت و به خصوص مهاجرین باید از مضمون آنها مطلع شوند. ظهر را با آقای حاج عزالممالک اردلان و جوانی که تازه از کردستان آمده بود نهار در منزل نگارنده صرف شد. جوان نامبرده که از قم با حاج میرزا اسدالله خان نماینده کردستان از طرف کمیته دفاع ملی به کردستان اعزام شده بود شرحی از اوضاع آنجا تا ورود روسها به سنندج نقل می‌کرد. از قرار گفته او مردم آنجا چندان با آلمانها همراهی نداشتند.

۱. برای آگاهی از متن این قرارداد بنگرید به اسناد ضمیمه، سند شماره ۴.

مقارن غروب با آقای طباطبایی به دیدن آقای مدرس رفتیم. مذاکرات راجع به اوضاع در میان بود. عقیده آقای مدرس هم بر این بود که قراردادها را نباید مخفی نگاه داشت. ایشان اصرار دارند که ما باید کفه ترازو را با آلمانها و عثمانیها کاملاً میزان نگاه داریم و برای تأیید و تشیید روابط با آنها آقای طباطبایی و نگارنده هر چه زودتر حرکت کنیم. ما باید در استانبول و برلن وسیله نزدیکی میان دولتین و حکومت موقتی ایران باشیم. از قرار معلوم عثمانیها در این چند روزه شروع به عملیات در جبهه ایران خواهند نمود.

وضع بد مهاجرین

دوشنبه ۲۹ مه - پیش از ظهر را دو ساعتی منزل آقایان میرزا محمدعلی خان کلوب و ادیب السلطنه گذراندم. چند نفر از مهاجرین هم آنجا بودند. مهاجرین بسیار ملول به نظر می‌آمدند. بدیهی است این عقب‌نشینیهای پی‌درپی، آوارگی از خانه و خانواده، بی‌پولی، گرمی هوا، بی‌خبری از کشور بلکه از دنیا زنده‌ترین مردم را سرافکننده و ناامید می‌گرداند، چه رسد به مشتی بیچاره و ناتوان. این ایام از آقایان مهاجرین جز تنقید و اظهار یأس چیز دیگر به گوش نمی‌رسد. عصر یک ساعت به غروب به هیئت رفتیم.

عقاید مدرس

شرحی آقای مدرس بیان کرد که بدین قرار بود:

- ۱- ما باید میان آلمانها و عثمانیها توازن کامل نگاه داریم و نباید هیچ کدام را از خودمان ظنین سازیم.
- ۲- موضوع پول که بسیار مهم است باید بدین ترتیب حل شود که از آلمانها مبلغی به طریق استقراض رسمی دریافت داریم و بدیهی است اگر

آنها به کمک ما ملیون و مهاجرین ایرانی نیازمندند از اعطای چنین استقراضی مضایقه نخواهند داشت.

۳- هر قسم مساعدت فنی به خصوص کمک نظامی و لشکری که به آن محتاج باشیم باید از آلمانها بخواهیم.

۴- عثمانیها را هم هر قسم هست باید همراه نگاه داریم. ولی از آنها کمک مادی و فنی نخواهیم زیرا خود آنها به کمک مادی و معنوی آلمانها محتاجند.

پیشنهاد نظام السلطنه

پیشنهاد آقای مدرس به اتفاق قبول شد. آقای نظام السلطنه اظهار نمود که بعضی تشکیلات نظامی لازم است که باید بدهیم منجمله تشکیل ارکان حرب در بغداد به ریاست یک نفر ایرانی و یک هیئت اتاماژور در فرونت جنگ نیز به ریاست یک نفر ایرانی. پس از مذاکرات لازم سردار مقتدر به ریاست ارکان حرب در بغداد معین و چنین مقرر شد که سه اداره تحت نظر او تأسیس شود. اول اداره جنگ، دوم اداره ملزومات، سوم صندوق نظام و نیز قرار شد اشخاص لایق برای عضویت اتاماژور در نظر گرفته و بعد معرفی شوند.

پس از ختم این مذاکرات آقای مدرس شرحی مفصل راجع به لزوم سرعت حرکت آقای طباطبایی و نگارنده به استانبول و برلن اظهار داشته گفت باید این دو نماینده هرچه زودتر به حرکت افتاده به محل مأموریت خود رفته کیفیت آب را در سرچشمه معین گردانند.

بطالت ایام

سه شنبه ۳۰ مه - تقریباً تمام روز را به خواندن کتاب و صحبت در اطراف وضع مهاجرین گذراندم. زندگی در اینجا صورت غریبی به خود گرفته

هیچ قسم مشغولیات تفریحی هم وجود ندارد، برای مهاجرین زندگی است از روی جبر. آینده تاریک، نه لذتی در حال و نه امیدی به مآل دارند. روزها اگر چه با خورشید تابنده عربستان درخشان ولی برای مهاجرین مانند نیمه شب زمستان سرد و تاریک و غم افزاست. جز یاوه سرایی کار دیگری نداریم. وقتمان به هیچ کار مفیدی صرف نمی شود. وسایل فرهنگی هم فراهم نیست. به علاوه خیال ناراحت با فرهنگ سازگار نمی باشد. چند روزی است کتاب حقوق بین الملل تألیف بن فیس را به دست آورده ساعتی از وقت را به مطالعه آن صرف می نمایم.

چاکوتاهی

از قرار مذکور دیروز یک باطری توپ و پنجاه و پنج عرابه مهمات و چهارصد توپچی به فرونت ایران فرستاده اند. امروز هم یک باطری توپ سنگین با توپچی آلمانی وارد شده است. قاصدی را که شیخ حسین خان چاکوتاهی و واسموس نزد آلمانها فرستاده و تقاضای پول و اسلحه کرده اند ملاقات کردم. چهل روز از تنگستان پیاده از سواحل خلیج فارس و مناطق انگلیسیها گذشته خود را به قشون عثمانی رسانده است. اوضاع آنجاها چندان بد نیست. ژاندارمری هنوز در کار خود مسلط است ولی رئیس کل علیقلی خان خودش را کشته، قوام الملک در بندرعباس بوده و انگلیسیها هم در بوشهر متوقف و دور خود را سیم کشی کرده اند.

نظر مدرس

چهارشنبه ۳۱ مه - صبح زود را به هیئت رفتیم. مذاکرات تشکیلات نظامی در میان بود. سردار مقتدر به ریاست ارکان حرب در بغداد معین شده مشغول تشکیلات مختلف نظامی می باشد. قرار شد اجازه تأسیس یک بیمارستان ایرانی در کاظمین از خلیل پاشا والی بغداد گرفته طبق نظام نامه

شیر و خورشید سرخ که در قم نوشته بودیم دایر گردد. آقای مدرس باز تأکید در سرعت حرکت آقای طباطبایی و نگارنده نمود و اظهار داشت که این موضوع از هر چیز دیگر مهم‌تر و فوری‌تر است. پس از برگشتن از هیئت به دیدن سالار لشکر رفتیم. بیچاره خیلی پژمرده و متألّم است. او هم مانند دیگران بلا تکلیف می‌باشد. از منزل سالار لشکر به دیدن حاج عزالممالک رفتیم. مسیب خان در آنجا بود. شرحی از قول یکی از افسران ژاندارم که شب پیش از فرونت ایران آمده بود نقل می‌کرد. از قرار معلوم پیش قراولی قشون عثمانی به عهده ژاندارمهای ایرانی است. هر روز در جلوی فرونت تیراندازی زیادی می‌شود. نیروی روس میان قلعه سبزی سرحد عثمانی و کردند بالغ بر پانزده هزار و قوای عثمانی کمی پیش‌تر از این میزان می‌باشد.

جنگ دموکرات و اعتدال

اول شب را با آقای سیدحسین کزازی و چند نفر دیگر از مهاجرین صحبت کنار گذاشتن موقتی اختلافات حزبی و متحد شدن همگی در راه مقصود بود. به عقیده این آقایان دموکراتها بی‌خود از کارهای حزبی کناره‌گیری کرده و از منازعات حزبی دست برداشته‌اند. هر قدر خواستم این آقایان را قانع کنم که امروز صلاح مملکت و مردم ایران بر این بوده که متحد باشند و بر ضد دشمن همکاری نمایند قانع نشدند. مثل این که هنوز آقایان از وخامت اوضاع برخوردار نگشته و خیال می‌کنند باز جنگ دموکرات و اعتدال و مناقشات داخلی ما را به شاهراه موفقیت نائل می‌گرداند.

مذاکرات با عثمانی

پنجشنبه اول ژوئن ۱۹۱۶، مطابق با ۲۹ رجب ۱۳۳۴ - صبح جلسه‌ای از

آقایان نمایندگان مجلس در منزل آقای نظام‌السلطنه منعقد گردید. موضوع صحبت نتیجه مذاکراتی بود که ایشان با عثمانیها کرده بودند. خلاصه اینکه عثمانیها حاضر بودند هرگونه مساعدتی به ما بنمایند و مذاکرات عهدنامه نظامی هم طبق دلخواه طرفین خاتمه پیدا کند. بدین ترتیب امید حاصل است پیشرفتی به طرف کرمانشاه نصیب ما بشود. سپس مذاکره در خصوص بودجه مهاجرین به میان آمد. کمیسیونی انتخاب شد در بودجه گذشته تجدید نظر به عمل آورده و اشخاص جدیدی از مهاجرین را که نامشان در صورت بودجه گذشته نبوده ضمیمه کنند و مبلغی نقد از آقای ادیب السلطنه که متصدی امور بودجه بوده دریافت دارند. ظهر را آقای سردار سعید منزل اینجانب به ناهار دعوت داشت، کالسه‌ای خریده و می‌خواهد با میرزا سلیمان خان می‌کده به طرف استانبول حرکت کند. یک ساعت به غروب مانده با آقای مشارالدوله حکمت سوار شدیم. در کنار دجله مدتی سوار می‌رفتیم. بسیار با صفا بود ولی افسوس که آب دجله خیلی پایین رفته است. از آن روزی که ما وارد شدیم تا امروز لااقل شش متر آب فرو رفته و اصلاً دیگر طغیانی ندارد. اول شب آقای طباطبایی را ملاقات کردم. ایشان خیال دارند پدر و مادر و تمام فامیل خودشان را که اینجا هستند به طرف استانبول حرکت دهند یعنی با خورد بدانجا ببرند. در اطراف مسافرت خودمان قدری صحبت کرده به منزل برگشتم.

حرکت به بغداد

جمعه ۲ ژوئن - با آقایان طباطبایی و مشارالدوله به بغداد رفتیم. اول از شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری احوال‌پرسی کردیم. حالش خیلی بهتر و تب به کلی قطع شده ولی ضعف بر او مستولی است. آقای مساوات و جمعی دیگر در آنجا بودند. دو ساعت پیش از ظهر به دیدن دکتر واسل و فوزی بیک رفتیم. دکتر واسل اظهار کرد که همین ساعت تلگرافی مبنی بر دعوت نگارنده از برلن رسیده و انتظار ورود و ملاقات شما را دارند.

خوب است در استانبول با کمیته «ژون ترک» تماس گرفته با آنها آشنا [شوید] و از نظریات آنها اطلاع پیدا کنید. خود دکتر واسل از رفتن نگارنده به برلن و آقای طباطبایی به استانبول اظهار خوشحالی می نمود. قبل از پایان خداحافظی با او سفارش می نمود در برلن هر قدر که می توانید اشکالات را که در اینجا داریم ذکر و در رفع آنها مجاهدت نمایید و دانسته باشید که وجود شما در برلن من را نیز در اینجا تقویت خواهد کرد. از منزل دکتر واسل به منزل فوزی بیک رفتیم با او قدری صحبت سیاسی به میان آمد. اظهار مسرت می نمود که کار ایران خوب و امور نظامی با موفقیت در جریان بوده. می گفت به آقایان نمایندگان مجلس هر کدام یک قبضه تفنگ از طرف دولت عثمانی هدیه داده خواهد شد و احتمال کلی دارد که به هر یک نشان نیز داده شود. از منزل فوزی بیک به منزل آقای ناصرالاسلام رفته موضوع تلگراف برلن را به ایشان گفتم. قرار شد ایشان هم بعد از ظهر به دیدن دکتر واسل بروند. ساعت چهار بعد از ظهر به هیئت رفتیم. دکتر واسل هم در همان ساعت وارد آنجا شد. باز تأکید کرد که هر چه زودتر حرکت کنم. کمی از شب گذشته به کاظمین مراجعت کردم.

استقراض

شنبه ۳ ژوئن اول شعبان - صبح به هیئت رفتیم مذاکرات طولانی در اطراف بودجه مهاجرین صورت گرفت. قرار شد وجه کمی موقتاً از آلمانها قرض شود تا پس از ورود نگارنده به برلن وجه عمده تری به طریق استقراض از آنها خواسته شود و اگر آلمانها عجلتاً از دادن یک مختصر وجهی استنکاف کردند آن وقت از عثمانیها همان وجه به عنوان استقراض موقتی درخواست شود.

قوای ایران در جنگ

با وضع فعلی اگر خرجی به ژاندارم و قوای چریک نرسد متفرق خواهند

شد. یک ساعت به غروب مانده با آقای طباطبایی به بغداد رفتیم. شب را در منزل آقای نظام السلطنه با جمعی از وجوه نمایندگان مجلس و مهاجرین بودیم. شرح مفصلی راجع به مسافرت و مأموریت آقای طباطبایی و اینجانب و اقداماتی که می بایستی در استانبول و برلن به عمل آید در میان بود. آقای نظام السلطنه مفصلاً تاریخ معامله با آلمانها [را] بیان کرده و نیز از نظریاتی که نظامیان و دیپلماتهای آلمانی نسبت به ایران داشتند بیان کرده. از قرار معلوم دکتر واسل اصرار داشت که قوای ایران رسماً در جنگ شرکت کرده اسم ایران در میان باشد. ولی نظامیان آلمانی قوای ایرانی را برای شرکت در جنگ مفید ندانسته مایل بودند به کمک دولت خودشان نیرویی در ایران به وجود آید. از قرار معلوم دولت آلمان هنوز تصمیمی اتخاذ نکرده بود. ولی بدیهی است چون فکر نظامیان در زمان جنگ پیشرفت بیشتری دارد بنابراین تشکیل نیرویی بدین ترتیب در ایران چندان بعید به نظر نمی رسید.

هشت شرط

یکشنبه ۴ ژوئن - صبح زود به تکمیل مذاکرات دیشب پرداخته به طریق زیر [نتیجه] گرفته شد:

اول - تقویت عقیده دکتر واسل در خصوص تقویت قوای ایران در حالت حاضر.

دوم - اهمیت دادن به فرونت ایران و لزوم اعزام افسران و مهمات جنگی از آلمان به این فرونت.

سوم - لزوم تشکیل افواج ایرانی تحت ریاست خود ایرانیها و خواستن افسران کافی از آلمان به طریق استخدام در قشون ایران.

چهارم - لزوم درخواست وجهی به عنوان استقراض از دولت آلمان.

پنجم - رساندن معاهده اخیر میان آقایان انورپاشا و نظام السلطنه به امضای سلطان عثمانی.

ششم - اقدامات مجدانه در استانبول و برلن در تقویت از حکومت و هیئت موقتی مهاجرین.

هفتم - اقدامات برای انعقاد یک قرارداد میان آلمان و اتریش و عثمانی و ایران.

هشتم - رسمیت دادن به قراردادی که در بروجرده میان آقای نظام‌السلطنه و کنت کانتیس بسته شده.

قرارداد با نظام‌السلطنه

از قراری که گفته می‌شد کنت کانتیس متوفی در بروجرده دو قرارداد با آقای نظام‌السلطنه منعقد نموده بود. یکی به تاریخ شانزدهم و دیگری به تاریخ بیست و هشتم دسامبر ۱۹۱۵. در قرارداد اول استقلال ایران را به شرط تا بیست سال تضمین و در قرارداد بعدی ریاست عالی نظام‌السلطنه را بر قوای ایران تعیین و تثبیت نموده بود.

عصر را مفصلاً با فوزی بیک صحبت کردیم. عقیده او این است که قشون ایران باید به دست عثمانی مرتب گردد. صفاییک را نیز ملاقات کرده او هم منتظر دستور بود.

قصد حلب

دوشنبه ۵ ژوئن - پیش از ظهر با آقای مشارالدوله حکمت به بغداد رفتیم. برای تعویض پول و اخذ حواله به خارج به شعبه دوچ بانک آلمان در بغداد مراجعه کرده چند نفر از توپچیهای آلمانی برای اخذ حقوق خود به بانک آمده بودند. قرب دو ماه است که ابداً پول طلا از بانک بیرون نمی‌آید و حوالات را هم با اشکال و با پول کاغذ می‌پردازند. بعد از ظهر را قدری در بازار بغداد گردش کرده به هیئت که در منزل آقای نظام‌السلطنه منعقد بود رفتیم. فوزی بیک هم در آنجا بود. نوشته‌ای از خلیل پاشا والی بغداد رسیده سفارش به مأمورین عرض راه نموده و دستور داده است که میان

بغداد و حلب پست به پست ژاندارمها با ما بوده ما را به سلامت به حلب برسانند.

حمله به عثمانی

به قرار خبری که امروز از فرونت ایران رسیده زد و خورد سختی اخیراً میان روسها و عثمانیها درگیر بوده روسها از سه طرف به عثمانیها حمله می‌کنند. اول جناح راست روسها تا قزل رباط رسیده ولی پس از یک مصادمه سختی روسها شکست خورده عقب می‌کشند. تلفات روسها زیاد بوده مقدار مهمی مهمات از قبیل توپ و تفنگ به دست عثمانیها می‌افتد و نیز یک بیرق، عثمانیها به غنیمت می‌گیرند.

انصراف از عقاید حزبی

سه شنبه ۶ ژوئن - صبح را جمعی از دوستان منجمله آقایان نوبری و سهام‌الدوله و خانباخان و عماد خلوت به دیدن اینجانب آمدند. شرحی در لزوم سرعت حرکت اینجانب ذکر کرده، معتقد بودند که می‌بایستی کمیته تشکیل شده از رفتن مهاجرین به حلب جلوگیری کنند و حتی عقیده مند بودند که [از] آقایان میرزاسلیمان خان و حاجی نظم‌السلطنه و چند نفر دیگر که تهیه حرکت خود را دیده و در شرف حرکت می‌باشند جلوگیری شود. شرحی به طریق نصیحت با آقایان در میان گذاشتم. من جمله می‌بایستی از تنقید عثمانیها با آلمانها خودداری شود و حتی القوه از تنقیدات شخصی و عقاید حزبی اجتناب ورزند و دیگر آنکه از مهاجرین بی‌بضاعت و بی‌دست و پا که خود را به اینجا رسانده‌اند حتی المقدور دستگیری و مساعدت بشود.

راه حلب

از قراری که خبر رسیده راه حلب را از طریق فلوجه آب گرفته از آن راه

نمی‌شود رفت، باید از راه سامره و رأس العین برویم. می‌بایستی با اداره ژاندارمری در این باب مذاکره کرده و هر راهی را که آنها صلاح دانسته انتخاب کنیم. آقای شهرستانی را نیز ملاقات کرده قرار شد ایشان هم از طرف خود به آقایان مجتهدین که با ایشان تماس دارند سفارش لازم کرده که اگر مسافرت ما در بین راه به اشکالی برخورد کرد از مساعدت مضایقه نمایند.

افسر عثمانی

امروز فوزی بیک حکایتی بسیار مهیج از یک افسر عثمانی می‌کرد و می‌گفت که در طرف کوت‌العماره افسری زخم منکری برمی‌دارد کاغذ و مرکب می‌طلبد. کاغذ موجود نبوده یک پاکت استعمال شده برای او می‌آورند. روی آن پاکت می‌نویسد من می‌روم. فوج من از دشمن انتقام بگیرد. دو دفعه این جمله را تکرار کرده در دفعه سوم قلم از دستش افتاده جان می‌سپارد. همان پاکت خون‌آلود را به استانبول فرستاده که پس از ملاحظه حضرت سلطان به موزه استانبول سپرده شود.

بودجه مهاجرین

چهارشنبه ۷ ژوئن - صبح به دیدن آقای مدرس رفتیم. شرحی نصیحت می‌داد و می‌گفت خوب است در این مسافرت به خصوص از مردم بد پرهیز کنید و حسن ظن را کنار بگذارید، سوءظن زیاد هم نداشته باشید. پس از آن کمیسیون بودجه در منزل ایشان منعقد شد. اینجانب را هم برای کمک نگاه داشته یک صورت بر دو صورت سابق که در قصر شیرین ترتیب داده بودند افزوده شد. روی هم رفته بودجه مهاجرین به ماهی دو هزار لیره بالغ می‌شود و ماهی یکصد لیره هم برای بیمارستان جدیدالتاسیس تصویب گردید. این بودجه خارج از مخارج نظام از قبیل ژاندارمری و سوارهای ایلی و دسته‌های مجاهد جنگی می‌باشد.

شام خداحافظی

امشب را آقای نظام‌السلطنه شامی برای خداحافظی ما ترتیب داده از وجوه مهاجرین دعوت شده بود. یک ساعت از شب گذشته با آقایان طباطبایی و مشارالدوله حکمت بدین شام رفتیم. در سر شام آقای نظام‌السلطنه نطق مفصلی ایراد و ضمناً تاریخی از معاملات خود با آلمانها و عثمانیها و رفتار آلمانها با ایرانیان بیان نمود. آمدن انور پاشا تا حدی مفید بود و زمینه بهتری را برای ما تهیه نمود. امیدواری زیادی نسبت به مذاکرات ما در استانبول و برلن در میان مهاجرین می‌باشد تا بلکه زمینه قرارداد بهتری برای حصول به هدف با آلمانها و عثمانیها فراهم گردد. از طرف آقای طباطبایی و اینجانب جوابی ایراد و پس از صرف شام مجلس ختم گردید.

سوءظن به سلیمان میرزا

پنجشنبه ۸ ژوئن - پیش از ظهر به اتفاق آقای طباطبایی برای خرید لوازم سفر به بغداد رفتیم. کار خرید جنس بسیار سخت شده دکاندارها از ترس پول کاغذ جنسهای خودشان را پنهان می‌کنند و پس از آنکه مطمئن شدند که خریدار پول کاغذ نخواهد داد آن وقت جنس خودشان را آورده نشان می‌دهند. اسکناس را به هیچ وجه قبول نمی‌کنند. سپس به دیدن شاهزاده سلیمان میرزا رفته حالش بهتر است. چند روز است دو نفر پلیس مخفی درب خانه او گذاشته‌اند. از قرار معلوم دولت از او و از بعضی اشخاص که به منزل او تردد می‌کنند سوءظن پیدا کرده. اینجانب قدری به شاهزاده و آقای اردبیلی و اشخاص دیگر که آنجا بودند به طریق نصیحت یادآوری کردم که خودشان را با اوضاع وقت توافق داده، سوءظن عثمانیها را مرتفع نمایند. عصر را به هیئت رفته اصرار داشتند که روز بعد می‌بایستی حرکت کنیم. پس از آن برای گذرنامه به اداره نظمیہ رفتیم و پس از انجام کار گذرنامه به کاظمین مراجعت کردیم.

شکرالله خان و محمدکریم خان

جمعه ۹ ژوئن - صبح به هیئت رفتیم. از قرار مذکور خلیل پاشا به فرونت ایران رفته است و امروز حمله به روسها شروع می شود. از قرار مسموع یک قسمت کربلا را آب گرفته و عده بسیاری در آنجا تلف شده اند. پیش از ظهر فوزی بیک آمد تازه مهمی نداشت جز این که می گفت عنقریب قشون عثمانی جلو خواهد رفت. نزدیک غروب آقایان شکرالله خان و محمدکریم خان اصفهانی را ملاقات کردم. این آقایان هر دو در این راه ملی زحمت زیاد کشیده و خسارات عمده هم متحمل شده، سوارهایی برای کمک به ملیون با خود آورده بودند. سوارهای آنها به کلی متفرق شده و خودشان حالا با یک عسرتی در کاظمین زندگی می کنند. امشب خبر فتح قصر شیرین رسیده است. از صبح تا شب جنگ در تمام این فرونت ادامه داشته ژاندارمهای ما و عثمانیها در حال حمله می باشند.

مأمورین ایران

شنبه ۱۰ ژوئن - با آقای طباطبایی به بغداد رفته اول آقای مکرم السلطان قنصل ژنرال ایران را برای خداحافظی ملاقات و ضمناً گذرنامه های خود را به توسط ایشان تکمیل نمودیم. مکرم السلطان شکایت از ناخوشی می کرد. خود و برادرش هر دو مبتلا به مالاریا شده اند. در سیاست خودش را بی طرف نگاه داشته است. اوضاع عراق عرب برای مأمورین ایرانی که پست خدمات سیاسی دارند خیلی دقیق و مشکل شده. از یک طرف وضع کربلا و نجف و سرپیچی اعراب شیعه از دادن عسکر و از طرفی روابطی که اخیراً مهاجرین با دولت عثمانی ایجاد کرده و از طرف دیگر بی طرفی دولت ایران در این جنگ هر کدام محظوری است مهم. صاحبان درشکه های کرایه ای حاضر شده اند ما را از راه دیر به حلب ببرند و همان نرخ درشکه چهل لیره دریافت دارند. نزدیک به غروب خبر

رسید قشون عثمانی به پاتاق رسیده و روسها پیوسته در حال عقب نشینی می باشند. عثمانیها امیدوارند عنقریب به کرمانشاه برسند و اگر نیروی روسها زیاد نشود به همدان هم نزدیک شوند.

آلمانیها در بغداد

یکشنبه ۱۱ ژوئن - بیشتر وقت را با آقایان ادیب السلطنه و طباطبایی گذرانندیم. قاصدی از طرف سلطان حبیب الله خان شیبانی از قزل رباط رسیده کسب تکلیف کرده است. آلمانیها و آسوریها [؟] کلاً به بغداد آمده مسئولیت تمام کارها را به ایشان واگذار کرده اند. وضع آنجا خوب نبوده و فکر ایشان از این جهت بسیار ناراحت است. همین امروز پیش از ظهر خبر رسید که بیست و دو دیویزیون قشون روس به طرف مرزهای عراق عرب در حرکت است. این خبر اعصاب را ناراحت نموده به علاوه گرمی هوا مزید ناراحتی گشته است. امروز بعد از ظهر حرارت در سایه به ۴۲ درجه سانتیگراد رسیده است، در صورتی که هنوز گرمای خرما که به آخرین درجه حرارت برای شیرین کردن و رسانیدن خرما می رسد شروع نشده است. گرمای خرما در این صفحات معروف است و تقریباً مقارن می شود با قلب الاسد در ایران.

کارهای نظامی - مسائل اقتصادی

دوشنبه ۱۲ ژوئن - صبح زود به هیئت رفتیم. قرار شد فردا برای خداحافظی با آقای طباطبایی به هیئت بیایم. پس از آن با آقای طباطبایی برای خداحافظی با وجوه مهاجرین و دیگران به گردش افتادیم. برای ملاقات فوزی بیک رفتیم منزل نبود. دکتر واسل را ملاقات و با او خداحافظی کردیم. اصرار داشت مذاکرات با عثمانیها بدون اطلاع دولت

۱. شاید منظور Austrians = اطریشی ها باشد.

آلمان نباید صورت گیرد. می‌گفت با فوزی بیک ملاقات کرده او چنین نظر دارد که کارهای نظامی ایران با عثمانیها و مسائل اقتصادی با آلمانها باشد. دکتر واسل این نظر را به کلی رد کرده که اگر اینطور باشد ماندن او ثمری ندارد. از فوزی بیک تعریف می‌کرد که بسیار شخص فهمیده و خوبی است. سپس صفایک را نیز ملاقات کردیم.

شیبانیهای کاظمین

امروز با پسر برادر کلیددارباشی کاظمین راجع به شیبانیهای کاظمین صحبت کردم. شیخ عبدالمجید کلیددار کاظمین رئیس طایفه شیبانی اینجا است. قرب یکصد مرد در این خانواده در کاظمین یافت می‌شود با شیبانیهای مکه روابط صمیمانه نزدیک دارند.

فرونت قفقاز و ایران

سه‌شنبه ۱۳ ژوئن - امروز با آقای طباطبایی به هیت که منزل آقای نظام‌السلطنه منعقد بود رفتیم. باز ایشان نطق مفصلی ایراد نمود. خلاصه‌اش اینکه اوضاع سیاسی و نظامی و اقتصادی ما رضایت‌بخش نیست و از قرار مذکور متجاوز از پانزده هزار نفر از نیروی روس برای فرونت قفقاز و ایران تعیین شده و احتمال قوی می‌رود که عنقریب روسها به حملات سخت مبادرت کنند و حتی کار عراق عرب را نیز یکسره نمایند. پس باید علاج واقعه را قبل از وقوع صورت داد. در استانبول و برلن باید اقدامات جدی به عمل آید و تا نیروی این طرف از طرف دولتین عثمانی و آلمان تقویت نیابد ایران پایمال نیروی دشمن خواهد بود. درخصوص استقراض هم اقدامات جدی باید به عمل آید تا وضع فلاکت‌آمیز مهاجرین رفع شود. اگر چند صباحی بدین منوال بگذرد رشته امور به کلی از هم گسیخته خواهد شد.

اسلحه‌های انگلیسها

ابلاغیه امروز عثمانیها خبر مختصر پیشرفتی را در کوههای کلهر می‌دهد. بعد از نهار اینجانب به منزل آقای سردار مقتدر رفتم. رئیس کارخانه اسلحه‌سازی عثمانیها که فارسی را هم خوب حرف می‌زد آنجا بود. می‌گفت انگلیسها در کورت‌العماره توپخانه خودشان را به کلی خراب کرده که قابل تعمیر نبوده و توپهای خیلی سنگین را در رودخانه انداخته بودند و محتمل است بشود آنها را از آب بیرون آورده و به کار انداخت. قسمت عمده از تفنگهای خودشان را با نفت آتش زده بودند ولی معهذا یک عده تفنگ بی‌عیب و سالم به دست نیروی عثمانی افتاده. توپهای مسلسل آنها را هم خوب می‌شود تعمیر کرده و به کار انداخت. سه به غروب مانده با آقای طباطبایی به اداره نظمی و ژاندارمری رفتیم. سفارشات لازم را برای مسافرت تا حلب گرفتیم. حرکت ما به فردا موکول شده. آقایان میرزاسلیمان خان می‌کده و سردار سعید امروز حرکت کردند.

خداحافظی

چهارشنبه ۱۴ ژوئن - پیش از حرکت وقت را به ملاقات دوستان و خداحافظی با آنها صرف کردم. صبح زود آقایان ادیب‌السلطنه و میرزا محمدعلی خان کلوب و آقای حاج شیخ اسمعیل رشتی و بقاءالملک (سمعی) و طبیب زاده و عارف و سیدفاضل کاشانی و نواب التولیه یزدی تمام را دیدن کردم. احساسات دوستانه نسبت به اینجانب ابراز می‌کردند. خلاصه اظهارات تمام آقایان این بود:

خلاصه اظهارات

اول مجاهدت در تضمین استقلال کامل ایران توسط دولتین آلمان و عثمانی؛ دوم سعی در استقرار روابط دوستانه و صحیحی میان هیئت

مهاجرین و آزادی خواهان ایران و دولتین آلمان و عثمانی مادامی که جنگ ادامه دارد؛ سوم سعی کافی در استانبول و برلن برای ایجاد یک مؤسسه شیر و خورشید بین المللی برای ایران؛ چهارم کوشش کافی به خصوص در برلن برای اعزام افسران آلمانی و مهمات برای فرونت ایران.

حرکت به بغداد

سه به غروب مانده پس از جمع آوری اثاثیه سفر با درشکه به طرف بغداد حرکت کردم. دو به غروب مانده به ایستگاه عربانه راه کربلا رسیده و در آنجا مدتی منتظر آقای طباطبایی و خانواده شان بودم که با آنها حرکت کنیم. آقای سیف الممالک هم امروز به ما ملحق شده به استانبول می آید. در اینجا مفصل با آقای میرزا قاسم خان صور صحبت شد. خیلی اصرار دارد که میان اینجانب و آقای طباطبایی روابط حسنه برقرار باشد و در این سفر اختلاف نظری به میان نیاید. نزدیک به غروب آقای طباطبایی و خانواده وارد [شدند] و با آنها به طرف حلب حرکت کردیم.

۳

از بغداد تا استانبول

راه از بغداد کهنه پس از گذشتن از قبرستانهای زیاد ماریچ از راه آهن بغداد گذشته به طرف شمال غرب و رودخانه فرات روان می شود. شب مهتاب خوبی و هوا هم بالنسبه ملایم بود. یک نفر ژاندارم سوار هم همراه داشتیم. پس از شش ساعت طی راه به محلی که به نقطه معروف شده رسیدیم. پس از دو ساعت توقف در نقطه به طرف فلوجه به راه افتادیم.

وصف راه

پنجشنبه ۱۵ ژوئن ۱۹۱۶ مطابق ۱۳ شعبان ۱۳۳۴- دو ساعت از آفتاب بالا آمده وارد فلوجه شده و مستقیماً به کنار رود فرات رفتیم. دفعه اول است که رودخانه فرات را می بینم. باید بدانیم که این رودخانه بزرگترین رودی است در این قسمت غربی آسیا و از قلب ارمنستان نزدیک ارض روم و دریاچه وان سرچشمه گرفته، پس از طی قریب چهارصد فرسنگ در قرنه با رود دجله ملحق و شط العرب را که یک دریای پر جریان است به وجود [می آورد] و بعداً داخل خلیج فارس می شود. آب این رودخانه مانند آب دجله گل آلود و خطش دارای پیچهای زیادی است. فلوجه قصبه ای است

بزرگ دارای دو سه خان (کاروانسرا) و عده زیادی خانه‌های عربی ساز دهاتی. بیشتر ساختمانها در طرف چپ فرات واقع و عمارت تازه‌سازی در طرف راست رودخانه است که بیمارستان هلال احمر شده است. یک جسر شکسته قدیمی در فلوجه روی رودخانه است که شبها جسر را باز می‌کنند و روزها می‌بندند. قشون و مهمات که از طرف حلب می‌آید با آب تا دو فرسنگ زیر فلوجه رفته آنجا به خشکی می‌نشیند. از قرار تقریر یکی از افسران هلال احمر تا به حال در این جنگ بیش از هفتاد هزار قشون عثمانی از این راه آمده به کوت‌العماره و بغداد رفته‌اند و الان هم چهل هزار قشون در راه هستند که از این طرف به بغداد می‌روند.

نام مسافران کاروان

مسافرین کاروان ما عبارتند از: آقای میرزا سید محمد طباطبایی بزرگ با دو پسر و فامیل و دو نفر نوکر و یک نوکر مصاحب به نام مرآت السلطان مجاهد، آقای حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی و آقای میرزا کریم خان رشتی برادر سردار محیی با یک نفر نوکر مصاحب به نام باقی بیگ، آقای حاجی نظم السلطنه برادر بزرگ حکیم‌الملک، آقای سیف‌الممالک اخوی امیر ناصر خلجی، نورالله خان اخوی میرزا سلیمان خان میکرده، حسام همایون پسر حاجی شیخ‌الرئیس و آقای راوندی. اینجانب با آقایان حاجی نظم‌السلطنه و مرآت السلطان در یک درشکه هستیم. روی هم رفته شش دستگاه درشکه داریم. نزدیک به غروب پیاده از جسر گذشته دستگاهها را هم به زحمت از جسر گذرانده به طرف رمادی حرکت کردیم.

سختی راه

جمعه ۱۶ ژوئن - از فلوجه تا یک ساعت راه خرم و سبز بود. درخت‌کاری زیادی دیدم. آب فرات بیشتر جاها قابل استفاده است. فرات مانند دجله

گود نیست. در بعضی جاها آب رودخانه نزدیک سطح زمین است. در سه فرسنگی فلوجه نهری از رود فرات جدا کرده‌اند که تقریباً یکصد سنگ آب دارد و فرسنگها اراضی از این آب تحت زراعت است و از این آب این اراضی به کلی سبز و آباد شده است. چند ساعت در همین نقطه آباد و سبز توقف و استراحت کرده نزدیک صبح به راه افتادیم. همه جا در کنار فرات می‌رفتیم. چون اینجاها را دو ماه قبل به واسطه طغیان رودخانه آب گرفته و هنوز گل و لای رودخانه به کلی خشک نشده بود. درشکه‌ها به زحمت حرکت می‌کردند. کمی راه که رفتیم به مرداب بزرگی رسیدیم که از طغیان رودخانه ایجاد شده و چندین فرسنگ مربع زیر آب رفته راه را سد کرده بود. پس از تحقیق و مطالعه خود را مجبور دیدیم به هر ترتیبی شده از آب بگذریم. بیش از یک قایق شکسته هم در دسترس نبود. این قایق را شختور می‌نامند. بالاخره قرار گذاشتیم خودمان و اسبابها با شختور به آن طرف مرداب برویم و درشکه‌ها را هم به هر طوری هست خودشان بیاورند. هوا هم خیلی گرم بود. تقریباً سه ساعت تمام تا نزدیک ظهر معطل گذشتن از مرداب بودیم. گمان می‌کنم پیمودن این راه در این فصل گرما از گذشتن از سریند در وسط زمستان چیزی باقی داشته باشد.

فرات

در آن طرف مرداب کنار فرات آبادی کوچکی است دارای چند خانواده عرب چادر نشین. به این اعراب متوسل شدیم [جای] راحتی برای ما فراهم کنند تا عرابه‌ها رسیده ما را به رمادی ببرند. از میوه‌جات فقط خیار چنبر داشته چند عدد جوجه به زحمت پیدا کرده خوراکی برای خودمان ترتیب دادیم. از صحبت و صورت این اعراب معلوم می‌شود آب فرات بسیار گوارا است. خود اعراب می‌گویند آب دجله گواراتر از آب فرات است ولی آب فرات شیرین‌تر و خوش‌طعم‌تر از آب دجله است. در هر

صورت تفاوت زیادی نباید میان آب این دو رودخانه باشد. هر دو رودخانه از کوههای بلند سرچشمه گرفته، فرات از کوههای ارمنستان و دجله از کوههای کردستان. تقریباً در خطوط موازی به فواصل مختلف اراضی بین‌النهرین یا زمینهای بین همین دو رودخانه را مشروب می‌نماید. آب هر دو رودخانه گوارا و به اصطلاح سبک ولی بسیار گل‌آلود است. برای تصفیه آن فکر خوبی کرده‌اند.

تصفیه آب

در این حدود تغارهای بزرگ ته باریک و دهن گشادی روی چهارچوبه‌های چوبی استوار کرده آن را از آب رودخانه پر می‌کنند. اسم این کوزه‌ها حُب است. ظرف دیگری را زیر حُب و از حب آب صاف چکه کرده در ظرف زیری می‌ریزد. تمام خانه‌ها در بغداد و کاظمین حب دارند و از آن آب گوارا می‌نوشند. حب تازه خوب و سریع‌العمل است ولی بعد که قدری کهنه شد درست چکه نمی‌کند و باید عوض شود. کار آب در عربستان و در عراق عرب از امور مهم زندگی است. خانه‌های کنار فرات و دجله کارشان آسان است چه آب نزدیک و هر وقت که بخواهند و به هر ترتیب که میل داشته باشند از آن استفاده می‌کنند ولی برای خانه‌های دور از رودخانه کار آب مشکل است.

سقا - شربه

سقا باید برای آنها آب ببرد. سقاها دائماً به آب کشی مشغولند. مشکهای بزرگ از آب بر پشت حمالها و یا بر پشت چهارپایان برای خانه‌های بالنسبه متمول حمل می‌شود. پیرزنهای زیادی دیده می‌شوند که برای خانه‌های بی‌بضاعت خودشان با سختی آب‌کشی می‌کنند. به محض اینکه شب شروع شد کوزه‌های آب صاف کرده از حب را بالای بام‌ها برده به زودی

آب گرم، خنک و گوارا می‌شود. هر خانه کوچکی لااقل چهار پنج کوزه شربه دارد و بعضی خانه‌های بزرگتر لااقل ده پانزده شربه دارد.

رمادی

نزدیک به غروب درشکه‌ها به زحمت زیاد از آب گذشته برای حرکت حاضر شدند. جاده در این دو فرسنگ از اینجا تا رمادی از داخل کشت و کار می‌گذرد و از نهرهای بالنسبه بزرگ نیز باید گذشت. با وجودی که چند نفر عمه از این ده برداشته تا نهرها را برای ما صاف کنند معه‌ها با زحمت زیاد از نهرها گذشتیم. خیلی جای تأسف است که حتی در جنگ که عبور و مرور زیاد و وسایل تسهیل قشون‌کشی لازم [است] این‌طور راهها را خراب گذاشته‌اند. دو فرسنگ را با مشقت در چهار ساعت پیمودیم. به واسطه مهتاب هوا خوب روشن بود والا نمی‌شد از این راه در شب عبور کرد. سه ساعت و نیم از شب گذشته وارد رمادی شدیم و می‌بایستی تا عصر روز بعد در آنجا بمانیم. رمادی در کنار فرات واقع و مرکز قائم مقامی است. از فلوجه خیلی آبادتر و بزرگتر است و مرکز ایلات این حدود است. از این جا راه نزدیکی است که زوار دو روزه به کربلا می‌روند. رمادی دارای سه چهار خان (کاروانسرا) و یک مدرسه ابتدایی و یک «رشدیه» است. پس از صرف شام برفراز بام رفته و با وجد مفرطی بر بالین استراحت افتادیم.

جمعیت رمادی

شنبه ۱۷ ژوئن - تا یک ساعت به غروب در یکی از خانه‌های رمادی به سر بردیم. بعد از ظهر آفتاب فوق‌العاده گرم و سوزان بود. باد گرمی می‌وزید. در اینجا بادمجان و کدو و بامیه و گوجه‌فرنگی یافت می‌شد. ماست و شیر و جوجه هم فراوان بود. از قراری که مدیر احصائیه محل می‌گفت

جمعیت رمادی دوهزار و هفتاد نفر است و تا هیت منزل بعدی ناحیه رمادی محسوب، دارای هشت هزار جمعیت اهلی و متجاوز از سیصد هزار ایل نشین دارد. نیرومندترین ایلات عراق عرب در همین محل منزل دارند. ایل بزرگ «زمره» در همین حدود است. اغلب بلکه تمام ایل نشینهای عراق عرب در کنار دو رودخانه فرات و دجله سکنی گزیده‌اند. آقایان میرزا سلیمان خان میکده و سردار سعید که روز پیش از ما از بغداد حرکت کرده بودند دیروز در راه درشکه‌شان شکسته خودشان را به زحمت به اینجا رسانده‌اند. یکی دو روز دیگر به طرف حلب حرکت خواهند کرد.

حرکت از رمادی

رمادی قرب یک کیلومتر از رود فرات مسافت دارد. اطراف قصبه تماماً سبز و کشت و کار می‌شود. یک ساعت به غروب مانده از رمادی حرکت کردیم. دو نفر ژاندارم قاطر سوار با ما آمدند. چهار از شب گذشته در کنار رودخانه توقف کرده در یک مهتاب و منظر بسیار زیبایی دو ساعت به استراحت گذرانده مجدداً به راه افتادیم.

هیت

یکشنبه ۱۸ ژوئن - یک ساعت از آفتاب بالا آمده وارد هیت شدیم. طلوع آفتاب بر فراز فرات لذت بخش بود. منظره‌ای بود چنان عالی که خستگی و بی‌خوابی شب را پاداش به سزا می‌بخشود. از رمادی تا هیت تقریباً تمام راه از کنار فرات می‌گذرد. اطراف هیت زمین پست و بلند است و خود قصبه بر فراز دو تپه مشرف بر رودخانه واقع شده سمت چپ رودخانه هم سبز و پر از درخت است و عبور و مرور از روی رودخانه به وسیله شختور می‌شود. اهالی اینجا از اهالی رمادی سفیدتر می‌باشند. چنانکه در تاریخ

ثبت است عده‌ای از شهدای رکاب‌داران حضرت امیر در اینجا مدفونند. در یک محل چهل تن از شهدا مدفون شده‌اند. یک منار بلند سنگی نیز در اینجا است که می‌گویند در زمان حضرت ابراهیم بوده و پنجه مبارک به آن رسیده و جا برداشته است. اهالی اینجا تماماً سنی هستند و به جز یک نفر بروجردی قهوه‌چی در همین کاروانسرا و برادرش دیگر شیعه ندارد. همین قهوه‌چی شرحی از اهالی و حکومت شکایت می‌کرد. می‌گفت این روزها میان اعراب این حدود شایع است که به واسطه خیانت عجمها روسها توانسته‌اند به عراق عرب حمله‌ور شوند.

ارامنه

ظلم سربازگیری در اینجا زیاد است. از ارامنه شرح مبسوطی می‌گفت. از حدیثه به آن طرف خانواده‌های ارامنه در بیابانها متفرق و از گرسنگی جان می‌سپارند. یک دختر پنج شش ساله ارمنی را خود او می‌خواست به دو لیره بخرد، عربی نیم لیره بالا کرده او را خرید. مادرها بدین طریق دخترهای نازنینشان را مفت به مسافزین می‌بخشند که از گرسنگی و فشار ترکها خلاص شوند.

هندیها

دو نفر هندی عضو میسیون هندوستان را اینجا دیدیم. از بغداد تا اینجا پنج روزه آمده‌اند. می‌خواهند همین‌طور با اسب تا حلب بروند. یک نقشه جغرافیایی کشور عثمانی را که به زبان آلمانی چاپ شده از آنها به طریق قرض گرفتیم. کار آنها هم گویا در مقابل بی‌پولی به بن‌بست رسیده. یکی از آنها می‌گفت پارسال دولت انگلیس دو هزار و پانصد نفر از اهالی هندوستان را به دار زده و دو هزار و پانصد نفر را تبعید کرده است.

روس قوی

فی الحقیقه کار مهاجرین ما هم چندان تعریفی ندارد. یکی از این آقایان مهاجرین که در این سفر همراه شده تا حدی نسبت به اوضاع بدبین بوده و اظهار می‌داشت که چگونه کشوری مانند ایران فاقد وسایل امروزی می‌توانست در مقابل دول بزرگ این عصر تاب مقاومت بیاورد. به قول او پرنس روس وزیر مختار آلمان در تهران می‌گفته روس قوی و پروس هم دور، نمی‌بایستی ایرانیان بی‌جا دشمن را جری کرده نتیجه معکوس بگیرند. ولی در مقابل همین اظهارات پرنس روس آژانهای آلمان بی‌کار نبوده، آتش به باروت زده، افکار ساده‌آزادخواهان را تهییج می‌کردند. نمی‌گویم راه امید مسدود است و قشون روس به هیچ زمان از ایران نخواهد رفت ولی این وضعیت نمی‌تواند نیک‌بین‌ترین شخص را امیدوار گرداند. در قم و کاشان و اصفهان خیال می‌کردیم همیشه نیروی آلمان پیشرفت خواهد کرد. حال که از نزدیک می‌بینم اشکالات جغرافیایی و اقتصادی و سیاسی بی‌شمار در جلو است. اعراب این حدود هم ما را رافضی و خائن نامیده و پول پرست می‌دانند.

تاریخ هیت

هیت برای معدن قیر معروف است. دو چشمه قیر نزدیک قصبه است که قیر ذوب شده از آنها جاری است و با احتمال کلی این ناحیه باید نفت هم باشد. هیت اهمیت تاریخی هم دارد. لشکر معاویه پیش از ورود صفین تا همین قصبه آمده بلکه از اینجا هم تجاوز کرده تا رمادی هم رفته بودند. لشکر امیرالمؤمنین به سرکردگی مالک اشتر سررسیده با لشکر معاویه در همین محل مصاف می‌دهند. لشکر معاویه به عانه عقب‌نشینی کرده مجدداً صف آرایی می‌کنند. در یکی از محاربات اولیه که در اینجا به وقوع پیوسته عده‌ای از لشکر مالک شربت شهادت می‌نوشند. مقبره آنها در

هیت است. در یک مکان که امروز خانه ییلاقی است چهل نفر از شهدا مدفونند. چند مقبره سنگی در اطراف قصبه دیده می‌شود که متعلق به شهدا است. زوار که از این راه می‌آیند قبور شهدا را در اینجا زیارت می‌کنند. جزئیات محاربه صفین در صفحات تاریخ ثبت است.

سختی راه

امروز بعد از ظهر هوا بسیار گرم [بود] و باد گرمی هم می‌وزید. چون مکانی هم به جز یک بالاخانه در کاروانسرا نداریم و اینجا هم آفتاب سوزان از هر طرف فروگرفته است صدمه زیاد بر ما وارد آورد. عصر یک به غروب از هیت حرکت کردیم. راه تا یک فرسخ چندان بد نبود ولی به محض اینکه آفتاب غروب کرد و هوا تاریک شد دچار سختی راه شدیم. سه ساعت از شب گذشته خودمان را با زحمت زیاد به شرعه در کنار فرات رساندیم. دوساعتی در اینجا مانده قدری استراحت کردیم سپس به راه افتاده ساعتی از آفتاب بالا آمده به بغدادیه رسیدیم.

سختی سفر

دوشنبه ۱۹ ژوئن - بغدادیه دهی است دارای یک کاروانسرا و یک باغ و چند خانه برای اعراب چادر نشین. ده بر فراز تپه مشرف بر فرات واقع است. ما در باغ نامبرده مشرف بر رودخانه منزل کردیم. در زیر درختان بزرگ انجیر ساعات بدی نگذشت. آب فرات با سرعت در جریان بود. گله‌های گوسفند عرب بر روی تپه‌های آن طرف رودخانه مشغول به چرا بودند. خیال هم عجالتاً متوجه هیچ چیز به جز فراهم ساختن وسایل آسایش موقتی نمی‌باشد. لذتی است از این زندگانیهای کم دوام. به طور کلی این نوع مسافرتها با اسب و قاطر، دستگاه چادر و مستخدمین خوب خوش می‌گذرد. اگر ما در این مسافرت چادر و لوازم دیگر را می‌داشتیم

خیلی خوش‌تر می‌گذشت. این راههای خراب و نساخته برای درشکه مناسب نیست. دیشب صدمه زیاد از مسافرت با این درشکه‌ها به ما وارد شد. بالاخره یکی از مال‌بندهای درشکه شکسته مدتی ما را در بیابان معطل نمود. شبها برای درشکه‌رانی تاریک و خطرناک و روزها در آفتاب سوزان غیرمقدور است. لذا بعد از ظهر جلسه برای ساعات حرکت کاروان خودمان منعقد کردیم. دو عقیده اظهار شد؛ یکی آنکه ساعت سه به غروب حرکت کرده اوایل شب به وسط منزل رسیده در آنجا تا نمایان شدن مهتاب توقف کرده سپس حرکت [کنیم] و کمی پس از طلوع آفتاب به منزل برسیم. عقیده دیگر این که در منزل مانده به محض اینکه ماهتاب هوا را روشن کند به راه بیفتیم. بالاخره عقیده دومی انتخاب گردیده در این محل مانده آفتاب غروب فراموش نشدنی در کنار رود فرات [را] تماشا کردیم.

فرات و دجله

در ضمن همین تماشا از خود این رودخانه صحبت می‌کردیم. این رود فرات که از قلب کوههای ارمنستان سرچشمه گرفته اول از دو رود قراسو و مراد جاری و پس از شصت‌هفتاد فرسنگ از اتصال این دو رودخانه تشکیل عظمت خود را داده پس از طی قرب سیصد و پنجاه فرسنگ بدین جا می‌رسد. مذاکره می‌کردیم و راجع به عرض رودخانه صحبت می‌کردیم. به عقیده این جانب عرض رود فرات در بسیاری از جاها از پانصد متر زیادتر [است] و در هیچ جا کمتر از سیصد متر نیست. آب رود دجله در حدود بغداد شاید زیادتر از آب فرات در اینجا باشد. ولی نباید فراموش کرد که با استفاده‌ای که در تمام مسیر رودخانه از آب فرات می‌شود و از آب دجله به واسطه گودی رودخانه میسر نیست عظمت فرات نسبت به دجله زیادتر است. در بعضی جاها از آب دجله به وسیله

تلمبه استفاده می‌کنند ولی از فرات نهرهای بزرگ بریده به مصرف کشاورزی می‌رسانند. بدین ترتیب هر قدر که رود فرات پایین‌تر می‌رود آبش کمتر می‌شود ولی از «هیت» به بالا کم‌کم از وسط تپه‌های خاکی و سنگی بالنسبه مرتفع گذشته تا به شکافها و دره‌های کوه رسیده دیگر چندان برای استفاده آسان نیست. طبق قراری که گذاشتیم چهار ساعت از شب گذشته که مهتاب شروع شده بود حرکت کردیم. خارج از بغدادیه پل شکسته‌ایست که اصلاً تعمیر نشده است. راننده‌های بی‌مبالات دستگاهها را به قسمی نزدیک پرتگاه راندند که نزدیک بود ما را به پرتگاه ابدی بیندازند. از آنجا به زحمت خلاص شده به دو سه پرتگاه دیگر دچار [شدیم] تا اینکه شب را به روز رساندیم.

حدیثه

سه‌شنبه ۲۰ ژوئن - منزل امروز حدیثه است. راه دیشب تا نزدیک این منزل بسیار بد بود. هنوز به جبال نرسیده تپه‌های سنگی فراوان دیده می‌شود. از نزدیکی حدیثه راه را شوسه و یک پل سنگی بالنسبه خوبی روی مرداب کنار رودخانه ساخته‌اند. باغات نخل سمت چپ رودخانه و خود حدیثه که محل توقف مسافرین می‌باشد در سمت راست رودخانه واقع است. دارای یک کاروانسرا و چند خانه محقر دهاتی است. در همین کاروانسرا منزل کردیم. ملخ امسال به بغدادیه و حدیثه ضرر بسیار وارد آورده خیلی از درختهای خرما را به کلی لخت کرده است.

ارامنه

چیزی که امروز جلب توجه می‌کند وجود عده‌ای از ارامنه می‌باشد. اینها مقدمه گروه ارامنه‌اند که از اطراف بغاز داردانل به کنار فرات رانده شده‌اند. بچه‌های زیادی دارند. بیشتر آنها از طبقه کشاورز می‌باشند. چند

نفر از آنها تمام روز پیش ما بودند. خیلی شکایت داشتند. بدیهی است اهالی محل و بخصوص مأمورین دولت خوش نداشتند که ما با آنها صحبت کنیم. بیم آن هم بود که پس از رفتن ما آنها را اذیت کنند. یکی از آنها می‌گفت در اول دولت نفری یک قران هر روز به آنها اعاشه می‌داد ولی سه ماه گذشته بود که آن اعاشه هم قطع گردید. این بیچاره‌ها در زیر درختان خرما منزل دارند.

رود فرات در اینجا وسعتش زیاد و جزایری در وسط رودخانه تشکیل شده به خصوص دو جزیره خیلی زیبا که تمامش درخت و سبزی است در زیر قصبه دیده می‌شود. مقابل قصبه جزیره بزرگ دیگری است که رودخانه را دو قسمت می‌کند. راه‌روها و درختهای زیادی بر روی آنها احداث شده است. چون تپه‌های سنگی اطراف اینجا را احاطه کرده خود قصبه در گودی افتاده است. نخلهای فراوان در امتداد رودخانه دیده می‌شود.

باز درباره آرامنه

بعد از ظهر مدتی از سیاست صحبت می‌کردیم مخصوصاً راجع به آرامنه صحبت در میان بود. بعضی می‌گفتند تقصیر از خود آرامنه است. بعضی دیگر از دولت عثمانی تنقید می‌کردند. در اینکه آرامنه زحمت زیادی برای دولت عثمانی فراهم کرده‌اند جای شک نیست به خصوص در طرف وان و ارزروم که گذشته از زحمت خیانت هم به دولت عثمانی و خدمت به دولت روس نشان داده‌اند. ولی از طرفی ریشه‌کن کردن یک جامعه مشکل و قابل تنقید است. زنها و کودکان آنها چه گناهی کرده‌اند که در این بیابانها تلف شوند. از قرار معلوم دولت عثمانی مسئله آرامنه را حل کرده می‌خواهد این لانه فساد را به زور شمشیر خراب گرداند. اول شب هوا قدری خنک‌تر شد پس از چهار ساعت از شب گذشته حرکت کردیم.

پل‌سازی آرامنه

چهارشنبه ۲۱ ژوئن - در اول منزل دیشب راه صاف بود ولی بعد به پست و بلندی افتاده مورث زحمت زیاد گردید. سه چهار پلهای شکسته روی گودالهای عمیق زده‌اند که باعث خطر زیاد می‌باشد، چنان‌که یکی از قاطرهای دستگاه آقای طباطبایی از پل پرت شده نزدیک بود دستگاه را هم با خود پایین پرتگاه ببرد. در وسط راه دو ساعتی استراحت کردیم. در اینجا آرامنه را به پل‌سازی بازداشته بودند. بسیار کار خوبی است اگر عده کافی از این بیچاره‌ها را به راه‌سازی بگمارند و با ادوات صحیح این راه مهم را صاف و شوسه کنند نامی از حکومت امروزی دولت عثمانی به یادگار خواهد ماند.

ورود به عانه

مقارن ظهر وارد عانه شدیم. عانه یکی از قصبات بزرگ این حدود در دو طرف رود فرات واقع است. بیشتر آن در طرف راست و چندین کیلومتر در امتداد رودخانه آبادی دارد. چون قشون زیادی امروز بدین جا وارد شده و همه جا را قبلاً اشغال کرده بودند مجبور شدیم دستگاهها را در یکی از کاروانسراها جا داده خودمان در مسجد پهلوی کاروانسرا منزل کنیم.

افسران آلمانی

امروز ماژور لیناردی و لیوتان بلوخر را اینجا ملاقات کردیم. لیناردی جزو افسرانی است که به ایران مأمور شده بود. به قصر آمد از آنجا او را به سرکردگی قوای موجوده به کلهر فرستادند. در کلهر بود که واقعه عقب‌نشینی از قصر به میان آمد. قوای تحت نظر لیناردی متفرق شده کلهرها او را لخت کردند و او تنها، لخت و پابرنه خود را به مرز عثمانی رسانده بود، از آنجا به بغداد آمد. آقای نظام‌السلطنه می‌گفت هر کار کردم او را نگاه دارم نماند. گفت سختی ای که به من گذشته است. من را مجبور

کرده از کار این طرف استعفا داده به آلمان برگردم. لیوتنان بلوخر که با او همراه می‌باشد از خانواده بلوخر فاتح میدان جنگ تاریخی واترلو که در آن ناپلئون بزرگ شکست خورده، دولتش منقرض گردید می‌باشد. جوانی است خوش سیما، بلندقد، به سن بیست و چهار پنج سال. حسین آقا پسر آقا میرزا محمود کتابفروش هم همراه آنها است. این جوان هم مدتی است در خدمت آلمانها داخل شده و تنها پسری است که کتابفروش نامبرده دارد و فوق‌العاده نزد او عزیز است. می‌گفت مدتی نزد کلنل بوپ مترجم بود و اینک با اینها به طرف استانبول می‌رود.

عانه

امروز پست دولتی را نزدیک عانه زده‌اند. با این آلمانها قرار گذاشتیم تا منزل بعد با هم باشیم. اداره ژاندارمری هم دو ژاندارم به ما داده که ما را متفقاً به منزل بعد ببرند. از قرار مذکور این عده قشون که امروز اینجا وارد شده‌اند به فرونت ایران می‌روند. یکی از افسران ترک از اینجانب سؤالات راجع به ایران می‌کرد. تا آنجایی که ممکن بود در جواب او را هدایت کردم. در عانه خیار و سیب ترش و خرما و اعلا و ماست و شیر و دوغ فراوان بود ولی قیمت ارزاق روی هم رفته به علت جنگ و ملخ‌خوارگی چندان پایین نیست. ولی در سابق اینجا خیلی ارزان بوده است. جوجه را دانه‌ای پنج شاهی به پول ایران می‌فروخته‌اند ولی امروز دانه‌ای سی شاهی می‌فروشند. عانه جای سبز آبادی است. طول قصبه زیاد ولی عرضش کم است. دو ردیف ساختمان در عرض قصبه بیشتر ساخته نشده ولی طول قصبه در وسط دو ساختمان پنج شش کیلومتر است.

ورود به نحیه

جمعه ۲۲ ژوئن - دیشب را ساعت هفت از شب گذشته از عانه حرکت کردیم راه بالنسبه صاف بود. آلمانها یک درشکه و دو گاری داشتند. هفت

فرسخ و نیم راه را در هفت ساعت پیموده پیش از ظهر وارد منزل نحیه شدیم. نحیه دارای یک کاروانسرای گلی و چند چادر عرب ایل‌نشین می‌باشد. این کاروانسرا هم بیش از دوست متر از رودخانه مسافت دارد. تاریکی شب و گرمی روز کار مسافرت را در این صفحات مشکل کرده است. راهها هم خراب و به علاوه اعراب ایلی در راه و نیم راه هستند. ژاندارمری مسافرت شب را با این اوضاع صلاح نمی‌داند. غافل از آنکه مسافرت روز هم در چنین آفتاب سوزان خطرناک است. اگر چند روزی پیش از این از بغداد حرکت کرده بودیم شبهای مهتاب به ما کمک کرده کار کاروان ما این قدر سخت نمی‌بود.

ورود به قائم

شنبه ۲۳ ژوئن - دیشب پس از سه ساعتی استراحت ساعت هفت شب به راه افتادیم. ساعت هشت به قائم که سه فرسخی ابوکمال است رسیده آلمانها در آنجا توقف کردند. ولی دستگاههای ما ایستاده در نیم فرسخی نزدیک رودخانه کمی استراحت کرده یک ساعت به ظهر دوباره به راه افتادیم. گوسفند و شتر زیادی در اینجا به چرا بودند. راه امروز چندان بد نیست ولی از عانه به این طرف کمتر درخت نخل دیده می‌شود. تپه‌های سنگی بزرگ هم دو طرف رودخانه را گرفته آب را به گودی انداخته است. سه بعد از ظهر وارد منزل ابوکمال شدیم.

وضع آرامنه

در نزدیکی ابوکمال سایبانها و چادرهای زیاد از آرامنه دیده می‌شد. حالت اینها فی‌الحقیقه تأثرآور است. عده زیادی از آنها زن و بچه هستند معدودی مردهای کهن سال میان آنها دیده می‌شوند. همین که ما نزدیک شدیم عده زیادی دور ما را گرفته با صدای بلند پول و خوردنی طلب

می کردند. ما هر قدر پول خرد داشتیم به آنها دادیم ولی متأسفانه این جزئی پول نمی توانست صدها مردم عربان و گرسنه را از چنگال بدبختی نجات دهد. پیرزنی میان آنها با گریه به ترکی می گفت خانه های ما را خراب کردند و آنچه هم مانده بود به اسرای انگلیسی و فرانسوی داده، ماها را به صحراها بدین حالت انداخته اند، دیگر هیچ قوه ای برای ما نمانده است. چرا ماها را یک دفعه نکشتند تا بدین ترتیب زجرکش نشویم. زنی را دیدم بچه کوچکی در بغل داشت، هر دو تقریباً عربان، گریه کنان فریاد از گرسنگی می زدند.

ابوکمال

ابوکمال قصبه ای است تازه احداث. ساختمانهای این قصبه کمی از رودخانه دور است. اشجار هم کمی دارد. کار آب برای آنها قدری سخت است زیرا رودخانه در اینجا به واسطه تپه های سنگی در گودال افتاده و با فقدان وسایل استفاده از رودخانه کار آب بر [ی] اهالی سخت است و برای ما هم موضوع آب سخت شده. آب فرات بسیار ناصاف و گل آلود است و ما وسایل صاف کردن آب را آن طور که باید نداریم. آب فرات جوشاندن لازم ندارد ولی باید کاملاً صاف و خنک شود تا گوارا باشد. عده ای از قشون عثمانی امروز از اینجا گذشته به طرف عانه روان بودند. مسجد کوچک ابوکمال مقابل کاروانسرا واقع است. شب را مؤذن با لحن و صوت خوبی برای موفقیت قشون اسلام مناجات می کرد. در این محیط آرام در زیر آسمان صاف و پر از ستاره برای مسافرینی مانند ما دور از وطن با آتیه بالنسبه تاریک، اثر غریبی داشت.

به سوی صالحیه

یکشنبه ۲۴ ژوئن - دیشب را پس از شام قدری استراحت کرده یک ساعت

به طلوع مانده برای منزل صالحیه حرکت کرده و دو ساعت به ظهر مانده وارد صالحیه شدیم. صالحیه دارای یک کاروانسرای گلی کوچک و یک قلعه کوچک برای ژاندارمری و سه چهار کپر محل سکناى عرب می باشد. کاروانسرا قرب یکصد متر از رودخانه مسافت دارد. در این منزل اینجانب دچار یک پیشامدی شد که نزدیک بود جان مرا از میان ببرد. بعد از ظهر امروز پس از فراغت از آبتنی در فرات کسالتی در خود حس کرده قدری سولفات دو سود که از دکتر آلمانی در بغداد گرفته بودم خوردم. از قرار معلوم این دوا به واسطه کهنگی و رطوبت مسمومیت سختی پیدا کرده بود. پس از صرف این دواى مسموم حالت اینجانب را بر هم زده مرا مشرف به مرگ نمود. اگر رفقا به فریاد من نرسیده بودند در همان لحظه جان سپرده بودم. چند روز تمام پیوسته آب نوشیده به محض آشامیدن استفراغ می شد و شاید همین استفراغ سم را به تدریج شسته جلوگیری از مرگ نمود. اینجانب را از صالحیه به دیرزور برده در آنجا معالجه رئیس حفظالصحه محل قدری مفید واقع شد. از دیرزور نگارنده را با حالت نیم مرده به حلب بردند. آقایان طباطبایی و سایر رفقا با نهایت دوستی و نوع پروری از نگارنده سرپرستی می کردند. بی نهایت از آنها شکرگزارم.

ورود به حلب

روز ۳ رمضان - وارد حلب شده و روز پانزدهم از آنجا حرکت کردیم. حال اینجانب به تدریج بهتر و از بالین بیماری برخاستم ولی به واسطه ضعف زیاد مدتی حالت راه رفتن برای خود نمی دیدم.

حرکت به استانبول

روز سه شنبه ۱۱ ژوئیه مطابق با ۱۵ رمضان - از حلب با راه آهن به طرف استانبول حرکت کردیم. نباید فراموش کنم که میرزا صادق خان پسر اخگر

قنسول سابق ایران در حلب نهایت دوستی و نوع پروری را به جا آورده، در این چند روز توقف در حلب متحمل زحمات اینجانب بوده. از او شکرگزارم. پس از شش ساعت راه به آخر این تکه راه آهن رسیدیم. فرمانده این محل که یک نفر آلمانی بود از ما پذیرایی کرده نزدیک به غروب ما را به وسیله عرابه‌های نظامی به طرف معموره که ابتدای خط راه آهن ثانوی است، سوق داد. میان این دو خط راه آهن تقریباً چهارده ساعت عرابه‌رو است. روز دوازدهم ژوئیه در راه بودیم مقارن غروب وارد معموره شده و روز بعد با ترن از معموره حرکت کردیم.

به سوی طرسوس

پنجشنبه ۱۳ ژوئیه ۱۹۱۶ - ساعت نه و ده دقیقه ترن ما به حرکت افتاد. اول ترن از یک جلگه آبادی گذشته همه جا سبز و خرم بود. چهار بعدازظهر وارد ایستگاه کلک بغازه شدیم. کماندان محل را ملاقات کردیم. با ما برخورد خوبی کرد. قرار شد شب را به طرسوس که نیم فرسخی اینجاست رفته در آنجا راحت کنیم و فردا صبح به همین ایستگاه برگشته قرار برای حرکت ما بدهد. بعضی از رفقا فوراً به طرف طرسوس عازم شدند. ولی اینجانب با ضعفی که داشتم با چند نفر دیگر ساعت سه از شب گذشته با درشکه بدانجا رفتیم. آجودان کماندان محل که یک جوان آلمانی بود از طرف کماندان سلام رسانده گفت که یک اتومبیل برای حرکت شما از کلک بغازه به بوزاتین اختصاص داده شده است. شب را به هر طوری بود در آنجا به استراحت گذرانیدیم.

جام آلاکی

روز جمعه ۱۴ ژوئیه - ساعت هشت صبح با اتومبیل از کلک بغازه حرکت کردیم. تا یک فرسخ راه ناصاف و پست و بلند بود ولی بعد بهتر شد و همه جا از وسط دره‌های بالنسبه سبز جنگلی می‌گذشت. بعدازظهر ساعت دو

وارد محلی به نام جام آلاکی شدیم. شب را در بیابان جلوی تلگرافخانه استراحت کردیم.

وبا

روز شنبه ۱۵ ژوئیه - معلوم شد اتومبیل ما امروز حرکت نمی‌کند و ما می‌بایستی در همین نقطه بمانیم و ماندن در اینجا هم با فقدان جای صحیح و آذوقه و شدت گرمای روز کار آسانی نبود. هر کاری کردیم یک اتومبیل دیگر بگیریم ممکن نشد. از قراری که دکتر محل می‌گفت ناخوشی وبا در اینجا فراوان بود. بعدازظهر هوا قدری خنک شد، دو ساعتی خورشید زیر ابر پنهان بود. یک نفر افسر سواره عثمانی بعدازظهر وارد اینجا شد. اظهار می‌داشت دوازده گاری پول مسکوک طلا و نقره همراه دارد و به دیار بکر می‌برد. اسمش خیری بیگ و درجه‌اش سلطان است. از گرانی استانبول شکایت می‌کرد و می‌گفت در آنجا خوراکی از هر قسم کم و گران است. ساعت پنج بعدازظهر کماندان آلمانی را ملاقات کردم. قرار گذاشت همان ماشینی که ما را بدینجا آورده فردا صبح به بوزاتین منزل بعدی ببرد. شب را مانند شب پیش در زیر هوا خوابیدیم. از قرار معلوم چهار ماه است آلمانها در اینجا مشغول کار شده و در این مدت کوتاه بسیاری از وسایل زندگی امروزی را مانند لوله‌های آب و چراغ الکتریکی و کارخانه نجاری و آهن‌سازی فراهم کرده‌اند.

به سوی بوزاتین

یکشنبه ۱۶ ژوئیه - ساعت چهار صبح با اتومبیل به طرف بوزاتین حرکت کردیم. راه به تمام از وسط کوه می‌گذرد. در اینجا چندین هزار عمه تحت سرکاری مهندسین آلمانی مشغول راه‌سازی می‌باشند. مایه بسی خوشحالی است که عثمانیها به سرپرستی آلمانها مشغول آبادی کشور

خود شده‌اند. نیرو و مهمات جنگی هم اینجا زیاد دیده می‌شد. از قرار معلوم به زودی عملیات جنگی در فرونت قفقاز شروع خواهد شد.

به سوی استانبول

ساعت هفت و نیم وارد بوزانتین شدیم. نماینده پلیس برای تفتیش گذرنامه و سیاحت‌نامه ما فوراً حاضر شد. اوراق شش نفر از رفقا مدتش منقضی شده بود. پس از مذاکرات زیاد قرار شد این اوراق را از اینجا گذرانده در قونیه تجدید شود. راه آهن از اینجا به طرف استانبول شروع می‌شود. اینجا هم مرض وبا وجود داشت. موقعیت جغرافیایی اینجا خوب است. میان دو کوه واقع [است] و منظره زیبایی را نشان می‌دهد. ساعت هشت بعد از ظهر با ترن به طرف استانبول حرکت کردیم. بدیهی است این حرکت مایه بسی خوشحالی است. پس از این همه مشقت و بیابان‌گردی بوی تمدن امروزی به مشام می‌رسد. خط آهن و وسایل حمل و نقل امروزی موجود و دیگر درشکه‌سواری روی راههای نساخته در شبهای تاریک در جلو نیست. سه روز مسافرت با راه آهن ما را به استانبول می‌رساند.

مشکلات سفر

فی الحقیقه نگاهی به گذشته مسافرت خودمان و ناملایماتی که در عقب گذاشته‌ایم چشم را خیره می‌گرداند. وسایل حمل و نقل بسیار بد، روی راههای نساخته و خراب در منازل دور از هم و فقدان آبادی و وسایل زندگی در وسط تابستان در بیابانهای عراق عرب با مأمورین عثمانی طبیعتاً بداخلاق و متکبر و اوضاع حکومتی غیرمنظم، بدیهی است حال مسافر بدبخت چیست؟ این را هم نگفته نگذارم که ترنهای راه آهن این طرف هم آن طور که باید پاک و تمیز نیست. به محض اینکه داخل ترن

شدم بدنم به خارش افتاد. عقب علت بلند شدم تشک روی نشیمنگاه را بلند کرده دیدم زیر تشک به کلی سیاه است. اول خیال کردم دوده زغال‌سنگ آن را سیاه کرده، خوب که دقت کردم دیدم فوج ساس به حرکت افتاده زیر تشکها همین‌طور مملو از ساس‌های گزنده بود. پس از آن تا برایم ممکن می‌شد از نشستن احتراز کرده در دالانهای ترن و یا در جلوی اطاق می‌ایستادم.

در راه قونیه

دوشنبه ۱۷ ژوئیه - شب را تا آنجایی که ساسها گذاشتند خوابیدم. در اتاقی که اینجانب هستم چهار نفر مسافر می‌باشند. پس از آنکه ترن از وسط کوه تروس بیرون آمده به یک جلگه مسطح آبادی داخل می‌شود و تقریباً تا قونیه مسطح [است] و راه مستقیماً به طرف مغرب و شمال‌غرب می‌رود. زمین بایر کمتر دیده می‌شود. مزارع ممتد و دهقانان مشغول کشت و زرع می‌باشند. صبح ساعت نه وارد ایستگاه قونیه شدیم. ترن ساعت پنج بعد از ظهر حرکت می‌کند لذا هشت ساعت در قونیه ماندیم. چیزی که در قونیه باعث کمال مسرت اینجانب بود دیدن مقبره مولانا رومی است که مرکز پرستش عده زیادی در خاک عثمانی می‌باشد. در اویش در اطراف مقبره حلقه به گوش منزل گزیده‌اند. پیروان آن مرشد بزرگ یک نوع تاج نمد زرد مخروطی شکل بلند بر سر و خرقه درویشی دربردارند. همین در اویش‌اند که در دایره اشعار مثنوی را می‌سرایند و می‌رقصند.

مقبره مولانا

مقبره مرحوم رومی را بسیار خوب و مزین نگاه داشته‌اند. تابلوهای زیادی از اشعار آن مرد بزرگ به خط نستعلیق و نسخ بر در و دیوار آویخته‌اند.

خود قبر رومی در زاویه راست در داخل بقعه واقع و با یک پارچه مشکی زردوز بسیار اعلا پوشانده شده و دو تاج بلند که به دور آن عمامه سرمهرنگی پیچیده شده بالای دو گوشه فوقانی آن استوار کرده‌اند. قبرهای زیاد دیگری در این محوطه دیده می‌شود تمام را با پارچه‌های زردوز پوشانده‌اند. اینها از مریدهای نامی مولانا بوده‌اند. در زاویه چپ تالار محلی است برای عبادت دراویش و در جنب این محل مسجد قشنگ کوچکی واقع است. سقف بقعه و تالار با اسامی دوازده امام مزین و این کلمات «یا حضرت مولانا» مکرر بر در و دیوار به خطوط زیبا منقوش گردیده، روی هم رفته حالت روحانیت صاف و صمیمی را منعکس و روح^۱ مثنوی را بر فراز افکار عالیة تصوف مجسم می‌کند. در حیاط خارج مقبره عده زیادی از مریدهای سابق مولانا مدفونند.

شهر قونیه

شهر قونیه قدیمی است. عمارات کهنه گلی زیاد دارد ولی عمارات امروزی هم بسیار دیده می‌شود. هوای قونیه هم چندان بد نیست، بعدازظهر امروز از سی درجه سانتیگراد تجاوز نکرده هنوز خرمن برداشت نشده است. شهر قونیه مساجد زیادی دارد که قابل تماشا است ولی متأسفانه به واسطه ضیق وقت و ضعف مزاج اینجانب نتوانستم آنها را بینم. ارزاق تا حدی وفور دارد ولی محتکرین در کار و اجناسی که از خارج می‌آورند گران و کم شده است. وبا در اینجا هم وجود دارد و در اینجا هم تبدیل ورقه سیاحت شش نفر از رفقا خالی از اشکال نبود. بالاخره اوراق سیاحت را تغییر داده به صحه دکتر محل رساندیم. ساعت پنج بعدازظهر ترن به حرکت افتاد. خارج شهر قونیه اراضی مسطح و کشت و زرع زیاد است. راه پیوسته به طرف مغرب و شمال غرب می‌رود.

۱. اصل: روی

به سوی اسکی شهر

سه‌شنبه ۱۸ ژوئیه - صبح زود ترن در یک ایستگاه کوچکی سه ساعت توقف کرد. دیگ بخار خراب شده بود. هوا امروز خنک‌تر از روزهای پیش است. به تدریج اقلیم جنوب شرقی اروپا ظاهر می‌شود. امروز ترن ما از وسط جبال سبز و جنگلی می‌گذرد. مزارع همه جا سبز و خرم و آباد و مواشی زیادی نیز دیده می‌شود. اینجاها دیگر به اروپا شبیه است و به کلی با اراضی اطراف حلب و آن حدود اختلاف دارد. هوا هم فرق کرده حتی بعدازظهر هم نسیم خنکی می‌وزد. ساعت شش بعدازظهر به ایستگاه اسکی شهر رسیدیم. شهر قشنگی است که در دامنه کوه قرار گرفته. از ایستگاه راه آهن یک خیابان وسیع ممتدی است که به میدان وسط شهر منتهی می‌شود. در اسکی شهر یک چشمه آب گرمی است که در وسط شهر جوشیده از زمین بیرون می‌آید و یک چشمه هم آب سرد است. چشمه آب گرم یک سر وارد حمامی می‌شود که بیشتر اهالی شهر در آن استحمام می‌کنند. هر دو چشمه گرم و سرد مواد معدنی مفید داخل دارد. ساعت هشت و بیست دقیقه حرکت کردیم. اسکی شهر به نظر پاک و تمیز آمد. چراغ الکتریک و وسایل حمل و نقل امروزی دارد. خط آهن آنکارا در اینجا به خط آهن استانبول متصل می‌شود. ایستگاه راه آهن هم خوب و ساخته به نظر می‌آید. از اینجا تا استانبول با راه آهن ده ساعت است ولی امروز در جنگ به واسطه کمی سوخت هجده ساعت می‌رود. اهالی اسکی شهر تقریباً تماماً ترک و به واسطه آب و هوای خوب اغلب خوشرنگ و آب می‌باشند و میان آنها صورتهای خوب دیده می‌شود. مردها رشید و بلند بالا هستند در اینجا مسافر زیادی وارد ترن ما شدند. هنوز خرمن در این حدود برداشت نشده است.

ساس - باران

چهارشنبه ۱۹ ژوئیه - دیشب را هیچ نتوانستیم به واسطه ساس بخوابیم.

خیلی غریب است مستخدمین راه آهن این طور تنبلی و بی علاقه‌گی در پاک کردن اتاقها نشان می دهند. از قرار معلوم ساس در این طرفها زیاد است و در خود استانبول هم زیاد دیده می شود. ولی راه آهن نباید بگذارد این حیوان گزنده در قطارهای درجه اول و دوم این بلا را به روز مسافرین وارد آورد. در وسط شب باران خوبی بارید. مدتی بود باران ندیده بودیم یعنی همان روز حرکت از قصر شیرین باران می بارید و یک روز هم نزدیک شهریان، بعد از آن افتادیم به هوای خشک و گرم عراق عرب.

مناظر زیبا

امروز راه آهن از جاهای خیلی زیبا می گذرد. همه جا سبز و خرم و باصفا، باغ و بستانهای فراوان، زمین پست و بلند با اشجار زیاد، آب از هر طرف فراوان. در طرف دست راست دریاچه بسیار بزرگ و خوش منظر، در طرف چپ همه جا سرانگیز به دریای مارمارا^۱. منازل دهقانی فراوان، ویلاهای خوب در تمام خط دیده می شود مخصوصاً در نقاط نزدیک به استانبول قدرت طبیعت جلوه خوبی کرده است و یکی از زیباترین مناظر طبیعی را از کوه و دره و دشت و دریا در اینجاها متمرکز گردانده است. چنین مناظری به خصوص در نظر اشخاصی که از طرف عراق عرب و آن بیابانها می آیند جلوه غریبی به منصفه ظهور می رساند. هر قدر ترن به استانبول نزدیک تر می شود آبادی زیادتر به نظر می آید. ساختمانها دو سه طبقه به هم متصل، عمارات بیشتر از چوب ساخته شده شبیه به «شاله»های سویسی ولی نه به آن ظرافت و زیبایی. عمارات آجری و سنگی هم زیاد دیده می شد. ساعت دو و نیم وارد ایستگاه حیدرپاشا شدیم. ایستگاه مفصلی است. عده زیادی با این ترن وارد شدند. از گار مختصر اسباب سفر اینجانب و آقای سیف الممالک به بندرگاه چسبیده به گار حمل [شد] و با کشتی کوچکی به شهر استانبول رفتیم. آقای طباطبایی

۱. (= مرمره)

و فامیل در اینجا مانده تا با سفارت ایران تماس گرفته اگر خانه‌ای برای آنها فراهم می نمایند مستقیماً به آنجا بروند. کشتی بدی نبود ما را ده دقیقه به پل استانبول رسانید.

تغییرات استانبول

منظر شهر استانبول از دریا فوق العاده زیبا است. عمارات از داخل بلندیها جلوه بسیار خوبی دارد. پل و قسمت پرا هم از شانزده سال پیش - در ۱۹۰۰ که سفر آخری نگارنده به استانبول بود - تفاوت زیاد کرده است. در آنوقت یک جسر نیم شکسته لرزان دو طرف استانبول را به هم متصل می ساخت و هنوز سهولت زندگی امروزی موجود نبود. کوچه‌ها بالنسبه تنگ و نساخته و مسائل حمل و نقل شهری منحصر به درشکه‌های کهنه بود. ولی امروز بر جای آن جسر شکسته پل بالنسبه عریض خوبی ساخته شده که از روی آن تراموهای الکتریکی در حرکت است. در اغلب خیابانها تراموهای الکتریکی در حرکت نیروی برقی زیاد، خیابان ساخته و پرجمعیت، عمارات بالنسبه خوب با مغازه‌های قشنگ در دو طرف خیابانهای بزرگ در بخش پرا. شهرداری هم بالنسبه شهر را تمیز نگاه داشته است. از قرار معلوم آب لوله هم در تمام شهر دایر و مجرای دفع کثافات (اگو) هم به طرز امروزی ساخته شده است. در حقیقت قسمت پرا منظره یک شهر اروپایی را نشان می دهد. نزدیک پل درشکه گرفته به مهمانخانه پراپالاس که بهترین مهمانخانه اینجا است رفتیم.

معظم السلطنه دولت

اینجانب در یک اطاق بالنسبه خوب بزرگی مشرف به خیابان منزل اختیار کردم. پس از استحمام بیرون رفته و در خیابان چند نفری از ایرانیها من جمله آقای معظم السلطنه (دولت) نایب سفارت ایران و حیدرخان عمواوغلی را دیدم. شام را در خارج هتل صرف و ساعت ده به هتل مراجعت کردم.

آقایان طباطبایی را دیده به منزل خودشان می‌رفتند. پس از مراجعت به هتل تلگرافی از ورود خودم به آقای حسینقلی خان نواب وزیرمختار ایران در برلن مخابره کرده از هتل خارج شدم. شام را در خارج صرف و ساعت یازده به هتل مراجعت کردم.

تاریخچه استانبول

جمعه ۲۱ ژوئیه - پیش از ظهر را به گردش گذراندم. فی الحقیقه استانبول جای گردش است. از توصیف این شهر مهم تاریخی همین بس که دو قطعه مهم کره زمین را به هم مربوط و دو دریای بزرگ و پراهمیت را به وسیله بغازها با هم متصل می‌سازد. استانبول در محل ختم بغاز بسفور و شروع دریای مارمارا واقع است. همین‌طور که از دریای مارمارا به طرف بسفور نگاه کنیم دست راست سواحل آسیا و دست چپ سواحل اروپا را می‌بینیم. استانبول بزرگ دارای سه قسمت است؛ اول استانبول اصلی یا قدیم، دوم پراوگالاتا، سوم اسکوتاری. از این سه قسمت استانبول اصلی یا قدیم و پراوگالاتا در قسمت اروپا و اسکوتاری در قسمت آسیا واقع است. تنگه بسفور استانبول قدیم و پراوگالاتا و اسکوتاری را از هم جدا و تنگه شاخ طلا استانبول اصلی که در جنوب شاخ طلا است و پراوگالاتا را از یکدیگر مجزا می‌نماید. استانبول قدیم و پراوگالاتا به وسیله دو پل به هم متصل است؛ یکی پلی کهنه شبیه به جسر بغداد و دیگری پل آهنی جدید که در همین سالهای اخیر آلمانها برای دولت عثمانی ساخته‌اند. شهر قدیم استانبول همان استانبول تاریخی است که بر فراز هفت تپه واقع و مانند مثلثی در زوایای بسفور و مارمارا و شاخ طلا واقع است. همین شهر است که کنستانتین اول معروف به کبیر در ۳۳۰ میلادی در قسمتی از شهر بیزانیوم باستانی بنا نهاده آن را کنستانتینوپل یا شهر کنستانتین نامید و پایتخت امپراتوری خویش قرار داد. همین شهر است که سلطان محمد

۴

استانبول

دیدار با ایرانیان

پنجشنبه ۲۰ ژوئیه - صبح زود برخاسته سفرنامه دیروز را نوشته پایین رفتم. سالون و اطاق پذیرایی خوبی دارد. جمعی از رفقا و آشنایان منجمله آقایان علوی و خلخالی و میرزامحمد علی خان تربیت به دیدن اینجانب آمده بودند. دو ساعتی از این آقایان پذیرایی کردم. از قراری که حضرات می‌گفتند دیشب را آقای طباطبایی و فامیل در گار حیدرپاشا مانده امروز به منزلی که سفارت ایران برای آنها تهیه کرده است می‌روند. بعد از ناهار آقایان فطن‌الملک و شرف‌الملک و معظم‌السلطنه نایب سوم سفارت ایران در ترکیه به دیدن اینجانب آمدند. پس از یکی دو ساعت پذیرایی از این آقایان با معظم‌السلطنه به سفارت ایران رفتم. آقای احتشام‌السلطنه سفیر کبیر از ملاقات اینجانب اظهار شغف نمود. صحبت عمومی مدتی در میان بود. داخل مطلب به‌خصوصی از اوضاع حاضر خودمان نشدیم. پس از یک ساعت توقف از سفارت بیرون آمده پیاده به هتل برگشتم. بین راه

ثانی - فاتح - آن را در ۱۴۵۳ پس از محاربات سخت به تصرف آورده و تا امروز در تصرف ترکان و پایتخت دولت عثمانی است و ترکان آن را استانبول و بعضی به غلط آن را اسلامبول می خوانند.

استانبول قدیم

استانبول قدیم در طرف جنوب تکه زمین سنگی که داخل دریا می شود و آن را «شاخ طلا» می خوانند واقع است. قصر سلطان و سرای قدیم و مسجد معروف ایاصوفیه و سایر مساجد عالیه مانند جامع احمدیه و جامع سلیمانیه و جامع محمد پاشا و مقابر سلاطین عثمانی مانند مقبره سلطان سلیم ثانی و مقبره سلطان محمود ثانی و مقبره سلطان سلیمان و مقبره سلطان محمد فاتح و باب عالی جدید و بیشتر ادارات مهم دولتی و بازارهای قدیم و حمامهای ترکی و موزه دولتی و مدارس قدیمه در استانبول قدیمی واقع است. ساکنین این قسمت تقریباً تمام ترک و مسلمان می باشند. پراوگالاتا، قسمت اروپایی استانبول در روی تپه مرتفعی در شمال شاخ طلا واقع و با بسفور و شاخ طلا زاویه ای تشکیل می دهند. گالاتا اول و بعد پرا واقع است. سفارتخانه های خارجه به استثناء سفارت ایران که در استانبول قدیم است و هتلهای امروزی و مغازه های بزرگ و ساختمانهای جدید و بانکها و تجارتخانه های مهم و کاخ دلمه باغچه در قسمت پراوگالاتا واقع و این قسمت در سنوات اخیر ترقی بسیار کرده و امروز دارای هر گونه وسایل زندگی امروزی شده است از قبیل آب لوله، مجرای فاضلاب، الکتریک، گاز، تلفن، مهمانخانه های خوب و رستورانهای مرغوب، کنسرتهای زیاد، مغازه های بزرگ، عمارات عالی، و وسایل حمل و نقل امروزی شهری. اگر چه هنوز باقی دارد که به شهرهای بزرگ اروپا برسد ولی روز به روز در ترقی است و با موقعیت مهم و منظر عالی که دارد می تواند با هر شهر بزرگ امروزی همسری نماید.

اسکودار

اسکوتاری بر فراز تپه بزرگی واقع است، چشم انداز بسیار عالی دارد و محل سکناى خانوادگان ترک و یونان می باشد. هوایش بسیار ملایم است قبرستان قدیم ترکان در این محل واقع و چندین هکتار فضای آن است. این قبرستان که از درختان کاج بسیار بزرگ پوشیده شده دارای بعضی سنگهای قبر و حجاریهای دیدنی است. سربازخانه بزرگ سلیمه و گار راه آهن بغداد نیز در این قسمت واقع است. کشتیهای زیاد به اندازه های مختلف میان قسمت های مختلف استانبول بزرگ در تردد و حرکت هستند. جمعیت استانبول بزرگ شامل قطعات نامبرده در حدود یک میلیون و نیم است.

گردش در اسکودار

بعد از ظهر ساعت چهار با کشتی به اسکوتاری رفتم. نسیم خنکی می وزید و مناظر عالی بسفور و دریای مارمارا و شاخ طلا چشم را لذتی به سزا می داد. منظره ای است عالی فوق تصور. اشعار شعریایی مانند حافظ و سعدی و شکسپیر و رنگ آمیزیهای نقاشانی مانند رفائیل و میکلائل و رضا عباسی ممکن است چنین منظری را در نظر مجسم گردانند. کشتی از محل تلاقی زوایای شاخ طلا و مارمارا و بسفور گذشته وارد تنگه بسفور می شود. یکی دو کیلومتر در سمت راست به بندرگاه اسکوتاری می رسد. پس از پیاده شدن از کشتی ساعتی با درشکه در اطراف تپه به گردش پرداخته و پس از گذشتن از وسط قبرستان بزرگ نامبرده مجدداً به طرف بندر سرازیر شده ساعت شش با کشتی به پل تازه برگشتم. بدیهی است چنین گردش به اینجانب پس از بیابانگردیهای ممتد بسیار لذیذ و دلفریب بود.

ملاقاتهای استانبول

از ملاقاتهای امروز چند کلمه بنویسم؛ صبح پیش از گردش تفریحی به

هتل بریستول رفته از آقایان میرزا کریم خان و علوی و سایر رفقا که در آنجا منزل دارند مختصر ملاقاتی و احوالپرسی به جای آورده و عصر که از گردش برگشته به استانبول قدیم برای ملاقات آقای طباطبایی رفته در نزدیکی سفارت ایران منزل ایشان را پیدا کردم. جزئی کسالتی به ایشان عارض شده است. تلگرافی از آقای نظام السلطنه رسیده قرار شد فردا بعد از ظهر همدیگر را ملاقات و بعد متفقاً به ملاقات آقای احتشام السلطنه سفیر کبیر برویم. ساعت ده به هتل برگشته پس از صرف شام به اطاق خواب رفتم.

مذاکره با احتشام السلطنه

شنبه ۲۲ ژوئیه - صبح زود پس از نوشتن یادداشتهای روز پیش پایین آمده پس از صرف صبحانه با قهوه ترک بسیار لذیذی از هتل بیرون آمده اول به منزل خانم دکتر واسل رفته کاغذ دکتر را به خانمش رسانده کارت گذاشتم. منزل او در ششلی بالای پرا جای خوش منظر خوبی است. سپس با تراموای الکتریکی که تازه دایر شده به استانبول رفته ناهار را در منزل آقای فطن الملک صرف [کردم] و پس از ناهار منزل میرزا محمد علی خان تربیت و بعد منزل آقای طباطبایی رفته با ایشان متفقاً به سفارت ایران رفتم. پس از تعارفات و مذاکرات مقدماتی با آقای احتشام السلطنه سفیر کبیر، شرحی از تاریخ این چند ماهه خودمان و علت حرکت و آمدن ما به استانبول و رفتن به برلن بیان و اظهار کردیم که ما مأموریت داریم در اینجا با مشاوره و صوابدید آقای سفیر کبیر خودمان و در برلن با مشاوره و صوابدید آقای وزیر مختار خودمان کوشش کرده موقعیت خودمان را روشن [کنیم] و اگر ممکن باشد این کار مشکل را از جلو برداریم.

لزوم اتحاد مهاجرین

آقای سفیر کبیر شرحی مبنی بر دلسوزی از موقعیت فعلی ایران و افسوس

از پیشامدهای غیر مطبوع و همدردی با مهاجرین بیان و اظهار نمود در هر کاری برای مساعدت فکری و عملی حاضر بوده و همان شب را در منزل انور پاشا به شام میهمان است و نیز روز دوشنبه بعد هم او را خواهد دید. آن وقت او را از آمدن ما مسبوق خواهد کرد و ضمناً سفارش نمود که کلیه مهاجرین باید با هم متحد و هم آهنگ باشند و با دست همدیگر کار کنند که مبادا بوی نفاق از طرف آنها به مشام برسد. مذاکرات ما در اینجا به پایان رسید.

ایاصوفیه

یک ساعت به غروب از سفارت بیرون آمده به مسجد ایاصوفیه رفتم. عجب بنای عالی تاریخی است. به شرح کیفیت حجاری و ساخت بنا و تزئینات و تاریخ تکمیل و توسعه آن از حوصله یادداشتهای امروز اینجانب خارج است. سپس به باغ عمومی یلدیز رفته ساعتی گردش کردیم. بسیار باغ باصفایی است. این باغ که اخیراً گردشگاه عمومی شده به مثلث و محل تلاقی بسفور و مارمارا و شاخ طلا منتهی می شود. سپس به هتل بریستول رفته شام را در آنجا با رفقای ایران صرف [کردیم] و ساعت یازده و نیم به هتل برگشتم.

عقیده تربیت

یکشنبه ۲۳ ژوئیه - روز عید مشروطیت عثمانی است. عمارات را بیرق زده و بعضی از ابنیه عمومی دولتی را آیین بسته، چراغانی کرده اند. تمام روز را در گردش بودم. از ساعت ده صبح تا شش بعد از ظهر در طرف استانبول قدیم به دیدن محلهای تاریخی پرداختم. مدتی در خیابانها و در بازارها می گشتم. ناهار را با آقای سیف الممالک صرف [کردم] و بعد از ناهار ملاقات مختصری هم از آقای حاج میرزا یحیی دولت آبادی در

نزدیکی باب عالی به عمل آمد. امروز بعد از ظهر قرار بود با آقای طباطبایی به سفارت برویم ولی به علت کسالت ایشان به بعد موکول شد. از ساعت شش تا یازده و نیم با آقایان تربیت و خلخالی و سیف الممالک بودم. با کشتی به آن طرف اروپا در کنار بسفر رفتیم. هوا خوش و منظره عالی، هیچ وقت اینجانب از دیدن چنین مناظر خسته نشده‌ام. ساعت نه به پرا برگشته، شام را در یکی از رستورانهای آنجا خوردیم. در سر شام قدری صحبت سیاسی به میان آمد. عقیده آقای تربیت این بود که خیلی دیر شده، دیگر مشکل است از آلمانها یا عثمانیها استفاده کامل بشود وانگهی عثمانیها در اول ضدیت تام در امور ایران و پیشرفت نظریات آلمانها داشتند و هنوز هم معلوم نیست نظریات آنها تغییر کرده باشد. از طرف دیگر هم معلوم نیست که عملیات ملیون و مهاجرین هم کاملاً از روی مصلحت بوده است. ساعت ده و نیم به هتل برگشتیم. تلگرافی از آقای نواب وزیر مختار ایران در برلن داشتم که از ملاقات اینجانب در آتیۀ نزدیک اظهار خوشحالی کرده است. خانم دکتر واسل هم اینجانب را برای روز چهارشنبه به چای دعوت نموده و از قرار معلوم دکتر واسل روز هشتم ژوئیه به طرف استانبول حرکت کرده است.

مذاکرات احتشام السلطنه

دوشنبه ۲۴ و سه‌شنبه ۲۵ ژوئیه - به واسطه عارضه کسالت بیشتر در هتل و در بستر بودم. از قرار معلوم آقای سفیر کبیر ایران با وزرا راجع به ملاقات آقای طباطبایی و اینجانب مذاکره کرده و چنین قرار شده است که اول وزیر امور خارجه و بعد انورپاشا وزیر جنگ را ملاقات کنیم.

دیدارها

چهارشنبه ۲۶ ژوئیه - بعد از ظهر با وجود کسالت به دیدن خانم دکتر واسل

رفتم. دو نفر از اعضای سفارت آلمان در استانبول نیز آنجا بودند. صحبت متفرقه در میان بود. پس از مراجعت به هتل آقای احتشام السلطنه سفیر کبیر به دیدن اینجانب آمدند. مدتی با ایشان راجع به اوضاع عمومی صحبت در میان بود. پس از آن آقایان شرف الملک و فطن الملک و علوی و حاجی نظم السلطنه به دیدن نگارنده آمده تا مدتی از اوایل شب با آقایان بودم. یک نفر از طرف علی بیگ و انورپاشا به احوالپرسی اینجانب آمده بود.

عقیده احتشام السلطنه

پنجشنبه ۲۷ ژوئیه - امروز هنوز کسالت کمی باقی است. بعد از ظهر را با حال کسالت به منزل آقای میرزا کریم خان رفتیم. جمعی از آقایان رفقا از قبیل آقای تربیت و خلخالی و حاجی میرزا یحیی دولت آبادی و میرزا سلیمان خان میکرده در آنجا بودند. از وحدت و یگانگی صحبت در میان بود و به نتیجه نرسید مانند خیلی از مجالس دیگر. آقایان میرزا کریم خان و تربیت این جلسه را فراهم کرده بودند. سه از شب گذشته به ملاقات آقای سفیر کبیر رفته مفصل صحبت کردیم. عقیده ایشان به طور خلاصه این است که هر چه زودتر بایستی با عثمانیها کار را تمام کرده و اینجانب به برلن بروم. قرار پذیرایی ما را هم با اولیای امور تا حدی داده‌اند بدین ترتیب که وزرا هر یک کالسکه با مهماندار برای ما فرستاده به ملاقات آنها و صدراعظم رفته و به همچنین با کالسکه مخصوص و مهماندار به حضور سلطان تشریف حاصل کنیم. مهمانی رسمی هم از ما به عمل آید. قرار چنین شده که این ملاقاتها بعد از عید روزه ماه رمضان شروع شود. در هر صورت باید کار با عثمانیها هر چه زودتر خاتمه پذیرد. اوضاع اتریشیها هم چندان خوب نیست و پیش از آنکه چشم زخم سختی به آنها وارد شود اینجانب باید به آلمان بروم.

هشت ماه دور از تهران

جمعه ۲۸ و شنبه ۲۹ و یکشنبه ۳۰ ژوئیه - این سه روز به واسطه کسالت کمتر بیرون رفتم. گاهی رفقای ایرانی به دیدن اینجانب می آمدند. روز جمعه را به جامعه حمیدیه برای دیدن سلام لیک رفتم. خالی از تماشا نبود. شب را ساعتی در سفارت گذراندم. جمعی از ایرانیان هم آنجا بودند. روز شنبه شارژدافر آلمان که در همین هتل منزل داشت حرکت کرد. روز شنبه که آخر رمضان است حال کمی بهتر شد. در این ماه روزه ناخوشی اینجانب را خیلی اذیت کرده است، با امیدواری بیشتری داخل ماه نو می شوم و سلامت و صحت اولیه خودم را خواستگارم. حالا خوب می فهمم که هیچ چیز بهتر از صحت مزاج نیست. آن هم در چنین مسافرتی. وقتی که وسایل راحتی برای انسان فراهم نیست، وقتی که هر ساعت وقت او باید صرف امر غیر معلومی گردد. اول ماه گذشته در راه دیر و حلب گرفتار آن پیش آمد سخت شدم که نزدیک بود جان تسلیم جان آفرین نمایم و حالا هم در استانبول مرکز نیروی سلطانی گرفتار این ضعف و بیماری شده ام. این ماه رمضان پرمشقت از عمر اینجانب گذشت. سال گذشته در تهران چه خوش می گذشت؛ مجلس شورای ملی با ابهت پارلمانی دوره سوم خود را می گذرانید. آقای مستوفی الممالک هم ریاست امور را در دست با کفایت خود داشته، می دانستیم امور مملکت را مطابق دلخواه و برنامه آزادیخواهان انجام می داد. اما الان هشت ماه می گذرد که نه از تهران و نه حتی از فامیل خود خبری دارم. رفقا همگی در به در، آتیه تاریک و معلوم نیست رمضان آینده چه با خود بیاورد. قلب انسان جایگاه آرزوست، از صمیم قلب خواهانم روزهای بهتری برای ایران و ایرانیان در جلو باشد.

عید فطر

دوشنبه ۳۱ ژوئیه مطابق اول شوال ۱۳۳۴ - امروز عید فطر، عید بزرگ

عثمانیها است. در ایران هم این عید را شریف می دانند، ولی در عثمانی بزرگترین عید سلطانی است و سه روز تا پنج روز ادامه دارد. از صبح زود حرکت قشون و صدای توپ نوید عید را به اهالی پایتخت سلطانی می داد. تقریباً دو ساعت از روز بالا آمده سلطان به مسجد می رود. سلام سلطان در این اعیاد رفتن به مسجد است و در آنجا سفرا را می پذیرد و دیگر سلام خصوصی ندارد. شهر را هم آیین بسته پرچمها را بر فراز عمارات بلند کرده اند. قبل از ظهر برای ملاقات آقای سفیر کبیر به سفارت رفتم. جمعی از ایرانیان مقیم استانبول و مهاجرین در آنجا بودند. آقای سفیر کبیر ضمن صحبت به اینجانب گفت کار رسمی ما از روز پنجشنبه شروع می شود. در آن روز انور پاشا را ملاقات کرده بعد به ترتیب وزرا و رؤسای کل را ملاقات و روز جمعه بعد از سلام لیک حضور سلطان شرفیابی صورت خواهد گرفت. بعد از ظهر به قونسولخانه ایران به دیدن قنصل ژنرال رفتم. پس از آن در گوشه شاخ طلا قایق گرفته ساعتی روی آب در شاخ طلا گردش و تفریحی به جا آوردم. چند عدد کشتی جنگی در شاخ طلا پس از پل کهنه تحت تعمیر هستند.

جیب بر

ساعت شش بعد از ظهر که به طرف هتل می آمدم از محلی که موسوم به غلظه است برای دیدن وضع مردم سوار تراموای الکتریکی شدم. همان طور که در راهرو خارج تراموای ایستاده بودم چند نفر که به نظر یونانی می آمدند دور مرا گرفته به سرعت هرچه تمامتر کیف بغلی مرا ربوده پا به فرار گذاشتند. در این کیف نه تنها موجودی نقد اینجانب بود بلکه حاوی گذرنامه و بعضی اوراق مهم دیگر هم بود. مبلغی پول نقد در حدود پنجاه لیره عثمانی و یک حواله که از شعبه دوچ بانک بغداد گرفته بودم با گذرنامه و شناسنامه بالکل در آن ضبط شده بود. فوراً به هتل رفته

ماوقع را به توسط مترجم هتل به شهربانی کل رسانده، سپس به سفارت رفته گزارش ماوقع را به اطلاع سفارت رساندم. از سفارت هم فوراً به شهربانی کل اطلاع داده شد، از محبت آقای سفیر کبیر همین بس که کیف پول خود را از جیب درآورد در جلوی اینجانب گذاشت و خواهش کرد هر قدر بخواهم می‌توانم از آن بردارم. آقای احتشام السلطنه شخصی است بسیار متعارف و مخصوصاً نسبت به اینجانب محبت زیاد مبذول می‌دارد. از سفارت مراجعت کرده شام را در رستوران تاکاتلیان صرف کرده در آنجا برادر ارفع الدوله را که مدتی در جده قنسول بود و اخیراً قنسول ژنرال استانبول نیز بود ملاقات کردم. شرحی از کارهای خودش توصیف می‌کرد. ساعت دوازده به هتل برگشتم.

حسین دانش

سه‌شنبه اول اوت ۱۹۱۶ - پیش از ظهر به شعبه دوج بانک استانبول رفته به حواله سرقت شده سروصورت تازه دادم. تلگرافات لازمه به وینه و برلن و بغداد، سه نقطه‌ای که در آن حواله قابل پرداخت بود مخابره شد. سپس با آقای طباطبایی به سفارت رفته مدتی با آقای سفیر کبیر در زمینه کار خودمان مذاکره کردیم. پس از فراغت از سفارت به هتل برگشتم. عصر جمعی از ایرانیان به دیدن اینجانب آمدند من جمله حسین خان معروف به دانش. این آقای دانش فی الحقیقه دانا است. شعر هم می‌گوید، فرانسه و انگلیسی هم خوب حرف می‌زند. علی‌یک هم‌پا هم آمد. مدتی صحبت کردیم. اظهار داشت همان ساعت از اداره آمده است. انورپاشا بیرون رفته روز یکشنبه آینده مراجعت خواهد کرد. لذا ملاقات پنجشنبه ایشان به یکشنبه موکول شده است. ولی سایر ملاقاتها از روز شنبه آینده شروع خواهد شد. پس از فراغت از ملاقاتها با آقای سیف‌الممالک از هتل خارج شده شام را با او بیرون صرف [کردم] و پس از شام به هتل برگشتم.

حیدرخان عمو اوغلی

چهارشنبه دوم اوت - نزدیک ظهر به سفارت رفته با آقای سفیر کبیر قدری صحبت کردم. پس از بیرون آمدن از سفارت به دیدن آقای فطن‌الملک رفتم. در مراجعت حیدرخان عمو اوغلی را ملاقات کرده می‌گفت مارک آلمان خیلی تنزل کرده و این علامت ضعف متحدین است. پس از ناهار میرزا سیدجوادخان مترجم سفارت، پس از او چند نفر دیگر به دیدن اینجانب آمدند. شام را در خارج با حیدرخان عمو اوغلی صرف [کردم] و پس از قدری گردش به هتل برگشتم.

پورداود

پنج‌شنبه ۳ اوت - پیش از ظهر با آقای طباطبایی به سفارت رفته، قنسول سابق شیراز آلمان را هم آنجا دیدم. صحبت‌های متفرقه در میان بود. پس از بیرون آمدن از سفارت ساعتی تنها در بازار گردش کردم. در راه علی‌بیک را دیدم می‌گفت دیگر عید تمام شده از روز شنبه ملاقاتها را شروع می‌کنیم. ساعت سه بعدازظهر آقایان فطن‌الملک و شرف‌الملک به ملاقات اینجانب آمده نزدیک غروب به معیت آنها به هتل بریستول به دیدن آقایان ایرانیان آنجا رفتم. تماماً بیکار و بی‌تکلیف، وقت خود را در استانبول می‌گذرانند. دیروز زمانی که آقایان پورداود و علوی در بشکاتش گردش می‌کردند در تراموا جیب پورداود را می‌خواستند ببرند. ولی خوشبختانه زود ملتفت شده دزد را دست پلیس می‌دهند. امروز در اینجا شخص باید متوجه خودش باشد والا جیبش را بدون حرف می‌برند.

ناهار سفارت

جمعه ۴ اوت - ناهار را در سفارت مدعویم. در حقیقت این ناهار را سفارت به عنوان آقای طباطبایی و نگارنده می‌دهد. آقایان حاجی

میرزایحیی، میرزاسلیمان خان، سردار سعید، فطن‌الملک، شرف‌الملک، میرزامحمد خان تربیت، خلخالی، حاجی نظم‌السلطنه، سیف‌الممالک، معتمدالسلطنه، [علی محمد] اویسی جزء مدعوین بودند. صحبت سیاسی اصلاً در میان نیامد. پس از صرف ناهار اتاقهای طبقه اول سفارت را گردش کرده، خوب مزین به نظر می‌آید. سپس چای صرف و مجلس به پایان رسید از سفارت بیرون آمده با آقایان عمو اوغلی و علوی در شهر گردش کردیم.

دیدارهای رسمی

شنبه ۵ اوت - پیش از ظهر به سفارت رفتیم. آقای طباطبایی هم آنجا بودند. چون امروز عصر به دیدن صدراعظم و وزیر امور خارجه دولت عثمانی می‌رویم لازم بود قبلاً با آقای سفیرکبیر خودمان ملاقات و مذاکره نماییم. از سفارت به منزل آقای طباطبایی رفته ناهار را هم در آنجا خوردیم. ساعت چهار بعد از ظهر علی‌بیک هم‌پا عضو شورای دولتی با کالسکه آمده به همراهی او به باب عالی رفتیم. اول مستقیماً به اطاق صدراعظم سعید حلیم پاشا داخل شدیم. چند دقیقه در اطاق انتظار نشسته پیشخدمت آمد ما را به اطاق کار صدراعظم راهنمایی کرد. صدراعظم یک مرد کوتاه قد مسن سبزرنگی از پشت میز کارش برخاسته دو قدمی جلو آمد و با آقای طباطبایی و نگارنده دست داده نشستیم. علی‌بیک به صدراعظم گفت که اینجانب با زبانهای مهم اروپایی مأنوس [هستم]. لذا آقای صدراعظم می‌توانند مستقیماً بدون مترجم با ما صحبت کنند. صحبت ما با صدراعظم به زبان فرانسه شروع شد. اینجانب اظهارات ایشان را برای آقای طباطبایی ترجمه می‌کردم. مذاکرات قرب یک ربع ساعت طول کشید. داخل خصوصیات نشدیم. به شکل تعارفات و تشریفات رد و بدل می‌شد. صدراعظم از ملت ایران و همدردی جمعی از

ایرانیان برجسته در این موقع باریک نسبت به دولت عثمانی و عالم اسلام تشکر و آتیه را با نظر امیدواری تلقی نمود. ما هم از طرف ملت ایران همدردی صمیمانه برای موفقیت دولت عثمانی و زمامداران حکومت عثمانی اظهار، امیدواری به یک آتیه روشتری به خصوص در روابط دولت و ملت ایران و دولت و ملت عثمانی خواستگار، آقای صدراعظم یک انشاءالله بلندی در آخر هر جمله اظهارات اینجانب می‌گفت. قبل از برخاستن ما پرسید آیا در استانبول به ما خوش گذشته است. جواب ما معلوم است مثبت بود نه منفی.

یگانگی عثمانی

پس از بیرون آمدن از نزد صدراعظم به عمارت وزارت خارجه رفته از خلیل‌بیک وزیر امور خارجه ملاقات کردم. اظهارات آقای وزیر امور خارجه خیلی شبیه به اظهارات صدراعظم ولی گرمتر و مفصل‌تر [بود]. از طرف دولت عثمانی ما را مطمئن نمود که دولت عثمانی با دولت ایران دوستی و یگانگی داشته با تمام قلب ترقی و تعالی ایران را خواستار است. دو دولت باید دست به دست همدیگر داده در جلوی دشمن مشترک ایستادگی نمایند و یک آتیه مشعشعی که در خور تاریخ گذشته آنها باشد برای خود مستقر نمایند. از طرف ما هم جوابهای مناسب داده شد. پس از یک ربع مذاکرات خداحافظی کرده بیرون آمدیم. پس از بیرون آمدن از باب عالی برحسب دعوت علی‌بیک به اداره او رفته چای را در آنجا صرف کردیم و قرار گذاشتیم روز دوشنبه ساعت چهار در منزل او چای صرف و صحبت کنیم.

اخوی ارفع الدوله

ساعت شش و نیم بعد از ظهر از آنجا به سفارت ایران رفته آقای سفیرکبیر

را از مذاکرات خود با صدراعظم و وزیر خارجه مستحضر کردیم. ایشان خوشحال شدند که پذیرایی حضرات از ما گرم و صمیمانه بوده است. ساعت هشت بعدازظهر به طرف پرا رفته شام را در تکاتلیان صرف [کردیم] و به دعوت اخوی ارفع الدوله به سینما که در باغ بزرگ خوبی داده می شد رفتیم. از قراری که امروز شنیده شد دولت رومانی خیال دارد به کمک روس و متفقین داخل جنگ شود.

سیف الممالک

یکشنبه ۱۶ اوت - پیش از ظهر را مدتی با آقای سیف الممالک راجع به اوضاع حاضر خودمان صحبت می کردیم. بعدازظهر را با آقای طاهرزاده تبریزی که استاد نقاشی مینیاتوری است گذرانده و شام را هم با آقای طباطبایی در هتل بریستول مهمان آقای میرزا کریم خان بودیم.

عقاید احتشام السلطنه

دوشنبه ۷ اوت - صبح به ملاقات آقای احتشام السلطنه رفتیم. کسی دیگر نبود صحبت مفصل خودمان از اوضاع گذشته و حال ایران به میان آمد. خیلی افسوس می خورد که عوام فریبی بعضی اشخاص و دخل و تصرف اشخاص نالایق در سیاست کار مملکت ما را بدین جا کشانده است. چه خوب بود در آغاز این جنگ مجلس را منفصل و یک کابینه نیرومندی تشکیل و یک عده از رجال سیاسی و رؤسای احزاب مشاور چنین کابینه می شدند که سیاست مملکت به دست اشخاص نالایق بی تجربه نیفتد.

ملاقات علی بیگ

چهار بعدازظهر با آقای طباطبایی به ملاقات علی بیگ رفتیم. خانه او در بشکتاباش که یکی از محلات خوب پرا می باشد واقع است. کلکسیون

بسیار خوبی از کاشی و چینی ایران جمع کرده است. پس از صرف چای داخل مذاکرات سیاسی شدیم. گفت هرچه در نظر دارید به من بگویید هر قدر که از دست من برآید در انجامش حاضریم. خلاصه نظر اساسی خودمان را به او گفتیم؛ اولاً دوستی ایران با آلمان و متحدین آن و تضمین استقلال و آتیه ایران، ثانیاً جلب لوازم جنگ از هر قبیل برای ایران. علی بیگ هر دو موضوع را تصدیق کرد. گفت طبیعی است آلمان و متحدین باید معاهداتی نسبت به ایران بنمایند که در پایان جنگ خود را ملزم به اجرای آن بدانند. دولت عثمانی حکومت ملی موقتی را به ریاست آقای نظام السلطنه شناخته و با آن عقد معاهده نموده و حاضر است با صمیمیت به عهد خود وفا نماید. آلمان هم باید همین طور نسبت به ایرانیان تعهدات لازم را برعهده بگیرد. در خصوص لوازم کار و مهمات طبیعی است پس از آنکه اساس کار درست شد مسائل فرعی صورت خواهد گرفت. دولت عثمانی حاضر است به قدر مقدور به دولت ایران کمک کند و حکومت موقتی را هم که به رسمیت شناخته کمک نماید. آلمانها هم از خیال مساعدت به ایرانیان منصرف نشده اند ولی باید الزام دولت آلمان صورت تحقیق به خود گیرد. دولت عثمانی حاضر است حتی در این باب هم به ایرانیان مساعدت نماید. مدت دو ساعت مذاکرات با علی بیگ طول کشید.

دیدار با انور پاشا

سه شنبه ۸ اوت - ساعت ده علی بیگ کالسکه آورده به راهنمایی او به وزارت جنگ برای ملاقات انور پاشا وزیر جنگ و معاون سپهسالاری کل عساکر عثمانی رفتیم. ما را مستقیماً به تالار بزرگ وزارت جنگ بردند. در آنجا چند دقیقه منتظر دیدن انور پاشا شدیم. یک طرف تالار را دولا بچه های بزرگ ترتیب داده و در آنها اسلحه های قدیم ترکان را به نمایش گذاشته اند. پس از چند دقیقه پیشخدمت آمده ما را به اطاق

انورپاشا هدایت کرد. این اطاق در جنب تالار واقع است. انورپاشا ایستاده بود. چند قدم جلو آمده با ما دست داد و ورود ما را به استانبول خیرمقدم گفت. سپس نشسته صحبت آغاز شد. در جواب تعارفات او ما هم تشکر کرده احساسات دوستانه ایرانیان را به خصوص نسبت به شخص او تذکر دادیم. انور پاشا از این تذکرات تشکر کرده گفت فقط تکلیف دینی و وجدانی خود را انجام داده. زمانی بود که دو ملت ایران و عثمانی فرسنگی از هم دور و حتی از هم وحشت داشته [اند] ولی امروز برعکس دوستی میان آنان برقرار است] و مخصوصاً باید کوشش کرد این دوستی پیوسته مستحکم تر گردد و ایرانیان باید از حسن نیت عثمانیان مطمئن شوند و این اطمینان وقتی فراهم خواهد شد که هیچ گونه سوء تفاهمی در میان نباشد. دولت عثمانی به هیچ وجه سوء قصدی به ایران ندارد، حتی یک سر انگشت از خاک ایران را نمی خواهد و برعکس با جان و دل خواهان بقای استقلال و آبادانی ایران است. ایران مستقل قوی، برای عثمانی نفعش زیادتر از یک ایران ضعیف است. باید هر دو مملکت در مقابل دشمن مشترک قوی و آزاد باشند. به علاوه پس از برگشتن از عراق سعی کرده آلمانها را نیز با این عقیده و حسن نیت همراه نماید. آلمانها که می خواستند همان روزها به کلی از کار ایران کناره گیری کنند امروز حاضرند مواعید خود را حفظ و همان نظر دولت عثمانی را راجع به ایران در عهده گیرند. در مقابل این اظهارات انورپاشا ما هم به نوبت خود تشکرات اظهار و نیز از همراهی خلیل پاشا در بغداد تشکر کردیم. انورپاشا گفت خلیل پاشا به تکلیف خودش رفتار کرده است. پس از یک ربع مذاکرات خداحافظی کرده از نزد انورپاشا بیرون آمدیم. شب را در تکاتلیان شام خورده مقارن نصف شب به هتل بازگشتیم.

دیدار دکتر ویر

چهارشنبه ۹ اوت - صبح ساعت ۹ جمعی از ایرانیان من جمله آقایان

تربیت و فطن الملک و خلخالی و نیز دکتر ویر مترجم اول سفارت آلمان به دیدن اینجانب آمدند. دکتر ویر اظهار کرد از برلن راجع به رفتن نگارنده به آنجا تذکر داده بودند، ضمناً به طور کنایه می خواست از مقصود رفتن نگارنده به برلن اطلاعی به دست آورد. شرح مفصلی راجع به نظریات ایرانیان و مقاصد ملی مهاجرین و تبلیغات آلمان در ایران برای او گفتم. ملیون ایران ممکن نیست با خاطر جمع وارد این کار بشوند مگر آنکه از آتیه کشور خود مطمئن شوند. حفظ استقلال و ضمانت تمامیت ایران با تعهدات رسمی آلمان فریضه اولیه این کار است. دکتر ویر گفت اظهارات اینجانب را برای سفیر کبیر آلمان شرح خواهد داد. ناهار را منزل آقای طباطبایی صرف [کردیم] و پس از ناهار با ایشان به سفارت و بعد به ملاقات علی بیگ رفته به او یادآور شدیم که انورپاشا را پیوسته با حوائج ایرانیان همراه و دمساز نگاه دارد.

ناهار انورپاشا

پنجشنبه ۱۰ اوت - امروز ناهار را منزل انورپاشا دعوت داریم. نزدیک به ظهر آقای طباطبایی با رضایک کارمند وزارت جنگ در اتومبیل دولتی به هتل آمده از اینجا به خانه انورپاشا که مشرف به سفر است رفتیم. مدعوین به ناهار عبارت بودند از آقایان طلعت بیگ وزیر داخله، خلیل بیگ وزیر خارجه، مدحت بیگ رئیس کمیته اتحاد و ترقی، علی بیگ همپا، سیدمحمد صادق طباطبایی و اینجانب. شرح مفصلی با آقایان اولیای مهمه دولت فعلی عثمانی صحبت کردیم. تاریخچه ای از اقدامات اولیه خودمان در ایران و تبلیغات آلمانها، بیرون آمدن از تهران، وقایع قم و اصفهان، مسافرت به کرمانشاه و قصر شیرین، اقامت در بغداد و نیز مطالب عمومی مانند اقدامات «اتحاد و ترقی» در تقویت دولت عثمانی و احساسات اتحاد مسلمین و لزوم تشکیل انجمن مشترکی از ترکان و

ایرانیان برای امور ادبی و اخلاقی و سیاسی و نظامی و اقتصادی و نیز انجمنی برای ایجاد وحدت میان مسلمانان به رشته صحبت درآوردیم. مجلس بسیار گرمی بود به خصوص طلعت بیک و انورپاشا دوستی و همفکری بسیار ظاهر می نمودند. مجلس قریب سه بعدازظهر پایان یافت. از منزل انورپاشا مستقیم به سفارت رفته مذاکرات آنجا را با آقای سفیر کبیر در میان گذاشته از سفارت خارج [شدیم] و به سفارت آلمان و اتریش رفته برای سفرا و مستشاران آنان کارت گذاشتیم. ساعت پنج و نیم بعدازظهر علی بیک همپا به هتل نزد اینجانب آمده اظهار کرد فردا را که روز جمعه است به سلام لیک رفته حضور اعلیحضرت سلطان تشرف حاصل خواهم کرد و نیز مفصلاً مذاکرات خودش را با آقایان وزرا پس از رفتن ما بیان نمود.

شرفیابی سلطانی

جمعه ۱۱ اوت - امروز باید به سلام لیک برای تشرف به حضور سلطان برویم. ساعت ده به سفارت رفته با آقای احتشام السلطنه راجع به آداب پذیرایی و تشرف به حضور سلطان در سلام علیک صحبت کردیم. رضا بیک با کالسکه مخصوص سلطنتی آمده، مقارن ساعت یازده با آقای طباطبایی به طرف کاخ ییلدیز حرکت کردیم. قرب نیم ساعت راه پیموده وارد مسجد حمیدیه مقابل درب کاخ ییلدیز شدیم. قشون قبلاً صف آرایی کرده بودند. چند نفر از افسران ارشد هم حضور داشتند. داخل مسجد رفته در یک اطاق زاویه که اطاق انتظار است نشستیم. قهوه و شربت آوردند. قرب نیم ساعت در آنجا نشسته بودیم که صدای موزیک سلام بلند شد. سلطان از کاخ بیرون آمده در درشکه دو اسبه به طرف مسجد روان شد. جمعی از افسران نظامی و افراد خلوت سلطانی در جلو و عقب درشکه پیاده می آمدند. یک جلودار هم سواره در جلوی درشکه بود. موزیک پیوسته می نواخت و قشون زنده باد می گفت. بدین حالت سلطان

تا درب مسجد آمده پیاده شدند. جمعی هم از افسران هندی که در کوت العماره اسیر شده بودند حضور داشتند. نماز سلطانی قریب نیم ساعت طول کشید. قشون مجدداً صف آرایی کرده اعلیحضرت سلطان از مسجد بیرون آمدند. در این وقت مهماندار ما آمده ما را به طرف درب مسجد و درشکه اعلیحضرت هدایت نمود. اعلیحضرت سلطان با انورپاشا و جمعی دیگر از وزرا و افسران از داخل مسجد بیرون آمده به طرف ما آمدند. انورپاشا ما را معرفی کرد. سلطان پرسیدند ما زبان ترکی می دانیم. انورپاشا جواب داد خیر، ولی اینجانب با زبانهای مهمه اروپایی آشنایی دارد. در این وقت آقای طباطبایی از این شرفیابی اظهار مسرت نمودند. اعلیحضرت سلطان به زبان فارسی گفتند از آمدن شماها بسیار خرسند و مسرور هستم و ایرانیان را بسیار دوست دارم. آقای طباطبایی و اینجانب به نوبت تشکرات خود را از مراحم سلطانی به عرض رسانده نصرت نیروی عثمانی را در آن جنگ جهانی خواهان شدیم. اعلیحضرت سلطان فرمودند چه خوش می بود که ایرانیان و ترکان با هم متحد بوده فتح و پیروزی نصیب هر دو می شد. باز چند جمله در همین زمینه فرمایش و با سر خداحافظی کرده به درشکه داخل شدند. انورپاشا با درشکه بعدی در عقب سر حرکت نمود. قبل از داخل شدن در درشکه به ما سلام نظام داده تعارف کرد. پس از حرکت حضرات ما هم در کالسکه سلطنتی نشسته به سفارت ایران بازآمدیم. آقای سفیر کبیر از وضع پذیرایی ما خرسند شدند. عصر را به چای در منزل میرزا سیدجوادخان دعوت داشتیم. مهاجرین هم در آنجا جمع بودند. گزارش تشرف را برای آنها مفصل شرح دادیم. شام را در تکاتلیان صرف و به هتل مراجعت کردم.

زنان بدعمل

شنبه ۱۲ اوت - امروز پیش از ظهر به منزل آقای طباطبایی رفته ناهار را هم در آنجا صرف و بعد به هتل مراجعت کرده، جمعی از مهاجرین به

ملاقات اینجانب آمده بودند پذیرایی کردم. شام را با آقای مفخم السلطنه قنسول ژنرال ایران مدتی صحبت می‌کردیم. راجع به عفت زنان در استانبول صحبت شد. می‌گفت روی هم رفته عفت زنان در استانبول بهتر از اغلب جاها است، معهداً در استانبول چهارده هزار و هفتصد زن بدعمل هستند که نامشان ثبت دفتر بلدییه است. از این عده بیشترشان یونانی هستند و بعد ارامنه و بعد از سایر جاها مانند ایتالیا و مجارستان و غیره و بعد یهودی و بعد ترک. چون پلیس خیلی مواظب زنهای ترک است آنها کمتر در سلک زنان بدعمل داخل می‌شوند. هر زن بدعملی ماهی یک لیره به بلدییه می‌دهد. امروز دیگر خبری از علی‌بیک همپا ندارم. سفیر کبیر و اعضای مهم سفارت اتریش امروز برای اینجانب کارت گذاشته‌اند.

مذاکره با آلمان

یکشنبه ۱۳ اوت - امروز پیش از ظهر شرح ملاقاتها و پذیراییهای گرم اولیای امور دولت عثمانی را در دو تلگراف به بغداد مخابره کرده، ناهار را با آقای طباطبایی صرف و بعد از ظهر متفقاً به سفارت رفته مفصلاً راجع به اوضاع با آقای احتشام السلطنه مذاکره کردیم. سپس به هتل برگشته علی‌بیک هم‌پا را که به دیدن اینجانب آمده بود ملاقات کردم. اظهار داشت قشون روس نزدیک همدان شکست خورده همدان به دست قشون عثمانی افتاده است و دیگر اظهار داشت مفصلاً با خلیل‌بیک وزیر امور خارجه صحبت و او را حاضر کرده که با آلمانها راجع به ایران مذاکره نماید. وزیر امور خارجه خود علی‌بیک را از طرف خود مأمور نموده که با آلمانها در این خصوص مذاکره نماید.

شام با مهاجرین

دوشنبه ۱۴ اوت - پیش از ظهر را به گردش مفصلی در اطراف استانبول

بزرگ و یکی دو مسجد و بازار پرداخته پس از صرف ناهار با آقای طباطبایی حسب الوعده علی‌بیک همپا جای صرف و تأکید لازم در تشریح اقدامات به وسیله او به عمل آمد. شام را با جمعی از مهاجرین در یکی از رستورانهای درجه اول پرا صرف [کردیم] و در حدود ساعت دوازده به هتل برگشتم.

ملاقات با وزیر خارجه

سه شنبه ۱۵ اوت - یک ساعت به ظهر مانده با آقای طباطبایی به راهنمایی علی‌بیک همپا به وزارت داخله برای ملاقات طلعت‌بیک وزیر داخله رفتیم. پس از یکی دو دقیقه تأمل در اطاق انتظار ما را به اطاق وزیر راهنمایی کردند. طلعت‌بیک تا درب اطاق استقبال آمد و مستشار خود را که جوان بلند بالای خوش‌رویی است معرفی کرد و پرسید که در ایران هم وزیر داخله مستشار دارد؟ سپس نشسته به صحبت پرداختیم. ملاقات طلعت‌بیک نیم ساعت طول کشید. بیشتر خود طلعت‌بیک صحبت می‌کرد. آدمی است خوش‌رو و خوش‌صحبت و بشاش، هیچ نوع تظاهر و رسمیت را قائل نیست. آدمی است ساده ولی با فکر، خوش مجلس، حاضرالذهن، سریع‌الانتقال و وطن‌پرست. همین محسنات است که طلعت‌بیک را امروز شخص اول دولت عثمانی قرار داده است. هر کاری را که میلش باشد و بخواهد فوراً صورت می‌دهد. مردم هم او را دوست دارند. شخصی است با عزم و خیرخواه. طلعت‌بیک امروز مفصلاً برای ما صحبت کرد. می‌گفت راجع به رفتن قزوین میان عثمانیها و آلمانها اختلاف است. آلمانها می‌گویند نباید زیاد جلو رفت، آن وقت رساندن کمک و آذوقه سخت خواهد شد. ولی انورپاشا اصرار دارد هرچه زودتر قزوین را گرفته روسها را از جبال البرز سرازیر گرداند. یک موضوع دیگر آن که سفیر کبیر ایران رسماً از جلو رفتن قشون عثمانی اعتراض کرده است.

ناظم بیگ

این ملاقات با طلعت بیگ به کلی دوستانه بود. وقت برخاستن هم تا دم درب به مشایعت ما آمد. سپس به مرکز «اتحاد و ترقی» رفته آقایان مدحت شوکت بیگ و دکتر ناظم بیگ که از اعضای مهم «اتحاد و ترقی» هستند ملاقات و مدتی با آنها صحبت کردیم. از ارامنه صحبت به میان آمد. دکتر ناظم بیگ از آنها خیلی تکذیب می کرد. می گفت باید موضوع ارامنه در این جنگ حل شود و برای بعد از جنگ نماند. ملاقات با حضرات یک ساعت طول کشید. طرف عصر دکتر ناظم بیگ به دیدن اینجانب آمد. مدتی با صرف چای با هم بودیم و به زبان فرانسه صحبت می کردیم.

وزیر فواید عامه

چهارشنبه ۱۶ اوت پیش از ظهر به سفارت رفته وزیر فواید عامه عثمانی هم به دیدن آقای سفیر کبیر آمده بود. مرد مسنی است در حدود هفتاد سال. فرانسه خوب حرف می زند. پس از رفتن او مفصلاً با آقای احتشام السلطنه به خصوص راجع به مهاجرین که در استانبول به حال فلاکت آمیزی زندگی می کنند صحبت شد. ناهار را با آقای طباطبایی [خوردیم] و پس از ناهار دو تلگراف به امضای هر دو به بغداد و کرمانشاه مخابره کرده به هتل برگشتم. شام در تکاتلیان با آقای سیف الممالک صرف و ساعت دوازده به هتل مراجعت نمودم.

مفخم السلطنه

پنجشنبه ۱۷ اوت - امروز پیش از ظهر به سفارت آلمان برای ملاقات و بر رفتن. دکتر واسل هم آنجا بود. تازه از بغداد برگشته است. می گفت پیش از حرکت او سیاست آلمان نسبت به مهاجرین به کلی فرق کرده. حالا آلمانها

برای هرگونه مساعدتی نسبت به آنها حاضرند. پس از برخاستن قرار شد روز شنبه تجدید ملاقات بشود. ساعت شش و نیم آقایان طباطبایی و سردار سعید به هتل آمده با این آقایان به منزل مفخم السلطنه برادر ارفع الدوله رفتیم. منزل او در جای بسیار خوب نزدیک محل تلاقی بسفر و مارمارا در یک دره بسیار سبزی واقع است. منزل بسیار عالی دارد. آقای سفیر کبیر و جمعی از وجوه مهاجرین به شام دعوت داشتند. شام بسیار خوبی صرف شد. مفخم السلطنه مدتی قنصل ژنرال در استانبول بوده ولی امروز کار رسمی از طرف دولت ایران ندارد. ساعت دوازده به هتل برگشتم.

روابط با عثمانی

جمعه ۱۸ اوت - بیشتر این روز را با آقای طباطبایی و مذاکرات در اطراف مأموریت خودمان گذرانده قرار گذاشتیم هر قدر ممکن است با آلمانها و متحدین روش دوستانه داشته باشیم و با عثمانیها هم روابط دوستانه فعلی را حفظ کنیم که از هر جهت برای ما مفید خواهد بود. بدیهی است نظر ما حفظ و تضمین استقلال ایران است و هر دو این دولت می بایستی استقلال ایران را تضمین کرده و به محض اینکه جنگ خاتمه پیدا کرد قشون عثمانی که الان در ایران با روسها می جنگد باید فوراً خاک ایران را ترک کند.

انتقاد از سلیمان میرزا

شنبه ۱۹ اوت - برحسب قرارداد قبلی پیش از ظهر به سفارت آلمان رفته مدتی در آنجا با دکتر واسل صحبت کردم. خبر تازه ای نداشت. شرحی راجع به شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری ذکر کرد و خیلی افسوس می خورد که شاهزاده با حسن نیتی که دارد مورد انتقاد بعضی از دموکراتها

واقع شده است. راجع به سیاست عمومی دکتر واسل می خواست بداند که آیا سفیر کبیر عثمانی در تهران اخطار رسمی آلمان را در تضمین استقلال ایران تأیید کرده یا نکرده است. از قرار گفته فوزی بیک سفیر کبیر عثمانی چنین تأییدی را از طرف دولت متبوعه خود به کابینه آقای مستوفی الممالک نکرده است. بعد از ظهر با آقای طباطبایی به سفارت ایران رفته مدتی با آقای سفیر کبیر مشغول مذاکره بودیم. ایشان با روش دوستانه که امنای دولت عثمانی نسبت به ما و به دولت ایران اتخاذ کرده خوشحال به نظر می آیند. ولی به طور کلی راجع به آتیه امیدواری ای که باید داشته باشند ندارند و مثل این می ماند که آتیه در نظر ایشان تاریک است. وانگهی نتیجه این جنگ هم هنوز معلوم نیست که آیا فتح و پیروزی با متفقین خواهد بود یا با متحدین و در هر صورت وضع ما چه خواهد شد.

چلوکباب با مهاجرین

یکشنبه ۲۰ اوت - امروز ناهار را منزل حاجی حسینعلی تبریزی در اسکوتاری دعوت داریم. وجوه مهاجرین را به چلوکباب دعوت کرده است. منزل او منظر بسیار زیبایی دارد و بر فراز تپه به فاصله دو کیلومتر از دریای مارمارا واقع است. جزایر معروف به پرنس در جلوی منزل او پیداست و چشمه آب بسیار خوبی در اینجا می باشد که بلدییه از آن استفاده کرده در استانبول به فروش می رساند. ناهار خوبی بود بسیار خوش گذشت. امروز روز تولد سلطان است. قرار بود بعد از ظهر با آقای طباطبایی به کاخ سلطان رفته اسم خودمان را در دفتری که برای این کار گذاشته اند بنویسیم ولی متأسفانه نتوانستیم به وقت برسیم که این کار سیاسی را انجام دهیم. شام در تکاتلیان صرف کرده در حدود ساعت دوازده به هتل برگشتم.

منافع مشترک مسلمین

دوشنبه ۲۱ اوت - امروز پیش از ظهر با آقای طباطبایی به دیدن دکتر واسل رفتیم. دکتر و بر هم آنجا بود. صحبت زیاد شد و پس از مذاکرات قرار شد که هر چه زودتر اینجانب با دکتر واسل به طرف برلن حرکت کنیم. اوضاع بسیار حساس است و نباید کارها را به عقب انداخت. دکتر واسل را چهارشنبه عصر به چای دعوت کردم. بعد از ظهر با وجوه مهاجرین به منزل علی بیک هم پا رفتیم. شیخ عبدالعزیز شریشی با دو نفر دیگر از شیوخ تونس در آنجا بودند. آقایان لازم می دانند یک محفل سیاسی مختلط در استانبول برای منافع مشترک کلیه مسلمین تأسیس شود. از طرف ایرانیان هیچ جوابی در این خصوص داده نشد. بدیهی است با فکری که ایرانیان امروز در سر دارند و راجع به استقلال کشور خود در تلاش می باشند نمی توانند به اموری که در درجه دوم اهمیت قرار گرفته توجه نمایند.

دیدار انورپاشا

سه شنبه ۲۲ اوت - ساعت ده صبح امروز جمعی از مهاجرین به دیدن انورپاشا رفته، از قرار معلوم آنها را به طور خوش پذیرفته و اظهار داشته است قشون ترک پس از کمی توقف و رفع خستگی و فراهم نمودن مهمات لازم به طرف قزوین حرکت خواهند کرد. ناهار را در منزل آقای طباطبایی خورده پس از ناهار با ایشان به منزل علی بیک رفتیم. به او تأکید شد که سه شنبه آینده اینجانب به طرف برلن حرکت خواهد کرد. قرار شد روز بعد تذکره خود را نزد او فرستاده، اوراق لازم را به آن اضافه نماید که چیزی باقی نماند.

شکایت از نواب

چهارشنبه ۲۳ اوت - پیش از ظهر امروز با آقای طباطبایی پس از قدری

گردش به سفارت ایران رفتیم. آقای احتشام السلطنه در ضمن صحبت از آقای نواب وزیرمختار ایران در برلن شکایت می کرد. از قرار معلوم جمعی نمی گذارند میان این دو دیپلمات مأمورین سیاسی ایرانی در دو نقطه مهم استانبول و برلن در این موقع مهم گرم و روابط دوستانه برقرار باشد. بعد از ظهر ساعت چهار دکتر واسل و آقای طباطبایی به دیدن اینجانب آمده تا شش و نیم مشغول مذاکره بودیم. نتیجه به خصوص از این مذاکرات به دست نیامد.

ناهار به مهاجرین

امروز جمعی از وجوه مهاجرین به ناهار مهمان انوریاشا بودند. در سر ناهار انوریاشا دوستی صمیمی خود را نسبت به دولت ایران اظهار و مدعویین را مطمئن می سازد که دولت عثمانی هیچ گونه سوء قصد و نیتی نسبت به ایران نداشته و نخواهد داشت. بعد از ظهر کاغذی از دکتر وبر دریافت کرده که روز بعد اینجانب را به سفارت آلمان به ناهار دعوت کرده اند.

دعوت سفارت آلمان

پنجشنبه ۲۴ اوت - مقارن ظهر با آقای طباطبایی که ایشان هم از طرف سفارت آلمان مدعو بودند. به سفارت رفتیم. مستقیماً ما را به سالن سفارت راهنمایی کردند. سفیر کبیر آلمان شخصی است بلند بالا و لاغر، میان شصت و پنج تا هفتاد سال، دارای موهای سفید و بسیار متین. چند قدم جلو آمده درب سالن ما را پذیرفت. از اول با زبان انگلیسی شروع به صحبت کرد. در ضمن صحبت اظهار نمود که سیاست آلمان راجع به دولت عثمانی و ایران کاملاً روشن و متحدالشکل می باشد. دولت آلمان هیچ غرض سیاسی از دوستی با دولت عثمانی و ایران ندارد. بدیهی است

در آتیه فقط روابط اقتصادی با این دو کشور خواهد داشت. حفظ استقلال این دو کشور برای دولت آلمان اهمیت بسیار دارا می باشد. دولت آلمان قبلاً در تهران و اخیراً در صحنه به توسط مأمورین خودش اخطار رسمی در این خصوص کرده است. ایرانیان آسوده باشند که در صورت فاتح شدن دولت آلمان آتیه آنها را محفوظ خواهند داشت. وطن پرستان ایرانی خوب است با ترکان هم دوستی کامل داشته باشند. فقط قوه ای که می تواند از قوه روس در ایران جلوگیری کند قوه ترکان است و آلمانها هم به واسطه کمک به این قوه به ایران هم کمک کرده خواهد بود. مطمئناً خود سفیر کبیر هم هر قدر ممکن باشد در این زمینه کوشش خواهد کرد. ما هم در جواب اظهار تشکر از شخص سفیر کبیر و دولت متبوعه ایشان نموده ناهار با ترتیب خوشی پایان یافت. ساعت پنج دکتر واسل به دیدن اینجانب آمد. مختصری از اظهارات سفیر کبیر آلمان را برای او شرح دادم. سپس به سفارت ایران رفته تا ساعت هشت در آنجا بودم. از قرار اظهارهای سفیر کبیر کابینه در تهران تغییر کرده و آقای وثوق الدوله به ریاست وزرا منصوب شده است.

عقاید دکتر واسل

جمعه ۲۵ اوت - پیش از ظهر با آقای طباطبایی به دیدن دکتر واسل رفتیم. شکایت از اظهارات بی ملاحظه سفیر کبیر ایران داشت. می گفت روابط صمیمی باید میان استانبول و برلن و ایرانیان مهاجر موجود و نیز صمیمیت میان مأمورین ایران در استانبول و برلن برقرار باشد و دیگر آنکه ایرانیان به خصوص مهاجرین نباید از عثمانیها سوء ظن داشته باشند. اگر در همه چیز سوء نظر باشد کار دیپلماسی به جایی نمی رسد. گفت پسرش از برلن می آید و اخبار آنجا را بالتمام خواهد داد. اگر اشکالی تولید نمی شود حرکت خودمان را به روز شنبه هفته بعد قرار دهیم. چون

از طرف اینجانب مخالفتی نبود حرکت ما به طرف برلن برای روز شنبه به تعویق افتاد. امروز ناهار و شام را با جمعی از رفقای مهاجر صرف کردم.

عبدالغزیز شریشی تونسلی

شنبه ۲۶ اوت و یکشنبه ۲۷ اوت - روز شنبه بعد از ظهر را تا نزدیک به غروب در سفارت ایران بودم. در آنجا گفته شد که عزت‌الله هدایت پسر مرحوم صنیع‌الدوله که جزء کمیسیون ایرانیان در برلن می‌باشد برای ملاقات ما به استانبول می‌آید. روز یکشنبه بعد از ظهر منزل حاج شیخ اسدالله دعوت داشتیم. جمعی از وجوه اعضای «اتحاد و ترقی» در آنجا بودند. مذاکراتی راجع به اتحاد اسلام در میان بود. شیخ عبدالغزیز شریشی تونسلی هم جزء مدعوین بود. نطق مفصلی به زبان عربی ایراد نمود. اگر چه کمی لهجه محلی نشان می‌دهد ولی عربی او بسیار سلیس و روان و ادبی است. خیلی مایل است که انجمنی از کلیه مسلمین در استانبول برقرار شده و این انجمن برای وحدت کلیه افکار مسلمین کار کند. از پراکندگی و فقدان وحدت میان مسلمین شکایت می‌نمود و طبق گفته او اهالی تونس از تابعیت دولت فرانسه و دست‌اندازی آن دولت به این قسمت آفریقا عدم رضایت قلبی دارند.

دعوت نمایندگان مجلس

دوشنبه ۲۸ اوت - نمایندگان مجلس مبعوثان عثمانی جمعی از وجوه مهاجرین ایرانی را به ناهار در هتل پراپالاس همین هتلی که اینجانب در آن منزل دعوت دارم دعوت کرده‌اند.^۱ جمعی از نمایندگان مجلس شورا و مجلس سنای عثمانی و هیئت رئیسه دو مجلس و قرب بیست نفر ایرانی

۱. برای آگاهی از متن دعوتنامه مجلس مبعوثان بنگرید به اسناد ضمیمه، سند شماره ۷.

سر ناهار حاضر بودند. رویهمرفته پنجاه نفر می‌شدند. آقایان طباطبایی و حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی طرف راست و چپ مجلس سنا و اینجانب و سردار سعید طرف راست و چپ رئیس مجلس مبعوثان نشسته بودیم.

نطقهای سر ناهار

پس از پایان ناهار حاجی عادل بیک رئیس مجلس مبعوثان برخاسته نطق مختصری به زبان ترکی مبنی بر اظهار تشکر و خرسندی از ورود ایرانیان و همدردی آنان با ترکان ایراد نمود. بعد آقای طباطبایی برخاسته نطق مختصری به زبان فارسی در جواب رئیس مجلس مبعوثان ایراد و تشکر از محبت و لطف آقایان مبعوثین و امنای دولت عثمانی ایراد داشت. سپس حاجی میرزا یحیی برخاسته نطق مفصلی در لزوم وحدت نظر حقیقی، ادبی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی میان دولتین ایران و عثمانی ایراد نمود. پس از نطق مجلس پایان یافت. امروز دولت رومانی به دولت اتریش اعلان جنگ داده است. این خبر در سر ناهار رسید. بدیهی است احساسات خوش تولید نگردانید.

برکناری دکتر واسل

سه‌شنبه ۲۹ اوت و چهارشنبه ۳۰ اوت - سه‌شنبه عصر چند نفر از رفقای مهاجر و آلمانها به چای مهمان اینجانب بودند. دکتر واسل هم حضور داشت و خصوصی به اینجانب اظهار داشت که دولت آلمان او را به کلی از کار ایران و ایرانیان برکنار داشته و می‌خواهند کار سابق خودش را در خدمات امور راجع به آلمان و عثمانی به او بدهند و با این ترتیب ممکن هم هست که عجالتاً به برلن نیاید.

رسیدن عزت‌الله هدایت

روز چهارشنبه پیش از ظهر به قونسولخانه آلمان و اتریش رفته کار گذرنامه

خود را تمام کردم. بدیهی است این دو قونسولخانه برای خاطر جنگ و جلوگیری از عمل جاسوسی و خرابکاری سخت‌گیری زیاد راجع به مسافری می‌کنند. آقای عزت‌الله هدایت که همین امروز از برلن آمده با چند نفر دیگر از رفقا تا ساعت هفت بعدازظهر نزد اینجانب بودند. ساعت هشت آقایان طباطبایی و دو نفر از اعضای سفارت ایران به شام مهمان اینجانب بوده تا نزدیک نصف شب با این آقایان بودم.

عصبانیت احتشام السلطنه

پنجشنبه ۳۱ اوت - پیش از ظهر به قونسولخانه بلغارستان رفته گذرنامه خود را به ویزا رساندم. طرف عصر به سفارت ایران رفتم. سه چهار روز است که آقای سفیر کبیر را ملاقات نکرده‌ام. در راه با آقای عزت‌الله هدایت که او هم به سفارت می‌آمد قدری صحبت کردیم. از قرار معلوم آمدن او به استانبول بیشتر برای ملاقات آقای طباطبایی و اینجانب می‌باشد و از قرار معلوم می‌خواهد کسب اطلاع نماید که با چه نظر و از برای چه مقصود ما دو نفر به استانبول و برلن مأمور شده‌ایم و نیز از برای ترتیب کار یک روزنامه فارسی که در نظر دارند در برلن طبع کنند کسب بعضی اطلاعات نماید. در سفارت شرح مفصلی با آقای احتشام السلطنه و آقای طباطبایی راجع به اوضاع جنگ و آتیه خودمان مذاکره شد. آقای احتشام السلطنه پیشامد [جنگ] را خیلی تاریک می‌بیند و بسیار عصبانی است و در باطن از آمدن جمعی از مهاجرین بخصوص آقای طباطبایی و اینجانب چندان رضایت خاطر ندارد. شام را در سفارت صرف و به هتل مراجعت کردیم.

گردش

جمعه اول سپتامبر ۱۹۱۶ - بر حسب دعوت آقای مفخم السلطنه قنصل ژنرال سابق استانبول به جزایر پرنس به اصطلاح ترکان بیوک آنله رفتیم.

این جزایر در دریای مارمارا متمایل به سواحل آسیا در یک ساعتی استانبول واقع است.

جزایر ییلاقی

چهار قطعه جزیره یکی پس از دیگری به فاصله نیم کیلومتر از همدیگر این جزایر را تشکیل می‌دهد. بزرگترین آنها را فرانکی‌پو و به زبان ترکی آته می‌نامند و تقریباً دورتادور آن شش کیلومتر است. ساعت ده و نیم با کشتی کوچکی از پل جدید حرکت کرده ساعت دوازده ظهر وارد بیوک آته شدیم. ناهار را در هتل امپریال در همین جزیره صرف و پس از ناهار با درشکه و در جزیره مفصلاً گردش کردیم. گردشگاه بسیار زیبا و ییلاق بسیار خوش هوایی است. عمارات و ویلاهای بسیار خوب در این جزیره بر فراز تپه‌ها ساخته‌اند. بسیار روز خوشی گذشت. نزدیک به غروب به پرا برگشتیم.

روزنامه تصویر افکار

شنبه ۲ سپتامبر یکشنبه ۳ و دوشنبه ۴ سپتامبر - بعدازظهر روز شنبه علی ناجی بیوک همدانی زاده به ملاقات اینجانب آمده که من را برای روزنامه تصویر افکار ملاقات و اطلاعاتی از این مسافرت ما به دست آورد. در جواب سؤالات او شرحی در وضع مسافرت و مرام خودمان برای او بیان و از پذیرایی گرم اولیای دولت عثمانی در استانبول تشکر کردم. عکسی هم از اینجانب برداشتند که در روزنامه چاپ نمایند. روز یکشنبه پیش از ظهر را با آقای طباطبایی به سفارت رفته مدتی با آقای احتشام السلطنه صحبت می‌کردیم. از پیشامد جنگ وحشت فوق‌العاده ابراز می‌دارد. اوضاع تهران هم خیلی روشن نیست. شام را هم در همین روز با آقای طباطبایی در سفارت طرف [کردیم] و ساعت دوازده به هتل برگشتیم.

دوشنبه پیش از ظهر با آقای طباطبایی به سفارت رفته ناهار را هم در آنجا خوردیم. بعد از ظهر به دیدن علی بیگ همپا رفته مدتی با او صحبت کردیم. سپس با آقای علی بیگ به گار راه آهن رفته بلیط فردا را برای رفتن به برلن تهیه نمودم.

۵

ورود به برلن و مذاکرات مقدماتی

خدا حافظی

سه شنبه ۵ سپتامبر ۱۹۱۶، مطابق با ششم ذیقعده ۱۳۳۴- صبح زود برخاسته پس از صرف صبحانه به منزل آقای طباطبایی رفتم. با آقای طباطبایی بزرگ که از پیشوایان نامی اولیه مشروطیت ایران است خدا حافظی کرده با آقای میرزا سید محمد صادق طباطبایی به سفارت ایران رفتم. یک بسته محتوی نوشته جات مختلف به آقای احتشام السلطنه دادم که برای آقای نواب به برلن بفرستد. کمی پیش از ظهر به هتل برگشته اسباب سفر و مختصر لوازم مسافرتی که داشتم حاضر و به سفارت مراجعت کردم. آقای طباطبایی هم در آنجا منتظر اینجانب بود. ناهار خدا حافظی را با آقای احتشام السلطنه خوردیم. ساعت دو نیم بعد از ظهر با آقای طباطبایی به گار راه آهن رفتم. جمعی از اعضای سفارت و آقایان مهاجرین برای مشایعت اینجانب به گار آمده بودند و چون آقای خلیل بیگ وزیر امور خارجه عثمانی با همین ترن به برلن مسافرت می کند جمعیتی به مشایعت او آمده بودند. آقایان طلعت بیگ

وزیر داخله و فؤاد بیک رئیس مجلس سنا و علی بیک همپا و دکتر ویر هم به گار آمده بودند. با تمام این آقایان خداحافظی به جا آوردم. ساعت سه بعدازظهر ترن حرکت کرد. وزیر امور خارجه عثمانی و معاون وزارت داخله و رئیس وزارت خارجه و چند نفر دیگر از رؤسای امور دولتی عثمانی با خانم‌هایشان همسفر اینجانب به برلن می‌باشند.

مذاکره با وزیر خارجه

از استانبول تا سرحد بلغارستان هشت ساعت راه است. ساعت یازده بعدازظهر وارد خاک بلغارستان شدیم. در ترن پس از صرف شام مفصل با وزیر خارجه عثمانی صحبت کردم. طبق مذاکرات سابق نظر دولت عثمانی را راجع به ایران بیان نمود. گفت هیچ سوء قصدی در دولت عثمانی نسبت به ایران وجود ندارد. دیگر از مسافرت اینجانب و آقای طباطبایی به برلن و استانبول اظهار مسرت نمود. می‌گفت تقریباً ما را تشویق و تحریص به دوستی و همکاری با ایران نموده‌اید. راجع به مسافرت خودش به برلن می‌گفت قرب یک ماه طول خواهد کشید.

واگون‌لی

این ترن به اصطلاح واگون‌لی است. همه نوع وسایل راحتی برای غذا و خواب و غیره دارد. قیمت بلیط از استانبول تا برلن هفده لیره عثمانی است. آشپزخانه خوبی دارد و شام بسیار مأكولی تهیه کرده بودند. ساعت یازده چراغ اتاقها را خاموش کرده در اطاق بالنسبه راحتی استراحت کردیم.

ورود به صوفیه

چهارشنبه ۶ سپتامبر و پنجشنبه ۷ سپتامبر - صبح زود از خواب برخاسته

به تماشای اطراف در حرکت ترن پرداختم. این قطعه از خاک بلغارستان از خاک روملی عثمانی آبادتر است. در این محل زراعت بسیار خوب به نظر می‌آید. اغلب زنها و پیرمردها مشغول زراعت می‌باشند. اینجا هم مانند ایران شخم زمین را با گاو انجام می‌دهند. ساعت یازده به گار صوفیه وارد [شدیم] و ساعت دوازده ظهر حرکت کردیم. پنج بعدازظهر وارد سرحد صربستان قدیم شدیم. امروز هوا به کلی تغییر کرده طرف عصر بارندگی شروع شد. امروز هم قدری با وزیر خارجه عثمانی صحبت عمومی کردم. قرب نصف شب چهارشنبه از سرحد صربستان قدیم گذشته وارد مجارستان شدیم. روز پنجشنبه صبح که برخاستیم ترن در گار بوداپست بود. گار همان گار قدیمی است که قبلاً دیده و از آن گذشته‌ام ولی متأسفانه وقت نبود که از خود بوداپست، آن شهر زیبای خوش منظر تجدید دیدار کنم. ترن فقط نیم ساعت در این گار توقف کرد. چیزی که دیدنش قدری تازگی دارد این است که زنان جای مردان را در کارها به خصوص در کار کشت و کار و در امور راه آهن گرفته و مشغول کارگری شده‌اند. تنها مردان پیر دیده می‌شوند.

ورود به برلن

ساعت سه و نیم بعدازظهر وارد اودربرگ سرحد آلمان شدیم. همین‌که داخل خاک آلمان شدیم ترن ما بر سرعت خود افزود. به قول آقای وزیر امور خارجه عثمانی معلوم می‌شد که ما در آلمان هستیم. ترن در چهار پنج جا کمی توقف کرده ساعت ده و بیست دقیقه بعدازظهر وارد ایستگاه فردریک اشتراسه در برلن شد. تقریباً مسافرت از استانبول تا برلن پنجاه و پنج ساعت و نیم طول کشید. مسافرت این ترن اغلب افسران نظامی بودند که قلیل مدتی در قشون عثمانی خدمت کرده و حالا به خانه‌های خود برمی‌گشتند. جزء مسافرتین چند نفر از بانوان ترک بودند که در استانبول با لباس خودشان وارد ترن شدند و در ترن به زودی تغییر لباس داده به کلی

اروپایی وارد برلن شدند. پس از ورود به ایستگاه اتومبیل گرفته به هتل کایزرهف که یکی از هتلهای معروف برلن است رفتم.

زنان بیش از مردان

اول چیزی که در ورود به برلن جلب نظر اینجانب را کرد کمی جمعیت به خصوص جنس مذکور بود. مردان جوان به کلی مسلح و در خدمت نظام و یا در میدان جنگ می‌باشند. بیشتر کارهایی که پیش از جنگ با مردان بود حالا به وسیله زنان انجام می‌شود. عرابه‌های پستی، واگونهای شهری را زنها می‌رانند. صورت ظاهر برلن چندان تفاوتی نکرده است. حالا هم تقریباً همانقدر شسته و رفته و زیبا است که سه سال پیش آخرین دیدار من از این شهر بود. ولی بدیهی است به واسطه کمی جمعیت و آمد و رفت قدری نظیف‌تر به نظر می‌آید.

آدرس سفارت سابق

جمعه ۸ سپتامبر - پیش از ظهر را قدری در اطراف هتل گردش کردم. برای پیشرفت در فرونت رومانی اغلب عمارات را پرچم زده‌اند. بعد از ناهار آدرس سفارت ایران را در کتاب راهنمای برلن پیدا کرده بدان آدرس رفتم. معلوم شد این آدرس متعلق به زمانی بوده که اوانس خان ارمنی وزیرمختار ایران بوده و هیچ ربطی به زمان سفارت آقای نواب ندارد. در هر صورت ساعت ده بعد از ظهر خود آقای نواب به دیدن اینجانب آمد و چون در هتل نبودم کارت گذاشته نوشته‌اند فردا صبح با تلفن قرار ملاقات می‌گذارند. امروز عصر به هتل آدلن رفته برای خلیل‌بیک وزیر امور خارجه عثمانی کارت گذاشتم.

ملاقات با نواب

شنبه ۹ سپتامبر - پیش از ظهر قدری گردش کرده هوا بسیار مطلوب بود.

برلن همان برلن پیش از جنگ است ولی بسیار خلوت و به خصوص کمتر مردان دیده می‌شوند. وسائط نقلیه هم کم شده زیرا دولت آنها را ضبط و برای امور جنگی اختصاص داده است. آذوقه هم بسیار کم و قیمتها هم لااقل دو برابر پیش از جنگ است. بعضی چیزها که به کار قشون می‌خورد خیلی ترقی کرده است. پس از سه سال امروز با آقای نواب تجدید ملاقات کردم. در ماه سپتامبر سه سال پیش بود که در شهر ژنو در سویس با هم بودیم. در بیستم اکتبر همان سال اینجانب از ژنو به طرف ایران حرکت [کردم] و ایشان را با برادر بزرگشان آقای عباسقلی خان نواب در عقب گذاشتم. امروز به نظر اینجانب قدری شکسته‌تر به نظر می‌آید. آن روز تازه با یک خانم ایرلندی عروسی کرده بود و امروز دو اولاد دارد یکی پسر تیمور و یک دختر ناهید. خانم ایشان چندان تفاوتی نکرده است. خواهر ایشان خانم میرزا محمودخان مدیرالملک [جم] برای عمل جراحی به برلن آمده با آقای نواب در یک منزل هستند. منزلی دارند نزدیک سفارت قدیم که محل سفارت امروزی ایران می‌باشد. چای عصر و شام را با ایشان صرف کردم. از تاریخ گذشته به خصوص پس از حرکت از تهران و افتادن به جاده مهاجرت و تشکیل حکومت موقتی و تقاضاهایی که این حکومت از دولتین آلمان و عثمانی دارد برای آقای نواب شرح دادم. در سر شام خانم مدیرالملک هم بود. بیچاره خیلی ضعیف شده و از مرض سرطان رنج می‌برد. در تهران هم دچار عمل جراحی بوده است.

وضع فتح السلطنه

یکشنبه ۱۰ سپتامبر - پیش از ظهر نماینده روزنامه فوسی‌شه‌سای‌تونگ برای مصاحبه نزد اینجانب آمده و عکسی هم از اینجانب برداشت. شرح عمومی از مسافرت خودمان برای او گفتم. فتح السلطنه هم پیش از ظهر به

دیدن اینجانب آمد. بیچاره به سویس رفته در آنجا هر چه پول داشته از جیب او دزدیده اند] و حالا برای مخارج خودش هم معطل است. ضمناً از همدان خبر به او رسیده هرچه داشته است روسها چاییده و خانه او را خراب کرده اند. می خواهد اگر بتواند هرچه زودتر به همدان برگردد.

بعد از ظهر شخصی به نام برگ زینسکی از جانب شعبه نشریات وزارت خارجه به ملاقات نگارنده آمد. از قرار معلوم مأمور پذیرایی من شده است. هر قدر تعارف کرد که خوب است شما را بیرم بگردانم قبول فکرمه عذر آوردم. بعد گفت خوب است یک پروگرامی درست کرده نشان شما بدهم، اگر پسندیدید آن را به موقع اجرا بگذاریم. گفتم بسیار خوب بعد به شما می گویم.

عباسقلی خان نوری اسفندیاری

ساعت هفت بعد از ظهر به سفارت ایران رفته در آنجا عباسقلی خان پسر حاجی محتشم السلطنه را ملاقات کردم. عباسقلی خان که در قشون فرانسه داوطلب شده بود در محاربه مارن زخم خورده به دست آلمانها اسیر شده، مدتی هم جزء اسرای جنگ بوده امروز آزاد و در برلن توقف دارد. بعد از شام مفصل راجع به سیاست خودمان با آقای نواب مذاکره کردم. خلاصه مسئله این است که آلمانها به وعده خود وفا نکرده ایرانیها هم آتش را باد داده و بر خرابی افزوده اند و امروز اوضاع مملکت ما به همین حالت اسفناک است که مشاهده می شود. بعد از شام با عباسقلی خان سفارت را ترک و گردش کنان به هتل مراجعت کردیم.

باز درباره عباسقلی خان

دوشنبه ۱۱ سپتامبر - قبل از ظهر را به گردش گذراندم. بعد از ظهر عباسقلی خان به دیدن اینجانب آمده و تا ساعت هفت با من بود. بسیار

جوان خوبی است. شرح داخل شدن خودش را در جنگ در قشون فرانسه و جنگیدن و زخم خوردن و اسیر شدن و بعد آزاد شدن خودش و آمدن به برلن را مفصلاً شرح می داد. بیچاره خیلی صدمه خورده است. در همان اوایل جنگ به دست آلمانها اسیر شده و تقریباً پانزده ماه گرفتار بوده است و حالا هم هشت ماه است که در برلن آزادانه زندگی می کند. حال و وضعیتش بد نیست. بعد از ظهر حاجی رحیم آقا و صادق آف که در آلمان مشغول بازرگانی هستند به دیدن نگارنده آمدند. ساعت هفت آقای نواب آمد و بعد هم خانم ایشان و تا ساعت یازده و نیم با هم بودیم. باز مذاکرات سیاسی در میان بود. در حین گردش نایب سفارت عثمانی را دیدم قرار شد وقتی را برای ملاقات آقای سفیر کبیر عثمانی معین نمایم. ساعت دوازده و نیم به هتل برگشتم.

چاپ مصاحبه

سه شنبه ۱۲ سپتامبر و چهارشنبه ۱۳ سپتامبر - سه شنبه را تا ساعت پنج بعد از ظهر در هتل بودم. هوا هم چندان مساعد برای بیرون رفتن نبود. مقارن ظهر پروفیسور اشتاین به دیدن اینجانب آمد با یک شماره از روزنامه فوسیه شه سالی تونگ که شرح مصاحبه با اینجانب را چاپ کرده است. بعضی چیزهای زیادی از خودش نوشته که در جزئیات مسافرت به کلی غلط است. ولی شرح توقف در استانبول و هدف آمدن به استانبول و برلن را تا حدی خوب بیان کرده است. ساعت پنج عباسقلی خان آمده با او قدری گردش کرده، شام را هم با هم خوردیم.

صحبت اوضاع ایران

چهارشنبه نهار را در سفارت ایران صرف کرده چای عصر را هم در آنجا بودم. دو نفر از ایرانیان اعضای کمیسیون محلی ایرانیان در برلن نیز در

آنجا بودند صحبت زیادی از اوضاع کنونی ایران در میان بود. بعد از صرف چای با عباسقلی خان بیرون آمده ضمن گردش برای یک آپارتمان جهت سکونت اینجانب در جستجو بودیم. شب را پس از صرف شام با عباسقلی خان و فتح السلطنه به تئاتر متروپل که تئاتر اپرت خوانندگی و موزیک معروف برلن است رفته نزدیک به نصف شب به هتل مراجعت کردم. امشب هوا خوب سرد است. بسته کاغذی که در استانبول گذاشته بودم که به برلن فرستاده شود امروز رسید.

خلیل خالد

پنجشنبه ۱۴ سپتامبر - صبح زود زنگ تلفن اینجانب را بیدار کرده معلوم شد خلیل خالد افندی دوست قدیمی کمبریج اینجانب به برلن آمده و در همین هتل منزل گرفته و از اطاق خودش به اینجانب تلفن می‌کند. از او خواهش کردم اگر لباس پوشیده و مانعی ندارد به اطاق من بیاید. پس از چند دقیقه بدون درنگ وارد اطاق شد. از دیدن او بسیار خرسند شدم. مدتی است در آلمان متوقف [است] و از برای روزنامه‌جات چیز می‌نویسد. پس از مراجعت از کمبریج به ترکیه از آنکارا به نمایندگی مجلس شورای ملی عثمانی انتخاب شده، سپس از طرف دولت عثمانی مأمور می‌شود یک سال هم در آنجا بوده او را معزول می‌کنند. پس از آن به طریق قهر از بمبئی به آلمان می‌آید. از اشخاص نامی دولت عثمانی به استثناء انورپاشا خیلی تکذیب می‌کرد. بیچاره خلیل خالد افندی با نظر بدبینی که دارد از همه کس بد می‌گوید و نمی‌تواند با اشخاص سازش نماید. خانم پروفیسور زاره که خود پروفیسور آتاشه میلتر آلمان در ایران است کاغذی نوشته روز یکشنبه آینده اینجانب را به جای دعوت کرده است. جواب نوشته دعوت او را قبول کردم. شب را با خلیل خالد افندی در کایزرکالر شام خورده تا ساعت دوازده بیرون با هم بودیم و مفصل از زمان گذشته که در کمبریج بودیم صحبت می‌کردیم.

وزیر خارجه عثمانی

جمعه ۱۵ سپتامبر - صبح آقای نواب تلفن کرده که ساعت ده و نیم به هتل خواهد آمد. کمی پیش از ظهر با عباسقلی خان مجدداً به جستجوی آپارتمان رفته یک آپارتمان بالنسبه مناسبی در محل خوبی پیدا کرده و اجاره کردم. مختصر تعمیراتی که لازم دارد قرار شد در این چند روز انجام شود. ساعت سه و نیم بعد از ظهر برحسب قراری که صبح با تلفن گذاشته بودم به سفارت عثمانی رفته وزیر امور خارجه عثمانی را که در آنجا بود ملاقات کردم. خلیل بیگ وزیر خارجه می‌گفت که با وزیر امور خارجه آلمان مفصل مذاکره و سفارش ایران را کرده است. می‌گفت من هم باید به توسط وزیر مختار خودمان اقدام کرده، وزیر خارجه آلمان را هرچه زودتر ملاقات کنم و نیز ضمناً می‌گفت از تهران خبر رسیده است که شاه از نظام السلطنه سوءظن زیاد پیدا کرده است و دیگر اینکه روسها سه مرتبه به شاه تکلیف کرده‌اند ریاست قشون روس را بر عهده گرفته اعلان جنگ بکند. ولی شاه این پیشنهاد را قبول نکرده است. ضمناً انورپاشا بی‌میل نیست که خلیل پاشا والی بغداد ریاست قشون عثمانی را در ایران بر عهده گرفته در مقابل روسها که پیوسته بر قوای خود می‌افزایند ایستادگی کامل نماید. ساعت هفت بعد از ظهر آقای نواب با خانمش آمده شب را در بیرون با هم شام خوردیم. نصف شب آنها به سفارت مراجعت کرده من هم به هتل برگشتم.

شام سفارت

شنبه ۱۶ سپتامبر - امروز هوا سرد [است] و باران پیوسته می‌بارد. تقریباً تمام روز را در هتل مانده به خواندن روزنامه‌جات آلمانی مشغول بودم. ساعت شش و نیم بعد از ظهر با خلیل خالد افندی بیرون رفته قدری گردش کردیم. پس از آن عباسقلی خان را ملاقات و با او به آپارتمانی که گرفته‌ام

رفته هنوز اتاقها حاضر نبود. قرار شد که تا دو روز دیگر اتاقی را حاضر کنند. ساعت هشت به سفارت ایران رفته شام را هم در آنجا بودم. بعد از شام گزارشات استانبول را برای اطلاع آقای نواب در میان گذاشتم و ضمناً به ایشان خاطر نشان شد که هرچه زودتر باید آلمانها را ملاقات کرده مذاکرات با آنها را شروع کنیم. آقای نواب اظهار کرد که هرچه زودتر رؤسای وزارت امور خارجه آلمان را ملاقات و با آنها راجع به پذیرایی از اینجانب مذاکره خواهد نمود. پس از صرف شام در یکی از رستورانهای معروف برلن به هتل برگشتم.

فضل الله خان مهندس

یکشنبه ۱۷ سپتامبر - ساعت یازده به سالن هتل آمده فضل الله خان مهندس را که به دیدن اینجانب آمده بود ملاقات و مدتی با او صحبت کردم. در اینجا مشغول عملیات مهندسی ماشین آلات می باشد. گویا کارش هم چندان بد نیست و از کار او هم رضایت دارند. صادقاً هم آمده بود اینجانب را ببیند. او هم در اینجا مشغول کار است و عایدی خوبی هم دارد. نزدیک ظهر با عباسقلی خان تلفنی تماس گرفته او را دعوت کردم بعد از ظهر به هتل آمده با او به خانه خانم زاره به نوبالزبرگ نزدیک پوتسدام برویم.

خانه پرفسور زاره

ساعت سه عباسقلی خان به هتل آمده با هم به گار راه آهن پوتسدام رفته و با ترن ساعت چهار و نیم بعد از ظهر به ایستگاه نوبالزبرگ رسیده از آنجا هم با درشکه که منتظر بود به خانه پرفسور رفتیم. همه اینجا خوب و قشنگ است. سبزه و گل کاری فراوان، هوا هم بالنسبه خوب، روشنایی آفتاب بر سبزه و گل طراوت مخصوصی پیدا کرده بود. خانه پرفسور

شماره ۳۹ کایزراشتراسه جای خوبی واقع است و خوب هم ساخته شده و باغ بزرگی هم در جلو دارد. خانم پرفسور زاره در از میر متولد شده و در مدرسه تارک دنیاها تحصیل کرده زبان فرانسوی را مانند زبان مادری خودش حرف می زند. قدری هم ترکی و یونانی و انگلیسی [حرف] می زند. خوش صحبت و خوشرو هم می باشد. چند نفر دیگر را هم دعوت کرده بود. یک وکیل حقوق با خانمش و یک نفر مستشرق آلمانی با خانمش با همه قدری صحبت کردیم.

مینیا توره های رضا عباسی

مینیا توره های زیاد ایرانی را که شوهرش در ایران جمع کرده و برای نمایش بر دیوار آویخته شده به دقت دیدم. تمام این مینیا تورها را به نام رضا عباسی خوانده اند. در صورتی که به جز یکی دو تا مینیا تور هیچ کدام دیگر کار رضا عباسی نیست. اینجانب کمی از بعضی از مینیا تورها که به نام رضا عباسی قلمداد کرده اند تنقید کردم. خانم زاره چندان از این موضوع خوشش نیامد. مایل بود از تمام صورتها تعریف کنم. پرفسور زاره چهار طفل دارد. دو پسر و دو دختر. اطفال خوش رو و خوبی هستند. ساعت هفت با ترن به برلن مراجعت کردیم. یک نفر جوان ترک هم که منزل پرفسور اقامت دارد و این روزها از بستر عمل بلند شده است با ما به برلن آمد. جوان بدی نیست. فرانسه و آلمانی را هم خوب حرف می زند. شب شام را با خلیل خالد صرف کرده پس از ساعت یازده به هتل برگشتیم.

آپارتمان جدید

دوشنبه ۱۸ سپتامبر - صبح با آقای نواب با تلفن صحبت کرده تأکید کردم در خصوص دیدن رؤسای وزارت خارجه آلمان اقدام عاجل بنمایند.

ایشان جواب دادند در این خصوص اقدام کرده‌اند و به زودی نتیجه معلوم خواهد شد. بعد از ظهر ساعت سه عباسقلی خان آمد تا ساعت ۷/۵ با هم بودیم. چایی را با هم در قهوه‌خانه ترک نزدیک خیابان معروف کورفورشتن دام خورده با هم به آپارتمان تازه رفتیم. اتاقها هنوز درست حاضر نشده است. ساعت یک بعد از نصف شب به هتل برگشتیم. این روزها برعکس عادت دیرینه که دارم خیلی دیر از خواب برخاسته و خیلی هم دیر می خوابم. صبحها اغلب سرد و مه آلود است و انسان را متمایل به خواب می کند و برعکس شبها به واسطه روشنایی زیاد و باز بودن قهوه‌خانه‌ها و صدای موزیک و گردش، شب انسان چندان میل به زود خوابیدن ندارد.

میرزا محمدخان قزوینی

سه شنبه ۱۹ سپتامبر - امروز صبح زود که هنوز در بستر خواب بودم تلفن مرا بیدار کرد. معلوم شد آقای میرزا محمدخان قزوینی به ملاقات من آمده است. خواهش کردم بیاید بالا در اطاق خواب، از دیدن ایشان بسیار خوشحال شدم. آقای قزوینی آدمی است بسیار فاضل و خوش اخلاق. همیشه از ملاقات او درک فیض حاصل است. مخصوصاً امروز که پس از سه سال دوری ملاقات ایشان به دست آمد. مدتی با ایشان صحبت ادبی و تاریخی در میان بود. قسمتی از یادداشتهای خود را برای ایشان خوانده باعث تمجید ایشان گردید. تا ساعت دو بعد از ظهر با هم بودیم. عصر ادهم یک سفارت عثمانی را ملاقات و مدتی راجع به جریان امور خودمان با ایشان صحبت کردم.

دیدار رفقا از من

چهارشنبه ۲۰ سپتامبر - تا دو ساعت بعد از ظهر مشغول نوشتن بودم.

امروز به واسطه روز تولد ولیعهد آلمان اغلب عمارات پرچم زده‌اند. بعد از ظهر در هتل وقت گذرانده ساعت شش عباسقلی خان را ملاقات [کردم] و به آپارتمان جدید رفتیم. هنوز اتاقها حاضر نشده و معلوم هم نیست چه وقت حاضر شود. شب را آقای میرزا محمدخان قزوینی به دیدن اینجانب آمد و بعد آقای نواب با خانم و خواهر خود خانم آقای مدیرالملک و بعد خلیل خالد افندی آمدند. یک پارتنی خوبی داشتیم تا ساعت دوازده صحبت می کردیم. از قراری که خلیل خالد افندی می گفت عثمانیها موفق به فتح جدیدی در ایران شده قرب هشت هزار تلفات به روسها وارد آورده و آنها را از جلو برداشته‌اند.

توپ قدیم

خلیل خالد افندی حکایت شیرینی نقل می کرد که قابل ذکر است. می گفت در محاصره کوت العماره کومانندان توپخانه عثمانی که یک سرهنگ آلمانی بوده یکی از توپهای قدیم ایران را که عثمانیها به غنیمت گرفته بودند از مواد احتراقیه پر کرده به طرف دشمن می اندازند. پس از دو روزی از طرف انگلیسها دو صاحب منصب در زیر سایه پرچم سفید از جانب سرکرده خود پیغام می آورند که استعمال چنین آلت مهلک و مخربی مخالف قوانین جنگ امروزه است. هر توپی را ممکن است استعمال کنند به جز این توپ.

قزوینی و زبان آلمانی

آقای قزوینی قدری شکایت از اشکال فراگرفتن زبان آلمانی می کرد. می گفت با وجود اینکه هر روز درس آلمانی دارد و چند ساعتی صرف فراگرفتن این زبان می نماید معهذ آن طور که شاید و باید موفقیت حاصل نمی کند. صرف و نحو زبان آلمانی نهایت اشکال را دارد و در خیلی

کلمات شبیه به زبان انگلیسی است ولی در صرف و نحو و در ادای جملات با زبان انگلیسی و فرانسوی تفاوت زیاد دارد.

تحصیل زبان آلمانی

پنجشنبه ۲۱ سپتامبر - قبل از ظهر مشغول مطالعه کتب آلمانی بودم. میل قلبی من این است که هرچه زودتر زبان آلمانی را آن طور که شاید و باید تحت تسلط خود قرار دهم. اولاً اینکه این زبان یکی از زبانهای مهم اروپا است و زبانی است که در آن کتب زیاد علمی و ادبی و مخصوصاً ادبیات مشرق زمین با یک عمق بسیاری نوشته شده و تسلط بر آن برای شخص مخصوصاً برای کسی که ذوق ادبی دارد لازم است. دیگر آن که این جنگ بزرگ بین المللی یک اهمیت خیلی زیادی در عالم سیاست به آلمان و زبان آلمانی داده است. از اینها گذشته عجالتاً برای اینجانب تسلط بر این زبان درجه اول اهمیت را دارد و من در اینجا نهایت شعف را در خود می بینم که قادر باشم با اولیای امور آلمان به زبان آلمانی صحبت کنم و زبان انگلیسیها و فرانسویان [را] که فعلاً دشمن آلمان هستند کنار بگذارم و امروز به خصوص از میان آلمانها که این دو زبان را می دانند خوش ندارند با آن صحبت کنند. گذشته از اینها مردم آلمان امروزی از شنیدن زبان انگلیسی و فرانسوی اظهار نفرت می کنند.

دیدار اسکارمان

بعد از ظهر آقای نواب تلفن کرد که پروفیسور [اسکار] مان معروف آلمانی که سالها در ایران بوده و زبان فارسی را هم خوب می داند به دیدن ایشان به جای خواهد آمد اگر اینجانب هم مایل باشم برای دیدن او به سفارت بروم. لذا ساعت پنج برای ملاقات پروفیسور مان به سفارت رفتم. مردی است به سن پنجاه و پنج، بالنسبه کوتاه ولی تیزهوش. فارسی را هم بد

نمی داند. می گفت کاغذهایی که به زبان فارسی نوشته می شود نزد او برای تصحیح فرستاده می شود. شکایت می کرد که در وزارت خارجه آلمان اهمیت سیاسی به او نداده فقط مقام مترجمی را برای او حائز شده اند] و جوانها بر او مسلط هستند.

بازگشت پورداود

امروز [ابوالحسن] علوی برای ملاقات اینجانب آمده بود در هتل نبودم. پریروز از استانبول آمده است. گویا پورداود هم با او است. امروز پسر امیرنظام را در سفارت دیدم. جوان بی هوشی به نظر نمی آید. نوزده ساله است و هفت سال است که در آلمان تحصیل می کند. زبان فارسی را تقریباً فراموش کرده و به اشکال چند کلمه صحبت می کند. از قرار تقریر خودش می خواهد در نظام داخل شود. ساعت یک بعد از نصف شب به هتل برگشتم.

مجسمه ویلهلم

جمعه ۲۲ سپتامبر - امروز وقت خود را پنج ساعتی صرف خواندن زبان آلمانی کردم. ساعت چهار بعد از ظهر از هتل بیرون در حدود دو ساعت در خیابان اوتردین لیندن گردش کرده، نزدیک کاخ سلطنتی مجسمه بزرگ ویلهلم اول معروف به ویلهلم بزرگ پادشاه پروس و نخستین امپراتور آلمان متحد که به پول ملت ساخته شده دیدم. مجسمه بزرگ باشکوهی است. امپراتور معروف سواره بر فراز پایه جسیم سنگی که ده پانزده ذرع ارتفاع دارد استوار است. زوایا و دور تا دور پایه اشکال مختلف قدرت آلمان را نشان می دهد. نزدیک مجسمه بزرگ ویلهلم مجسمه بلوخر فاتح معروف محاربه واترلو ساخته شده. مجسمه های زیاد دیگری از افسران نامی و مردان تاریخی آلمان در همین نقطه دیده می شود.

ساعت شش به هتل برگشتم. اعظم السلطنه پسر آقای احتشام السلطنه نایب دوم سفارت ایران در برلن به دیدن اینجانب آمده چای را با او در سالن هتل صرف کردیم. بعد از ظهرها موزیک بسیار خوبی در این هتل نواخته می‌شود. زن و مرد زیادی برای صرف چای به این هتل می‌آیند خالی از تماشا نیست. شب را تنها به سینماتوگراف رفته ساعت دوازده به هتل برگشتم.

یالمارسون

شنبه ۲۳ سپتامبر - سه بعد از ظهر عباسقلی خان اسفندیاری را ملاقات کرده و دو ساعتی با او بودم. به آپارتمان تازه سرکشی کرده و تقریباً حاضر است. ماژور دوماره سوئدی را عصر ملاقات و با او مفصلاً صحبت کردم. می‌گفت کلنل یالمارسون معروف سوئدی مایل است از طرف آلمانها به ایران برود و با نظام السلطنه مشغول تنظیم قوای ایران باشد. اینجانب این مسئله را به اشتیاق تلقی کرده وعده دادم برای انجام آن اقدام نمایم. خود دوماره هم پس از شش هفته به ایران می‌رود و این مدت را در یکی از مدارس نظام آلمانی مشغول عملیات خواهد بود. ساعت نه عباسقلی خان به دیدن اینجانب آمده تا نصف شب با هم بودیم. قدری از اخلاق خودمان شکایت داشت. می‌گفت ایرانیهای برلن هیچ کدام با هم موافقت ندارند و حتی از هم دوری می‌کنند.

خبر از استانبول

یکشنبه ۲۴ سپتامبر - ساعت یازده آقایان علوی و جمالزاده به دیدن اینجانب آمدند. علوی شرحی از بغداد و از استانبول پس از حرکت اینجانب صحبت می‌کرد. از رفتار آقایان احتشام السلطنه و طباطبایی نسبت به او اظهار رضایت می‌نمود و در حقیقت توقف در استانبول را

مهمان این آقایان بوده است. می‌گفت از شرحی که روزنامه فوسی شهسای تونگ نوشته و مصاحبه‌ای که به نام اینجانب درج کرده بود در استانبول شکایت داشتند. اولاً آقای احتشام السلطنه مصاحبه روزنامه‌ها را خوش ندارد و دیگر آنکه حکایت این شخص روزنامه‌نویس هم همه دروغ بوده است. حق هم داشته‌اند که خوششان نیاید.

قرار ملاقات ویزندونگ

ساعت یازده آقای نواب تلفن کرد که قرار است فردا مأموری از طرف وزارت خارجه آلمان آمده اینجانب را برای ملاقات فن ویزندونگ^۱ وزیر خارجه آلمان هدایت کند و قرار است روز بعد هم معاون وزارت خارجه را ملاقات کنیم و چون آقای نواب مایل است با اینجانب قبلاً مذاکره کند ناهار را در سفارت منتظر اینجانب هستند.

مذاکره با نواب

راجع به اقدامات آلمانها و مذاکرات آقای مستوفی الممالک با آنها کاملاً با آقای نواب صحبت کردم. ایشان کلیه اوراق مراسلات و مکاتبات خودشان را با آلمانها نشان اینجانب دادند و از برای اینجانب خواندند. در دهم نوامبر آلمانها کاغذی به سفارت ایران در برلن نوشته و در آن مأموریت و چگونگی مذاکرات فن درگلتس پاشا را اعلام داشته و ضمناً وعده هرگونه مساعدتی به دولت ایران داده می‌شود. از مضمون این نامه چنین استنباط می‌شود که یک قراردادی در تهران با آلمانها در میان بوده ولی به هیچ وجه اسمی از چنین قراردادی نمی‌برند. می‌گویند چون دولت ایران خواستگار مهمات و پول شده است مهمات در راه است و خواهد رسید و تحت اختیار فن درگلتس پاشا خواهد بود و پول هم عجلتاً ماهی دو میلیون

۱. فن ویزندونگ، از اعضای وزارت خارجه آلمان بود و ند وزیر خارجه.

مارک برای مخارج جاری داده خواهد شد تا بعد دولت آلمان زمینه یک استقراض را برای ایران فراهم سازد. مراسلات دیگری نیز در روسیه دیده می شود که اگرچه سند تضمیناتی از جانب دولت آلمان نمی شود ولی طریقه معاملات آلمانها را نسبت به ما نشان می دهد.

امشب شام را مهمان ماژور دوماره بودم. صحبت مفصلی از عملیات خودش در ایران می داشت و ضمناً تأسف زیاد از فقدان کنت کاتیس می کرد و او را دوست واقعی ایران می خواند.

وضع علوی

دوشنبه ۲۵ سپتامبر - پیش از ظهر آقای علوی به دیدن اینجانب آمد. ناهار را هم با هم بودیم. از محبت احتشام السلطنه نسبت به او تعریف می کرد. آقای طباطبایی هم خیلی به او محبت کرده است. ولی تکلیف خود آقای علوی هیچ معلوم نیست. بیچاره از تهران به تحریک ملیون بیرون آمده داخل این جریان افتاده، مبالغی خسارت مالی دیده و به کلی از علاقه و خانه خود دور افتاده است. می خواهد اگر ممکن بشود به سویس رفته در آنجا با ایران ارتباط بگیرد. از قراری که اظهار می داشت آلمانها مشکل [است] رفتن او را به سویس تصویب کنند. فتح السلطنه را هم امروز ملاقات کردم. می گفت هنوز آلمان اجازه رفتن به استانبول و مراجعت به ایران او را نداده اند. اول گفتند اشکالی ندارد ولی بعد اشکالاتی جلو آورده، او را سرگردان نگاه داشته اند. این روزها مسافرت از آلمان گویا خیلی سخت است.

دیدار نماینده وزارت خارجه

ساعت پنج بعد از ظهر یکی از اعضای فعال وزارت خارجه آلمان به نام فن ویزندونگ به دیدن اینجانب آمد. جوانی است تقریباً به سن سی سال،

باهوش و بسیار زرنگ و از قرار معلوم بیشتر کارهای مشرقی وزارت خارجه با او است. عذرخواهی می کرد که به واسطه غیبت خودش و معاون وزارت خارجه نتوانسته اند زودتر نزد من بیایند. به علاوه وزیر امور خارجه عثمانی هم در برلن بوده و از او پذیرایی می کردند. به یک طوری فهماند که این بی اعتنایی عمدی نبوده بلکه چنین اتفاق افتاده. و الا با کمال میل از اینجانب پذیرایی می کردند. از خبرهای ایران اظهار خوشوقتی می کرد و می گفت امور آنجا بر وفق دلخواه می گذرد. مأمور جدید آلمان هم با نظام السلطنه دوستی و موافقت دارد. راپرت مفصلی هم اخیراً از موسیو نادولنی رسیده در نزد معاون وزارت خارجه است که در ملاقات فردا نشان اینجانب خواهد داد. از قرار معلوم عثمانیها یک فتح جدیدی نزدیک نوبران کرده و روسها را از جلو برداشته اند. از پروفیسور زاره آتاشه میلیتر جدید تعریف می کرد و می گفت یک حسن او این است که با انوریاشا نهایت دوستی را دارد و برادر انوریاشا هم مدتی است در خانه آنها است و از او سرپرستی می کند.

رویه عثمانیها

در ضمن صحبت از مسافرت خودمان از او خواهش کردم خوب است وزارت خارجه آلمان از آقای طباطبایی دعوت کرده به برلن بیاید و یا به هر ترتیبی که خودشان صلاح می دانند اظهار محبتی از طرف وزارت خارجه آلمان به او بشود. افسوس می خورد که به واسطه بعد مسافت و بعضی اوقات مخالفت عثمانیها، نشده است کمکهای لازم از طرف دولت آلمان به ایران و به ایرانیان بشود. ملاقات اینجانب با ویزندونگ قرب یک ساعت طول کشید و قبل از رفتن او ماژور دوماره صاحب منصب سوئدی به دیدن اینجانب آمده متفقاً قدری صحبت کردیم. دوماره قبلاً با او آشنایی داشت و نیز در این وقت عباسقلی خان نوری اسفندیاری هم به دیدن اینجانب آمده و در مذاکرات عمومی شرکت نمود.

ملاقات معاون وزارت خارجه

سه شنبه ۲۶ سپتامبر - امروز بر حسب دعوتی که قبلاً شده بود ساعت دوازده و نیم به وزارت امور خارجه رفته در همان اتاقهایی که بیژمارک جلوس می‌کرد و مأمورین خارجه را می‌پذیرفت و وحدت دولت آلمان را به وجود می‌آورد و دولت امپراتوری آلمان را تشدید می‌نمود قریب یک ساعت و ربع با فن زیمرمن معاون وزارت خارجه ملاقات و مذاکره کردم. قبل از اینکه داخل اطاق معاون وزارت خارجه بشوم فن ویزندونگ اینجانب را پذیرفته به اتفاق او به اطاق موسیو زیمرمن رفتم. معاون وزارت خارجه چند قدمی جلو آمده با اینجانب دست داده نشستیم. از حالت اینجانب و مسافرت از ایران تا آلمان جو یا شده، شمه‌ای از تاریخ و گزارشات مسافرت خود از بغداد به استانبول و توقف در استانبول و نیز مسافرت از استانبول به برلن برای او بیان کردم. از اوضاع ایران اظهار خوشوقتی کرد و گفت اخبار مفصلی از نماینده آلمان موسیو نادولنی رسیده که آن را می‌تواند به نظر اینجانب برساند.

حکومت نظام السلطنه

خلاصه این اخبار این است که نظام السلطنه با کمال گرمی مشغول کار است و حکومت موقتی مرکب از کلیه عناصر سیاسی بدون ملاحظه حزبی مشغول به رسیدگی امور و کارهای حکومتی می‌باشد. از برای امور نظامی هم یک هیئت اتامازور به ریاست ایران و نیز شرکت عثمانیها ترتیب داده، مشغول جمع آوری قوا هستند. عده ژاندارم به هزار و هشتصد و غیرژاندارم به دو هزار بالغ و روز به روز هم در تزايد است.

پیشرفت عثمانیها

پیشرفت عثمانیها اثر خیلی خوبی در تهران بخشیده و اسباب وحشت

بعضی گردیده است. روسها و انگلیسها آرشیوهای خودشان را به قزوین حمل و می‌خواستند شاه را هم به مازندران ببرند. اعلیحضرت مجلس عالی مرکب از سی و پنج نفر از اهم رجال مملکت تشکیل و در موضوع حرکت مشورت و رأی حضرات را خواستگار شدند. سه نفر عبارت از ظل السلطان و پسرش اکبر میرزا و سپهدار رأی به حرکت شاه دادند ولی مابقی رأی به توقف شاه در تهران. روسها سیصد نفر استعداد در تهران داشتند نصف آن به قزوین آمده و مابقی هنوز در تهران توقف دارند. ظل السلطان به بادکوبه و سپهدار به رشت به طور فرار رفته‌اند. وثوق الدوله که مأمور تشکیل کابینه بوده دو دفعه استعفا داده استعفایش قبول نشده. دفعه سوم موفق به تشکیل کابینه شده. ولی هنوز اطلاعی از تشکیل کابینه او نرسیده است. معاون وزارت خارجه افسوس می‌خورد فن درگلتس از میان رفت و امور ایران که در دست او بود آن طور که بایستی پیش نرفته است. ولی از قرار معلوم خلیل پاشا سرکرده فعلی عثمانی شخص فعال و خوش نیتی است و خوب کار می‌کند.

اقدامات انور پاشا

اینجانب شرحی اظهار رضایت و ممنونیت از خلیل پاشا و رفتار خوش او نسبت به ایرانیها بیان کردم، مخصوصاً پس از ورود انور پاشا صورت کار را به کلی تغییر داد. اگر به واسطه مساعدت انور پاشا نبود شاید شیرازه کار این فرونت از هم می‌پاشید. در آن ایام به واسطه یأس زیاد و عدم مساعدت از طرف آلمانها ایرانیها خیلی ناامید شده بودند. از اینجا به بعد اینجانب صحبت را گرفته، قریب یک ساعت در موضوع وضع ایران و هدف مسافرت خود حرف می‌زدم و معاون وزارت خارجه به استثنای خواستن بعضی توضیحات و بیان جملات مختصر در تصدیق اظهارات اینجانب با نهایت توجه اظهارات مرا گوش می‌داد.

گزارش احوال

مقدمتاً شرحی از تاریخ آغاز روابط خودمان با آلمانها از زمان ورود پرنس رویس به تهران و استیضاح از فرمانفرما و تشکیل کابینه مستوفی الممالک و بالاخره شروع مذاکرات محرمانه میان آقای مستوفی الممالک و نمایندگان دول آلمان و عثمانی و اتریش تا زمان حرکت از تهران بیان کردم. خیلی جای افسوس است که تبلیغات هیجان‌انگیز بعضی از مأمورین آلمانی و عملیات آنها به خصوص حرکت شوومان در کنگاور و طرف شدن او با قونسولهای روس و انگلیس مانع شد زمینه کار آن طور که می‌بایستی صاف و براساس متینی گذاشته شود. این تبلیغات و اعمال باعث جلب قوای روس به ایران گردید.

وضع ایران در نوامبر

در اوایل نوامبر گذشته قشون روس از قزوین به طرف تهران شروع به حرکت نموده پایتخت ایران را تحت تهدید آورد. اعلیحضرت سلطان احمدشاه عزم حرکت از تهران نموده و قبلاً هم به تمام نمایندگان مجلس شورای ملی و سیاسیون اطلاع داده شده بود که از تهران با اعلیحضرت حرکت نمایند. بعد حرکت اعلیحضرت موقوف [شد] ولی عده‌ای از متنفذین و نمایندگان و سیاسیون ایران که مسئول تشکیل و سیاست حکومت بودند با اطلاع حکومت وقت از تهران خارج و داخل این اقدام و فراهم آوردن استخلاص ایران و آزاد ساختن حکومت قانونی شدند. بعد شرحی از مسافرت خودمان از تهران و اجتماع در کرمانشاه از سران سیاسیون ایران و تشکیل حکومت موقتی بیان و اظهار داشته که متأسفانه به واسطه نرسیدن استعداد و بخصوص مهمات جنگی که مأمورین آلمانی وعده داده بودند و عقب‌نشینی‌های پی‌درپی در مقابل ارتش روس احساسات ناامیدی در مردم تولید کرد. تاریخ نشان خواهد داد که اگر چه

ما متدرجاً از جلوی روس عقب می‌نشینیم چقدر این جلوگیری ما از روس برای حفظ بغداد و کوت‌العماره مفید بوده و ممکن بود جبهه جنگ عراق عرب به کلی واژگون گردد.

تشکیل حکومت موقتی

در کرمانشاه حکومت موقتی تشکیل و قبل از شروع به کار در نتیجه عقب‌نشینی از کرمانشاه مانع پیشرفت مقصود گردید. در قصر شیرین با وجود عدم مساعدت نماینده آلمان همان حکومت موقتی مجدداً تشکیل [شد] و یکی از اقدامات این حکومت مأموریت آقای طباطبایی و نگارنده به استانبول و آلمان برای تبادل نظر با نمایندگان ایران و مذاکره با دربارهای دولتین راجع به اساس کار و جلب توجه آنان در نواقص و لوازم کار می‌باشد. به واسطه پیش آمده‌های بعدی که من جمله فوت فن درگلتس و آمدن انورپاشا به عراق عرب و تخلیه قصر شیرین بود مسافرت ما هم به تأخیر افتاد، تا آنکه در اوایل ژوئن گذشته از بغداد حرکت [کردیم] و در اواسط ژوئیه به استانبول وارد و مورد توجه اولیا و سیاسیون دولت عثمانی شده، وعده هرگونه مساعدتی از طرف آنها داده شد.

نظریات سیاسی

به طور خلاصه آنچه را هیئت نمایندگان و سیاسیون ایران مسئول تشکیل حکومت قانونی آقای مستوفی الممالک خواهان است به دو قسمت تقسیم می‌شود: قسمت عمده و اول قسمت سیاسی است که ما اهمیت فوق‌تصور به آن داده بدون وجود آن هیچ‌گونه اساسی برای اقدامات خودمان ندانسته، با وجدان پاک و قلب صاف و اطمینان خاطر داخل این کار نخواهند بود. اشخاصی که امروز در کرمانشاهان جمع شده مشتی انقلابی و موقع طلب نیستند که بخواهند شیرازه استقلال و زندگی سیاسی

خودشان را از هم پاشانده مملکت را تسلیم خارجی کنند. مؤسس سیاست دوره مشروطیت ایران همین اشخاص هستند و سیاست آتی مملکت هم با تمایلات همین اشخاص متشکل خواهد شد.

حوائج اساسی

حوائج اساسی این آقایان را می توان بدین طریق خلاصه نمود: ۱- شناختن و رسمیت دادن به حکومت موقتی کرمانشاهان به این معنی که آلمان و متحدین این حکومت را منتزع از حکومت آقای مستوفی الممالک دانسته و آن را رسمیت بدهند. ۲- استقلال سیاسی و تمامیت خاک کشور ایران را بدون هیچ قید و شرطی تضمین و در موقع مذاکرات صلح یک کرسی برای ایران منظور دارند. ۳- تصویب و شناختن قراردادی که در تهران میان آقای مستوفی الممالک و دول آلمان و متحدین ختم و امضا شده و فقط تصویب اعلیحضرت را لازم داشت. دولت عثمانی وعده داده است که به هر سه این مواد علاقه مند بوده و تصویب و تصدیق می نماید. حالا موضوع بسته به نظر و رأی دولت آلمان است که آیا دولت آلمان حاضر است که استقلال سیاسی و تمامیت ایران را تضمین نماید و این سه ماده را کاملاً قبول نماید.

مسائل دیگر که باید مذاکره و قطع شود اگرچه در درجه دوم اهمیت است ولی باز برای پیشرفت کار حائز اهمیت می باشد و بدون آن پیشرفت کار و رسیدن به هدف فراهم نمی شود.

مسئله اقتصادی

اول مسئله اقتصادی و رساندن پول به حکومت موقتی. مخارج حضرات در کرمانشاه رو به تزاید [ست] و تنها به وسیله رساندن وجه پیشرفت کار تضمین می شود. سابقاً مأمورین آلمانی خودشان مخارجی می کردند و به

واسطه ندانستن اخلاق مردم و نداشتن اطلاعات محلی نتیجه معکوس به دست آورده و به علاوه اخلاق مردم را هم فاسد می نمودند. امروزه برعکس مخارج باید به تصویب حکومت موقتی و مأمور مالیه آن باشد و فقط نظارت در مخارج بر عهده یک نفر مأمور مخصوص آلمانی خواهد بود.

تشکیل قوای نظامی

دوم لزوم تشکیل و تأسیس قوای نظامی ایرانی به ترتیب صحیح، تحت هدایت افسران آلمانی. بدیهی است در ایران نیروی ایرانی باید برای حفظ کشور خود در مقابل دشمن جنگ کند. اگر استفاده از عناصر ایرانی نشود قشون عثمانی موفقیت مطلوبه نخواهد داشت. از برای رسیدن به این هدف یعنی جلوگیری از تجاوزات دشمن و حفظ استقلال ایران نیروی منظم لازم است. ایلات ایران می توانند در موقع خود به دشمن خساراتی وارد کنند. ولی قشون منظم لازم است که در فرونت با دشمن به ستیز افتد. معلوم است پس از آن که قرار شد نیروی منظمی از افراد ایرانی به سرکردگی افسران آلمانی تشکیل شود رساندن مهمات جنگی بدین نیرو لازم و در عهده دولت آلمان خواهد بود.

رفتار مأمورین آلمانی

از جمله مسائلی که در درجه سوم اهمیت قرار گرفته ولی در جای خود برای نیل به مقصود اهمیتی به سزا دارد این مسائل است: اول رفتار صحیح مأمورین آلمانی و حفظ آداب لازمه و اطاعت از دستورات حکومت موقتی. دوم لزوم رفع اختلاف نظر میان عناصر نظامی و غیرنظامی که از طرف آلمان نمایندگی دارند. لزوم اعزام یک عده افسران کار دیده از رتبه های مختلف به ایران.

نظریات ما نظریات آنهاست

پیش از آن که صحبت خود را به پایان برسانم در خاتمه این نکته را نیز خاطر نشان معاون وزارت خارجه کردم که آقای طباطبایی و اینجانب برای مطلع ساختن و مساعدت به نمایندگان محترم ایران در دو مرکز استانبول و برلن آمده ایم و هیچ وقت نظر نداریم مخالف رأی و میل آنها اقدامی کرده و نخواهیم کرد و نظریات خودمان را خارج از نظریات آنها ندانسته و نمی دانیم.

جواب معاون وزارت خارجه

معاون وزارت خارجه به طور اختصار جواب داد که اگر عثمانیها ایرادی نداشته باشند ما هم در این زمینه تقاضاهای شما مخالفتی نخواهیم داشت. خواهش کرد یک نسخه از تقاضاهای خود را کتبی برای او بفرستم. سپس به طور گرمی خداحافظی کرده از وزارت خارجه آلمان خارج شدم. فوراً پس از ورود به منزل نامه ای به او نوشته صورت تقاضاهای مذکور را برای او فرستاده و نسخه ای از آن هم برای نماینده خودمان آقای نواب فرستادم.

تلگراف خلاصه ماوقع به تهران

بعد از ظهر خلیل بیک وزیر امور خارجه عثمانی به دیدن اینجانب آمده از ملاقات با معاون وزارت خارجه آلمان مختصری برای او بیان کرده اینجانب را برای روز بعد به جای و ادامه مذاکرات دعوت نمود. عصر ساعت پنج عزت الله خان هدایت نزد اینجانب آمده تا ساعت نه با هم بودیم. شرح ملاقات را برای او بیان کردم. ساعت نه و نیم به سفارت رفته شفاهاً نیز مذاکرات با معاون وزارت خارجه را برای ایشان شرح دادم. قرار شد خلاصه ماوقع را تلگرافی به تهران اطلاع دهند و دعوتی نیز از طرف

سفارت از آقای طباطبایی شده که از استانبول و برلن بیاید. ساعت یک بعد از نیمه شب به هتل مراجعت کردم.

ساعتی در اداره کاوه

چهارشنبه ۲۷ سپتامبر- پیش از ظهر شرح ملاقات دیروز را مفصلاً یادداشت کرده ساعت یک و نیم به سفارت ایران رفتم. ناهار را هم در آنجا صرف کرده و شرح ملاقات با معاون وزارت خارجه را برای آقای نواب دادم. قرار گذاشتیم طبق قرار قبلی ساعت پنج برای دیدن خلیل بیک وزیر امور خارجه عثمانی به هتل آدلن برویم. ولی قبل از آن یک ساعتی به اداره روزنامه کاوه که در حقیقت محل اجتماع قسمت عمده مهاجرین ایرانی می باشد و در شماره شصت و چهار، لاینیتز اشتراسه واقع است رفتیم. از قرار معلوم عزت الله خان هدایت پسر مرحوم صنیع الدوله شب و روز در اینجا منزل دارد، ولی دیگران روزها در اینجا جمع می شوند.

ملاقات خلیل بیک

ساعت پنج به ملاقات خلیل بیک رفتم. آپارتمانی در طبقه اول هتل دارد دارای یک سالن و یک اطاق خواب و یک حمام. پس از اینجانب آقای نواب هم وارد شدند. معاون وزارت داخله در آنجا بود. اجازه گرفته رفت. پس از رفتن او ملاقات اینجانب با معاون وزارت خارجه به میان آمد. نواب به طریق سؤال تقاضاهای من را از آلمانها پرسیدند. خلاصه آن را برای آقایان بیان کرده گفتم معاون وزارت خارجه اظهار کرد اگر عثمانیها ایرادی ندارند هیچ گونه ایرادی از طرف ما نخواهد بود. خلیل بیک با شرح و بسط نقطه نظر خودشان را در حفظ استقلال ایران بیان کرد و به طور صریح گفت ما با نظام السلطنه قرارداد گذاشته به او هم همه قسم مساعدتی می کنیم. نظر ما محفوظ بودن استقلال ایران و تضمین تمامیت آن می باشد. ما ایرادی به تقاضاهای شما نداریم. خوب است آلمانها اخطار رسمی

خودشان را بکنند. خلیل‌بیک گفت که او شخصاً نمی‌خواهد دولت ایران داخل جنگ بشود زیرا قوه نظامی لازم ندارد و موجب جلب خطر برای خودش خواهد شد. مذاکرات ما با وزیر امور خارجه عثمانی مدتی در میان بود و دوستانه پایان یافت و نزدیک ساعت هفت خداحافظی کرده از هم جدا شدیم. شب را تا ساعت دوازده با آقای نواب و خانم ایشان بودیم و شام را هم با هم صرف کردیم.

چای بی‌قند

پنجشنبه ۲۸ سپتامبر - بعدازظهر عباسقلی خان نوری اسفندیاری به دیدن اینجانب آمده تا ساعت چهار با هم بودیم. اظهار خوشحالی می‌کرد که نامه از فامیلش رسیده و حکم آتاشکی سفارت برلن را هم برای او فرستاده‌اند. چای را در هتل اسپلاناد خوردم. این هتل یکی از بهترین هتل‌های برلن است. در حقیقت برلن سه هتل ممتاز نمره اول دارد یکی هتل آدلن واقع در نادولنی نزدیک باغ معروف تی‌یرگارتن که خلیل‌بیک وزیر خارجه عثمانی در آن منزل دارد. یکی کایزرهف که موقتاً اینجانب در آن منزل دارم و یکی هم همین هتل اسپلاناد واقع در میدان پوتسدام. جمعیت زیادی برای صرف چای به این هتل آمده بودند. ولی متأسفانه چای بی‌قند چندان لذتی ندارد و قیمت یک فنجان چای بی‌قند بیش از چند مارک می‌شود. شام را تنها در رستوران وینه صرف کردم. موزیک و خوانندگی خوبی داشتند. در مراجعت به هتل نامه‌ای از اداره‌کاوه دریافت شد [که اینجانب را فردا شب به شام دعوت کرده و آقای نواب هم جزء مدعوین می‌باشند].

دعوت اداره‌کاوه

جمعه ۲۹ سپتامبر - تا سه ساعت بعدازظهر مشغول خواندن و نوشتن بودم. به واسطه ممارست در خواندن کتب و روزنامه جات آلمانی پیشرفت

محسوسی در معلومات آلمانی خود می‌بینم، به خصوص در مکالمه. به عقیده اینجانب کار و پشت‌کار هر مشکلی را از پیش برمی‌دارد. باید جدیت در کار داشت و منظم در انجام کار بود و از اشکال ترسید. ساعت پنج بعدازظهر عباسقلی خان نوری و عباس خان اعظم السلطنه به دیدن اینجانب آمده تا ساعت هفت بودند. شام را در اداره‌کاوه خوردم. آقایان نواب و میرزا محمدخان قزوینی هم در سر شام بودند. آقای نواب به طریق شوخی می‌گفت اینجا وزارت خارجه غیررسمی کارهای ایران است. شام خوبی خوردیم و بعد از شام تا ساعت دوازده صحبت می‌کردیم.

حکومت کرمانشاه، غیررسمی

تلگرافی در آنجا نوشته شد به عنوان آقای طباطبایی و ایشان را دعوت به آمدن به برلن نموده و ذکر شد که تمام رفقای ایرانی در برلن مشتاق دیدن ایشان هستند. در وزارت خارجه آلمان گفته بودند چطور می‌شود حکومت موقتی کرمانشاه را به جای حکومت تهران رسمیت داد، در صورتی که حکومت تهران حکومت قانونی و رسمی دولت ایران می‌باشد و آن یکی دیگر حکومتی است موقتی و غیررسمی. آقای نواب از نامه اینجانب به زیرمن خوشحال بود. اظهار می‌کرد مضمونش هم خیلی خوب است. ساعت یک بعدازنیمه شب به هتل مراجعت کردم.

حرف ماژور دوماره

شنبه ۳۰ سپتامبر - امروز چند ساعت پیش از ظهر و بعدازظهر مشغول خواندن و نوشتن بودم. ساعت پنج بعدازظهر ماژور دوماره سوئدی به دیدن اینجانب آمده قدری صحبت کردیم. می‌گفت عنقریب آلمانها شروع به حملات در طرف روسیه خواهند کرد. در خصوص کلنل یالمارسن باز

تأکید کرده می‌گفت خوب است بگویید من این مسئله را طرح کرده‌ام [م] زیرا خودم هم به وزارت جنگ همین راپرت را داده‌ام. ساعت هشت عباسقلی خان نوری آمده شام را هم خارج با هم صرف کردیم.

تغییر ساعت

ساعت یک که به هتل آمدم دیدم ساعت دوازده است. تمام ساعتها ساعت دوازده یعنی یک ساعت عقب رفت. تا مدتی متفکر بودم چطور شده ساعت من بی خود یک ساعت جلو رفته است. بعد که تحقیق کردم معلوم شد که در آلمان به مناسبت فصل ساعتی را یک ساعت جلو و یا به عقب می‌برند و حالا از برای اینکه روزها کوتاه می‌شود و ساعات شب طولانی و اغلب باید شب کار بکنند و کار روز بالطبع کمتر می‌شود. یک ساعت به روزها می‌افزایند. و در فصل بهار که برعکس روزها بلند و شبها کوتاه می‌شود برای اینکه کار کارگران به وقته نیفتد یک ساعت بر ساعت روز می‌افزایند. بدین طریق رفع اشکال اینجانب شده به استراحت فرو رفتم.

قرار با خانم زاره

یکشنبه اول اکتبر ۱۹۱۶- امروز روز یکشنبه اول ماه است. عده زیادی از خارج شهر برای گردش و تماشا به برلن آمده‌اند. طرف عصر در فردریک اشتراسه و گردشگاههای دیگر و کافه‌ها و رستورانها جمعیت زیادی بود و هیچ معلوم نمی‌شد که دولت آلمان در چنین جنگ هولناکی داخل است. با خانم زاره تلفنی قرار گذاشتیم روز پنجشنبه آینده ساعت یازده به موزه برلن رفته اشیاء عتیقه [ای] که شوهرش در آنجا گذارده تماشا کنیم. دو سه روز است دیگر از خارج هیچ خبر نرسیده بیشتر وقت خود را به خواندن و نوشتن صرف می‌کنم.

مبلمان خانه نواب

دوشنبه ۲ اکتبر- ساعت پنج بعد از ظهر به منزل تازه آقای نواب رفتم. امروز مشغول اسباب‌کشی می‌باشند و هنوز درست جابه‌جا نشده‌اند. این منزل تازه جای خوب و بزرگی است، خیلی بهتر از منزل قدیمشان می‌باشد و مبل تازه هم برای این منزل خریداری کرده‌اند. می‌گویند تمام این پولها را قرض کرده دولت هیچ نداده است. از منزل تازه آقای نواب به آپارتمان تازه خودم رفتم. صاحبخانه منتظر اینجانب بود قرار گذاشتند فردا هتل را ترک کرده به آپارتمان تازه بیایند. اتاقهای راحت و خوبی به نظر می‌آید. خود صاحبخانه هم آدم بدی به نظر نمی‌آید. ساعت هفت مجدداً به سفارت تازه مراجعت کرده چند نفر از آقایان مهاجرین نیز در آنجا بودند. پس از یکی دو ساعت صحبت با آقای [عباسقلی] نوری بیرون آمده شام را در منزل او صرف و ساعت یازده به هتل مراجعت کردیم.

سباستیان بک

سه‌شنبه ۳ اکتبر- امروز هتل کایزرهف را ترک و به خانه شماره سی، بایریشه اشتراسه منتقل شدم. روی هم رفته سی و هشت روز در این هتل بودم، بد نگذشت. بسیار هتل نظیف خوبی است و سرویس خوبی دارد. مقارن ظهر موسیو سباستیان بک از طرف وزارت خارجه آمد که من مأمورم شما را به اردوی اسرای جنگی مسلمان و آسیایی ببرم و همین فردا را برای این کار تعیین کرده‌اند. قرار شد فردا ساعت نه و نیم اتومبیل برای اینجانب به منزل تازه آورده با ترن ساعت ده به اردوگاه اسرای جنگی برویم. خود موسیو بک نامبرده مستشرق و از قرار تقریر خودش رئیس شعبه ترکی مطبوعات وزارت خارجه آلمان است. ترکی را که بسیار خوب حرف می‌زند و فارسی هم اخیراً نزد میرزا محمدخان قزوینی فرا می‌گیرد. پس از قدری گردش در اطراف شهر با وجود کمی سردی هوا ساعت دوازده به آپارتمان تازه برگشتم.

اردوی اسرای جنگی

چهارشنبه ۴ اکتبر - طبق قرارداد دیروز ساعت نه و نیم موسیو بک آمده به طرف اردوی اسرای جنگی حرکت کردیم. ولی به واسطه نبودن اتومبیل با درشکه اسبی رفته به ترن معمولی ساعت ده نرسیده، مجبوراً نیم ساعت بعد از گار پوتسدام به روسل رفتیم. مسلمانهای تاتار را در اینجا نگاه داشته [اند]. همگی از اتباع روس می باشند. از قرار تقریر افسران نگهبان اینجا قریب ده هزار نفر می شوند. چندین هکتار زمین را سیم بندی کرده و اتاقهای موقتی چوبی و آهنی برای اسرا و سربازهای مستحفظ آنها ساخته و ترتیب داده اند. در هر اتاقی پنجاه شصت نفر می خوابند. آشپزخانه و رخت شوی خانه و سایر لوازم زندگی را با زحمت و مخارج زیاد برای اسرا فراهم کرده اند. بعضی صنایع دستی هم به آنها یاد داده و می دهند از قبیل صندوق سازی و سبدبافی و امثال آن و بعضی از اسرا [را] هم به کار زراعت باز داشته اند.

اردوی هندی و عرب

افسر بزرگ مسئول کار اینجا مدتی منتظر ما بود و بعد که دیر رسیده بودیم بیرون رفته بود. بعد از ختم گردش در دور این اردو بیرون که آمدیم در قصبه او را دیدیم. ما را به یک هتل تازه نظامی راهنمایی کرده در آنجا ناهار خوردیم. پس از صرف ناهار با یک درشکه نظامی به اردوگاه اسرای هندی و عرب در ویلزدرف رفتیم. قریب نیم ساعت راه است. از وسط جنگل مصنوعی می گذرد، بی صفا نبود. سربازها هم مشق تیراندازی و توپ اندازی می کردند. خالی از تماشا نبود. اردوی هندیها و اعراب هم بی شباهت به اردوی تاتارها نیست، ولی از اردوی آنها گویا بیشتر مواظبت می شود. مسجد خوبی هم برای آنها ترتیب داده اند. دو کلاس درس هم دارند. در یکی از آنها عده ای اعراب هم درس

می خوانند. جزئی آلمانی حرف می زدند. افسران مواظب اینها فرانسه و انگلیسی حرف می زنند. حتی دو سه نفر مترجم عربی دان و هندوستانی دان برای آنها تدارک کرده اند. یکی از افسران سرپرست هندیها می گفت خیلی جای افسوس است که انگلیسیها اهالی هند را این طور به اروپا می آورند. هوای اینجا مناسب حال اینها نیست و بسیاری از آنها از ناخوشی سینه می میرند و اگر پنج سال دیگر در اینجا باشند یکی از آنها نخواهد ماند. همه قسم سرپرستی از خوراک آنها می شود و اگر این سرپرستی نبود و مثل سایر اسرای فرانسوی و انگلیسی و یا روسی با آنها رفتار می شد حالا همگی تلف شده بودند. از گورکها تعریف می کردند که هم شجاعند و هم آداب نظامی صحیح دارند.

حرف زدن به انگلیسی

ساعت هفت به شهر مراجعت کردیم. در گار روسل اتفاق غریبی افتاد، ما سه نفر یعنی موسیو بک و یک نفر افسر آلمانی و اینجانب مشغول صحبت به زبان انگلیسی بودیم. یک نفر افسر جزء آلمانی آمده مؤاخذه کرد که چرا ما به زبان انگلیسی صحبت می کنیم. موسیو بک به او توضیح داد که چون اینجانب با زبان انگلیسی مأنوس ترم انگلیسی صحبت می کردیم. افسر جزء با کمال خشونت نظر خود را تعقیب کرد و نزدیک بود که کار به جای سخت بکشد. بالاخره چند نفر دیگر طرف ما را گرفته کار بدین جا ختم شد که اسم این افسر جزء را ثبت کرده به وزارت جنگ راپرت بدهند. این روز روی هم رفته خوش گذشت. پس از چند روز توقف در برلن چنین گردش را لازم داشتم.

آسیای صغیر با زحمت و خرج زیاد آورده و از صنایع دوره اول اسلامی است تماشا کردیم. یک تخته قالی خیلی خوب هم که تقریباً از زمان شاه عباس باقی مانده و بسیار قیمتی است مشاهده کردیم. این قالی را از یک معبد کلیمیان خریده‌اند. ساعت یک بعد از ظهر از موزه خارج [شده] و با آقای [عباسقلی] نوری ناهار صرف و پس از ناهار و قدری گردش و صرف چای به منزل مراجعت کردیم.

تغییر محل و پلیس

جمعه ۶ اکتبر - امروز پیش از ظهر پس از صرف مدتی به خواندن و نوشتن به هتل کایزرهف رفته در آنجا تذکره خود را به پلیس محلی ارائه داده تغییر محل مسکونی خود را ثبت دفتر پلیس کردم. در مدت جنگ خارجیها باید انتقال خود را از یک محل به محل دیگر به پلیس اطلاع بدهند تا در دفتر مربوط ثبت شود. اداره پلیس مواظب است و حق هم دارد که اتباع دول خارجی را تحت نظر داشته [باشد] به خصوص اتباع دولی که با آلمان داخل جنگ هستند. اینها تقریباً همیشه تحت نظر پلیس می‌باشند و پلیس مخفی مواظب حرکات آنها می‌باشد. ساعت هفت به سفارت ایران رفتم. آقای نواب این چند روزه مشغول مرتب کردن منزل تازه هستند. جای بسیار خوبی گرفته و خیلی زیبا زینت داده‌اند.

تلگراف استانبول

تلگرافی از استانبول از آقای طباطبایی رسیده تأکید کرده که مطالب را با پست بنویسید تا مطلع باشم. این تلگراف در جواب تلگراف دعوتی است که از ایشان شده است. از قراری که آقای نواب مذکور داشتند اعظم السلطنه پسر احتشام السلطنه فردا به طرف استانبول می‌رود. در آخر شب که به منزل می‌آمدم خود ایشان را دیدم. تأیید اظهارات آقای نواب را کرده

۶

نخستین روزهای توقف در برلن

موزه برلن

پنجشنبه ۵ اکتبر - امروز پس از صرف صبحانه به هتل کایزرهف رفته در آنجا با آقای نوری و خانم زاره ملاقات [شد] و به معیت آنها به موزه بزرگ برلن برای دیدن آثار نفیسه صنعتی دوره اسلامی رفتیم. خانم زاره مایل بود کلکسیون شوهرش را نشان بدهد. یک اطاق مخصوص برای این کلکسیون معین کرده‌اند و چون خود پروفیسور زاره رئیس این قسمت است به آسانی موفق شده که اشیاء جمع‌آوری شده خودش را در یک غرفه مناسبی به معرض نمایش بگذارد. کلکسیون او را خوب تماشا کردیم. چند فقره اشیاء قیمتی خوب دارد من جمله یک قالی ایرانی که قرب دوپست و پنجاه سال قدمت دارد. به طوری که خود ایشان می‌گفتند تقریباً چهل هزار مارک خریدار داشته ولی نفروخته‌اند. دو گلدان بلور طلاکاری ایرانی دیده شد که آنها هم خیلی ممتاز است. چند فقره اشیاء خوب دیگر هم دارد. قرار گذاشتیم کتب خطی و مینیاتورهای پروفیسور زاره را هفته دیگر روز جمعه ببینیم. قسمتهای دیگر موزه را هم که اشیاء نفیسه اسلامی دارد دیدیم. مخصوصاً یک قسمت قلعه سنگی [را] که از

گفت هر کاری که در استانبول دارید در انجام آن حاضریم. وقایع این چند روزه را به طریق اختصار برای او بیان کردم که در استانبول برای آقایان طباطبایی و احتشام السلطنه تعریف کند. شب را پس از صرف شام با آقای نواب و خانم ایشان به سفارت رفته تا ساعت دو بعد از نیمه شب با آقای نواب مذاکره می‌کردم.

تلگراف رمز

شنبه ۷ اکتبر - امروز روز عید قربان است از اینجانب دعوت کرده بودند به اردوی اسرای جنگی مسلمین بروم. ولی قبلاً عذر آورده بودم. قبل از ظهر آقای [ابوالحسن] علوی آمده تقریباً تا ساعت دوازده شب با هم بودیم و نهار و شام را هم با هم خوردیم. بعد از ظهر جزئیات مذاکرات با معاون وزارت خارجه آلمان را با هم نوشتیم که به استانبول بفرستیم. چهار بعد از ظهر آقای نواب با تلفن اطلاع داد که تلگراف رمزی از استانبول راجع به اینجانب آمده خوب است به سفارت رفته با هم استخراج کنیم. ساعت شش به اتفاق آقای علوی به سفارت رفتم. حسن خان اختر هم آنجا بود. با خانمش آمده است برلن که خانمش را اینجا گذاشته، خودش به طرف ایران از راه سوئد حرکت کند. پس از رفتن حسن خان اختر تلگراف استانبول را استخراج کردیم. آقای طباطبایی به اینجانب اطلاع می‌دهد که عثمانیها را ملاقات [کرده است] و کمافی السابق حاضر می‌باشند که تضمینات لازم در مسائل اساسی بدهند و خلیل بیک وزیر امور خارجه خودشان را مأمور انجام این کار با اینجانب نموده‌اند خوب است او را هرچه زودتر ملاقات و به این کار خاتمه بدهید.

دیدار خلیل بیک و دو ماده پیشنهادی

یکشنبه ۸ اکتبر - امروز صبح با خلیل بیک قرار ملاقات گذاشته ساعت

یازده و نیم به هتل آدلن برای ملاقات ایشان رفتم. تا ساعت یک بعد از ظهر مشغول مذاکره بودیم. می‌گفت آلمانها تقاضای اینجانب را به او نشان داده و حاضر شده‌اند در جواب اطمینان با شرط بدهند. اینجانب گفتم برای اطمینان با شرط حاضر نیستم. اطمینان با شرط قبلاً داده شده و برای ما فایده ندارد. ما تا از آتیه خودمان مطمئن نشویم خیالمان راحت نخواهد شد. اگر اطمینان صحیح بدون ...^۱ در دست ما باشد می‌توانیم به آسانی افکار عمومی را به طرف خود جلب و وسایل تسهیل پیشرفت به مقصود را با سهولت فراهم سازیم. اگر اطمینان در دست ما نباشد پیشرفت کار ممکن نیست و حکومت موقتی نخواهد توانست افکار عمومی را با خود همراه کند. بالاخره این دو ماده را به فرانسه نوشتند. قرار شد خلیل بیک با آلمانها مذاکره کرده آنها را به قبول این دو ماده وادار نماید. اول دولت آلمان متعهد است استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران را در انجمن صلح تضمین نماید مشروط بر اینکه دولت ایران در این جنگ بی طرف بماند؛ دوم دولت آلمان حکومت موقتی کرمانشاه را رسماً شناخته آن را در حدود امکان تقویت نموده، نایب مناب حکومت آقای مستوفی الممالک دانسته و با آن مستقیماً ارتباط داشته باشد.

قرار با ویزندونگ

از هتل آدلن که منزل وزیر امور خارجه است به سفارت رفته تفصیل مذاکره با وزیر امور خارجه عثمانی را برای آقای نواب بیان [کردم] و دو ماده مذکور را برای ایشان خواندم. ساعت سه بعد از ظهر به منزل آمده با فن ویزندونگ تلفناً قرار گذاشتیم فردا بعد از ظهر ساعت پنج ایشان را در هتل کایزرهف ملاقات [کنم] و تفصیل مذاکره با آقای وزیر امور خارجه عثمانی را به او گفته جواب تقاضاهای خودم را بخواهم. شام را با آقای نواب و خانمش صرف و ساعت یک به منزل برگشتم.

۱. در اصل ناخواناست.

دیدار با ویزندونک

دوشنبه ۹ اکتبر - پیش از ظهر کاغذی به زیمرن معاون وزارت خارجه آلمان نوشته شرح ملاقات با وزیر امور خارجه عثمانی را ذکر [کردم] و دو ماده پیشنهادی را برای ایشان نوشتم. رونوشتی هم از این کاغذ برای نواب برداشتم. نامه زیمرن را ساعت پنج در ضمن ملاقات با فن ویزندونگ در هتل کایزرهف به او نشان دادم و سفارش نمودم که هرچه زودتر اخطار رسمی را در این زمینه بنماید تا از برای حکومت موقتی به کرمانشاهان بفرستم. فن ویزندونگ در بی طرف ماندن ایران قدری ایراد داشت. می گفت با بی طرف ماندن چطور می شود استقلال ایران را تضمین کرد، در صورتی که قشون روس قسمت مهمی از ایران را اشغال کرده. من نظر او را رد کرده گفتم در کمال خوبی و آسانی در صورت مظفریت دولت آلمان می تواند قشون روس را از خاک ایران خارج کند. یک قسمت از خاک عثمانی هم امروز در تحت اشغال روس و انگلیس است آلمان به آسانی [آنها را] خواهد توانست از خاک عثمانی خارج نماید.

بانک و پول آلمانی

می گفت کار کرمانشاه خوب است و یک شعبه دوچ بانک در آنجا باز شده و پول کاغذ آلمان رایج خواهد شد. حکومت موقتی مشغول جمع آوری قوا است. نظام السلطنه به همدان رفته بود دوباره به کرمانشاهان مراجعت کرده است. انگلیسها قوه خودشان را دو طرف کوه العماره زیاد کرده احتمال دارد عنقریب شروع به حمله بکنند. روسها از خاک اصفهان خارج شده به کاشان آمده اند. سایکس انگلیسی به شیراز آمده آنجا را اشغال کرده است.

شرط استحکام حکومت موقتی

در خصوص یالمارسن با او صحبت کردم. وعده داد به سوئد تلگراف

کرده اگر بشود با او قراری بگذارند. فن ویزندونگ شکایت می کرد کارشان به واسطه باز بودن پارلمان خیلی زیاد است و زیمرن به ندرت دیده می شود. پس از یک ساعت مذاکره فن ویزندونگ خداحافظ کرده رفت. سپس وزیر امور خارجه عثمانی به ملاقات اینجانب آمد. مدتی با ایشان مذاکره کرده و تقاضا کردم اهتمام نمایند بلکه قبل از حرکت ایشان از برلن اخطار رسمی متضمن دو ماده مذکور از طرف دولت آلمان صادر شده، بر استحکام حکومت موقتی افزوده شود. ساعت هفت آقای علوی را ملاقات [کردم] تا ساعت دوازده با هم بودیم و شام را هم با هم صرف کردیم.

نامه طباطبایی

سه شنبه ۱۰ اکتبر - بعد از ظهر آقای نواب تلفن کردند نامه ای از استانبول رسیده خوب است به سفارت بیاید که هم ملاقات [بشود] و هم کاغذ را بخوانیم. ساعت هفت به سفارت رفته خانم اختر هم آنجا بود. می گفت آقای اختر به سلامت وارد استکهلیم شده و از آنجا به طرف ایران حرکت کردند. نامه مذکور از آقای طباطبایی به عنوان اینجانب بود. سفارش می کند که باید هرچه زودتر تا موقع فوت نشده قرارداد صحیحی با آلمانها بگذارم که آتیه ایران تضمین شود. خود آقای طباطبایی هم در استانبول مفصل با عثمانیها مذاکره کرده و آنها وعده های سابق خود را تکرار نموده و نیز یادآور شده اند که تا وزیر امور خارجه عثمانی خلیل بیگ در برلن است بهتر اینکه اینجانب تضمینات لازمه را از ایشان نیز بگیرم.

تلگراف نظام السلطنه

دو تلگراف هم از کرمانشاه به عنوان آقای طباطبایی و اینجانب رسید که سواد هر دو را برای اینجانب فرستاده اند. در یکی از این تلگرافات آقای نظام السلطنه می گوید که جداً مشغول امور حکومت و فراهم نمودن

وسایل دفاعی هستند. ولی متأسفانه وسایل کار آن طور که باید فراهم نیست. تا به حال قرب پنج هزار نفر جمع‌آوری شده ولی مهمات لازم برای آنها در دسترس نمی‌باشد.

نامه و ثوق الدوله

نامه‌ای هم از تهران از طرف وثوق الدوله برای سفارت برلن رسیده است. خلاصه وقایع تهران را پس از فتح همدان به دست قوای عثمانی و توصیه سفارتین روس و انگلیس به اعلیحضرت که پایتخت را تغییر داده از تهران خارج شود و انعقاد مجلس عالی مرکب از سی و پنج نفر از شاهزادگان و رجال و علمای تهران و رد کردن توصیه سفارتین مذکور را شرح داده است. این نامه به تاریخ پانزدهم شوال مطابق با [۴ اوت] نوشته شده و در پایان نامه ذکر می‌شود که اخیراً اوضاع تهران قدری ساکت‌تر شده، قوای امدادیه هم برای روسها رسیده، میان قزوین و همدان را سنگر بسته‌اند.

اعضای مجلس عالی

از قرار معلوم خود وثوق الدوله به این طرف متمایل می‌باشد. آقایان مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، مستشارالدوله، مستوفی‌الممالک، محتشم‌السلطنه و امام جمعه خوئی در مجلس عالی نامبرده عضویت داشته‌اند. تنها دو رأی موافق و مابقی مخالف بیرون آمده است. به محض اینکه خبر توصیه و تقاضای سفارتین در تهران منتشر شده مردم دکانها را بسته در مسجد شاه اجتماع کرده، نماینده به حضور شاه می‌فرستند که تقاضای سفارتین را در تخلیه پایتخت قبول نفرمایند.

دیدار با مهاجرین - تضمین استقلال ایران

چهارشنبه ۱۱ اکتبر - ساعت یازده چند نفر از رؤسای مهاجرین به دیدن

اینجانب آمده مدتی با هم مذاکره می‌کردیم. این آقایان هیچ‌گونه مخالفتی با نظریات اینجانب در اقدامات راجع به ایران نداشته و برعکس وعده می‌دهند که هرچه بتوانند کمک خواهند کرد. ولی متأسفانه تا به حال آلمانها آن طور که باید مساعدت نکرده‌اند. وعده خیلی داده‌اند ولی به وعده خودشان وفا ننموده‌اند. عقیده این آقایان هم مانند عقیده اینجانب است که باید با وسایل ممکنه، اقدامات درگرفتن تضمینات راجع به استقلال ایران نمود.

جمال زاده و ترجمه نامه و ثوق الدوله

بعد از ظهر به سفارت ایران رفته، دو تلگراف رمز از کرمانشاه به توسط سفارت آمده بود. جمال زاده و خانمش هم که یک زن سویسی است در آنجا بودند. جمال زاده متحدالمال وثوق الدوله را به فرانسه ترجمه می‌کرد که برای وزارت امور خارجه آلمان بفرستد.

تلگراف نظام السلطنه

آقای نظام السلطنه در یکی از این دو تلگراف می‌گوید در کرمانشاه با نادولنی مأمور آلمان داخل مذاکرات شده پیشنهاد کرده است که معاهده چهارگانه ایران و آلمان و عثمانی و اتریش برای تضمین استقلال ایران منعقد و امتیازات دول متفقین ملغی گردد. اما نادولنی اشکال تراشی می‌کند. خوب است اینجانب به هر وسیله که ممکن است فشار آورده، دولت آلمان را به انعقاد چنین معاهده‌ای حاضر نماید. پس از صرف شام ساعت یازده به هتل برگشته ولی تا ساعت سه مشغول نوشتن و خواندن بودم.

مذاکره با خلیل بیگ

پنج‌شنبه ۱۲ اکتبر - صبح ساعت ده خلیل بیگ وزیر خارجه عثمانی از هتل

آدلن تلفن کرد که آلمانها آن دو ماده را قبول نموده‌اند خوب است اینجانب هرچه زودتر با معاون وزارت خارجه آلمان قرار ملاقات گذاشته این عمل را ختم کنم. از آقای خلیل بیکی اظهار امتنان نموده تشکرات قلبی خودم را در مقابل اقدامات و مساعی ایشان اظهار [داشتم] و ضمناً آدرس جدید سفارت ایران را به ایشان دادم که اگر بخواهند از آقای نواب بازدید کنند در دسترس ایشان باشد.

پس از پایان مذاکره با آقای وزیر امور خارجه عثمانی با آقای نواب تلفن کرده، جریان مذاکرات تلفنی با آقای خلیل بیکی را به ایشان گفتم. بعد با فن ویزندونگ تلفنی سفارش نموده که هرچه زودتر قرار ملاقات اینجانب را با زیمرن بدهد. ساعت پنج و نیم عزت‌الله‌خان هدایت به دیدن اینجانب آمد. مدتی با ایشان صحبت در میان بود که خوب است امروز ایرانیان تشتت را کنار گذاشته، مجتمعاً برای حفظ استقلال و نیازمندیهای حال و آتیه ایران کوشا باشند. سوء تفاهمات سابقه را به کلی کنار گذاشته در اموری که راجع به اساس کار و استقلال و حیات مملکت است در قول و عمل متحد باشند.

درباره صراحت

ساعت شش مجدداً فن ویزندونگ تلفن کرده در خصوص قبول دو ماده از او استفسار کردم. گفتم بلی دو ماده را قبول داریم و نامه شما در حال تحریر است. از او خواهش کردم که در تحریر این نامه سعی شود که جای مبهمی باقی نماند و طوری صریح باشد که جای هیچ قسم سوء تفاهمی نگذارد. قول داد که در صراحت نامه جدیت خواهد شد تا جای ابهامی نماند. تلگرافی هم در این خصوص به کرمانشاه شده است.

ساعت هفت به سفارت ایران رفته شام را هم در آنجا صرف [کردم] و تا ساعت یازده در سفارت بودم. میرزا محمدخان قزوینی هم در سفارت

بود. بیچاره گرفتار درد دندان سختی شده است. آقای نواب از موافقت آلمانها خیلی خوشحال هستند. یک نامه هم به آقای احتشام السلطنه نوشته ایشان و آقای طباطبایی را دعوت به برلن کرده‌اند.

احتیاط نواب

جمعه ۱۳ اکتبر - صبح با آقای نواب با تلفن قدری صحبت کرده از ایشان خواهش کردم خوب است امروز به ملاقات معاون وزارت امور خارجه آلمان رفته ضمناً تا آنجا که ممکن است نظریات اینجانب را تقویت نمایند. از قرار معلوم وزارت امور خارجه عثمانی از اینجانب نزد آلمانها توصیف کرده و به ایشان من غیر مستقیم تذکر دادم که متوجه این موضوع باشند. گویا آقای نواب از تذکر اینجانب چندان خوششان نیامده بود. زیرا نیم ساعت بعد تلفناً گفتند که خوب [است] به وزارت خارجه بروم. چون اگر آلمانها جواب مساعد ندهند می ترسم تولید سوءظنی برای شما بکنند. قرار بود امروز با خانم زاره به موزه بزرگ برویم ولی به واسطه گرفتاری به بعد موکول گردید.

خواهش نواب

شنبه ۱۴ اکتبر - صبح با آقای نواب با تلفن صحبت کرده ضمناً از اینجانب خواهش کردند که اگر با آقای وزیر امور خارجه عثمانی ملاقاتی کردم به ایشان خاطر نشان نمایم که اگر قصد بازدید از ایشان را دارند قبلاً خبر بدهند که آقای نواب برای پذیرایی از ایشان در سفارت باشند. اتفاقاً پس از لحظه‌ای خود آقای خلیل بیکی به اینجانب تلفن کرده راجع به مذاکره با زیمرن استفسار کردند. خواهش آقای نواب را به جا آورده گفتم بسیار خوب قبلاً به جناب ایشان خبر می‌دهم و بعد به ملاقات ایشان می‌روم. پرسیدم تا چند وقت دیگر در برلن خواهند بود. جواب دادند روز

چهارشنبه آینده به استانبول مراجعت می‌کنم. از آقای خلیل‌بیک سؤال کردم که مضمون اخطاریه آلمانها چه خواهد بود. گفت اصل مضمون نگارش این دو ماده را نمی‌دانم، ولی قول داده‌اند که عین آنها [را] بدون تغییر اساسی اخطار کنند.

تقاضا از نواب

مجدداً از آقای نواب با تلفن مذاکره و خواهش کردم که اگر مانعی در میان نیست معاون وزارت خارجه آلمان را ملاقات نموده بلکه صحبت از این اخطاریه به میان آورده در صدور آن تسریع نمایند. امروز نامه‌ای به آقای مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در پترزبورگ نوشته، نامه‌ای هم که به تهران نوشته‌ام در جوف آن فرستادم که به تهران بفرستند. به تهران هم سفارش شده که اگر نامه برای اینجانب باشد به توسط سفارت پترزبورگ بفرستند. نهار را امروز با آقای نوری [اسفندیاری] صرف [کردم] و عصر را هم مدتی با ایشان بودم.

آمدن طباطبایی به برلن

یکشنبه ۱۵ اکتبر - قبل از ظهر صرف نوشتن و خواندن کرده، نامه‌ای به آقای احتشام السلطنه نوشته و از ایشان خواهش کردم که به آقای طباطبایی تأکید کنند به برلن بیایند. پیش از ظهر آقای نوری اسفندیاری به دیدن اینجانب آمد. با ایشان بیرون رفته نهار را با هم صرف کردیم. روزهای یکشنبه جمعیت و ازدحام زیادی در خیابانها و قهوه‌خانه‌ها و رستورانها دیده می‌شود، ولی روزهای دیگر چندان خبری نیست. امروز باران می‌آید ولی هوا گرم و مطبوع است و هنوز سرد نشده. در فرونت‌ها جنگ با شدت ادامه دارد بخصوص در طرف سُم جنگ سختی در جریان است.

اخطاریه بی‌فایده

دوشنبه ۱۶ اکتبر - قبل از ظهر آقای نواب تلفن کرد که سوادنامه وزارت خارجه قبلاً به سفارت آمده و نامه‌ای هم که به اینجانب نوشته‌اند به سفارت برده‌اند. نزدیک ظهر به سفارت رفته از مضمون اخطاریه آلمانها مطلع شدم. این اخطار مانند اخطارهای سابق آلمانها مقید و بی‌فایده است: زیمرن در جواب نامه نهم اکتبر اینجانب می‌گوید که اخطار را با جناب وزیر امور خارجه عثمانی بدین مضمون تدوین نموده که دولت آلمان سعی خود را در کنفرانس صلح برای تضمین استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران مبذول خواهد نمود، به شرط آنکه دولت و شاه ایران بی‌طرف ولی متمایل به طرف آلمان و متحدین مانده و یا علیه دشمن آنها اعلان جنگ نمایند.^۱ بدیهی است چنین اخطاریه‌ای موافق با انتظار اینجانب نبود و منظور ما را تأمین نمی‌نماید. فوراً به فن‌ویزندونگ تلفن کرده عدم رضایت خودم را از وصول این اخطاریه اظهار [کردم] و گفتم نامه‌ای نیز به معاون وزارت خارجه آلمان در این خصوص خواهم نوشت. مدتی با آقای نواب در این خصوص به مذاکره پرداخته قرار شد مجدداً یک نامه به معاون وزارت خارجه نوشته تأکید در قبول درخواستهای خودمان بنمایم اگرچه فایده نداشته باشد. تا ساعت هفت در سفارت بودم. پس از آن با آقای نوری از سفارت بیرون آمده شام را با ایشان صرف [کردم] و در حدود ساعت دوازده به منزل برگشتم.

نامه به وزیر خارجه آلمان

سه‌شنبه ۱۷ اکتبر - پیش از ظهر به سفارت ایران رفته نامه‌ای با جلب نظریات آقای نواب بدین طریق برای زیمرن تهیه نمودم:

۱. برای آگاهی از متن اصلی و ترجمه فارسی این نامه بنگرید به اسناد ضمیمه، سند شماره ۸.

نامه مورخ سیزدهم اکتبر جنابعالی را که حاوی اخطار رسمی از جانب دولت علیه آلمان راجع به منافع ایران در محفل صلح بود دریافت کرده مجدداً توجه جنابعالی را به مراتبی که در ضمن ملاقات روز بیست و ششم ماه گذشته و در نامه نهم این ماه خاطر نشان نموده و من جمله مقصود این است که سیاست دولت علیه آلمان با ما نسبت به حفظ منافع ایران در انجمن صلح و روابط امروزه آن با حکومت موقتی کرمانشاه معین و مشخص گردد معطوف می‌نمایم. جای افسوس است که جناب وزیر امور خارجه عثمانی هم در انشای این اخطاریه شرکت داشته در صورتی که به طور وضوح در طی ملاقاتها با ایشان مفهوم بود که ایشان یک اخطار بی‌شرطی را از طرف دولت علیه آلمان^۱ تأیید می‌نمایند. حالا هم امیدوارم دولت جنابعالی در یک اخطاریه جدید روش خود را بر طبق مراتب نامبرده مقرر و اینجانب را متشکر خواهند داشت.

سپس به منزل آمده نامه زیمرن را پاکنویس کرده، رونوشتی از آن را برای آقای نواب برداشته فرستادم.

مهاجرین

چهارشنبه ۱۸ اکتبر - پیش از ظهر آقای نوری بدینجا آمده تا عصر با هم بودیم. چند نفر از آقایان مهاجرین را هم ملاقات نمودم. متأسفانه جز شکایت و عدم رضایت از وضعیت خودشان چیز تازه دیگری ندارند که بگویند. اینجانب هم با وضع نامساعد فعلی خبر خوشی نداشتم که برای تسکین آلام آنها بدهم. اوضاع جنگ هم چندان روشن نیست. از قرار معلوم در فرونت سُم طرفین می‌کوشند که جبهه طرف را شکسته و پیشروی نمایند. در طرف شرق هم خبر تازه‌ای نیست.

۱. اصل: ایران دولی...

با ایرانیان

پنج‌شنبه ۱۹ اکتبر - پیش از ظهر در منزل مشغول نوشتن و خواندن بودم. ساعت یک بعدازظهر به یکی از رستورانهای نزدیک اینجا رفته جمعی از ایرانیان من جمله میرزا محمدخان قزوینی و هدایت را در آنجا ملاقات کردم. این رستوران کوچکی است که همیشه غذاهایش ماکول و جایش بسیار تمیز است. گویا هدایت پسر مرحوم صنیع‌الدوله قبلاً آن را شناخته و به دیگران معرفی کرده است. تا ساعت شش بعدازظهر با این آقایان بودم. شب را با آقایان [ابوالحسن] علوی و حیدرخان عمواغلی برحسب دعوت قبلی شام خورده، ساعت دوازده به منزل مراجعت کردم. از قرار خبری که از کرمانشاه رسیده عثمانیها پیشرفت جدیدی در ایران کرده و تلفاتی به روسها وارد آورده‌اند.

دیدن از نواب

جمعه ۲۰ اکتبر و شنبه ۲۱ اکتبر - جمعه را در منزل گذرانده به خارج نرفتم. هوا هم چندان مساعد نبود. خبر تازه‌ای هم از هیچ جا نرسید. روز شنبه پیش از ظهر را در منزل مانده مشغول نوشتن و خواندن بودم. کمی بعد از ظهر از منزل بیرون رفته پس از صرف ناهار به دیدن آقای نواب رفتم، پاکتی از تهران برای ایشان رسیده بود. وزیر امور خارجه سواد بعضی از نوشته‌جات را که میان سفرای روس و انگلیس و دولت ایران ردوبدل شده برای سفارت برلن فرستاده‌اند.

طرح فرمانفرما

از قرار معلوم قراردادی را که روسها و انگلیسها می‌خواستند با آقای مستوفی‌الممالک منعقد نمایند و سوادش را آقای مستوفی‌الممالک قبل از استعفا برای ما از تهران به توسط آقایان ارباب کیخسرو و میرزا

قاسم خان [و] عدل الملک فرستاده بود، با بعضی تغییرات فرمانفرما می‌خواست به دولتین روس و انگلیس مبادله کند و طرح اتحادی بریزد، دولتین قبول نکردند.

قبول سپهدار

پس از استعفای فرمانفرما، سپهدار با آنها داخل مذاکره شد. از دولت ایران تشکیل کمیسیون مختلط مالیه و ژاندارمری جنوب و شمال را خواستگار [می‌شوند] و فشار آورده‌اند که انجام شود. سپهدار در هشتم ماه اوت گذشته بدون مشورت با اعضای کابینه و بدون اطلاع اعلیحضرت سلطان احمدشاه پیشنهاد دولتین را قبول کرده است. پس از نزدیک شدن قشون عثمانی سپهدار استعفا داده و وثوق الدوله تشکیل کابینه داده است و حالا از قرار معلوم آقای وثوق الدوله کوشش دارد خرابی این کار را ترمیم نماید.

تلگراف به نظام السلطنه

امروز این تلگراف را به آقای نظام السلطنه به کرمانشاه مخبره نمودم:

تلگرافات واصل. یک ماه و نیم است که در برلن می‌باشم و آقای طباطبایی در استانبول. با هم ارتباط کتبی و تلگرافی داریم. برای تضمین صریح و بی‌شرط استقلال ایران و شناساندن حکومت موقتی کرمانشاه و سایر مسائل مجاهدت نموده متأسفانه آلمانیها حاضر نشده‌اند و دفع‌الوقت می‌کنند. اخطاریه اخیر آنها هم که به اینجانب خطاب شده رضایت‌بخش نیست. مقتضی است در آنجا هر قدر می‌توانید فشار بیاورید. آقای طباطبایی و اینجانب هم به وظیفه خودمان عمل کرده، بلکه کاری از پیش برود. آلمانیها می‌گویند مهمات را به کرمانشاه هرچه زودتر می‌رسانیم.

همراهی نواب

امروز دو دفعه به وزارت خارجه تلفن کرده بلکه با فن ویزندونگ تلفنی تماس بگیرم در اداره نبود و نشد با او صحبت کنم. آقای نواب را هم ملاقات [کردم] و رونوشت تلگراف کرمانشاه را برای ایشان خواندم. آقای نواب علی‌الظاهر با اینجانب همه نوع همراهی دارند.

خانه خدا

یکشنبه ۲۲ اکتبر - امروز صاحبخانه اینجانب گفت یک کنسرت عالی در یک کلیسای قدیم نزدیک میدان الکساندرا که یکی از میدانهای نامی برلن است می‌دهند و این کنسرت قابل شنیدن است. به آقای [عباسقلی] نوری تلفن کرده قرار گذاشتیم ساعت نیم بعدازظهر با هم به این کلیسا برویم که در ساعت یک وقت افتتاح کنسرت در آنجا باشیم. وقتی که بدانجا رسیدیم جمعیت زیادی در درب کلیسا جمع شده بودند و در داخل کلیسا خبری نبود. فقط کشیش یک درس مذهبی به عده‌ای اطفال می‌داد. بالاخره جمعیت داخل کلیسا شدند. کشیش به آواز بلند می‌گفت خبری نیست بروید. پس از مدتی معطلی معلوم شد فی‌الحقیقه در خانه خدا خبری نبود. مثل اینکه خدا از خانه خارج [شده] و خانه را به مخلوق باز گذاشته است. ما هم بدون شنیدن کنسرت از خانه خدا خارج شدیم. ناهار را در یکی از رستورانهای نزدیک با آقای نوری صرف و به منزل مراجعت کردیم. امروز روز تولد یکی از سلاطین باستانی آلمان است. اغلب عمارات را بیرق زده‌اند. دیروز وزیر داخله اتریش را کشته‌اند. از قرار معلوم آلمانیها و بلغارها پیشرفت تازه‌ای در طرف رومانی کرده‌اند.

طرح مسائل ایران با وزارت خارجه

دوشنبه ۲۳ اکتبر - پیش از ظهر با تلفن قرار گذاشتم ساعت شش بعدازظهر

با فن ویزندونگ ملاقات کرده بعضی مسائل را با هم صحبت کنیم. کمی پیش از این ساعت از منزل بیرون آمده به وزارت خارجه آلمان رفتیم. در ضمن ملاقات با فن ویزندونگ این مسائل را مذاکره کردیم:

اول - اگر ممکن است یک عده افسر و سرباز آلمانی به فرونت ایران فرستاده شود. حکومت موقتی بدین مسئله اهمیت زیاد می دهد. فن ویزندونگ جواب داد به وزارت جنگ پیشنهاد می شود، اگر صلاح دانستند می فرستند. ولی در هر صورت بعضی اشکالات خواهد داشت و شاید افسر و سرباز کافی نداشته باشیم.

دوم - خوب است به موسیو نادولنی دستور داده شود رفتار خودش را نسبت به حکومت موقتی دوستانه تر گرداند و حاضر باشد با حکومت موقتی داخل مذاکرات اساسی که برای ایران اهمیت زیاد دارد بشود. جواب داد روابط موسیو نادولنی با حکومت موقتی بسیار دوستانه است معهدا در تلگراف به او سفارش می شود.

سوم - راجع به بی طرفی دوستانه که در اخطاریه^۱ دولت آلمان ذکر شده دولت آلمان چه نظری دارد؟ آیا دولت امروزی ایران را بی طرف دوستانه می شناسد یا خیر. اگر می شناسد ابهامی در آن موضوع باقی نگذارید. گفت اشکالی ندارد، حکومت امروزی ایران را می توان بی طرف دوست شناخت. قرار شد با زیمرمن در این خصوص مذاکره کرده نتیجه را اطلاع دهد.

چهارم - در خصوص مهمات برای حکومت موقتی. از قرار تلگرافی که از کرمانشاه برای اینجانب آمده گویا به قدر کافی مهمات نمی رسد. اگر مهمات به قدر کافی برسد به زودی خواهند توانست ده هزار نفر تهیه نمایند. در این موضوع هم یادداشت نمود تا با وزارت خارجه مذاکره کند. پنجم - حکومت موقتی در کرمانشاه مایل است یکی از خبرگزاریهای

۱. اصل: اختیاریه

آلمانی اخبار جنگ را به کرمانشاه رسانده و اخبار آنجا را نیز بدینجا مخابره کند، خیلی ممنون می شویم که وزارت خارجه آلمان در این خصوص هم اقدام کند. این موضوع را هم یادداشت کرد که به اقدام برساند.

ششم - راجع به تلگرافات خودم به کرمانشاه گفت اشکالی ندارد، تلگرافات نزد خود او فرستاده [شود] تا بدون معطلی به کرمانشاه مخابره شود. قرب سه ربع ساعت مذاکرات ما طول کشید. از گرفتن یکی از بنادر مهم رومانی خیلی خوشحال بود و می گفت اخبار ایران هم رضایت بخش است. پس از صرف شام در خارج در حدود ساعت یازده به منزل برگشتم.

«این آقا»

سه شنبه ۲۴ اکتبر - امروز صبح یکی از سران ملیون تلفناً به من اطلاع داد که دیروز با فن ویزندونگ ملاقات کرده خوب است وقتی را معین کرده با هم صحبت کنیم. قرار شد ساعت یک بعدازظهر همدیگر را ببینیم. ساعت یک بعدازظهر در یکی از رستورانهای تازه این محل این آقا را ملاقات کرده اظهار داشت دیروز فن ویزندونگ را ملاقات [کرده] و در ضمن صحبت اظهار داشته که موضوع اخطاریه اخیر نه فقط مخالف میل نگارنده بلکه تمام ایرانیها بوده و همه ایرانیها از این موضوع رنجیده خاطر شده اند. پس از مذاکرات راجع به اینکه آیا دولت امروزی ایران بی طرف دوست آلمان است یا خیر؟ قرار شده زیمرمن تذکر داده بلکه اخطاریه اخیر [را] از ابهام فعلی خارج [سازند] و تصریح شود که دولت آلمان دولت امروزی ایران را بی طرف [و] دوست خود می شناسد.

تصمیم سلیمان خان میکده

دیگر کسب اطلاع شد که میرزا سلیمان خان میکده از وسط راه از رفتن به

ایران منصرف شده به برلن مراجعت می‌کند. پس از صرف ناهار با این آقا به منزل مراجعت کردم. امروز آلمانها سه شهر از رومانی گرفته و عده زیادی هم اسرا و غنایم جنگی به دست آورده‌اند. شام را با عده‌ای از وجوه ایرانیان من جمله آقایان میرزا محمدخان قزوینی و پورداد و علوی صرف و ساعت دوازده به منزل مراجعت کردم.

تلگراف حکومت موقتی

چهارشنبه ۲۵ اکتبر - ظهر در یکی از رستورانهای مجاور با چند نفر از ایرانیان مهاجر ناهار را صرف کرده پس از صرف ناهار به سفارت رفتیم. دو تلگراف از حکومت موقتی از کرمانشاه رسیده بود، هر دو به رمز یکی را همانجا استخراج کردم. از قرار معلوم پس از آنکه آلمانها اینجا از جواب درخواستهای نگارنده در اشکال مانده‌اند سعی کرده‌اند کار را به کرمانشاه کشانده از دست اینجانب خلاص شوند. در تلگراف اول اظهار می‌شود که نادولنی در آنجا سؤال کرده آیا وحیدالملک حق انعقاد قرارداد را در برلن دارد. رأی حکومت موقتی این شده که مذاکره در اینجا با اینجانب [باشد] ولی انعقاد هر قراردادی باید در کرمانشاه صورت پذیرد. راجع به تعیین آژانس که اخبار جنگ را به کرمانشاه داده و اخبار آنجا را به برلن مخابره کند بهتر است آژانس وولف برای این کار تعیین شود.

معاهده پیشنهادی

در تلگراف دیگر تقاضا شده است که اینجانب با آقای نواب به فوریت تماس گرفته تقاضا شود دولت آلمان به نماینده‌اش امر بدهد معاهده ذیل را در کرمانشاه با حکومت موقتی منعقد کند:

اول - دول آلمان و اتریش و عثمانی متحداً و منفرداً استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران را تا مدت بیست سال تضمین می‌نمایند.

دوم - دول آلمان و اتریش و عثمانی متعهد می‌شوند که در موقع صلح کلیه معاهدات و قراردادهای موجوده میان دولت ایران و دول روس و انگلیس و فرانسه و امتیازاتی را که دولت ایران بدین دول و ...^۱ آنها داده از درجه اعتبار ساقط [بدانند].

سوم - در مدت این بیست سال اگر دولت ایران معاملات را بخواهد با خارجه صورت بدهد در صورت تساوی شروط، اولویت با دول آلمان و اتریش و عثمانی و اتباع این دول خواهد بود.

چهارم - هیچ‌گونه معاهده و قراردادی که در مدت بیست سال میان ایران و یک دولت خارجی منعقد شود نبایستی بر این قرارداد خساراتی وارد آورد.

پنجم - این قرار داد پس از امضا به موقع عمل گذاشته می‌شود و باید هرچه زودتر به امضا برسد.

ساعت پنج دکتر واسل به سفارت ایران آمد. چند نفر از مهاجرین در آنجا بودند. دکتر واسل می‌گفت دولت آلمان بیش از آنچه که انجام داده مشکل بتواند تعهد کند. محققاً تضمیناتی را که جلوی آزادی خودش را در زمان انعقاد صلح بگیرد نخواهد نمود. ولی باید دانست که منافع آلمان و عثمانی هر دو در این است که ایران مستقل و در حدود خودش پایدار بماند. ساعت شش با دکتر واسل با هم از سفارت بیرون آمده پیش از خداحافظی قرار گذاشتیم روز شنبه آینده در هتل کایزرهف با هم چای صرف و مذاکره نماییم. پس از صرف شام ساعت یازده به منزل برگشتم.

پس گرفتن وردن

پنجشنبه ۲۶ اکتبر - تا ساعت یک و نیم بعد از ظهر در منزل مشغول نوشتن و خواندن بودم. خبر امروز از میدان جنگ در طرف مغرب چندان

۱. یک کلمه ناخوانا، شاید پارلمانها.

رضایت بخش نیست. دیروز فرانسویان حمله سخت کرده قلعه وردن را که اول سال از دست داده بودند مجدداً پس گرفته، قریب پنج هزار اسیر هم از آلمانها گرفته‌اند. ولی پیشرفت آلمانها در طرف رومانی ادامه دارد.

شام را با آقایان میرزا محمدخان قزوینی و علوی و جمعی دیگر از مهاجرین صرف کرده به منزل مراجعت نمودم. تمام روز باران سخت بارید.

مذاکره در کرمانشاه

جمعه ۲۷ اکتبر - صبح نامه‌ای از وزارت خارجه آلمان از زیمرمن معاون وزارت خارجه دریافت شد. در این نامه که در جواب نامه هفدهم اکتبر اینجانب است می‌گویند چون مذاکرات مسائلی که میان ایران و آلمان مشترک است در کرمانشاه مستقیماً میان حکومت موقتی و نادولنی نماینده آلمان در میان آمده بهتر این خواهد بود صبر کنیم ببینیم نتیجه آن مذاکرات چه می‌شود، رضایت بخش خواهد بود یا خیر؟ مقصود معلوم است. پس از آنکه نگارنده در اینجا سخت گرفته که تضمینات لازم بدهند مخصوصاً تضمین استقلال ایران و به رسمیت شناختن حکومت موقتی، بهترین راه برای آنها این است که مذاکرات را بدین ترتیب به کرمانشاه محول نموده از فشار اینجانب خلاص شوند و جوابی هم که حکومت موقتی راجع به انعقاد قرارداد داده این موضوع را تأیید می‌کند که اینجانب تنها در اینجا حق مذاکره داشته از این حق پا خارج نگذارم.

تلگراف به کرمانشاه

تلگرافی در جواب تلگراف کرمانشاه مخابره کردم. خلاصه‌اش اینکه اینجانب فشار آورده بودم تضمین استقلال ایران و شناختن حکومت

موقتی از طرف دولت آلمان در یک اخطار به رسمی به عمل آید. معلوم می‌شود برای عقب انداختن اساس کار توسل به آنجا شده، والا صحبت معاهده و عقد قراردادی در اینجا در میان نبود و اینجانب نمی‌خواستم قراردادی در اینجا با دولت آلمان منعقد نمایم.

وضع جنگ

از قرار اخبار روزنامه‌ها در این روزها غرق کشتیها توسط تحت‌البحریهای آلمانی بسیار شدت دارد. در یک هفته متجاوز از صد هزار تن کشتیهای نروژی که با بنادر انگلیس آمد و رفت دارند غرق شده است.

نظر دکتر واسل

شنبه ۲۸ اکتبر - پیش از ظهر با فن ویزندونگ تلفناً صحبت کرده تلگراف اخیر اینجانب را به کرمانشاه مخابره کرده و تلگرافات بعد را هم به محض وصول مخابره خواهد نمود. بعد از ظهر طبق قرارداد قبلی چای را در هتل کایزرهف با دکتر واسل صرف کردم. تا ساعت شش با هم بودیم. مفصل از مسائل مشترک میان ایران و آلمان صحبت کردیم. اصرار دارد که آلمانها نسبت به ایران صمیمی [اند] و پیوسته در صدد حفظ استقلال ایران خواهند بود و نخواهند گذاشت ایران از بین برود. برای آلمان چه فایده دارد که به استقلال ایران لطمه وارد شود. می‌گفت روز چهارشنبه آینده به طرف استانبول حرکت [می‌کند و] در آنجا ریاست کنترل مالیه را در دست خواهد داشت. این اداره را یک نفر فرانسوی مدتی قبل تأسیس کرده و امروزه اهمیتی به سزا دارد و می‌خواهند آن را ترمیم و مستحکم نمایند. چون اداره کنترل است آن هم کنترل مالیه چندان محبوب نیست. امروز صبح فتح السلطنه به طرف ایران حرکت کرد. دیشب که او را ملاقات کردم. می‌گفت اگر میسر شود یکسر به همدان می‌روم.

مأموریت نوری اسفندیاری

یکشنبه ۲۹ اکتبر - صبح زود آقای [عباسقلی] نوری تلفن کرده گفت خبر خوشی دارم خوب است زودتر همدیگر را ببینیم. قرار گذاشتیم قبل از ناهار در تی‌یرگارتن ملاقات و در ضمن گردش مذاکره کنیم. هوا هم اتفاقاً مناسب بود. خبر خوش ایشان این بود که روز قبل از وزارت خارجه به توسط سفارت خبر داده بودند که وزارت جنگ آقای نوری را برای رفتن به کرمانشاه دعوت می‌کند، خوب است هرچه زودتر گذرنامه خود را حاضر [کنید] و مهیای رفتن بشوید. اگر چه آقای نواب چندان مایل نیستند که مسئولیتی از این بابت به ایشان تعلق بگیرد و یا فامیل آقای نوری از ایشان رنجش پیدا کند. معهذا آقای نوری خوشحال است که بدین مأموریت معین شده است. از اینجانب هم مشورت کرد نتوانستم عقیده راسخی در این زمینه به او بدهم. بسته به میل خود او است. اگر مایل است که اوقات خود را در اینجا به بطالت صرف کند مختار است. ولی اگر بخواهد کار بکند و به نفع ایران هم باشد محقق رفتن به کرمانشاه برای او بهتر است. در هر صورت از قرار معلوم با میل مفروطی که خود او در رفتن به فرونت ایران دارد رفتن او به کرمانشاه محقق است.

از قرار آخرین خبر قوه روسها در ایران زیاد شده و بیجار را هم مجدداً از عثمانیها پس گرفته‌اند.

نامه صفاءالممالک از وینه

دوشنبه ۳۰ اکتبر - صبح آقای نواب تلفن کرده قرار گذاشتیم بعدازظهر به سفارت رفته راجع به اوضاع مذاکره نماییم. لذا بعدازظهر ساعت سه به سفارت رفته چند نفر از مهاجرین هم آنجا بودند. کاغذی آقای صفاءالممالک از وینه به توسط آقای نواب برای اینجانب نوشته و در این نامه شرح ملاقات خود را با خلیل بیک وزیر خارجه عثمانی در وینه داده

است. در ضمن صحبت آقای خلیل بیک می‌گوید که آلمانها به واسطه یأسی که از ضعف ایران دارند حاضر نمی‌شوند تضمیناتی بدهند. ضمناً گفته بود به خیال او چون نگارنده بعد از وصول اخطاریه آلمان به دیدن او نرفته [ام] یقیناً از او هم رنجشی حاصل شده است. خوب است آقای صفاءالممالک از طرف او براثت ذمه بخواهند که او کوشش خودش را کرده ولی به جای مطلوبی نرسیده است.

آلمانها و آزادی عمل

با آقای نواب هم مذاکرات مفصل راجع به اوضاع خودمان صورت گرفت. ایشان هم عقیده اینجانب را تأیید کردند که آلمانها برای خلاصی از شدت اقدامات اینجانب در اینجا کار را به کرمانشاه کشانده‌اند. عقیده ایشان هم بر این است که آلمانها نمی‌خواهند آزادی عمل را از خود سلب نمایند و تضمیناتی را که جلوگیری از این آزادی بنمایند بکنند. شب را با آقای علوی به قصر یخ که برای بازی پاتیناژ ساخته‌اند رفتیم، جایی تماشایی تأثر مانند که وسط آن یخ مصنوعی به وجود آورده‌اند و روی آن پاتیناژ می‌کنند. هم یخ‌بازی است و هم رقص.

نوری اسفندیاری

سه شنبه ۳۱ اکتبر - امروز چند ساعتی پیش از ظهر به نوشتن و خواندن مشغول بودم. چند نامه به کرمانشاه و استانبول نوشته [شد] که به توسط وزارت خارجه آلمان و سفارت ایران بفرستم. بعدازظهر آقای نوری به دیدن اینجانب آمد. می‌گفت ملاقاتی از اداره سیاسی وزارت جنگ آلمان کرده و چنین قرار گذاشته است که تا پانزده نوامبر به طرف مشرق حرکت کند و اگر عایقی جلو نیاید هر چه زودتر خود را به کرمانشاه خواهد رسانید. پیشرفت آلمانها در قسمت رومانی ادامه دارد ولی عجالتاً محاربه سختی در فرونت فرانسه در جریان نیست.

پس از یک سال - ضرر هجوم روسها

چهارشنبه ۱ نوامبر ۱۹۱۶ - تقریباً یک سال است که قشون روس وارد ایران شده، به طرف تهران هجوم آورده و ما را از پایتخت کشور خود دور گردانیده است. پس از یک سال امروز خود را در برلن عاطل و باطل و بی تکلیف می بینم. تنها مشغولیات و فرحی هم اگر دارم از خواندن و نوشتن و به قول دکتر واسل از صرف و نحو آلمانی است. اگر روسها این تهاجم را نمی کردند ما به جای خودمان مستقر بودیم و امروز هم نیروی عثمانی نزدیک پایتخت ما نمی بود و حتی امور تجارتنی خود روسها هم با ایران مختل نمی شد. اخیراً گویا کلیه اتباع روس از تهران خارج [شده اند] و حتی آرشیوهای سفارتخانه های روس و انگلیس را از تهران برده اند. از قرار آخرین خبر که از استانبول رسیده شکست تازه به روسها در نزدیکی همدان وارد [شده است] وعده ای از آنها به دست عثمانیها اسیر شده اند.

پوتسدام و ملکه

امروز به مناسبت خوشی هوا و گرفتگی حال خودم به پوتسدام رفتم. دو ساعت بعد از ظهر بدانجا رسیده، ناهار را صرف [کردم] و ساعت سه و نیم به باغ معروف سان سوسی رفتم. افسوس درب کاخ را همان وقت بسته [بودند] داخل کاخ نتوانستم بشوم. ولی مدتی در پارک گردش می کردم. در بهار این پارک خیلی با صفا است ولی امروز که وسط پاییز و برگها در حال ریزش است آن صفا را که باید داشته باشد پارک ندارد. ولی باز هم خالی از فرح نبود و به اینجانب بد نگذشت. ملکه اکنون در کاخ پوتسدام منزل دارد در کالسکه مخصوص نشسته در پارک می گشت. چون کالسکه بسته [بود] و به تندی حرکت می کرد نتوانستم درست او را ببینم. ولی به خاطر دارم در ۱۹۰۳ که در برلن بودم در اوتر دن لیندن او را دیدم، معلوم است از آن زمان تا به حال سیرده سال می گذرد و خیل مسن تر شده است. گویا

در اینجا تنها زندگی می کند. خود امپراتور دائماً در میدانهای جنگ است. پسرهایش هم تماماً در جنگ هستند. دخترش هم نزد شوهرش در جای دیگری است. آلمانها از قرار معلوم ملکه خود را خیلی دوست دارند.

تلگراف و ثوق الدوله

ساعت هشت به برلن مراجعت [کردم] و به منزل رفتم. از سفارت ایران تلفن کرده بودند که هر وقت مراجعت کردم با تلفن صحبت کنم. معلوم شد تلگرافی از کرمانشاه و نامه هایی از استانبول برای اینجانب رسیده است. بعد از صرف شام ساعت ده به سفارت رفته تا ساعت یک و نیم بعد از نصف شب در آنجا بودم. نامه مفصلی از آقای طباطبایی رسیده بود. گزارشات آنجا را مفصل نوشته اند. چیزی که خیلی اهمیت دارد تلگرافی است که و ثوق الدوله به سفارت استانبول کرده و از آقای طباطبایی و آقای احتشام السلطنه و اینجانب استمداد فکری می طلبد. می گوید امروز روزی است که کلیه افکار ایرانی صاحب فکر و نفوذ بایستی تمرکز پیدا کرده، برای نجات مملکت صرف شود و در این ضمن نظریات سفارت استانبول را راجع به اوضاع امروزی می خواهد. آقای احتشام السلطنه هم در جواب کسب تکلیف کرده می گوید اگر دولت ایران جداً در صدد تهیه زمینه ای است دستورالعمل داده ایشان با استمداد آقای طباطبایی و نگارنده و فراهم نمودن مقدمات آن مشغول [شود] و اطلاعات صحیح کسب [کنند] و در دسترس دولت گذارند. هنوز جواب این تلگراف نرسیده است.

یأس طباطبایی

میرزا سلیمان خان می کده هم طبق دستور آلمانها از حلب به استانبول برگشته به برلن خواهد آمد. آقای طباطبایی سواد چندین نامه و پیشنهاد که به توسط علی بیگ به انور پاشا نموده برای اینجانب فرستاده اند. ضمناً

تقاضا می‌کنند که به خلیل بیک وزیر امور خارجه دستور داده شود که هر قدر می‌توانند در برلن به نگارنده کمک کرده بلکه دولت آلمان حاضر به قبول تضمینات و تعهدات بشود. نامه اخیر اینجانب در خصوص عدم موفقیت در گرفتن تعهدات از دولت آلمان آقای طباطبایی را افسرده و تا حدی مأیوس کرده. از اینجانب صلاح دید برای خود و اینجانب می‌نماید. فی الحقیقه با این پیشامد انسان متحیر است چه بکند. نه روی برگشتن به ایران را دارد و نه طاقت تحمل ماندن در اینجا.

تلگرافی از کرمانشاه دریافت نمودم که از اقدامات جدی اینجانب اظهار امتنان [کرده] و صورت قرارداد یأس‌آوری را که نادولنی در آنجا پیشنهاد کرده فرستاده‌اند. در همین تلگراف باز از اینجانب تقاضا دارند کوشش کرده بلکه دولت آلمان را به دادن تضمینات و ادار نماید.

نواب و میکده

پنج‌شنبه ۲ نوامبر - نزدیک ظهر آقای نواب به دیدن اینجانب آمده تا ساعت دو بودند. راجع به آمدن آقای میرزا سلیمان خان میکده که به دعوت ایرانیهای اینجا بوده اظهار عدم اطلاع می‌کردند. صحیح هم به نظر نمی‌آید که ایرانیان آقای میکده را دعوت کرده و اسباب زحمت ایشان شده باشند. بعدازظهر آقای علوی به منزل اینجانب آمده چای را با هم صرف کرده و نامه‌ای متفقاً به آقای طباطبایی نوشتیم. نامه‌ای امروز به زیرمن نوشته سواد قراردادی را که از کرمانشاه فرستاده بودند لطفاً برای او فرستاده خواهش کردم توجهی در آن باره بنماید. پس از صرف چای با آقایان هدایت و علوی به گردش رفته و پس از صرف شام به اپرای برلن رفتم. پیس معروف واگنر به نام لوهنگرین که موزیک کلاسیک آلمان و آواز اپرا است به نمایش گذاشته بودند که بسیار جالب توجه بود. ساعت یک بعد از نیمه شب به منزل مراجعت کردم.

کنسول ژنرال ایران

جمعه ۳ نوامبر - صبح زود آقای [عباسقلی] نوری تلفن کرد که ادوال و خانمش می‌خواهند شما را ملاقات کنند. به ایشان گفتم حضرات را روز شنبه فردا بعدازظهر در هتل کایزرهف از جانب اینجانب به جای دعوت کنند. کنسول ژنرال ایران موسیو لئون که از کلیمیان متمول اینجا است و گویا کارخانه هم دارد روز یکشنبه آینده اینجانب را به شام دعوت کرده این دعوت را قبول نکردم. موضوع این بود که چند روز قبل به خواهش آقای نواب رفتم برای او و خانمش کارت گذاشتم. سه روز بعد از آن به توسط کلفت خانه‌اش کارت برای اینجانب فرستاده بود. از این عمل غیرمؤدبانۀ ایشان رنجیده [شدم] و به آقای نواب هم از این طرز رفتار شکایت کردم که به اسم کنسول ژنرال ایران نباید چنین رفتاری بکند.

جواب وثوق‌الدوله

آقای نواب از اینجانب با تلفن دعوت کرده که بعد از شام به سفارت بروم تا متفقاً در تهیه مینوت یک تلگراف به آقای وثوق‌الدوله به تهران اقدام کنیم تا خلاصه مذاکرات اینجانب با آلمانها به اطلاع دولت ایران برسد. از ساعت نه تا ساعت دوازده در سفارت بودم. ولی بیش از چند سطری تهیه نشد و خلاصه این بود که نگارنده به برلن آمده بعضی درخواستها راجع به تضمین استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران از دولت آلمان کرده [ام] ولی آلمانها در جواب می‌گویند [فقط] در صورتی که ایران نسبت به آلمان و متحدین متمایل بماند و یا علیه متفقین داخل جنگ شود مساعی خود را در تضمین استقلال ایران مبذول خواهد داشت.

افسران سوئدی

شنبه ۴ نوامبر - ساعت پنج بعدازظهر با ادوال و خانمش در هتل کایزرهف

حسب الدعوه چای صرف شد. ادوالم از گذشته مفصلاً صحبت می‌کرد و می‌گفت تا یک هفته پس از محرم پارسال که شاه رسماً می‌خواست از تهران حرکت کند باز از این فکر منصرف نشده و بعضی مواقع به فکر عزیمت از تهران بود تا آنکه بالاخره به واسطه پیشرفت روسها از حرکت به کلی صرف‌نظر نمود و نیز می‌گفت پنج نفر از صاحبمنصبان سوئدی در اینجا هستند که می‌خواهند به ایران بروند ولی آلمانها چندان میلی به رفتن آنها ندارند. چلسترم افسر سوئدی دو هفته پیش در سوئد فوت کرده است. اریکسن افسر دیگر سوئدی در تابستان گذشته در بغداد فوت شد. امروز یکی از رؤسای ملیون ایران با فن ویزندونگ ملاقات و راجع به درخواستهای اینجانب مذاکره کرده و وعده داده است که کلیه مساعی خود را در این راه مبذول خواهد داشت.

آزادی لهستان

یکشنبه ۵ نوامبر - تا ظهر در منزل مشغول نوشتن و خواندن بودم و ناهار را با چند نفر از آقایان مهاجرین در یکی از رستورانهای حوالی اینجا صرف نمودیم. امروز دولت آلمان و اتریش آزادی به لهستان روس که سال گذشته تحت اشغال آورده‌اند داده، امپراتور آلمان و اتریش هر دو دستخط آزادی این قسمت لهستان را امضا کرده‌اند و قرار است فردا این دستخط در لوبلن و ورشو خوانده و صورت رسمی بدان داده شود. از قرار معلوم این اقدام اثر خوبی در ممالک بی‌طرف خواهد داشت و ضمناً اهالی لهستان هم به طور کلی با امیدواری به آتی خود به متحدین کمک خواهند کرد.

آتش جنگ

دوشنبه ۶ نوامبر - امروز هم تا ظهر در منزل مشغول نوشتن و خواندن

بودم. هوا فوق‌العاده برای این وقت سال خوش و دلپذیر است. اغلب روزها خشک و آفتابی است و بدین جهت آتش جنگ در فروتنهای مختلف جنگ مشتعل است. طبق ابلاغیه امروز آلمان محاربه سختی در روز پنجم نوامبر در ناحیه سم روی داده، انگلیسیها و فرانسویها حمله فوق‌العاده سختی به آلمانها کرده ولی با تلفات زیاد عقب نشسته‌اند. گویا جزئی پیشرفتی در یک قطعه خیلی کوچک نصیب آنها شده و طبق ابلاغیه خودشان عده‌ای اسیر و قدری غنیمت جنگی به دست آورده‌اند. از وزارت خارجه آلمان این دو روزه خبری نشده، سفارت هم اطلاعی ندارد. از تهران و فرونت ایران هم خبر تازه‌ای نرسیده.

بختیارها و روسها

سه شنبه و چهارشنبه ۷ و ۸ نوامبر - این دو روزه هم خبر قابل نگارشی نرسیده است. فقط از ایران خبر رسیده که بختیارها رسماً به روسها اعلان جنگ داده و حاجی آقا نورالله هم در این خصوص فتوی داده است. این دو روزه مصادف با دهم و یازدهم محرم می‌باشد. پارسال این موقع در قم بودیم و هیجان عجیبی در آنجا مشاهده می‌شد. کمیته دفاع ملی تازه تأسیس و مشغول تبلیغات شده و احساسات مردم را کاملاً برانگیخته بود، از اطراف مشغول جمع‌آوری قوا بودند. ولی آنچه در عمل مشاهده شده تاکنون از تمامی آن مساعی و اقدامات هیچگونه نتیجه مثبتی عاید نشده است.

پروفسور تمن

پنجشنبه ۹ نوامبر - صبح آقای نواب تلفن کرد که نامه و تلگرافی برای اینجانب به سفارت آمده خوب است ساعت یازده به سفارت رفته و از

آنجا با ایشان به دیدن پروفیسور تمن^۱ که مدتی بستری و ناخوش می‌باشد برویم. ساعت یازده به سفارت رفته، دو نامه یکی از مفخم‌الدوله و دیگری از میرزا محمودخان شارژدافر هلند برای اینجانب رسیده و نیز تلگراف خیلی مفصلی در بیست و هشت صفحه رمز عددی از کرمانشاه مخابره شده که در امروز برای اینجانب فرصت استخراج آن نبود. سپس با آقای نواب به دیدن پروفیسور تمن رفتیم. چند هفته است بستری می‌باشند. از قرار تشخیص حکیم میکرب مالاریا وارد خون او شده و سینه او را ناراحت کرده است. طبق تجویز دکتر باید مدتی استراحت کند. پروفیسور تمن در نظر دارد که یک عده از اشخاص معروف را از میان مستشرقین آلمانی انتخاب نموده با آنها کمیته‌ای برای امور تحصیلی یک عده محصلین ایرانی در آلمان تشکیل دهد ولی با این کسالت فعلی آیا خواهد توانست منظور خود را عملی کند یا خیر معلوم نیست. تا یک ساعت بعد از ظهر با پروفیسور تمن بودیم. امروز انتخاب ریاست جمهوری امریکا به عمل آمده ویلسن رئیس جمهور فعلی مجدداً به ریاست جمهوری انتخاب شده است.

حسن خان اختر

جمعه ۱۰ نوامبر - پیش از ظهر قسمتی از تلگراف مفصل کرمانشاه را استخراج کردم. ساعت پنج بعد از ظهر حسن خان اختر به دیدن اینجانب آمد. مسافرت خودش را تا سرحد سوئد و روسیه شرح می‌داد. چند روزی در استکهلم معطل بوده تا تذکره او را کنسول روس ویزا [کرده] و به طرف سرحد روس حرکت می‌کند. در سرحد روسیه مانع از ورود او می‌شوند. پس از چند روز معطلی در آنجا به استکهلم برمی‌گردد. در آنجا تلگرافی از مفخم‌الدوله به کنسول ایران می‌رسد که اولیای وزارت

۱. شناخته نشد و ضبط درستی به نظر نمی‌رسد. شاید «من» (اسکارمان) محقق زیانشناسی ایران منظور باشد.

جنگ مانع داخل شدن اختر به خاک روسیه هستند. بالاخره مایوس به آلمان مراجعت می‌کند. امروز روسها یک شکست مختصری خورده و قریب چهار هزار اسیر داده‌اند.

مسائل تضمین آلمانها در تلگراف کرمانشاه

شنبه ۱۱ نوامبر - پیش از ظهر استخراج تلگراف کرمانشاه را به پایان رساندم. در این تلگراف اظهار می‌شود که نادولنی نماینده آلمان در کرمانشاه می‌خواهد در ماده اول قرارداد اظهارات گذشته مأمورین آلمان را بگنجاند. مثلاً از قرارداد کانتسین و اظهارات واسل در صحنه و قصر شیرین تذکر داده اظهار می‌دارد که از روی این نوشته جات استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران کاملاً تضمین شده و ایرانیها و حکومت موقتی کوشش می‌نمایند که جزئیات دیگری را به طریق قرارداد رسمی با دولت آلمان منعقد نمایند. حکومت موقتی و ایرانیان مهاجر و ملی هیچوقت راضی نمی‌شوند که وعده‌های سابق آلمانها جای یک قرارداد رسمی در تضمین استقلال ایران را احراز کند. ایرانیان نمی‌توانند اوضاع حالیه را بدون انعقاد یک قرارداد رسمی ادامه دهند و بدون چنین قراردادی که در آن تضمین بی‌شرط استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران شده باشد اقداماتی علیه روس و انگلیس به نفع آلمان و عثمانی بنمایند. در خاتمه این تلگراف مفصل از اینجانب خواش شده هرچه زودتر نتیجه اقدامات را به کرمانشاه تلگراف کرده و به آقای طباطبایی هم در استانبول اطلاع بدهم.

بعد از ظهر ساعت چهار به سفارت رفته تلگراف مذکور را برای آقای نواب خواندم. به خواهش آقای نواب دو نامه برای ایشان سواد کردم؛ یکی به آقای وثوق‌الدوله و دیگری به مشارالملك، مبنی بر اینکه مقرری چهارده ماهه سفارت ایران را هرچه زودتر به توسط سفارت امریکا در

تهران یا سفارت ایران در لندن برای ایشان حواله کنند که رفع معطلی بشود. شام را به اتفاق آقای نواب در خارج خوردیم.

کدورت نواب

ضمن صحبت اینجانب اظهار داشتم به طوری که استنباط می‌کنم سفارت ایران در برلن آن طور که باید و شاید در تشریح مذاکرات اینجانب با آلمانها اهتمام نمی‌کند. اظهارات اینجانب موجب عصبانیت آقای نواب گردید به طوری که در موقع خداحافظی با کمی کدورت از هم جدا شدیم. جای افسوس است که آقای نواب در زندگانی اجتماعی خیلی گرم و با محبت هستند ولی در امور رسمی بسیار محافظه کار و سخت‌گیر بوده و طرف را هر قدر هم دوست باشد از خود می‌رنجانند. اینجانب در آلمان موقتی بوده و توقعی هم از هیچگونه مساعدت خصوصی ندارم و تنها انتظار مساعدت برای تسریع در مذاکرات و انجام تقاضاهای حکومت موقتی به نحو احسن از ایشان دارم.

نامه‌ها و دیدارها

یکشنبه ۱۲ نوامبر - تا یک ساعت به ظهر مشغول تحریر بودم. نامه به زیرمن نوشته سواد تلگراف مفصل کرمانشاه را برای او فرستاده خواهرش کردم هر چه زودتر جواب به آن بدهند تا به کرمانشاه مخابره شود. نامه‌ای هم به سفارت ایران در برلن نوشته سواد تلگراف کرمانشاه و نامه به زیرمن را برای سفارت فرستادم تا از جریان کار آگاه باشند. نامه‌ای هم به آقای طباطبایی به استانبول نوشته مراتب را مفصلاً برای ایشان تشریح کردم. ناهار را منزل آقای اعظم السلطنه پسر آقای احتشام السلطنه که قرار بود به استانبول بروند و تا کنون نرفته‌اند دعوت داشتم. آقای نوری و چند نفر دیگر هم جزء مدعوین بودند. شب را پس

از صرف شام با چند نفر از آقایان مهاجرین در حدود ساعت دوازده به منزل برگشتم.

نواب و کدورت فیما بین

دوشنبه ۱۳ نوامبر - صبح از سفارت اطلاع دادند تلگرافی از کرمانشاه رسیده است تکلیفش را معین کنید. خواهش کردم به اینجا بفرستند. از قرار معلوم آقای نواب جریان کدورت بین ایشان و نگارنده [را] به اغلب ایرانیان گفته‌اند. ناهار را با آقایان علوی و نوری و چند نفر دیگر صرف کردم. نامه‌هایی به زیرمن و به سفارت ایران در برلن و آقای طباطبایی در استانبول که حاضر کرده بودم فرستادم.

عقیده نادولنی

زیرمن امروز جوابی به نامه دوم نوامبر اینجانب داده می‌گوید به نادولنی تلگراف کرده عقیده او را راجع به قراردادی که درخواست شده است خواسته‌ایم و منتظر جواب او هستیم. از قرار اخبار واصله پیشرفت آلمانها در رومانی ادامه دارد، چند جای بالنسبه مهم را همین دو روزه تحت اشغال گرفته‌اند.

رفتار در مورد من

سه شنبه ۱۴ نوامبر - امروز بلدیۀ محل نامه به اینجانب نوشته حاکی از اینکه رئیس حکومت محلی در پوتسدام دستور داده است که تسهیلات لازم در وصول ارزاق مانند نمایندگان دول و دیپلمات برای اینجانب فراهم کنند و خواهش [کرده است] هر چه لازم دارم بنویسم تا اجازه تحویل و خرید آن را بدهند. این نامه خیلی مؤدبانه و با نزاکت نوشته شده و عنوان جنابی به اینجانب داده‌اند و می‌نویسند که رفتاری که به نمایندگان دول می‌شود در مورد شما هم خواهد شد.

دو تلگراف رمز کرمانشاه

دو تلگراف از کرمانشاه رسیده کشف کردم. یکی از این دو تلگراف راجع به توطئه سوء قصدی است که اخیراً نسبت به نظام السلطنه در کرمانشاه در شرف انجام بوده که خوشبختانه به وسیله نظمیه کشف شده است و عده‌ای که در این توطئه شرکت داشته‌اند همگی توقیف و تحت استنطاق هستند.

جواد قاضی

بعد از ظهر آقایان نوری و [جواد] قاضی منزل اینجانب آمده تا ساعت هفت هم بودند. قاضی را دفعه اول است می‌بینم. جوان خوبی به نظر می‌آید. مدتی است در برلن می‌باشد و سمت نیابت افتخاری محلی سفارت را دارد. در برلن ازدواج کرده و سفارت هم کمتر می‌رود. از قرار می‌گفت چندان رضایتی از آقای نواب ندارد. شب را پس از صرف شام با چند نفر از رفقا در حدود نیمه شب به منزل مراجعت کردیم.

جواب بلدیہ

چهارشنبه ۱۵ نوامبر و پنج‌شنبه ۱۶ و جمعه ۱۷ نوامبر - صبح چهارشنبه جواب کاغذ بلدیة محل را داده ضمن تشکر از آن اداره خواهش کردم که اجازه عمومی برای خوراک و پوشاک مصرفی اینجانب بفرستند تا به وسیله آن بتوانم وسایل مورد احتیاج خود را خریداری کنم.

رفع سوء تفاهم با نواب

یکی از سران ملیون به اینجانب تلفن کرد که عصر برای صرف چای به منزل ایشان بروم که ضمناً آقای نواب را هم در آنجا ملاقات کنم. از ایشان خواهش کردم اگر ممکن است فردا را به جای امروز تعیین نمایند.

پنجشنبه عصر طبق قرار قبلی به منزل ایشان رفتم. آقای نواب هم در آنجا بودند، در نتیجه رفع سوء تفاهم شد و شب را تا نصف شب با هم بودیم و شام را به اتفاق صرف کردیم.

ورود میکده

روز جمعه میرزا سلیمان خان میکده و روح‌الله خان اخوی ایشان با ترن بالکانیک از استانبول وارد برلن شدند. دو روز است در جبهه رومانی جنگ به شدت ادامه دارد و از قرار معلوم آلمانها و اتریشها پیشرفت خوبی کرده‌اند و خبری که امروز رسیده حاکی است که آلمانها متجاوز از دو هزار اسیر در جبهه رومانی گرفته‌اند.

سرماي فوق‌العاده

شنبه ۱۸ نوامبر - صبح قدری به گردش رفتم. هوا فوق‌العاده سرد بود و باد خیلی سردی می‌وزید که در نتیجه درجه برودت هوا به چند درجه زیر صفر رسیده. نهار را امروز با آقای نوری صرف کردم. دو نفر از آقایان ملیون با فن ویزندونگ ملاقات و راجع به تقاضاهای اینجانب صحبت کرده‌اند که جزئیات را در ملاقات بعدی خواهند گفت.

ملاقات میکده و اخبار عثمانی

یکشنبه ۱۹ نوامبر - تمام امروز برف می‌بارید و هوا هم خیلی سرد است. نهار را با آقایان میرزا سلیمان خان میکده و اخوی ایشان حسب الوعدہ صرف کردم. آقای میکده اطلاع جدیدی اظهار نداشت. می‌گفت اغذیه در استانبول فراوان و از همه جهت وسایل راحتی فراهم است. طبق دستور جدید دولت عثمانی کلیه معافیها را برای خدمت نظامی می‌گیرند و بدین واسطه عده زیادی از استانبول رفته و بعضی مغازه‌ها هم بسته شده است.

نیروی بالنسبه مهمی از طرف دولت عثمانی به فرونت عثمانی فرستاده شده، از جدیت عثمانیها خیلی توصیف می نمود. سردار سعید که با ایشان بوده در بیروت مانده تا آقای میکده مهاجرت کند.

توطئه سوء قصد

امروز تلگرافی برای کرمانشاه تهیه کرده نزد فن ویزندونگ فرستادم تا مخابره کند. راجع به جواب تلگراف مفصل کرمانشاه نوشتم که در جریان اقدام هستم و نتیجه را بعداً به اطلاع خواهم رساند. در خصوص توطئه سوء قصد اظهار تأسف کرده مخصوصاً متذکر شدم که مرتکبین چنین توطئه باید شدیداً مجازات و تنبیه شوند.

برف

دوشنبه ۲۰ سه شنبه ۲۱ چهارشنبه ۲۲ نوامبر - روز دوشنبه هوا کمی ملایم تر شده ولی برف زیادی باریده است. بعد از ظهر به جنگل خارج شهر برای گردش رفتم. جمعیت زیادی به خصوص شاگردان دبستانها در روی برف بازی می کردند. خانه های خیلی عالی در این قسمت شهر ساخته شده است و به واسطه خطوط تراموای برقی تردد با مرکز شهر به سهولت فراهم است.

یکی از سران ملیون

سه شنبه یکی از سران ملیون مجدداً فن ویزندونگ را ملاقات کرده و راجع به تقاضای اینجانب با ایشان مذاکره نمود. فن ویزندونگ گفته است که چون کار انعقاد قرارداد به کرمانشاه احاله شده لذا تلگرافی عقیده نادولتی را خواسته ایم که هنوز جواب نیامده و تا جواب از کرمانشاه نرسد راجع به این موضوع هیچگونه اقدامی مقدور نیست.

فوت امپراطور اتریش

امروز آلمانها و اتریشیها در فرونت رومانی پیشرفت تازه ای کرده و آرسوا را اشغال کرده اند، ولی روز پیش آلمان از من شیر عقب نشینی کرده و صربها آنجا را تصرف کرده اند. فن یاکو از وزارت خارجه به سفارت وینه منتقل شده و زیر من به جای او به سمت وزارت خارجه آلمان ارتقاء یافته. امپراتور اتریش که شدیداً ناخوش شده و اخیراً به شدت حال او رو به وخامت گذاشته بود دیشب فوت می کند و بدین طریق مسن ترین پادشاه اروپا، جهان فانی را بدرود گفت. گویا عثمانیها پیشرفتی در جبهه ایران کرده و به نزدیکی سلطان آباد رسیده اند. این چهارشنبه روز عید توبه و انابه مسیحیان بوده و همه جا بسته و تعطیل است. هوا هم مجدداً فوق العاده سرد شده و چون اینجانب هم مختصری احساس کسالت می کردم لذا تا اول شب از منزل بیرون نیامدم و مشغول مطالعه بودم.

اختلاف میان ایرانیان

فقط اول شب بیرون [رفته] و چند نفر از سران ملیون را ملاقات کرده قرار شد نامه ای به پیوست رونوشت تلگراف کرمانشاه برای آقایان بفرستم تا مجدداً با فن ویزندونگ مذاکره بنمایند. از قرار گفته های آقای سلیمان خان می کده در استانبول بین ایرانیان اختلاف افتاده و گویا بین حاجی میرزا یحیی دولت آبادی و آقای احتشام السلطنه سفیر کبیر نیز جزئی گفتگویی پیش آمده است.

ملاقات ویزندونگ

پنجشنبه ۲۳ و جمعه ۲۴ نوامبر - این دو روزه هوا قدری بهتر شد و از برودت شدید هوا کمی کاسته شده است. یکی از رهبران ملیون مجدداً فن ویزندونگ را دیده و تأکید کرده است که خوب است قرار کار اینجانب

را بدهند. ولی باز هم آلمانها بعد از اینکه هنوز جواب نادولنی از کرمانشاه نرسیده به طفره و دفع الوقت گذرانده‌اند به نحوی که برای ایشان هم محقق شده که آلمانها نمی‌خواهند تعهدی برعهده گیرند. آقای نوری رئیس بلدیة محل را ملاقات نموده و ترتیب صدور کارت جیره‌بندی را داده تا آنچه برای اینجانب لازم شود بتوانم خریداری کنم.

وضع جنگ

دو سه روز است که حمله آلمانها در جبهه رومانی ادامه دارد مکنزن سردار آلمانی از قسمتی از رودخانه دانوب گذشته و از طرف شمال هم فالکنهاین حمله شدید نموده است. معلوم است که وضع رومانی به این ترتیب چندان خوب نیست و متفقین نیز به همین جهت متوحش هستند. یکی دو کشتی بزرگ انگلیس هم به وسیله آلمانها در این دو روزه غرق شده است. مخصوصاً کشتی بریتانیا به ظرفیت چهل و هشت هزار تن که اخیراً اختصاص به مریضخانه داده بوده‌اند و کشتی دیگری بیا که آن هم کشتی بزرگی بوده که برای مریضخانه به کار می‌رفته غرق شده‌اند. در طرف کردستان ایران هم عثمانیها جزئی پیشرفتی نموده‌اند.

نادولنی و احضار من

شنبه ۲۵ نوامبر - دیشب تلگراف رمزی از کرمانشاه برای اینجانب رسید حاکی از اینکه نادولنی در آنجا به حکومت موقتی فشار آورده [اند] که وحیدالملک را تلگرافاً احضار کنید و اینطور که اینجانب استنباط کردم نادولنی خواسته است بگوید که ایرانیها به اینجانب نظر خوبی نداشته. در صورتی که اینجانب در همین سمت در برلن بمانم ایرانیان اینجانب را قبول نخواهند داشت، خوب است آقای نواب را به جای نگارنده تعیین نمایند. آقای نظام‌السلطنه از نگارنده خواهش کرده که در ابقاء خودم اقدام

[کنم] و نتیجه را هر چه زودتر به ایشان اطلاع بدهم. مفاد تلگراف را به آقای نواب اطلاع دادم. ایشان عقیده‌شان این است که منظور آلمانها از این اقدامات این است که ما را از موضوع پرت کنند. خلاصه مفاد تلگراف را به یکی از سران ملیون گفتم. ایشان فوق‌العاده ناراحت شدند که آلمانها چنین نسبت ناروایی به ایرانیان داده‌اند.

میکده - قیمت لیره

قبل از ظهر آقای میرزا سلیمان‌خان میکده را ملاقات و مفصلاً صحبت کردیم. ایشان هم از این مراجعت خود به برلن پشیمان و تقریباً منفعل است. خود و اخوی ایشان روح‌الله خان در یک پانسیون منزل گرفته‌اند و از بابت خوراک و عدم آشنایی به زبان، فوق‌العاده سخت به ایشان می‌گذرد. بعد از ظهر نواب را در سفارت ملاقات کردم. کاغذی از آقای عباسقلی خان نواب اخوی خود داشتند. قیمت لیره در ایران بیست و پنج قران است و اوضاع تهران روی هم‌رفته چندان بد نبوده است.

تلگراف نظام‌السلطنه

یکشنبه ۲۶ نوامبر - بعد از ظهر تا نصف شب با آقای نواب بودم. این تلگراف را از آقای نظام‌السلطنه دریافت کرده‌اند:

شاید با عوالم سابقه تصدیق فرمایید که یک امیدواری بزرگ من در این اقدامات متکی به کمک جنابعالی بوده است که همیشه در این عقاید شریک و از پیشقدمین بوده‌اید، به همان نظر هم بود که بعد از تقاضای مکرر دکتر واسل در اعزام یک نفر نماینده به برلن آقای وحیدالملک را که یکی از سران ملیون ایران و دوست خالص جنابعالی می‌باشند بدین نمایندگی انتخاب شد که در پیشرفت این مقاصد اساسی با جنابعالی شریک مساعی نماید. نمی‌دانم چه شده است که نادولنی چند روز است می‌گوید آقای وحیدالملک را

احضار نمایید و این تقاضا را به برلن نسبت می‌دهد. دوستانه و محرمانه می‌پرسم که علت این تقاضا به جنابعالی معلوم است یا خیر؟ اینجا تصور می‌شود فقط میل نادولنی است که می‌خواهد قرارداد اینجا بدون مداخله غیر و به میل او انجام گیرد. در صورتی که انجام قرارداد با نظریات اساسی منوط به مصالح مخصوص است که در آنجا به عمل آید. خوب است اگر این تقاضا از طرف دربار برلن است لطفاً منصرفشان بفرمایید که با اقدامات جدی آقای وحیدالملک و مساعدت جنابعالی مقصود ملیون به نتایج مطلوبه برسد.

وضع می‌کده

امروز فن ویزندونگ تلفوناً به یکی از سران ملیون اطلاع داده است که جواب وحیدالملک را مشغول نوشتن هستم. لذا سوادی از تلگراف کرمانشاهان برای ایشان فرستادم. امروز صبح آقای میرزا سلیمان‌خان می‌کده منزل نگارنده آمد. شرح مفصلی با هم صحبت کردیم که بلکه به قول ایشان اگر سوء تفاهمی در میان باشد مرتفع شود. ایشان سرگردان و بی‌تکلیف و پشیمان و درمانده‌اند. قرار شد مکاتبات خودشان را به وسیله اینجانب به استانبول بفرستند.

زیمرمین وزیر خارجه

دوشنبه ۲۷ نوامبر - چند روز است قوای متحدین پیشرفت نمایانی در فرونت رومانی کرده از سه طرف خطوط رومانیها را شکافته‌اند. اخیراً تحت البحرهای آلمان یک حمله به سواحل انگلیس برده‌اند. دیروز تلگراف جدیدی از کرمانشاه رسید. قسمت عمده آن راجع به نظریات نادولنی درباره قرارداد است. چند فقره امتیاز خواسته است، من جمله امتیاز خطوط آهن ایران. امروز برای زیمرمین که تازه به وزارت خارجه آلمان منصوب شده کارت تبریکی گذاشتم.

نامه کمیته ایرانیان برلن

سه شنبه ۲۸ نوامبر - امروز کاغذی از زیمرمین وزیر جدید امور خارجه در جواب مراسله یازدهم نوامبر نگارنده رسید بدین مضمون که نادولنی در کرمانشاه مشغول مذاکرات راجع به انجام قرارداد می‌باشد. بنابراین باید منتظر بود تا نظریات نادولنی به اطلاع وزارت امور خارجه برسد. سواد نامه‌ای که از طرف کمیته ایرانیان برلن برای وزارت خارجه آلمان فرستاده شده بدین مضمون به اینجانب رسیده:

شنیده می‌شود که موسیو نادولنی در کرمانشاه اظهار نموده که آقای وحیدالملک را از برلن احضار نمایند و چنین فهمانده است که ایرانیان اینجا از بودن ایشان در برلن خشنود نیستند. این موضوع باعث افسردگی خاطر کمیته ایرانیان گردیده زیرا از بدایت امر ما کاملاً با نظریات ایشان موافقت داشته و با تمام قوا هم خود را در پیشرفت مقاصد و نظریات ایشان مصروف و پیوسته نیز نزد اولیای دولت آلمان این نظر و مقصود را اظهار می‌داشته‌ایم. بدیهی است چنین موضوعی مورث سوء تفاهمات در کرمانشاه شده نتایج خوبی نخواهد داشت. امیدواریم که این سوء تفاهم به زودی مرتفع و دولت امپراتوری آلمان اقدامات کافی در کرمانشاه در رفع سوء تفاهم خواهد نمود.

بعد از ظهر را با آقایان علوی و نوری گذرانده و پس از صرف شام به منزل مراجعت کردم.

کلکسیون زاره و مینیاتورهای عالی

چهارشنبه ۲۹ نوامبر - صبح با آقای نوری و خانم زاره به موزه بزرگ برای دیدن کلکسیون پروفیسور زاره رفتیم. مینیاتورهای ایرانی پروفیسور زاره را تماماً دیدیم. رویهمرفته کلکسیون بدی نیست. چند قطعه مینیاتور عالی

دارد که می‌توان گفت جزء بهترین نقاشیهای ایرانی است. ولی مابقی در درجه دوم و سوم اهمیت قرار گرفته. چند مینیاتور از زمان شاه عباس، دو قطعه آن به امضای رضای عباسی نقاش معروف است: یکی در هزار و چهل و دیگری در هزار و پنجاه هجری نقاشی شده. دو مینیاتور قلم سیاه قطع بزرگ نیز دیده شد که می‌توان آنها را در درجه اول شمرد. یک قطعه هم کار شفیق عباسی است که از اساتید بزرگ [عصر] شاه عباسی به شمار رفته است. شام را امشب با چند نفر از ملیون صرف کرده در حدود نصف شب به منزل برگشتم.

عمل بینی نواب

پنجشنبه ۳۰ نوامبر - صبح آقای نواب تلفن کرد که هنوز اقدامی در خصوص تلگراف آقای نظام السلطنه نکرده و نمی‌خواهم بدون مشورت ملیون مقیم در برلن کرده باشم. دیگر گفت امروز بعد از ظهر به مریضخانه می‌روم که جزئی عملی در بینی‌ام انجام شود. ساعت هفت بعد از ظهر به سفارت رفته معلوم شد آقای نواب به مریضخانه رفته و عمل کرده‌اند. به عیادت ایشان به مریضخانه رفتیم. عباس خان اعظم السلطنه با ایشان بود. می‌گفت عمل بالنسبه سختی انجام گرفت قریب یک ساعت طول کشید. استخوان داخل بینی بزرگ شده مجرا را گرفته بود. استخوان [را] شکسته مجرای بینی را باز کردند. خود آقای نواب حالت حرف زدن نداشت و گاهی هم ناله می‌کرد.

۷

آلمانها حاضر به [قبول] تعهدات رسمی با حکومت موقتی نیستند

تلگراف با شتر

جمعه ۱ دسامبر ۱۹۱۶ - امروز به فن ویزندونگ تلفن کردم که اگر مضایقه ندارد تلگرافی برای کرمانشاه تهیه کرده نزد او بفرستم تا مخابره نماید. ظاهراً تعارف کرد که خیلی خوشحال می‌شوم بفرستید مخابره می‌شود. گفت تلگرافات ما دوازده روزه به کرمانشاه می‌رسد. گویا یک قسمت راه را با شتر سیر می‌کند. طرف عصر به احوالپرسی آقای نواب رفتم از مریضخانه به منزل رفته است.

انتظار جواب وزارت خارجه

امروز یکی از سران ملیون به اینجانب تلفن کرد که بعد از ارسال آن نامه دائر به تکذیب گفته‌های نادولنی دیگر هیچ یک از اعضای وزارت خارجه را ندیده و در حقیقت قهرم تا جواب قانع کننده از وزارت خارجه برسد. در خصوص تلگراف آقای نظام السلطنه به آقای نواب به ایشان گفتم من

خودم نمی توانم در این خصوص اظهار عقیده بکنم. اگر خود آقای نواب صلاح می دانند به هر نحو که میل دارند اقدام خواهند کرد والا موضوع منتفی است.

پیشرفت متحدین

این دو روز پیشرفت متحدین در رومانی خیلی شدت یافته از قرار معلوم عنقریب پایتخت رومانی را اشغال خواهند کرد. گویا چند روزی است دولت رومانی از بخارست مرکز خود را تغییر داده و به یک شهر کوچکی در نزدیکی سرحد روسیه رفته اند.

نواب و وحیدالملک

شنبه ۲ دسامبر - پیش از ظهر به دیدن آقای نواب به سفارت رفتم. در رختخواب خوابیده بود و جزئی هم تب داشت. باز صحبت از تلگراف آقای نظام السلطنه شد. اظهار کردم اگر می خواهید اقدامی بکنید خوب است رأی نگارنده را نخواهید، زیرا شخص نگارنده راجع به کار خود نمی توانم رأیی اظهار نمایم. آقای نواب خیلی اصرار داشتند که از عقیده اینجانب اطلاع حاصل کنند. ولی به هر صورت نگارنده از اظهار عقیده استنکاف نمود. ناهار را با چند نفر از ایرانیان صرف و پس از قدری گردش به منزل مراجعت کردم. طبق اخبار روزنامه ها قشون متحدین به ده کیلومتری بخارست پایتخت رومانی رسیده است. مختصری از نطق انورپاشا در روزنامه های عصر خوانده شد. وزیر جنگ عثمانی اظهار می دارد که ایرانیها به کمک ما تشکیلات جدیدی داده در مقابل دشمن مشغول مبارزه هستند.

عدم رضایت آلمان از وحیدالملک

یکشنبه ۳ دسامبر - صبح آقای علوی به دیدن اینجانب آمد. تلگرافی برای

آقای نظام السلطنه نوشته جوفا پکتی برای فن ویزندونگ فرستادم تا مخابره نماید. خلاصه این تلگراف رمز بدین ترتیب تنظیم شد:

عدم رضایت آلمانها از نگارنده به واسطه فشاری است که برای گرفتن تضمینات آورده ام. آقای نواب هم تا به حال اقدام مؤثری نکرده و معلوم هم نیست اقدام ایشان خیلی مؤثر باشد. اگر حکومت موقتی واقعاً مایل است اینجانب در اینجا ادامه اقامت نمایم خودشان مستقیماً از کرمانشاه اقدامات لازم بنمایند. آقای میرزا سلیمان خان هم اینجا هستند و از قرار معلوم با وزارت خارجه آلمان داخل بعضی مذاکرات می باشند.

روابط میکده و کمیته

از قرار اظهار آقای علوی، روابط آقای میرزا سلیمان خان با کمیته ایرانیان در اینجا خیلی گرم است و به توسط آنها نقشه ای به وزارت خارجه آلمان پیشنهاد کرده اند. ناهار را با آقایان علوی و نوری صرف کرده بعد از ناهار وقت خود را صرف نامه نوشتن به استانبول کردم.

وضع خودم

این روزها یکی از ازمئه خیلی سخت زندگانی اینجانب است. هیچ دلخوشی ندارم، حال تاریک و آتیه تاریکتر به نظر می آید. فقط دلخوشی که دارم همانا خواندن و مطالعه کتب آلمانی است. اگر این مشغولیات نبود معلوم نبود به چه چیز ساعات روز خود را می گذراندم. از خانواده ام بیش از یک سال است خبری ندارم. نمی دانم اوضاع آنها چگونه است.

شکست رومانی

دوشنبه ۴ دسامبر - امروز صبح رسماً خبر رسید که نیروی رومانی در یک جنگ بزرگی نزدیک بخارست شکست سخت خورده به کلی منهدم

شده‌اند. به حکم امپراتور آلمان در تمام کلیساهای پروس و آلزاس و لرن زنگ کلیساها را نواخته‌اند. متجاوز از هشت هزار اسیر و مقدار زیادی مهمات جنگی به دست قشون آلمان افتاده است.

شام گوشت غاز

پیش از ظهر میرزا محمدخان قزوینی تلفن کرد که از قرار معلوم تصرف بخارست نزدیک است و خوب است خود را برای صرف شام غاز حاضر کنم. موضوع از این قرار است که یک ماه قبل در سر میز شام ایرانیها گفتگو کرده‌اند که اگر آلمانها بخارست را بگیرند یک شام گوشت غاز با هم صرف نمایند. تلفن آقای قزوینی برای یادآوری همین موضوع بود.

پیشنهادهای میکده

بعد از ظهر برای صرف ناهار به مهمانخانه کیندل که حضرات در آنجا هر روز ناهار می‌خورند رفتم. جمعی از ایرانیها را در آنجا دیدم و قرار گذاشتم که روزی که بخارست سقوط کرد با آقای میرزا محمدخان قرار شام را بدهیم. ساعت چهار بعد از ظهر یکی از رؤسای ملیون به دیدن من آمد و اظهار می‌نمود که میرزا سلیمان خان میکده بعضی تقاضاها کرده من جمله تشکیل قوایی در طرف جنوب به ریاست خود ایشان و قبول کردن اولاد و اخوان ایشان برای تحصیل در مدارس آلمانی. تقاضاهای مذکور قبلاً به وزارت خارجه فرستاده شده است.

وضع وحیدالملک

فن ویزندونگ شرحی از اینجانب صحبت کرده است که ماندن فلانی در برلن معلوم نیست طولانی باشد. آقای نواب هم با ایشان از تلگراف نظام السلطنه صحبت کرده و از ایشان خواهش کرده است که جواب تلگرافی

برای آقای نظام السلطنه حاضر کند و جواب این تلگراف را برای وزارت خارجه آلمان بفرستند.

نگارنده اظهار داشتیم چون این اقدام آقای نواب فایده زیادی نخواهد داشت و مشکل [است] رأی آلمانها را تغییر دهد چندان فایده در فرستادن سوادنامه نظام السلطنه نمی‌بینم. ولی اگر می‌خواهند علی‌الرأس خودشان اقدامی کنند که جوابی برای تلگراف نظام السلطنه داشته باشند مختارند.

نامه فن ویزندونگ

دوشنبه ۵ دسامبر - امروز باز خبر فتح جدیدی از طرف رومانی می‌رسد. این دو روزه آلمانها متجاوز از دوازده [هزار] اسیر گرفته‌اند و مسافت زیادی پیشرفت کرده‌اند. در انگلیس هم گفتگوی تغییر کابینه و بحران است. بعد از ظهر نامه آقای طباطبایی را که جوف پاکت علی‌بیک گذاشته بودم به ادهم‌بیک دادم برای استانبول بفرستند. بعد از ظهر ناهار را با آقای علوی صرف کردم. نامه‌ای از فن ویزندونگ در جواب نامه سه روز قبل اینجانب رسید که تلگراف آقای نظام السلطنه را برای کرمانشاه مخابره کرده‌اند. شام را با آقای علوی در منزل آقای نوری صرف [کردم] و تا ساعت دوازده با آقایان بودم.

فتح رومانی

چهارشنبه ۶ دسامبر - تا اوایل شب در منزل بودم. ساعت نه بعد از ظهر که از منزل بیرون رفتم معلوم شد بخارست را آلمانها تصرف کرده‌اند. به محض رسیدن این خبر اغلب خانه‌ها پرچم افراخته‌اند و به حکم امپراتور کلیساها به نواختن زنگ پرداخته، توپ هم شلیک شده. فی الحقیقه این خبر برای آلمانها قابل جشن هم هست. هنوز چهار ماه تمام نشده که

رومانی وارد جنگ شده و امروز پایتخت آن را که یکی از آبادترین شهرهای این قسمت اروپا است اشغال شده و هیچ موانع طبیعی جلوگیری از پیشرفت آلمانها نکرده؛ کوههای صعب‌العبور، رودخانه‌های وسیع پر از آب، دره‌های عمیق را در عقب گذاشته در این مدت قلیل پایتخت دشمن را ضبط و اشغال کرده‌اند. این فتح نه تنها بر نیروی مادی متحدین می‌افزاید بلکه نیروی معنوی آنها را هم تقویت می‌کند. اولاً متفقین قدری مأیوس می‌شوند و دیگر دول کوچک بی‌طرف سر جای خودشان می‌نشینند و جرئت ملحق شدن به متفقین را نخواهند داشت. پس از دو سال و نیم جنگ ابراز چنین نیرویی از طرف آلمانها قابل تقدیر است.

نتایج فتح رومانی

پنجشنبه ۷ دسامبر - امروز برلن در حال جشن است. مدارس تعطیل، خانه‌ها و مغازه‌ها و عمارات پرچم زده، قهوه‌خانه‌ها و تماشاخانه‌ها همگی پر از مردم در حال وجد و سرور. در حقیقت بی‌حق هم نیستند. اشغال بخارست در این موقع برای متحدین اهمیت زیادی دارد. اهمیت مادی و نظامی و اخلاقی؛ مادی برای اینکه این قسمت رومانی بسیار متمکن است، غله فراوان انبار شده دو ساله موجود محصول طبیعی فوق‌العاده هم برای کمک معاش ممالک متحدین به خصوص آلمان. وانگهی معادن نفت زیادی هم که مورد احتیاج شدید متحدین بوده به دستشان افتاده دیگر برای نفت و بنزین و هرگونه مواد نفتی معطل نخواهند بود. اهمیت نظامی این فتوحات واضح است؛ شکستن قوای رومانی و کوچک کردن فرونت جنگ و رسیدن به جناح یسار روس، تصرف دانوب و رودخانه‌های فرعی آن، اشغال بخارست و خطوط آهن رومانی و بالاخره پیچاندن جناح قوای روس در کاریات و گالیسی هر کدام

اهمیت زیادی دارد که تاریخ آتیۀ جنگ نشان خواهد داد. اهمیت اخلاقی این فتح نیز زیاد است. برای اینکه متفقین انتشار می‌دادند که قوه آلمانها به قسمی تحلیل رفته که دیگر نمی‌تواند به هیچ‌گونه حمله مبادرت نماید و باید به حالت مدافعه بماند تا به کلی تسلیم قوای متفقین بشود. ابراز چنین قوه‌ای در احراز چنین فتوحاتی و اشغال پایتخت و قسمت مهمی از دشمن تازه نفس، بدیهی است دوست و دشمن را متحیر می‌نماید.

وضع برلین

جمعه ۸ دسامبر - هنوز وضع برلن به حال عادی برنگشته، پرچمها هنوز در اهتزاز است، از قرار راپورتی که رسیده اسکویث صدراعظم انگلیس استعفا داده، لوید ژرژ که سابقاً وزیر جنگ بوده به ریاست وزرایی منصوب و مشغول تشکیل کابینه شده است. اشغال بخارست اثر بسیار مهمی در لندن و پاریس داشته است. انگلیسها اهمیت زیادی بدین موضوع می‌دهند که در نتیجه فتح بخارست و دسترسی آلمان به غله و نفت تا مدتی محاصره دریایی و نتیجه آن به تعویق خواهد افتاد.

نطق رئیس الوزرای روسیه

اخیراً رئیس الوزراء روسیه نطق غریبی کرده و به طور وضوح پرده از روی خیالات خودشان و نقشه متفقین راجع به داردانل و استانبول برداشته، می‌گوید روسها که مدت‌ها است آرزوی رسیدن به دریای باز را داشته و بهترین طریق اشغال تنگه‌های داردانل و بسفر و استانبول و احاطه به دریای مدیترانه است اینک موفق شده سال گذشته با انگلیس و فرانسه و ایتالیا قراردادی مبادله نمایند بدین ترتیب که داردانل و بسفور و استانبول به دولت روس واگذار شود. حالا باید ملت روس بدانند که از برای چه هدفی می‌جنگند. باید با یک جدیت و رشادت و مردانگی دشمن را

میخکوب کرده و به مقصود مقدس خود نایل شویم. اگرچه دشمن هنوز قوی است و ممکن است ضربتها به ما بزند ولی فتح و فیروزی بالاخره نصیب ما خواهد بود و دشمن را کاملاً مغلوب خواهیم کرد.

مراسله نواب به وزارت خارجه

شنبه ۹ دسامبر - مقارن ظهر آقای نواب تلفن کرد که از استانبول نامه‌ای رسیده و نامه‌ای هم خود ایشان به وزارت خارجه نوشته [اند] می‌خواهند به نظر نگارنده برسانند. ظهر نهار را با آقای نوری در منزل صرف [کردم] و پس از نهار به سفارت رفتم و تا ساعت شش آنجا بودم. مضمون مراسله آقای نواب به وزارت خارجه آلمان از این قرار بود:

در طی هفته گذشته تلگرافی از آقای نظام السلطنه از کرمانشاه اصل و معلوم می‌شود که موسیو نادولنی در آنجا اقدامات علیه آقای وحید الملک می‌نماید. چون آقای نظام السلطنه از من خواهش کرده است اگر این اقدام متکی به دولت امپراتوری است در رفع آن جد و جهد نمایم لذا خواهش دارم یک جواب امیدبخش در این موضوع به اینجانب بفرستید تا برای اسکات خاطر آقای نظام السلطنه در جواب تلگراف ایشان بفرستم.

راجع به این نامه نگارنده رأی اظهار نکرده و گذار به رأی و سلیقه خود ایشان نمودم.

نامه طباطبایی از استانبول و مراجعت من

نامه آقای طباطبایی بسیار مفصل است. می‌گویند در موضوع خواهش آقای نظام السلطنه از ایشان که از سفارت آلمان در استانبول راجع به تقاضاهای اینجانب از دولت آلمان اقدامات نمایند متأسفانه کاری از ایشان ساخته نیست. زیرا ایشان دیگر هیچ ارتباطی با آلمانها ندارند و

مناسب مقام نگارنده هم نمی‌دانند. با علی‌بیک همپا مشورت کرده او گفته خوب است نگارنده هرچه زودتر به استانبول مراجعت نماید. ماندن نگارنده دیگر پس از مخالفت دولت آلمان صلاح نیست. خود آقای طباطبایی هم چنین صلاح می‌دانند که اینجانب دیگر در برلن نمانم و به استانبول مراجعت نمایم.

جمعیت امروزی ترک

مطلب مهم دیگری که ایشان نوشته‌اند این است که اخیراً در استانبول به اهتمام فرقه سیاسی معروف «اتحاد و ترقی» مجمعی به نام «جمعیت صمیمیت ایران و ترک» تشکیل [شده است] که روابط میان ایران و عثمانیان را بیش از پیش دوستانه و صمیمی نماید. در آخرین جلسه اعضای خود را به [این] ترتیب انتخاب کردند:

هیئت حامیه جمعیت عبارت از صدراعظم عثمانی سعید حلیم پاشا، انور پاشا وزیر جنگ، احتشام السلطنه سفیر کبیر ایران در استانبول. هیئت مجریه جمعیت: طلعت بیک، نظام السلطنه، حسینقلی خان نواب وزیر مختار ایران در برلن، خلیل بیک ناظر خارجه، شکری بیک سکرتر ژنرال اتحاد و ترقی.

مجلس اداره: دکتر ناظم بیک و پنج نفر دیگر از رؤسای اتحاد و ترقی و آقای طباطبایی و نگارنده و حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و حاج شیخ اسدالله و میرزا کریم خان.

آقای احتشام السلطنه عضویت را قبول کردند و از ایشان خواهش شده که به آقای نواب هم نوشته و توصیه کنند که این عضویت را قبول نمایند. احتشام السلطنه شرحی به آقای نواب در این موضوع نوشته و از ایشان استمراج کرده‌اند. نیز راجع به عضویت نگارنده هم به ایشان نوشته‌اند و خواهش کرده [اند] که با نگارنده در این خصوص مذاکره کنند. عثمانیها برای ایران سفیر کبیر جدید خواهند فرستاد ولی هنوز نام او معلوم نیست.

نطق وحیدالملک

ساعت هفت به رستوران لمینسکی به مهمانی شام رفتم. تقریباً تمام آقایان ملیون ایران در این شام حضور داشتند. شام خوبی بود. پس از صرف شام نگارنده شرحی در زمینه یگانگی و وحدت نطق کردم که امروز سزاوار است ایرانیان دست به دست همدیگر داده، از برای یک هدف که آن هم حفظ استقلال ایران است کار بکنند و نگذارند در مراکز مهمی مانند استانبول و کرمانشاه سوء تفاهمات به میان آید. امروزه در کرمانشاهان مخالفت میان ملیون بسیار زیاد است و مخصوصاً جمعی با حکومت موقتی ضدیت می کنند. بعضی آن را به تحریک ایرانیان برلن یعنی آقایان حاضر می دانند و اگر آقایان حاضر بخواهند این مخالفت برطرف شود خوب است عملاً ثابت کنند که با حکومت موقتی موافقت دارند. مثلاً در مطبوعات، در محافل رسمی، در مراسلات خصوصی این عقیده را صراحتاً اظهار و تأکید نمایند. در این صورت مخالفت و سوءظن رفع می شود، ولی اگر بدین نحو مداومت کنند نتیجه معکوس خواهد داد و روز به روز بر مخالفت افزوده خواهد گردید و مسئولیت عمده متوجه آقایان خواهد بود. یکی دو نفر از آقایان در تأیید اظهارات اینجانب نطق مختصری ایراد [کردند] و آنها هم در زمینه وحدت تأکید به جا آوردند. پس از قدری مذاکرات قرار شد آقایان کلاً به طریق جدید در رفع اختلافات و سوء تفاهمات بکوشند.

سیاست تازه انگلیس

لوید ژرژ موفق به تشکیل کابینه انگلیس شد. سرادوار گری از وزارت خارجه مستعفی [شده] و جای او را بالفور می گیرد و از این رو معلوم می شود خط سیاست انگلیس کمی تغییر کرده است. سرادوار گری بانی و مقوی سیاست متفقین بود و تقریباً این جنگ جهانی را او برپا کرد و امروز از صحنه سیاست خارج می شود. خارج شدن او خالی از اهمیت

نمی باشد. از قرار معلوم حزب لیبرال انگلیس به لوید ژرژ کمک نکرده و در مخالفت او باقی خواهند بود. از این رو کابینه جدید انگلیس دارای استحکام زیادی نمی باشد. روزنامه جات فرانسوی پیوسته اظهار امیدواری می کنند که در آتیۀ نزدیکی از پیشرفت آلمانها در رومانی جلوگیری خواهد شد. از یونانیها به خصوص از پادشاه یونان اظهار عدم رضایت می کنند.

جنگ در یونان

یکشنبه ۱۰ و دوشنبه ۱۱ دسامبر - این دو روزه روزنامه جات انگلیسی از اخبار بحران کابینه و کشمکش داخلی و روزنامه جات فرانسوی از اخبار یونان و جنگ در آتنه میان عساکر متفقین و قوای یونان گفتگو می کنند و روزنامه جات آلمانی محتوی فتوحات اخیر متحدین در رومانی می باشند. دوشنبه بعد از شام به سفارت رفتم. آقای نواب می گفت دیروز که یکشنبه بود فن ویزندونگ و خانمش به سفارت ایران آمده شرحی هم از تقاضاهای نگارنده صحبت در میان بوده. آقای نواب در این موضوع شرحی با او صحبت نموده که خوب است وزارت خارجه آلمان قدری توجه داشته باشد که اسباب رنجش ملیون را فراهم ننماید. نامه آقای احتشام السلطنه را که به آقای نواب نوشته بود برای نگارنده خواندند. در این نامه ایشان اظهار یأس کرده است که آلمانها مشکل تضمینات صریحی به نفع ایران بنمایند و می نویسند که هرگاه این تضمینات داده نمی شود ماندن آقای وحیدالملک در آلمان بی فایده بوده و بهتر است به استانبول مراجعت کنند.

حضور در رایشتاگ

سه شنبه ۱۲ دسامبر - صبح زود آقای قاضی تلفن کرد که دو کارت یکی به اسم اینجانب و یکی به اسم ایشان برای جلسه امروز رایشتاگ (مجلس

شورای ملی آلمان) گرفته و بایستی پیش از ظهر به آنجا برویم، چون جلسه فوق‌العاده و مهمی [است] قطعاً جمعیت زیادی برای تماشا خواهند آمد. قبل از ساعت یازده به معیت آقای قاضی گردش‌کنان از وسط تیرگارتن به عمارت پارلمان رفتیم. جمعیت زیادی دور مجلس ازدحام کرده بودند. ساعت دوازده و ربع در باز شد. بلیط ما برای لژ دیپلماتها بود، جای خود را در این لژ گرفتیم. تالار بسیار عالی است مزین و مرتب و چوب‌کارهای خیلی خوب دارد. ترتیب نشستن مجلس ما در تهران خالی از شباهت به رایشتاگ نیست. جای تماشاچی هم در این تالار فراوان و خیلی زیاد است. همین امروز شاید متجاوز از هزار نفر تماشاچی در اینجا جمع شده‌اند. لژ سفرا [مشرف] بر بر کرسی ریاست است، کرسی ریاست بر سکویی قرار گرفته که در تمام طول تالار واقع شده و محل جلوس اعضای سنا، وزرا و رؤسای ادارات است. جمعیت و ازدحام زیادی در روی این سکوی طولانی دیده می‌شد و تماماً پشت سر هم ایستاده بودند. در پایین در محیط تالار غیر از وکلای مجلس کسی دیگر حق نشستن یا ایستادن را ندارد. فقط در زیر کرسی نطق محوطه کوچکی است که روزنامه‌نویسها یادداشت برمی‌دارند.

نطق رئیس‌الوزرا و صلح

یک ربع به دو بعد از ظهر رئیس مجلس که پیرمرد ریش بلند ضعیفی بود بر کرسی ریاست جلوس کرد و با نواختن زنگ اعلام رسمیت جلسه را نمود. در این حال رئیس‌الوزرا بتمن هلوگ با لباس نظامی برخاسته قریب بیست دقیقه نطق کرد. بسیار ملایم و شمرده ولی مانند یک سردار نظامی حرف می‌زد. خلاصه نطقش این بود: اوضاع نظامی ما هیچوقت به خوبی امروز نبوده، رومانی وقتی اعلام جنگ کرد که حملات بزرگ انگلیس و فرانسه در جبهه هم در جریان بود و امیدوارها داشتند قوای ما را در هم شکسته،

ما را به زانو بیاورند. از همه طرف بر ما حمله می‌کردند، از این حملات هیچ نتیجه نبردند ولی، پس از چند صباحی نیروی دشمن تازه خودمان را در هم شکسته و به سرکردگی و سرپرستی عالی‌ه هندنبورگ پایتخت دشمن را اشغال کرده [ایم] و در حالت پیشروی می‌باشیم. مقدار زیادی هم آذوقه و نفت و غیره به دست ما افتاده و اگر سابقاً هم کمبودی در آذوقه ما وجود داشت امروز به واسطه این غنایم کاملاً جبران شده و دیگر دشمن نمی‌تواند از محاصره ما انتفاعی حاصل کند. چون امپراتور از اول هم علیه میل قلبی خودشان داخل این جنگ شدند و همیشه صلح طلبی داشته‌اند امروز در این جلسه از طرف اعلیحضرت امپراتوری اخطار می‌شود که ما حاضر برای داخل شدن در مذاکره صلح هستیم. امروز نمایندگان دول بی‌طرف را دعوت و رسماً از دول بی‌طرفی که منافع آلمان و متحدین را در کشورهای دشمن بر عهده دارند یعنی نمایندگان امریکا و اسپانیا و سویس دعوت و از آنها خواهش شد که به طرفهای ما اطلاع دهند که ما حاضریم داخل مذاکرات صلح بشویم و به این خونریزی‌ها خاتمه دهیم.

تحسین و شادی

وسط نطق صدراعظم مکرراً صدای تحسین بلند بود. مخصوصاً وقتی اسم صلح به میان آمد تماشاچیان صدای زنده باد بلند کردند و خانمها اظهار وجد نمودند. صدراعظم نیز اضافه نمود که همین اقدام ما را امروز متحدین ما در وینه و استانبول و صوفیه اجرا می‌دارند، آنها هم این دعوت را از نمایندگان دول بیطرف نموده‌اند. پس از پایان نطق صدراعظم رؤسای پارتی‌ها اجازه دخول در مذاکرات راجع به این موضوع خواستند. رئیس اجازه نداد. جلسه را ختم نمود و این جلسه مهم بیش از سه ربع ساعت طول نکشید.

پس از ختم جلسه از پارلمان خارج شده با قاضی ناهار صرف [شد] و چون در جلسه‌ای به اتفاق عده‌ای از ملیون به چای دعوت داشتم از ایشان خداحافظی کرده به نقطه موعود رفتم. میرزا سلیمان خان هم دعوت داشت.

شرکت ادبی - آلمانها و میکده

پس از صرف چای یکی از سران ملیون اظهار داشت که می‌خواهیم یک شرکت ادبی تأسیس کنیم که با کمک شرکا کتب ادبی امروزه را به طبع رسانده و با قیمت نازل در دسترس خوانندگان بگذاریم. از اینجانب هم خواهش شد در کمیسیونی برای تنظیم آیین‌نامه نشر کتب شرکت کنم. ولی چون معلوم نیست که توقف اینجانب در برلن چقدر طول بکشد لذا معذرت خواسته اظهار داشتم آقایانی که در اینجا ساکن هستند به خوبی می‌توانند اوقات خود را صرف این موضوع کرده کتب مفید ادبی را منتشر نمایند. تا ساعت هفت این جلسه طول کشید. بعد نگارنده و آقای علوی به اتفاق آنجا را ترک کرده و شام را با هم صرف [کردیم] و دو ساعتی هم بعد از شام با هم بودیم. از قرار گفته آقای علوی آلمانها با آقای میرزا سلیمان خان روی مساعدت نشان داده [اند] و در نظر دارند او را به فرونت کرمانشاه بفرستند. ولی خود میرزا سلیمان خان چندان رضایت ندارد.

صلح و خاتمه جنگ

چهارشنبه ۱۳ دسامبر - تمام روز را در منزل مشغول مطالعه بودم. برف و باران شدیدی می‌بارید و هوا هم بسیار سرد بود. شام را هم در منزل به اتفاق آقای نوری صرف کردم. از قرار راپورتهای تلگرافی که رسیده مطبوعات انگلیس از دعوت صلح آلمانها خوشنود نبوده بلکه اظهار عدم رضایت کرده [اند] و این پیشنهاد صلح را دلیل بر ضعف قوای نظامی آلمان

می‌دانند. مطبوعات فرانسوی و ایتالیایی ملایمتر [ند] و مطبوعات دول بی طرف اظهار وجد و سرور کرده [اند] که بالاخره با این اقدام دولت آلمان روزنه روشنی به طرف صلح باز شده است. مردم آلمان روبه‌مرفته از این اقدام دولت مسرورند ولی امیدوار به یک خاتمه نزدیک جنگ نیستند. مطبوعات محافظه کار آلمان از اقدام دولت در پیشنهاد صلح اظهار عدم رضایت کرده‌اند و نظامی‌ها و پارتی‌های ذینفع چندان خوشنود نیستند.

نطق هندنبورگ

پنجشنبه ۱۴ دسامبر - اخبار مفصل از اطراف راجع به دعوت صلح دولت آلمان پیوسته می‌رسد. همان طور که گفته شد انگلیس هیچ استقبالی از این پیشنهاد نکرده و می‌گویند همان شرایطی را که پارسال اسکویت در گیلدهال در ضمن نطقی اظهار داشت تا ما نداشته باشیم صلح نخواهیم کرد. یعنی در هم شکستن قوای نظامی آلمان و استرداد بلژیک و غیره. مطبوعات فرانسه روی هم رفته ملایمتر به نظر می‌آید. امروز هندنبورگ سردار کل قشون آلمان مصاحبه‌ای با یکی از مخبرین جراید آمریکا کرد. شرحی در استحکام مقام نظامی آلمان و متحدین ذکر نمود و می‌رساند که متفقین نباید دیگر منتظر مظفریتی در آتیه باشند. از نیروی عثمانی و شجاعت ترکان نیز تمجید می‌کند.

راپرت به تهران

بعد از شام به سفارت رفتم و تا نصف شب با آقای نواب صحبت می‌کردم. از این پیشنهاد دولت آلمان مختصر راپرت برای تهران فرستاده‌اند بدین مضمون که وزارت خارجه آلمان روز سیزدهم دسامبر مطابق شانزدهم صفر دعوتی از نمایندگان دول بی طرف کرده، یادداشتی بدانها تسلیم [کرد] که دولت آلمان و متحدین اگرچه مظفریت تام و تمام داشته‌اند برای

جلوگیری از خونریزی حاضر به مذاکره صلح می‌باشند و از دول آمریکا و اسپانیا و سوئیس خواهش می‌کنند به طرف خودشان این تمایل را خاطر نشان کرده آنها را به دخول در مذاکره صلح دعوت نمایند. روز پیش آقای نواب و خانمش منزل فن ویزندونک^۱ چای صرف کرده ولی خود فن ویزندونگ نبوده است.

پیشروی فرانسه

جمعه ۱۵ دسامبر - امروز بعد از ظهر از منزل خارج شده و عصر برای چای مراجعت کردم. هوا سخت گرفته و برف و باران می‌بارید. هوا هم کاملاً سرد است. چند روز است که از هیچ جا خبر بخصوصی ندارم. از قرار اخبار رسیده متفقین خیال دخول به مذاکرات صلح ندارند. پیشرفت متحدین در رومانی ادامه دارد. امروز فرانسویان در جبهه فرانسه پیشرفت کرده و قریب هفت هزار اسیر از آلمانها گرفته‌اند.

رسیدن نصیرالسلطنه

شنبه ۱۶ دسامبر - ساعت یازده آقای نواب به اینجا آمده و با ایشان قدری گردش کردیم. پس از عملی که کرده‌اند حال ایشان خیلی بهتر است. دعوت کردند امشب شام را در سفارت بخورم. جمعی از ایرانیان هم در آنجا خواهند بود. بعد از ظهر آقای نصیرالسلطنه صاحب‌منصب ژاندارم به دیدن اینجانب آمد. دیروز از وینه آمده است و از قراری که خودش می‌گفت مخصوصاً به برلن آمده است بینه نتیجه مذاکرات نگارنده چه شده است تا به کرمانشاه خبر ببرد. دو سه روز بیشتر در برلن توقف نخواهد کرد. شب را در سفارت بودم. آقایان میرزا سلیمان خان و میرزا محمدخان قزوینی و جمعی دیگر هم به شام دعوت داشتند. صحبت‌های متفرقه در میان بود. این دو روزه متفقین اتمام حجتی به یونان داده و

درخواست خلع سلاح قشون یونان را کرده‌اند. از قرار معلوم پادشاه یونان تسلیم شده قشون یونان را خلع سلاح خواهد کرد.

تلگراف وثوق الدوله

یکشنبه ۱۷ دوشنبه ۱۸ و سه‌شنبه ۱۹ [دسامبر] - قشون متحدین از دوپرتزا در حال پیشرفت است. روزنامه‌ها و سپاهیون متفقین مشغول مذاکره در اطراف پیشنهاد مذاکره و صلح آلمان می‌باشند. ولی به طور کلی می‌شود گفت که عجالتاً دعوت آلمان را رد خواهند کرد. تلگراف مفصل رمزی از تهران برای آقای نواب رسیده و چون رمز اشتباه شده بود درست استخراج نشده. آقای وثوق الدوله در جواب تلگرافی که آقای نواب چندی قبل راجع به اخطار اخیر آلمانها کرده بود می‌گوید که دولتین روس و انگلیس به دولت تهران فشار آورده‌اند که نامه سپهدار را دولت امروزی قبول نماید. نامه‌ای به آقای طباطبایی نوشته و عده ملاقات نزدیک خودم را با ایشان دادم. مختصر نامه‌ای هم به علی بیگ نوشته به توسط سفارت عثمانی در برلن فرستادم.

نامه وزارت خارجه آلمان

نامه‌ای از وزارت خارجه آلمان به امضای زیمرمن وزیر امور خارجه آلمان [رسید] تقریباً بدین مضمون است:

نماینده این دولت در کرمانشاه با آقای نظام‌السلطنه مشغول مذاکره می‌باشد و تا حدی که ممکن است و در قوه ما باشد کوتاهی در حفظ استقلال و تمامیت ایران نخواهیم نمود. استقلال و تمامیت ایران همیشه برای دولت آلمان مفید و در درجه اول اهمیت بوده و علت ندارد که دولت آلمان از این موضوع صرف‌نظر نماید. ولی خوب تا آنجایی که به اساس موقعیت دولت آلمان و حکومت موقتی برخوردار نکند باید در این قرارداد رضایت خاطر ایرانیان برآورده شود.

نظر نواب

چهارشنبه ۲۰ دسامبر - صبح با آقای نواب مدتی مشغول مذاکره بودیم در خصوص روابط خودم با آلمانها. رأی ایشان بر این است که باید با حضرات صحبت کرد و به یک طریق خوشی از هم جدا بشویم. بدیهی است رأی خودم هم همین است که موضوع شخصی نباید در میان باشد. اگر مشاجره‌ای بود مشاجره سیاسی است نه شخصی. نگارنده با احدی نظری ندارم و عداوتی هم از کسی ندارم. تنها برای ایران و برای اطمینان خاطر ملیون تقاضای تضمینات استقلال و تمامیت ارضی ایران را از دولت آلمان نموده و از وعده‌های غیرمصرح و مبهم قانع نگردیده، تضمینات صریح خواسته‌ام.

رد پیشنهاد صلح

دیروز رئیس‌الوزرای انگلیس در مجلس ملی آن دولت نطقی ایراد کرده دعوت مذاکره صلح آلمان را جداً رد نموده و می‌گوید همان شرایط سابق که برای مذاکره صلح نموده تغییرناپذیر است و دولت انگلیس داخل هیچ‌گونه مذاکرات دیگر نخواهد شد.

مدارا با آلمانها

پنجشنبه ۲۱ دسامبر - صبح یکی از سران ملیون به ملاقات اینجانب آمد و مدتی راجع به وضع خودمان صحبت می‌کردیم. نتیجه مذاکرات ایشان این بود که آلمانها نظر خصوصی و مخالفتی با نگارنده ندارند ولی به هر صورت باید با آنها مدارا کرد تا تکلیف و نتیجه مذاکرات کرمانشاه معلوم شود.

نظریات میکده

بعد از ظهر آقای میرزا سلیمان‌خان تلفن کرد. قرار گذاشتیم بعد از شام همدیگر را ملاقات کنیم. مفصل با ایشان صحبت شد. شرحی از پیشنهاد

خودش با آلمانها مذاکره کرد. خلاصه آنکه آلمانها بایستی توجه بخصوصی به جنوب و مرکز ایران داشته، عملیات آنجا را توسعه [دهند] و تصویب کنند. دیگر آنکه افسران سوئدی را که اینجا هستند به زودی به ایران بفرستند و کارهای حکومت موقتی را هم توسعه دهند. سه روز پیش ایشان ملاقاتی از فن ویزندونگ و یکی دیگر از رؤسای وزارت خارجه آلمان کرده، در ضمن مذاکرات گفته بودند تقاضای ایشان مورد قبول واقع شده فقط از قرار معلوم وحیدالملک چندان رضایت ندارد، ولی در موقع خودش تقاضای ایشان هم پذیرفته خواهد شد. میرزا سلیمان‌خان تا ده دوازده روز دیگر به استانبول مراجعت خواهد کرد که از آنجا به کرمانشاه برود. این طور که استنباط کردم ایشان خیلی میل دارند که شرح مبسوطی به عثمانی نوشته شود تا تولید سوءظنی برای آنها راجع به ایشان نشود و گویا تلفن و ملاقات امروز هم به همین جهت بود.

نصیرالسلطنه

جمعه ۲۲ دسامبر - بعد از ظهر آقای نصیرالسلطنه را ملاقات کردم. امشب به وینه می‌رود که فردا شب به استانبول رفته و از آنجا مستقیماً به کرمانشاه برود. از قرار گفته ایشان ادوال و سایر افسران سوئدی که در آلمان هستند شنبه دیگر به طرف ایران حرکت می‌کنند. اخیراً آلمانها میان رأس‌العین و سامره سرویس اتومبیلرانی دایر کرده [اند] و مسافرت این قسمت به چهار روز تقلیل یافته است. امروز باز موضوع صلح مطرح مذاکره روزنامه جات است. رئیس‌جمهور آمریکا خطابه‌ای به تمام دول داخل جنگ نوشته و از آنها خواهش می‌کند که اگر ممکن است دست از جنگ کشیده به مذاکره جدی صلح پردازند.

مقاله افسران سوئدی

شنبه ۲۳ دسامبر - امروز هوا سرد [است] و برف شدیدی می‌بارد.

بعد از ظهر آقای علوی آمده نامه از آقای احتشام السلطنه برای او رسیده که خواندند. آقای احتشام السلطنه از آمدن به برلن عذر خواسته اند. نامه ای آقای علوی به عنوان آقای طباطبایی نوشته [است] که توسط اینجانب به استانبول فرستاد. بعد از شام به مطالعه ترجمه آلمانی کتاب معروف نویسنده انگلیسی اسکار وایلد به نام تصویر دوریان گری مشغول شدم و ساعتی را بدین وسیله گذراندم. امروز مقاله ای در روزنامه شرق نزدیک آلمانی به امضای افسران سوئدی که سابقاً در خدمت ایران بودند خواندم. از خودشان در مقابل تنقیدات نیشتروم که علیه آنها و ملیون ایرانی شرحی در روزنامه سوئدی نوشته است دفاع کرده، وقایع پارسال تهران و اقدامات ملیون ایران و ژاندارمری را در این مقاله ذکر می کنند.

نوئل

یکشنبه ۲۴ دسامبر - امروز شب عید بزرگ مسیحیان و مخصوصاً آلمانها است. فردا بزرگترین عیدی است که آلمانها دارند. در هر خانه درختی به نام درخت عید مسیح از شاخه کاج با زرورق و شمع و زینتهای دیگر آراسته کرده، شب آن را روشن می کنند و بچه ها به دور آن جمع شده از پدر این عید که پیرمرد ریش سفیدی است هدایا به شکل عیدی دریافت می دارند. تقریباً تمام خانه های بزرگ و کوچک که بچه دارند یا بدون بچه اند [ند] چنین درختی را به فراخور تمکن خودشان تزئین می دهند و در حقیقت وجود آن را به فال میمون می دانند. گویا این عادت از قدیم آلمان است که هنوز مسیحی نبوده و این درخت عادت از مذهب مسیح نیست. عصر جای را در سفارت صرف کردم. به دعوت آقای نواب بعد از شام به سفارت خواهیم رفت که با ایشان و خانمشان نصف شب به کلیسای کاتولیک رفته نماز این عید را تماشا کنیم. خانم ایشان از کاتولیکهای ایرلندی است و خیلی هم در دین خودش مقدس است. ازدحام غریبی در کلیسا بود، به طوری که نتوانستیم تا آخر نماز در کلیسا بمانیم.

دوشنبه ۲۵ دسامبر - امروز روز عید مسیح است و همه جا بسته. روزنامه ها هم امروز و فردا تعطیل بوده و منتشر نمی شود. پارسال را همین روز در اصفهان بودیم و تدارک مسافرت به کرمانشاه را می دیدیم.

قاضی کردستانی

ساعت چهار بعد از ظهر با آقای نوری به منزل آقای قاضی رفته چای و شام را در آنجا صرف کردیم. آقای قاضی از اهالی کردستان است و پنج شش سال قبل با معلم معروف آلمانی پرفسور مان به اینجا آمده و در اینجا متأهل شده است. نایب افتخاری سفارت ایران هم هست. خانمی دارد آلمانی اگرچه وجیه و جوان نیست ولی نقاش خوبی است و گویا ثروتی هم از خودش دارد. آپارتمان خوبی دارد و وضعشان از همه جهت به نظر راحت می آید. از قرار معلوم آقای نواب چندان از رفتار قاضی خوشنود نیست و بدین جهت هم هست که قاضی اصولاً به سفارت نمی رود. فقط اسم نیابت افتخاری روی او است.

محمدعلی میرزا

سه شنبه ۲۶ دسامبر - پیش از ظهر آقایان نواب و اعظم السلطنه به دیدن نگارنده آمدند و قرب یک ساعت نشستند. اعظم السلطنه شرحی از یک هفته توقف خودش در ادسا و زندگی محمدعلی میرزا بیان نمود. محمدعلی میرزا [که] او را پذیرفته بود یک قصری در ادسا خریده است و یکی دیگر در خارج شهر، یک عده هم هنوز از مستخدمین ایرانی خودش دارد. یک سرهنگ با یک عده سوار مواظب خدمت او هستند. گاهی از اوقات با یک عده سوار با جلال حرکت می کند.

رئوس وقایع گذشته

آقای نواب شرحی از مذاکرات با او پس از تحصن او به سفارت روس در

زرگنده و پس گرفتن جواهرات دولتی از او ذکر کردند. این مذاکرات ایام گذشته خودمان و مخصوصاً زمان هیئت مدیره را خود به نظر می آورد. مانند خوابی است گذشته: ایام هیئت مدیره، زدو خورد پارتیها پس از انحلال مجلس، آمدن شوستر به ایران و استقراض لیره لندن، مراجعت محمدعلی میرزا به قمیش تپه، اولتیماتوم روس و وقایع محرم تاریخی در تبریز، انقلابات سال گذشته در تهران، تأسیس کمیته در قم و بالاخره عقب نشینی تا بغداد. هر یک داستانی است که تنها مورخین در آتیه ایران آنها^۱ را به خود مشغول خواهد داشت. هر یک از این وقایع جریان^۲ مهیج غم افزونی را در زندگانی کوتاه سیاسی ما تشکیل می دهد و امروز وضع طوری است که باید گفت شب ایران آبستن است تا چه زاید سحر.

نفوذ و نقشه انگلیس

بیشتر جراید انگلیسی و فرانسوی بخصوص روزنامه های تایمز و تایم و فیگارو سخت به آلمان حمله کرده می نویسند این دشمن حيله گر ما ضعیف و ناتوان شده و تا پشت او را به خاک نیاوریم و شرایط صلح خود را به او تحمیل نکنیم شمشیر را در غلاف نخواهیم گذارد. از قرار معلوم انگلیسها جزئی پیشرفتی در طرف کورت العماره کرده [اند] و حالا خیلی نزدیک کورت هستند. روزنامه تایمز یک مقاله اساسی راجع به علمیات انگلیس در بین النهرین دارد. در این مقاله می گوید امروز حالت قشون انگلیس خیلی بهتر شده، سهولت حمل و نقل برای آنها به واسطه دو خط آهن که از بصره به فرونت کشیده شده بهتر گردیده. آذوقه و مهمات زیادی هم جمع آوری شده و امیدوار است به زودی جبران خسارات سال گذشته بشود. ولی تنها وقتی نفوذ انگلیس در شرق وسطی به جای خود

۱. اصل: زبان (؟)

۲. اصل ناخواناست، این کلمه مناسب بوده گذاشته شد.

عودت خواهد کرد که در تمام فروتنهای عمده قشون آلمان شکست خورده دشمن تسلیم شود. امروز هم تعطیل عمومی است. عده زیادی مردم در خیابانها و تماشاخانهها دیده می شوند. رستورانها و کافهها مملو از جمعیت است. هوا هم چندان بد نیست گاهی می بارد ولی چندان سرد نیست. تا نصف شب بیرون بوده و به منزل مراجعت کردم.

وضع فروتنها

چهارشنبه ۲۷ دسامبر - تقریباً تمام روز را در خانه صرف خواندن و نوشتن کردم. هوا هم بسیار گرفته است. از قرار معلوم جنگ به این زودیهها خاتمه پیدا نخواهد کرد. طبق اخباری که می رسد متفقین حاضر برای مذاکره صلح نیستند. آلمانها باز فتح بزرگی در رومانی کرده اند. در فرونت روسیه هم فتحی نصیب آلمانها شده [است] و تلفاتی سنگین به روسها وارد آورده اند و از قرار خبری رسیده متجاوز از ده هزار اسیر گرفته شده. در فرونت فرانسه عجالتاً جنگ سختی در میان نیست.

تلگراف وثوق الدوله

پنجشنبه ۲۸ دسامبر - روز را در منزل متوقف [بودم] و بعد از شام به سفارت رفتم. مدتی با آقای نواب مشغول صحبت بودم. سواد نامه ای را که به آقای احتشام السلطنه راجع به نگارنده نوشته بود به اینجانب داد. سواد نامه زیم من را هم که به نگارنده نوشته است برای احتشام السلطنه فرستاده است. تلگراف رمز مفصلی امروز از آقای وثوق الدوله رسیده و کشف کرده بودند. ایشان در این تلگراف متذکر شده که دولتین سخت گرفته تصویب نامه سپهسالار را که به آنها نوشته، از دولت حاضر می خواهند و چون دولت حاضر نبود، تصدیق آن را نکرده تزییقات وارد می آورند. ولی دولت در گفتگو است بلکه تغییری در آن نامه بدهند. دیگر اینکه دولت آلمان از دولت ایران بی طرفی متمایل و یا داخل شدن در

جنگ را خواستگار است. دولت ایران چطور می تواند با وضع حاضر خود وسایل آن را فراهم کند. از آقای نواب خواهش شده با آلمانها جداً مذاکره کرده از آنها استفسار نماید که تا چه حد می توانند به دولت ایران کمک کنند. آقای نواب مصمم است زیمرن را ملاقات کرده بعد جواب تلگراف تهران را بدهد. ولی متفکر است به چه ترتیب داخل این مذاکرات بشود.

جواب وثوق الدوله

جمعه ۲۹ دسامبر - امروز حالم چندان خوش نیست. تمام روز را در منزل ماندم. باران سیل آسا می بارید. بعد از شام با وجود قدری کسالت به سفارت رفتم. آقای نواب تلفن کرده تا وزیر خارجه آلمان را ملاقات کند. گفته بودند برای چند روزی خارج شهر رفته است. باز شرح مفصلی با آقای نواب از تاریخ اخیر خودمان صحبت کردیم. آقای نواب اظهار کرد که از اول چندان امیدوار نبوده [است] که این کار به نحو مطلوب انجام شود و برای ایران فایده اساسی داشته باشد. باز از نگارنده استمزاج می کرد که جواب وثوق الدوله را چه بدهد، آب پاک از این طرف روی دست آنها بریزد یا خیر؟ نگارنده اظهار عقیده نکردم، چون فکر خودم هم به جایی نمی رسید.

وضع جنگ

شنبه ۳۰ دسامبر - امروز هم به واسطه کسالت در منزل ماندم. آقای علوی و نوری برای چای بعد از ظهر آمدند. از میرزا سلیمان خان شنیده بودند که آقای محتشم السلطنه داخل کابینه شده است. طبق خبری که از فرونت رومانی و روسیه رسیده پیشرفتی باز این دو روزه نصیب آلمانها شده، عده معتابهی اسیر و مقدار زیادی غنیمت به دست آورده اند. روسها از قرار معلوم مختصر اراضی در بعضی از قسمتهای فرونت تخلیه می کنند تا وسایل رساندن مهمات برای آنها آسانتر گردد.

اعلامیه امپراتور

یکشنبه ۳۱ دسامبر - امروز به مناسبت روزهای آخر سال ۱۹۱۶ امپراتوری آلمان اعلامیه ذیل را خطاب به نیروی بری و بحری آلمان صادر نموده است:

باز یک سال از جنگ را با محاربات سخت و فداکاریهای بسیار و فتوحات بالنسبه بزرگ در عقب می گذاریم. امیدواری دشمنان ما از سال ۱۹۱۶ بر باد و تمام حملات آنها در مشرق و مغرب در مقابل شجاعت و شهامت شماها بی ثمر مانده. فتوحات پی در پی اخیر ما در رومانی یادگار فناپذیری را بر روی پرچم شماها نقش کرده. بزرگترین واقعه بحری این جنگ فتح بحری «اسکاگراک» و عملیات شهامت آمیز تحت البحری، نیروی بحری ما را نامی و شهامت شما را برای ابد تضمین نموده. پیشرفت شماها را در تمام میدانهای جنگ بری و بحری خواهانم. با امیدواری و اطمینان کامل میهن از شماها قدردان است. غیرت جنگجویانه خلل ناپذیر شماها، عزم ثابت تزلزل ناپذیر شماها، عشق وافر شماها برای میهن، من را به فتوحات جدید نمایان در سال تازه مطمئن می نماید. از خداوند مسئلت عنایت ربانی دارم.

سی و یکم دسامبر ۱۹۱۶

سال ۱۹۱۷

حسادت عثمانی

دوشنبه اول ژانویه تا جمعه ۵ ژانویه ۱۹۱۷ - به واسطه سرما خوردگی و عارضه تب سخت در این چند روزه بستری بودم. هر روز چند نفر از آقایان ایرانیان به دیدن نگارنده می آمدند. همین روز مقارن ظهر آقای نواب به دیدن نگارنده آمده اظهار داشتند روز قبل طبق دستور تهران ملاقاتی از زیمرن وزیر امور خارجه آلمان کرده، با او مذاکرات مفصل

راجع به ایران نموده‌اند. وزیر امور خارجه به طور وضوح گفته است که ما بیش از آنچه که کرده و می‌کنیم دیگر نمی‌توانیم بکنیم. می‌ترسیم عثمانیها هم برنجند و حسادت آنها برانگیخته شود. ضمناً برای آتیه ایران نیت حسنه اظهار نموده و گفته است ما ایران را دور نخواهیم انداخت.

تلگراف به تهران

با آقای نواب تلگرافی به تهران به مضمون ذیل انشاگردید:

با وزیر امور خارجه آلمان ملاقات نیت حسنه برای آتیه ایران طبق اختطاریه خودشان اظهار نمود ولی پول و مهمات برای ایران نمی‌توانند بفرستند و از عثمانیها هم ملاحظه دارند، بیش از آنچه امروزه به توسط عثمانیها به ایران کمک می‌کنند نمی‌توانند مساعدت نمایند.

متحدین در رومانی

در این چند روزه پیشرفت متحدین در رومانی ادامه دارد. دوبراژا را از دشمن پاک کرده در ملداویا هم پیشرفت دارند. متفقین جواب دعوت صلح آلمان را داده، دست رد بر سینه متحدین زده که تا زمانی که آلمان اراضی از متفقین در تصرف دارد مذاکره صلح غیرممکن است. امپراتور آلمان بیانیه‌ای خطاب به قشون صادر و امر به ادامه جنگ می‌نماید تا اینکه دشمن کاملاً منهزم شود.

بازگشت میکه

شنبه ۶ و یکشنبه ۷ ژانویه - این دو روزه مهاجرین مشغول راه‌انداختن میرزا سلیمان خان بودند. آلمانها نهایت محبت را به او کرده، دو دوربین نظامی و قدری هم وجه نقد به عنوان خرج مسافرت به او داده و اخوی او را هم در مدرسه آلمانی برای تحصیل گذاشته و مخارج کافی برای او

معین کرده‌اند. روز یکشنبه به مناسبت مسافرت آقای میرزاسلیمان خان مجلس ضیافتی به ناهار در سفارت ایران منعقد شده بود که نگارنده هم دعوت داشتم. تقریباً تمام ایرانیان مقیم در برلن مدعو بودند. ساعت هفت بعدازظهر میرزاسلیمان خان حرکت کرد. سه روز در وینه توقف [می‌کند] و بعد با ترن بالکان به استانبول می‌رود. ماژور ادوال و سایر افسران سوئدی که در اینجا هستند به معیت ایشان به ایران خواهند رفت. آقای نواب و تقریباً تمام ایرانیان اینجا به مشایعت میرزا سلیمان خان به گار راه‌آهن آمده بودند.

نامه به وثوق الدوله

دوشنبه ۸ و سه‌شنبه ۹ و چهارشنبه ۱۰ و پنجشنبه ۱۱ ژانویه - چند فقره نامه به تهران نوشته [شد]. من جمله نامه‌ای به آقای وثوق الدوله رئیس‌الوزرا راجع به سؤالی که تلگرافاً از آقای نواب در خصوص نتیجه مذاکرات نگارنده با آلمانها خواسته بودند مطلع شوند نوشته، مختصری از مذاکرات خودم با وزارت خارجه آلمان شرح داده و ضمناً از ایشان خواهش کردم در خاتمه دادن به مذاکرات با دولتین روس و انگلیس چندان عجله نشود تا اوضاع قدری روشن‌تر شود. نامه‌های تهران به توسط آقای نواب و سفارت ایران در هلند به وزارت خارجه ایران فرستاده شد.

به طوری که آقای علوی اظهار می‌داشت یکی از سران ملیون که در نزد آلمانها خیلی نفوذ دارد در اتمام کار آقای میرزاسلیمان خان اهتمام وافی داشته و گویا ایشان برای مأموریت مخصوصی به کرمانشاه می‌روند تا خدمات مرجوعه را انجام دهند. از قرار اظهار خلیل خالدیک دولت عثمانی کار ایران را قطعاً به انورپاشا رجوع کرده و آلمانها هم دیگر مداخله مستقیمی در کار ایران ندارند.

منتظر مذاکرات نادولنی

در این چند روزه با یکی از سران ملیون ملاقات کردم. به طوری که ایشان اظهار می داشت آلمانها مایل هستند که اینجانب در مورد انجام مأموریت خود فشار نیاورده و منتظر نتیجه مذاکرات نادولنی در کرمانشاه باشم. و می گفت که فن ویزندونگ چند روز است که به خارج شهر رفته خوب است پس از مراجعت او نگارنده ملاقاتی از او بکنم. حال خواهر آقای نواب خوب نیست و به طوری که ایشان اظهار می داشتند طیب معروف و متخصص در بیماری سرطان خواهر ایشان را جواب گفته و در حقیقت بیچاره مشرف به موت است و چند روز است که او را به وسیله انژکسیون مرفین نگاه داشته اند.

مجمع رم

این چند روزه سیاسیون متفقین در رم مجمعی داشته اند. [معلوم نیست چه مذاکراتی در آنجا در میان نهاده و چه نقشه هایی کشیده اند. از قرار اظهار انگلیسیها و فرانسویها قشون انگلیس در فرانسه بر دو میلیون بالغ شده است و این بزرگترین قشونی است که انگلستان در خارج از مملکت خود داشته است. متفقین جواب رئیس جمهور امریکا را داده و به کلی از دخول در مذاکره صلح امتناع کرده اند. نظر آنها این است که تا زمانی که قشون آلمان در خاک فرانسه و بلژیک و صربستان و قراطاق و روسیه است و تضمین برای صلح واقعی وجود ندارد مذاکره درباره صلح ممکن نخواهد بود و دیگر اینکه ملل کوچک باید آزاد [باشند] و تضمین عدم مداخله در حال و آتیه آنها داده شود. عثمانی هم باید به کلی از اروپا خارج شود و روس هم به دریای باز برسد. نامه ای از آقای احتشام السلطنه برای آقای نواب رسیده که از ایشان راجع به نتیجه مذاکرات نگارنده و آلمان سؤال می نماید.

جواب آلمانی

جمعه ۱۲ ژانویه - امروز آلمانها جوابی به یادداشت متفقین راجع به موضوع صلح داده، نظریات آنها را رد می کنند. اگر نظر متفقین حقیقتاً راجع به حفظ و استقلال ملل کوچک است و حال و آتیه آنها باید تضمین شود پس حال ایرلند و بوئر و ملل افریقای شمالی چه می شود. آلمانها کوشش کرده اند [بی طرفی بلژیک را حفظ کنند یعنی به استقلال بلژیک تخطی نکنند و تنها قشون از خاک بلژیک عبور دهند. ولی بلژیک قبلاً پا از بی طرفی خارج گذاشته و با انگلیسیها و فرانسویها قرارداد سری منعقد کرده بود. دو کشتی جنگی انگلیس در مدیترانه غرق شده. طبق خبری که از ایران رسیده دولت آباد را که روسها چند روز قبل گرفته بودند عثمانیها دوباره پس گرفته اند. در نزدیکی همدان هم زد و خوردی میان روسها و عثمانیها به وقوع پیوسته است.

شنبه ۱۳ یکشنبه ۱۴ دوشنبه ۱۵ و سه شنبه ۱۶ ژانویه - این چند روزه هوای برلن خیلی سرد شده و برف مفصلی هم باریده است. تقریباً بیشتر اوقات خود را با آقای نواب گذراندم. خبر جدیدی هم از فرونت جنگ به واسطه بدی هوا نرسیده. فقط آلمانها مختصر پیشرفتی در جبهه رومانی کرده اند.

تلگراف کرمانشاه

تلگرافی از کرمانشاه رسیده که ماندن اینجانب را در برلن ضروری و لازم دانسته و حتی متذکر شده اند که اگر آلمانها اینجانب را به رسمیت هم نشناسند توقف اینجانب مفید خواهد بود.

قحطی چای

روز دوشنبه چند ساعت تقریباً تمام برلن را برای به دست آوردن کمی

چای به اتفاق آقای نواب جستجو کردیم به طوری که معلوم است اصولاً دیگر چای در برلن وجود خارجی ندارد. روزنامه‌های فرانسوی و انگلیسی در این دو روزه کاملاً نسبت به آتیه خودشان خوش بین بوده و اظهار اطمینان کامل می‌کنند. انگلیسها تصمیم دارند که دست به استقراض بزرگ داخلی بزنند و به طوری که روزنامه تایمز می‌نویسد این بزرگترین قرضه‌ای است که انگلستان می‌خواهد بکند. از قرار اظهار آقای عزت‌الله هدایت فن ویزندونگ به برلن مراجعت کرده است. آقای قاضی اینجانب را به چای دعوت کرده بود که در این جلسه چند نفر زن و مرد آلمانی را هم ملاقات کردم.

روزهای یأس

چهارشنبه ۱۷ ژانویه - امروز صبح یکی از سران ملیون تلفن کرد و قرار شد ناهار را با هم صرف کنیم. از اینجانب خواهش کرد که مقاله راجع به وقایع سال گذشته ایران برای درج در یکی از روزنامه‌ها تهیه کنم. خبر تازه‌ای از ایران نداشت. دیشب و امروز برف زیادی باریده و به ارتفاع زیادی روی زمین نشسته. یاد پارسال و مسافرت میان خمین و بروجرد افتادم. پارسال اگرچه ناراحتی جسمی زیادتری در این وقت داشتیم ولی باز امیدواری به آتیه روشن‌تری وجود داشت. ولی امروز اگرچه راحتی آنی موجود است ولی امیدواری به آینده به کلی مفقود و دامنه خیال کاملاً تاریک است.

نامه طباطبایی

پنجشنبه ۱۸ ژانویه - امروز تقریباً تمام روز را با آقای نواب بودم. نامه‌ای از آقای طباطبایی از استانبول رسیده ایشان پس از تجدید عهد مودت می‌گوید با وجود اطلاع کامل به اوضاع کرمانشاه و استانبول اگر مایل به

برگشت باشم خوب است هرچه زودتر حرکت کرده خودم را به استانبول برسانم. ولی اگر حکومت موقتی توقف نگارنده را در برلن لازم می‌داند علتی برای تعجیل در مراجعت نیست. امروز به عیادت خواهر آقای نواب رفتم. حال ایشان روز به روز به وخامت می‌رود، به طوری که دیگر قادر نیست از رختخواب بلند شود. از درد هم فوق‌العاده ناراحت است و خیال می‌کند رماتیسم دارد.

روابط آلمانها و نظام السلطنه

جمعه ۱۹ ژانویه - امروز عصر با آقای علوی بودم. به طوری که ایشان اظهار می‌داشتند ایرانیان مقیم در برلن خیلی اصرار دارند که ایشان برای التیام روابط آلمانها با نظام السلطنه سفری به کرمانشاه بکنند. مدتی در این زمینه باهم صحبت می‌کردیم. هوا امروز خیلی سرد شده باد شدیدی می‌وزد و درجه برودت به چند درجه زیر صفر رسیده. خبر مهمی از میدانهای جنگ نیست. یک کشتی جنگی آلمانی اخیراً به اقیانوس اطلس راه یافته ده دوازده کشتی دشمن را غرق [کرده] و یک کشتی با عده زیادی از عمله جات کشتیهای غرق شده [را] به یکی از بنادر آلمان می‌آورد.

شنبه ۲۰ و یکشنبه ۲۱ ژانویه - بیشتر این دو روز را با آقای نواب بودم. شنبه بعد از ظهر منزل آقای اعظم السلطنه به چای مدعو بودیم. آقای عزت‌الله هدایت هم بود. هوای برلن به پانزده درجه زیر صفر رسیده است. می‌گویند چندین سال است که چنین سرمایایی در برلن نبوده و به واسطه کمی کارگران استخراج زغال سنگ کم شده است.

نگارش مقاله

دوشنبه ۲۲ و سه‌شنبه ۲۳ - این دو روزه به واسطه سردی هوا اغلب وقت خود را در منزل صرف کرده و مشغول تحریر مقاله، از خلاصه حوادث

ایران در سال ۱۹۱۶ میلادی بودم. این مقاله، مختصر تاریخی است از وقایع ایران از ابتدای دوره سوم مجلس شورای ملی تا امروز. روز سه شنبه حالت خواهر آقای نواب خیلی بد شده و قریب به موت بوده است.

اخبار ایران

چهارشنبه ۲۴ ژانویه - طبق اطلاعی که از کرمانشاه رسیده محاکمه مقصرین به توطئه علیه حکومت ملی تمام شده، بعضی را محکوم به حبس و بعضی را محکوم به اعدام نموده‌اند و چند نفر را تحت الحفظ به بغداد فرستاده‌اند که در آنجا حبس شوند. کاغذی از مفخم‌الدوله رسیده شرحی از وضعیت پریشان ایران و فقدان مردان وطن پرست نگاشته [است] و می‌گوید روسها و انگلیسیها فشار آورده و تأیید مکتوب سپهدار را از حکومت فعلی می‌خواهند. میرزا اسمعیل خان فرزانه دو روز است وارد برلن شده به مادرید می‌رود. به سمت وزیرمختاری ایران در اسپانیا منصوب شده. او را هنوز ندیده‌ام.

پنجشنبه ۲۵ ژانویه - امروز پیش از ظهر با آقای نواب به ملاقات آقای فرزانه رفتیم. شرحی از اوضاع تهران صحبت می‌کرد. از قرار گفته ایشان اوضاع ایران تقریباً مانند اوضاع پیش از زمان مشروطیت است. عناصر آزادیخواه به کلی از کار خارج و جای آنها را مستبدین گرفته‌اند؛ فرمانفرما والی فارس، ظل‌السلطان حاکم اصفهان، کامران میرزا والی خراسان، امیربهداد در تهران، آقای وثوق‌الدوله هم گویا مشغول کار است، مشارالملك هم امور مالیه را اداره می‌کند، منتخب‌الدوله رئیس کل خزانه، عدل‌الملك معاون داخله است. منات را تقریباً از یک ریال تا سی شاهی خرید و فروش می‌کنند. رفتار روسها چندان بد نیست. عده‌ای در خود تهران ندارند ولی دوست نفر در مهرآباد دارند و پانصد نفر در کرج. ژاندارمری تقریباً منحل شده و اسم آن را مبدل به امنیه کرده‌اند.

ظهیرالدوله حاکم تهران، نان در تهران سخت است. ولی اخیراً یکصد هزار تومان جنس به توسط ارباب کیخسرو خریده شده و کار نان تهران کمی بهتر شده است.

سیدضیاء در پترزبورگ

در تهران شایع شده که میان رؤسای دموکرات اختلاف سختی بروز کرده [است] و سلیمان میرزا را از میان خود خارج کرده‌اند. مشروطه طلبها خیلی مأیوس شده‌اند ولی مستبدین فوق‌العاده خوشحال هستند. سیدضیا مدیر رعد در پترزبورگ [است] و خیال رفتن به فروتنهای جنگ را دارد.

تلگراف به ویلسون

بعد از فراغت از ملاقات با آقای فرزانه صحبت شد که خوب است تلگرافی به مستر ویلسون رئیس جمهوری آمریکا به نام ملیون ایران مخابره شود و چون حمایت از حقوق ملل ضعیف و کوچک کرده است مظلومیت ایران خاطر نشان او بشود. قرار شد روز بعد به منزل آقای نواب رفته با چند نفر از سران ملیون آنجا در این موضوع مذاکره و مشورت نموده و اگر صلاح باشد تصمیم لازم در مخابره این تلگراف اتخاذ شود.

متن تلگراف

جمعه بیست و ششم ژانویه - پیش از ظهر چند نفر منزل نگارنده آمده در جزئیات تلگراف صحبت و به فارسی انشاء کرده و قرار شد عصر با کمک آقای نواب ترجمه انگلیسی آن را حاضر کنیم و عصر با شور و کمک آقای نواب این تلگراف به انگلیسی حاضر شد: که ترجمه آن بدین قرار است:

جناب مستر ویلسون رئیس جمهوری آمریکا - اعلامیه جدید جنابعالی خطاب به سنا راجع به حقوق مقدسه ممالک بالنسبه کوچک و ضعیف، امیدواری در قلب ایرانیان برای آینده خود

برانگیزانده، ما از جانب ملت ایران از جنابعالی و ملت نجیب آمریکا ملتسم هستیم که نفوذ یگانه خود را نیز برای بهره‌مند ساختن ایران از آن حقوق مقدسه که جنابعالی از فرط نوع‌خواهی شرط لازم صلح مستحکم دانسته‌اید می‌ذول فرمایید.

خانه‌نشینیهای تهران

قرار شد آقای عزت‌الله‌خان هدایت به هلند رفته این تلگراف را مستقیماً از آنجا به آمریکا مخابره [کند] و یک نسخه آن را هم به سفیر آمریکا در لاهه [بدهد] و از او کتباً خواهش کند که به دولت خود مفاد آن را راپرت دهد. امشب نگارنده و جمعی از ایرانیان در سفارت به شام مدعو بودیم. صحبت‌های عمومی در میان بود. گفته می‌شد که اغلب رفقای ما در تهران بیکارند. آقایان مستشارالدوله و محتشم‌الدوله و دبیرالملک و غیره تماماً خانه‌نشین هستند. پسر بزرگ معین‌التجار بوشهری خودش را با ششلول کشته است.

فرزانه وزیر مختار اسپانیا

شنبه ۲۷ ژانویه - پیش از ظهر آقای عزت‌الله‌خان هدایت تلگرافی را که به وسیله ما امضا شده بود برداشته و برای مخابره به طرف لاهه حرکت نمود. آقای فرزانه وزیر مختار جدید ایران در مادرید که چند روز است وارد برلن شده امروز به دیدن اینجانب آمد و برای روز دوشنبه مرا به ناهار دعوت کرد که همان روز ساعت هشت بعدازظهر ایشان از طریق سویس عازم مادرید خواهند بود.

شکایت از نادولنی

امروز تلگراف مفصلی از آقای نظام‌السلطنه رسید که شکایت از رفتار نادولنی نماینده آلمان و شاهزاده سلیمان میرزا نموده و از اینجانب

خواهش کرده است که درباره وضع رفتار آقای نادولنی با وزارت خارجه آلمان وارد مذاکره شوم تا تغییری در رفتار ایشان داده شود. ضمناً با سران مؤثر و متنفذ ملیون در برلن که با شاهزاده سلیمان میرزا سوابق دوستی دارند مذاکره کنم که به ایشان نصیحت شود در طرز رفتار خود تجدید نظر نموده و نسبت به حکومت موقتی همکاری بیشتری داشته باشند.

وضع پسر ماشاءالله خان

یکشنبه ۲۸ ژانویه - امروز غلامعلی خان پسر ماشاءالله‌خان کاشی پسر نایب‌حسین را دیدم که شکایت از اوضاع خودش می‌کرد. از قرار معلوم چند سال است در اینجاها بوده در اوایل مشغول تحصیل بوده ولی بعداً ترک تحصیل نموده و به عیاشی پرداخته است. در نتیجه پدرش نیز پول برای او نفرستاده و حالا تقریباً به کلی از دست رفته است. تقریباً بیست و دو سال دارد. چند ماه قبل ایرانیهای اینجا قدری وجه برای او تهیه کرده و او را از طریق وینه و رومانی روانه ایران کرده‌اند ولی در نتیجه جنگ رومانی و مسدود شدن راه در وین مانده و وضع او رو به پریشانی گذاشته، از آقای صفاء‌الممالک وزیر مختار ایران در اتریش درخواست کمک نموده و گویا به آقای صفاء‌الممالک توهین نموده. در نتیجه ایشان، او را به وسیله پلیس از وینه خارج [کرده‌اند] و به برلن می‌فرستند. حالا در برلن سرگردان مانده است. نگارنده قدری او را نصیحت کردم ولی می‌ترسم ثمری نداشته باشد. شب را به سفارت رفتم و مدتی با آقای نواب راجع به اوضاع روز صحبت کردم. حال خواهر ایشان رو به وخامت گذاشته و دیگر امیدی برای بهبودی ایشان نیست.

مهمانی فرزانه

دوشنبه ۲۹ ژانویه - طبق قرار قبلی ناهار را به منزل آقای فرزانه رفتم.

آقایان نواب و اعظم السلطنه و علوی و نوری اسفندیاری و جمعی دیگر از سران ملیون نیز بودند. صحبت‌های مختلف راجع به اوضاع ایران در میان بود. آقای فرزانه خانمش [را] در فنلاند گذاشته و خودش به مادرید می‌رود. بعد از ناهار خداحافظی کردیم. ایشان امشب به سویس می‌روند که از آنجا از طریق پاریس به مادرید بروند.

تعارف ممتاز السلطنه

دیشب نامه‌ای از آقای ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران در پاریس به عنوان آقای نواب رسیده. در این نامه می‌گوید از قراری که در روزنامه‌ها خوانده‌اند نگارنده به برلن آمده و بدین طریق به اینجانب تعارف نموده است.

نامه نگاری

سه شنبه ۳۰ ژانویه و چهارشنبه ۳۱ ژانویه - روز سه شنبه تقریباً تمام وقت خود را در خانه گذرانده مشغول نوشتن نامه بودم. نامه‌ای به آقای طباطبایی نوشته، مقدمه تلگراف آقای نظام السلطنه راجع به طرز رفتار نادولتی نماینده آلمان در کرمانشاه را برای ایشان نوشته از ایشان خواهش کردم تا آنجایی که برایشان مقدور [است] در رفع این اشکال اقدام کنند. چند نامه هم به ایران نوشته و به توسط سفارت فرستادم. روز چهارشنبه بعد از ظهر به سفارت ایران رفتم و تا نزدیک نصف شب با آقای نواب بودم.

شکایت عثمانی

نامه‌ای از آقای احتشام السلطنه برای آقای نواب رسیده که در آن محرمانه ذکر شده که عثمانیها از حکومت تهران شکایت دارند و بهانه جویی

می‌کنند. موضوعی که کسب اهمیت نموده مسئله سربازگیری از میان ایرانیان مقیم استانبول می‌باشد که آقای احتشام السلطنه در رفع آن می‌کوشند. امروز سواد تلگراف به ویلسن را روزنامه‌جات آلمانی منتشر نموده [اند که] از لاهه به برلن تلگراف شده است.

نامه خصوصی اوکانر

امروز در روزنامه لوکال آن مایگر ترجمه نامه خصوصی را که سروالتر تاونلی وزیر مختار سابق انگلیس در ایران قبل از حرکت خودش از تهران به اوکانر قنصل انگلیس در شیراز نوشته و در آن شکایت از رفتار روسها در ایران می‌کند و به دست ملیون در شیراز افتاده، منتشر کرده [است] و می‌نویسد از همان اول می‌دانست مدت اقامت او در ایران طولانی نخواهد بود. زیرا روسها اشتباهی برای بلعیدن ایران صاف کرده [اند] و مایل نیستند کسی را که جلوگیری از آنها می‌کند و نمی‌گذارد نقشه آنها به موقع اجرا گذاشته شود در ایران بماند. لذا به اسم مرخصی نطلبیده می‌رود ولی می‌داند که مراجعت نخواهد کرد. سروالتر تاونلی امروز وزیر مختار انگلیس در هلند می‌باشد.

کشتی آلمانی به دریای وینه راه یافته و در آنجا مشغول عملیات و غرق کردن کشتیهای انگلیسی شده‌اند.

امروز به وسیله تلفن از فن ویزندونگ احوالپرسی نمودم که خیلی دوستانه مذاکره کرد و گفت یکی از همین روزها شما را به چای دعوت خواهم نمود.

هیجان امریکا

جمعه ۲ فوریه - تلگراف رمزی در جواب دو تلگراف آقای نظام‌السلطنه تهیه کرده برای فن ویزندونگ فرستادم تا به کرمانشاه مخابره شود. از قرار مندرجات روزنامه‌های آلمان اعلامیه متحدین راجع به غرق کشتیها در آبهای انگلیس و فرانسه و اسپانیا اثر خیلی زیادی در دول بی طرف داشته است، مخصوصاً امریکاییها از این خبر خیلی به هیجان آمده‌اند. تقریباً تمام دول بی طرف عجالتاً کشتیرانی را به بنادر انگلستان متوقف ساخته‌اند.

سد تجارت بحری

شنبه ۳ فوریه - تازه در روزنامه‌ها به جز مسئله اعلامیه آلمان و متحدین و محاصره دریای انگلیس و فرانسه و ایتالیا نیست. خبرهای هیجان‌انگیزی از امریکا می‌رسد. از قرار معلوم امریکاییها خیال دارند روابط سیاسی خود را با آلمان قطع کنند. هلندیها و دانمارکیها هم خیلی اظهار اوقات تلخی می‌کنند. بدیهی است این عمل تجارت بحری آنها را سد کرده است. دیشب آقای عزت‌الله خان هدایت از هلند مراجعت کرد. طبق اظهار ایشان مردم در آمستردام در هیجان بوده و به آلمانها بد می‌گفته‌اند. وزیر مختار آلمان در لاهه دکتر روزن به او خیلی مهربانی کرده است.

ایران‌شاس

قطع رابطه امریکا و آلمان

یکشنبه ۴ فوریه - امروز ظهر خبر رسید که امریکا با آلمان قطع رابطه



ورود امریکا به جنگ

اعلامیه مهم متحدین

پنجشنبه ۱ فوریه ۱۹۱۷ - امروز دولت آلمان و متحدین اعلامیه خیلی مهمی صادر کرده‌اند. طبق این اعلامیه آبهای اطراف انگلیس و فرانسه و ایتالیا طبق نقشه‌ای که جزئیات آن را معین می‌کند میدان جنگ دریایی قرار داده و در این محوطه بزرگ کلیه کشتیهای باطرف و بی طرف که در این آبها آمد و رفت می‌کنند مورد حمله واقع شده و غرق خواهند شد. تنها به امریکا اجازه فرستادن هفته‌ای یک کشتی پستی به انگلیس و آن هم از یک بندر مخصوص داده شده. به موجب این اعلامیه بعد از این تحت‌البحری آلمان در تمام این آبها بدون اخطار کشتیها را تریید زده غرق خواهد کرد. اعلامیه مذکور در یک جلسه فوق‌العاده پارلمان آلمان و متحدین قرائت [شده] و به تصویب رسیده است و این موضوع از امروز که اول فوریه است به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. امروز عصر وزارت خارجه آلمان سواد این اعلامیه را به تمام سفارتخانه‌های بی طرف فرستاده و آنها را رسماً مطلع کرده است. از قرار راپرت روزنامه‌جات دو

سیاسی کرده است. خیلی احتمال شروع جنگ بین امریکا و آلمان می‌رود. امریکا مشغول فراهم نمودن وسائل جنگ می‌باشد و آلمانها هم مشکل تغییری در تصمیم خودشان بدهند. از هلند و دانمارک هم خبرهای خوشی نمی‌آید. جنگ سختی پریروز در عراق عرب رخ داده که از قرار اطلاع عثمانیها تلفات زیادی به انگلیسیها وارد کرده‌اند. تقریباً تمام روز و اوایل شب در سفارت بوده و با آقای نواب صحبت می‌کردیم.

قطع رابطه با اتریش

دوشنبه ۵ فوریه - امروز بعد از ظهر سفیر کبیر امریکا مستر جرارد در برلن تذکره خود را گرفته فردا حرکت می‌کند. از قرار خبری که همین امروز رسیده دولت امریکا با دولت اتریش هم قطع رابطه سیاسی کرده است. امریکا کشتیهای آلمان را که به بنادر آنها در اوایل جنگ پناه برده بودند ضبط کرده و عملجات آنها را تحت الحفظ نگه داشته است. از وضعیت هلند و دانمارک خبر جدیدی نیست.

کابینه عثمانی

کابینه عثمانی تغییر کرده، طلعت بیک رئیس‌الوزرا شده و کابینه جدیدی تشکیل داده. خلیل بیک وزیر عدلیه شده است. خود طلعت بیک به لقب پاشایی مفتخر [شد]، انورپاشا بر سر پست سابق خود برقرار است. امروز پیش از ظهر با آقای نواب قدری گردش کردیم.

هوا چند روز است فوق‌العاده سرد شده و با کمی زغال سنگ به مردم بد می‌گذرد. دیشب در برلن بیست و دو درجه زیر صفر بود.

تحفه هدایت

سه‌شنبه ۶ فوریه - هوا امروز کمی ملایم‌تر است. پیش از ظهر با آقای نواب به گردش مشغول بودیم. چند جا برای چای تفحص کردیم به دست

نیامد. آقای عزت‌الله خان هدایت از هلند مقداری چای و صابون آورده که مقداری هم برای نگارنده تعارف فرستاده که با وضع فعلی خیلی گرانها است، زیرا در آلمان صابون و چای کاملاً نایاب شده، مخصوصاً چای که به هیچ وجه پیدا نمی‌شود. دولت امریکا علاوه بر اینکه خود قطع روابط سیاسی با آلمان کرده طبق یک اعلامیه دول بی طرف را هم تشویق کرده که با آلمان و متحدین قطع روابط بکنند. ولی از قرار معلوم دول بی طرف از جاده بی طرفی خارج نشده به یک پُرتست قناعت خواهند کرد. امروز خبر غرق چند کشتی تجارتنی انگلیس رسیده است.

پرتست سوئیس و دانمارک

چهارشنبه ۷ تا جمعه ۹ فوریه - هنوز علائم بروز جنگ میان امریکا و آلمان مشهود نشده ولی روابط دیپلماسی به کل مقطوع است. دولت سوئیس و دانمارک به پرتست قناعت کرده و سایر دول بی طرف هم عجالتاً همین خط مشی را اختیار کرده‌اند. روز پنجشنبه بعد از شام منزل فن ویزندونگ موعود بودیم. چند نفر از مستشرقین آلمانی هم بودند. از فرهنگ ایران مدتی صحبت بود. از قرار راپرت‌های رسیده تحت‌البحریهای آلمانی فعالیت زیادی کرده چند کشتی بزرگ انگلیسی را در این دو سه روزه غرق کرده‌اند. هوا هم قدری ملایم‌تر شده است.

فندک یادگاری

شنبه ۱۰ تا ۱۲ فوریه - روز شنبه کارخانه AEG دعوت برای مشاهده کارخانه از اینجانب نموده و ضمناً فندک الکتریکی هم به عنوان یادگار فرستاده‌اند. با مدیر این کارخانه در منزل فن ویزندونگ آشنا شدم. هوا رو بهمرفته رو به گرمی گذاشته و چند درجه بالای صفر است و در نتیجه برف و یخ مشغول آب شدن است. این دو روزه بیشتر وقت خود را با آقای

نواب گذراندم. خبر جدیدی ندارند و نامه مهمی هم از کرمانشاه و تهران نرسیده است. از استانبول خبر تازه نیست.

اعتراض چین

دوشنبه ۱۲ و سه‌شنبه ۱۳ فوریه - از قرار خبر روزنامه‌ها کشتیهای زیادی از متفقین در دریاها غرق می‌شود. تمام دول بی طرف مثل چین به اعلامیه آلمان و متحدین اعتراض کرده ولی به همین اقدام اکتفا کرده‌اند. فقط دولت امریکا قطع رابطه کرده ولی هنوز اعلان جنگ نداده است.

تبریک به طلعت پاشا

نامه به آقای طباطبائی نوشته و در جوف آن نامه‌ای برای طلعت پاشا فرستادم و ایشان را از منصب و مقام جدید تبریک گفتم. از قرار معلوم عثمانیها دیگر اجازه به ایرانیها نمی‌دهند که از استانبول به کرمانشاه بروند، چنانچه به آقای علوی هم این اجازه را نداده‌اند.

دیدار از کارخانه

چهارشنبه ۱۴ فوریه - امروز با آقای عزت‌الله خان هدایت به کارخانه الکتریکی AEG که در طرف شمال برلن واقع شده رفتیم. این کارخانه قبل از جنگ یکی از بزرگترین کارخانه‌های آلمان بود و امروز مانند سایر کارخانه‌ها مشغول ساختن مهمات جنگی می‌باشد. از قرار تعریف مدیر کارخانه پانزده‌هزار کارگر در این کارخانه کار می‌کنند، هشت هزار زن و هفت هزار مرد. قسمتهای عمده کارخانه را چون ورود به آن ممنوع است و مهمات جنگی می‌سازند ندیدیم، فقط آن قسمتها را با اجازه مخصوص وزارت جنگ ممکن است دید. ولی ماشین‌آلات و دیگهای بخار و

الکتریک را نشان ما دادند. بعد از ختم تماشای کارخانه ناهار مفصلی با رئیس کارخانه صرف کردیم، بعد به مدرسه کارخانه رفتیم. طریقه تعلیم و تدریس بچه‌ها را مشاهده نموده و بعد با اتومبیل رئیس کارخانه مراجعت کردیم. رویهم رفته بد نگذشت. پس از مراجعت از کارخانه چای را با چند نفر از ملیون صرف کردیم. از قرار خبر رسیده مشارالملك از وزارت استعفا داده و صدرالعلما هم مرحوم شده است.

اخبار استانبول

پنجشنبه ۱۵ و جمعه ۱۶ فوریه - امروز پیش از ظهر مدتی با آقای نواب بودم، تازه مهمی از تهران نداشتند. بعد از ظهر آقایان علوی و نوری به منزل اینجانب آمدند. آقای علوی همین امروز نامه‌ای از میرزا سلیمان خان از استانبول دریافت کرده. در این نامه شکایت زیاد از سختگیری عثمانیها در موضوع سربازگیری شده است. ارزاق هم در استانبول خیلی ترقی کرده است. سالار [معظم] پسر آقای نظام‌السلطنه هم در راه است و به استانبول می‌آید. آقای طباطبائی و سایرین هم عازم کرمانشاه هستند. ولی به علت آمدن پسر آقای نظام‌السلطنه چند روزی حرکت خود را عقب انداخته‌اند.

التیماتوم روس و انگلیس

طبق خبری که از استکهلم رسیده روسها و انگلیسیها اخیراً اولتیماتومی به ایران داده و خواسته‌اند که دولت ایران قرارداد سپهدار را راجع به استقرار کنترل مالیه و قوای مسلحه جنوبی و شمالی به رسمیت بشناسد. این اولتیماتوم روز سیزده فوریه یعنی دو روز قبل منقضی شده است.

تلفات انگلیس

شنبه ۱۷ فوریه - بیشتر روز را با آقای نواب بودم. چای را هم خارج شهر

در دالم صرف کردیم. هوا بسیار خوب و ملایم و در اطراف خارج شهر برلن خیلی باصفا است. برای راه رفتن مطلوب می باشد. جنگل گرونه والد پایین حدود دالم و تیلی ممتد است. این روزها تازه ای در روزنامجات به جز عملیات تحت البحرهای آلمان دیده نمی شود. انگلیسیها تلفات زیادی را متحمل شده اند. پریروز در شامپانی آلمانها فاتح شده و تقریباً هزار اسیر جنگی گرفته اند.

فوت برادر قاضی

یکشنبه ۱۸ فوریه - امروز باز دوباره هوا سرد شده و برف سختی باریدن گرفته است. نزدیک غروب آقای نواب تلفن کرد، تلگرافی از تبریز برای میرزا جوادخان قاضی رسیده که خبر فوت اخوی او را داده اند. خوب است متفقاً تلگراف را برده از او هم پرسش بکنیم. ساعت شش و نیم منزل قاضی رفتیم. خانمش هم بود یک ساعتی در آنجا بودیم. خانمش انگلیسی خوب حرف می زند و نقاشی هم می کند و تابلوهای خوبی کشیده است.

عزت الله خان هدایت

دوشنبه ۱۹ و سه شنبه ۲۰ فوریه - روز دوشنبه بیشتر وقت را در منزل گذراندم. عصر آقای عزت الله خان هدایت برای چای به منزل اینجانب آمد. جوان خیلی خوبی است، خیلی به مرحوم صنیع الدوله شبیه است. از اوضاع خانوادگی و بچگی خودش صحبت می کرد. نزدیک غروب به منزل دکتر بیرشکر رئیس کارخانه AEG رفته برای او و خانمش کارت گذاشتیم. تمام بعد از ظهر سه شنبه را با آقای نواب گذراندم و شب را هم با هم شام صرف کردیم. تازه مهمی هم نداشتند. تحت البحرهای آلمان مشغول غرق کردن کشتیهای فرانسوی و انگلیسی می باشند.

فسخ عزیمت علوی

چهارشنبه ۲۱ فوریه - امروز وزیر بحریه آلمان در کمیسیون پارلمانی نطقی راجع به عملیات دریای آلمان کرده، اظهار مسرت از پیشرفت تحت البحرهای آلمان کرده است و گفته آنچه را ملت آلمان انتظار دارد انجام خواهد شد. شب را با آقای علوی بودم، می گفت فن ویزندونگ اظهار کرده که اوضاع کرمانشاه خیلی خوب نیست و ایرانیها از آلمانها اظهار عدم رضایت می کنند. گفته بود خوب است آقای علوی زودتر به کرمانشاه برود. ولی آقای علوی به کلی فسخ عزیمت [رفتن] به کرمانشاه کرده و عجالاً در برلن ماندنی می باشند.

نفوذ انگلیس در ایران

پنجشنبه ۲۲ فوریه - امروز لرد کرزن نطقی در مجلس لردهای انگلیس راجع به ایران کرده و می گوید عده ژاندارمهای انگلیسی به پنج هزار رسیده. دولت انگلیس خیال دارد عده این نیرو را به یازده هزار برساند و عمده آنها از بختیاری خواهند بود. سایکس به اصفهان رفته و خیال دارد تا تهران برود و راهها را امن کند. نفوذ انگلیس در ایران رو به تزاید است و حکومت ایران با آنها دوستی دارد و دولت ایران از طرف انگلیسیها کمک مالی می شود.

سلیمان میرزا و حکومت موقتی

جمعه ۲۳ تا یکشنبه ۲۵ فوریه - روز جمعه خبر مهمی نداشتم فقط کاغذی از تهران رسیده بود که از حال خانواده اینجانب نوشته بودند، نامه ای هم از حاج عزالممالک اردلان مستقیماً از کرمانشاه رسیده با یک روزنامه که در کرمانشاه منتشر می شود. این نامه دو ماه در راه بوده و در روزنامه خبر مهمی دیده نمی شد. روز شنبه نامه مفصلی از آقای نظام السلطنه که به

توسط فن‌کار دورف فرستاده و از استانبول توسط سفارت عثمانی فرستاده شده دریافت کردم. شرحی از عدم مساعدت آلمانها نوشته‌اند و از سلیمان میرزا شکایت می‌نماید که کارشکنی برای حکومت موقتی می‌کند. چند قطعه عکس هم فرستاده که در مطبوعات آلمان در برلن گراور شود.

بیطرفی ایران

از قرار مندرجات روزنامه‌های آلمان، امریکا به ایران هم تکلیف کرده است که با آلمان قطع رابطه سیاسی بنماید. ولی دولت ایران جواب داده است که ایران تکلیف خود را در حفظ بی‌طرفی دانسته و برخلاف بعضی از سیاسیون نزدیک‌بین بی‌طرفی خود را حفظ خواهد نمود. شنبه تحت‌البحریهای آلمان هفت کشتی بزرگ تجارتي هلند را به ظرفیت چهل و پنج هزار تن غرق کردند. این کشتیها مدتی در سواحل انگلستان معطل شده بودند و روز بیست و دوم فوریه از سواحل انگلیس حرکت کرده که در نتیجه دچار حمله شدید تحت‌البحریهای آلمان شده و همه غرق شده‌اند.

تصرف کوت‌العماره

دوشنبه ۲۶ تا چهارشنبه ۲۸ فوریه - امروز صبح با آقای نواب بودم. در کوت‌العماره عثمانی عقب‌نشینی کرده و انگلیسیها کوت‌العماره را تصرف کرده‌اند. طبق راپرت انگلیسیها قریب دو هزار اسیر از عثمانی گرفته‌اند. می‌گویند برحسب نقشه جنگی خودشان با نظم و ترتیب عقب‌نشسته و به حالت جدیدی در عقب سنگربندی کرده‌اند. روز سه شنبه صدراعظم آلمان نطق مفصلی راجع به اوضاع جنگ و مخصوصاً راجع به عملیات تحت‌البحریهای آلمان در پارلمان کرده از نقطه نظر آلمان کاملاً دفاع و

اظهار امیدواری نسبت به آتیه و پیشرفت جنگ می‌نماید و ضمناً از امریکا که کمکی به متفقین نموده و می‌نمایند شکایت می‌کند.

کمیته هندی

روز چهارشنبه به کمیته هندی به چای دعوت داشتم. از اوضاع مشرق زمین و آتیه هندوستان و نهضت ملی مفصل صحبت داشتند. سه نفر در آنجا حضور داشتند که جوانان بسیار باهوش و احساساتی به نظر می‌آیند. یکی از آنها رئیس کمیته هندی است. از قرار معلوم کار هم می‌کنند و محل اعتماد وزارت خارجه آلمان هم می‌باشند.

نامه طلعت پاشا

پنجشنبه ۱ مارس - امروز هوا نسبتاً صاف و آفتابی است. نامه‌ای از طلعت پاشا در جواب نامه نگارنده که به او تهنیت گفته بودم دریافت کردم. اظهار امتنان از وصول نامه و تهنیت نگارنده کرده و این نامه را توسط سفارت عثمانی در برلن برای اینجانب فرستاده است. بعد از ظهر با چند نفر از سران ملیون چای صرف کرده و راجع به اوضاع خودمان و آتیه ایران صحبت در میان بود. شام را با آقای نواب و خانمش در یکی از رستورانهای معروف برلن صرف کردیم. خبر تازه از ایران نداشت. تنها از وخامت حالت مزاجی خواهر خود خیلی اظهار نگرانی می‌کرد.

تقاضای نظام السلطنه

جمعه ۲ مارس - پیش از ظهر با آقای نواب در گردش بودیم. مقداری فرش برای اتاقهای سفارت می‌خواستند انتخاب کنند. مدتی است ایشان برای مبلمان سفارت مشغول اقدام هستند ولی هنوز تمام نشده است. بعد از ظهر با فن ویزندونگ ملاقات و در خصوص نامه آقای نظام السلطنه

و تقاضاهای ایشان با او مذاکره کردم. نتیجه مذاکرات اینجانب این شد که ایشان راجع به موضوعهای ذیل با وزارت خارجه صحبت کنند:

اول - راجع به قرارداد و اینکه آلمانها حاضر نیستند تعهدات رسمی نموده و حتی میل دارند قراردادهای قبلی را هم لغو کنند.

دوم - راجع به قوای نظامی و ارسال مهمات. حکومت موقتی مایل است که اقلأ تعداد قوای آنجا به ده هزار نفر بالغ باشد. در صورتی که آلمانها میگویند پنج هزار نفر کافی است و حاضر هم نیستند توپ و مسلسل برسانند.

سوم - راجع به شکایت حکومت موقتی از اینکه آلمان در امور داخلی ایران مداخله کرده مستقیماً با سران ایلات ارتباط دارد. خوب است از این کار جلوگیری شود.

چهارم - راجع به درج اخبار حکومت موقتی و عکسهای مربوط به آن در جراید آلمانی در برلن.

در خاتمه قرار شد نتیجه اقدامات خودشان را هر چه زودتر به اطلاع اینجانب برسانند.

تلگراف وزیر خارجه آلمان

شنبه ۳ مارس - دو روز است هیجان زیادی در افکار عمومی کشورهای متحده امریکا راجع به دست آمدن کاغذ تلگراف وزیر امور خارجه آلمان به رئیس جمهور کشور مکزیک تولید شده. در این کاغذ یا تلگراف آلمان دستورالعمل به نماینده خود در مکزیک می دهد که قرارداد اتحادی با دولت مکزیک منعقد کند و اگر بتواند ژاپن را هم وارد این اتحادیه نماید. امروز وزارت خارجه آلمان صحت این خبر را رسماً تصدیق کرد. اظهار می دارد که این دستورالعمل برای این بود که در صورتی که دولت امریکای شمالی وارد جنگ شود مکزیک با آلمان متحد گردد. از قرار

راپورتهای آژانسهای متفقین امریکا جداً در تدارک جنگ است و دیگر جنگ حتمی به نظر می رسد. در اینکه امریکاییها با سیاست متفقین همکاری می کنند هیچ شکی نیست. از غرق کشتیها هم دیگر متفقین خبری نمی دهند. یعنی اسامی سفاین غرق شده خود را فاش نمی کنند. ولی از قرار راپورتهایی که آلمانها می دهند تحت البحریهای آنها نزدیک به دویست و پنجاه هزار تن سفاین متفقین را غرق کرده اند.

سرمای بی سابقه

یکشنبه ۴ و دوشنبه ۵ مارس - هوا دوباره سرد شده باد سردی می وزد و درجه حرارت به دوازده درجه زیر صفر رسیده. از قرار راپرت روزنامهجات نزدیک به سی سال است که چنین سرمای در این وقت سال دیده نشده. مردم بیچاره اروپا با کمی آذوقه و تحمل چنین سرمای. زغال سنگ در آلمان فراوان است. ولی کارگر و وسایل حمل و نقل به واسطه جنگ فوق العاده کم شده. تحمل این شدت سرما برای مردم شهرها هم فوق العاده مشکل است، تا چه رسد به سربازان که در جبهه جنگ در میان خندقها ناچار هستند در جلوی گلوله توپ دشمن پاسداری کنند. از قرار خبرهای روزنامهها تحت البحریهایی جدیدیت در غرق کردن کشتیهای دشمن دارند. ولی متفقین راجع به این موضوع سکوت اختیار کرده اند.

اخبار امریکا

تقریباً کلیه سرلوحه های روزنامهها مربوط به کشف دستورالعمل دولت آلمان برای اتحاد با مکزیک است. متفقین سعی می کنند که این مسئله را مستمسک قرار داده و امریکا را وارد جنگ کنند. در طرف بغداد از قرار معلوم عثمانیها سی میل این طرف کوه العماره عقب نشینی کرده اند. از

امریکا خبر رسیده که پیشنهاد ویلسن رئیس جمهور امریکا راجع به تمدید دوره قانونگذاری مجلس سنا مورد تصویب قرار نگرفته و دیروز مجلس سنا خاتمه پیدا کرده است. دوازده نفر از اعضای مجلس که با پیشنهاد ویلسن مخالف بوده‌اند شروع به صحبت کرده ادامه داده‌اند تا ساعت دوازده برسد و مدت قانونی مجلس تمام شود و دیگر نتوانند راجع به این پیشنهاد تصمیم بگیرند. از قرار راپرت روزنامه‌های برلن ناخوشی آبله در شهر شیوع پیدا کرده، از طرف دولت دستوراتی داده شده است که مردم آبله بکوبند.

ورود میرزا فضلعلی آقا

سه‌شنبه ۶ مارس - سرما هنوز با کمال شدت ادامه دارد. صبح آقای نواب تلفن کردند که میرزا فضلعلی آقا عضو سابق مجلس شورای ملی و عضو محکمه تمیز تهران برای معالجه سرطان به آلمان آمده، خوب است با هم به دیدن او برویم. به علت سرما خوردگی از آقای نواب معذرت خواسته اظهار داشتیم که بعداً به ملاقات ایشان خواهیم رفت. بعد از ظهر آقایان نوری و علوی به دیدن نگارنده آمدند و چای را هم در همین جا صرف کردند. آقای علوی می‌گفتند کار تذکره او ختم شده. بعضی از آقایان میل دارند که ایشان به کرمانشاه بروند. از اینجانب مشورت خواست. اینجانب هم نمی‌توانستم نظر قطعی بدهم، اظهار داشتیم که هر طور صلاح می‌دانند. ولی خود ایشان مردد بود و چندان میلی به این مسافرت نشان نمی‌دهند.

امریکا و جنگ

چهارشنبه ۷ مارس - از قرار راپرت روزنامه‌جات ویلسن رئیس جمهور امریکا می‌خواهد نظامنامه داخلی سنا را طوری تغییر دهد که بعد از این

یک اقلیت کمی نتوانند جلوی تصمیمات اکثریتی را بگیرند. جلوگیری از پیشنهاد ویلسن هیجان زیادی در امریکا تولید کرده. از قرار معلوم اقلیت بسیار جدی و فعال در امریکا علیه متفقین مشغول تبلیغات شده است. ولی در این موضوع هیچ شک نیست که سرمایه‌دارها و دولت امریکا با متفقین همراه می‌باشند و احتمال کلی دارد عنقریب امریکا رسماً به کمک متفقین وارد جنگ بشود.

فوت زیپلن

پنجشنبه ۸ مارس - امروز برف زیادی باریده و هوا سخت سرد است. نیم ساعت بعد از ظهر گراف زیپلن معروف مخترع و سازنده زیپلن به سن هفتاد و نه سالگی به مرض ذات‌الریه در یکی از بیمارستانهای خصوصی در همین نزدیکی منزل نگارنده فوت کرد. زیپلن یکی از معروف‌ترین اشخاص امروزه بود و برای قوای جنگی آلمان خدمات فراموش نشدنی کرده است. شهرهای در دست دشمن از خوف حملات هوایی زیپلن خواب راحت ندارند.

عراق عرب

جمعه ۹ مارس - امروز خبر مهمی از عراق عرب رسیده؛ از قراری که انگلیسها خبر می‌دهند قوای عثمانی را شکست داده و مداین را تصرف کرده و به چهارده میلی بغداد رسیده و عده زیادی اسیر و مقدار کثیری مهمات نیز به دست آورده‌اند. از این قرار بغداد و بلکه کلیه عراق عرب در خطر مستقیم و فوری افتاده است. از طرف عثمانیها هنوز راپرتی در این خصوص اشاعه نیافته فقط می‌گویند حمله سواره دشمن را دفع کرده‌اند. بعد از ظهر آقای علوی برای صرف چای به منزل نگارنده آمدند. میرزا فضلعلی آقا را ملاقات کرده است، بیچاره حالش بد است و می‌خواهند او را برای معالجه به بیمارستان ببرند.

تقسیم ایران

شنبه ۱۰ مارس - امروز هوا قدری بهتر [ست] و برف هم نمی بارد. بعد از ظهر دوساعتی با آقای نواب بودم. خبرهای تازه از ایران داشتند. روسها همدان و کنگاور و بیجار و ملایر را تحت اشغال گرفته و عثمانیها با عجله به طرف کرمانشاه عقب نشسته اند. انگلیسیها هم از مداین گذشته اند و به بغداد نزدیک می شوند. از قرار خبری که از استکهلم رسیده مذاکره میان انگلیسیها و روسها در پترزبورگ راجع به تقسیم ایران در جریان می باشد.

روس و انگلیس

یکشنبه ۱۱ و دوشنبه ۱۲ مارس - از قرار اخبار روزنامه هادر پترزبورگ انقلابی صورت گرفته و عده زیادی کشته شده اند. در ایرلند هم تظاهراتی علیه انگلستان شروع شده است. صبح دوشنبه خبر افتادن بغداد رسید. از قرار خبر انگلیسیها دیروز قشون انگلیس بغداد را تصرف کرده و قشون عثمانی را شکست سخت داده اند. ولی عثمانیها در این مورد سکوت کرده اند، فقط انور پاشا در پارلمان عثمانی اظهار کرده است که بنابه مصلحت نظامی نیروی عثمانی کوت العماره را تخلیه کرده و به طرف شمال عقب نشسته است. همدان را نیز تخلیه کرده اند.

سقوط بغداد

سه شنبه ۱۳ مارس - از بغداد خبر جدیدی نرسیده، یعنی مطلب تازه ای در روزنامه های آلمان راجع به این موضوع دیده نمی شود و معلوم است خبر خوشی نیست که برای مردم آلمان اشاعه دهند. ولی بر مردم بصیر اهمیت سقوط بغداد پوشیده نیست. بغداد از هر جهت مهم بود و تصرف آن به دست انگلیس نه تنها ضربه بزرگی بر عثمانی بلکه بر تمام متحدین

وارد می کند و اثر روحی مهمی در میان متفقین خواهد داشت. در هر صورت اثر آن در تمام مشرق زمین مهم و تا مدتی باقی خواهد ماند و ابهت انگلیس را زیاد کرده بر نفوذ آن خواهد افزود. امروز نامه ای به آقای طباطبائی نوشته خبر سقوط بغداد را به ایشان دادم. مدتی است که دیگر خبر مستقیمی از ایشان ندارم.

سختی زندگی

امروز اجازه خرید پنج پوند که تقریباً یک من باشد لوبیا سفید از مقامات رسمی گرفتم. حبوبات دیگر در آلمان گیر نمی آید. در زمان فراوانی انسان قدرشان را نمی داند در تنگی که افتاد آن وقت یاد زمان فراوانی و راحتی را می کند. اگر چه در آلمان امروزه کسی از گرسنگی تلف نمی شود ولی روبهمرفته زندگی خیلی سخت و تنگ است و فقط ملتی مانند ملت آلمان می تواند تحمل این سختی را کند و صدایش بلند نشود. شب به سفارت رفتم. از قرار گفته آقای نواب حال خواهرشان خیلی سخت [است] و شاید نزدیک به موت باشند. می گفت تلگراف رمزی از تهران رسیده ولی به هیچ وجه کشف نمی شود و غلط زیاد دارد.

تخلیه بغداد

چهارشنبه ۱۴ مارس - از قرار ابلاغیه رسمی، دیروز عثمانیها مقام جدیدی را میان سامره و بغداد انتخاب کرده اند ولی ابلاغیه انگلیسیها می گوید که عثمانیها از بیست و سوم فوریه شروع به تخلیه بغداد نموده و چیز زیاد مهمی به جای نگذاشته اند. هر چه مهم بوده است یا برده و یا اینکه خراب کرده اند. پانصد نفر زخمی را هم در عقب گذاشته و به قدر چهارصد نفر اسیر جنگی به دست انگلیس افتاده است. از کرمانشاه خبر مهمی نرسیده است.

عقب‌نشینی عثمانی

پنجشنبه ۱۵ مارس - امروز شرحی در روزنامه لوکال انسایگر راجع به سقوط بغداد درج شده؛ از قرار معلوم قوای انگلیس ده برابر قوای عثمانی بوده. پس از سقوط کورت‌العماره عثمانیها به فکر تحکیم قوای خودشان در این طرف نبوده‌اند. عده‌ای هم از همین قوا به طرف ایران فرستاده‌اند. همین روزنامه می‌نویسد که کلیه قوای عثمانی از ایران منظمأ در حال عقب‌نشینی است تا به قوای خودشان در عراق عرب ملحق شوند. انگلیسها می‌گویند کارخانه اسلحه‌سازی بغداد خوب [مانده] و پس از مختصر تعمیر می‌شود از آن استفاده کرد.

وضع روسیه

امروز خبر مهمی از پترزبورگ رسیده. از قرار راپرت تلگرافی انقلاب در آنجا ادامه دارد. دوازده نفر از اعضای دوما کمیسیون حکومتی تشکیل [داده‌اند] و کلیه قوا را در دست گرفته، ساخلوی پترزبورگ هم مرکب از سی هزار نفر به آنها اطاعت کرده و وزیرای قدیم را گرفته، حبس کرده‌اند. آنچه معلوم است مملکت در دست انقلاب است و جزئیات وقایع هم معلوم نیست.

کمیسیون ۱۲ نفری روسیه

جمعه ۱۶ مارس - پیش از ظهر امروز بونارلا در مجلس عوام انگلیس اظهار داشته که امپراتور روس نیکلای دوم استعفا داده و برادرش بر تخت سلطنت روسیه به جای او مستقر گشته و نیز گفته است این انقلاب در روسیه علیه جنگ نیست، بلکه برعکس چون دولت سابق مظفریت در جنگ نداشت مردم به این انقلاب برخاسته بلکه حرارت آتش جنگ را تیزتر گردانند. از قرار اخبار رسیده کمیسیون دوازده نفری در روسیه از

عناصر دست راست و موافقین متفقین ترکیب یافته است و لذا تأثیر زیادی در جنگ خواهد داشت. عموی امپراتور هم از فرماندهی کل قشون قفقاز استعفا داده کابینه ملی تشکیل شده و نمایندگان متفقین هم رابطه سیاسی با آن دارند. مسکو هم با پترزبورگ هماهنگ شده مردم در آنجا هم انقلاب کرده‌اند. چند روز است اعلامیه جنگ از طرف روسها منتشر نشده است. هنوز آتیة انقلاب معلوم نیست و اخباری [را] هم که می‌رسد چون از مأخذ متفقین است نمی‌شود کاملاً مقرون به صحت دانست.

رفتن نظام‌السلطنه به موصل

شنبه ۱۷ مارس - از قرار معلوم امپراتور روسیه هنوز استعفا نداده و نمی‌شود اظهارات بونارلا را تصدیق کرد. ولی گویا هیئت مدیره استعفای او را خواسته‌اند. در این تردیدی نیست که پیوسته بر نیروی انقلابیون افزوده می‌شود. در طرف فرانسه، آلمان عقب‌نشینی اختیار کرده کلیه آبادیهای جلو خودشان را خراب می‌کند. از قرار معلوم هندنبورگ نقشه تازه‌ای برای عملیات در جبهه فرانسه اتخاذ کرده است که هنوز اثرش چندان معلوم نیست. بعد از ظهر آقایان علوی و نوری به چنای منزل اینجانب آمدند از قرار اظهار این آقایان نظام‌السلطنه از خانقین به طرف موصل حرکت کرده است.

ملاقات کاردورف

یکشنبه ۱۸ مارس - پیش از ظهر فن کاردورف از هتل اسپلناد تلفن کرد که چند روز است وارد برلن شده میل ملاقات با اینجانب دارد. پنج بعد از ظهر به دیدن اینجانب آمد. دو ساعتی اینجا بود. مفصلاً از حالت و مسافرت و کارهای خودش در ایران پس از حرکت ما از اصفهان صحبت می‌کرد. یک ماه و نیم پس از حرکت ما از اصفهان به آباد می‌رود و پس از

آنکه روسها و انگلیسها کار را بر او سخت می‌کنند مدتی در قشقای توقف کرده بعد به بختیاری می‌آید. چند روزی با ضرغام السلطنه و بعد مدتی در منزل بی بی خانم خواهر سردار اسعد می‌ماند. پذیرایی خوبی از او می‌شود. مخصوصاً بی بی خانم به او محبت می‌کند. یکی دو دفعه هم با روسها مصادم می‌شود ولی به واسطه کمی قورخانه نمی‌توانند شهر اصفهان را نگه بدارند. بختیارها با او همکاری کامل می‌کنند. مقارن فتح همدان به دست نیروی عثمانی خود را با بیست و پنج نفر سوار به کرمانشاه می‌رساند. چند هفته در کرمانشاه متوقف [می‌شود] و بعد به طرف استانبول حرکت می‌کند.

نادولنی و حکومت موقت

از قرار گفته او رفتار نادولنی نسبت به حکومت موقتی خیلی خوب نبوده و کم‌کم کار به جای بد هم می‌کشد. انفصال فوزی بیک و نظام السلطنه و ماژور حبیب‌الله خان شیبانی را خواستار شده بود. از قرار معلوم عثمانیها با انفصال نظام السلطنه موافقت نکرده ولی فوزی بیک را از کارهای سیاسی برکنار نموده بودند. در موضوع بغداد و عملیات نظامی آنجا می‌گفت کار به اینجا ختم نمی‌شود، یقیناً عملیات جدیدی صورت خواهد گرفت. نیروی تازه هم یقیناً به ایران فرستاده خواهد شد و احتمال دارد خود او مجدداً به ایران برگردد.

استعفاء امپراتور روس

امپراتور روس قطعاً استعفا داده حق سلطنت روسیه را برای خود و پسرش منقطع و به برادرش منتقل کرده است. قبل از استعفا فرماندهی کل قشون روس را به عمویش نیکلایویچ منتقل نموده. از قرار آخرین اخبار آتش انقلاب در کلیه کشور روس رسوخ کرده است. عقب‌نشینی آلمانها از

فرونت فرانسه ادامه دارد. دولت چین با آلمان قطع رابطه سیاسی کرده و مهاجرنشینی آلمان را در تسینگ تائو ضبط کرده است.

تلفات انگلیس

دوشنبه ۱۹ مارس - از قرار خبر رسمی آلمان عده زیادی کشتیهای تجارتنی متفقین در این چند روزه غرق شده است. یک حمله هوایی، دریایی هم از طرف آلمانها، به انگلیس شده، لندن را شبانه بمباران کرده و شبانه کشتیهای جنگی تریدانداز آلمان به خلیج انگلیس حمله کرده، پس از غرق یک تریدانداز انگلیسی و وارد نمودن خسارت به یک تریدانداز دیگر بندر رامزگیت را به سختی بمباران می‌کنند. از قرار معلوم به انگلیسها تلفات زیاد وارد و آلمانها تلفات نداده‌اند.

وضع روسیه

انقلاب روسیه به شدت ادامه دارد و از قرار معلوم دسته کارگران و آزادیخواهان جمهوری سوسیالیستی مطلق خواهانند و به خصوص علیه خانواده رومانوف به قیام برخاسته‌اند. از قرار راپرت رسیده فرانسویها اخیراً از طرف مقدونیه حمله آغاز کرده [اند] ولی نتیجه نبرده‌اند.

محل توقف نظام السلطنه

سه شنبه ۲۰ مارس - امروز بعد از ظهر عزت‌الله خان هدایت به منزل اینجانب آمده اظهار داشت فن ویزندونگ را ملاقات [کرده است] راجع به مذاکرات با نگارنده. آنچه را که راجع به آقای نظام السلطنه است هنوز محل توقف آنها معلوم نیست. پس از آنکه معلوم شد کجا هستند با نامه یا تلگرافاً سفارشات لازم خواهد شد. تحت‌البحریهای آلمانی دیروز یک کشتی جنگی بزرگ آلمانی را در دریای مدیترانه غرق کرده‌اند.

عید نوروز

چهارشنبه ۲۱ مارس - امروز عید نوروز است. امیدوارم امسال بهتر از پارسال به ایرانیان خوش بگذرد و کشور ایران در آرامش بماند. پارسال که چندان خوشی ندیدیم. عید نوروز پارسال را در قصر شیرین بودم. هوای جغرافیایی در آنجا خوش و دل‌انگیز بود ولی امروز برعکس چندین درجه زیر صفر است و برف سختی هم می‌بارد. پیش از ظهر چند نفر از ایرانیان به دیدن نگارنده آمدند. حاجی میرزا محمد رحیم آقا قزوینی که در اینجا تجارتخانه دارد و از تجار معتبر ایران است به دیدن آمده بود. بعد از ظهر به سفارت رفتم، جمعی از ایرانیان مقیم برلن به دیدن سفیر آمده بودند. فن ویزندونگ هم آنجا بود. می‌گفت نظام‌السلطنه با کلیه قشون عثمانی وارد کرکوک شده‌اند. شام با جمعی از سران ملیون بودیم که دور هم مراسم عید نوروز را بجا بیاوریم. آقای نواب و خانمشان هم حضور داشتند. شام سبزی پلو و قرمه سبزی تهیه شده و هفت سین مفصلی نیز چیده بودیم. رویهمرفته شب بدی نبود و خوش گذشت.

انقلاب روسیه

پنجشنبه ۲۲ مارس - از انقلاب روسیه و از جزئیات آن اخباری نرسیده ولی از قرار معلوم آتش انقلاب با شدت تمام ادامه دارد و به قطعات مختلف روسیه سرایت می‌کند. هر جا نغمه‌ای بلند است. به خصوص علیه خانواده سلطنت ضدیت زیادی هویدا است. تنها یک اقلیت بسیار کمی از ارتجاعیون و روحانیون کلیسای ارتدکس با خانواده سلطنت همراهی دارند.

عقب‌نشینی آلمانها در طرف فرانسه باعث افسردگی فرانسویها و انگلیسها شده چون تدارک زیادی برای حمله به آلمانها دیده بودند. عجالتاً این تدارکات بی‌فایده شده است.

مساعدت آلمان

بعد از ظهر یکی از ایرانیان به دیدن اینجانب آمد و اظهار کرد که در وزارت خارجه گفته شده که وزارت خارجه دولت آلمان از هیچ‌گونه مساعدتی نسبت به ایران و ایرانیان مضایقه نداشته و همیشه خواهان استقلال و تمامیت ارضی ایران بوده [است] و خواهد بود و علت هم ندارد غیر از این باشد.

حاجی رحیم آقا قزوینی

جمعه ۲۳ مارس - اخبار جدیدی از فرونت‌های جنگ نرسیده است و به خصوص از جزئیات انقلاب روسیه خبری نیست. از قراری که در سفارت ایران گفته شد محتشم‌الدوله برادر مفخم‌الدوله که فعلاً در بروکسل است به وزارت مختاری هلند معین شده است. شام را منزل حاجی محمد رحیم آقا قزوینی با آقای نواب به چلوکباب مدعو بودیم. حاجی رحیم آقا مدتی است در برلن مقیم و به تجارت و صرافی مشغول است. در مدت جنگ کارش کمتر شده است. کارخانه ریسمان‌بافی خوبی در تبریز تأسیس کرده و در آنجا دایر نگه داشته است. امین زاده تبریزی هم جزء مدعوین بود. تازه از استانبول به برلن آمده است. در نانسی فرانسه تحصیل می‌کرده و دیپلم مهندسی الکتریکی از آنجا گرفته است. حالا می‌خواهد عملیات پارچه‌بافی را در اینجا ملاحظه کرده و اطلاعات عملی جدیدی کسب کند.

جبهه مقدونیه

شنبه ۲۴ تا دوشنبه ۲۶ مارس - چند روز بود انگلیسها و فرانسویها در جبهه مقدونیه حمله می‌کردند. ولی از قرار معلوم حمله آنها مواجه با شکست شده و متوقف مانده‌اند. هوا اگر چه سرد است ولی آفتاب روشن شده و کم‌کم علائم بهار پیدا شده است.

فضلعلی آقا

یکشنبه پیش از ظهر با آقای نواب به بیمارستان به دیدن حاجی فضلعلی آقا رفتیم. بیچاره به حالت خیلی بدی در بیمارستان افتاده است. بینی او را بریده و می‌خواهند از گوشت بازو و سینه بینی برای او درست کنند. تحت معالجهٔ پروفیسور بیر معروف می‌باشد. هوشش بجا [ست] و در کمال خوبی حرف می‌زند ولی به واسطهٔ عمل نمی‌تواند حرکت کند. بعد از ظهر منزل اعظم السلطنه به چایی موعود بودیم. آقای نواب هم بودند. از قرار راپرت روزنامه‌ها رئیس جمهور امریکا کنگره را برای روز دوم آوریل دعوت کرده. گویا خیال جنگ با آلمان را دارد. از قرار معلوم عقب‌نشینی آلمانها در طرف مغرب هنوز ادامه دارد ولی خبر جدیدی از جزئیات انقلاب روسیه نرسیده. ولی چیزی که مسلم است کارگران هر روز بر نیروی خود افزوده، کار حکومت موقتی روسیه را سخت‌تر می‌کنند.

روسها در خانقین

سه‌شنبه ۲۷ مارس - دو روز است پیوسته راپرت غرق کشتیهای تجارتي انگلیس می‌رسد. معلوم می‌شود تحت‌البحریهای آلمانی با شدت هر چه تمام‌تر مشغول کار خود می‌باشند. از قرار راپرت متفقین قشون روس و انگلیس در عراق عرب با هم یکی شده‌اند. روسها تا خانقین در تعاقب عثمانیها و ایرانیان که از کرمانشاه عقب‌نشینی کرده آمده [اند و] سپس به انگلیسها ملحق شده، عثمانیها و ایرانیها به طرف موصل رفته‌اند. هوا باز سرد و زمستانی شده. کمی سرماخوردگی در نگارنده پدیدار شده است.

نوشتجات محرمانهٔ انگلیس

چهارشنبه ۲۸ تا شنبه ۳۱ مارس - از میدانهای جنگ خبر خیلی مهمی

نرسیده و واقعهٔ جدیدی هم از پترزبورگ در روزنامه‌جات خوانده نشد. از قرار معلوم عثمانیها موضع خودشان را در وسط سامره و بغداد حفظ کرده‌اند.

کشف تلبیس

جمعه پیش از ظهر فن ویزندونگ اطلاع داد که آلمانها خواهش آقای نظام‌السلطنه را برآورده و برای ابراز دوستی یک دوربین و یک تفنگ بسیار اعلی و یک اتومبیل به او تعارف کرده‌اند. شنبه بعد از ظهر آقای عزت‌الله خان هدایت به دیدن اینجانب آمده با او به سفارت رفتم. و یک نسخه از کتاب جدید محتوی نوشته‌جات محرمانه انگلیس راجع به ایران^۱ تازه رسیده که مشغول مطالعه می‌باشم. تلگراف هم این دو روزه از تهران رسیده که هنوز کاملاً کشف نشده و از مضمون آنها مطلع نشده‌ام. قرار گذاشتیم پس فردا که روز سیزده نرروز است به اتفاق آقای نواب و جمعی از ملیون به بیرون برلن برویم.

یکشنبه ۱ آوریل ۱۹۱۷ - امروز هوا خوش بود در حقیقت می‌توان گفت اول بهار است، درخشش آفتاب توجه را جلب نموده. بعد از ظهر از سفارت ایران تلفن کردند خواهر بیچاره نواب در بستر مرگ به حالت نزع افتاده است. به سفارت رفتم و تا نزدیک نصف شب آنجا بودم. مریضه از صبح تا نصف شب بیهوش [بوده] و به حالت جان‌کندن افتاده است. مایهٔ بسی افسردگی است که این بیچاره با آن همه علاقه به خانه و شوهر و بچهٔ خود این طور غریب در برلن بدین ترتیب به عمر خودش دوران میهن خاتمه دهد. مدتی در سفارت با آقایان میرزا محمدخان قزوینی و [جواد] قاضی صحبت می‌کردیم. قاضی می‌گفت مشغول حاضر شدن برای امتحانات است و دو ماه دیگر امتحانات خود را خواهد داد.

۱. ظاهراً مقصودش کتاب کشف تلبیس است که توسط مجلهٔ کاوه به چاپ رسید.

قبرستان مسلمانان

دوشنبه ۲ آوریل - صبح زود از سفارت تلفن کردند که خواهر نواب دو ساعت از نصف شب گذشته فوت کرده است. امروز سیزده عید است و قرار گذاشته بودیم جمعی از ایرانیها به اتفاق آقای نواب به خارج شهر برویم، به واسطه فوت این خانم آن ترتیب به هم خورد. قبل از ظهر به سفارت رفتیم. جمعی از ایرانیان هم آمده بودند، قرار است جنازه را امشب از سفارت به قبرستان مسلمانان حمل کنند و روز چهارشنبه دفن کنند. قبرستان مسلمانان در طرف جنوب شرقی برلن و متعلق به سفارت عثمانی است. دو نفر ایرانی در آنجا مدفونند.

سیزده بدر

بعد از ظهر با چند نفر از آقایان ملیون به خارج شهر برلن رفته سیزده بدر خوبی به عمل آوردیم. از قرار آخرین راپرت که رسیده یک کشتی آلمانی در اقیانوس اطلس مشغول غرق کردن کشتیهای تجارتی متفقین شده است. در روزنامه ایران چاپ تهران خوانده شد که میرزا اسمعیل خان پسر میرزا ابوالحسن خان شیرازی را کشته اند.

ورود امریکا به جنگ

سه شنبه ۳ آوریل - دیروز ویلسن رئیس جمهور امریکا در کنگره امریکا نطقی کرده و در ضمن پیشنهاد نموده که کنگره اجازه دهد امریکا به آلمان اعلان جنگ دهد. از قرار راپورتهای واصله جای شک نمانده که پیشنهاد ویلسن پذیرفته [می شود] و امریکا وارد جنگ خواهد شد. ورود امریکا در جنگ شاید اوضاع روسیه را هم تغییر دهد. طبیعتاً دسته‌های صلح طلب در کشورهای متفقین ضعیف تر خواهند شد.

ایرانیان در کرکوک

بعد از ظهر به سفارت ایران رفته ناهار را هم در آنجا صرف کردیم. بعد از

شام طبق دعوت قبلی به منزل فن ویزندونگ رفتیم. جمعیت زیادی در آنجا از آلمانی و ترک و عرب و هندی و ایرانی بودند. صحبت‌های عمومی در میان بود ولی از جنگ صحبتی نمی شد. طبق گفته فن ویزندونگ آقای نظام السلطنه و نادولنی و جمعی از ایرانیان در کرکوک هستند و خیال هم دارند عجلتاً در آنجا بمانند.

دفن خواهر نواب

چهارشنبه ۴ آوریل - پیش از ظهر ساعت ده و نیم به سفارت رفته چند نفر از ایرانیها و شیخ صالح تونسلی هم در آنجا بودند. شب قبل جنازه خواهر نواب را به قبرستان حمل کرده اند. به اتفاق آقای نواب و دیگران به قبرستان که معروف به قبرستان بافلو است رفتیم. ساعت یازده مراسم تدفین به عمل آمد. شیخ صالح نماز خواند. بیچاره دور از وطن و اطفال عزیزش به سخت‌ترین مرض دار فانی را وداع کرده ولی راحت شد. این قبرستان جای بسیار با صفایی است. نظامیان آلمان در اینجا مدفونند. یک قسمت خیلی کوچکی از آن در یکی از زوایا به مسلمانان اختصاص داده شده است. مقابر مسیحیان مملو از گل و ریاحین می باشد. ولی مقابر چند نفر از مسلمانان بیچاره بدون گل و کاملاً ساده به نظر می آید.

شادمانی از دخول امریکا به جنگ

از قرار مندرجات روزنامه شادمانی بسیار در کشورهای متفقین برای دخول امریکا در جنگ برپا است و مردم در آنجا بساط شادمانی گسترده اند.

قبول سنای امریکا

پنجشنبه ۵ آوریل - از قرار راپرت آلمانها دیروز موفقیت خوبی در طرف

روسیه نصیب آلمانها شده. یک طرف رودخانه و یک پل را از دست روسها گرفته و بیش از ده هزار اسیر جنگی از آنها به دست آورده‌اند. در طرف فرانسه هم زدوخورده سختی در جریان بوده و عده‌ای اسیر به دست آلمانها افتاده است. مجلس سنای واشنگتن پیشنهاد جنگ را قبول کرده است و انتظار اعلان جنگ هر ساعت می‌رود.

بعد از ظهر به سفارت ایران رفتم. آقای نواب همین امروز وزیر امور خارجه آلمان را ملاقات می‌کند.

احساسات امریکا

جمعه ۶ آوریل - امروز روز تعطیل عمومی است. حضرت مسیح مصلوب می‌شود. از قرار اخبار واصله مجلس مبعوثان امریکا پیشنهاد رئیس جمهور ویلسن را برای اعلان جنگ قبول کرده و احساسات شدیدی برای آغاز جنگ در امریکا رو به تزاید است. بدیهی است این پیشامد باعث شادمانی در کشورهای متفقین شده است. بعد از ظهر با جمعی از ایرانیان در خارج از منزل چای صرف کردیم. به عقیده آنها با ورود امریکا به جنگ احتمال صلح کمتر شده به مدت جنگ افزوده خواهد شد.

اعلان جنگ امریکا

شنبه ۷ آوریل - امروز خبر رسیده که دیروز امریکا رسماً اعلان جنگ علیه آلمان داده است. احتمال قوی می‌رود که عنقریب رابطه اتریش و امریکا نیز قطع و محاصمه بین طرفین آغاز شود.

شب با آقای قاضی و چند نفر از ایرانیان شام را در خارج خورده نزدیک نصف شب به منزل برگشتیم.

نظر آلمان به ایران

یکشنبه ۸ آوریل - امروز روز عید بزرگ مسیحیان است. آقای نواب تلفن

کرد که خوب است با هم بیرون رفته گردش کنیم. نامه‌ای از استانبول برای نگارنده رسیده که به اینجانب بدهند. ساعتی پیش از ظهر به ملاقات ایشان رفتم. مدتی با هم گردش کردیم. آقای نواب وزیر امور خارجه آلمان را ملاقات و مدتی راجع به ایران و آتیه کشور ما با او مذاکره کرده‌اند. وزیر امور خارجه آلمان تأسف خورده که کاری برای ایران نمی‌توانند بکنند. ولی بدیهی است احساسات دوستی مثبت به ایران داشته و دارند. در آتیه هم سعی خواهند کرد تا جایی که ممکن است مصالح ایران محفوظ بماند. دولت آلمان هیچ وقت راضی نخواهد بود ایران مورد تجاوزات دول همجوار واقع شود. وزیر امور خارجه نیز اظهار کرده که اخیراً با هندنبورگ ملاقات [کرده] و او اطمینان کامل به کامیابی دولت آلمان در این جنگ داده است.

نامه مفخم الدوله

نامه مفخم الدوله را آقای نواب به نگارنده دادند. در این نامه می‌گوید که دولت ایران حکومت موقتی روس را شناخته و با آن داخل مذاکره شده، بلکه روابط حسنه با ایران برقرار و رعایت استقلال ایران را بنماید. از قرار معلوم حکومت موقتی روس هم وعده مساعدت و مسالمت به دولت ایران داده است. امروز اتفاقاً هوا بسیار ملایم و خوب است به بیرون شهر برای گردش رفتم.

گردش پوتسدام

دوشنبه ۹ آوریل - صبح قاضی تلفن کرد روز عید است با چند نفر به پوتسدام می‌رویم اگر میل دارید شما هم بیایید. ساعت ده صبح از گار باغ وحش به پوتسدام رفتیم. هوا اول چندان بد نبود ولی بعد ابر و سرد شد، باد سردی هم می‌وزید. نوزده روز از عید نوروز می‌گذرد و هنوز برگ

سبزی بر درختان دیده نمی شود. تنها بنفشه تازه در باغ سان سوسی معروف پوتسدام دیده می شود. مقارن غروب مراجعت کردیم. از میدانهای جنگ اخبار مهمی نرسیده ولی در فرونت فرانسه محاربه سختی در جریان است. انگلیسیها پس از بمباران سختی به خطوط آلمانها در سمت آراس حمله کرده و خساراتی به آلمان وارد آورده ولی نتوانسته خطوط آلمانها را بشکافد. محاربه در جریان است.

یازده هزار اسیر

سه شنبه ۱۰ و چهارشنبه ۱۱ آوریل - جنگ آراس به شدت ادامه دارد. انگلیسیها طبق راپرت خودشان متجاوز از یازده هزار اسیر جنگی و یکصد توپ از آلمانها گرفته و در بعضی نقاط سه چهار میل جلو آمده اند. هنوز محاربه ادامه دارد.

حفظ ملل ضعیف

روز چهارشنبه بعد از شام حسب الدعوة آقای نواب به سفارت رفتیم و تا نزدیک نصف شب آنجا بودم. از تهران تلگرافی رسیده که ویلسن رئیس جمهور امریکا سوادى از نظریات امریکا راجع به حفظ حقوق ملل کوچک را به دولت ایران فرستاده و دولت ایران هم موقع را مناسب دانسته جواب خیلی مناسبی به دولت امریکا داده، نیت مستر ویلسن را راجع به حفظ ملل ضعیف تقدیس نموده و یادآور شده که منافع ایران پایمال نشود.

بمباردمان سخت

پنجشنبه ۱۲ و جمعه ۱۳ آوریل - جنگ آراس ادامه دارد. نزدیک سن کوانتن آلمانها متجاوز از هزار اسیر از انگلیسیها گرفته اند. طبق راپرت

انگلیسیها در این محاربه انگلیسیها چندین هزار توپ به کار انداخته و آتش توپخانه تمام جلگه را در شب تاریک مانند روز روشن گردانده است، در هیچ زمان چنین بمباردمان سختی نشده. طبق راپرت آلمانها قریب ششصد و شصت و یک هزار تن کشتی بخاری انگلیسی در ماه مارس غرق شده است. از شدت محاربه آراس قدری کاسته شده و انگلیسیها دیگر پیشرفتی ندارند. از قرار اظهارات آقای نواب، احتشام السلطنه در استانبول آپاندیس عمل کرده و طبق دو تلگرافی که رسیده حالش بهتر و از خطر دور است.

اعتصاب کارگران آلمانی

شنبه ۱۴ آوریل - از قراری که امروز گفته شده روز شنبه پس فردا کارگران آلمانی دست از کار کشیده علیه دولت نمایش خواهند داد، زیرا طبق اعلامیه دولت از همان روز هفته چهارصد گرم نان کمتر به مردم خواهد رسید. این خبر وحشت آور [در بعضی ایجا و از حدوث هرج و مرج بیمناک ساخته است ولی بدیهی است با قدرت دولت و احساسات مردم بیم یک انقلاب نمی رود.

آمدن ولیعهد عثمانی

محاربه در طرف مغرب ادامه دارد ولی انگلیسیها نتوانسته اند پیشرفت زیادی حاصل کنند. ولی خود آلمانها قدری زمین را در نزدیکی آراس تخلیه کرده اند. ولیعهد عثمانی امروز وارد برلن شده و در هتل آدلن که اول هتل برلن می باشد منزل کرده است، حامل شمشیری از طرف سلطان عثمانی برای امپراتور آلمان است.

اعتصاب فردا

یکشنبه ۱۵ آوریل - هوا بسیار خوش و آنچنان است که تا به حال پس از

عید نوروز هوای به این خوشی نداشته‌ایم. بعد از ظهر گردش‌کنان به طرف دالم رفتیم و نزدیک به غروب مراجعت کردم. از قرار مندرجات روزنامه‌جات دولت وعده داده است برای جبران کمی نان، بر مقدار ارزاق دیگر مانند گوشت و تخم مرغ و سبزی بیفزاید، ولی مع‌هذا فردا کارگران دست از کار خواهند کشید.

وضع روسیه

اخیراً شایعاتی راجع به صلح میان مردم منتشر گردیده و از قرار مذکور سوسیالیستهای روسیه داوطلب برای صلح شده و در این خصوص با سوسیالیستهای آلمان داخل مذاکرات می‌باشند. حکومت موقتی روسیه اعلامیه رسمی اشاعه داده [است] که طالب کشورگیری نمی‌باشد و مایل است صلح با شرافت به میان آورد. دولتین آلمان و اتریش هم همین نظر را بیان کرده‌اند. ولی بدیهی است که نتیجه معلوم نیست.

بی‌خبری از استانبول

دوشنبه ۱۶ و سه‌شنبه ۱۷ آوریل - صبح دوشنبه با آقای نواب مدتی راه رفتیم. از تهران تلگرافی رمزی برای ایشان رسیده و اقدام آن را خواسته‌اند. بعد از ظهر دوشنبه کاغذی به آقای طباطبائی و نامه‌ای به آقای احتشام‌السلطنه احوالپرسی نوشته در جوف برایشان فرستادم. مدتی است دیگر از استانبول خبری ندارم.

مصادمه فرانسه و آلمان

امروز پس از ده روز بمباران سخت، فرانسویها به مواضع آلمانها میان ازن و رنس به فاصلهٔ چهل کیلومتر حمله کرده و از قرار راپرت آلمانها بزرگترین تصادم تاریخی را به وجود آورده‌اند. تلفات فرانسویها بسیار

زیاد بوده و گویا پیشرفت زیادی نکرده‌اند. ولی سنگرهای آلمانها را در بعضی جاها خراب کرده و گرفته‌اند. مقاومت آلمانها خیلی شدید بوده، خود فرانسویها می‌گویند که ده هزار اسیر از آلمانها گرفته‌اند [ولی آلمانها می‌گویند بیش از سه هزار اسیر به دست فرانسویها نیفتاده. امروز به توسط سفارت ایران در هلند نامه‌ای از تهران برای اینجانب رسید که بیست و ششم فوریه تاریخ داشت. خبر تازه و مهمی در این نامه نبود.

استقراض آلمان

چهارشنبه ۱۸ آوریل - دیروز فرانسویها حملات خودشان را مانند روز قبل تجدید نکرده‌اند [ند]. از قرار معلوم تلفات آنها به قدری زیاد بوده که دیگر جرأت حملهٔ مجدد را نکرده‌اند. امروز نتیجهٔ استقراض ششم آلمان که پریروز یک ساعت بعد از ظهر شنبه شده معین گردیده است. این استقراض تقریباً به ششصد میلیون مارک بالغ شده و مجموع پنج استقراض تقریباً شصت میلیارد مارک می‌شود. امروز یکی از ملیون ایرانی از قول فن ویزندونگ می‌گفت که جمعی از ایرانیان از کرکوک به طرف موصل حرکت کرده و پسر آقای نظام‌السلطنه هم به استانبول وارد شده است.

هفده هزار اسیر

پنجشنبه ۱۹ و جمعه ۲۰ آوریل - محاربات سخت در طرف مغرب ادامه دارد. فرانسویها پیشرفت زیادی نکرده‌اند. از قرار راپرت خودشان تا به حال هفده هزار اسیر جنگی گرفته‌اند. تحت‌البحریهای آلمان کماکان به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

مهمانی جواد قاضی

پنجشنبه شب شام را در سفارت صرف کردم. مدتی با آقای نواب از زمان

شوستر و اولتیماتوم روس صحبت در میان بود. روز جمعه شب پس از شام حسب الدعوه به منزل آقای قاضی رفتم، به مناسبت روز تولد خانمش عده‌ای را دعوت کرده بود. رسم آلمان این است که هر جا دعوت باشند خصوصاً دعوت به شام مقداری گل برای صاحبخانه ببرند و در موقع مراجعت هم انعامی به مستخدم می‌دهند. از قرار گفته آقای قاضی طلعت پاشا روز دوشنبه آینده به برلن می‌آید. جنگ آراس به سختی ادامه دارد و از قرار معلوم آلمانها نیروی زیادی در مواضع خود حاضر کرده‌اند.

فرونت فرانسه

شنبه ۲۱ آوریل - از قرار راپرت عثمانیها محاربه نسبتاً سختی در نزدیکی غزه میان قشون عثمانی و انگلیسیها رخ داده و فتحی نصیب انگلیس نشده است و برعکس کمی عقب نشسته‌اند. در فرونت فرانسه جنگ با نهایت شدت ادامه دارد. از طرف روسیه خبر تازه نیست.

اسناد انگلیس

یکشنبه ۲۲ آوریل - امروز هوا چندان خوش نیست. مع هذا بعداز ظهر به دالم خارج شهر برلن رفتم. پس از مراجعت به خواندن کتاب جدید که در اینجا طبع شده مشغول شدم. دو سال پیش که در شیراز امنیت کامل وجود نداشت مقداری از اسناد کنسولگری انگلیس به دست آلمانها افتاد که این اسناد [را] به نام اختناق ایران به دست انگلستان چاپ و منتشر کرده‌اند و عکس بعضی از نوشتجات مربوط به وزیر مختار سابق انگلیس در ایران سروالترتاونلی و وزیر مختار فعلی مستر مارلینگ و کنسول انگلیس در شیراز و چند نفر دیگر از انگلیسها گراور شده است. چندی قبل از اینجانب خواهش شده بود که در همین زمینه [مقاله‌ای] راجع به ایران بنویسم که در روزنامه‌ها چاپ شود. امشب وقت خود را صرف نموده،

مقاله‌ای نوشتم که مجملی است از رفتار سوء انگلستان و روسیه در ایران در زمان مشروطیت، به خصوص در سنوات اخیر. برای نوشتن این مقاله به کتاب مستر شوستر هم مراجعه کردم.

ورود طلعت پاشا

دوشنبه ۲۳ آوریل - پیش از ظهر تا عصر مشغول نوشتن مقاله نامبرده بودم. عصر با چند نفر از سران ملیون به منزل پرت رینسکی از اعضای اداره مطبوعات راجع به قسمت مشرق زمین رفتیم. فن ویزندونگ و آقایان قاضی و خلیل خالد هم در آنجا بودند. چون طلعت پاشا امشب یک ربع به ده وارد برلن می‌شود با خلیل خالد زودتر بیرون آمدیم که برای دیدن او به استاسیون برویم، ولی چون در راه معطل شدیم وقت گذشته بود و در نتیجه او وارد [شده] و به هتل آدلن رفته بود. از قرار معلوم جمعیت زیادی در استاسیون برای استقبال او آمده بود. طلعت پاشا دو روز در برلن توقف کرده بعد برای دیدن امپراتور به فرماندهی کل خواهد رفت. بعضیها می‌گویند که برای مذاکره صلح با روسیه به آلمان آمده است.

جنگ آراس

سه شنبه ۲۴ آوریل - امروز مقاله راجع به ایران را تمام کرده برای اداره مطبوعات فرستادم. بعداز ظهر به هتل آدلن رفتم. برای طلعت پاشا کارت گذاشتم. از قرار راپرت رسمی آلمانها دیروز جنگ خیلی سخت و خونین در آراس میان انگلیسها و آلمانها درگرفته و تلفات خیلی زیاد بر طرفین به خصوص بر انگلیسها وارد آمده است. چند روز بود انگلیسها با توپخانه حمله می‌کردند که خطوط آلمانها را خراب کرده و بعد با پیاده نظام حمله کنند. دیروز این حمله شروع شده ولی در عوض تلفات فوق‌العاده

برداشته و خطوط آلمانها را هم نتوانسته‌اند بشکافند. از قرار معلوم تاکنون چنین محاربه سخت و خونینی در تمام مدت جنگ به وقوع نپیوسته است. طرف عصر دو ساعتی با آقای نواب به گردش مشغول بودیم.

میرزا محمدخان و شیخ صالح

چهارشنبه ۲۵ و پنجشنبه ۲۶ آوریل - جنگ آراس دیروز خیلی شدت داشته و از قرار راپرت آلمانها نعلشهای انگلیسیها بی حساب جلوی سنگرها ریخته است، به طوری که حسابش ممکن نیست. پیش از ظهر نامه‌ای به تهران نوشته جوف نامه آقای مفخم‌الدوله گذاشتم که به تهران بفرستند. بعد از ظهر سفارت به چای دعوت داشتم. شیخ صالح تونسلی و میرزا محمدخان قزوینی هم بودند. صحبت‌های ادبی و اسلامی در میان بود. طبق راپرت آلمانها، تحت‌البحریهای آلمانی حمله به بندر دونکرک کرده و دو کشتی جنگی فرانسه را غرق کرده‌اند. در فرونت فرانسه در این دو روز محاربه قدری خفیف‌تر بوده است. طلعت پاشا هنوز در برلن می‌باشد.

زراعت در آلمان جنگ‌زده

جمعه ۲۷ آوریل - پیش از ظهر با آقای نواب یک ساعتی راه رفتیم. هوا امروز قدری سرد و بارانی است. هنوز برگ درختان سبز نشده است. شبها نسبتاً سرد و روزها هم اغلب زمستانی است. هنوز تغییری در لباس زمستانی مردم دیده نمی‌شود. بیرون برلن اراضی زراعتی را حالا سبزیکاری می‌کنند. سیب‌زمینی را این روزها می‌کارند. در خود شهر برلن هم زمین خالی کمی دیده می‌شود. هر چه زمین خالی بوده که برای ساختن عمارات گذاشته بودند، قطعه قطعه کوچک کرده و زن و بچه‌ها و مردان مسن به کشت و کار در آنها مشغولند. اغلب باغچه‌ها را در عوض گلکاری سبزی می‌کارند. دیشب طلعت‌پاشا از برلن به طرف فرماندهی

کل ارتش آلمان رفته [است] که از آنجا پس از ملاقات امپراتور از راه وینه به استانبول مراجعت نماید.

حمله سوم

شنبه ۲۸ آوریل - امروز محاربه خیلی سختی در حدود آراس در جریان است. حمله سوم است که انگلیسیها به خطوط آلمانها به امید شکافتن آن خطوط می‌نمایند. پس از بمباران هولناکی مقارن سپیده صبح حمله پیاده نظام شروع [شده] و تا غروب آفتاب امتداد داشته. در این حملات انگلیسیها تلفات زیادی به خود وارد [دیده‌اند] و به همان نسبت نتیجه زیادی نبرده‌اند. تا به حال چند سنگر بیشتر به دست آنها نیفتاده است.

نمونه چاپ مقاله اینجانب را که برای تصحیح فرستاده بودند ملاحظه کرده مجدداً برای اداره شرق نزدیک فرستادم. امروز بارندگی زیادی شد ولی هوا چندان بد نیست، هوای اول بهار است.

کنفرانس سوسیالیستها در استکهلم

یکشنبه ۲۹ آوریل - امروز آقای نواب به اینجانب تلفن کردند که از قرار معلوم روز پانزدهم مه کنفرانسی از اجتماعيون عاميون بین‌المللی در استکهلم منعقد خواهد شد. بی‌فایده نیست که از طرف ایرانیان هم نماینده به آنجا برود و اظهاراتی بکند. خوب است در این خصوص تبادل نظر شود و عقیده نگارنده هم معلوم شود. قرار شد فردا پیش از ظهر با ایشان ملاقات کرده، در این خصوص مذاکره نمایم. بعد از ظهر برای گردش به دالم رفتم. کم‌کم اطراف برلن سبز و خرم می‌شود و خالی از صفا نیست. هوا هم ملایم‌تر است.

نمایندگان ایرانی در کنفرانس استکهلم

دوشنبه ۳۰ آوریل - امروز صبح به سفارت ایران برای مذاکره با آقای

نواب در خصوص مطلب دیروز رفتیم. مدتی صحبت کردیم. به عقیده ایشان خوب است اینجانب به اتفاق یکی از سران ملیون به استکهلم برویم که در آنجا در این کنفرانس شرکت کنیم و موقعیت ایران را در میان بگذاریم و اگر لازم شد تلگرافی هم راجع به ایران به حکومت موقتی روسیه مخابره کنیم. یقیناً نمایندگان هند و مصر هم در آنجا خواهند بود. من گفتم بهتر است آقای عزت‌الله خان هدایت به اتفاق شخص دیگری که معین می‌شود بروند و اینجانب در برلن بمانم. اگر لازم شود تلگرافی بفرستند و امضای اینجانب هم لازم باشد، می‌توانند امضای نگارنده را بگذارند. تصمیمی در این خصوص گرفته نشد. قرار شد با سران ملیون نیز در این باره مشورت کرده بعداً تصمیم قطعی گرفته شود.

در ماه مارس قرب به ششصد و هشتاد و هزار تن کشتی تجارتی متفقین غرق شده است.



تحولات به نفع متفقین

پذیرفتن عضویت کنفرانس استکهلم

سه‌شنبه ۱ مه ۱۹۱۷ - پیش از ظهر آقای نواب تلفن کردند که دو ساعت بعد از ظهر چند نفر از سران ملیون برای مذاکره در خصوص اعزام نماینده به کنفرانس استکهلم در سفارت جمع می‌شوند شما هم بیایید. ساعت مقرر به سفارت رفتیم. آقای میرزا محمدخان قزوینی هم بود. پس از مذاکرات زیاد آقایان رفتن اینجانب را کاملاً ضروری دانستند و در این صورت اینجانب رفتن به این کنفرانس را پذیرفتیم. قرار شد فردا صبح مجدداً چند نفر از سران ملیون به منزل اینجانب آمده در جزئیات برنامه این مسافرت مذاکره کنیم. عصر آقای عزت‌الله خان هدایت تلفن کرد که پس فردا صبح یک نفر برای مصاحبه در خصوص روسیه با اینجانب خواهد آمد. می‌خواهند عقیده ملیون و آزادیخواهان ایران را راجع به انقلاب روسیه منعکس کنند. از طرف اینجانب جواب مساعد داده شد. هوا امروز معتدل و خوب است. یک دفعه بهار شده و درختان هم سبز شده‌اند.

درباره کنفرانس استکهلم

چهارشنبه ۲ مه - صبح زود طبق قرار دیروز چند نفر از سران ملیون ایرانی به منزل نگارنده آمدند. به طوری که یکی از حضرات می گفت با وزارت خارجه آلمان تماس گرفته و از قرار معلوم نمایندگان انگلستان و فرانسه در این کنفرانس شرکت نخواهند کرد و در نتیجه کنفرانس آن اهمیتی که باید احراز کند نخواهد داشت. مع هذا از استکهلم خبر خواهند گرفت و از وضع کنفرانس مطلع شده و ما را خبر خواهند کرد. به هر صورت تا دهم الی دوازدهم ماه مه فرصت برای عزیمت به استکهلم و شرکت در کنفرانس خواهد بود. بالاخره قرار بر این شد که چند روزی صبر کنیم و بعداً هر طور که حضرات تصمیم گرفتند اینجانب را مطلع گردانند.

نظام السلطنه

از قرار معلوم آقای نظام السلطنه همین روزها وارد استانبول می شود و معلوم نیست از ایرانیها چه کسانی و چند نفر با او باشند. هوا رو به خوبی می رود و آفتاب تمام روز می درخشید. عصر به تی برگارتن برای گردش رفتم. جای بسیار جالبی است. در خیابان، قهوه خانه ها جلوی مغازه را جارو [کرده] و در پیاده روها برای مردم صندلی گذاشته اند.

مصاحبه درباره روسیه

پنجشنبه ۳ مه - صبح دکتر کافمن نویسنده روزنامه شرق جدید برای مصاحبه به منزل اینجانب آمد. نیم ساعتی صحبت کردیم. عقیده نگارنده را راجع به انقلاب روسیه از نظر ملیون و آزادیخواهان ایرانی پرسید. گفتم ایرانیان هیچ وقت با ملت روس دشمنی نداشته و برعکس ملت روس را ملت نجیب و مهربانی می دانسته اند. تنها حکومت روس که از روی طمع کاری به ایران نظر می کرده دشمن استقلال ایران شناخته شده

[است] و ایرانیها هم بدین نظر به او نگاه می کردند. حالا که این حکومت از میان برداشته شده و کار حکومت در دست ملت روس افتاده، امید است روابط خوشی میان ایران و روس برقرار شود. موفقیت این انقلاب برای ایران از دو نظر مفید است. اول اینکه امیدوارم ملت روس بعد از این به نظر طمع به ایران نگاه نخواهد کرد و سوء نظری نسبت به استقلال ایران نخواهد داشت. دوم آنکه وقت خود را صرف اصلاحات داخلی و شدنی^۱ روسیه خواهد نمود و از این راه فواید زیادی غیرمستقیم برای ایران خواهد داشت. ایرانیان همیشه می دانستند با نیروی ضعیف مادی خودشان نمی توانند با روس برابری کنند. همیشه منتظر بودند شاید انقلابات داخلی روسیه وسیله خلاصی آنها را از نظر ستمکار حکومت روسیه فراهم گرداند. دولت ایران بدون درنگ حکومت موقتی را شناخته و از قرار معلوم با آن داخل مذاکره شده و مواعید اطمینان آوری هم راجع به حسن روابط آتیه در رفع سوء تفاهمات گذشته دریافت کرده است.

کشف تلبیس

راجع به کتاب جدید و نشر اسناد انگلیسها که در شیراز به دست آلمانها افتاده سؤال کرد، گفتم این کتاب خوب موقع انتشار یافته و چشم عالم را به اعمال و نیات روس و انگلیس در ایران باز می گرداند. این اسناد دو موضوع را به خوبی می رساند: یکی رقابت روس و انگلیس را در ایران که هنوز پس از چند سال ائتلاف صوری میان دو دولت بدین نحو زنده وجود دارد. دیگر عملیات دولتی نامبرده در ایران که انواع و اقسام اشکالات برای حکومت ایران تولید کرده [است] و روز به روز بر سلطه و منافع خودشان می افزایند. در اینجا مصاحبه پایان یافت و قرار شد شرح این مصاحبه را نوشته برای نگارنده بفرستند و پس از رسیدگی و تصحیح،

۱. کذا، مقصودش آبادانی است.

انتشار دهد. عصر پس از صرف چای به سفارت رفته با آقای نواب شرح مصاحبه را در میان گذاشتم. اظهارات اینجانب را پسند کردند. امروز حمله چهارم انگلیس در آراس شروع شده، تمام روز محاربه سختی در فرونت سی کیلومتری آراس ادامه داشته است.

جنگ سخت آراس

جمعه ۴ مه - صبح نسخه‌ای از مصاحبه دیروز برای نگارنده فرستاده [شد] تا تصحیح و تصویب کنم. اظهارات نگارنده را با کمی تغییر روی کاغذ آورده‌اند. جنگ سخت دیروز در حوزه آراس، امروز نیز ادامه دارد. از قرار معلوم تلفات زیاد به انگلیسیها وارد شده ولی پیشرفت کمی کرده‌اند. بیش از هزار نفر از سربازان انگلیسی به دست آلمانها اسیر شده‌اند. تحت البحرهای آلمان هم بر شدت عملیات خود افزوده‌اند. هوا امروز آرام و بالنسبه گرم است و به همین مناسبت محاربه در فرونتها شدت پیدا کرده است.

وضع پترزبورگ

شنبه ۵ مه - طبق راپولات روزنامهجات انقلاب مجدداً در پترزبورگ شروع شده و در سوم ماه اعلامیه از طرف هیئت حکومت فعلی راجع به ادامه جنگ و پیروی از سیاست جنگی متفقین انتشار [یافته] و مورث عدم رضایت هیئت کارگران و سربازان ساخلوی پترزبورگ گردیده. مردم به قیام برخاسته استعفای وزیر امور خارجه بلکه حکومت حاضر را خواستار شده‌اند. در هر صورت وضع پترزبورگ بسیار تاریک [است] و معلوم نیست در آتیۀ نزدیک اوضاع آنجا چه شکلی پیدا کند. محاربه در آراس و شامپانی و ازن ادامه دارد. نیروی انگلیس و فرانسه موضعی به دست آورده برای شکافتن خطوط آلمانها به حملات سخت پرداخته [اند] و متحمل تلفات زیاد می شوند.

اسناد انگلیسیها

بعد از ظهر به چای در منزل آقای علوی مدعو بودم. از قرار گفته آقایان تا پس فردا تکلیف رفتن به استکهلم معین می شود. مقاله راجع به مندرجات کتاب جدیداً انتشار اسناد انگلیسیها امروز در روزنامه شرق تازه درج شده بود. شرحی از عملیات روسها و انگلیسیها در ایران ذکر [شده] و مورد حمله قرار داده بود. این اسناد انگلیسی دو چیز را به خوبی ظاهر می کند: یکی رقابت شدید میان روسها و انگلیسیها در ایران با وجود ائتلافی که در نتیجه بروز جنگ میان آنها به وقوع پیوسته است و دیگری مداخله دولتین در امور داخلی ایران و کوشش در توسعه نفوذ خودشان بر ضد همدیگر و سست کردن کار دولت مرکزی ایران و مشکل نمودن کار مالیه و سازش با ایلات و بسط اجنبی پرستی و تهیه جاسوس در ایران به نفع خودشان.

مقدار غرق کشتی

یکشنبه ۶ تا سه شنبه ۸ مه - روز شنبه جنگ سختی مجدداً در طرف ازن و شامپانی در گرفته ولی نتیجه عاید فرانسویها نشده. از قرار راپرت آلمانها در ماه آوریل بیش از یک میلیون تن کشتی تجاری متفقین غرق شده است. جنگهای سخت در فرونت مغرب جریان دارد.

زمان کنفرانس استکهلم

روز سه شنبه به اینجانب اطلاع دادند که کنفرانس استکهلم به دهم ژوئن عقب افتاده و بالطبع رفتن ما هم به تأخیر خواهد افتاد. عصر راجع به این موضوع و ترتیب مسافرت با چند نفر از سران ملیون مذاکره کردم. از قرار اطلاع از استانبول محبوسین بغداد وارد استانبول شده‌اند. آقای نظام السلطنه هم با ده نفر از همراهان به زودی وارد خواهند شد. فامیل ایشان مدتی است که وارد استانبول شده‌اند. به تدریج عده زیادی از ایرانیها از عراق عرب وارد استانبول می شوند.

کابینه روسیه

چهارشنبه ۹ مه - جنگهای فرونت فرانسه قدری ضعیفتر شده ولی متفقین دو روز است که حملاتی در طرف سالونیک شروع کرده‌اند بدون اینکه پیشرفت زیادی بکنند. اوضاع روسیه کماکان تاریک است. از قرار راپرت روزنامجات کابینه مختلطی در حال تشکیل است و چند نفر از انجمن کارگران داخل این کابینه خواهند بود. گفته می‌شود همین روزها یک جلسه دوما منعقد می‌شود. از آغاز انقلاب تاکنون جلسه دوما منعقد نشده است.

قرارداد میان آلمان و عثمانی

پنجشنبه ۱۰ مه - امروز قرارداد میان آلمان و عثمانی برای الغای کاپیتولاسیون در مجلس آلمان مطرح و به اتفاق آراء قبول شد. با این قرارداد آلمان حقوق قنسولی خود را در عثمانی ملغی می‌نماید.

نمایش عملیات دریایی

شب به اتفاق آقای نواب به سینما برای نمایش عملیات کشتی معروف لوبورفتیم. این کشتی کشتیهای تجارتنی متفقین را غرق [می‌کند] و به بندر آلمان برمی‌گردد. دیدن این عملیات خالی از تماشا نبود. کشتی نامبرده چند ماه در دریاها گشته و پس از غرق بیست و شش کشتی متفقین و رساندن یک کشتی انگلیسی بدون آسیب به بندر آلمان و اسیر نمودن متجاوز از هزار نفر ملاح انگلیسی به بنادر آلمان برمی‌گردد.

جلسه سری مجلس عوام

جمعه ۱۱ مه - تلفات متفقین در دریاها رو به تزاید است. انگلیسیها دیروز جلسه سری در مجلس عوام منعقد داشته از قرار معلوم راجع به اوضاع

روس و عملیات تحت‌البحریهای آلمان مذاکرات سری داشته‌اند. این‌گونه جلسات در تاریخ مجلس عوام انگلیسن نادر است. خبر مهمی از فرونتهای جنگ نرسیده، اوضاع روسیه هم به همان ترتیب مبهم مانده است.

خلافت عثمانی

شنبه ۱۲ و یکشنبه ۱۳ مه - از قرار خبری که رسیده کمیته کارگران پترزبورگ قطع کرده‌اند سیاست صلح‌خواهی را تعقیب و از ادامه جنگ به نفع متفقین احتراز نمایند و نیز نمایند به کنفرانس استکهلم بفرستند. روز یکشنبه پیش از ظهر آقای نواب به منزل نگارنده آمده مدتی با ایشان صحبت می‌کردم. آقای نواب اظهار کردند نامه رمزی از تهران آمده مشغول استخراج آن می‌باشم. از قرار معلوم این نامه راجع به نظری است که عثمانیها راجع به خلافت سلطان دارند و گویا این موضوع ناراحتی در تهران ایجاد نموده. در این زمینه قدری صحبت کردیم و سواد قرارداد سری [را] که در بغداد سال گذشته میان آقای نظام‌السلطنه و انورپاشا امضا شده بود برای ایشان خواندم. در این قرارداد ماده‌ای راجع به اتحاد دو مملکت اسلامی تهیه شده ولی راجع به خلافت سلطان اصولاً ذکری نشده است.

نظر مدرس درباره خلافت سلطان

در وقت نوشتن این قرارداد شرح مفصلی میان آقای مدرس و فوزی‌بیک مأمور نظامی عثمانی در موضوع خلافت سلطان مذاکره شد. نظر آقای مدرس این بود که راجع به اصول عقاید مذهبی نمی‌شود در یک قرارداد سیاسی ذکری شود و این موضوع نباید در قراردادهای سیاسی ذکر شود. آقای مدرس اصرار داشتند که مقامی به شیعه‌ها در مکه داده شود. این را فوزی‌بیک قبول نکرد. به همان دلیل که اصول مذهبی را نباید در قرارداد سیاسی مطرح نمود.

پسرهای امیرنظام

عصر را با آقای نواب و مجید خان پسر مرحوم امیرنظام به بیرون شهر برلن رفتیم. حمیدخان برادر مجیدخان چند روز است که به طرف تهران حرکت کرده و مجیدخان این جوانک شانزده ساله را در آلمان برای ادامه تحصیل گذاشته است. اینها پسرهای امیرنظام و نوه دختری اتابک اعظم می باشند.

در رایشتاگ

دوشنبه ۱۴ و سه شنبه ۱۵ مه - دو روز است جنگ در طرف ایتالیا هم شروع شده، گویا ایتالیایی ها در حال حمله هستند. اوضاع روسیه تاریک است. وزیر جنگ و رئیس ساخلوی پترزبورگ استعفا داده اند. سه شنبه به رایشتاگ رفتیم. دو استیضاح اساسی از طرف محافظه کارها و سوسیال دموکراتها راجع به شرایط صلح از صدراعظم آلمان شده که باید جواب بدهد. لذا جلسه امروز اهمیت زیاد دارد. تماشاچی بسیار جمع شده اند. لژ دیپلماتها هم مملو از جمعیت بود. عده زیادی از مأمورین سیاسی حضور داشتند. محافظه کاران شرایط خیلی خوب برای آلمان خواستار شدند و برعکس سوسیالیستها می خواهند صدراعظم از طرف آلمان اظهار نظر کند که دولت آلمان هیچ گونه شرایطی را خواستار نبوده و بدون تقاضای توسعه خاک و یا غرامت جنگی صلح خواهد نمود. جواب صدراعظم آلمان به هر دو دسته مبهم بود. هیچ گونه شرایطی را قید نکرد و اظهار داشت که هیچ گونه شرطی در این وقت موافق سیاست دولت آلمان نمی باشد. در ضمن نطق خود احساسات دوستانه نسبت به ملت روس و حکومت جدید انقلابی روس اظهار نمود. جلسه بسیار باشکوهی بود که تا یک ساعت بعد از ظهر طول کشید.

نامه طباطبایی

چهارشنبه ۱۶ مه - امروز یک بسته نامه به توسط سفارت از استانبول

رسید. نامه مفصلی مورخ هفدهم آوریل از آقای طباطبائی بود و نامه های دیگر را در جوف داشت. نامه آقای طباطبائی محتوی اخبار ذیل بوده:
اول. آقای نظام السلطنه هنوز از کرکوک حرکت نکرده اند] و خبر آمدن ایشان متکی به خبر ناصحیحی بود که از بوزانتین داده بودند و فامیل آقای نظام السلطنه را خود نظام السلطنه فرض کرده بودند. جمعی از مستقبلین رسمی و غیررسمی به گار حیدرپاشا برای ورود ایشان می روند. انورپاشا هم حاضر بوده است که برود که اشتباه معلوم می شود.

دوم. پنج نفر از وکلا عبارت از آقایان آقا شیخ اسمعیل رشتی، آقا سید فاضل، میرزا سلیمان خان، خانباخان، نواب التولیه و جمعی دیگر در کرمانشاه می مانند و خود را تسلیم روسها می کنند. سردار محیی و چند نفر دیگر در سنجابی می مانند. بعضی دیگر از ملیون به پشتکوه می روند. سوم. شرح زیادی از نادولنی شکایت داشته اند، چه در زمان توقف و چه در زمان حرکت از کرمانشاه. گویا همه نوع سختی به ایرانیها کرده است.

چهارم. طبق یادداشتی که نادولنی در کرمانشاه داده میرزا حبیب الله خان شیبانی از کار ژاندارمری مستعفی و به استانبول وارد شده است.
پنجم. طباطبائی بزرگ و فامیلش هنوز در کاظمین می باشند.
ششم. آقای فطن الملک نیز به استانبول آمده است.
یک نامه از آقای نظام السلطنه هم داشتم که شکایت از نادولنی کرده است.

لایحه برای استکھلم

پنجشنبه ۱۷ مه - امروز تعطیل عمومی است. صبح به سفارت رفته با آقای نواب و جمعی از سران ملیون شرحی را که به زبان فرانسه تهیه شده بود تا در کنفرانس استکھلم توزیع شود خواندیم. مقدمه آن را تمام کرده و قرار

شد روز بعد دوباره طرف صبح جمع شده قرائت متن آن را ادامه دهیم.^۱ چند روز است جنگ سختی در فرونت ایتالیا شروع شده و ایتالیاییها مرتباً حمله می‌کنند، ولی تا به حال موفق به پیشرفت نشده‌اند. از قرار خبری که از روسیه رسیده وزیر جنگ حکومت فعلی گچکوف^۲ استعفا داده کرنسکی سوسیالیست به جای او برقرار شده، میلیوکف وزیر خارجه هم مستعفی و وزیر مالیه به جای او منصوب گردیده است.

تقاضای همراهی از سوسیالیستها

جمعه ۱۸ مه - صبح حسب‌الدعوه برای تکمیل لایحه‌ای که باید در استکهلم داده شود به سفارت رفتیم. رویهمرفته بد تهیه نشده. شرحی از تعدیات روس و انگلیس و تخطی آنان به تمامیت و استقلال ایران مخصوصاً در سنوات اخیر ذکر شده و در پایان از سوسیالیستها درخواست همراهی می‌شود که آنان مساعی خود را در برانداختن دستبرد خارجی به ایران مضایقه نکرده و به کار برند. جنگ در فرونت ایتالیا دوام دارد و هنوز به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است.

مقاومت اطیشیها

شنبه ۱۹ مه - صبح با آقای علوی در تی‌یرگارتن قدری گردش کردیم. باغ بسیار مصفاایی است. درختان سبز [ند] و گلها و ریاحین چشم را در زیبایی خود خیره می‌کند. مرغان مشغول ترانه خوانی. در حقیقت، طبیعت و صنعت در اظهار قدرت دست به هم داده و جان و دل را لذتی بسزا می‌دهند. جنگ طرف ایتالیا ادامه دارد ولی به هیچ نتیجه نرسیده است. در هر صورت پیشرفتی نصیب ایتالیاییها نشده است. اتریشیها نیروی

۱- برای آگاهی از متن بیانیه مزبور، بنگرید به اسناد ضمیمه، سند شماره ۱۰.

۲- در اصل «کارت».

مقاومت خوبی نشان داده‌اند. به خصوص توپخانه آنها جلوگیری از حملات ایتالیاییها کرده است.

شکایت پورداود از هموطنان

یکشنبه ۲۰ مه - باد شدیدی می‌وزد. مدتی است دیگر باران نیامده هوا بسیار خشک [است] و تابستان با قدمهای سریع جلو می‌آید. با وجود باد و خشکی هوا مردم بسیار خوشحالند که از سرمای زمستان رهایی یافته‌اند. گلکاری و سبزیکاریهای اطراف برلن جلوه مخصوصی دارد. زمین بایر یعنی غیر زراعتی در اطراف برلن دیده نمی‌شود و تمام آن را کاشته مخصوصاً سبزیکاری کرده‌اند. پیش از ظهر در حین گردش در کورفورستندام آقای پورداود را دیدم، قدری با او صحبت کردم. شرحی از هم‌میهنان شکایت می‌کرد. ایشان هم مثل دیگران به واسطه عدم پیشرفت کار گله‌مند [ند] و از آتیه مأیوس می‌باشند.

فرونت ایتالیا - کابینه روسیه

جنگ در فرونت ایتالیاییها قدری خفیف‌تر شده، ایتالیاییها که از رود ایسونزو تجاوز کرده بودند دوباره به طرف خودشان عقب نشسته‌اند. از قرار خبری که از پطرزبورگ رسیده کابینه روس مجدداً تشکیل شده و چند نفر سوسیالیست در این کابینه عضویت دارند که سیاست خودشان را هم قبلاً اعلام کرده‌اند که به تنهایی صلح نخواهند کرد ولی برای صلح عمومی زمینه را حاضر خواهند نمود.

گردش وانزه

دوشنبه ۲۱ مه - بعداز ظهر با آقای نواب به وانزه وسط راه پوتسدام رفتیم. جای بسیار باصفایی است. تپه‌های مرتفع بر فراز دریاچه استوار و به انواع

درختان و ریاحین پوشانده شده و به خصوص در این فصل بسیار تماشایی است. کشتیهای کوچک متعلق به شرکت ستاره روی این دریاچه کار می کنند. آخر خط آنها پوتسدام است. از وانزه تا پوتسدام با آب یک ساعت و نیم و با راه آهن تقریباً بیست دقیقه راه است. آقای نواب از دیر رسیدن بودجه سفارت شکایت دارند و اظهار می دارند تلگرافی به وثوق الدوله راجع به این موضوع مخابره کرده اند. امریکاییها تصمیم گرفته اند یک دیویزیون قشون مجهز به فرونت فرانسه بفرستند.

باغ سان سوسی

سه شنبه ۲۲ مه - امروز برای گردش به پوتسدام رفتیم. پیش از ظهر ساعت ده حرکت کرده و ساعت ده بعد از ظهر برگشتیم. هوا فوق العاده معتدل و خوب بود، همه جا سبز و خرم. با ترن به وانزه و از آنجا با آب به پوتسدام. از پوتسدام مستقیماً با ترن به برلن مراجعت کردم. چهار ساعت تمام در باغ معروف سان سوسی گردش می کردم. بهار غریبی دارد. از بالای پله ها منظری زیبا، فوق تصور در جلوی نظر می نماید. یکی از باغهای معروف دنیا است. اشجار خوب، نباتات مرغوب. ساختمانهای تاریخی، مجسمه های عالی در تمام محوطه وسیع باغ دیده می شود. عمارت نارنجستان این باغ که بسیار معروف است، امروز بیمارستان ارتشی است. تماشای را بدان جا راه نمی دهند. میان نارنجستان و قصر فردریک بزرگ آسیای بادی تاریخی دیده می شود. وقتی فردریک می خواست این باغ را بسازد این آسیا جلوی راه بود. هر قدر کوشش کرد از صاحبش آن را بخرد صاحب آسیا رضایت نداد و گفت آسیای اجدادی خودم را به هیچ بهایی نمی فروشم و از دست نمی دهم. ولی وصیت کرد که پس از مرگش به قیصر داده شود و پس از مرگ او آسیا به قیصر رسید و او آسیا را بدین شکل فعلی نگه داشت و تغییری در آن نداد که یادگاری از صاحب اصلی آن بماند.

قیمت مارک

چهارشنبه ۲۳ مه - امروز صبح با آقای علوی قدری گردش کردم. از ایران پانصد تومان وجه برای ایشان فرستاده اند و در اینجا به شش هزار و دوست مارک تبدیل شد. تا به حال چنین چیزی سابقه نداشته که پانصد تومان شش هزار و دوست مارک ارزش داشته باشد. به طوری که تصمیم گرفته شد قرار است آقای عزت الله خان هدایت قبلاً به استکهلم برود از ترتیبات آنجا و انعقاد کنفرانس اطلاعات صحیح تحصیل کنند و اطلاع دهند تا تکلیف کار ما معین شود.

حرکت هدایت به استکهلم

پنجشنبه ۲۴ مه - امروز صبح آقای هدایت تلفن کرد که پس فردا صبح عازم استکهلم است. جنگ در فرونت ایتالیا بسیار شدید شده. ایتالیاییها کمی پیشرفت کرده اند، اتریشیها هم مشغول مدافعه می باشند. بعد از شام در اداره روزنامه عالم اسلام موعود بودم. سفیر کبیر عثمانی و وزیر مختار ایران هم با جمعی از آلمانیها من جمله فن ویزندونگ با خانمشان در آنجا بودند. موزیک و خوانندگی خوبی در میان بود.

جمعه ۲۵ و شنبه ۲۶ مه - دو روز است کمی باران می آید. هوا هم کمی خنک شده است. پریشب آلمانها با زیپلن به لندن حمله کرده، بمب زیادی فروریخته و سالم برگشته اند. صبح شنبه آقای هدایت به طرف استکهلم حرکت کرد ولی نگارنده او را ندیدم. بعد از ظهر آقای علوی به منزل اینجانب آمد. با او قدری گردش کردیم و در ضمن این گردش به پارک شارلوتنبورگ که مقبره امپراتورهای آلمان است رفتیم. هوا بسیار خوب و بهاری است. می شود گفت در هیچ جا این قدر گل و ریاحین دیده نمی شود. آلمانها به خصوص اصرار دارند که در قبرستانها خیلی گلکاری کنند و قبرستانهای آنها شکل باغهای درجه اول را دارد.

فشار روس و انگلیس

طرف عصر آقای نواب با خانمش و میرزا محمدخان قزوینی به ملاقات نگارنده آمدند و تا نزدیک شام بودند. آقای نواب می گفتند نامه رمز تهران کاملاً کشف شده، حکومت تهران از فشار روس و انگلیس می نالد. تمام درها را بر روی آنها بسته اند، می گویند بایستی به مراکز بانفوذ خارجی متوسل شد تا بلکه فشار روس و انگلیس را کم کنند. بعد از شام حسب الدعوه به ملاقات آقای حاج رحیم آقای قزوینی و چند نفر از تجار ایرانی که در هامبورگ تجارتخانه دارند، رفتیم. بعد هم صادق اف آمد. بنابر گفته آقایان، ایرانیان مقیم در آلمان از نیت اینجانب اطلاع حاصل کرده و شرکت نگارنده را در کنفرانس استکهلم بسیار ضروری و لازم می دانند.

رصدخانه برلن

یکشنبه ۲۷ مه - امروز و فردا روز عید بزرگ مسیحیان و تعطیل عمومی است. بعد از ظهر حسب الدعوه با آقای نواب و خانمشان و آقای میرزا محمدخان قزوینی به رصدخانه در مشرق برلن واقع در محله ترپتورفتیم. رئیس رصدخانه به آقای نواب تلفن کرده بود که بیاید سیاهیهای داخل خورشید را ملاحظه کنید. هر یازده سال این سیاهیها به حداکثر خود می رسد. از دوربین خیلی بزرگ که طولش سی و شش متر است خورشید را به روی پارچه سفیدی منعکس نموده و لکه های سیاه آن را به خوبی مشاهده می کنند. به آنجا رفته قبلاً رصدخانه را مشاهده نموده و بعد لکه های سیاه خورشید را دیدیم، کاملاً نمایان و واضح و تماشایی است.

تعطیل عمومی

دوشنبه ۲۸ و سه شنبه ۲۹ مه - امروز هم تعطیل عمومی است و حتی روزنامه هم منتشر نمی شود. بعد از ظهر برای گردش به بیرون شهر رفته

ساعت هشت مراجعت کردم. ازدحام غریبی دیده می شد، مخصوصاً در این روزهای جنگ زنها در عبور و مرور بیشتر از مردها دیده می شوند. روز سه شنبه به علت کسالت از منزل بیرون نرفتم. از ۱۹۱۵ که در کرمانشاه بودیم گویا مالاریا پاگیر اینجانب شده، هر وقت که جزئی سرما خوردگی یا ابتلایی دست داده تب نوبه هم می آید.

اول جنگ دریایی

چهارشنبه ۳۰ مه - فردا روز سالروز جنگ بزرگ دریایی میان آلمانها و انگلیسها در اسکارگراک می باشد. روزنامه های آلمانی شرح مفصلی راجع به این فتح دریایی می نویسند. آلمانها جنگ اسکارگراک را اول جنگ بزرگ دریایی دنیا و بالاترین فتح خودشان می شمارند. انگلیسها هم خودشان را فاتح می دانند ولی ادعای آلمانها به صحت نزدیک تر است، زیرا تلفات انگلیسها خیلی زیادتر و مخصوصاً از آتش توپخانه آلمانها. دیگر آنکه از همان ساعت اول آلمانها فتح خودشان را اعلام کرده ولی انگلیسها سکوت اختیار نموده تا پس از یک ماه اعلامیه ساختگی فتح آمیزی انتشار دادند. آنچه محقق است هشت کشتی بزرگ جنگی انگلیس از آتش توپخانه کشتیهای آلمانی در این جنگ غرق شد و در مقابل تنها یک کشتی کوچک آلمانی از ترپید غرق می شود. بعد از این جنگ تاریخی دیگر کشتیهای بزرگ جنگی انگلیس برای جنگ دریایی با آلمان حاضر نشدند. در صورتی که حملات بزرگی از طرف آلمانها به آنها صورت گرفته است.

تلگراف هدایت

پنجشنبه ۳۱ مه - آقای عزت الله هدایت امروز تلگراف کرده که باید هر چه زودتر حرکت کرد و راپرت مفصل تری هم راجع به این موضوع به

وزارت خارجه آلمان فرستاده شده است. خود او هم همین چند روزه به برلن مراجعت خواهد کرد.

وحیدالملک مأمور رسمی ایران

جمعه ۱ ژوئن ۱۹۱۷ - از قرار خبر واصله آقای نظام السلطنه با جمعی دیگر از ایرانیان وارد استانبول شده‌اند. آقای نواب به ملاقات اینجانب آمده، اظهار داشتند که طبق مکتوب رمزی که از تهران رسیده آقای وثوق الدوله اطلاع داده‌اند که ملیون ایران در تهران از نگارنده انتظار دارند که در کنفرانس استکهلم شرکت کرده خواسته‌های ایران را در آنجا مطرح نماید. پس از مذاکرات زیاد قرار شد آقای نواب رسماً این موضوع را به اینجانب نوشته و بدین وسیله نگارنده مأمور رسمی ایران شناخته بشود.^۱

ورود نظام السلطنه به استانبول

بعد از ظهر به سفارت مدعو بودیم که مدیر عالم اسلام و چند نفر دیگر هم بودند. نامه‌ای از استانبول از آقای احتشام السلطنه رسیده که نوشته‌اند آقای نظام السلطنه و هشت نفر از وکلا و محترمین ایران وارد استانبول شده و عده زیادتری در عقب هستند که به تدریج خواهند رسید. آقای نظام السلطنه را به خوبی پذیرفته‌اند [و] و خانه بزرگی را نیز برای اقامت ایشان معین کرده‌اند. سایرین در هتل منزل دارند. شاهزاده سلیمان میرزا در حلب مانده است.

فرانسه و کنفرانس سوسیالیستها

شنبه ۲ و یکشنبه ۳ ژوئن - این دو روزه مذاکرات مفصل راجع به تصمیم سوسیالیستها در اعزام نماینده به کنفرانس استکهلم در مجلس فرانسه در

۱. برای آگاهی از متن این نامه بنگرید به اسناد ضمیمه، سند شماره ۹.

میان بوده. رئیس‌الوزرای فرانسه مسیو ریو اظهار کرده دولت تذکره به نمایندگان سوسیالیست نخواهد داد که به استکهلم بروند. تا خاک فرانسه از دشمن خالی نشود، غیرت فرانسوی مانع از این است که افرادی از نمایندگان آن یک سر میز نشسته، مذاکرات صلح به میان آورند. برحسب تقاضای سوسیالیستها جلسه مجلس ملی سری شده بقیه مذاکرات در مجلس سری به عمل آمده است. اوضاع روسیه به شدت تاریک و از قرار بعضی راپورتهای علائم ارتجاع هم در آنجا نمایان شده است. آتش جنگ در طرف ایتالیا عجالتاً قدری از حدت خود کاسته است.

دوشنبه ۴ ژوئن - امروز بیشتر از وقت خود را صرف مکاتبه با استانبول کردم. نامه‌ای به آقای نظام السلطنه نوشته و تبریک ورود گفتم. جواب نامه‌های دیگر به آقایان ماژور حبیب‌الله خان شیانی و حاج عزالمالک و میرزا قاسم خان صور و سالار معظم مافی نوشته در جوف نامه به آقای طباطبایی گذاشته و توسط علی بیک باش همپا در استانبول توسط سفارت عثمانی فرستادم.

فصل گردش

سه شنبه ۵ و چهارشنبه ۶ ژوئن - امروز به سمت شرقی برلن برای گردش رفتم. تمام روز را بیرون بودم. قسمت شرق برلن هم جاهای خوب و باصفا دارد، همه جای آن سبز و قابل گردش است. چهارشنبه ششم را بیشتر روز با آقایان نواب و میرزا جوادخان قاضی در طرف غربی برلن در گردش بودیم و از آنجا به پوتسدام رفتیم. هوا بسیار مناسب این گونه گردشها است و بسیار جای افسوس است که انسان این اوقات را داخل منزل صرف کند. زمستان سخت و ممتد در عقب، تابستان به سرعت می‌آید، استفاده از چنین فصل و هوا برای صحت مزاج لازم است، به خصوص در جاهایی که معلوم نیست هوای معتدل و خوب چقدر طول می‌کشد.

وضع فرونتها

پنجشنبه ۷ ژوئن - امروز محاربه سخت در طرف فلاندر و فرونت انگلیسیها شروع شده، حمله از طرف انگلیسها و دفاع از طرف آلمانها است. در فرونت ایتالیا قشون ایتالیا مختصر شکستی خورده و چند هزار اسیر داده‌اند. در این هوای معتدل به احتمال زیاد در فرونتها فعالیت متفقین بیشتر می‌شود و آلمانها و اتریشیها به مدافعه خواهند پرداخت. صدراعظم فرانسه در مجلس سنا نطقی کرده می‌گوید تا آلمانها آژاس و لرن را استرداد نکنند فرانسه دست از جنگ نخواهد کشید. این اظهار در حقیقت علیه سیاست امروزه حکومت روس است که سوسیالیستها و کارگران نفوذ کامل در آن دارند.

حمله سخت انگلیسیها

جمعه ۸ ژوئن - دیروز انگلیسها حمله بسیار سختی در طرف فلاندر به آلمانها کرده و در چندین محل استحکامات آلمانها را در تصرف آورده‌اند. چند روز بود که انگلیسها این قسمت را زیر آتش توپخانه گرفته بودند و در بعضی جاها هم دینامیت زیادی گذاشته و منفجر کرده و بعد به حمله پرداخته‌اند. از قرار راپرت خودشان متجاوز از شش هزار اسیر جنگی و بیست عراده توپ گرفته‌اند.

کنفرانس استکهلم

به قرار اظهارات آقای عزت‌الله هدایت که شب پیش از استکهلم برگشته [زمان] انعقاد کنفرانس سوسیالیستها در آنجا هنوز معلوم نیست. جمعی از سوسیالیستها در آنجا گرد آمده‌اند. یکی از سوسیالیستهای هلندی اظهار عقیده کرده که پیشنهاد نماینده ایران باید از طرف سوسیالیستهای روس و انگلیس باشد که بشود در جلسه مطرح مذاکره قرار گیرد. در استکهلم

منزل به سختی به دست می‌آید، مخارج زندگی هم سنگین است. نان بسیار گران و نایاب است. آقای مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در پترزبورگ خانمش را به استکهلم فرستاده، [چون] از انقلاب آنجا خوف داشته است. چند نفر از ایرانیها هنوز در پترزبورگ می‌باشند، از آنها یک نفر حریری نام با روسهای انقلابی ارتباط کامل دارد. در سوئد عموماً احساسات بر له آلمانها است. ولی سوسیالیستها علیه آلمانها هستند. در استکهلم عده‌ای از اشخاصی که از روسیه بدانجا آمده‌اند دیده می‌شوند و اینها از آتیه روسیه اظهار یأس می‌کنند.

ناامیدی ایرانیان

شنبه ۹ تا دوشنبه ۱۱ ژوئن - پیش از ظهر شنبه مدتی با آقایان علوی و اعظم‌السلطنه در گردش بودم. از قرار گفته این آقایان اخیراً قنصل عثمانی وجهی برای آقای نواب فرستاده که به ایرانیهای بی بضاعت در برلن تقسیم کند و این کار را آقای نواب به آقای اعظم‌السلطنه محول کرده. بعد از ظهر همین روز با آقای نواب قدری گردش کردم، از ایران اطلاع مهمی نداشتند. محاربه فلاندر هنوز ادامه دارد ولی فتحی نصیب انگلیسیها نشده است.

یأس ایرانیان

پیش از ظهر یکشنبه مدتی با آقایان میرزا محمدخان قزوینی و پور داوود و میرزا رضاخان تربیت در گردش و صحبت بودیم. این آقایان از آتیه به کلی مأیوس هستند. پیش از ظهر دوشنبه مدتی با آقای نواب مشغول گردش بودم. نامه‌ای از آقای مفخم‌الدوله توسط ایشان برای اینجانب رسیده، در این نامه می‌نویسد که از وزارت خارجه تقاضا کرده که او را از پترزبورگ به رم بفرستند و اگر به مأموریت هم نمی‌فرستند اجازه یک مرخصی

ممتدی به او بدهند که به این مسافرت برود. بعد از ظهر همین روز به جنگل گرونه‌والد رفتیم. هوا خوش و معتدل است و مدتی است که بارندگی نشده است.

استعفای پادشاه یونان

سه شنبه ۱۲ تا پنجشنبه ۱۴ ژوئن - در نتیجه فشار و اولتیماتوم متفقین به دولت یونان پادشاه آن کشور مجبور به استعفا شده و سلطنت را به پسر دوم خود واگذار کرده است. روزنامه‌ها شرح مفصلی از او و تاریخ اخیر یونان می‌نویسند. تحت‌البحریهای آلمان این روزها بر جدیت خود افزوده‌اند. شب پنجشنبه آلمانها با طیاره حمله سختی به لندن کرده و خسارات زیادی وارد کرده‌اند و متجاوز از پانصد نفر کشته و زخمی شده‌اند.

توطئه علیه نظام السلطنه

از قرار اخبار واصله توطئه‌کنندگان علیه آقای نظام السلطنه لدی‌الورود به استانبول توقیف شده‌اند. ولی در نتیجه اقدامات آقای احتشام السلطنه سفیر کبیر ایران آنها را آزاد کرده‌اند. هوا به بیست و شش درجه سانتیگراد رسیده است. باران نیامده و خشکسالی باعث ترس مردم شده است.

انتخابات پترزبورگ

جمعه ۱۵ ژوئن - اوضاع روسیه بسیار تاریک و باعث ترس متفقین شده است. چند ایالت روسیه آزادی خود را اعلان و پرچم استقلال برافراشته‌اند. سوسیالیستها پیوسته در تزاید [ند] و انتخابات پترزبورگ را برده‌اند. مطبوعات انقلابیون نسبت به اظهارات اخیر صدراعظم فرانسه اظهار انزجار نموده و صحبت صلح جداگانه را به میان آورده‌اند که جنگ در طرف روسیه به کلی از میان برداشته شود.

ضیاءالدین هندی

شنبه ۱۶ ژوئن - یک نفر هندی به نام ضیاءالدین که مدتی در ایران بوده و اخیراً وارد برلن شده است، به دیدن اینجانب آمده از اوضاع اخیر ایران مفصل صحبت کرد. ضیاءالدین با فن‌کار دورف از اصفهان حرکت [می‌کند] و به بختیاری می‌رود. اول به منزل ضرغام السلطنه وارد [می‌شود] و بعد به منزل بی‌بی خانم خواهر سردار اسعد رفته در آنجا منزل می‌کند. بختیارها دو دسته می‌شوند. بی‌بی خانم و پسر صمصام السلطنه جداً از کار دورف حمایت و دسته دیگر را مغلوب می‌کنند. یک نفر انگلیسی هم که با یک قوه‌ای به بختیاری آمده بود موفقیت حاصل نمی‌کند، سوارهای بختیاری با کار دورف به اصفهان حمله برده [اند] ولی در آنجا شکست می‌خورند. سپس ضیاءالدین و کار دورف به طرف قشقایی رفته و بعد به کرمانشاه می‌آیند. از قرار گفته ضیاءالدین میان نادولنی نماینده آلمان و نظام السلطنه سخت کشمکش بوده [است] و این اواخر قبل از حرکت آنها روابطشان قطع شده بود. نادولنی با ایرانیان مخالف نظام السلطنه ارتباط نزدیک داشت و خود ضیاءالدین نیز با آنها ارتباط داشت. پس از رسیدن خبر سقوط بغداد نادولنی فوراً با ایرانیهایی که با او همراه بوده‌اند حرکت می‌کند و به نظام السلطنه هم خبر نمی‌دهد. روز بعد که عثمانیها خبردار می‌شوند با نظام السلطنه حرکت می‌کنند.

ایرانیان در کرکوک و موصل

در این حرکت وسائل حمل و نقل به سختی فراهم می‌شود. در قصر شیرین میان صاحب‌منصبان آلمان، رؤسای ژاندارم و عثمانیها...^۱ به زد و خورد منجر شد. بالاخره به هر طوری که بوده خودشان را به کرکوک می‌رسانند. در آنجا باز مذاکرات سخت میان نظام السلطنه و عثمانیها از

۱. محر مطالب در فتوکپی (شاید: گفتگوهای پیش آمد و).

یک طرف و صاحبمنصبان آلمانی و ژاندارمها از طرف دیگر شروع [می شود] و بالاخره تمام ژاندارمها را به سلیمانیه فرستاده و حکم می شود که یک نفر ایرانی در کرکوک نماند. در موصل میان ایرانیها اختلافات شدید رخ می دهد. بعضی می گویند در آنجا بمانند و برخی قصد حرکت داشته اند. بالاخره آقایان سلیمان میرزا و مساوات و کزازی و دهخوارقانی و بهاءالواعظین و دارودسته آنها در موصل مانده سایرین به طرف استانبول حرکت می کنند.

دو دستگی ایرانیان

در موصل آقای مدرس سخت علیه آلمانیها صحبت می کند. در حقیقت دو دسته می شوند. دسته سلیمان میرزا موافق آلمانیها و دسته مدرس مخالف آنها. آقای نظام السلطنه و دو پسرش و میرزامحمد علی خان کلوب و ادیب السلطنه و ناصرالاسلام [رشتی] و میرزا قاسم خان و عده ای دیگر مستقیم به طرف استانبول حرکت می کنند. در استانبول پذیرایی شایانی از آنها می شود و نظام السلطنه مهمان رسمی دولت عثمانی است. روابط نادولنی با آقای احتشام السلطنه خیلی دوستانه است. آقایان کلوب و ادیب السلطنه در استانبول از هیئت حکومت موقتی استعفا داده [اند] و به جای آنها دو نفر دیگر انتخاب شده اند.

نظر تهران و نواب

یکشنبه ۱۷ ژوئن - پیش از ظهر آقای نواب تلفن کرد که لازم [است] همدیگر را ملاقات کنیم. قرار شد که برای ملاقات ایشان به سفارت بروم. از قرار معلوم از تهران تلگرافی در تأکید رفتن نگارنده به استکهلم به ایشان رسیده است. عقیده شخصی خودشان هم بر این بود که در هر صورت رفتن نگارنده به استکهلم حائز اهمیت است، زیرا چه کنفرانس

بشود و چه نشود، موضوع استقلال و آتیه ایران در میان آمده [است] و یک صورت جدی به خود می گیرد و دیگر موقعی مناسب تر از امروز نیست با آتش انقلابی که در روسیه شعله ور گردیده است. اگرچه آقای نواب این موضوع را تأیید نکردند ولی از قرار گفته ایرانیها، مختصر انقلابی هم در تهران ایجاد شده و مدیر روزنامه عصر جدید را در تهران کشته و تغییراتی به نفع چپی ها در قانون انتخابات داده شده و شاید عنقریب کابینه هم تغییر کند. تصمیم گرفته شد که هرچه زودتر وسائل مسافرت را تهیه کرده و به طرف استکهلم حرکت کنم.

وزیر امور خارجه سوئیس

دوشنبه ۱۸ تا چهارشنبه ۲۰ ژوئن - اخیراً میان آلمانها و حکومت حالیه روس مذاکراتی راجع به صلح توسط وزارت خارجه سوئیس به عمل آمده است. تلگراف رمز وزیر خارجه سوئیس به وزیر مختار خودشان در پترزبورگ به دست متفقین افتاده، [آن را] چاپ و اشاعه داده اند. در نتیجه غوغایی میان متفقین بر ضد وزیر خارجه سوئیس برپا شده و در نتیجه وزیر نامبرده استعفا داده و مورد حملات سخت متفقین و طرفداران آنها شده است. ولی دولت سوئیس بی طرفی خود را حفظ کرده و خود را در این امر اصلاً داخل نمی داند و مسئولیت را به گردن شخص وزیر خارجه انداخته است.

دستور صدور تذکره

روز سه شنبه پیش از ظهر به فن ویزندونگ تلفن کردم که او را از حرکت خود و صدور تذکره مطلع نمایم. موقتاً در اداره نبود. روز بعد ظهر او را ملاقات و در خصوص کنفرانس استکهلم با او مذاکره کردم. عقیده او هم تقریباً عقیده شخص آقای نواب است. می گوید رفتن نگارنده به استکهلم

در هر صورت فایده دارد که صحبتی از ایران بشود. در حقیقت مقدمه‌ای است برای حفظ استقلال ایران در مذاکرات بین‌المللی. نامه‌ای به اداره تذکره نوشت که کار تذکره مرا فوراً صورت دهند و به سرحد هم تلگراف کنند که تسهیلات لازم در مورد مسافرت اینجانب را رعایت کنند. در این صورت دو روزه کار تذکره درست خواهد شد. می‌گفت نادولنی در استانبول مشغول تصفیة امور ایرانیان می‌باشد و کوشش دارد بلکه آنهایی را که از سیاست آلمان شاکی هستند تحیب کند.

آماده شدن تذکره

پنجشنبه ۲۱ تا شنبه ۲۳ ژوئن - صبح پنجشنبه از اداره تذکره وزارت خارجه تلفن شد که کار تذکره شما تمام و تذکره شما حاضر است] و به سرحد هم تلگراف لازم شده است و مطمئن باشید که مزاحم شما نخواهند بود. بعد از ظهر به مختصر تدارکی برای حرکت پرداختم. کمی کرون سوئد خریداری شد. هر یکصد کرون به دویست و سه مارک در صورتی که در زمان صلح صد کرون سوئد صد و هشت مارک بوده است.

وضع زندگی در استکهلم

روز جمعه بعد از ظهر ماژور پوست سوئدی که جزء افسران سوئدی در خدمت ایران بوده، به ملاقات آمد] و مدتی با او صحبت کردم. اطلاعاتی از زندگی در سوئد و به خصوص زندگی در استکهلم در دسترس نگارنده گذاشت. چند آدرس هم از آشنایان خود که در استکهلم مقیم هستند داد که اگر لازم شد به نگارنده کمک خواهند کرد. نیز آدرس چند نفر از افسران سوئدی که در ایران بوده اند] و حالا در استکهلم یا اطراف آن شهر منزل دارند به نگارنده داد که آنها را اگر احتیاج شد ملاقات کنم.

خرید بلیت

شنبه پیش از ظهر مدتی با آقای نواب بودم باز در جزئیات مسافرت استکهلم با هم صحبت کردیم. بعد از ظهر بلیط راه آهن تا مرز [را] خریداری کرده و خود را برای مسافرت حاضر کردم که اگر عایقی روی ندهد فردا صبح ساعت نه و نیم از برلن به طرف استکهلم حرکت می‌کنم. با آقای علوی و چند نفر از ایرانیان مراسم خداحافظی بجا آوردم. نامه‌ای نیز به آقای طباطبائی به استانبول از حرکت خود برای اطلاع ایشان نوشته و به توسط آقای نواب فرستادم.

هوای استکهلم

دوشنبه ۲۵ ژوئن - صبح ترن ما ساعت ده وارد گار شد. مستقیماً به هتل امپریال رفتیم. پس از قدری استراحت به سالن هتل رفتیم. حمیدخان پسر آقای امیرنظام را ملاقات کردم. تقریباً تمام روز را با اینجانب بود. هوای استکهلم هم بالنسبه گرم [بود] و چندان تفاوتی با هوای برلن ندارد. عصر قدری باران آمد و هوا را سرد کرد. وقت این جا یک ساعت عقب‌تر از وقت برلن است. شب در استکهلم تقریباً تاریک نمی‌شود. میان ساعت یازده و دوازده کمی تاریک شده دوباره روشن می‌شود. ساعت شش صبح خورشید طلوع [می‌کند] و تقریباً تا ساعت نه بعداز ظهر غروب نمی‌کند. فوراً بعد از ظهر چند نامه به تهران نوشته و پست کردم.

دفتر کارگران روسی

ساعت پنج بعداز ظهر به شعبه اداره کارگران و سربازان روسی که اخیراً در استکهلم باز شده رفتیم و نماینده آنها را که یک جوان است ملاقات کرده مدتی با او راجع به ایران صحبت کردم و یک نسخه از اعلامیه‌ای که در برلن تهیه و طبع شده بود به او دادم و سفارش کردم که به پترزبورگ بفرستد. از قرار گفته او اظهارات «فرقه دموکرات ایران» را که قبلاً به انجمن کارگران روسیه شده در روزنامه ارگان خودشان درج کرده‌اند؛ شکایتی است که کمیته دموکرات ایران از رفتار مأمورین روسی کرده [اند] و تغییر آنها را خواستگار شده‌اند. و گفت عنقریب ارگانی به زبان فرانسه و انگلیسی و آلمانی از طرف کارگران روسیه منتشر خواهد شد.

نصایح سوسیالیستهای آلمانی

سه شنبه ۲۶ ژوئن - صبح پس از صرف صبحانه که پس از زندگی برلن خیلی نمایان بود (مرکب از قهوه با شیر و سرشیر و دو سه قسم گوشت‌های سرد و دو عدد تخم‌مرغ و دو قسم پنیر و ماهی) به هتل کتینانتال که محل

شرکت در کنفرانس استکهلم

ورود به سوئد

یکشنبه ۲۴ ژوئن - صبح زود پس از صرف صبحانه به استاسیون واقع در شمال برلن رفتیم. ترن ساعت نه و نیم به طرف بندر ساسنیتز حرکت کرد. از برلن تا لب دریای بالتیک، بندر ساسنیتز هشت ساعت راه است. ساعت چهارونیم بعداز ظهر به بندر وارد شده به محل کنترل تذکره و گمرک ااثیه سفر رفتیم. چون قبلاً تلگرافی از وزارت خارجه سفارش شده بود، تنها شماره تذکره اینجانب را ثبت کرده با احترام گذراندند. اسباب سفر را تفتیش نکردند. ساعت پنج و نیم با کشتی سوئدی بندر حرکت کردیم. دریا صاف و آرام و هوا خوش و آفتابی بود. چهار ساعت سفر دریا بسیار خوش گذشت. عده مسافری آن زیاد نبود. سه نفر از ترکان هم برای کنفرانس می‌آمدند. ساعت ده از بندر تریلبرگ سوئدی به طرف استکهلم حرکت کردیم. شب را در کمال راحتی در اطاق خواب ترن استراحت کرده، صبح ساعت ده به وقت محل وارد استکهلم شدیم.

اقامت مأمورین سوسیالیستهای آلمان به نام کارسکی و هازه و یک نفر دیگر رفته، با هر سه نفر صحبت کردم. اول کارسکی نبود ولی بعد به دیگران ملحق شد. ابتدا به زبان فرانسه و آلمانی حرف می‌زدیم و بعد انگلیسی شروع کردیم. دو نفر از آنها خیلی خوب انگلیسی می‌دانند. خلاصه نظریات آنها این است که حالت ایران خیلی جالب نظر است و یقیناً جاذب نظر کنفرانس خواهد بود. ولی خوب است نظر ایرانیان را به طریق خلاصه و ساده پیشنهاد هیئت عامله کنفرانس بکنیم. رعایت بی‌طرفی کامل بایستی بشود. چون طرف ایران روس و انگلیس است بایستی نظر آنها را هم ملاحظه کرد. به هیچ قسم نظری از آلمان یا کشورهای بی‌طرف در آن نباشد که کار را به اشکال خواهد انداخت. ایران به واسطه قدمت و سابقه خدمت به عالم تمدن و انسانیت حق دارد ملیت و استقلال خود را حفظ کند.

نامه به مفخم‌الدوله

اعلامیه ما را که در برلن حاضر کرده‌ایم قبلاً خوانده بودند. اگر چه بعضی مطالب آن خارج از دایره نظریات آنها است مع هذا با مفاد آن همفکری دارند. پس از مذاکرات زیاد که تقریباً یک ساعت طول کشید وعده دادند در موقع خودش همراهی بکنند. سپس به هتل برگشته نامه‌ای مفصل به آقای مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در پترزبورگ نوشته از مسافرت و نیات خودمان مشروحاً مذکور [داشتم] و استمداد از ایشان کردم که از اوضاع ایران و چگونگی حال روسیه و مخصوصاً راجع به تسهیل موفقیت کارها هر چه زودتر نگارنده را مطلع [کند] و نظریات خودشان را هم اظهار دارند.

ملاقات پترسن

یک ساعت به ظهر مانده کاپیتان پترسن افسر سوئدی که مدتی در ایران

بوده و حالا در استکهلم مقیم است آمد و مفصلاً صحبت کردیم. کاپیتان نامبرده بسیار ایران دوست و مایل است کار در اینجا پیشرفت کند. بعد از رفتن پترسن با حمیدخان به قونسولخانه ایران رفتم. خود قنصل ناخوش و خوابیده است، منشی او که جوانک خوش سیمایی است ما را پذیرفته مهر قونسولخانه را بر روی پاکت مفخم‌الدوله زد که خودمان با پست سفارشی بفرستیم.

نظریات نایب سفارت انگلیس

ساعت چهار بعداز ظهر مستر کنارد نایب سفارت انگلیس در استکهلم به ملاقات اینجانب آمد و خود را به زبان فارسی معرفی کرد. اگر چه به قول خودش سه سال در تهران بوده او را به هیچ وجه در تهران ندیده بودم. مردی است بلندبالا، لاغر و زردمو، خیلی شکل انگلیسی دارد. گفت مصاحبی داشتم ایرانی جواد نام. یک ماهی است به طرف ایران حرکت کرده و چون اسم شما و ورود شما را در روزنامه امروز استکهلم خواندم و خیال کردم از ایران و از طریق روسیه می‌آیید، آمدم به دیدن شما تا از شما احوال جواد را بپرسم. حالا بفرمایید از راه روسیه یقیناً تشریف آورده‌اید. بدین طریق آقای نایب سفارت انگلیس خواست از اینجانب اطلاعاتی که می‌خواست کسب کند. بدیهی است نگارنده در عالم سیاست این قدر ساده نبودم و مفت‌بازی نمی‌کردم. فوراً صحبت را به مطالب عمومی کشانده از جواب و سؤال مستقیم احتراز کردم. می‌گفت خیلی جای تأسف است که قرارداد ۱۹۰۷ میان روس و انگلیس سیاست انگلیس را در ایران تغییر داده [است] ولی امیدوار است که بعد از جنگ ایران به حالت خودش واگذار شود. سپس صحبت ما به ادبیات ایران و شمس تبریز و حافظ و سعدی کشانده شد. از پروفیسور براون و چند نفر از مستشرقین که در ادبیات ایران کار کرده‌اند صحبت کرد. پس از صرف چای کنارد برخاست و خداحافظی کرد. گفتم انشاءالله در آتیه زمانی که

هوای سیاست قدری روشن تر [شد] و روس و انگلیس نسبت به ایران سیاست خود را تغییر دادند اگر ایشان به تهران آمدند آن وقت بازدید این ملاقات را در تهران از ایشان با کمال مسرت خواهم نمود.

دوئل با حیدرخان

بعد از شام با حمیدخان به باغ بیرون شهر استکهلم رفته تا ساعت دوازده گردش می کردیم. حمیدخان شرحی از نزاع خودش با حیدرخان عمو اوغلی صحبت کرد. گفت چند شب قبل در سر شام سخت با او طرفیت پیدا کرده گویا کار به دوئل می کشد. برای دوئل به بیرون شهر می روند، حمیدخان می خواهد با مشت جنگ کند ولی حیدرخان با چاقو. بالاخره هر طرف به دیگری آب دهان پرتاب کرده و به این ترتیب ماجرا ختم می شود. هنوز حیدرخان عمو اوغلی را ندیده ام.

رئیس کنفرانس

چهارشنبه ۲۷ ژوئن - پیش از ظهر برای ملاقات برن تین رئیس سوسیالیستهای سوئیس که رئیس کنفرانس بین المللی سوسیالیستها هم می باشد به اداره روزنامه سوسیالیست دموکرات که ارگان برن تین است و کنفرانس در آنجا باید منعقد بشود رفتم. ولی به ملاقات خود برن تین موفق نشدم. معلوم شد در همان وقت با ایرلندیها مشغول مذاکره بوده است. برن تین به طور کلی طرفدار انگلیسیها و مخالف آلمانها می باشد و به واسطه او عده ای از سوسیالیستها و کارگران سوئدی علیه آلمان شده اند. مقارن ظهر به هتل برگشته چند عدد نامه به تهران نوشته و توسط قونسولخانه ایران فرستادم.

اخبار تهران

بعد از ظهر به قونسولخانه ایران رفته در آنجا دو نفر کلیمی را که اخیراً از

تهران آمده اند ملاقات کردم. می گفتند کمی کمتر از یک ماه قبل، از تهران حرکت کرده اند. از اوضاع تهران از آنها پرسیدم. از قرار معلوم قشون روس تا شاه آباد جلو رفته [اند] و در آنجا مقیم هستند و طرف جنوب هم تا اصفهان را اشغال کرده اند. بواسطه خرید گندم که روسها می خریدند نان در تهران خیلی کم شده [است] و به یک من پنج شش قران فروخته می شود. مغازه ها خالی و جنس نایاب است، ماهوت به ذرعی هشت تا ده تومان و کفش به جفتی ده تا پانزده تومان رسیده است. تخمه سیری سه شاهی شده است. همه چیز به همین مقدار بالا رفته است. در قونسولخانه از اینجانب پرسیدند که آیا این دو نفر را می شناسم و اگر ممکن است از قونسولخانه آلمان سفارشی برای آنها گرفته [شود] که مسافرت آنها از طریق آلمان به سوئیس سهل شود.

ملاقات ایرانیان

پنجشنبه ۲۸ ژوئن - امروز روزنامه معروف استکهلم داگنریش تاگ عکس نگارنده را با شرح زندگانی نگارنده منتشر کرده بود و نیز مفاد یادداشتی که برای کنفرانس سوسیالیستها تهیه و چاپ شده نیز درج کرده است. بعد از ظهر در رستوران [با] آقای غلامعلی انصاری قدری از اوضاع تهران صحبت کردیم. آقای انصاری جزء شاگردهای نظامی ایرانی در فرانسه بوده و در فرانسه تحصیلات خود را به پایان رسانده است، از تهران به اینجا آمده و عجلتاً در استکهلم متوقف [است]. ولی خیال مراجعت به ایران را دارد. نیز آقای میرزا ابوالحسن خان برادر مرحوم ثقة الاسلام تبریزی را که نایب سفارت پترزبورگ است در همین رستوران ملاقات کردم. میرزا ابوالقاسم خان با خانم مفخم الدوله به استکهلم آمده است. می گفت خانم مفخم الدوله به سختی ناخوش است. شرحی راجع به ایران و اوضاع ایران و پترزبورگ صحبت کرد.

استعفای وثوق الدوله

از قرار گفته او کابینه وثوق الدوله از ترس کمیته مخفی، مستعفی [شد] و یک کابینه مشترک به عضویت مستوفی الممالک و مشیرالدوله و مؤتمن الملک و مستشارالدوله و جمعی دیگر از رؤسای مشروطیت تحت ریاست علاء السلطنه تشکیل [شد]. خود علاء السلطنه وزارت خارجه و مستشارالدوله وزارت داخله را تحت سرپرستی قرار داده اند و مستوفی الممالک وزیر مشاور می باشد.

اخیراً در تهران چند نفر را از قبیل متین السلطنه و میرزاحسن ترور کرده اند. از قرار معلوم عنقریب انتخابات در تهران شروع می شود. در تبریز کمیته ای به نام «کمیته سوسیالیست دموکرات» تأسیس [شده است] و خیال دارند عنقریب عذر قنصل روس را بخواهند.

اوضاع روسیه

از اوضاع روسیه می گفت، سختی معاش به اعلاء درجه رسیده، مردم به کلی خسته و طالب صلح می باشند و پیوسته نفرت از متفقین زیاده می شود. در جراید روسیه علناً علیه انگلیس و فرانسه قلم فرسایی می شود. دیسیپلین از قشون روسیه برداشته شده و روس دیگر وضع حمله ای در جنگ نخواهد داشت. آزادی هر روز در حال بسط است. کارگران بیش از روزی چهار پنج ساعت نمی خواهند کار کنند. آقای مفخم الدوله وزیر مختار ایران در روسیه استعفا داده [است] ولی از قرار معلوم وزارت خارجه استعفای او را قبول نکرده اند، در هر صورت خیال حرکت از پترزبورگ را دارد.

حمام سوئدی

بعد از ظهر به حمام مرکزی استکهلم رفتیم. در حمامهای اینجا زنهای

بالتسبه پیر کارگری می کنند. حمامهای متعارفی آب گرم است و فقط دلاک زن لیف و کیسه می کنند. چندان هم گران نیست. تقریباً دو کرون سوئدی معادل پنج قران.

آتیة روسیه

چای عصر را با مبعوثین عثمانی صرف کردم. در گراند هتل منزل دارند. شام را میرزا ابوالحسن خان نامبرده با اینجانب صرف کرد. در سر شام نیز مفصل از اوضاع روسیه صحبت می داشت. به عقیده او آتیة روسیه بسیار تاریک است.

عقیده سوسیالیستهای آلمانی

جمعه ۲۹ ژوئن - امروز روزنامه معروف استکهلم به نام استکهلم تاگ بلاد مقاله مفصلی راجع به ایران درج کرده است و در آن شرحی از اجحافات روسیه در ایران و تخطیات مأمورین روسیه در ایران ذکر می نماید. تقریباً چهار ستون روزنامه را گرفته است. بسیار خوب نوشته و یقیناً بی اثر نخواهد بود. ساعت ده به ملاقات هیرمولر نماینده سوسیالیستهای آلمان در مجلس ملی آن کشور رفتیم. نماینده های سوسیالیست آلمان مأمور استکهلم نه نفر بودند، هشت نفر برگشته [اند] و هیرمولر را به نمایندگی انتخاب کرده اند. مولر هم می گفت هفته بعد می خواهد برای جلسه پارلمان به برلن مراجعت کند. قدری با هیرمولر راجع به ایران صحبت کردم. می گفت علت اینکه اسم ایران را در پروگرام خود نگذاشته ایم به ملاحظه این بوده [است] که ایران کشوری است مستقل و صحیح نیست نام آن با ممالک زیریا رفته توأم شود. ولی در موقع خود ایران را فراموش نخواهیم کرد. از رامزی مکداندل تعریف می کرد و می گفت با روسهای سوسیالیست مکاتبه دارد و مراسلات را به وسیله قاصد مخصوص رد و

بدل می‌کنند. بعد از ظهر میرزا ابوالحسن خان را ملاقات [کردم]، می‌گفت مفخم‌الدوله از پطرزبورگ مستعفی و مأمور رُم شده است. تمام اعضای سفارت ایران در پطرزبورگ تغییر خواهند کرد. خود ابوالحسن خان هم تا دوشنبه به پطرزبورگ مراجعت می‌کند.

تهیه مقاله

شنبه ۳۰ ژوئن - پیش از ظهر دو نفر از نمایندگان عثمانی به دیدن نگارنده آمده ساعتی با آنها صحبت می‌کردم. از قرار معلوم متفقین موضوع ارامنه را در اینجا به پروپاگاندا گذاشته و زمینه حمله شدیدی را به عثمانیها حاضر کرده‌اند. بعد از ظهر مقاله بالنسبه مفصل راجع به نظریات ملیون و آزادیخواهان ایران و سوء سیاست روس و انگلیس راجع به ایران حاضر کرده که پس از ترجمه به زبان سوئدی برای درج روزنامه‌جات استکهلم فرستاده شود. چند نامه نیز به تهران نوشته [شد] که به توسط قونسولخانه ایران در استکهلم فرستاده شود.

نمایندگان عثمانی

یکشنبه ۱ ژوئیه ۱۹۱۷ - صبح زود چائوی هندی و هیل ایرلندی را ملاقات کردم. از قرار گفته آنها نماینده‌های سوسیالیستهای روس تا روز سه‌شنبه وارد استکهلم می‌شوند. بایستی از پطرزبورگ حرکت کرده باشند. از همراهی که اکثر سوسیالیستها با انگلیسها دارند شکایت می‌کرد. از قرار اظهار اینها حتی چند نفر از سوسیالیستهای آلمان هم به انگلیسها تمایل دارند. سپس به گراند هتل به ملاقات نمایندگان عثمانی عاقل مختاریک و علی حسن‌بیک رفتم. تمجید از اعلامیه ما که در روزنامه‌های سوئدی درج شده بود می‌کردند که هم خوب و هم صحیح نوشته شده و رویهمرفته برای مردم عثمانی هم مفید است و می‌توانند از آن استفاده

کنند. از قرار معلوم عاقل مختاریک با طلعت‌پاشا به برلن آمده و نماینده کمیته سوسیالیستها در استانبول می‌باشد. قرار گذاشتم هر وقت آنها به سفارت عثمانی برای دیدن وزیر مختار می‌روند با هم برویم. فعلاً وزیر مختار کسالت دارد و کنار دریا نیم ساعتی استکهلم می‌باشد.

زالس بادن

ساعت یازده صبح با حمیدخان به زالس بادن که بیلاق استکهلم می‌باشد و نیم ساعت با شهر فاصله دارد، رفتم. از مقابل قصر سلطنتی به کشتی نشسته، یک ساعت و نیم تا آنجا در آب می‌رود. تمام راه راکشتی از داخل تنگه‌ها و جاهای بسیار باصفا می‌گذرد که چشم را لذت به خصوص می‌دهد. در زالس بادن در گراند هتل آنجا نهار صرف کرده و ساعتی استراحت کردیم. خانم مفخم‌الدوله در همین هتل منزل دارد. میرزا ابوالحسن خان [را] هم که در اینجا است ملاقات کردیم. باز مفصل از اوضاع روسیه صحبت می‌کرد. از قرار معلوم همین دو روزه به پطرزبورگ می‌رود. ولی خانم مفخم‌الدوله می‌ماند تا خود او بیاید و با هم به ایتالیا بروند.

گرفتاریهای روسیه

گفته‌های او راجع به روسیه با مندرجات روزنامه‌ها راجع به آن کشور تطبیق دارد. به‌طور کلی فقدان نظم، عدم مرکزیت، وجود آنارشی، برطرف بودن دیسیپلین، احساسات حاد علیه متفقین، تمایل عموم مردم به صلح و دست دراز کردن به طرف آلمانها، مرتفع بودن ارگانیزاسیون، ناامنی طرق و شوارع در روسیه حکمفرما است. از قنسول ایران در بادکوبه خیلی شکایت می‌کرد. در آنجا افتضاح غریبی واقع [شده]، ایرانیها جمع شده و می‌خواستند قونسولخانه را خراب کنند.

حملات روسها

ساعت نه و چهل دقیقه بعد از ظهر باترن به استکهلم برگشتم. واندرولد بلژیکی نماینده سوسیالیستهای بلژیک امشب از استکهلم حرکت کرده است. صبح خواستم او را ملاقات کنم ولی موفق به ملاقات او نشدم. از قرار خبری که امروز از طرف روسیه رسیده روسها در طرف گالیسیای شرقی به حملات پرداخته‌اند. یقیناً این حمله از طرف روسها با فشار انگلیسها صورت گرفته است. از قرار راپرت روزنامه‌ها نمایندگان روسیه پس فردا وارد استکهلم می‌شوند.

ملاقات با منشی کنفرانس

دوشنبه ۲ ژوئیه - صبح ساعت ده و نیم ملاقات مفصل و مهمی با هوئسمان بلژیکی منشی کنفرانس به جا آوردم. اوضاع ایران و تخطیات روس و انگلیس نسبت به ایران و تقاضاهای خودمان را به طریق اختصار برای او بیان کردم و خیلی ملاحظه کردم بیانات اینجانب از روی بی طرفی باشد که برخوردی به متفقین نکند. نظریات راجع به انگلیسها و روسها هم که اظهار شد تا حدی ملایم بود. ولی به سیاستی که این دو دولت راجع به ایران اتخاذ کرده [اند] حمله کردم. پرسید موسیو نوس بلژیکی چه نوع آدمی بود، گفتم آدم باهوش و فعالی بود ولی متأسفانه آلت دست روسها شده بود. گفت با انگلیسها همراهی می‌کرد. گفتم گمان نمی‌کنم زیرا در آن روزها سیاست روس و انگلیس در ایران بر ضد همدیگر کار می‌کرد و موسیو نوس در دست روسها بود و به توسط او مقررات مفیدی به نفع روسها در وضع گمرکی ایران ایجاد شد. گفت مخصوصاً استفسار حال موسیو نوس را کردم برای اینکه ما هر دو از یک محل و با هم آشنا هستیم. می‌گفت من هم خیلی با او صحبت کرده و سعی کردم مسلک او را راجع به ایران تغییر دهم. موسیو هوئسمان در جواب اظهارات نگارنده

گفت من شخصاً با ایران و نظریات شما همدردی دارم، مکرر هم راجع به ایران صحبت کرده‌ام و با انگلیسها هم مذاکره و تا حدی آنها را هم همراه نموده‌ام. خوب است شما خودتان را به کلی بی طرف نموده و داخل کشمکش بین‌المللی امروزی نشوید. از کارکنان آلمانی هم اجتناب نمایید. در پایان مذاکرات ما موسیو هوئسمان این یادداشتها را برای خود در کتابچه ثبت نمود.

اول. عنقریب که به پترزبورگ می‌رود خلاصه مذاکرات ما را برای وزیر امور خارجه روس بیان کرده او را تشویق خواهد نمود که اظهار رسمی راجع به ایران نماید.

دوم. نمایندگان سوسیالیست روس که به اینجا می‌آیند با آنها راجع به نظریات نگارنده راجع به ایران مذاکره خواهد کرد و سعی می‌کند بلکه یک جلسه مشترکی برای مذاکرات با اینجانب ترتیب [دهد] که در آن اگر انگلیسها هم آمده باشند شرکت کنند.

سوم. انتشار این نظریات راجع به ایران در مطبوعات بین‌المللی سوسیالیستها.

چهارم. در صورت امکان نشر بولتن مختصری راجع به ایران. پنجم. مذاکرات کمیته سوسیالیستها با مراکز روس و انگلیس راجع به ایران و نظریات ملیون ایران.

پس از ختم مذاکرات از او تشکر کرده با اطمینان به موفقیت آتیه خداحافظی کردم. در ضمن صحبت از نگارنده پرسید آیا اگر ایران به حال خودش گذاشته شود خواهد توانست کار خودش را اداره کند و کشور را در شاهراه ترقی با اصول دموکراسی اداره نماید؟ به او اطمینان دادم که ایرانی می‌تواند بدون شک کشور خودش را اداره کند، به شرط اینکه نفوذ خارجی به کلی مرتفع و تحریکات دولتین با عناصر فاسده و تهدید و فشار آنها برطرف شود. گفت خبر دارم عده زیادی از ایرانیان در خارجه

تحصیل کرده و به کشور خود برگشته‌اند. پرسید چند وقت است که دیگر مجلس ملی ایران منعقد نشده است. گفتم از ماه نوامبر ۱۹۱۵ که قشون روس از قزوین به طرف تهران حمله کرد و آزادیخواهان و ملیون ایران به اطراف پراکنده شدند، دیگر مجلس منعقد نشده است. گفت شاه ایران چه نوع آدمی است؟ گفتم بسیار نیک‌نفس و برخلاف پدرش پیوسته تمایلات آزادیخواهی و میهن‌دوستی ابراز داشته است.

یونان و آلمان

ابوالحسن خان را بعد از ظهر ملاقات کردم. می‌گفت فردا شب حتماً به طرف پترزبورگ حرکت می‌کند. از قرار راپرت متفقین حکومت یونان رابطه خود را با آلمان و متحدین قطع کرده است. وزیر مختار یونان در برلن به سوی یونان حرکت کرده است. از قرار معلوم نمایندگان روسها فردا وارد استکهلم می‌شوند.

ورود نمایندگان روسیه

سه شنبه ۳ ژوئیه - صبح ساعت ۹ در اطاق نشسته بودم صدای صحبت و آمد و رفت زیاد در سرسرا شنیده شد، معلوم شد نمایندگان روسیه وارد شده و در همین هتل منزل کرده‌اند. سه نفر مرد و یک زن. اسم مردها را از پترزبورگ هم تلگراف کرده بودند. گلدنبرگ، روزنو و ارمیرنو. عده‌ای از روسهای مقیم استکهلم هم به استقبال آنها رفته با آنها به این هتل آمده بودند. یکی از آنها موسوم به ونگبرگ نماینده انجمن کارگران و سربازان روس در اینجا می‌باشد و در استکهلم هم دفتری باز کرده [است] و اعلامیه هم اشاعه می‌دهد. خواستم به توسط ونگبرگ که با او آشنا شده‌ام با نمایندگان روس شناسایی پیدا کنم. گفت امروز ممکن نیست گویا می‌خواهند قبلاً خودشان را به مطبوعات و جاهای لازم معرفی کنند. پیش

از ظهر هویسمان را ملاقات کردم و از او خواهش کردم من را با حضرات آشنا کند. گفت من هنوز حضرات را ندیده‌ام، خوب است یکی دو روز تأمل کنید وسیله معرفی و ملاقات با آنها را فراهم کرده، خبر می‌دهم.

ملاقات پترسن - اعلامیه ایران

پیش از ظهر پترسن تلفن کرده از نگارنده احوالپرسی کرد. او را به ناهار دعوت کردم و با هم ناهار صرف کردیم. می‌گفت فردا به خارج شهر رفته و تا یک هفته خارج خواهد بود. قرار شد ساعت پنج و نیم مجدداً به هتل بیاید، صورت روزنامجات مهم اسکاندیناوی را برای معرفی و طبع اعلامیه ما بدهد. دیگر اسامی چند نفر را برای ملاقات معین نموده تا با آنها راجع به ایران مذاکره کنم، تا برای افکار عامه سودمند باشد. ساعت پنج و نیم ایشان را ملاقات کردم. صورت روزنامه‌های مهم را با خود آورده بود. چند نفر را هم اسم داد که آنها را ملاقات و با آنها راجع به ایران مذاکره کنم. به کمپانی «گوست» هم تلفن کردیم، قطعات جراید سوئد را که راجع به ایران از اواخر ژوئن تا اواخر ژوئیه اخبار درج کرده یا خواهند کرد، برای نگارنده بفرستند. برای هر قطعه پانزده آر می‌گیرند. قریب بیست و پنج روزنامه استکهلم و ولایات خلاصه اعلامیه ما را طبع کرده‌اند. امروز اعلامیه ایران را که به سه زبان چاپ شده برای کلیه نمایندگان سوسیالیست فرستادم.

چهارشنبه ۴ ژوئیه - صبح تا ظهر مشغول نوشتن و حاضر کردن یادداشتها برای درج در مطبوعات سوئد بودم. تقریباً برای پنجاه روزنامه بالنسبه مهم که در استکهلم و ولایات اطراف طبع و نشر می‌شود فرستادم. بعد از ظهر گرینبرگ وکیل دادگاه و دوست پترسن به ملاقات نگارنده آمد و قریب دو ساعت اینجا بود. هنوز او نرفته بود که چائوی هندوستانی وارد شد. مفصل از وضع هندوستان و هندوستانیها صحبت کرد. گرینبرگ

اسامی چند نفر از نویسندگان را داد که با آنها ملاقات [کنم] و آنها را نسبت به اوضاع ایران آشنا سازم.

دیدار با اکستروم

بعد از اکستروم یکی از افسران سوئدی که در ایران بود به ملاقات نگارنده آمد. فارسی را به خوبی یاد گرفته و حرف می‌زند. تا کرمان و بلوچستان هم رفته. از ایران تعریف و تمجید می‌کند. می‌گفت پارسال پس از مراجعت از ایران و مراجعت از طریق کرمانشاه و بغداد، پنج ماه در رژیم خودش خدمت نظامی کرده بعد دیگر بیکار [شده] است، پدرش از او نگاهداری می‌کند. منزلشان تا استکهلم سه ساعت راه است.

هندنبورگ و اتریشیها

حمله روسها از قرار معلوم ادامه دارد، جزئی پیشرفتی کرده‌اند و از قرار راپرت خودشان قرب شش هزار اسیر از آلمانها و اتریشیها گرفته‌اند. هندنبورگ اخیراً در وینه بوده با فرمانده کل قوای اتریش برای تکمیل نقشه‌های جنگی مذاکراتی داشته است. در وینه در یک مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید جنگ برای آلمان و متحدین به مظفریت ختم می‌شود. آلمان موقعیت خودش را حفظ خواهد کرد تا عملیات تحت‌البحری، متفقین را مجبور به صلح و تصدیق مظفریت متحدین بنماید.

ملاقاتها

پنجشنبه ۵ ژوئیه - صبح ساعتی به نامه‌نویسی مشغول بودم و ضمن نامه‌هایی که به ایران نوشتم، نامه‌ای به عنوان آقای مؤتمن‌الملک و نامه‌ای دیگر برای ارباب کیخسرو [نوشتم] و از آنها احوالپرسی کرده و از حالت خود آنها را مطلع ساختم. سپس چائوی هندی را ملاقات کردم. می‌گفت

روسها با یک آلمانی صحبت کرده می‌خواهند بدانند شرایط صلح آلمان چه خواهد بود. بعد از ظهر اکستروم مجدداً به ملاقات اینجانب آمد، با او صورتی از تمام افسران سوئدی که به ایران رفته و در خدمت ایران بوده‌اند و حالا چه اکتیف و چه ذخیره و چه پلیس، ترتیب داده [شد] با آنهایی که در استکهلم یا اطراف استکهلم هستند ملاقات کنم.

شام با حیدر عمو اوغلی

نامه‌ای به کلنل یالمارسن نوشته از او خواهش کردم هر وقت به شهر می‌آید او را ملاقات کنم. نامه دیگری هم به ماژور فولکه نوشته و از ایشان هم طلب ملاقات کردم. شام را با حیدرخان عمو اوغلی صرف کردم و تا ساعت یازده با هم بودیم. می‌خواهد به روسیه برود ولی هنوز اجازه تحصیل نکرده است.

ملاقات با گلدنبرگ روس

جمعه ۶ ژوئیه - پیش از ظهر با گلدنبرگ یکی از نمایندگان روسی که در همین هتل [اقامت دارد] ملاقات و صحبت کردم. می‌خواستم روزنور را ملاقات کنم، خود او گلدنبرگ را معین کرد که فرانسه خوب می‌داند و خوب است با او با فرانسه صحبت کنید. مفصل با گلدنبرگ راجع به ایران و تجاوزات روس و ضربتهایی که به ایران وارد آورده و به خصوص عملیاتی را که روس و انگلیس توأمی پس از سال ۱۹۰۷ و انعقاد قرارداد آن سال در ایران صورت داده و امتیازاتی را که به زور از دولت ایران گرفته‌اند برای او شرح دادم. آدم بی‌اطلاعی به نظر نمی‌آمد. از رفتار روس در ایران خوب خبر داشت. می‌گفت به همین ترتیب در خارج رفتار می‌کردند و از ممالک به دزدی می‌بردند تا در داخله مملکت بتوانند هر چه می‌خواهند ظلم بکنند و مردم را زیر پا نگاه دارند. حالا دیگر پشت استبداد در روسیه

شکسته شده، کار در دست انقلابیون است. دولت روس دیگر نخواهد توانست این نوع تعدیات را در خارج ادامه دهد. مخصوصاً نفع انقلابیون در این است که ایران را حفظ کنند و نگذارند آن کشور پناهگاه روس‌های مخالف انقلاب واقع شود. می‌گفت خوب است هر چه زودتر انتخابات را صورت دهید و مجلس شورای ملی در تهران منعقد شود. قشون روس نه فقط دخالتی در انتخابات نخواهد کرد بلکه حاضرند کمک هم بکنند. از قراری که شنیده بود می‌گفت قشون روس با مردم ایران خود را نزدیک کرده‌اند] و با هم به طریق برادری راه می‌روند. قشون امروزی روس قشون دیروزی نیست. به کلی دموکرات شده. در هر جا خودشان یک کمیته دارند و از کمیته خودشان فرمان می‌گیرند و کاری به فرمانده کل ندارند. فرمانده قفقاز هم معزول شده و تمام آن حدود در دست کمیته محلی است که با کمیته قفقاز مشورت می‌کند. می‌گفت اخیراً یکی از افسران که از فرونت قفقاز اوائل ژوئن حرکت کرده بود گفت تخلیه ایران عجالتاً ممکن نخواهد بود زیرا اگر روسها تخلیه کنند فوراً عثمانیها جای آنها را خواهند گرفت. خود ایرانیها هم به چنین امری حاضر نیستند که قشون دموکرات شده روس را از دست بدهند و به چنگ قشون عثمانی بیفتند. هنوز مردم چپاوه‌های قشون عثمانی را فراموش نکرده‌اند.

روس و دموکرات و تخلیه ایران

بالاخره نتیجه مذاکرات این شد که روس دموکرات به تمام عالم اخطار می‌کند که دیگر هیچ‌گونه تخطی نه فقط در ایران بلکه در هیچ جای دیگر نخواهد کرد. نمایندگانی که به استکهلم آمده‌اند در این موضوع اطمینان می‌دهند، به پترزبورگ هم سفارش می‌نویسند هر چه زودتر اعلامیه رسمی در این زمینه بدهند که اسباب خاطر جمعی ایرانیها بشود. ولی در خصوص تخلیه ایران امروز نمی‌توانند قولی بدهند، زیرا موضوع امور

نظامی است و چنان که گفته شد برای خاطر جلوگیری از تجاوزات عثمانی مجبورند که این فرونت را نگاه دارند تا صلح در میان آید. به خصوص که گمان می‌رود تخلیه روس باعث اشغال عثمانی خواهد شد. می‌گفت عنقریب کرنسکی به فرونت ایران و قفقاز خواهد رفت و اگر در آنجا لازم دید بعضی از مراکز ایران را امر به تخلیه خواهد داد. می‌گفت همین فردا دو نفر دیگر از رفقا وارد استکهلم خواهند شد و پنج نفری یک قطعنامه راجع به ایران تنظیم و به پترزبورگ خواهند فرستاد که جزء پروگرام کمیته بگذارند.

ملاقات روزنامه‌نویسها

امروز یادداشت‌هایی که برای مطبوعات تهیه کرده بودم تکمیل کردم و تقریباً هشتاد نسخه برای روزنامجات مختلف فرستاده شد. بعد از ظهر مدیر و سردبیر دو روزنامه مهم یومیه استکهلم را ملاقات کردم. یکی دکتر رمن مان سردبیر روزنامه معروف استکهلمز تی دینگن که در این جنگ تقریباً بی طرف است، نه طرفداری از متحدین می‌کند نه طرفداری از متفقین. یک ربع ساعت با او صحبت کردم. می‌گفت مطلب خیلی زیاد داریم و جا بالنسبه کم رلی سعی می‌کنم هر طور شده یک مقاله‌ای راجع به ایران بنویسم. مقاله‌ای را نشان داد که کلنل یالمارسن راجع به ایران و جنگ اروپا در آن روزنامه نوشته است. می‌گفت چون حمله سخت به روسها و انگلیسها کرده است بر ضد بی طرفی روزنامه عمل شده است.

روزنامه نگار دیگر

یک ساعتی نیز با سردبیر و مدیر روزنامه داگتر نی تییر موسوم به دکتر سیمون براندل مذاکره کردم. مسلک این روزنامه به طور کلی طرفداری از متفقین است. ولی خود دکتر براندل باطناً طرفدار آلمان به نظر می‌آید و با

ایران هم خیلی اظهار دوستی می‌کرد. زبان آلمانی و فرانسوی را خوب حرف می‌زند، وعده داد هر چه از دستش برآید در روزنامه خود راجع به ایران انجام دهد. می‌خواست بداند اگر ایران کاملاً به خود گذاشته شود از عهده کار برخواهد آمد یا آنکه به طرف ارتجاع و عادات قدیم برگشت خواهد نمود.

نظر وحیدالملک

معلوم است نظر نگارنده در این موضوع چه بود و چه عقیده در مقابل سؤال او اظهار کردم: اگر ایران به حال خود گذاشته شود و از اطراف فشاری به ایران وارد نیاید و مداخله در کار ایران نکنند و سیاست مداخله در کار ایران را کنار بگذارند، ایران با سرعت در خط ترقی و آزادیخواهی پیشرفت خواهد نمود. یک موضوع هم به نظریات نگارنده کمک می‌کند و آن موضوع تبلیغاتی است که از طرف افسران ژاندارمری سوئدی که در ایران بوده و به میهن خود بازگشته‌اند به نفع ایران [می‌شود] و تا حدی زمینه مساعدی برای پیشرفت نظریات ملیون و آزادیخواهان ایران را در اینجا حاضر کرده‌اند. بالاخره [از] وعده‌ای که از طرف سردبیر نامبرده در مساعدت به پیشرفت نظریات ماداده [شد] سپاسگزاری کرده‌ام جدا شدم.

نگارش دو نامه

شنبه ۷ ژوئیه - امروز دو نامه یکی به آقای مفخم‌الدوله در پترزبورگ و دیگری به آقای نواب در برلن نوشته آنها را از مذاکره با نمایندگان روس مطلع کردم که حکومت تهران را از این مذاکرات مطلع نمایند. به آقای مفخم‌الدوله سفارش کردم که اگر مقتضی می‌داند و زمینه مساعد را ملاحظه می‌کنند اقداماتی هم در پترزبورگ بجا آورند تا بلکه تا موقع از دست نرفته استفاده صحیح برای ایران بشود، اگر اعلامیه‌ای هر چه زودتر

راجع به ایران از طرف روسیه صادر بشود اسباب تشویق و قوت قلب ایرانیها خواهد بود. نیز از آقای نواب هم خواهش کردم که موضوع را هر چه زودتر تلگرافاً به تهران اطلاع دهند.

انقلابیون روسیه

بعد از ظهر به قونسولخانه ایران در استکهلم رفتم. خبر مهمی از جایی نداشتند. خبر مهمی هم این چند روزه از میدانهای جنگ نرسیده است. حالا آلمانها کم‌کم به حمله پرداخته و زمینهایی [را] که از دست داده‌اند پس می‌گیرند. از اوضاع روسیه خبر مهم و صحیحی این دو روزه نرسیده، گویا متفقین کوشش می‌کنند جلوی انقلاب را گرفته و ارتجاعیون را هرچه می‌توانند تقویت کنند. نمایشهای مخالف در پترزبورگ داده می‌شود. ظاهراً به نظر می‌آید انقلابیون قوت گرفته [اند] و حکومت جدید را مجبور به فراهم نمودن وسایل صلح خواهند نمود.

ملاقات با گلدنبرگ

یکشنبه ۸ ژوئیه - امروز مجدداً گلدنبرگ را ملاقات کردم. اظهار می‌کرد دیروز دو نفر از مأمورین روسیه وارد و حالا دیگر عده آنها تکمیل شده. در جلسه شب گذشته که منعقد شده بود اظهارات اینجانب را مطرح مذاکره قرار داده و به طور دلخواه قطع کردند که راجع به ایران باید اعلامیه مطلوب اشاعه یابد. همین دو روزه سواد تصمیم‌نامه خودشان را با سفارشات لازم با قاصد مخصوص به پترزبورگ می‌فرستند. امید است نتیجه مطلوب حاصل شود.

اهمیت انقلاب روس

شماره دوم بولتن انجمن کارگران و سربازان روس رسیده، شرحی از هدف مأمورین روس که به استکهلم آمده‌اند ذکر می‌کند. بیشتر برای

جلب افکار دموکراسی بین‌المللی، اهمیت بسیار به انقلاب روس داده و در حقیقت زمینه را برای پایان دادن به جنگ و ایجاد صلح عمومی از نظر انقلابیون روس مطمح نظر آنها می‌باشد.

نامهٔ ماژور پراویتز

نامه‌ای از ماژور پراویتز سوئدی که مدتی فرماندهٔ رژیمان سوم ژاندارمری در شیراز بود واصل [شد]، اظهار همدردی با ایران کرده، خواستگار ملاقات اینجانب شده است.

گردش با حیدرخان

دیروز آلمانها حملهٔ سختی از هوا به شهر لندن و شهر ساحلی انگلیس به نام مارگیت کرده خسارات زیاد به این دو محل وارد آورده‌اند. پیش از ظهر حیدرخان عمو اوغلی به ملاقات اینجانب آمده و تا ساعت یازده شب با هم بودیم و به اتفاق به سالزبان رفتیم. در راه نمایندگان عثمانی را ملاقات و با آنها قدری صحبت کردم. قرار شد فردا ساعت چهار و نیم بعد از ظهر عاقل مختاریک را ملاقات [کنم] و با هم به دیدن وزیر مختار عثمانی که در خارج شهر است و هنوز کمی کسالت دارد برویم.

جواب پراویتز

دوشنبه ۹ ژوئیه - صبح کاغذی به آقای نواب نوشته شرح دومین ملاقات خود را با گلدنبرگ برای ایشان داده، خواهش کردم به تهران تلگراف کنند. جواب نامهٔ ماژور پراویتز که با ایران همدردی بسیار و با نظریات ما همفکری کرده بود دادم.

استعفای صدر اعظم آلمان

در آلمان این دو روزهٔ اخیر وقایع بالنسبه مهمی روی داده؛ روز شنبه

گذشته حملات سختی در رایشتاگ به صدراعظم آلمان شده و از قرار معلوم صدراعظم استعفا می‌دهد و اگر استعفا هم ندهد او را مجبور به استعفا دادن خواهند کرد. هندنبورگ هم با معاون کل خودش به برلن برای مذاکرهٔ مهمی با امپراتور آمده، معلوم نیست چه فکری در نظر دارند که روی آن عمل نمایند.

روز هفتم ماه روسها باز به حملاتی می‌پردازند ولی از قرار معلوم تلفاتی برداشته و شکست می‌خورند. اعلامیهٔ آلمان و اتریش هر دو از شکست سخت قشون روس ذکر می‌کند.

ملاقات با ترکها

بعد از ظهر حسب‌الدعوه به گراند هتل رفته با عاقل بیک و علی حسین بیک^۱ مأمورین عثمانی ملاقات [کردم] و با آنها به خارج شهر به محلی موسوم به دیورز هلم برای ملاقات سفیر عثمانی رفتم. از قراری که گفتند همین امروز از این محل حرکت کرده و به شهر مراجعت نموده است، میسر نشد او را ملاقات کنیم. قرار شد عاقل مختاریک وقت معین کرده اطلاع دهد تا او را ملاقات کنیم.

مطالب نامهٔ مفخم‌الدوله

بعد از ظهر از قونسولخانهٔ ایران تلفن کردند که نامه‌ای از آقای مفخم‌الدوله توسط وزارت خارجهٔ سوئد برای اینجانب رسیده است. خواهش کردم آن را گرفته برای اینجانب به هتل بفرستند. طولی نکشید که این نامه در هتل واصل شد. این نامه بیشتر شکل یک مقاله حاوی مطالب زیاد که به طور خصوصی ایشان برای اطلاع اینجانب نوشته‌اند، می‌باشد. مندرجات این نامه به طور خلاصه از این قرار است:

اول، خود مفخم‌الدوله از سفارت پترزبورگ مستعفی و به سفارت رم

۱. پیشتر علی حسن بیک ثبت شده است.

منصوب [شده است] و تا دوشنبه دیگر از پترزبورگ حرکت خواهد کرد که از طریق آلمان و سوئیس به طرف مأموریت خود برود.

دوم، جانشین ایشان هنوز معلوم نشده است. حکومت سابق اگرمان برای مشاورالممالک خواسته ولی گویا حکومت حاضر انتصاب او را قبول نکرده. در نظر دارد قنصل آزادی طلبی را بدین سمت منصوب نماید. خود مفخم الدوله پیشنهاد کرده است که آقای [مهدی] مشیرالملک را به پترزبورگ و مشاورالممالک را به لندن منصوب کنند.

سوم، قریب سی نسخه از اعلامیه ما خواسته اند که به توسط وزارت خارجه سوئد برای ایشان فرستاده شود که تا حرکت نکرده اند آنها را به جاهای لازم تقسیم کنند.

چهارم، کابینه جدید تهران بدین ترتیب تشکیل شده است: علاءالسلطنه رئیس الوزرا [و] وزیرامورخارجه؛ مشیرالدوله وزیر جنگ؛ مستوفی الممالک وزیر مشاور؛ محتشم السلطنه وزیر مالیه؛ مستشارالدوله وزیر داخله؛ ممتازالدوله وزیر عدلیه.

پنجم، کابینه جدید اعلان انتخابات مجلس شورای ملی را داده [است] و از قرار معلوم می خواهد هر چه زودتر مجلس شورای ملی منعقد گردد. ششم، وثوق الدوله و سپهسالار هر دو عاجلاً بیکار و مورد تعرض سخت مردم می باشند.

هفتم، به قرار معلوم کابینه تازه در صدد است اقدامات مؤثری نشان دهد. رسماً اعلام کرده اشخاصی که در تحت حمایت روس بوده اند از کار خارج [می شوند] و هیچ اغماضی نسبت به آنها نخواهد شد. قرار است از اتباع روس هم که در ایران هستند مالیات بگیرند. راجع به امتیازاتی که روس و انگلیس در سنوات اخیر به دست آورده اند، می خواهند اعلان کنند که صحت آنها پس از تصدیق مجلس شورای ملی اعلان خواهد شد. هشتم، با اقدامات مفخم الدوله تقریباً تمام محبوسین ایرانی را در

روسیه آزاد کرده اند، چند نفر دیگر باقی است که وعده خلاصی آنها داده شده است. حکمی نیز از طرف حکومت فعلی روسیه صادر [شده است] که مأمورین روسیه در ایران نباید اصلاً به کارهای داخلی و حکومت ایران مداخله نمایند والا مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

نهم، در غالب شهرهای مهم ایران از قبیل تهران، مشهد، تبریز، و غیره کمیته‌هایی مرکب از تجار و اهل کسب تشکیل شده [است] که به کارهای محلی رسیدگی نمایند. چند نفر از مأمورین خارجه مجبور به ترک مأموریت از ایران شده اند.

دهم، وزیر مختار روس که اخیراً از تهران احضار شده بود به تهران مراجعت نموده، از قرار معلوم دستور عدم مداخله در امور ایران به او داده شده است.

یازدهم، حکومت و کلیه دوائر جدید روسیه با ایران همراهی دارند و سوسیالیستها در این خصوص اعلامیه‌ای هم اشاعه دادند.

دوازدهم، دولت فعلی روسیه عاجلاً هیچ نفوذی در ایران اعمال نمی کند و به این واسطه از نفوذ دولت انگلیس هم کاسته شده است.

سیزدهم، چند ترور در تهران واقع شده و مقتولین متکی به سیاست انگلیس بوده اند.

چهاردهم، از قرار اخباری که از ایران رسیده اخیراً همدردی فوق العاده‌ای برای روسها پیدا شده و بعضی از روسها که در ایران اقامت دارند برای ایران [فکر] جمهوریت اشاعه می دهند.

پانزدهم، به عقیده آقای مفخم الدوله بد نیست که نگارنده شرحی از تقاضاهای دولت ایران به خصوص آزادیخواهان و ملیون ایران نگاشته با نسخه‌ای از اعلامیه که قبلاً اشاعه شده به حکومت موقتی روسیه بفرستم و به علاوه ممکن است به همین ترتیب شرحی به وزیر امور خارجه فعلی روسیه و کمیته کارگران و سربازان و نیز برای کلیه وزرا [ی] فعلی روسیه

فرستاده شود و بعلاوه اگر ممکن است خلاصه مطالب تلگرافی برای هیئت موقتی حکومت روسیه مخابره شود.

دو نامه مفصل

سه شنبه ۱۰ ژوئیه - صبح دو نامه مفصل نوشته یکی به آقای مفخم الدوله جواب نامه مفصل دیروز ایشان، نامه دیگر به آقاسید حسین اردبیلی. از مذاکرات خود در اینجا اطلاعاتی به آنها دادم که هر قدر می توانند نظر ما را انتشار داده در روزنامه‌ها به چاپ برسانند. نامه دیگری به آقای نواب نوشته سواد نامه آقای مفخم الدوله را برای ایشان فرستادم و خواهش کردم، تلگرافی به تهران مخابره کرده از مذاکرات اینجانب با سوسیالیستها، حکومت تهران را مطلع سازند و اگر حکومت فعلی تهران دستور و نظر مخصوصی دارد هر چه زودتر اطلاع دهند. در همین زمینه به آقای مفخم الدوله نوشتم که به تهران تلگراف کرده، از مذاکرات اینجانب حکومت تهران را مطلع سازد. این نامه‌ها را به توسط قونسولخانه ایران به پترزبورگ و برلن فرستادم.

میرزا محمدعلی خان ممتاز

پس از نهار میرزا محمدعلی ممتاز را دیدم. گویا از تاجرزاده‌های تهران است. پارسال در وسط تابستان وقتی که عثمانیها به قزوین نزدیک شده بودند از تهران حرکت کرده بدین جا می‌آید. ده ماه است که در استکهلم متوقف است. می‌گفت عضو فرقه دموکرات تهران می‌باشد.

غرق کشتیهای متفقین

هندنبورگ از قرار معلوم مذاکرات خود را با امپراتور پایان داده و دوباره به محل خود مراجعت کرده است. از قرار اخبار آلمانها تحت البحریهای

آلمان در ماه ژوئن متجاوز از یک میلیون تن کشتیهای تجارتي متفقین را غرق می‌کنند.

مقاله کلنل یالمارسن

چهارشنبه ۱۱ ژوئیه - صبح چائوی هندی را ملاقات و مدتی با او صحبت کردم. اداره‌ای گرفته [است] و عنقریب شروع به کار خواهد کرد. می‌گفت همین دو روزه نامه‌ای علیه برانتین انتشار داده حملات خود را علیه انگلیسها و دفاع از ملیون هند شروع خواهد نمود. دیروز مقاله کلنل یالمارسن در روزنامه استکهلمزتی دینگن در دفاع از ایرانیان علیه سیاست روس و انگلیس منتشر شده بود. به روسها و انگلیسها خوب تاخته است.

نظریات ما

بعد از ظهر از اداره کمیته سوسیالیستهای اسکاندیناوی و هلندی تلفن کرده، نگارنده را دعوت کرده [اند]، فردا ساعت یازده به اداره آنها بروم. محقق برای نظریات ما راجع به ایران و اوضاع ایران است. لذا دو ساعتی وقت خود را صرف کرده، مختصری از اوضاع ایران و نظریات خودمان را روی کاغذ آوردم. در دو قسمت. قسمت اول در تخطیات روس و انگلیس نسبت به ایران و قسمت دوم، نظریاتی که ما آزادیخواهان و ملیون ایران داریم و آنچه را که ما خواستگاریم. برای دادن توضیحات این یادداشت کافی خواهد بود.

تعویض گارد

ظهر به تماشای تعویض گارد در قصر سلطنتی رفتیم. شبیه به تعویض گارد در وینه می‌باشد؛ دو دسته سرباز سواره و پیاده با موزیک تا نزدیک قصر می‌آیند در آنجا با سربازهای سر خدمت تغییر مکان می‌دهند، پس از نیم

ساعت وقت و زدن قدری موزیک نظامی تعویض تکمیل می‌شود. پا زدن سربازان سوئدی شبیه پا زدن سربازهای اتریشی است و با تشریفات زیاد تغییر گارد صورت می‌گیرد.

گردش واکس هلم

بعد از ظهر میرزا محمدعلی ممتاز با حمیدخان به منزل اینجانب آمدند. آنها هم از بی خبری از ایران شکایت دارند. ساعت چهار بعد از ظهر به معیت آنها با کشتی اکسپرس به واکس هلم رفته و ساعت شش با همان کشتی مراجعت کردیم. واکس هلم در بیست و پنج کیلومتری شمال شرقی استکهلم واقع است. تمام راه از وسط بغازهای تنگ و باصفا می‌گذرد. خود واکس هلم ده کوچکی است چندان وسعتی هم ندارد ولی رفتن بدان جا از وسط بغازها بسیار خوش و مفرح می‌باشد. شام را با حیدرخان صرف و تا ساعت یازده با هم بودیم. به تی‌یرگارتن استکهلم رفتیم جای بسیار باصفایی است.

در جلسهٔ اعضای کمیته

پنجشنبه ۱۲ ژوئیه - برحسب قرار دیروز ساعت یازده به محل کمیتهٔ سوسیالیستهای هلند و اسکاندیناوی رفتیم. دکتر فریدبیک از طرف مصریها در آنجا بود. پس از چند دقیقه او بیرون رفت و اینجانب را دعوت به اطاق کمیته کردند. شش نفر از اعضای کمیته حاضر بودند بدین طریق؛ براتین رئیس کمیته، هویسمان منشی و تروثلسترا، مولر و سودربرگ و الگبرگ. تمام اعضا از جای برخاستند، با کمال ادب با اینجانب دست داده نشستیم. رئیس گفت با چه زبانی حرف بزنیم؟ گفتم از سه زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی، هر کدام را مناسب [بدانید] می‌توانیم در آن صحبت کنیم. گفت بسیار خوب. زبان انگلیسی خودش چندان خوب نیست و یک نفر

دیگر از اعضا هیچ از آن زبان اطلاعی ندارد از برای او ترجمه کند، تقریباً با هر زبانی که حرف زده می‌شد یکی دو نفر عاری از اطلاع در آن زبان بودند. رئیس گفت این کمیتهٔ سوسیالیستهای هلند و اسکاندیناوی است و از برای کنفرانس عمومی سوسیالیستها زمینه سازی می‌کند. تنها اعضا کمیته‌های سوسیالیست می‌توانند در مذاکرات این کمیته شرکت کنند. ولی چون امروزه موقع فوق‌العاده است و مسائل و قضایا راجع به ملتها طرح و قطع خواهد شد کمیته می‌تواند نظریات ملیون و آزادیخواهان ایران را بشنود و یادداشتی راجع به ایران بردارد و شما را لااقل با هیئت‌های مربوط مرابط سازد. کمیته نمی‌تواند قول بدهد که کنفرانس حتماً مذاکراتی راجع به ایران به میان خواهد آورد و یا قطعنامه صادر خواهد نمود. ولی قول می‌دهیم هر چه از دست ما برآید برای ایران انجام دهیم.

نظریاتی که ابراز شد

پس از نطق آقای رئیس کمیته اینجانب شروع کردم از روی یادداشت‌هایی که روز قبل ترتیب داده بودم نظریات خود را که نظریات ملیون و آزادیخواهان ایرانی است در دو قسمت بیان کردم. قسمت اول شروع مداخلهٔ مستقیم روس و انگلیس متفقاً در ایران از سال ۱۹۰۷ میلادی که قرارداد معروف راجع به ایران میان دولتین روس و انگلیس منعقد شده، صورت می‌گیرد. این قرارداد ایران را به مناطق نفوذ قسمت کرده ولی در حقیقت دولتین، ایران را میان خودشان تقسیم کرده‌اند و از آن روز به بعد هیچ موقعی را از دست نداده‌اند که در امور ایران مداخله مستقیم بجا آورده و حوائج خود را در اضمحلال استقلال ایران انجام دهند. از مداخله در کار ایران همین موضوع کافی است که در سوم ژوئن ۱۹۰۸ دولتین، ملیون و آزادیخواهان ایران را تهدید کرد[ند] که علیه محمدعلی میرزای مرتجع معروف اقدامی نکنند والا با قوهٔ نظامی از او دفاع خواهند کرد. این تهدید عملیات آزادیخواهان را سست کرد و عملیات مرتجعانهٔ شاه

مخلوع [را] تقویت داد. به قسمی که در بیست و سوم ژوئن ۱۹۰۸ مجلس را به توپ بسته، مجلس شورای ملی ایران به دست لیاخوف افسر روسی بسته شد. در اوایل ۱۹۱۰ دولتین روس و انگلیس دو یادداشت سخت به دولت ایران دادند و دولت را قدغن کردند که هیچ‌گونه امتیازی که مخالف منافع و مصالح سیاسی و نظامی آنان در ایران باشد به خارجه ندهد. بعد توضیح داده که مقصود از این‌گونه امتیازات راجع به طرق و شوارع و خطوط تلگراف و بنادر و غیره می‌باشد. در دسامبر ۱۹۱۱ دولت روس به تأیید دولت انگلیس به ایران اولتیماتوم داد و شوستر امریکایی را که مشغول انجام اصلاحات مالیه برای دولت ایران بود از خدمت مالیه ایران خارج [کردند] و از دولت ایران اطمینان گرفتند که من بعد هیچ مستخدم خارجی را بدون مشورت و رضایت دولتین روس و انگلیس در استخدام نپذیرند. در فوریه ۱۹۱۲ دولتین روس و انگلیس دولت ایران را مجبور کردند عهدنامه ۱۹۰۷ را شناخته، سیاست خودش را روی آن بگذارد و قوای نظامی برای خود تهیه نکرده مگر آن قسمت از قوه که برای حفظ نظم لازم است. آن هم باید به مشورت دولتین روس و انگلیس صورت گیرد. در اوت ۱۹۱۶ دولتین روس و انگلیس به ایران پیشنهاد کردند که کمیسیون کنترلی، تحت نظر آنها و اعضای بلژیکی و ایرانی برای کنترل مالیه برقرار [کند] و دو دسته ژاندارم هر یک مرکب از پانزده هزار در شمال و جنوب به سرکردگی روس و انگلیس برقرار شود. خلاصه در این مدت بدبختی ایران؛ دولتین روس و انگلیس با هر حيله و تهدید و اقداماتی که ممکن بوده روز به روز از آزادی ایران کاسته و بر امور خودشان در ایران افزوده‌اند.

قسمت دوم تقاضاهای آزادیخواهان و ملیون ایران:

اول - فسخ و الغای قرارداد ۱۹۰۷ میان دولتین روس و انگلیس به خصوص آن قسمت که راجع به ایران است.

دوم - استرداد کامل آزادی سیاسی و اقتصادی ایران.

سوم - آزادی کامل ایران در مسائل نظامی.

چهارم - آزادی کامل ایران در استخدام مستخدمین خارجه به میل خود.

پنجم - آزادی کامل ایران در استقراض از خارجه.

ششم - آزادی کامل ایران در استقرار هر گونه تعرفه گمرکی به میل خود برای منافع ایران.

هفتم - حفظ استقلال و آزادی در آبهای خود و بنادر ایران و اختیار داشتن سفائن از هر قبیل.

هشتم - آزادی و کنترل تام در معادن خود و فسخ کلیه امتیازات و قراردادهای که مخالف با اصول استقلال و آزادی ایران است.

نهم - آزادی از هر قبیل برای ترقی ایران و استحکام مبانی ملیت ایرانیان.

سؤالات کمیته

پس از ختم اظهارات نگارنده رئیس کمیته چند سؤال کرد که به مناسبت موقع و مصلحت کار خودمان جواب دادم:

اول راجع به مداخله ایرانیها در طرفیت با روسها به خصوص مداخله ژاندارمری ایران.

دوم، آیا ایران قادر و مایل است که خودش [امور] خودش را اداره کند و در راه تکامل و ترقی قدم بردارد؟

سوم آیا پس از عقب کشیدن روس و انگلیس از ایران آلمان جای آنها را نخواهد گرفت و امتیازاتی به آلمان داده نخواهد شد.

آیا ایران فی الحقیقه می‌خواهد امور خودش را به ترتیبات امروزی اداره کند؟

وضع احزاب سیاسی در ایران چیست؟

آیا احزاب چپ وجود دارند یا خیر؟

وضع شاه چیست و تمایلات او چه صورتی دارد؟
این مذاکرات درست یک ساعت طول کشید.

در خاتمه منشی کمیته گفت با مأمورین روسی هم صحبت کرده آنها همدردی کامل با اینجانب اظهار داشته‌اند. گفت ضرر ندارد از سوسیالیستهای روس خواهش کنید که با دوستان و همقدمان انگلیسی خود راجع به ایران صحبت کنند و افکار عمومی انگلیس را نیز راجع به ایران حاضر نمایند. بعد از ساعت دوازده خداحافظی کرده بیرون آمدم. بعد از ظهر اظهارات خودم را به شکل یادداشت روی کاغذ آورده برای کمیته سوسیالیستهای هلند و اسکاندیناوی فرستادم.

وضع جنگ - بمباران استانبول

امپراتور آلمان دیروز فرمانی برای تجدیدنظر در قانون انتخابات پروس صادر کرده است. از فرونت روسیه امروز خبر تازه نرسیده؛ از قرار معلوم پس از عقب کشیدن قشون آلمان و اتریش از جلوی روسها محاربه سختی در این دو روزه در آن حدود واقع شده است. از قرار راپوت خود روسها خانقین و قصر شیرین را عثمانیها تصرف کرده و روسها را مجبور به عقب نشینی نموده‌اند. دو طیاره جنگی انگلیس استانبول را بمباران کرده‌اند. جای بسی تأسف است که چنین شهر تاریخی دارای چنین یادگارهای پربهایی از دوره‌های تاریخ باستانی، امروز هدف بمباران واقع شود. ولی از قرار راپورتی که رسیده خسارت زیادی به این شهر تاریخی وارد نشده است.

گردش در استکهلم

بعد از ظهر در شهر استکهلم قدری گردش کردم تا از نقشه شهر آشنایی پیدا کنم. استکهلم هفت شماره تراموای الکتریک دارد. شش شماره دایر است و این شماره‌ها تقریباً تمام مراکز و خیابانهای عمده شهر را

می‌پیمایند. اگر کسی با این خطوط مسافرت کند و از روی نقشه معابر را معین کند تقریباً تمام استکهلم را دیده است. شهر استکهلم وسعت زیادی ندارد ولی زمین آن بسیار پست و بلند و دارای تکه‌های آب بلکه دریا می‌باشد. به عبارت دیگر اراضی آن شبیه به جزایری است در میان آب دریا که به واسطه پلها به هم متصل شده است. از روی همین پلها آمدورفت می‌شود. رویهمرفته استکهلم شهر پاک و باصفایی است. چند خیابان وسیع خرابی دارد. سرویس تلفن در شهر استکهلم بیش از هر جا بسط پیدا کرده است. شهر دارای دو رشته بزرگ تلفن می‌باشد یکی دولتی و دیگری متعلق به یک شرکت تجارتی. خانه‌ای نیست در استکهلم که تلفن نداشته باشد. بعضی جاها هر دو رشته تلفن را دارند.

ملاقات چائو

جمعه ۱۳ ژوئیه - صبح زود به قونسولخانه ایران رفته راجع به اجناسی که آقای نواب تقاضا کرده بودند خریداری [شود] من جمله صابون صورت، صابون رخت شویی، چای به قونسولخانه دادم که برای سفارت در برلن بفرستند. گرفتن اجازه برای قونسولخانه اشکالی ندارد. از قونسولخانه ایران به اداره چائو رفتم. خودش و دوستش هر دو در اداره مشغول کار بودند. می‌گفت دیروز پس از آنکه اینجانب از اداره کمیته هلندیها و اسکاندیناویها خارج شدم او را پذیرفته و نظریات او را استماع کرده‌اند. منشی هویسمان اظهار خشنودی از ملاقات اینجانب نموده و از اظهارات اینجانب به خصوص ملاقات با سوسیالیستهای روسیه اظهار خرسندی می‌نمود.

وضع ملیون هند

بنابر گفته چائو نسبت به هندیهها نیز اظهار همدردی کرده‌اند. خود چائو خواهش کرده بود اجازه بدهند برای مذاکرات راجع به هندوستان از

طرف ملیون هند نماینده مخصوص فرستاده شود، ولی نه نمایندگانی که از طرف دولت انگلیس تعیین شده‌اند. باید به هندوستان آزادی داده شود تا نمایندگان خودشان را معین کنند و دولت انگلیس اجازه بدهد در استکهلم حاضر شوند. چائو شرحی از حوائج ملیون هند بیان کرده پس از اظهارات او کمیته در جواب همدردی نشان داد ولی گفته‌اند که قول نمی‌توانند بدهند که مسئله هند را مطرح مذاکرات کنفرانس قرار دهند، لیکن هند هم جزء کشورهای زیر دست دیگر مقامی برای خودش خواهد داشت. چائو گفته بود چطور است دائماً صحبت از آلتاس و لرن می‌شود ولی هیچ صحبت از هندوستان و تسلط انگلیس بر این کشور پهناور در میان نیست. جواب گفته بودند آلتاس و لرن در اروپا و در جلوی نظر است ولی هندوستان خارج از اروپا و دور از نظر. دیگر آنکه معلوم نیست هندوستان بتواند در صورت استقلال خودش را آن طور که شاید و باید اداره کند.

شام با حیدرخان

ظهر کاپیتان پترسن سوئدی تلفن کرد و قرار گذاشت ساعت هشت برای ملاقات اینجانب به هتل بیاید. ولی اتفاقاً خبری از او نشد و طبق قراری که گذاشته بودیم سر وقت نیامد. بعد از ظهر با کشتی به واکس هلم با حمیدخان رفتم و شب را با حیدرخان شام خورده و تا نزدیک نصف شب با هم بودیم.

زنان مأموران سوئدی در ایران

شنبه ۱۴ ژوئیه - صبح زود اکستریم یکی از افسران سوئدی که در ایران بوده تلفن کرد که اینجانب را ببیند. قرار گذاشتیم که ساعت ده به هتل بیاید. ساعت ده آمد و تا ساعت پنج بعد از ظهر با هم بود و ناهار را هم با

هم صرف کردیم. حمیدخان هم بود. از قرار گفته اکستریم دیروز سه نفر از خانمهای افسران سوئد که شوهران آنها در ایران بوده [اند] و اکنون حیات ندارند به شهر آمدند که مخصوصاً اینجانب را ملاقات کنند. یکی از آنها خانم اولسون که در شیراز کشته شده و دیگری خانم اریکسن که سال گذشته در بغداد فوت کرده و سومی خانم چلستروم که پارسال در سوئد از مرض مالاریا فوت شده است. چون اینجانب در هتل نبودم موفق به دیدار آنها نشدم. از این خانمها تنها خانم چلستروم یک دختر کوچک دارد و آن دو خانم دیگر اولاد ندارند. پارسال همین خانم چلستروم را در صلاحیه در عراق عرب دیدم. یک نفر نوکر ایرانی با دو اسب ایرانی همراه داشت. بیچاره با زحمت زیادی بچه چندماهه خودش را از گرما و پشه محفوظ می‌داشت. با اکستریم مدتی راجع به افسران سوئدی که در ایران خدمت کردند مذاکره در میان بود و یک صورتی از کلیه آنها از افسران در خدمت و رزرو و پلیس ترتیب دادیم. افسران آکتیف سیزده نفر: یک نفر سرهنگ، یک مائور و یازده کاپیتان. افسران رزرو پانزده نفر و پنج افسر پلیس که دو نفر از آنها به نام وستال و بیورلینگ در تهران و یکی به نام استربلگ در رشت اداره پلیس را تشکیل می‌دهند.

استعفای صدراعظم آلمان

امروز خبر رسید که صدراعظم آلمان بتمن هلوگ استعفا داده است. تقریباً استعفای او بحران کابینه آلمان را پایان می‌دهد ولی معلوم نیست علت اصلی از کار انداختن صدراعظم چه بوده. او یگانه شخصی بود که از آغاز این جنگ تا به حال در سر کار خود باقی مانده بود. سر ادوارد گری انگلیسی پارسال از کار کنار رفت و سایرین هم از متفقین و متحدین که در رأس کار بودند و تنها بتمن هلوگ مانده بود. معلوم نیست سیاست صدراعظم تازه چه خواهد بود، اگر چه در آلمان سیاست در دست

امپراتور است و صدراعظم هم باید به میل امپراتور رفتار کند. یکی از کشتیهای جنگی نمره اول انگلیس آتش گرفته و غرق شده و تمام عملهجات و افراد جنگی که در آن بوده اند غرق شده اند.

علی اکبرخان ساعت ساز

شب را با میرزا محمدعلی ممتاز و حمیدخان گذراندم. چیزی که ممتاز می گفت و در اینجانب ایجاد بشاشت کرد این بود که میرزا علی اکبر ساعت ساز یکی از دموکراتهای معروف که به آزادی ایران بسیار خدمت کرده و از قم با چراغعلی خان به فرونت عراق به مقابل روسها رفته بود، معلوم شد که در زدو خورد با روسها کشته شده. در قم تمام ما فوت او را مسلم دانسته و برای او و بازماندگان او افسوس می خوردیم. ولی طبق اظهار آقای میرزا محمدعلی ممتاز، میرزا علی اکبر فوت نشده و الساعه در تهران زنده و سرکار خودش می باشد. از قرار معلوم در حین زدو خورد با روسها از اسب پرت شده بیهوش جزء کشته گان می افتد. بعد به هوش آمده با مشقت زیادی خودش را به محل امن و آبادی می رساند. مدتی هم در تهران پنهان بوده تا آنکه از سپهدار تأمین گرفته به سرکار خود که ساعت سازی است می رود. هنوز به همان ترتیب مشغول تبلیغات برای دموکراسی و کمک به ملیون می باشد. در همین یادداشتها افسوس به حال این شخص و از میان رفتن او اظهار کرده [ام] و این چند سطر را هم به یادگار خوشحالی خودم از نجات و زنده ماندن او روی کاغذ می آورم.

ملاقات گلدنبرگ

یکشنبه ۱۵ ژوئیه - صبح گلدنبرگ عضو دلگاسیون روس را ملاقات و مدتی با او صحبت کردم. از اوضاع روسیه اظهار بی اطلاعی می نمود. می گفت مدتی است که دیگر اطلاع مستقیم از پترزبورگ نداریم ولی از

قرار معلوم اوضاع روسیه خوب است. از برای او شرح ملاقات با افراد کمیته هلندی و اسکاندیناوی را بیان کردم. از من پرسید از ملاقات خودمان و اطمینانی که او به اینجانب داده برای کمیته شرح دادم یا خیر؟ گفتم بله تا آنجایی که لازم بود برای آنها شرح دادم. گفت باز هم به شما اطمینان می دهم که روس دیگر نسبت به ایران تخطی نخواهد کرد. خواهید دید که بعد از جنگ یک نفر از قشون روس در خاک ایران دیده نخواهد شد. روس دموکرات به خاک اجنبی آن هم یک کشور همسایه مانند ایران تخطی نخواهد کرد. پس از مدتی مذاکره در همین زمینه از نزد او خارج شدم.

گردش با حیدر عمواوغلی

امروز به واسطه تعطیل یکشنبه و خوشی هوا قرار گذاشته ام با حیدرخان به بیرون شهر برویم. ساعت یازده با کشتی به طرف سالزبادن حرکت کرده از آن بندر هم گذشته به گوستاوزبرگ رفتیم. تا استکهلم تقریباً دو ساعت راه است. ناهار را در آنجا صرف و ساعت چهار به سالزبادن مراجعت کردیم. گوستاوزبرگ جای کوچکی است و برای گردش چندان اشتهاری ندارد. از ساعت چهارونیم تا هفت در سالزبادن ماندیم و با آخرین کشتی که ساعت هفت به استکهلم می آید حرکت کردیم. در این تنگه ها کشتی تقریباً در هر ایستگاه توقف کرده لنگر می اندازد و مسافر می گیرد. ساعت نه وارد استکهلم شدیم. منظر خیلی خوشی بود و خیلی خوش گذشت. مخصوصاً نزدیک استکهلم که خورشید غروب می کرد و نمایش بسیار زیبایی داشت. دریاهاى تنگ، در دو طرف آنها کوه و سبزی و ساختمان و آبادی، طبیعت را در حقیقت با صنعت دمساز [کرده است] و چشم مسافر را لذتی بسزا می دهد. در این دریاهاى تنگ کشتیهای زیاد در حرکت می باشند و مسافر حمل می کنند. در نزدیکی استکهلم چند فروند کشتیهای جنگی لنگر انداخته اند.

صدراعظم جدید آلمان

صدراعظم آلمان چنان که گفته شد استعفا داده و به جای او دکتر میکائلیس که قبلاً معاون وزارتخانه و رئیس اداره ارزاق بوده به مسند صدارت نشسته. از قرار راپرت روزنامه‌جات زیمرمن هم از وزارت خارجه مستعفی و به جای او وزیر مختار آلمان در کپنهاگ برقرار شده است. از قرار مندرجات روزنامه‌ها صدراعظم جدید آلمان بسیار کاری و اداری است و اخیراً در اداره ارزاق و رساندن خوراک به مملکت خدمات شایانی به منصفه ظهور رسانده و خود را بسیار معروف ساخته است. از قرار معلوم بحران در آلمان به کلی برطرف شده و تمام فراکسیونهای مجلس دست اتحاد داده، فرمول معینی برای تعقیب جنگ تعیین کرده‌اند و مدافع سیاست صدراعظم جدید خواهند بود.

ایراده‌ها بر صدراعظم پیشین

بتمن هلوگ هشت سال تمام صدراعظم آلمان بود. در چهاردهم ژوئیه ۱۹۰۹ به صدارت منصوب و روز چهاردهم ژوئیه ۱۹۱۷ مستعفی گردید. ایرادی که به او داشتند بیشتر در نداشتن استحکام در سیاست بود. از او ایراد می‌گرفتند که پس از انقضای موقع دست به یک کاری می‌زند. مثلاً جنگ تحت‌البحری یک سال پس از وقتی که می‌بایستی آغاز شود شروع شد. راجع به همین موضوع سال گذشته امیرالبحر معروف آلمان فن تیرپتز مستعفی گردید. بتمن هلوگ نمی‌خواست با امریکا طرف شود و برای همین موضوع جنگ تحت‌البحری را به عقب انداخت. ولی بالاخره نتوانستند امریکا را دور از جنگ نگاه دارند. امریکا داخل جنگ شد و جنگ تحت‌البحری هم یک سال به عقب افتاد. روزنامه‌های متفقین از این پیشامد اظهار وجد کرده‌اند و به خود اطمینان می‌دهند که بحران آلمان نتایج خوب برای آنها به ظهور خواهد رساند. بدیهی است مطبوعات

متفقین هر حرکت آلمان را برای استفاده و استحکام کار خودشان به طوری که می‌خواهند شهرت می‌دهند. ولی به طور مسلم این بحران و تعویض صدارت هیچ‌گونه انقلاب داخلی و یا ضعفی در دولت آلمان نمی‌نمایاند و برعکس فراکسیونهای مجلس بیشتر حامی جنگ و سیاست جنگی دولت آلمان هستند. برای همین مقصود بتمن هلوگ را از کار انداخته و صدراعظم تازه را به جای او نشانده‌اند. معلوم است با این تغییر که نتیجه اقدامات فراکسیونهای مجلس است نفوذ نمایندگان نسبت به صدراعظم و هیئت دولت زیادتر از سابق خواهد بود. تغییر صدراعظم، تغییر وزیر امور خارجه را نیز ایجاب کرده است. ولی هنوز قطعاً وزیر امور خارجه جانشین زیمرمن معین نشده ولی دو نفر را اسم برده‌اند: یکی وزیر مختار آلمان در کریستیانیا و دیگری کپنهاگ.

بودم. اکستروم از ایران و به خصوص از محاربات اخیر آزادیخواهان و ملیون علیه روسها صحبت می‌داشت. زبان فارسی را خوب حرف می‌زند. از همان اول، ورود یالمارسن به ایران با او بوده و پنج سال در ایران توقف داشته و به نقاط مختلف رفته است. در محاربات ۱۹۱۵-۱۹۱۶ ضد روسها شرکت داشته است. پارسال تابستان به واسطه ناخوشی اجازه گرفته به سوئد برمی‌گردد و هنوز در اینجا است. اخیراً از وزارت جنگ آلمان درخواست خدمت کرده است ولی هنوز جواب مساعدی برای او نیامده است.

وزیر خارجه جدید آلمان

سه‌شنبه ۱۷ ژوئیه - صبح چائورا ملاقات و با او قدری صحبت کردم. پیش از ظهر اکستروم و حمیدخان آمده تا ظهر با هم بودیم. بحران آلمان به کلی پایان یافته. زمرمن از وزارت خارجه قطعاً برکنار [می‌شود] و احتمال دارد به سفارت آلمان در استانبول برود و جانشین او رسماً سفیر سابق آلمان در کپنهاگ می‌باشد. قرار است صدراعظم جدید آلمان نطقی در مجلس رایشتاگ راجع به سیاست خودش روز پنجشنبه آینده بنماید. اکثریت مجلس هم اظهاراتی راجع به نقطه نظر خودشان بنمایند.

برادر پادشاه سوئد

بعد از ظهر در یکی از رستورانهای استکهلم ناهار خوردم. برادر پادشاه سوئد هم با خانمش که دختر پادشاه دانمارک است در آنجا ناهار می‌خوردند. برادر پادشاه سوئد مردی است در حدود پنجاه سال بسیار بلند و باریک، کمتر مردی به این بلندی و باریکی دیده می‌شود، جلب نظر همه را کرده بود. خانمش هم قرب چهل سال دارد، بالنسبه کوتاه و ضعیف است.

پایان مسافرت استکهلم

اعلامیه کمیته کارگران

دوشنبه ۱۶ ژوئیه - از آمد و رفت سوسیالیستها دیگر خبری ندارم. از قرار کنفرانس باید در پانزدهم اوت منعقد شود. نمایندگان روسیه همین دو روزه خیال مسافرتی به طرف جنوب دارند. دو شماره اعلامیه شعبه کمیته کارگران و سربازان [روسیه در؟] استکهلم امروز به اینجانب رسید. خبر تازه‌ای از انقلاب روسیه نداشت ولی از مسلک کمیته و به خصوص صلح‌طلبی آن و دعوت عموم کارگران به صلح مفصل نوشته بود. از روزنامه‌جات برلن معلوم می‌شود آلمانها از تغییر صدراعظم به طور عموم بسیار خوشحال هستند و اظهار امیدواری به لیاقت و پیشرفت کار صدراعظم تازه دارند. صدراعظم جدید شصت سال و شباهت صوری زیاد به بیزمارک دارد.

اکستروم در ایران

عثمانیها قدری در مرزهای ایران پیشرفت حاصل کرده و بعضی نقاط را از دست روسها گرفته‌اند. بعد از ظهر دو ساعتی با اکستروم و حمیدخان

جنوب استکهلم

بعد از ناهار با حمیدخان قدری گردش کرده به طرف جنوب که شهر جنوبی استکهلم رفتیم. این قسمت به کلی از قسمت شمال شهر مجزا است و به وسیله یک پل که آن هم برای عبور و مرور کشتیها بلند می شود [به هم متصل می شود]. در چهارده سال پیش که اینجانب مسافرتی به استکهلم کردم این قسمت جنوبی شهر بیشتر مورد توجه بود ولی امروز محل اقامت کارگران و اشخاص درجه سوم است.

تپه های زیبا

تراموهای الکتریکی زیاد [ند] و مشغول حمل و نقل مسافری می باشند. مناظر این طرف شهر زیباتر از مناظر طرف شمال است. طرف شمال تماماً مسطح و صاف است ولی این طرف جنوب روی تپه های مرتفع ساخته شده و مناظر طبیعی زیبایی به وجود آورده است. در همین قسمت در ساحل دریا سه آسانسور بزرگ است که مردم را از پایین به طبقات فوقانی بالای تپه ها می برد و از بالای تپه ها مناظر دلپذیری را نشان می دهد. در چهارده سال پیش قهوه خانه ها و رستورانهای بسیار خوبی در این قسمت بود ولی امروزه تمام به طرف شمال منتقل شده است.

امروز از هتل کتیناتال جويا شده [معلوم شد] نماینده سوسیالیستهای بلغاری به استکهلم آمده است ولی مولر نماینده سوسیالیستهای آلمانی در رایشتاگ به برلن برگشته است. دکتر عاقل مختاریک نماینده عثمانی هم به استانبول مراجعت کرده است.

شیخ ترکمان

چهارشنبه ۱۸ ژوئیه - صبح چائو را ملاقات کردم. شرحی از اوضاع عمومی صحبت می کرد. از برلن خبر مهمی نداشت. شرحی محرمانه

راجع به شیخ ترکمان می گفت که از قرار معلوم جاسوسهای انگلیس او را ربوده و با خود همراه کرده اند. غریب چیزی [اینکه] بعد از ظهر که پترسن صاحب منصب سوئدی به دیدن نگارنده آمد جویای منزل همین شیخ بود. از او سؤال کردم برای چه جویای او می باشد، جواب قانع کننده نداد. قدری سوءظن اینجانب را برانگیخت. دیگر اینکه از فن ویزندونگ از من سؤال می کرد، به او جواب دادم که با نامبرده چندان آشنایی ندارم. در این که پترسن با انگلیسیها ارتباط دارد حرفی نیست. خانمش هم با انگلیسیها آمد و رفت دارد.

انقلاب در پترزبورگ

امروز خبر رسید که در پترزبورگ مجدداً انقلاب شده سربازان نمایش عمده ای داده و عده ای را هم کشته اند. در حقیقت انقلاب مجدداً شعله ور گردیده است. سه نفر از وزرا استعفا داده و سوسیالیستها جای آنها را گرفته اند.

کریم گُرد

از تهران خبر رسید که منتخب الدوله رئیس خزانه را تیر زده و کشته اند. نامبرده خیلی نزدیک به انگلیسها بود و قتل او از این بابت است. بعد از ظهر کریم گُرد را ملاقات کردم. این شخص از کردهای کردستان ایران ولی از قرار معلوم از اتباع عثمانی است. پنج سال است در استکهلم توقف دارد. زبان آلمانی و سوئدی را خوب حرف می زند. دو سال هم در آمریکا بوده [است] و انگلیسی را قدری می داند. شرحی از اوضاع سوئد برای اینجانب تعریف می کرد ولی رویهمرفته از سوئدیهها خوب نمی گوید. می گفت آن حقیقتی که باید داشته باشند ندارند. چشمشان بیشتر به ظاهر است و طمعشان خیلی زیاد است. طبقه نسوان هم اینجا بیش از سایر

جاهای اروپا دارای عفت نیستند به خصوص در داخل زندگی خانواده‌ها. کریم کرد در اینجا مشغول مختصر کسبی است و به قدر معاش خود فایده می‌برد.

اوضاع پترزبورگ

پنجشنبه ۱۹ ژوئیه - انقلاب پترزبورگ ادامه دارد. از جزئیات آن خبر صحیحی نرسیده ولی به قسمی انقلاب شدت دارد که ترن از فنلاند برای پترزبورگ حرکت نکرده و از پترزبورگ هم ترنی خارج نشده است. از قرار راپرت روزنامه‌جات روز دوشنبه سربازان و کارگران اغلب مراکز مهمه شهر را تصرف کرده و عزل وزرا را خواسته‌اند. تمام روز شلیک توپ و تفنگ در کار بوده است. از قرار معلوم تمام وزرا استعفا داده و امروز کمیته عمله‌جات و سربازان تنها مرکز قدرت شهر می‌باشند. وزرای مختار هم در حکومت نظامی پترزبورگ جمع شده مشغول مذاکره راجع به این پیشامد می‌باشند.

حمام دریایی

پیش از ظهر آقایان انصاری و حمیدخان به هتل آمده با آنها به بندر رفته با کشتی به سودرتلیه که در طرف جنوب غربی استکهلم و با کشتی دو ساعت و نیم است رفتیم. کشتی تمام راه را از وسط دریاها تنگ می‌رود و مناظر خیلی زیبایی را نشان می‌دهد. ناهار را در کشتی صرف [کردیم]، پس از ورود به سودرتلیه به کشتی کوچک دیگری نشسته از وسط کانال گذشته به محل حمام دریایی به طرف جنوب کانال رفته و پس از استحمام دریایی به سودرتلیه مراجعت کردیم و ساعت هفت و نیم باترن به استکهلم برگشتیم. یک ساعت و ربع با ترن راه است. تمام روز بسیار خوش گذشت.

ورود هدایت

جمعه ۲۰ ژوئیه - امروز آقای عزت‌الله هدایت از برلن وارد استکهلم شد. تمام روز با او بودم. از برلن مفصلاً صحبت می‌کرد. خلاصه اطلاعات او از برلن بدین ترتیب بود:

اول - تلگرافی از نظام السلطنه از استانبول رسیده که از حرکت اینجانب به استکهلم استفسار کرده که به ایشان اطلاع داده شود.

دوم - نادولنی به برلن مراجعت کرده، به نظام السلطنه و عثمانیها نظر خوشی اظهار نمی‌کند.

سوم - ماژور محمدتقی خان و ماژور ابوالحسن خان به برلن وارد شده‌اند.

چهارم - نامه مفخم‌الدوله رسیده که نامه‌های لازم را سواد کرده، فرستاده‌اند که از برلن فرستاده شود.

آلمان و صلح

وضع برلن رویهمرفته بد نیست و مردم امیدواری به موفقیت آتیه داشته و نسبت به صدراعظم جدید نظر خوبی دارند. دیروز صدراعظم آلمان نطق مفصلی در مجلس رایش‌تاگ آلمان می‌نماید و می‌گوید همان سیاست سرعسکری کل را تعقیب خواهد کرد. جنگ تحت‌البحری ادامه خواهد داشت تا آنکه انگلیس به زانو درآید. دیگر دعوت صلح از طرف آلمان نخواهد شد. ولی وقتی متفقین دعوت صلح بکنند آلمان برای مذاکرات صلح حاضر خواهد بود. انقلاب روسیه با شدت ادامه دارد و هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است و معلوم نیست وضع دولت تازه چیست.

حمله علیه روس

از قرار راپرت روزنامه‌جات آلمانها و اتریشیها حملاتی علیه روس در

گالیسیای شرقی شروع کرده و پیشرفتی هم کرده‌اند. در حمله دیروز متجاوز از دو هزار اسیر جنگی و مقداری اراضی از روسها گرفته‌اند.

اخبار ایرانیان استانبول

شنبه ۲۱ ژوئیه - امروز بیشتر روز را با عزت‌الله‌خان هدایت مشغول نوشتن خلاصه کارهایی که در این مدت شده است بودم. شرح مفصلی باز با عزت‌الله‌خان راجع به وقایع استانبول و ایرانیهای آنجا صحبت کردیم. روزنامه خاور استانبول شرحی راجع به مسافرت اینجانب به استکهلم انتشار داده [است] و اظهار امیدواری می‌کند که بلکه راجع به ایران نتیجه مطلوبه به دست آید. از قرار معلوم روابط نظام‌السلطنه با عثمانیها خیلی محکم و گرم می‌باشد ولی چندان روابطی با آقای احتشام‌السلطنه سفیرکبیر ایران در استانبول ندارد. آقایان میرزا محمدعلی خان کلوب و ادیب‌السلطنه و میرزا محمدعلی خان تربیت برای خود دسته‌ای علیه آقای نظام‌السلطنه تشکیل داده‌اند. فن ویزندونگ سخت مریض شده مشرف به موت بود. ولی حالا برای مداوا به سویس رفته و حالش بهتر است.

حبیب‌الله شیبانی

از قرار معلوم عملیات برای استرداد بغداد شروع شده و یکی از سردارهای آلمانی به ریاست این قشون برقرار گردیده. عثمانیها پیشرفتی در مرزهای ایران ضد روسها کرده‌اند. پس از ورود نظام‌السلطنه به استانبول دعوتی از کلیه ایرانیان مقیم برلن شده بود که به استانبول رفته در آنجا همگی همکاری کنند. ولی ایرانیان برلن به این دعوت جواب مساعدی ندادند. مازور حبیب‌الله خان شیبانی می‌خواسته است به طرف برلن حرکت کند به او اجازه نداده‌اند و در نتیجه هنوز در استانبول متوقف است.

حیدرخان عمو اوغلی

یکشنبه ۲۲ ژوئیه - ساعت یازده با آقای عزت‌الله‌خان هدایت به سالزبادن رفته و در آنجا حیدرخان هم به ما ملحق شد. تا ساعت شش در آنجا بودیم. سپس با کشتی از آنجا به گوستاویرگ رفته و از آنجا با ترن به استکهلم مراجعت کردیم. هوا ابری [بود] و کمی باران می‌آمد. نزدیک غروب هوا به قسمی سرد شد که پالتو مورد احتیاج بود. حمله آلمانها در گالیسیای شرقی ادامه دارد. قشون آلمان و اتریش به نزدیکی شهر تارنپول رسیده و در حال جلو رفتن هستند. روسها به سرعت از جلوی متحدین عقب‌نشینی می‌کنند.

مظفریت بلشویکها

پرنس لوف مستعفی و کرنسکی مشغول تشکیل کابینه شده است. از قرار معلوم بلشویکها مظفریت کامل حاصل نکرده [اند] و عجالتاً تمام کارها دست اکثریت کمیته عملجات و سربازان که حامی کرنسکی می‌باشند افتاده است. لین و دسته او کرنسکی و پارتیزانهای او را به کارکنان آلمانی متهم ساخته [اند] و آنها را تعقیب می‌کنند. گویا آن قسمت از قشون که پارتی عملجات و سربازان است عجالتاً موقیبت حاصل کرده پترزبورگ را تحت تسلط خود گرفته‌اند. در هر صورت شب آستن است تا چه زاید سحر.

پخش اعلامیه - نامه به ارباب کیخسرو

دوشنبه ۲۳ ژوئیه - صبح تا ظهر مشغول نامه‌نویسی بودم. نامه‌ای به ارباب کیخسرو نوشته، بیست نسخه از اعلامیه خودمان را برای او فرستادم و از او خواهش کردم که به نمایندگان سابق مجلس بدهد. ضمناً مختصری از نظریات خودمان را برای او تشریح کردم و نوشتم اگر نظریات تازه‌ای

ملیون و آزادیخواهان تهران دارند خوب است کتباً و یا تلگرافاً به اینجانب اطلاع بدهند تا وحدت فکر و عمل میان نگارنده و آنها ایجاد شود. مدت اقامت خود را در استکهلم تا اواخر اوت معین کردم.

نامه به صدرائی

نامه‌ای دیگر به آقای صدرائی - یکی از وجوه آزادیخواهان - نوشته و از او خواهش کردم اعلامیه‌ی ما را به فارسی مرغوب و به طور مطلوب به طبع رسانده هرچه بتواند انتشار بدهند که نظریات و عملیات اینجانب در اینجا از نظر هموطنان گذشته [شود] و افکار آنان را نیز به این نکته‌ی اساسی که حفظ میهن و دفاع از منافع وطن است متوجه سازد.

نامه‌ای هم به آقای مفخم‌الدوله به پترزبورگ نوشته از ایشان خواهش کردم دو نامه‌ی نامبرده را به تهران بفرستند. از برای خود ایشان هم سی نسخه اعلامیه‌ی خودمان را به زبان فرانسه و انگلیسی فرستاده از ایشان خواهش کردم که به هر جا و به هر کس که صلاح می‌دانند بدهند تا نتیجه‌ی مطلوب به دست آید.

قنصل ژنرال ایران

مقارن ظهر پاکت پترزبورگ را به قنصل ژنرال ایران دادم که به توسط قاصد مخصوص وزارت خارجه سوئد برای پترزبورگ بفرستند. قنصل ژنرال نامبرده می‌گفت از قرار معلوم تا اواخر این ماه خود مفخم‌الدوله از پترزبورگ وارد استکهلم خواهد شد. خانم ایشان در گراند هتل استکهلم منزل دارند. اشیائی که قبلاً به توسط ایشان برای آقای نواب فرستاده بودم ارسال شده است.

نامه‌ی یالمارسن

امروز کلنل یالمارسن که در [جائی] در داخله سوئد منزل دارد نامه‌ای به

اینجانب نوشته اظهار می‌دارد که در این مدت به واسطه‌ی مشق و مانور قشون نتوانسته است به استکهلم برای دیدن اینجانب بیاید. امروز هم برای تعطیل به محل منزل خانواده‌ی خود رفته و تا اواخر اوت در آنجا خواهد بود و بعد اگر اینجانب در استکهلم باشم به دیدن من خواهد آمد.

قنصل جدید ایران

بعد از ظهر با آقایان عزت‌الله‌خان و حمیدخان به دیدن قنصل جدید ایران رفته در آنجا نامه‌ای از آقای نواب برای اینجانب رسید. ایشان می‌نویسند که خوب است جزئیاتی از عملیات خود در اینجا برای ایشان فرستاده [شود] تا از برلن به تهران بفرستم. در جواب این نامه شرح مفصلی در دوازده صفحه از عملیات خود در اینجا برای ایشان نوشتم که اگر صلاح بدانند به تهران بفرستند. قنصل جدید ایران بازرگان جوانی است سوئدی به نام اوتوروبن، زبان آلمانی و انگلیسی را خیلی خوب حرف می‌زند. اداره‌ی بزرگی دارد که یک طبقه‌ی عمارت را گرفته است. از قرار معلوم یکی از بازرگانان معتبر اینجا است. وعده‌ی مساعدت داد که هر نوع کاری از قبیل فرستادن نامه، تلگراف و امثال [باشد] آنها در انجامش حاضر است.

حملات جدید

حملة آلمان و اتریش [در] گالیسی شرقی ادامه دارد و گویا به سرعت جلو می‌روند. قشون بی‌دیسپلین روس از اطراف در مقابل این حملات فرار می‌کنند. از قرار معلوم آلمانها در فرانسه هم به حملاتی مبادرت کرده و قدری هم پیشرفت کرده‌اند. می‌شود گفت تغییر صدراعظم در آلمان زمینه‌ی سیاست آن کشور را تغییر داده. تعلق فولادین صدراعظم جدید و حملات تازه هندنبورگ هیکل متفقین را به لرزه درآورده و زبان آنها را مجدداً به اغراق‌گویی باز کرده است.

خشکسالی اروپا

تمام امروز باران بسیار شدید می‌بارید. از قراری که می‌گویند این شدیدترین بارانی است که این بهار در سوئد بلکه در شمال اروپا باریده است. امسال فی‌الحقیقه سال غریبی است. چنان که می‌گویند و جراید می‌نویسند از پنجاه سال پیش تا به حال چنین خشکسالی در شمال اروپا نبوده. در بعضی جاها مواشی از نبودن علف و خشک بودن مزارع و مراتع تلف شده‌اند. در همه جای شمال اروپا حاصل رنگ خوشی ندارد. بارانهای امروز در هر صورت نباید خالی از فایده باشد. برای سبز کردن اراضی و برای کشت سیب‌زمینی مفید است.

تبدیل پول

برای یکی از ایرانیان مقیم اینجا پولی از تهران فرستاده‌اند که هر هزار تومان را به پنجهزار کرون سوئدی تبدیل کرده است و پیش از جنگ هر هزار تومان بیش از سه هزار و کسری کرون سوئدی نبوده است.

برگدال سوئدی

سه‌شنبه ۲۴ ژوئیه - صبح تا ظهر مشغول نوشتن بودم. نامه‌ای به برگدال مفتش کل پلیس استکهلم و رئیس قدیم شعبه پلیس مخفی تهران نوشته، او را از موفقیت تازه‌ای که به دست آورده تبریک گفته به ناهار در گراند هتل دعوت کردم. تفصیل موفقیت نامبرده چنین است که چندی پیش یک نفر از افسران بزرگ سوئد که رئیس استحکامات مرزی کشور سوئد بود کشته [شد] و قاتل هم به هیچ وجه به دست نیامده و فراری شده بود. تنها کلاهی از او در محل قتل مانده بود. برگدال پس از زحمات زیاد سه روز پیش قاتل را پیدا می‌کند. او شخصی است روسی که برای دزدیدن بعضی نوشته‌جات رفته، صاحب منصب مقتول سر رسیده از او جلوگیری

می‌کند. با ششلول طرف را کشته و فرار می‌کند. کشف این قتل برای برگدال موفقیت بزرگی است که به نام او تمام شد. عکسش در اغلب روزنامه‌جات بوده و به نام رئیس قدیم شعبه جنایات و یا پلیس مخفی تهران او را نامیده از او توصیف می‌کنند. برگدال ایران دوست هم هست. کتابی راجع به عملیات خودش در تهران نوشته است.

حملات آلمان و اتریش در گالیسی شرقی با شدت ادامه دارد. شهر تارنپول را گرفته [اند] و جلو می‌روند و روسها طبق عادت دیرینه خود هر آبادی [را] که در جلو راه است آتش زده عقب می‌نشینند. سلطان عثمانی نشان درجه اول آن کشور را به هندنبورگ و لودندورف برای این فتوحات داده است.

محمدعلی ممتاز

بعد از ناهار میرزا محمدعلی ممتاز را ملاقات و مدتی با او صحبت کردم. می‌گفت بی تکلیفی در اینجا باعث کسالت او شده، مدتی است که درخواست ویزای تذکره کرده [است] که به ایران برگردد. ولی روسها رفتن او را به روسیه تصویب نکرده‌اند.

گردش

عصر با عزت‌الله‌خان به واکس‌هلم رفتیم. کشتی یک ساعته به آنجا می‌رود. خود واکس‌هلم هم داخل دریاها تنگ در شمال شرقی استکهلم واقع است. پیاده شده قدری در آنجا راه رفتیم. جای بسیار باصفایی است.

انگلیسیها و سوسیالیستها

چهارشنبه ۲۵ ژوئیه - امروز ناهار را با آقایان میرزا محمدعلی ممتاز و

عزت‌الله‌خان و حمیدخان صرف کردیم. بعد از ظهر چائو به ملاقات اینجانب آمد و از عملیات خودش شرحی صحبت می‌کرد. از قرار معلوم انگلیسها در استکهلم جدیت دارند و سعی می‌کنند سوسیالیستها و نمایندگان ملل ضعیف را به طرف خود جلب کرده و هر چه ممکن است از این اجتماع در استکهلم استفاده نمایند.

تفرجگاههای استکهلم

بعد از ظهر به باغ وحش رفته تا نصف شب در آنجا بودیم. این باغ در طرف شرق استکهلم بر فراز تپه‌های مرتفع مشرف بر دریاها و تنگ میان جزایر که استکهلم بر فراز آنها ساخته شده واقع و بسیار جای باصفای خوبی است. تنها تفریحگاه نزدیک استکهلم همین باغ وحش است که به واسطه پل خیلی خوبی با قسمت شمالی استکهلم متصل است. تابستان تئاترهای استکهلم تماماً بسته است و تنها در این باغ نمایش تئاتری داده می‌شود و فی الواقع این‌گونه نمایشات در هوای باز و جای باصفا بسیار لذت بخش می‌باشد. برای تابستان به خصوص تابستان سوئد که تقریباً تمام بیست و چهار ساعت روز روشن است دلپذیر می‌باشد.

وضع روسها

حمله آلمانها و اتریشها در گالیسی به شدت ادامه دارد و روسها در حال فرار می‌باشند. خود روسها در ابلاغیه خودشان می‌گویند که تبلیغات انقلابیون به کلی نظم قشون را متزلزل نموده و دیگر سرباز از افسر خود اطاعت نمی‌کند و به میل خود فرار اختیار کرده یا خود را تسلیم دشمن می‌نماید. مقدار زیادی آذوقه و ادوات جنگی و توپ و هزارها اسیر تا به حال به دست متحدین افتاده است. از قرار معلوم هنوز قسمتی از کابینه قدیم روس در سر کار است. علت استعفای لوف از قرار اخبار رسیده در

این بوده که اکثریت سوسیالیست کابینه هواخواه جمهوری سوسیالیستی برای روسیه هستند که فوراً اخطار آن از طرف دولت موقتی بشود. پرنس لوف عقیده مند بود که وضع و شکل حکومت آینده روس باید برای کنفرانس عمومی از [طرف] نمایندگان ملت معین شده و حکومت موقتی نباید مداخله در این کار نماید.

تاریخ کنفرانس

پنجشنبه ۲۶ ژوئیه - پیش از ظهر به اداره کمیته سوسیالیستهای هلند و اسکانندیناوی رفته و در آنجا هویسمان منشی کمیته را ملاقات کردم. هویسمان می‌گفت هنوز معلوم نیست کنفرانس عمومی سوسیالیستها عقب افتاده باشد، در این هفته معین خواهد شد که انعقاد کنفرانس پانزدهم و یا آخر ماه اوت خواهد بود. راجع به رفتن خودش به لندن، هنوز معلوم نیست، اگر اشکالی در آنجا پدید آید باید به آنجا برود والا نخواهد رفت. امیدوار بود که حتماً کنفرانس خواهد شد. می‌گفت هنوز در لب کوه آتشفشان واقع هستیم. از او صورتی از کلیه سوسیالیستهای معروف اسکانندیناوی خواستم. گفت چنین صورتی هنوز مرتب نشده ولی اگر اوراقی برای آنها دارید کمیته می‌تواند میان آنها توزیع نماید.

ملاقات با برگدال

امروز برگدال را به ناهار دعوت کرده بودم. به اتفاق ناهار صرف کرده و تا ساعت سه و نیم در گراند هتل با هم بودیم. شرح مفصلی از پیدا کردن قاتل افسر سوئدی نقل می‌کرد، داستانی است عجیب شبیه به داستان شرلوک هلمز. به چه قسم رد شکار را گرفته و با چه زحماتی فوق تصور و به کار انداختن کلیه وسایل ممکنه شکار را پیدا کرده، ششلول در دست داخل اطاق او می‌شود. جانی قاتل هم ششلول در جیب داشته ولی به او

فرصت نداده، داخل صحبت با او شده او را از خانه بیرون آورده و به اداره پلیس می برد. جانی شخصی است روسی که اخیراً خود را آلمانی قلمداد کرده و برای دزدی اوراق به خانه افسر رفته است. از صدای پای او صاحبخانه بیدار شده او را تعقیب می کند. سارق وقتی می بیند که الان به چنگ افسر خواهد افتاد ششلول آتش داده صاحبمنصب را می کشد. پس از واقعه قتل، قاتل منزل خود را عوض کرده اسم خود را تغییر می دهد. همیشه یک ششلول در جیب داشته که در وقت لزوم قبل از دستگیر شدن خود را بکشد. برگدال می گفت تمام وقت از همان لحظه ای که داخل اطاق او شده تا وقتی که با او داخل اداره پلیس می شود با او صحبت کرده که مبادا خیال خودش را جمع کرده به او و یا به خودش حمله کند. می گفت فوق العاده عصبانی بود و نمی توانست خیالش را جمع کرده صحیح صحبت کند.

مفخم الدوله و روسیه

پس از صرف ناهار و خدا حافظی با برگدال جوانکی ایرانی آمد گفت آقای مفخم الدوله اینجا تشریف دارند و مایل به ملاقات شما هستند. فوراً به سالن هتل برای ملاقات ایشان رفتم. یک ساعتی با هم صحبت کرده قرار شد فردا ساعت پنج به ملاقات نگارنده تشریف بیاورند. ایشان قدری پیر و شکسته شده اند و موهای سفید دارند. در زمینه همان کاغذ اخیر خودشان صحبت می کردند. از قرار گفته خودشان یک ماه و نیم در استکهلم توقف و بعد به طرف سویس حرکت می کنند. خانم را فردا به ییلاق فرستاده خود ایشان چند روزی در استکهلم خواهد بود. از اوضاع روسیه فوق العاده شکایت دارند. از قرار گفته ایشان دیگر هیچ امیدی از روسیه برای متفقین و تشکیل یک نیروی برای جنگ نیست. مردم روسیه به کلی از اوضاع آن مملکت منزجرند و آرزوی صلح را دارند. آن کشور

به طوری شلوغ شده که جان هیچ کس در امان نیست. ممکن است هر ساعت و هر دقیقه اتفاقی بیفتد.

فروغی

چیزی که تازه بود و دفعه اول شنیدم [اینکه] آقای ذکاءالملک را برای تبریک حکومت جدید روسیه می خواسته اند از تهران به پترزبورگ بفرستند. ولی این موضوع به مسامحه افتاده و هنوز به عمل نیامده است.

ملاقات با فورست و بیطرفی سوئد

عصر ساعت هفت آقای عزت الله خان با فورست نام از اعضای وزارت داخله سوئد که از برلن به استکهلم همسفر بوده اند قرار ملاقات گذاشته ایم که با هم او را ملاقات کنیم. در ساعت معین این ملاقات صورت گرفته تا آخر شب با هم بودیم. شخص نامبرده مردی است بسیار خوش اخلاق. در حدود پنجاه سال دارد. بیچاره یک دستش را بریده اند و دست مصنوعی دارد. مدتی با او از اوضاع سوئد و اسکاندیناوی و شمال اروپا و سیاست دولت سوئد و به خصوص نظریاتی که سیاسیون اسکاندیناوی در این جنگ نسبت به متحدین و متفقین دارند صحبت می کردیم. از قرار صحبت او اهالی سوئد به طور کلی بی طرف اند، نه تمایلی به متحدین و نه تمایلی به متفقین نشان می دهند. کوشش دولت سوئد در این است که این بی طرفی کامل را رعایت کرده، فکر تازه در میان متحدین و یا متفقین ایجاد نکند. ولی این نظر در تمام اسکاندیناوی ملحوظ نیست. در بعضی جاها تمایل بیشتر به طرف انگلیسیها می باشد و در بعضی جاها همدردی با آلمانها دارند. ولی با وجود این سیاسیون اسکاندیناوی مایل نیستند که به هیچ وجه از جاده بی طرفی خارج شوند.

نامه به مشیرالملک

جمعه ۲۷ ژوئیه - پیش از ظهر نامه‌ای به آقای مشیرالملک وزیر مختار لندن نوشته و چند نسخه از اعلامیه خودمان را برای ایشان فرستادم و خواهش کردم نسخه‌ای از آن را برای پروفیسور براون مستشرق معروف بفرستد. به ایشان محرمانه نوشتم که استکهلم امروز مرکز مهمی است و ممکن است بعد از این هم مرکز کنفرانسهای مهم واقع شود. خوب است دولت ایران ولو به طور موقتی باشد در اینجا نماینده صحیح و سیاستمدار وطن پرستی بفرستد تا برای ایران به طور دلخواه مفید واقع شود. از ایشان خواهش کردم اگر صلاح می‌دانند این موضوع را به هیئت وزرا پیشنهاد کرده بلکه نتیجه مطلوبه به دست آید. این نامه را توسط قونسولخانه ایران در استکهلم به لندن فرستادم.

دیدار با مفخم الدوله

ساعت چهار بعد از ظهر آقای مفخم الدوله به دیدن اینجانب آمد. تا ساعت هفت با هم مشغول صحبت بودیم. ایشان مذاکرات اینجانب را با دلگاسیون روس در دو تلگراف به تهران فرستاده و سوادش را با نمره دفتر به اینجانب دادند. از قرار گفته ایشان دو روز است در پطرزبورگ زدو خورد میان بلشویکها و حکومت در میان است. عده زیادی از طرفین کشته شده است. عجالتاً ایشان سفارت ممالک اسکاندیناوی را تحت نظر خواهند داشت تا زمانی که هوای این حدود تغییر کند و تحول سخت زمستانی پدید آید به طرف جنوب حرکت خواهند کرد.

از قرار گفته ایشان شریف الدوله به پیشکاری آذربایجان منصوب شده است.

افسران سوئدی

شنبه ۲۸ ژوئیه - بعد از ظهر ساعت چهار با عزت الله خان هدایت به

ملاقات آقای مفخم الدوله رفته، چای را در آنجا صرف [کردیم] و تا یک ساعتی با هم بودیم. طبق گفته ایشان از تهران چند نفر افسر سوئدی را برای پلیس و ژاندارم تهران خواسته‌اند. من جمله اسم فولکه را برده‌اند که استخدام شود. نگارنده سفارش کردم اگر ممکن است برگدال و ماژور فولکه را استخدام کنند، بسیار مناسب خواهد بود. هر دو ایران دوست [اند] و با زبان ایرانی آشنا [بند] و هر دو در کار خود مهارت و تجربیات کامل دارند. برگدال که اخیراً در کار خود ترقی و خود را معروف کرده است. ایشان گفتند هر دو افسر نامبرده را پیشنهاد خواهند کرد.

جزیره فیرویلمن

عصر با آقایان عزت الله خان و حیدرخان به جزیره فیرویلمن در طرف مغرب استکهلم رفته تا ساعت ده بعد از ظهر در آنجا بودیم. ساختمانهای بسیار عالی بر فراز کوهی که از آب سربه هوا کشیده ساخته‌اند و یک تالار بسیار بزرگ مرتفعی هم در باغی ترتیب داده [اند] که هر شب در آنجا می‌رقصند، ساعت هشت شروع و ساعت دوازده پایان می‌دهند. جمعیت زیادی از زن و مرد می‌رقصند. از بالای بالکن این تالار منظر بسیار زیبایی نمایان است. کشتیها دیده می‌شوند که به طرف مغرب و جنوب در حرکت [اند] و از میان این جزیره می‌گذرند.

وضع گالیسی

حملة آلمان و اتریش با کمال شدت در گالیسی شرقی ادامه دارد، تقریباً تمام شهرهای بزرگ و قصبات بزرگ گالیسی شرقی را اشغال [کرده‌اند] و خود را به سرحد روس و اتریش رسانده‌اند. از پطرزبورگ خبر مهم تازه‌ای نیست جز اینکه روز به روز دامنه انقلاب بالا گرفته و ناامنی زیاده می‌گردد.

به سوی اوپسالا

یکشنبه ۲۹ ژوئیه - صبح زود طبق قرارداد دیروز با آقایان عزت‌الله خان و حیدرخان از بندر پدروهلن با کشتی به اوپسالا رفتیم. تقریباً هفت ساعت در راه بودیم. همه جا با کشتی از دریا‌های تنگ گذشته، در یک ساعتی اوپسالا داخل یک دریای بسیار تنگی که مانند یک نهری از وسط مزارع سبز و خرم و جنگلهای انبوه می‌گذرد شدیم. همه جا مناظر بسیار عالی از جلوی نظر می‌گذرد و دیده را لذتی بسزا می‌دهد. مناظر این طرف را می‌توان گفت هیچ جا ندارد. دریا‌های تنگ پیچ در پیچ، جنگلهای سبز و انبوه، چمنهای خرم، کوههای پست بر فراز دریا‌های تنگ تمام مخصوص به همین ممالک اسکاندیناوی بلکه به سوئد و این منطقه می‌باشند.

اوپسالا

ساعت سه و نیم بعد از ظهر به اوپسالا وارد [شدیم] و در داخل شهر به گردش پرداختیم. کلیسای بزرگ و یونیورسیتته و قصر سلطنتی و پارک بزرگ شهر را دیده سپس به ایستگاه راه آهن رفته با ترن به استکهلم برگشتیم. اوپسالا یکی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین شهرهای سوئد و مرکز تعلیم و تربیت و فرهنگی کشور سوئد می‌باشد. دارای یک کلیسای خیلی معروف [است] که تاریخ تأسیسش ۱۲۸۰ میلادی بوده. قصر دولتی که بر فراز تپه سرانگیزبر شهرست که در سال ۱۸۴۶ میلادی ساخته شده و عمارت عالی یونیورسیتته در مرکز شهر به تاریخ ۱۴۷۷ میلادی تأسیس [شده] و کتابخانه یونیورسیتته عمارت بسیار عالی [دارد] که در ۱۸۴۱ میلادی تمام شده و بزرگترین و پربهاترین کتابخانه سوئد می‌باشد. اطراف اوپسالا تا استکهلم یک ساعت و ده دقیقه با راه آهن مسافت است. روزی چندین ترن بین این دو مرکز تردد می‌کند. پادشاه سوئد هر سال چند ماه در اوپسالا اقامت دارد.

دلگاسیون روس

امروز بعد از ظهر روزنوو عضو دلگاسیون روس به طرف پترزبورگ حرکت کرد. با این ترتیب دیگر کسی از آنها در استکهلم نمانده است. گلدنبرگ و سه نفر دیگر چند روز است که به لندن و پاریس رفته [اند] و تنها روزنوو در اینجا بود که او هم امروز حرکت کرده است. طبق مندرجات روزنامه‌ها انگلیسها و فرانسویها قطع کرده [اند] که نماینده به کنفرانس استکهلم نفرستند. حملات آلمانها هنوز ادامه دارد و به سرحد قدیم روس و اتریش رسیده‌اند. چند روز است بمباران موحشی در فرونت فلاندر از طرف انگلیسها در جریان است ولی هنوز حمله شروع نشده است. از قرار معلوم آلمانها هم قوه زیادی در آنجا تمرکز داده‌اند.

امید صلح

دوشنبه ۳۰ ژوئیه - امروز ظهر ناهار را در گراند هتل با آقای مفخم‌الدوله صرف کرده آقایان عزت‌الله خان و حمیدخان هم بودند. صحبت‌های متفرقه در میان بود. به عقیده آقای مفخم‌الدوله احتمال کلی دارد عنقریب موافقت و دوستی کاملی میان آلمان و روس برقرار شود و بالاخره اوضاع سیاسی به کلی واژگون گردد. زمینه احساسات موافقت و مودت آمیز در روسیه برای آلمان فراهم است. کارکنان آلمانی در آنجا جدیت دارند که هر چه زودتر وسائل صلح را به میان آورند و روسیه را با آلمان نزدیک گردانند. از روابط معنوی میان آلمان و عثمانی صحبت به میان آمد، ایشان خیال نمی‌کند آلمانها بعد از جنگ عثمانیها را ول کنند و یا علیه آنها اقدامی بنمایند.

نظر چائو

پیش از ظهر چائو را ملاقات کردم. تازه‌ای نداشت ولی با خنده می‌گفت

تمام کارکن انگلیس شده‌ایم، زیرا از هر حرکتی که می‌شود انگلیسها استفاده می‌کنند.

وضع جبهه‌ها

حملات آلمان و اتریش دیگر تمام گالیسی شرقی را از دشمن پاک [کرد] و به سرعت وارد خاک روسیه شده‌اند. در هر جا که روسها می‌خواهند مقاومتی بکنند فوراً با حملات سخت مقاومت آنها را شکسته جلو می‌روند. دو قشون روس، قشون یازدهم و هفتم، به کلی متلاشی شده و قشون هشتم هم در حالت متلاشی شدن است. در طرف فرانسه هم آلمانها جزئی پیشرفتی حاصل کرده‌اند. انگلیسها هنوز حملات خود را در طرف فلاندر شروع نکرده‌اند.

سیاست روس و فرانسه

دیروز صدراعظم آلمان در یک مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید اطلاع خصوصی از جلسه سری اول ژوئن فرانسه به دست آورده، در آن جلسه قرارداد سری که میان روس و فرانسه در دوره آخرین تزار روس منعقد شده که طبق آن فرانسه می‌بایستی به حدود قدیم خود یعنی تا رود رن برسد به محل مذاکره در آمده، بریان از آن مدافعه کرده و مذاکره می‌شود که هنوز که هنوز غیرممکن نیست روس را فدای سیاست تجاوزکارانه فرانسه گردانید، به خصوص چون کشور ایتالیا هم پیرو سیاست بسط خود می‌باشد، فرانسه هر طور هست بایستی خرد را به حدود رن برساند و برای این مقصود با هر وسیله که ممکن است باید روس را با خود موافق نمایند.

تشکیل کنفرانس حتمی است

سه‌شنبه ۳۱ ژوئیه - پیش از ظهر به کمیته هلند و اسکاندیناوی رفته و

منشی کمیته را ملاقات کرده، اظهار وجد می‌کرد که کارها رو به بهبودی [است]. هندرسن به کمیته تلگراف کرده که نمایندگان انگلیس تا روز بیست و دوم اوت برای کنفرانس به استکهلم خواهند آمد. حالا دیگر طبق گفته منشی نامبرده انعقاد کنفرانس عمومی بین‌المللی سوسیالیستی در استکهلم حتمی است و قدم عمده‌ای است که به طرف صلح برداشته می‌شود. چند نسخه از اعلامیه خودمان را که حاضر کرده بودم به او داده تا میان اشخاص مهم خودشان تقسیم نمایند. از شدت حملات آلمان و اتریش در طرف گالیسی شرقی کاسته نشده است. تحت‌البحریهای آلمان یک کشتی جنگی بزرگ انگلیس را با هفتصد نفر سرباز بحری که در آن بوده غرق کرده‌اند.

آغاز سال چهارم جنگ

چهارشنبه ۱ اوت ۱۹۱۷ - روز اول سال چهارم جنگ است. سه سال تمام است در دنیا خونریزی غیرقابل تصویری برپا بوده [است] و امروز داخل سال چهارم می‌شویم. آتش جنگ به خصوص در این چند روزه فوق‌العاده شعله‌ور است. هر دو طرف کوشش دارند یک مظفریتی برای روزهای آخر سال سوم جنگ به دست آورند. انگلیسها چندین روز است که سنگرهای آلمانها را در قسمت فلاندر تحت بمباران سخت قرار داده [اند] به امید اینکه بتوانند پس از حملات سختی به مظفریت برسند. آلمان و اتریش هم با نهایت سرعت از حدود مرزی گالیسی شرقی داخل خاک روس شده [اند] و هر روز پیشرفت زیادی به نفع خود می‌کنند. سال گذشته در این روز جنگ به حال متحدین خیلی نافع بود. اگر چه چندین دشمن تازه که قویترین آنها طوایف متحده امریکای شمالی است علیه آلمان داخل جنگ شده ولی در مقابل عملیات تحت‌البحری و انقلاب روس کمک بسیار به نفع آلمان صورت داده [اند]. به قسمی که عجالتاً

تقریباً هیچ قسمت از خاک اتریش و آلمان به استثنای ده هزار کیلومتر مربع در تصرف دشمن نیست. ولی آلمان و اتریش قرب هفتصد هزار کیلومتر مربع از خاک دشمن [را] تحت اشغال دارند و احتمال دارد که زیادتر هم بشود. عده تلفات دریایی متفقین روز به روز زیادتر می شود. به خصوص اخیراً دو کشتی جنگی بزرگ انگلیسی غرق شده اند.

نامه به وزرای روس

امروز صبح مسوده نامه به وزرای روس و کمیته کارگران و سربازان روسیه [را که] تنظیم نموده [ام] دادم که چاپ ماشینی بشود. در این نامه تذکر داده می شود که نگارنده از جانب هیئت دموکرات و آزادیخواهان ایران به استکهلم آمده و استرداد حقوق غاصبه خودمان را خواهان [شده ام]. در اعلامیه خطاب به کنفرانس بین المللی سوسیالیستها درخواستهای خودمان را پیشنهاد کرده ام و اینک نگارنده موقع را غنیمت دانسته و این تقاضاها را مستقیماً از حکومت امروزه روس که مکرر نیات حسنه و عدالت پرورانه خود را نسبت به کلیه ملل بیان کرده و حتی به بعضی قسمتهای خود روسیه می خواهد استقلال بدهد درخواست می نمایم و امیدوارم دولت امروزه روس مسلک دوستانه و سیاست مصالحت آمیز و عدالت پرورانه خود را نسبت به ایران رسماً اعلام کرده، پایه دوستی و حسن مراوده میان دو ملت روس و ایران برای حال و برای آتیه و بلکه برای همیشه ایجاد و مستحکم گردد.

نگارنده به خصوص می نویسد که دولت قدیم روس در هیچ موقع از تخطیات و تجاوزات به استقلال و تمامیت ایران خودداری نداشته، به وسیله تهدید و نیرنگ سیاسی و اعزام قشون به تدریج ریشه استقلال ایران را متزلزل ساخته، هر روز امتیاز جدیدی از دولت ایران خواستگار [بوده است] و نیروی ایران را رو به ضعف می کشانید. اینجانب از

حکومت امروزی روسیه تقاضا دارم کلیه امتیازات و قراردادهای [ئی را] که روس تزاری از ایران گرفته منسوخ دانسته و تمام خاک ایران را از عساکر روس تخلیه و رسماً اخطار نماید که بعد از این تخطی به خاک و به حقوق ایران نکرده ایران را مستقل به حال خود باقی خواهد گذاشت.

در نامه به وزرا یک سواد از نامه به رئیس الوزرا را نیز ضمیمه کردم و درخواست مساعدت برای ایران از او نمودم که در موقع خود به رئیس الوزرا مساعدت لازم نماید که هر چه زودتر اعلامیه لازم راجع به ایران صادر گردد.

نامه به کمیته کارگران

یک نامه هم به همین مضامین برای کمیته کارگران و سربازان با سواد نامه رئیس الوزرا فرستادم و از آنها درخواست نمودم که هر چه زودتر قطعنامه رضایت بخشی نسبت به ایران صادر نموده، عملاً وسایل تخلیه ایران را از عساکر روس و بنای روابط حسنه جدید میان دو ملت ایران و روس فراهم سازند. تمام این نامه ها با انشای خوب به زبان فرانسوی نوشته شد و توسط آقای مفخم الدوله فرستاده می شود.

طرز ارسال نامه ها

ظهر به گراند هتل به ملاقات آقای مفخم الدوله رفته و یک ساعتی با هم صحبت می کردیم. ایشان امروز به اوپسالا می روند و خیال دارند اواسط هفته آینده به استکهلم مراجعت کنند. قرار شد جوانی که همراه ایشان است و محمدخان نام دارد در استکهلم بماند و پس از آنکه نامه های پترزبورگ حاضر شد آنها را از اینجانب گرفته برای آقای مفخم الدوله ببرد که به توسط وزارت خارجه سوئد به پترزبورگ بفرستند. این نامه ها [را از] آنجا به وسایل غیررسمی که دارند به مقاماتی که لازم است برسد

خواهند رسانید. اسامی وزرا هم لازم نیست نوشته شود. در همان جا سر پاکتها را نوشته خواهند فرستاد.

شکایت از وثوق الدوله

آقای مفخم الدوله اظهار کردند که در هفته آینده که پادشاه سوئد به استکهلم مراجعت خواهد کرد شرفیاب خواهند شد. از سیاست ایران و اشخاص خیلی صحبت شد. شکایت از سیاست آقای وثوق الدوله داشت که در این مدت وزارت خارجه ایران تسلیم سیاست خارجی بود و انگلیسها را مجاز ساخت که عملیات جدیدی را در طرف جنوب ایران شروع کنند.

وثوق الدوله و سیاست خارجی

جای افسوس است که آقای وثوق الدوله با آن فهم و ذکاوت این طور تسلیم سیاست خارجی می شود. خیلی خوب می بود اگر ایشان چند سال به سمت وزارت مختاری در یکی از پایتختهای مهم اروپا مانده [بود] تا از سیاست خارجه و اوضاع اروپاییان کاملاً اطلاع پیدا کنند. آن وقت دیگر ممکن نبود بدین قسم تسلیم سیاست آنها بشوند.

مایملک مشیرالدوله

در ضمن صحبت از مرحوم میرزانصرالله خان مشیرالدوله، می گفت که مایملک او پس از فوتش ششصد هزار تومان و کسری بود و قریب یک صد هزار و کسری هم قرض داشت که میان دو پسر و یک دختر تقسیم شد. رویهمرفته تمام مایملک او از خانه و اثاث البیت و املاک کمتر از یک کروور تومان بود. در صورتی که در آن روزها می توانست میلیونها ذخیره کرده باشد. چندین سال وزارت خارجه بلکه تمام کارهای مهم ایران با او بود.

آماده شدن نامه ها

پنجشنبه ۲ اوت - امروز نامه های پطرزبورگ را تمام کرده. شانزده نامه به وزرا حاوی نامه به خود وزیر با دو ضمیمه یکی سواد نامه رئیس الوزرا و دیگری نسخه ای از اعلامیه ملیون و آزادیخواهان ایران و یک نامه هم برای رئیس الوزرا و یکی هم برای کمیته کارگران و سربازان، تمام این نامه ها جوف یک بسته بزرگ برای آقای مفخم الدوله حاضر شد تا برای ایشان بفرستم. رویهمرفته نامه به رئیس الوزرای روس و سایر نامه ها خوش مضمون نوشته شده، امیدوارم به دست آنها رسیده و خالی از نتیجه نباشد.

وضع جنگ دریایی

جنگ فلاندر ادامه دارد. از دو طرف حملات و مدافعه سخت در جریان است. آلمانها توانسته اند مواضع خود را در مقابل حملات دشمن حفظ کنند. قوای انگلیس و فرانسه و سایر متفقین در یک نقطه تنگی جمع [شده اند] و از آنجا پیوسته به حمله ادامه می دهند. از قرار راپورتهای رسیده هزارها کشته در مقابل سنگرهای آلمانها توده شده اند. مع هذا باز حملات خود را تجدید می کنند و امیدوارند که مقاومت تدافعی آلمانها شکسته [شود] و به هدف خود نائل شوند. باید دانست که همین نقطه که امروز مورد حملات سخت متفقین است نقطه ای است فوق العاده مهم، به خصوص برای آلمان. اگر آلمانها در این نقطه شکست بخورند موقعیت آنها کاملاً در بلژیک از دست رفته و بنادر بلژیک که امروز مورد استفاده تحت البحرهای آلمان است از دست می رود. انگلیسها به همین نظر از دادن تلفات بسیار زیاد مضایقه نکرده کوشش دارند خودشان را به مقصود رسانده، این بنادر را از تصرف آلمانها خارج سازند تا تحت البحرها نتوانند به فعالیت خودشان ادامه دهند.

امیدواریهای آلمان

روزنامه‌جات دیروز آلمان [که] امروز رسیده مفصل از جریان سه ساله این جنگ گفتگو می‌کنند و از عملیات فوق‌العاده و تحیرآمیز نیروی بری و بحری آلمان توصیف و تمجید می‌کنند. مقالات مفصلی نیز از اوضاع امروزی جنگ پس از سه سال ادامه آن نوشته [اند] و اظهار اطمینان می‌کنند که موقعیت آلمان و متحدین مستحکم [است] و امیدواری به صلح قطعی آینده دارند. امپراتور آلمان هم بیان‌نامه‌ای خطاب به ملت و بیان‌نامه دیگری خطاب به قشون بری و بحری صادر نموده مردم را به مقاومت و شهادت تشجیع کرده و اظهار امیدواری به صلح کامل و نیل به هدف که پیروزی آلمان است می‌کند.

تقاضای یالمارسن

جمعه ۳ اوت - پیش از ظهر محمدخان از طرف آقای مفخم‌الدوله آمد و بسته نامه‌های پترزبورگ را گرفت که برای ایشان ببرد. نامه‌ای هم به آقای مفخم‌الدوله نوشته به ایشان یادآوری کردم که کلنل یالمارسن نامه‌ای نوشته تقاضای وقت ملاقاتی از ایشان نموده است. اگر چه منزل کلنل نامبرده بیست و چهار [ساعت] از استکهلم دور است ولی بنا به اظهار خودش هر وقت برای ملاقات تعیین شد این مسافرت را بر عهده خواهد گرفت. دیگر از آقای مفخم‌الدوله خواهش کردم که هر چه زودتر نامه‌های پترزبورگ را فرستاده که در آنجا به هیئت دولت و کمیته کارگران و سربازان داده شود.

اوضاع جبهه‌ها

محاربات در فروتنها این دو سه روزه خیلی سخت است. انگلیسها و فرانسویها حملات فلاندر را ادامه می‌دهند. آلمانها در شامپانی به

حملات پرداخته [اند]. حملات آلمان و اتریش هم در حدود گالیسی شرقی در نهایت شدت ادامه دارد. انگلیسها و فرانسویها در فلاندر بعضی جاها از سنگرهای جلوی آلمانها را که به واسطه آتش توپخانه به کلی خراب شده است به حیطة تصرف آورده و طبق راپرت خودشان پنج هزار اسیر جنگی از آلمانها گرفته‌اند. در شامپانی دیروز آلمانها قرب دو هزار اسیر جنگی گرفته و قدری هم پیشرفت کرده‌اند. در گالیسی شرقی آلمانها و اتریشها در داخل خاک روسیه مشغول پیشرفت می‌باشند و به واسطه تخلیه تمام خاک اتریش از دشمن در پروس و آلزاس و لرن چراغانی کرده، در کلیساها ناقوس نواخته‌اند. از سایر میدانهای جنگ خبر مهمی نرسید. در حدود رومانی آلمانها و اتریشها منتظر فرصت می‌باشند که پس از توسعه عملیات کاریات عملیات را آغاز کنند. از قرار معلوم حملات به روسیه از همه طرف شروع خواهد شد. از طرف قفقاز دیگر خبر مهمی نرسیده بعضی زدوخوردهای محلی صورت می‌گیرد. ایتالیا بیها هم هنوز حاضر برای تجدید حملات نشده‌اند. کنفرانس پاریس ادامه دارد. نتیجه مذاکراتشان معلوم نیست. راجع به کنفرانس استکهلم هنوز معلوم نیست چه تصمیمی خواهند گرفت. امروز شنیده شد که کنفرانس استکهلم تا اواسط سپتامبر بلکه تا اواخر اکتبر به عقب افتاده [است] و حتی گفته شد که شاید محل انعقاد کنفرانس تغییر کرده در کریستایا منعقد شود. ولی هنوز هیچ خبر قطعی نرسیده است. شاید اصولاً کنفرانس منعقد نشود. در پارلمان انگلیس پریروز هندرسن توضیحاتی راجع به کنفرانس می‌دهد و مذاکراتی راجع به شرکت دسته کارگران انگلیسی در کنفرانس صورت می‌گیرد. ولی محقق نیست از انگلیسها و فرانسویها در کنفرانس شرکت کنند.

کاپیتان فولکه

شنبه ۴ اوت - صبح کاپیتان فولکه به دیدن نگارنده آمد. مدتی راجع به

ایران با من صحبت کرد. دوستی و علاقه زیاد به ایران و تمایل به مراجعت به ایران اظهار می نمود و می گفت پس از مراجعت از ایران او بیشتر در احساسات خودش را ایرانی تا سوئدی می داند. مبحثی را که با آقای مفخم الدوله راجع به تجدید استخدام خودش برای ژاندارمری ایران کرده بودم به ایشان گفتم. داوطلب شد به اوپسالا برای ملاقات آقای مفخم الدوله برود. می گفت دو روز بیشتر در استکهلم توقف نخواهد کرد.

نماینده آرامنه داشناک

پس از رفتن کاپیتان فولکه، روستوم نماینده آرامنه داشناک به دیدن اینجانب آمد. از موسیو هویسمان منشی کمیته سوسیالیستهای هلند و اسکاندیناوی آمدن اینجانب را به اینجا شنیده و داوطلب ملاقات شده بود. شرحی راجع به داشناکها و اقدامات آنها در ایران و عثمانی گفتم. اظهار داشت که در زمان مجلس اول او از طرف داشناکیها در ایران نمایندگی داشته و در تهران با کمیسیونی که از طرف مجلس شورای ملی انتخاب شده بود مفصلاً راجع به عملیات داشناکها و به خصوص اقدامات آنها علیه تخطیات عثمانی در سرحد خوی و ارزروم مذاکره نموده و خدماتی [را] که داشناکها نموده اند برای کمیسیون تشریح کرده. می گفت پروگرام هیئت ملیون و آزادیخواهان ایران را خوانده ام هیچ اسمی از برداشتن حدود میان اقلیتها برده نشده است. هیچ گفته نشده که بعد از این، آیا سدی در مقابل اتباع مسیحی ایران در بهره مندی از حقوق و امتیازات نبوده و آیا آنها با سایرین به طور مساوات از حقوق و امتیازات استفاده خواهند کرد. از این موضوع گذشته، چطور گمان می کنید که می توانید در ایران تشکیل قوه ای داده یک حکومت ثابتی برقرار دارید. زیرا در ایران هیچ زمان یک حکومت ثابتی به معنی امروزی برقرار نبوده و مملکت به طریق فئودالی می زیسته، ایلات از خودشان استقلال داشته،

یک مالیات کمی به پادشاه می دادند. مملکت قوانین معینی نداشت و مردم هم به طور کلی عادت ندارند از قانون اطاعت کنند. چطور خواهد شد و چطور ممکن است که ایلات و نقاط دوردست مطیع قانون شوند. مدتی در این زمینه گفتگو می کردیم. هر قدر خواستم او را قانع کنم که امروز اوضاع ایران تغییر کرده و مردم کم کم عادت به اطاعت از قانون کرده اند قانع نشد. دو هفته است که به استکهلم آمده و می خواهد تقاضاهایی راجع به آتیۀ ارمنستان و استقلال آن حدود کنفرانس سوسیالیستها پیشنهاد بنماید.

فروسوند

بعد از ظهر با آقای عزت الله خان با کشتی اکسپرس به فرسوند واقع در شمال شرقی استکهلم رفتیم. سه ساعت راه است. فرسوند محل استحمام دریایی بالنسبه [گران] متمولین اهالی استکهلم و سوئدیها است. ویلاهای بسیار زیبا در سواحل دریا ساخته شده، یکی دو هتل و پانسیون هم دارد. مدتی به واسطه کثرت جمعیت در هتل و پانسیون اطاق آزاد نبود و مجبور شدیم شب را در اطاق حمام بخوابیم. تا ساعت یک و دو بعد از نصف شب صدای موزیک شنیده می شد و مجلس رقص از اطراف برپا بود و مردم به گردش و تفریح مشغول بودند، ما هم تماشا می کردیم.

دنباله گردش

یکشنبه ۵ اوت - صبح زود از خواب برخاسته پس از استحمام در دریا به رستوران بزرگ که در عمارت تالار رقص واقع است آمدم و صرف صبحانه کردم و با کشتی به نوریلیه که سه ساعت راه طرف شمال فرسوند است رفتیم. نوریلیه هم جای بدی نیست. شهری است کوچک در ساحل دریا محل استحمام و تفریح و با راه آهن به استکهلم متصل

است. ساعت چهار بعد از ظهر به اینجا وارد [شدیم] و پس از یکی دو ساعت با کشتی اکسپرس به طرف استکهلم حرکت کردیم. هوا بسیار خوش و مناظر بسیار عالی و کشتی نیز قشنگ و دارای سالن غذاخوری اعلا [بود]. تمام اینها بر لذت یک چنین تفریحی می افزاید. در بین راه با دو نفر از افسران سوئدی صحبت کردم. اغلب افسران سوئدی را که به ایران آمده و در ژاندارمری و پلیس ایران استخدام [شده اند] می شناختند. احساسات حادی علیه روس و دوستی با آلمان اظهار می کردند. قرار ملاقات با آنها در استکهلم گذاشتم. در فرسوند خانم سوئدی مسنی را ملاقات کردم. می گفت در مسکو خانه و ملک دارد و چند نفر از افراد خانواده او در مسکو هستند. از ملت روس خیلی تمجید می کرد و برعکس از آلمانها تنقید. مقارن ساعت دوازده به منزل در استکهلم وارد شدم.

دیدار دیگر با فولکه

دوشنبه ۶ اوت - پیش از ظهر ساعت یازده کاپیتان فولکه به دیدن نگارنده آمد. گفت روز پیش به ملاقات مفخم الدوله به اوپسالا رفته و دو ساعت و نیم با او بوده است. مفخم الدوله به او گفته است که دولت ایران چند افسر پلیس سوئدی خواسته ولی افسر ژاندارمری سوئدی هنوز نخواستہ است. ولی خودش با دولت سوئد مذاکره خواهد کرد تا اگر دولت سوئد رضایت داد که چند افسر ژاندارمری به ایران بدهد آن وقت تلگرافاً به تهران اطلاع داده، رضایت و اجازه دولت ایران را در استخدام این افسران جلب خواهد کرد. کاپیتان فولکه و خانمش را به شام در گراند هتل دعوت کردم.

بعد از ظهر محمدخان از طرف آقای مفخم الدوله آمد و نامه ای از ایشان آورد که در آن نوشته اند نامه های پطرزبورگ را در دو پاکت بزرگ گذاشته

و به نام سفارت پطرزبورگ تحت مهر سفارت به توسط وزارت خارجه سوئد فرستاده شد.

یالمارسن

خود کلنل یالمارسن هم به آقای مفخم الدوله مکتوبی نوشته و ملاقاتی از ایشان خواستگار شده است. ایشان جواب داده اند که چون مدتی خیال اقامت دارند راضی به زحمت کلنل نبوده که از این راه دور به ملاقات ایشان بروند، بلکه اواخر ماه که به استکهلم مراجعت می کنند ایشان را خواهند دید.

قصد بازگشت

امروز از برلن خبر رسید که آقای نواب به هلند مسافرت کرده اند و معلوم نیست که چه موقع مراجعت خواهند کرد. چون امروز شهرت داشت که کنفرانس سوسیالیستها بدون تعیین وقت انعقاد عقب افتاده و حتی شاید در این سال هم منعقد نشود تصمیم گرفتم که هر چه زودتر استکهلم را ترک کرده به برلن مراجعت نمایم. با آقای عزت الله خان هم مذاکره کرده او هم با اطلاعاتی که به دست آورده بود انعقاد کنفرانس را غیر معلوم می دانست. قرار شد ایشان به سفارت آلمان در استکهلم برای گرفتن ویزای حرکت اینجانب رفته سفارشات لازم نیز به سرحد آلمان بگیرند.

کاپیتان فولکه

شب را ساعت هفت با کاپیتان فولکه و خانمش و آقایان عزت الله خان و حمیدخان در گراند هتل شام صرف شد. تا قریب ساعت دوازده با هم بودیم. کاپیتان فولکه و خانمش هر دو ایران دوست [اند] و فارسی هم خوب حرف می زنند و تمایل قلبی به مراجعت به ایران دارند. خانم فولکه

انگلیسی و آلمانی و فرانسوی خوب حرف می‌زند. قبل از ازدواج در مدرسه متوسطه معلمه بوده است. خواهری دارد که او هم در ایران بوده و فارسی می‌داند. کاپیتان فولکه هنوز اثاثیه خودش را از ایران نیاورده و در سفارت امریکا امانت گذاشته‌اند. مبلغی فرش و اثاث البیت و صنایع مستظرفه ایرانی در آنجا دارند.

حمله انگلیس و فرانسه در فلاندر به موفقیتی نایل نگردیده است. حمله آلمانها و اتریشها در گالیسی شرقی ادامه دارد ولی از قرار معلوم روسها در حدود دنیستر به مدافعات سخت پرداخته‌اند.

تقاضای ویزای آلمان

سه‌شنبه ۷ اوت - صبح آقای عزت‌الله خان به سفارت آلمان برای تحصیل اجازه حرکت اینجانب به برلن رفته، معلوم شد طبق اخطار جدید تمام این‌گونه اجازه‌ها باید از وزارت خارجه برلن صادر شود. لذا تلگرافی از طرف سفارت آلمان به برلن در صدور اجازه فرستاده شد و باید منتظر رسیدن جواب بشویم و شاید سه روز طول بکشد.

کاپیتان فولکه پیش از ظهر به ملاقات اینجانب آمد و اظهار کرد که با کلنل یالمارسن با تلفن صحبت کرده و جداً خواهش کرده است هر طور هست به توسط اینجانب ملاقاتی با آقای مفخم‌الدوله بنماید. بعضی مطالب هست که می‌خواهد حضوراً به ایشان بگوید و دیگر آنکه بعضی اطلاعات خصوصی و نقشه‌ها هم دارد که می‌خواهد به خود ایشان بدهد. خیلی لازم است که پیش از اینکه آقای مفخم‌الدوله اولیای امور سوئد را ببیند و به ملاقات پادشاه سوئد برود این ملاقات با کلنل یالمارسن صورت گرفته باشد. نامه‌ای به آقای مفخم‌الدوله طبق خواهش یالمارسن نوشته و فرستادم و خواهش کردم اگر مانع سیاسی در کار نیست خوب است که هر چه زودتر وقتی را برای ملاقات کلنل تعیین کرده با او صحبت‌های لازم را به

میان‌گذارد. نامه‌ای هم به خود کلنل در جواب نامه دوم اوت او نوشته او را از مساعدت خودم مطمئن کردم. ظهر آقای انصاری به ملاقات اینجانب آمد. از ایشان شنیدم که [علی محمدخان] اویسی با فامیلش به استکهلم آمده خیال رفتن به تهران دارد. دیگر آنکه اخیراً عده‌ای کلدانی از اتباع ایران به استکهلم وارد شده‌اند که به طرف ایران بروند. خود آقای انصاری هم عنقریب به امریکا خواهند رفت.

نامه یالمارسن

چهارشنبه ۸ اوت - صبح نامه مفصلی از کلنل یالمارسن دریافت کرده در این نامه شرح مسافرت اخیر خودش را به ایران جهت آوردن افسران سوئدی از ایران و تحریکاتی که علیه او در تهران شده و عدم رضایت از اوضاع حالیه خودش و خدماتی را که با کمال صداقت به ایران کرده و میل مفرطی که امروز به مراجعت به ایران دارد در شش صفحه مفصل شرح می‌دهد. در پایان نامه خواهش کرده است که این نامه را برای آقای مفخم‌الدوله بفرستم تا ایشان هم از مطالب آن مطلع شوند. طبق خواهش کلنل فوراً نامه‌ای به آقای مفخم‌الدوله نوشته نامه کلنل را عیناً برای ایشان فرستادم. پس از فرستادن این نامه تلگرافی از کلنل واصل شده تأکید در فرستادن نامه او نزد وزیر مختار کرده، در جواب تلگراف کردم که نامه او را فرستادم.

ایرانیان در استانبول

پیش از ظهر آقای اویسی رئیس سابق تذکره استانبول که چند روز است با فامیل خودش به استکهلم آمده به ملاقات اینجانب آمد و شرحی از اوضاع عثمانی و ایرانیان تازه‌وارد صحبت می‌کرد. از قرار گفته او ایرانیان دسته دسته در محلات مختلف استانبول منزل دارند. آقایان میرزا

محمدعلی خان کلوب و ادیب السلطنه با هم هستند، آقایان مشارالدوله و حاج عزالممالک با هم، آقایان طباطبائی و میرزا قاسم خان همین طور. دیگران به همین نحو در نقاط مختلف زندگی می کنند. اغلب در طرف برای استانبول دیده می شوند. ولی آقای نظام السلطنه در یک منزل بزرگی که دولت عثمانی برای ایشان معین کرده در بایزید منزل دارند. بعد از ظهر به بازدید آقای اوسی رفتیم. آقایان عزت الله خان و حمیدخان هم بودند. از پریشانی اوضاع عثمانی صحبت می کرد. از قرار معلوم اوسی چندان همدردی با ترکها ندارد و برعکس از آنها تنقید فراوان می نماید.

گردش

پنجشنبه ۹ اوت - امروز صبح نامه ای از آقای مفخم الدوله دریافت [کردم] و نامه کلنل یالمارسن را رجعت داده و ضمناً می گوید هنوز از تهران دستوری برای استخدام افسران سوئدی نرسیده. وقتی هم که رسید باید با رعایت تمام اطراف کار انتخاب آنها به عمل آید. بعد از ظهر با آقایان عزت الله خان و حمید خان به جورس هلم رفته مدتی در آنجا گردش کردم. بسیار جای زیبایی است خانه های بسیار عالی در کنار دریاها تنگ ساخته مسکن متمولین استکهلم می باشد. در حدود نصف شب به منزل مراجعت کردیم.

عزیمت سوسیالیستها

جمعه ۱۰ اوت - صبح آقای عزت الله خان به سفارت آلمان برای تحصیل اجازه حرکت اینجانب رفته هنوز جواب تلگراف برلن نیامده. بایستی بمانم تا خبر از برلن برسد. با آقای عزت الله خان به ملاقات چائو و بعد به دیدن ماچیلی گرجی رفتیم. چائو خبر تازه نداشت. می گفت آقایان سوسیالیستها که به استکهلم برای انعقاد کنفرانس آمده بودند تقریباً همه

از استکهلم رفته اند و بیش از یکی دو نفر از آنها باقی نمانده اند و بدین قرار معلوم نیست کنفرانسی در آتیه نزدیک در اینجا منعقد شود.

ماچیلی گرجی

ماچیلی که خودش را از شاهزادگان گرجستان معرفی می کند اخیراً یکی از آرتیستهای معروف آلمان را که اصلاً ایتالیایی است به نکاح در آورده و او را شاهزاده خانم نام نهاده است. مدتی است در کارهای انقلابی علیه روس داخل [است] و از قرار معلوم خودش را به وزارت خارجه آلمان نزدیک کرده است. مدتی پیش با تحت البحری به ساحل روس در دریای سیاه پیاده شده، پس از قدری عملیات خرابکاری در روسیه به شرق اقصی و آمریکا فرار کرده و خودش را به سفارت آلمان در آمریکا رسانده. سپس به کمک سفارت نامبرده به آلمان مراجعت می کند. ماچیلی از اوضاع فعلی قفقاز اظهار رضایت کرده می گفت حالا گرجیها خوب داخل کار شده [اند] و امید می رود که عنقریب با اهالی اوکراین استقلال خودشان را به دست آورند. دو روز است حمله جدیدی در حدود ملداوی شروع شده و روسها و رومانیاها عقب نشینی می کنند.

نظر کارگران انگلیس

شنبه ۱۱ اوت - از هیچ جا امروز خبر مهمی نرسیده جز آنکه کارگران انگلیس با یک اکثریت تامی قطع کرده اند که در کنفرانس استکهلم شرکت نمایند. ولی معلوم نیست بالاخره کنفرانسی در استکهلم منعقد بشود یا خیر. حمله آلمانها و اتریشها در طرف ملداوی به سرعت جلو می رود. امروز آقای مفخم الدوله با تلفن اطلاع داد که روز دوشنبه به استکهلم می آید و اینجانب را به چای دعوت کرده است. تقریباً تمام روز را با آقایان عزت الله خان و حمیدخان مشغول گردش بودیم.

رسیدن اجازه حرکت

یکشنبه ۱۲ و دوشنبه ۱۳ اوت - پیش از ظهر یکشنبه از سفارت آلمان خبر رسید که اجازه حرکت اینجانب را داده [اند] و می توانم فردا شب حرکت کنم. نیز در این روز خبر رسیده که کنفرانس کارگران لندن با یک اکثریت تامی پروگرام سوسیالیستهای روس را پذیرفته و حاضر شده اند که با آنها در یک کنفرانس همکاری بکنند. پیش از ظهر دوشنبه به قونسولخانه آلمان رفته و برای لازم را گرفتم. گفته شد از قونسولخانه و از سفارت آلمان تلگرافات لازم به سرحد راجع به مسافرت اینجانب شده است.

دیدار مفخم الدوله

طرف عصر با آقای مفخم الدوله که از اوپسالا به استکهلم آمده اند ملاقات [کردم] و یک ساعتی با ایشان بودم. پیش از ظهر به حضور پادشاه بار یافته نیم ساعتی با پادشاه سوئد مشغول صحبت بوده اند. بیشتر از اوضاع روسیه صحبت در میان بوده. آقای مفخم الدوله اصرار دارد که تبلیغات ما در تهران زیاد شود. ایشان حاضرند هر گونه اوراق و نامه ها و معمولاتی که لازم باشد از طرف ما به تهران بفرستند. از مساعدت ایشان قدردانی کردم و قرار شد که هر موقع لازم شد از ایشان نسبت به این موضوع کمک خواسته شود.

حرکت به برلن - پایان سفر پنجاه روزه

ساعت هشت و سه دقیقه در همین روز از استکهلم برای برلن حرکت کردم و روز بعد ساعت ده و هیجده دقیقه بعد از ظهر وارد ایستگاه شمال برلن شدم. تقریباً سیزده ساعت در راه آهن سوئد و چهار ساعت در دریا و هشت ساعت در راه آهن آلمان بودم. همه جا هوا معتدل بود و بسیار خوش گذشت و این سفر پنجاه روزه پایان یافت. اگر چه در استکهلم

موفق به انعقاد کنفرانس سوسیالیستها نشدیم ولی باز به عقیده اینجانب بی فایده نبود. برعکس با مذاکراتی که با سوسیالیستهای روس و دیگران نموده و وعده هایی که از طرف آنها به نفع ایران داده شده یقیناً بی فایده نخواهد بود. حفظ استقلال ایران و آزادیخواهی برای کشور ایران نیازمند به هر گونه جدیت در نیل بدین هدف می باشد. امیدوارم در نتیجه این گونه فعالیتها به هدف نهایی برسیم.

شکایت از سلیمان میرزا

امروز نامه‌ای از آقای [عبدالرحیم] خلخالی دریافت کردم که از شاهزاده سلیمان میرزا شکایت زیاد دارد. آقایان فطن‌الملک و میرزا محمدعلی خان کلوب مشغول فراهم آوردن وسایل مسافرت به برلن می‌باشند.

حملات سخت متفقین

پنجشنبه ۱۶ اوت تا یکشنبه ۱۹ اوت - روز پنجشنبه خبر رسید که محاربه خلی سختی در طرف مغرب آغاز [شد] و انگلیسها و فرانسویها هر دو با شدت شروع به حمله کرده‌اند و بیشتر توجه آنها صرف شکستن فرونت آلمان در قسمت فلاندر می‌باشد. عجالتاً نتیجه معلوم نیست. روز جمعه خبر رسید که تلفات زیادی به انگلیسها در فلاندر وارد [شد] و پیشرفت قابل توجهی نصیب آنها نشد. بدین ترتیب در این محاربه فوق‌العاده سخت موفقیت با نیروی مقاومت آلمانها بوده است. شنبه هجدهم خبر رسید که در فرونت ایتالیا نیز حملات سختی از طرف متفقین شروع [شد] و محاربه شدیدی در جریان است. جنگ سخت در فرونت فلاندر ادامه دارد.

دکتر قاضی

روزی یکشنبه نهار در منزل قاضی صرف [شد] و تا نزدیک ساعت هشت با هم بودیم. هوا بسیار ملایم و خوب بود. از قرار معلوم امتحان آقای قاضی به خوبی گذشته [است] و عنقریب دیپلم دکترا به دست خواهد آورد. حملات متفقین در طرف ایتالیا به شدت ادامه دارد و حمله انگلیسها در طرف فلاندر نیز از شدت خود نکاسته است.

نامه نویسی به ایرانیان

دوشنبه ۲۰ اوت - صبح بیشتر وقت خود را به نامه‌نویسی گذراندم. نامه‌ای

۱۲

حملات متفقین در فرونت فلاندر و ایتالیا

دو دستگی ایرانیان استانبول

چهارشنبه ۱۵ اوت - صبح زود برخاسته تا ظهر مشغول مرتب کردن کار منزل بودم. بعد از ظهر را برای ملاقات آقای نواب به سفارت رستم ولی ایشان به بیلاق رفته‌اند. آقای اعظم‌السلطنه را ملاقات [کردم] و از ایشان اطلاعات مختلفی به دست آوردم. بنابر اظهار ایشان مهاجرینی که در حلب بوده‌اند به استانبول وارد شده و آنهایی که در موصل متوقف بوده‌اند به طرف استانبول حرکت کرده [اند] ولی هنوز بدانجا وارد نشده‌اند. آقای حاجی میرزا یحیی به طرف وینه حرکت کرده است. بعد از شام آقای علوی را ملاقات کرده از ایشان هم بعضی اطلاعات کسب کردم. به قول ایشان ایرانیهای مقیم استانبول که آنها را «مهاجرین» می‌نامند دو دسته شده‌اند. یک دسته با آقای نظام‌السلطنه [اند] و دسته‌ای دیگر با آقای احتشام‌السلطنه سفیر کبیر. از قرار گفته ایشان آقای طباطبایی با نظام‌السلطنه مساعد بوده. آقا شیخ اسدالله [ممقانی] موافق احتشام‌السلطنه [است].

به آقای نظام السلطنه به استانبول نوشته مختصری از مسافرت استکهلم را برای ایشان شرح دادم. نامه‌ای هم به میرزا محمدعلی خان کلوب در جواب نامه ایشان که در استکهلم به اینجانب رسید، نوشتم و تشکر کردم. نامه‌ای هم به آقای طباطبائی نوشتم و مختصری از مسافرت استکهلم را برای ایشان شرح دادم. نامه‌ای هم به آقای احتشام السلطنه نوشته نامه‌ها را لفاً برای ایشان فرستادم و خواهش کردم به آقایان برسانند. بعد از ظهر برای فرستادن نامه‌های استانبول به سفارت رفته جای را هم در آنجا صرف کردم. مقارن ظهر آقایان علوی و اعظم السلطنه و میرزاعلی خان اخوی ایشان به دیدن من آمدند و مدتی هم در اینجا بودند. فردا آقای علوی به یک مسافرت بیست روزه در داخله آلمان می‌رود. محاربه سختی در وردن شروع شده و فرانسویها به حملات سختی پرداخته‌اند [ولی پیشرفت محسوسی ننموده‌اند].

گردش در هارتس

سه‌شنبه ۲۱ اوت تا پنجشنبه ۳۰ اوت - این دو روز مختصر تدارکی برای مسافرت یک هفته‌ای به هارتس که نزدیکترین بیلاق کوهستانی به برلن می‌باشد دیده، صبح پنجشنبه بیست و سوم حرکت و عصر پنجشنبه سی‌ام اوت به برلن مراجعت کردم. در این مدت هوا بسیار خوب [بود] و خیلی خوش گذشت. از برلن از راه ماگدبورگ و هالبرشتاد به تاله که یکی از شهرهای کوچک بیلاقی معروف قسمت هارتس است پس از طی چهار ساعت راه وارد [شده] و در آنجا منزلی برای یک هفته تهیه کرده محل اقامت خودم قرار دادم. ولی تمام روزها را در گردش بودم و جاهای مختلف دیدنی هارتس را تماشا کردم. همه جا کوههای سبز و جنگلهای انبوه و چشمه‌های آب جاری و کشتکارهای مرغوب و باغهای پر میوه و ساختمانهای قشنگ و دهکده‌های آباد و گردشگاههای عالی در دامنه

جبال دیده می‌شود. محللهای معروف هارتس را از قبیل روس‌هاپ و هکسین تانس پلاتس و بورتال و تریزبورگ و بلانکن‌بورگ و روبلانت و شرکه و بروکن و بعضی نقاط دیدنی دیگر دیدم و گردش کردم. نام این محللهای نامبرده در کتابهای راهنما به زبانهای مختلف چاپ [شده] و انتشار یافته است. لذا به جزئیات آن نمی‌پردازم.

فرونت ایتالیا

در تمام مدت این هفته جنگهای خیلی [شدید] در فرونت ایتالیا صورت گرفت و هنوز در جریان است. ولی ایتالیاییها موفق به شکافتن خطوط اتریشیها نشده‌اند. در فرونت وردن و فلاندر محاربات هنوز جریان دارد ولی انگلیسها و فرانسویها هنوز موفقیت شایانی به دست نیاورده‌اند. پاپ اعظم اعلامیه صادر کرده و پیشنهاد شروع مذاکرات برای صلح عمومی نموده است. روزنامه‌های آلمان بدین اعلامیه اهمیت می‌دهند. ولی معلوم نیست نتیجه مثبتی داشته باشد.

ماژور سیدمحسن خان

جمعه ۳۱ اوت - صبح زود علوی تلفن کرد که خودش شب پیش از مسافرت داخله آلمان برگشته و نیز آقای حاجی میرزایحیی دولت‌آبادی شب پیش از وینه وارد برلن شده و در هتل آدلن منزل گرفته است. بعد از ظهر آقای علوی به منزل اینجانب آمد و شرحی از مسافرت خود به داخل آلمان صحبت می‌کرد و بسیار تمجید از گردشگاههای آلمان می‌نمود؛ همه جا آباد و زیبا و عالی [است] و به خصوص از آبادی شهر مونیخ و فرانکفورت توصیف کرد. ماژور سیدمحسن خان برای چای به دیدن اینجانب آمد. او در بغداد در جنگ زخمی شده برای معالجه به برلن آمده است. اینجا هم مدتی تحت عملیات جراحی بوده ولی هنوز دست راستش بی‌حس است.

حاجی میرزایحیی

نزدیک غروب به هتل آدلن به دیدن حاجی میرزایحیی رفتیم، جمعی از ایرانیها هم آنجا بودند. بعد آقای اعظم السلطنه آمده من و حاجی میرزایحیی را دعوت به شام نمود. در نتیجه شام را در منزل ایشان صرف کردیم. آقای حاجی میرزایحیی شرح مفصلی از مهاجرین ایرانی در استانبول [گفت] و از رفتار آنها حکایت و شکایت می کرد. از قرار گفته ایشان آقای طباطبائی با نظام السلطنه همراهی کامل دارد. آقایان میرزا احمد قزوینی و فطن الملک و مشارالدوله و حاج عزالممالک هم با آقای نظام السلطنه موافق هستند. ولی آقایان میرزا محمدعلی خان کلوب و ادیب السلطنه بی طرف و عده زیادی علیه نظام السلطنه می باشند. از قرار گفته خود ایشان، طلعت پاشا اقدام و وسایل مسافرت ایشان را به استکهلم فراهم کرده است که بلکه از آنجا موفق به مراجعت به تهران بشوند. ایشان پس فردا به طرف استکهلم حرکت خواهند کرد.

تلفات ایتالیاییها

جنگ در فرونت ایتالیا ادامه دارد ولی از قرار معلوم در این دو روزه تلفات بسیار سختی بر ایتالیاییها وارد [شده] و از قرار معلوم حملات آنها نزدیک به اتمام است. در هر صورت ایتالیاییها فایده ای از این تهاجم به جز تحمل تلفات بسیار زیاد نبرده اند.

تذکره جدید

شنبه ۱ سپتامبر - صبح برای ملاقات آقای حاجی میرزایحیی به هتل آدلن رفته، چون بیرون رفته بود نتوانستم او را ملاقات کنم. آقای میرزا جوادخان قاضی را در همانجا ملاقات [کردم] و چند ساعت از روز را با هم بودیم. بعد از ظهر آقای اعظم السلطنه به ملاقات اینجانب آمد. هنوز مراجعت آقای نواب به برلن معلوم نیست. از ایشان خواهش کردم نامه

[به] قنصل ایران نوشته تذکره جدیدی برای اینجانب صادر نمایند. چون تذکره فعلی را میل دارم نگه دارم، این قدر ویزا و مهر و امضا دیده که آنتیک و قابل ضبط شده، میل دارم آن را جزو نوشتجات این مسافرت نگه دارم.

حملات حدود ریگا

یکشنبه ۲ و دوشنبه ۳ سپتامبر - یکشنبه نهار را منزل آقای قاضی موعود بودم. پس از صرف نهار تا ساعت هفت با هم بودیم. دو روز است آلمانها حملات سختی در حدود ریگا شروع کرده و روز شنبه اول سپتامبر از رود دوینا عبور و به روسها تلفات سختی وارد [آورده اند]. روسها با عجله مواضع خودشان را تخلیه کرده از جلوی آلمانها فرار می کنند.

کلنل محمدتقی خان

دوشنبه پیش از ظهر آقایان علوی و حاجی میرزایحیی و ماژور محمدتقی خان به دیدن نگارنده آمده ساعتی در اینجا بودند و صحبت های متفرقه در میان بود. ماژور محمدتقی خان تدارک خود را تکمیل کرده [است] که به استانبول مراجعت کند. آقای حاجی میرزایحیی هنوز تذکره اش حاضر نیست که به طرف استکهلم حرکت کند. امروز شرحی به شکل مقاله نوشته [ام] که فردا به جریده عالم اسلامی [بدهم] تا در آن جریده درج شود. خلاصه نتیجه مسافرت خودم را به استکهلم در این مقاله شرح داده ام. حمله آلمان در طرف ریگا ادامه دارد. از قرار راپرت رسیده آلمانها به ریگا نزدیک شده [اند] و روسها مشغول عقب نشینی می باشند.

فرار روسها

سه شنبه ۴ سپتامبر - دیروز پیش از ظهر قشون آلمان بندر ریگا را متصرف

[شده‌اند] و از قرار راپرت رسمی آلمان چندین هزار اسیر جنگی و یک صدوپنجاه عراده توپ و مقداری زیاد ادوات جنگی از روسها گرفته‌اند و روسها با عجله در حال فرار می‌باشند. به امر امپراتور آلمان تمام عمارات رسمی را در پروس و آلتاس بیرق زده و به مدارس تعطیل عمومی داده شده است.

خدا حافظی اعظم السلطنه

امروز نامه‌ای به طلعت‌پاشا نوشته اظهار تأسف نمودم از اینکه ایشان را در برلن ملاقات نکرده و نامه را توسط علی‌بیک‌باش همپا برای ایشان فرستادم. بعد از ظهر با تلفن با آقای اعظم‌السلطنه صحبت کرده خدا حافظی کردیم. ایشان فردا صبح به طرف استانبول حرکت می‌کنند. از میدانهای جنگ خبر مهمی نرسیده ولی تقریباً در تمام فرونتها محاربات در جریان است.

کیف حاجی میرزایحیی

چهارشنبه ۵ سپتامبر - پیش از ظهر به ملاقات آقای حاجی میرزایحیی رفتم. آقای نواب هم که به تازگی وارد برلن شده [است] آنجا بود. تذکره ایشان حاضر شده فردا حرکت می‌کنند. کیف بغلی آقای حاجی میرزایحیی که تمام موجودی نقد ایشان در آن بود در هتل گم می‌شود و دربان هتل آن را پیدا کرد و به ایشان تسلیم می‌کند. آقای حاجی میرزایحیی بیشتر به قصد برگشتن به تهران و یا لااقل ارتباط با تهران به این سفر مبادرت می‌ورزند و اگر نتوانند به تهران بروند دوباره به برلن مراجعت خواهند کرد. با آقای نواب از هتل خارج شده صحبت‌کنان به راه افتادیم. مطلب مهمی نداشتند. بعد از ناهار به سفارت به دیدن ایشان رفتم.

نامه طباطبائی

نامه‌ای هم از استانبول برای اینجانب از آقای طباطبائی رسیده بود. از اینکه از طرف نگارنده نامه‌ای به ایشان نرسیده، شکایت کرده‌اند. در صورتی که اینجانب چند نامه به ایشان نوشته‌ام و تعجب است که چطور نرسیده. آقای مصطفی آقازاده خودشان را به برلن می‌فرستند تا در برلن مشغول تحصیل شود.

نامه مدرس و پول قاطر

نامه‌ای از آقای مدرس داشتم که برای اینجانب مبلغ بیست لیره به عنوان قیمت قاطری که نزد ایشان گذاشته بودم فرستاده‌اند. خیلی از دیانت و امانت‌داری ایشان خوشوقت شدم زیرا مترصد پول قاطر نبودم. در واقع قاطر را همین طور به ایشان تقدیم کرده بودم. ولی ایشان به خود هموار نکرده بیست لیره پول آن را فرستاده‌اند.

حملات آلمانها

حملات آلمانها در طرف ریگا ادامه دارد، دهنة رودخانه دوینا را هم آلمانها متصرف شده‌اند و روسها با عجله هر چه تمامتر اغلب دهات را آتش زده و فرار می‌کنند.

پنجشنبه ۶ و جمعه ۷ سپتامبر - حملات آلمانها در طرف ریگا ادامه دارد. آلمانها طبق اعلامیه خودشان هفتاد کیلومتر جلو رفته‌اند. اخیراً طیاره‌های آلمانی به لندن حمله کرده و خسارت بالنسبه زیادی وارد آورده‌اند. پیش از ظهر روز جمعه آقای علوی به منزل من آمد و تا بعد از ظهر باهم بودیم. چند نسخه از روزنامه ایران که در تهران منتشر می‌شود و به او رسیده [بود] با خود داشت. این روزنامه مفصل از پیشرفت آزادیخواهان در تهران می‌نویسد.

انتخابات

انجمن مرکزی انتخابات تهران تشکیل [شده] انتخابات در جریان است. اشخاصی مانند مخبرالسلطنه و حاجی سیدنصرالله تقوی در کار انتخابات شرکت داشته داوطلب نمایندگی می‌باشند. اخیراً عده‌ای از ایرانیان که به‌عنوان اسرای جنگی انگلیس و روس تحت توقیف بودند در قزوین آزاد و با تجلیل فراوان وارد تهران شده‌اند. رفتار روسها با مردم چندان بد نیست، ولی قشون روس قبلاً چندین شهر ایران را چپاول کرده‌اند.

اخبار ایرانیان

بعد از ظهر آقای عزت‌الله خان هدایت که به تازگی از استکهلم وارد شده‌اند به دیدن اینجانب آمد و تا ساعت هفت با هم بودیم. شرحی از استکهلم پس از حرکت نگارنده صحبت می‌کرد. حمید خان روزیست و سوم به طرف پترزبورگ حرکت کرده و از آنجا تلگراف ورودش رسیده بود. آقای مفخم‌الدوله آخر این ماه به برلن می‌آید که از اینجا به رم محل مأموریت خودش برود. آزادیخواهان اینجا خیال دارند شامی به او بدهند. کنفرانس سوسیالیستها بدون تعیین وقت به تأخیر افتاد و احتمال کلی دارد که در این سال منعقد نشود. کلنل یالمارسن وارد استکهلم شده و با آقای مفخم‌الدوله ملاقات کرده است. ماژور فولکه نیز آقای مفخم‌الدوله را ملاقات [کرده است] و داوطلب رفتن به ایران می‌باشد.

نطق رئیس محافظه کاران

شنبه ۸ و یکشنبه ۹ سپتامبر - بیشتر ساعات شنبه را در منزل مشغول خواندن و نوشتن بودم. شب را با آقای قاضی به تالار فیلامونیک برای استماع نطق رئیس محافظه کاران آلمان که یکی از سیاسیون و نویسندگان معروف است رفتیم. رئیس مزبور به نام گراف دونیلو که از طرفداران

جدی جنگ است دو ساعت از ساعت هشت تا ده نطق می‌کرد، بسیار فصیح و بلیغ. چیز خیلی تازه‌ای نمی‌گفت. ولی علیه سوسیالیستهای آلمان و سیاست صدراعظم سابق آلمان بتمن هلوگ صحبت می‌داشت و می‌گفت از برای آلمان تنها صلحی مفید است که مرزهای آتیۀ آلمان را تأمین و آزادی تجارت و بسط کسب و صناعت را برای آلمان تضمین کند. اظهار امیدواری به عملیات تحت‌البحریهای آلمان و رشادت قشون آلمان به طور کلی می‌نمود. در پایان نطق خود از فتوحات آلمان در طرف ریگا اظهار مسرت می‌کرد. اظهار می‌داشت که حزب جدیدی به نام حزب وطن اخیراً در پروس شرقی به ریاست دوک مک‌لینبورگ و امیر البحر معروف فن‌تیرپیتز تشکیل شده [است] که تا آخر جنگ برای ادامه جنگ و به دست آوردن یک صلح شرافتمندانه کوشش کنند و در وحدت کلیۀ قوای آلمان برای ادامه جنگ بکوشند. هوا این دو روزه خیلی معتدل و خوب است.

دعوت ماژور دموره

دوشنبه ۱۰ و سه‌شنبه ۱۱ سپتامبر - ماژور دموره سوئدی که از استکهلم برگشته در هتل کایزرهوف به توسط ماژور محمدتقی خان از من به شام دعوت کرد، ولی چون دیر بود از رفتن عذر خواستم.

نامه دیگر مدرس

روز دوشنبه نامه‌ای از آقای مدرس داشتم که مفصل از اوضاع ایرانیان مهاجر و فکر خودشان نوشته و با اینجانب تجدید عهد دوستی به جا آورده‌اند. نامه‌ای نیز از حبیب‌الله خان شیبانی از استانبول رسیده در صدد آمدن به برلن می‌باشند. ولی آن طور که بایستی عثمانیها به او کمک نمی‌کنند.

ملاقات ادهم بیگ

سه شنبه پیش از ظهر به سفارت عثمانی رفته در آنجا ادهم بیگ نایب اول سفارت را که به تازگی از استانبول وارد شده ملاقات کردم. از اوضاع عثمانی و موقعیت جنگ اظهار خوشبینی می نمود ولی خیلی بشاش به نظر نمی رسید. از او خواهش کردم نامه هایی که از استانبول برای من می رسد دستور دهند زودتر برسانند. شام را با آقایان هدایت و علوی صرف کرده مدتی راجع به اوضاع خودمان صحبت کردیم.

مصریها

چهارشنبه ۱۲ سپتامبر - امروز صبح نماینده ملیون مصر به دیدن اینجانب آمد. از من خواهش کرد روز چهاردهم این ماه که به مناسبت داخل شدن انگلیس در مصر و اشغال آن کشور جلسه ای خواهند داشت مختصر نطقی از طرف نگارنده در حمایت از مصریها و کشور مصر بشود. قبول کردم نطقی به زبان آلمانی ایراد نمایم.

وضع فضلعلی آقا

پس از رفتن او به دیدن میرزا فضلعلی آقا رفتم. بیچاره به همان مرض سخت سابق گرفتار است. عمل جراحی او به جایی نرسیده تنها بینی او را از ته تراشیده اند و می خواهند بینی مصنوعی برای او بگذارند. سپس با آقای هدایت به گردش رفته تا غروب با هم بودیم.

موفقیت کرنسکی

دو روز است خبرهای تازه از روسیه می رسد. پس از شکستهای روس در طرف ریگا، کرنسکی فرمانده کل قشون را از کار خلع و فرمانده تازه ای به جای او نامزد می کند. فرمانده سابق اطاعت حکم کرنسکی را نکرده

استعفای کل وزرا را خواستگار شده است و قشون به طرف پایتخت سوق می دهد. عجالتاً چنین به نظر می آید که آتش جنگ داخلی در روسیه شعله ور خواهد شد.

پنجشنبه ۱۳ و جمعه ۱۴ سپتامبر - روز پنجشنبه خبر رسید که قشون روس از فرمانده سابق اطاعت نکرده و معترض شده اند و خود فرمانده تسلیم گردیده است. عجالتاً کرنسکی موفقیت حاصل نموده و عده زیادی را هم با او موافقت نداشته دستگیر نموده است. بیشتر ساعات روز جمعه را در منزل به خواندن و نوشتن مشغول بودم و یادداشتی نیز برای نطقی که در انجمن مصریان باید ادا نمایم حاضر کردم.

قنسول لیتن

بعد از ظهر آقای نواب تلفن کردند که موسیو لیتن نایب شرقی سفارت آلمان در تهران به چای به سفارت ایران می آید، خوب است من هم در آنجا باشم.

ساعت پنج به سفارت رفتم. موسیو لیتن قبلاً آمده بود. در جنگ سم پارسال زخم خورده و به دست انگلیسها اسیر شده است. چندین ماه در انگلیس تحت معالجه بود. بعد او را طبق قرارداد معاوضه کرده اند و به سویس می فرستند. هفت ماه در سویس بود. یک دفعه دیگر در سویس تحت جراحی قرار می گیرد. پایش حالا بهتر شده ولی چند سانتیمتر کوتاه است و به زور راه می رود. موسیو لیتن را از تهران به این طرف ندیده بودم. یک هفته پیش از حرکت از تهران که به سفارت آلمان برای ملاقات پرنس روس وزیر مختار آلمان رفته بودم موسیو لیتن را برای آخرین دفعه ملاقات کردم. کنت کانیتس هم حاضر بود. موسیو لیتن با پرنس روس بعد به قم آمد و از قم به سلطان آباد و از آنجا به بغداد برای ملاقات فن درگلتس رفت. از آنجا به برلن آمده داوطلبانه به رژیم سابق خود در

وزارت جنگ ملحق و به فرونت غرب اعزام می‌شود. در جنگ وردن شرکت کرد. بعد در جنگ سُم در یک جنگلی مقابل قوای انبوهی از دشمن مصادف و در این واقعه تمام افسران آلمانی فوج او کشته شده خودش هم دو زخم سخت برمی‌دارد. پس از چندین ساعت افتادن در میدان جنگ انگلیسها او را برداشته با زخمیهای دیگر به انگلیس می‌فرستند. از رفتار انگلیسها تعریف می‌کرد و اتفاقاً مستر اسپارو که مدتی در ایران بوده و [فارسی] کمی می‌داند و با نگارنده هم آشنایی داشته در آنجا به زبان لیتن مترجم ایرانی بوده است. اگر چه موسیو لیتن خودش انگلیسی می‌داند و محتاج به مترجم نیست آن هم به زبان ایرانی. موسیو لیتن از رفتار فرانسویها نسبت به آلمانها خیلی شکایت می‌کرد.

جلسه مصریها

ساعت هشت به جلسه مصریها که در کلوب عثمانیها در برلن از برای روز دخول انگلیسها به مصر منعقد شده بود رفتیم. جمعی از عثمانیها و مصریان و آلمانها در آنجا بودند. از ایرانیها هم آقای نواب وزیر مختار با هشت نفر از آزادیخواهان ایران حضور داشتند و سفیر کبیر عثمانی هم حاضر بود. جلسه نطق ساعت نه افتتاح [شد] و تا نیمه شب ادامه داشت. طبق وعده‌ای که کرده بودم نطقی به زبان آلمانی شروع کردم، بسیار بجا و مستحسن اتفاق افتاد. در مقدمه شرحی راجع به زبان آلمانی و تحصیل زبان آلمانی ذکر کردم و سپس شمه‌ای از تخطیات روس و انگلیس در ایران و بعد شرحی از سیاست انگلیس در مصر بیان و اظهار امیدواری کردم که عنقریب مجاهدت حزب وطنی مصر میوه شیرینی به بار آورده مصر را از چنگال انگلیس بیرون خواهد کشانید. بعد از اتمام نطق اینجانب مصریها با بشاشت تمام از اینجانب تشکر کرده و اظهار خوشوقتی قلبی نمودند.

ملاقات سفیر عثمانی

شنبه ۱۵ سپتامبر - پیش از ظهر با حمزه بیک به سفارت عثمانی به ملاقات سفیر کبیر عثمانی رفته در آنجا امین شکیب بیک عضو پارلمان ترکیه را که دیشب در انجمن مصریان نطق غزایی نمود ملاقات [کردم] و با او نزد سفیر کبیر عثمانی رفتیم. یک ساعتی ملاقات ما طول کشید. حقی پاشا سفیر کبیر مرا با نهایت مهربانی پذیرفته پس از پایان ملاقات اینجانب را برای نهار روز سه شنبه آینده دعوت کرد و گفت سه و چهار نفر از رؤسای وزارت خارجه آلمان را نیز برای ملاقات من دعوت خواهد کرد.

روزنامه لوکال انسایگر و فوسی شه از مجلس مصریها شرحی نوشته و به خصوص از نطق اینجانب تعریف کرده است. لوکال انسایگر مخصوصاً از تمجیدی که اینجانب از زبان آلمانی در آغاز نطق کرده [بودم] اظهار تشکر می‌کند. امروز چند نامه از تهران به توسط سفارت پطرزبورگ رسیده باعث مسرت اینجانب گردید. فامیل همه سالم [اند] و از دوری اینجانب شکایت دارند.

جمهوری روسیه

یکشنبه ۱۶ سپتامبر و دوشنبه ۱۷ سپتامبر - یکشنبه را چند ساعت با آقای عزت‌الله خان هدایت در خارج شهر به گردش گذراندم. هوا هنوز خوش و تابستانی است و باران هم کمتر می‌بارد. اوضاع روسیه خیلی روشن نیست. در طرف ایتالیا مرزهای میان ایتالیا به سویس را عجالتاً سد کرده [اند] و به هیچ نحو تردد و عبور مسافری را اجازه نمی‌دهند. طبق خبری که روز دوشنبه رسیده حکومت موقتی روسیه شکل حکومت روس را جمهوری اعلام نموده و هیئت وزرای هم به ریاست کرنسکی تشکیل شده است.

ورود ایرانیان

دوشنبه بعد از ظهر آقا مصطفی پسر آقای طباطبائی و ابراهیم خان و حسین خان پسران فطن‌الملک را که دیروز از استانبول وارد شده‌اند ملاقات [کردم] و قرار گذاشتم بعد مفصل با آنها صحبت کنم. هفت روز در راه بوده و چند ترن هم عوض کرده [اند]. در سرحدات همه جا با آنها خوش رفتاری شده است. از تمام رفقای استانبول سلام و احوالپرسی برای اینجانب دارند.

اعزام شاگرد ایرانی

طرف عصر آقایان حاجی رحیم آقای قزوینی و علوی به دیدن اینجانب آمده جای در اینجا صرف کردند. صحبت‌های زیاد به خصوص راجع به فرهنگ ایران در میان آمد. آقای قزوینی نامبرده مانند خیلی از ایرانیها مخالف اعزام شاگرد ایرانی به اروپا است. می‌گوید اخلاق ایرانیها در اینجا ضایع می‌شود. خوب است معلم اروپایی به ایران برده در همانجا معارف را رونق دهند. آقای علوی برعکس عقیده دارد آمدن جوانان ایرانی برای تحصیل به اروپا لازم است. جوانان ایرانی که به اروپا می‌آیند نه تنها به تحصیل می‌پردازند بلکه از اوضاع امروزی دنیا و زندگی این قرن برخوردار می‌شوند، متنها همین تغییر شاید در بعضی اثر خوبی نداشته [باشد] و به عقیده آقای قزوینی اخلاق آنها ضایع شود.

دیدار با شکیب ارسلان

سه‌شنبه ۱۸ سپتامبر - امروز نهار را در سفارت عثمانی مدعووم. قبلاً نامه‌های استانبول را که نوشته بودم در جوف پاکت علی‌بیک گذاشته توسط حمزه بیک مدیر روزنامه عالم اسلام به استانبول فرستادم. و بعد مقارن ظهر با حمزه بیک به هتل آدلن به ملاقات شکیب ارسلان نماینده

سوریه در پارلمان عثمانی رفته، پس از کمی توقف در آنجا به اتفاق شکیب ارسلان به سفارت عثمانی رفتم. دکتر فرید بیک رئیس ملیون مصر هم جزو مدعوین بود. به علاوه چهار نفر از رؤسای وزارت خارجه آلمان هم بودند. ساعت یک سر نهار رفته صحبت‌های متفرقه در میان بود. ساعت سه نهار به پایان رسیده و مدعوین متفرق شدند.

شاعر معروف عثمانی

حقی پاشا سفیر کبیر عثمانی از نگارنده خواهش کرد که هر وقت آقای مفخم‌الدوله به برلن آمد وسیله ملاقات آنها با یکدیگر بشوم. در هتل آدلن عبدالحق حمیدبیک شاعر معروف عثمانی را ملاقات کردم. عبدالحق حمیدبیک مدتی در لندن نایب سفارت عثمانی بود و امروز معاون ریاست مجلس سنای عثمانی است. خانم او بلژیکی است و با خانمش به برلن آمده است. نشد با او مفصل صحبت کنم. از شکیب ارسلان خواهش کردم [ترتیب] ملاقات اینجانب را با او فراهم سازد. دو روز است هوا بسیار خوب و معتدل شده است.

تعریف از ثقة الاسلام

چهارشنبه ۱۹ سپتامبر - ظهر نهار را با شکیب ارسلان در هتل آدلن صرف کردم. حمزه بیک و مدیر روزنامه عثمانیش لویه هم بودند. شکیب ارسلان از اهالی سوریه و یکی از دانشمندان و معاریف آن کشور است. می‌گفت شاهزاده فرمانفرما در زمان اقامتش در بیروت با او آشنایی داشته بعد هم با هم مکاتبه می‌کردند. دیگر می‌گفت یک سال پس از شهادت ثقة الاسلام در روزنامه المخدم مصر راجع به تاریخ و فلسفه تشیع مقالاتی در توصیف و تمجید آن مرحوم [چاپ] نموده و پس از شهادت او چند بیتی مرثیه برای او سروده است و در همان روزنامه انتشار داده است.

می‌گفت با آقای نظام السلطنه هم در استانبول ملاقات و مدتی با او صحبت کرده است. برای روز شنبه عده‌ای را به شام دعوت کرد. آقای نواب و اینجانب هم جزو مدعوین هستیم. یک ساعت به غروب آقامصطفی پسر آقای طباطبائی به دیدن اینجانب آمد. یک ساعتی در اینجا بود. شرحی از اوضاع ایرانیان استانبول صحبت کرد. می‌گفت پدرش نه طرف آقای نظام السلطنه و نه طرف آقای احتشام السلطنه است. ولی مخالفت میان ایرانیان زیاد است.

هوای خوب امسال

پنجشنبه ۲۰ سپتامبر - پیش از ظهر دو ساعتی با آقای علوی در تی‌پرگارتن راه می‌رفتیم. هوای امسال برای این فصل بسیار خوش و ملایم است. باغها به خصوص صفای بسزایی دارد. صبحها قدری سرد و خنک می‌شود ولی بقیه روز معتدل است. میوه و سبزی هم امسال فراوان شده و باوجود تنگی زمان جنگ و کمی آذوقه میوه‌جات از قبیل سیب و گلابی بسیار خوب و بالنسبه فراوان است. هندوانه امسال در برلن خیلی دیده می‌شود. از قرار معلوم هیچ سال این قدر هندوانه نمی‌آورند. گویا از مجارستان به برلن حمل می‌کنند. با آقای علوی یک هندوانه که تقریباً یک من تبریز بود به دو مارک و نیم خریده پیش از ناهار خوردیم. اروپاییها کمتر چنین کاری می‌کنند مگر آنکه در مشرق زمین مدتی زندگی کرده باشند. بعضی از آلمانها هندوانه را درست نمی‌شناسند و با خربزه اشتباه می‌کنند.

حاجی رحیم آقای قزوینی

بعد از ظهر با آقای علوی به منزل حاجی رحیم آقای قزوینی رفته چای را در آنجا صرف کردیم. شرحی حاجی رحیم آقا از کساد بازار و امور بازرگانی شکایت می‌کرد. از قرار معلوم انتظاری هم که از کمک

وزیرمختار ایران داشته و به جا نیاورده [ازو] شاکی است. به مناسبت این عدم مساعدت خسارت عمده به او وارد آمده است. مثلاً همکارهای او می‌توانند فرشهای ایرانی از استانبول وارد کرده بفروشند و منافع عمده ببرند، ولی او نمی‌تواند این کار را بکند.

حمله انگلیسیها

جمعه ۲۱ سپتامبر - دیروز حمله سوم انگلیسیها در فلاندر شروع شد. تمام روز جنگ سخت توپخانه و پیاده نظام در جریان بوده. از قرار راپرت آلمانها در بعضی جاها کمی پیشرفت کرده‌اند و قرب یک کیلومتر از فرونت آلمانها را گرفته‌اند. ولی خود انگلیسیها اهمیت بیشتری به نتیجه خود داده و می‌گویند متجاوز از دو هزار اسیر و پنج توپ به دست آورده‌اند. جنگ سخت هنوز ادامه دارد.

پان ترکیسم

بعد از ظهر ساعت چهار به سفارت ایران رفته شکیب ارسلان نماینده پارلمان عثمانی و حمزه بیک و آقا مصطفی پسر آقای طباطبائی هم آنجا بودند. چای را در سفارت صرف کردم. راجع به سیاست انگلیس در مشرق اسلامی صحبت در میان بود. ارسلان بیک علیه اعضای «اتحاد و ترقی» که طرفدار پان‌ترکیسم هستند و پیرو سیاست خشن راجع به اعراب و سایر اتباع غیر ترک عثمانی می‌باشند صحبت می‌کرد و می‌گفت دولت عثمانی که دارای اتباع مختلف است بایستی سیاست خود را روی اتحاد واقعی اسلامی قرار دهد نه بر روی پان‌ترکیسم. از انور پاشا تمجید می‌نمود و او را حامی واقعی اسلام می‌دانست.

جواب آلمان به پاپ

امروز آقای نواب را به وزارت خارجه دعوت کرده‌اند. از قرار معلوم برای

شنیدن جواب دولت آلمان به اعلامیه پاپ است. آقا مصطفی به منزل اینجانب آمد و شام را هم با اینجانب بود. کار مدرسه‌اش درست شده و به یک ژیمانز در خارج شهر می‌رود و منزلش عجالتاً خانه یکی از معلمین ژیمانز می‌باشد.

وضع جنگ

شنبه ۲۲ سپتامبر - جنگ فلاندر هنوز ادامه دارد ولی انگلیسها دیگر هیچ پیشرفتی نکرده‌اند. در طرف شمال شرقی آلمانها به موضع روسها در نزدیکی ژاکوب اشتاو حمله برده صفوف روسی را شکسته‌اند و شهر مهم ژاکوب اشتاو را اشغال کرده‌اند. روسها به سرعت عقب‌نشینی می‌کنند. از قرار راپرت روزنامه‌جات بلشویکها در روسیه نیرو گرفته و از قرار معلوم مجدداً مذاکرات صلح را به میان آورده‌اند. گفته می‌شود خیال دارند کابینه را تغییر داده حکومتی کاملاً سوسیالیستی تشکیل [بدهند] و داخل مذاکرات صلح بشوند. جواب دولت آلمان به اعلامیه پاپ امروز طبع و منتشر شد. آلمانها با صراحت نیت خودشان را بیان نمی‌کنند ولی باز از عبارات مفهوم می‌شود که طالب صلح هستند و به طور مبهم اساس صلح را روی موقعیت خودشان پیش از جنگ می‌گذارند و این نظر را به اکثریت پارلمان آلمان متکی می‌دانند. جواب اتريش هم مسالمت‌آمیز می‌باشد.

مهمانی شکیب‌ارسلان

شام را در هتل آدلن مهمان شکیب‌ارسلان بودیم. شام بسیار مفصل و خوبی بود. عده مدعوین بیست نفر، آقایان سفیر کبیر عثمانی و وزیر مختار ایران و عبدالحق حمیدیک و سه نفر از رؤسای وزارت خارجه آلمان جزو مدعوین بودند. یکی از رؤسای «دویچ بانک» و چند نفر از ارباب جراید

هم حضور داشتند. در پایان شام شکیب‌ارسلان به سلامتی امپراتور آلمان نوشید و گراف روزنبرگ به سلامتی سلطان عثمانی. کنسول ژنرال سابق آلمان در بغداد هم بود. چند روز پیش از سقوط بغداد از آنجا حرکت کرده و به برلن آمده است. می‌گفت امروز قونسولخانه آلمان در بغداد ارکان حرب انگلیس می‌باشد. امیدوار است تا سه چهار ماه دیگر که جنگ در آن حدود شروع می‌شود بغداد دوباره تحت اشغال عثمانی بیاید. می‌گفت قوای زیادی برای استرداد بغداد حاضر شده است.

جواب پاپ

یکشنبه ۲۳ سپتامبر - جنگ فلاندر قدری سست شده، انگلیسها مشغول برداشتن کشتگان و زخمیهای خود می‌باشند. انگلیسها کوشش دارند که تا هوا خوب و مناسب است حملات خود را ادامه داده تا بلکه به پیشرفتی که در نظر دارند موفق شوند. بدیهی است زمستان در روزهای برف و باران کار جنگ چندان آسان نیست. آلمانها هم با تمام وسائلی که دارند در حفظ فرونت خود کوشا می‌باشند. از قرار راپرت روزنامه‌جات مطبوعات متفقین جواب متحدین را به بیانیه پاپ رضایت‌بخش نمی‌دانند و آن را مبهم دانسته‌اند [و مقصود آلمانها را کاملاً روشن نمی‌بینند].

نطق تیرپیتز

دوشنبه ۲۴ سپتامبر - دیروز آلمانها حمله هوایی به لندن و سواحل جنوبی انگلیس کرده و خسارات عمده وارد ساخته‌اند. تلفات جانی هم زیاد وارد شده است. امروز حزب وطنی که اخیراً در پروس شرقی به ریاست عالیّه دوک مکلمبورگ و امیرالبحر فن تیرپیتز تأسیس شده در تالار بزرگ فیلامونی برلن که گنجایش چندین هزار تماشاچی دارد میتینگی دادند. ناطق عمده این میتینگ خود امیرالبحر فن تیرپیتز که در حقیقت پدر و

مؤسس قوه بحری امروزی آلمان است بود. فن تیرپتیز با ریشها و اندام بلند و صدای رسای ملایم متجاوز از سه ربع ساعت نطق کرد. به محض آمدن او به کرسی نطق تمام حضار از جای برخاسته چند دقیقه برای او شادباش می کشیدند و دست می زدند. در ضمن نطق هم در هر حمله مهم برای او شادباش می کشیدند و دست می زدند. خلاصه نطق او این بود که امروز میان دولت و ملت آلمان یگانگی کامل برقرار است و آلمانهایی که در امور بین المللی مداخله نداشته اند [امروز احساسات وطنی پاک و بی آرایش نشان داده، گرد هم جمع آمده برای تقویت دولت و پیشرفت مقاصد آلمان در این جنگ حزب وطنی جدیدی تشکیل داده اند.] حاضر است هر آلمانی بی آرایش را به عضویت خود قبول کند. مقام آلمان امروز فوق العاده محکم است. در تمام جبهه های جنگ فاتح است [و مخصوصاً در جنگ تحت البحری موفقیت کامل به دست آورده، بایستی انگلیس را به زانو بیاورند. ولی برای ملت آلمان یک چیز لازم است و آن صبر است. آلمانها باید تحمل کنند تا جنگ تحت البحری دشمن را عاجز کرده تقاضای صلح کند.

بلژیک و انگلیس

آلمان طالب جنگ بدون تغلب^۱ نمی باشد. صلح بدون بردن خاک و گرفتن غرامت کار آلمان نیست. از کجا این همه مخارج و خسارات و تلفات جبران خواهد شد و به خصوص چون دشمن عمده آلمان انگلیس است و انگلیس بایستی در آینده وسایل را از دست بدهد. تسلط آلمان بر بلژیک ضرورت دارد. بلژیک هیچ وقت نخواهد توانست بی طرف بماند. چنان که در گذشته آلت دست انگلیسها و فرانسویها بود و مخصوصاً سواحل بلژیک لانه زنبور دسایس انگلیس شده بود، در آتیه هم بلژیک نخواهد

۱. اصل: تقرب (؟)

توانست بی طرفی خود را حفظ نماید. انگلیس مجدداً به سواحل فلاندر دست تعدی دراز خواهد کرد و از آنجا عملیات مخالفت آمیز علیه آلمان و اروپا شروع خواهد نمود. آلمان همیشه باید بلژیک را تحت حمایت خود نگاه داشته نگذارد سرنوشت آن به دست انگلیسها افتد و به علاوه مردم فلاندر را که امروز در زیر دسایس فرانسه و انگلیس زندگی می کنند باید تشویق کرد زندگی جدید کاملاً ملی بر خود گیرند.

منظور از تبلیغات

بعد از فن تیرپتیز ده دوازده نفر ناطقین دیگر نطقهای آتشین در تهییج مردم آلمان به ادامه جنگ و نیل به صلح و فیروزی کامل نموده، مجلس را پایان دادند. روبهمرفته میتینگ قابل ملاحظه ای بود. تا به حال چنین میتینگی در آلمان با اظهار چنین احساساتی ندیده بودم. در انگلیس چنین مجالس زیاد منعقد می شود، به خصوص وقتی که دولت بخواهد احساساتی بر له سیاست خود به واسطه مطبوعات در مردم انگلیس تولید کند. ولی در آلمان که احساسات سیاسی با جریان خیلی ملایمی متحرک است چنین مجالس کمتر دیده می شود. در حقیقت تأسیس این حزب و انعقاد چنین میتینگی برای جلوگیری از تبلیغات سوسیالیستها است که در میان مردم آلمان به حرکت افتاده پیشنهاد صلح به میان آورده اند، والا نظر دیگری برای چنین تبلیغات وجود ندارد.

وضع روسیه

سه شنبه ۲۵ سپتامبر - دیشب یک دسته از طیارات آلمانی سواحل شرقی انگلیس را به سختی بمباران کرده خسارات زیادی وارد آورده اند. اوضاع روسیه سخت پریشان است [و از قرار معلوم پیوسته عدم رضایت مردم از حکومت کرنسکی بیشتر و پریشانی زندگی مردم زیادتر می شود و متأسفانه اخبار صحیح مستقیم از روسیه کمتر می رسد و مطبوعات متفقین

اطلاعات صحیح از روسیه بلکه از هر جا که راجع به خودشان است نمی دهند که مبادا متحدین از آنها استفاده به نفع خودشان بنمایند. اگر نقشه های جنگی متفقین آن طور که بایستی منظم نیست نقشه مطبوعات آنها بسیار منظم است] و دو طرف اقیانوس اطلس را تحت نظر گرفته، کوشش در جلب افکار عالم تبلیغات خود مرعی می دارند و محققاً مطبوعات متحدین از قوه دفاع در مقابل دشمن بر نمی آید.

دوستی حاجی رحیم آقا

صبح آقا مصطفی پسر آقای طباطبائی و ابراهیم خان پسر فطن الملک به دیدن نگارنده آمده نامه هایی هم برای فرستادن نزد کسانشان به استانبول با خود آورده بودند. از قرار معلوم کار تحصیل آنها به طور مطلوب صورت گرفته است. بعد از ظهر آقایان علوی و حاجی رحیم آقای قزوینی آمدند و جای را در اینجا صرف کردند. حاجی رحیم آقا با نگارنده اظهار دوستی و صمیمیت می نماید. در این دنیای امروزی که اشخاص نسبت به یکدیگر کمتر اعتماد دارند و مخصوصاً ایرانیان که در این صفت شهرتی بسزا دارند اظهار چنین احساساتی هر قدر هم به طریق تعارف و سطحی باشد خالی از قدرشناسی نیست. اینجانب هم به همان قدر از آقای حاجی رحیم آقای قزوینی قدرشناسی دارم. بسیار آدم باهوش و بی ریایی است. همیشه می گوید آدمی است عوام و نفهم و کاسب و بی مایه ولی برعکس باید گفت در کار خودش بسیار هوشمند و زرنگ است. با بی زبانی و فقدان بصیرت کامل با اوضاع آلمان مدتی است در اینجا به تجارت مشغول بوده کار خود را در کمال خوبی پیش برده و اعتبار فراوانی برای خودش به دست آورده است.

زن حمیدبیک

شام را در سفارت ایران طبق وعده قبلی صرف کردم. عبدالحق حمیدبیک

شاعر معروف عثمانی معاون فعلی ریاست مجلس سنا که پدرش در ایران مدتی سفیرکبیر دولت عثمانی بوده است و در تهران فوت شده و در شاهزاده عبدالعظیم مدفون است و خانمش و آقای قاضی و خانمش نیز بودند. این ضیافت به افتخار حمیدبیک و خانمش برپا شده بود. خانمش زنی است صاحب منظر و بسیار مجلس آرا. به طوری که مجلس به صحبت های ایشان گرم شده بود و مفصل از استانبول و اوضاع اجتماعی و سیاسی آنجا صحبت می کرد. به عقیده او زنهای عثمانی صباحت منظر و جاهت ندارند. زنهای چرکسی خوش صورت بوده ولی امروز به قسمی مخلوط شده اند که به هیچ وجه عرض اندام نژادی نمی توانند بکنند. از اوضاع حرم بازی در عثمانی صحبت می کرد. می خندید و می خندانید. از ایرانیها تعریف می کرد و می گفت نسبتی به ترکها نداشته و بسیار باذوق تر می باشند. از واقعه اخیر حیدر پاشا و آتش گرفتن ذخیره قورخانه جنگی در آنجا صحبت می کرد و می گفت دو روز تمام نائره آتش بلند بود و [از] احتراق قورخانه در کار [گاه] گاز مسموم هوا را پر کرده بود. قرب سیصد نفر که بیشتر آنها اتریشی بوده تلف شده اند و مقدار معتابهی ادوات جنگی از بین رفته است.

حمله انگلیسها

چهارشنبه ۲۶ سپتامبر - امروز مجدداً انگلیسها حمله سختی در فلاندر شروع کرده اند] و جنگ در کمال سختی در جریان است. از قرار معلوم انگلیسها قوای زیادی در اینجا تمرکز داده و تصمیم دارند بدون توجه به تلفات خرد فرونت آلمانها را شکافته و این قسمت را که برای طرفین حیاتی است به دست آورند. دیشب باز آلمانها به لندن و سواحل جنوب انگلیس حمله هوایی کرده و تلفات معتابهی به انگلیسها وارد آورده اند. ضمناً تحت البحرهای آلمان آهسته و بی صدا به فعالیت خود ادامه

می دهند. هر روز ابلاغیه‌های آلمان غرق چند کشتی تجارتي انگليس را خبر می دهد.

سران ملیون

بعد از ظهر آقایان علوی و عزت‌الله خان هدایت به دیدن نگارنده آمدند. طبق گفته آنها امشب چند نفر از سران ملیون از استکهلم به برلن وارد خواهند شد و محققاً بعضی اطلاعات قابل توجهی خواهند داشت.

سوسیالیستها در سوئد

پنجشنبه ۲۷ سپتامبر - به طوری که یکی از آقایان جدیدالورود از استکهلم می گفت در اوایل به واسطه تجمع سوسیالیستهای ممالک مختلف به خصوص سوسیالیستهای روس کار تبلیغات و انتشارات ملیون ایران زیاد بود. ولی در این اواخر به علت عدم انعقاد کنفرانس و متفرق شدن نمایندگان سوسیالیست دیگر پرویاگانند و تبلیغ نتیجه نداشت. قوانین سوئد روز به روز راجع به اتباع کشورهای بی طرف مقیم در سوئد سخت تر می شود و اجازه حرکت از سوئد بسیار سخت شده است. اتباع خارجی اگر شغلی در استکهلم نداشته باشند ناگزیر به حرکت خواهند بود و دولت سوئد اجازه اقامت به آنها نداده آنها را به خارج سوئد می فرستد.

حیدرخان عمو اوغلی

سوسیالیستهای روس که از طرف مغرب به استکهلم مراجعت کرده و از استکهلم به روسیه برگشته‌اند وعده‌های صریح راجع به ایران داده و اطمینان دادند که روسیه دموکرات هیچ گونه نظر سوئی به استقلال ایران و

سعادت ایرانیان نخواهد داشت. حتی از ملیون ایران تقاضا داشتند به روسیه نماینده بفرستند تا در آنجا از صحت این موضوع برخوردار گردند. حیدر خان عمو اوغلی هم که مدتی در استکهلم متوقف بود اخیراً اجازه اش رسیده و به طرف پترزبورگ حرکت کرده است. [علی محمد خان] اویسی هنوز در استکهلم می باشد. حاجی میرزایحیی [دولت آبادی] هم در استکهلم منزل گرفته و عجالتاً در آنجا زندگی می کند. آمدن آقای مفخم الدوله هم عقب افتاده. از قرار معلوم تا دهم اکتبر در استکهلم خواهند بود. گویا هنوز اگرمان ایشان نرسیده است منتظر این اگرمان می باشند.

دنیا آتش گرفته

جمعه ۲۸ سپتامبر - امروز روز عید قربان عید بزرگ مسلمانان است. از خداوند خوشی و سعادت کلیه ملل را خواهانم. بس است خونریزی و حرص و طمعکاری. چه خوب بود سیاست امپریالیزم در کشورستانی و استعمار و استثمار از میان برداشته شود و مخصوصاً اروپاییان طمعکاری را کنار و به حال خود گذارند. از این سیاست چه فایده برده‌اند به جز اینکه خون میلیونها بیگناه ریخته شده. صدها هزار [نفر] خانمان خراب، میلیونها خانواده بی سرپرست و بی مرد و بی نان آور شده. این بیچاره‌ها چه کرده‌اند که باید پاسوز مشتی سیاسیون بی رحم و بی مروت شوند. معدودی، خمره‌های باروت را آتش داده و خودشان را به مأمین می کشند و سایرین را به تلفات می اندازند. سیاسیون بی رحم، بس است بی مروتی. دنیا آتش گرفته. دنیا بس بزرگ است هر قومی می تواند در آن به آسانی زندگی کند، جهت ندارد یک قوم بر قوم دیگر حکومت نماید. این سیاست حرص و طمعکاری است که میدان جنگهای خونین را گسترده است. این جنگها است که باعث عمده خرابی است.

طمع‌کاری اروپا

غریب است، سیاسیون طمع‌کار امروزی اروپا از تاریخ باستان سرمشق نمی‌گیرند. کجا است دولت روم قدیم، کجا است امپراتوری بزرگ ایران، کجا است ممالک اسکندر کبیر؟ همان طور که آن امپراتوری عظیم درهم ریخت، همین طور امپراتوریهای امروزی از هم پاشیده می‌شود و در تاریخ بیش از اسمی از آنها نمی‌ماند. خاک محل زندگی مردم است و به اهل آن محل تعلق دارد، روابط سیاسی که مرابطهٔ خاکی ندارد ادامه نخواهد داشت. هندوستان متعلق به اهالی هند است که در آنجا سکنی دارند. روابط سیاسی خارجی آنجا روزی با ترکهای مغول و روزی با فرانسویان و امروزه با انگلیسها است. سیاسیون انگلیس باید بدانند که هندوستان به طور ابد بدین ترتیب مصنوعی نخواهد ماند. دنیا از خونریزی خسته شده است. کجا است رحم و مروت؟

دعا در حق ایران

همین جنگی که ما امروز در آن می‌باشیم محققاً ترقی دنیا را سالها به عقب انداخته و جنس بشر را به عقب آورده است. فریاد بیوه زنان و یتیمان به فلک می‌رسد. از خدا خواهانم بساط صلح را به میان آورد و دست تعدی را از سر مثنی ایرانی بدبخت کوتاه کند. ایرانی بیچاره که هیچ مداخله در کار نداشته و تنها طالب صلح و حفظ حیات خویش است دچار همه نوع بدبختی و تجاوزات بوده است. ایرانی چرا باید این طور دستخوش هوا و هوس سیاسیون لندن و پترزبورگ باشد؟ خدایا ما را از این موقعیت نجات بده و ما را هدایت کن و پادشاهان و بزرگان ما را رحم و مروت و رعیت را سروری عنایت فرما.

نطق وزیر خارجهٔ آلمان

امروز صدراعظم و وزیر امور خارجهٔ آلمان در کمیسیون مجلس پارلمان نطقی راجع به سیاست خارجی آلمان کرده به طور عمومی و با جملات

کشدار دفاع از سیاست خودشان می‌کنند. ولی هیچ گونه جزئیاتی راجع به صلح اظهار نمی‌دارند. می‌گویند باید دست دولت آلمان باز باشد تا در موقع خود بتواند منافع کشور آلمان را حفظ کند. وزیر امور خارجه شرحی از وحدت دولت و ملت آلمان صحبت داشته اظهارات متفقین را که می‌گویند سیاست خارجی دولت آلمان با رأی ملت آلمان مخالف است تکذیب می‌کند، چنان که در جواب اعلامیهٔ پاپ رؤسای تمام احزاب سیاسی آلمان شرکت داشته‌اند.

وضع آلمان

شنبه ۲۹ سپتامبر - مطبوعات آلمان از نطق صدراعظم و وزیر خارجهٔ خودشان اظهار رضایت می‌کند، ولی مطبوعات متفقین خشمگین شده‌اند که چرا آلمان مقاصد خود را راجع به صلح اظهار ننموده و مخصوصاً راجع به سیاست بین‌المللی صحبتی در میان نیاورده. می‌گویند دولت آلمان باید آزادی تام برای خود در زمان مذاکرهٔ صلح تدارک نماید. در هر صورت سیاست امروزی آلمان همان سیاست یک سال پیش در زمان صدارت بتمن هلوگ نیست. او عصبانی به نظر می‌آید که سیاست جنگی خالص آلمان را آن طور که می‌بایستی در جلو بگذارد ولی امروز در زمان صدارت صدراعظم فعلی دستهٔ نظامیان و جنگجویان بسیار قوی و سیاست جنگی آلمان بیشتر مطمح نظر است. اوضاع داخلی روسیه و فتوحات متحدین در طرف ریگا و گالیسی و عدم موفقیت حملهٔ متفقین در طرف فرانسه و فراوانی محصولات کشاورزی امسال آلمان مخصوصاً محصول کشاورزی رومانی و مجارستان تمام سیاست دولت آلمان را در ادامهٔ جنگ قوی‌تر کرده است.

انگلیس بی‌رقیب

متفقین بدون روسیه چندان مخوف به نظر نمی‌آیند. از قرار معلوم جنگ

باز مدتی ادامه پیدا خواهد کرد. انگلیسها هنوز در سیاست خود پایداری [دارند] و پشتیبانی امریکاییها هم این سیاست را تقویت می‌کند. آلمانها هم حاضر نیستند موقعیت امروزی خود را از دست بدهند آن هم به نفع انگلیسها. انگلیس موقعیت غربی در این جنگ پیدا کرده است. تقریباً تمام قسمتهای مهم افریقا را در تصرف آورده و متصرفات افریقایی آلمان را اشغال نموده [است] و هر روز بر قدرت خودش در نقاط مختلفه افریقا و در عربستان و در شرق وسطی می‌افزاید. سواحل جلوی داردانل را در تصرف آورده و در مقابل شبه جزیره بالکان بر استحکام موقعیت خود افزوده، در سواحل شمال فرانسه تصرفات نظامی به جا آورده [است] و دو طرف خلیج انگلیس را عجزالتاً در دست دارد. از همه مهمتر رقیب قوی دیرینه خودش را که دولت روس تزاری باشد تقریباً به حال پریشانی انداخته خودش را در کشورهای آسیایی بی‌رقیب می‌بیند. حال اگر به شکست آلمان نیز موفق شود دیگر سیاست امپریالیستی خود را بر روی تمام کشورها گسترده خواهد نمود و تا مدتی هیچ حریفی جلوی او ایستادگی نخواهد کرد. سیاسیون آلمان به خوبی این نکته را ملتفت شده‌اند و حتی القوه در ادامه [جنگ] و خسته کردن انگلیس پافشاری مبذول می‌دارند.

«گل استانبول»

امروز ساعت هفت به تئاتر متروپل برای دیدن پيس گل استانبول رفتیم. شب اول نمایش این پيس است. حالت امروزی اجتماعی دولت عثمانی را مرکب از امتزاج افکار و عادات دیرینه و امروزی و یا شرقی و غربی و اروپایی مخصوصاً در زندگی خانوادگی و عقد و نکاح و غیره تجسم می‌دهد. بازیگر معروف موسوم به فرید سی ساری در این پيس بازی می‌کند. غنچه گل دختر کمال پاشا که به عادت امروزی مایل به شوهر

گرفتن است با طرف تمایل خود، با شاعر معروف آندریان مکاتبه می‌کند. این شاعر معروف احمدبیک صاحب منصب فوج است که از راه معمول به عادت ترکان به توسط پدر دختر، کمال پاشا از دختر خواستگاری می‌کند. لیکن قلب غنچه گل پیوسته برای آندریان در طپش است و هر روز عروسی خود را با کمالبیک به تأخیر می‌اندازد و بالاخره از خانه پدر فراری و به یک مهمانخانه محلی متواری شده و در آنجا آندریان یعنی احمد بیک را ملاقات و پس از استحضار از واقعیت مسئله فوراً قلب خود را نثار عاشق دیرینه کرده دست زناشویی به احمدبیک می‌دهد. در این ضمن یک نفر آلمانی از اهالی هامبورگ هم به یکی از خانمهای حرمسرا عاشق شده بالاخره به ترتیب امروزی با او ازدواج می‌کند. جمعیت بسیار زیادی برای تماشای این پيس آمده بودند. شکیب ارسالان را در تئاتر ملاقات کردم.

بمباران

یکشنبه ۳۰ سپتامبر - پیش از ظهر با آقای علوی و عصر با آقای نواب بودم. تازه مهمی نداشتند. آلمانها در این چند روز اخیر جدیتی در مبارزه هوایی نشان می‌دهند و تقریباً هر شب لندن و بعضی از قطعات انگلیس را از هوا بمباران می‌کنند. ابلاغیه انگلیسها این بمبارانها را طبیعتاً ناقابل نشان می‌دهد. می‌گویند چند نفری کشته و زخمی و خسارت غیرقابل اعتنایی وارد شده، ولی طبق راپرت آلمانها بمبارانها سخت و به خصوص بمباران دیشب خیلی سخت بوده است.

غرق کشتیهای انگلیس

امروز روز تولد امیرالبحر سوشن آلمانی است که جنگ دریایی اسکاگراک را فتح کرد. در این جنگ دریایی بزرگ تمام قوه دریایی آلمان با قسمت

عمده‌ای از قوای دریایی انگلیس طرف شده، به محاربه پرداختند. اگر چه این جنگ قطعی نبود ولی تلفات انگلیسها از مردان و کشتیهای جنگی بسیار زیادتر از آلمانها بود. در همان لحظات اول جنگ چند فروند از بهترین و بزرگترین کشتیهای جنگی انگلیس غرق شد. ولی بعد قوه تازه‌ای به انگلیسها رسیده در تاریکی شب چند فروند از کشتیهای آلمانی را غرق کردند، این محاربه تاریخی پایان یافت.

عقاید حمید بیک

دوشنبه ۱ اکتبر ۱۹۱۷ - پیش از ظهر به هتل آدلن رفته برای شکیب ارسالان یک کارت گذاشتم و بعد از ظهر به ملاقات شاعر معروف عثمانی عبدالحق حمید بیک رفته، مدتی با او صحبت کردم. قدری تاریک بین است. از اوضاع داخلی عثمانی شکایت می‌کرد. می‌گفت در موقع شروع جنگ به بعضی از متنفذین عثمانی گفتم اگر انگلیس داخل جنگ باشد باید خیلی ملاحظه کرد و هر طور هست بایستی بی طرفی اختیار نمود. ولی کسی گوش به این حرفها نداد. از طرف دیگر نیز معتقد بودم آلمانها را باید در دست نگاه داشت و نگذارند آلمانها رنجش پیدا کنند. سیاسیون بی تجربه و خودخواه به این نصایح گوش ندادند و علیه متفقین داخل جنگ شدند. حالا اوضاع را تماشا کنید: عربستان از دست رفته، عراق عرب هم به شرح ایضاً سقوط کرده و امروز انگلیسها برای اشغال فلسطین کار می‌کنند و اگر فلسطین هم از دست دولت عثمانی رفت، کار تمام است. دیگر کجا برای دولت عثمانی می‌ماند. در این ضمن از سیاست انگلیس تعریف می‌کرد. می‌گفت انگلیسها هم پیش‌بین می‌باشند و هم با فکر کار می‌کنند. می‌گفت مدتی با خلیل خالد افندی در این موضوع صحبت کردم او ناامید از آتیه نیست و عقیده مند به دولت و ملت آلمان می‌باشد.

حزب سازی در تهران

طرف عصر آقایان هدایت و علوی به چای آمده تا ساعت هفت اینجا بودند. می‌گفتند وضع تهران خوب آزاد شده. از مشروطه اول هم کار حزب سازی گرم تر شده است. آقایان نظام السلطان و میرزا محمود اصفهانی و چند نفر دیگر دسته سوسیال دموکراتی در تهران تشکیل داده با شدت مشغول تبلیغات در بسط این حزب می‌باشند.

رئیس ملیون ایرلند

بعد از شام به منزل رئیس ملیون ایرلند در آلمان موسوم به دکتر هیل رفته تا نزدیک نیمه شب در آنجا بودم. دکتر هیل به استکهلم هم آمده بود. گویا مدتی است در آلمان متوقف است و علیه انگلیسها تبلیغات می‌کند. از قرار گفته خود عده زیادی از سیاسیون آلمانی را می‌شناسد و با آنها راجع به ایرلند تبادل فکر می‌کند. ولی از فقدان پروگرام صحیح دولت آلمان و بی تکلیفی مطبوعات آلمان خیلی شکایت دارد. می‌گوید نقشه انگلیسها پر واضح و معین است. تمام ناطقین و تمام نویسندگان و کلیه مطبوعات هر روز نظر دولت را تهییج و ترویج می‌کنند. ولی در آلمان پروگرامی وجود ندارد و هیچ کس تکلیف خود را نمی‌داند. روزنامه‌ها هم هر کدام عقیده‌ای برای خود داشته با بی تکلیفی به کار خود مشغولند.

آقایان نواب و عبدالحق حمید بیک و شکیب ارسالان بیک و چند نفر دیگر را چهارشنبه بعد از ظهر در هتل اسپلناد دعوت کرده‌ام.

ناامیدی به آینده

سه‌شنبه ۲ اکتبر - امروز شام را در سفارت ایران صرف کردم. جمعی از ملیون و مهاجرین آلمانی نیز به شام دعوت داشتند. آقای نواب با زحمت بسیار غذاهای ایرانی من جمله چلوکباب برای مدعین ترتیب داده بودند.

در سر شام صحبت سیاست راجع به آتیۀ ایران در میان بود. خیلی امیدواری به آتیۀ نشان داده نمی شد.

تولد هندنبورگ

امروز روز تولد سردار کل و سپهسالار کلیۀ قشون آلمان هندنبورگ است. این مرد بدون شک امروز اول شخص و محبوبترین سردار تاریخی آلمان می باشد. مردم آلمان از هر طبقه او را ستایش می کنند و هر روز هم که از جنگ می گذرد محبوبیت او زیادتر می شود. امروز تمام روزنامجات آلمانی مقالات عمده خود را در شرح حال هندنبورگ اختصاص داده اند. بیشتر مدارس را هم تعطیل کرده عمارات را بیرق زده اند؛ نیز به افتخار تولد هفتادمین سال او ازدحام زیادی در اطراف بانکها که برای خریدن اسهام استقراض هفتم دولت که از اواخر سپتامبر گذشته شروع شده دیده می شود و از قرار معلوم هیچ روزی به این خوبی و به این زیادی اوراق قرضه به فروش نرفته است.

مهمان شکیب ارسلان

چهارشنبه ۳ اکتبر - امروز ناهار را در هتل آدلن مهمان شکیب ارسلان بیک بودم. مدعوین عبارت بودند از چهار نفر از اعضای مهم وزارت خارجه آلمان و چند نفر از مدیران روزنامه های یومیۀ آلمان و برلن. پروفیسور اشتاین هم از مدعوین و نزدیک نگارنده بود. از نگارنده خواهش کرد یک مقاله برای روزنامه او به شکل مصاحبه راجع به ایران و تقاضای ملیون و آزادیخواهان ایران بنویسم. نطقهای مهمی در سر میز ادا نشد. به طور کلی آرزومندی برای موفقیت متحدین ابراز می داشتند.

مهمانی وحیدالملک

بعد از ظهر عده ای از آقایان ملیون ایران و نیز عبدالحق حامدیک و

خانمش و شکیب ارسلان بیک و حمزه بیک به جای در هتل اسپلند مهمان نگارنده بودند. مجلس بدی برگزار نشد. تقریباً تا ساعت هفت ادامه داشت. بعد از شام با آقای قاضی با هم بودیم. صحبت های مختلف در میان بود. آقای قاضی هم امیدواری زیادی به آتیۀ جنگ و پایان این جنگ به نفع متحدین ندارد.

وضع جبهه ها

پنجشنبه ۴ اکتبر - جنگ سختی از دیروز در فرونت فلاندر شروع شده تمام روز و شب محاربه خونین میان قشون انگلیس و آلمان در جریان بود. انگلیسها با دوازده دیویزیون قشون که در این نقطه جمع کرده به حمله پرداخته بودند، در آغاز این محاربه کمی پیشرفت کرده کمی از خندقهای آلمانها را اشغال نموده ولی مانند محاربات سابق در این محل هیچ گونه موفقیت اساسی برای قشون انگلیس تا به حال تولید نشده است. طبق ابلاغیۀ آلمانها چندین هزار کشته و زخمی از قشون انگلیس در میدان جنگ مانده و هنوز آتش توپخانه و حملات قشون پیاده به شدت در جریان است.

نطق وزیر خارجه اتریش

وزیر امور خارجه اتریش اخیراً نطق مسالمت آمیزی در شهر بوداپست نموده و گفته است وقت آن رسیده است که افکار متفقین و متحدین به سوی صلح متوجه گشته، هر یک صلحی که نه به متفقین و نه به متحدین خسارت قابل وارد آورد و اوضاع را تقریباً مثل قبل از جنگ بگذارد و هیچ گونه اراضی از دست طرفین خارج نگردد، چنین صلحی بلکه برقرار گردد و بعد از جنگ می بایستی یک محکمه بین المللی برقرار شده و به اختلافات میان کلیه دول رسیدگی نماید و میزان سلاحهای جنگی هر

کشور را همین محکمه تعیین نماید که دیگر برای موضوعات جزئی و مختصر آتش جنگ شعله‌ور نگردد.

جمعه ۵ و شنبه ۶ اکتبر - محاربه در فرونت فلاندر قدری آرامتر شده. از قرار راپرت انگلیسها چهار هزار نفر اسیر گرفته‌اند ولی نتیجه مهم دیگری با دادن این همه تلفات عاید آنها نگردیده است.

اختلاف با سلیمان میرزا

صبح شنبه آقای علوی به منزل اینجانب آمد. می‌گفت از قراری که از استانبول خبر رسیده آقایان مساوات و کزازی و آقا شیخ حسین تهرانی اخیراً به استانبول وارد شده‌اند [ولی شاهزاده سلیمان میرزا به تهران مراجعت کرده است. دیگر جزئیاتی نداشت که آیا این آقایان که به استانبول آمده‌اند و قبلاً با شاهزاده سلیمان میرزا با هم بودند با موافقت و اطلاع او بوده [است] و یا آنکه میان آنها اختلاف افتاده از هم جدا شده‌اند. سابقاً گفته شد میان آقای خلخال و شاهزاده سلیمان میرزا سخت برهم خورده و خلخال می‌خواسته به عنوان تعرض به ایران مراجعت کند. معلوم نیست شاهزاده سلیمان میرزا به چه ترتیب به ایران مراجعت خواهد کرد؟ به تهران می‌رود یا آنکه در سنجابی اقامت خواهد نمود؟ در تهران شیوع داشته است که بعضی از ملیون و آزادیخواهان مانند مساوات و شاهزاده سلیمان میرزا به تهران برمی‌گردند. به طور کلی ماندن ایرانیان از ملیون و آزادیخواهان در استانبول دیگر فایده‌ای ندارد. جز تضییع وقت و تحمل ناملايمات و تولید اختلافات میان خودشان نتیجه ندارد. باز در تهران می‌توانند یک خدماتی هر قدر هم کوچک باشد برای کشور انجام دهند و از نتیجه این خدمات خود و مملکت را منتفع گردانند.

رفتار نظام السلطنه

ظهر آقا مصطفی پسر آقای طباطبائی به منزل اینجانب آمد و ناهار را در

اینجا صرف کرد. باز صحبت از استانبول داشت و می‌گفت پس از ورود نظام‌السلطنه به استانبول خودش اصلاً به بازدید ایرانیان از ملیون و آزادیخواهان و غیره نرفته، پسرهایش را به جای خود به بازدید فرستاده. آقای طباطبائی آنها را نپذیرفته و بالاخره به بازدید بعضی اشخاص مهم ایرانی رفته است. خود آقا مصطفی وسایل تحصیل خود را در اینجا فراهم نموده و مشغول به تحصیل شده است.

شیخ عبدالقادر

یکشنبه ۷ اکتبر - پیش از ظهر آقای میرزا محمدخان قزوینی و بعد آقای عزت‌الله خان هدایت به منزل اینجانب آمده ناهار را در اینجا صرف کردند. آقای هدایت می‌گفت پیشنهاد راجع به شاگردهای ایرانی پذیرفته شده [است] و عنقریب صورت صحیحی اتخاذ خواهد نمود. دیشب به منزل امیراحمد مختار از نواده‌های شیخ عبدالقادر معروف الجزایری رفته بودند. اینجانب هم دعوت داشتم ولی نتوانستم بروم. قصیده‌ای به عربی و بعد نطقی به زبان عربی که به آلمانی ترجمه شد قرائت شد. تمام در شرح حال نواده شیخ عبدالقادر مرحوم بوده است. از بی‌ذوقی آقایان همین بس که سی‌چهل نفر آلمانی در آنجا حاضر [بوده‌اند] و چنین مجلسی در چنین موقعیتی در برلن منعقد [می‌شود] و یک کلمه اسمی از آلمان نبرده‌اند.

مجلس ادبی

بعد از ظهر شکیب‌ارسلان بیک و شیخ عبدالصالح مغربی را ملاقات و با آنها چای صرف کردم. تا ساعت هفت طول کشید. به زبان عربی صحبت در میان بود. حضرات از ذوق ایرانیان در شعر و ادبیات صحبت می‌کردند و می‌گفتند ادبیات عرب و اشعار عربی مقروض افکار و ذوق ایرانیان

است. صحبت از بهائیهها به میان آمد و از قرۃالعین صحبت شد. میرزا محمدخان قزوینی کتاب پروفیسور براون و تاریخ میرزاجانی را آورد و قدری از شرح حالات باب و بهاءالله قرائت نمود در آنجایی که باب میگوید قیامت هر ظهور مظهر ظهور بعد است، شیخ عبدالصالح را برانگیزاند. تا مدتی در این زمینه با حرارت و با فریاد صحبت می داشت و مکرر لغاتی مانند ملعون و خبیث برای باب و فلسفه او اظهار نمود.

استیضاح

دوشنبه ۱۸ اکتبر - امروز استیضاحی از صدراعظم آلمان در پارلمان در میان است. این استیضاح راجع به تشکیلات و عملیات حزب وطنی تازه که قبلاً به آن اشاره کرده ایم، می باشد. احزاب چپ پارلمان و بلکه اکثریت مجلس عقیده مندند که مأمورین دولت در تشویق و بسط این حزب می کوشند و این سیاست داخل تشکیلات قشون آلمان هم شده است و به خصوص افسران نسبت به اشخاصی که تمایل به احزاب دست چپ دارند سوء رفتار اجرا می دارند. بالاخره معتقدند که سیاست داخل قشون آلمان شده است و روی این موضوع استیضاح از صدراعظم صورت گرفته است.

صدراعظم در جواب این اتهامات را رد کرده اظهار می دارد که سیاست به کلی از قشون خارج و دولت آلمان هم به کلی بی طرف [است] و به هیچ وجه مداخله در تشکیلات و عملیات احزاب سیاسی نداشته و ندارد. بدیهی است کارمندان و مستخدمین ادارات دولتی در موضوع سیاست آزادند [و] داخل هر حزب سیاسی که بخواهند می توانند بشوند، به شرط آنکه عملیاتی مخالف مصالح کار اداره دولت و منافع دولتی صورت ندهند.

ورود مفخم الدوله

سه شنبه ۹ اکتبر - دیشب آقای مفخم الدوله با فامیل وارد برلن شد و بعد از ظهر امروز اینجانب را با تلفن از ورودش مطلع ساخت. همین امروز به دیدنشان رفتم. در کتیناتال منزل کرده. روز یکشنبه حرکت [کرده]، دوشنبه را در راه بوده و شب به برلن وارد شده اند. آقایان نواب و اعظم السلطنه و هدایت هم به ملاقات ایشان آمدند. حمیدخان پسر حاجی سیاح از ایران وارد برلن شده. پسر مشیرالدوله و حاجی امام جمعه خوبی را هم با خود آورده [است] که در اروپا به تحصیل بگذارد. آقای مفخم الدوله به آنها گذرنامه مخصوص داده [است] که از آلمان عبور کرده به سویس بروند. آنها در استکهلم چند روزی منتظر اجازه آلمانها شده بودند.

نامه شیخ ابراهیم زنجانی

حمید خان نامه ای از آقای شیخ ابراهیم زنجانی برای اینجانب آورده است. شیخ ابراهیم زنجانی در این نامه می نویسد که با وجود پیری و ضعف مزاج از گوشه عزلت بیرون آمده مشغول کار تبلیغات شده است. اگرچه اختلافات امروز در تهران زیاد و امور مملکت فوق تصور درهم ریخته شده است، باز نمی توان از کارکناره جست و در راه تبلیغات آزادی غفلت نمود. می نویسد با اقدامات ظل السلطان و کامران میرزا و مأمورین انگلیس در طرف جنوب و عملیات قشون روس در طرف شمال مستشارالدوله وزیر داخله به چه ترتیب از عهده انجام وظایف امور داخله مملکت برآید. با تمام این اشکالات باز دموکراتها می کوشند بلکه موانع را از جلو بردارند. اختلافات دموکراتهای تبریز عجالاً رفع [شده است] و مشغول انتخابات در آنجا می باشند.

مذاکرات راجع به ایران

طبق اظهار آقای حمیدخان هیثی مرکب از آقایان ذکاءالملک و میرزا سید

ابوالقاسم خان اخوی عمیدالسلطنه و یکی دو نفر دیگر معین شده بودند که به اروپا [بروند] برای مشاهده اوضاع فعلی و در صورت لزوم تهیه وسایل برای شرکت در مذاکرات راجع به ایران. طبق گفته او دموکراتهای تهران دو دسته شده علیه همدیگر اقدامات می کنند.

تجدید فعالیت حزب دموکرات

بعضی می گویند بایستی تشکیلات حزب دموکرات تجدید شود و برخی دیگر می گویند با وجود غیبت افراد مهم حزب دموکرات در تهران، تجدید حزب غیرممکن است. در خصوص تعیین کاندیدا هم عقاید مختلف دارند. دسته ای می خواهند از اهالی تهران نماینده معین کنند و دسته دیگر [می خواهند] از میان افراد مهاجرین که خارج از ایران هستند نمایندگی انتخاب کنند. جمعی از اشخاص بنام از قبیل مشیرالدوله رسماً داخل فرقه دموکرات شده کاندیدای یک قسمت از آنها می باشد. اشخاصی نیز مانند مخبرالسلطنه برای نمایندگی مجلس کار می کنند و شاید به نمایندگی هم انتخاب شوند. وزرای فعلی در مقابل اشکالات زیاد که در جلوی آنها است کاری از پیش نمی برند.

دو دسته مهاجرین

در تهران این طور اشاعه داده اند که مهاجرین دو دسته شده اند. دسته ای طرفدار آلمان [اند] و دسته ای دیگر طرفدار عثمانی. دسته اول را خدمتگزار ایران و دسته دوم را خیانتکار می شمارند. به احتمال قوی انتخابات مجلس شورای ملی تا اواخر ماه نوامبر به اتمام خواهد رسید. شب را در سفارت ایران به شام مهمان بودم. آقایان مفخم الدوله و شکیب ارسلان بیک و میرزا محمدخان قزوینی و حمزه بیک و جمعی دیگر هم بودند. تا نیمه شب در سفارت بودیم. شکیب ارسلان از جلسه

رایشتاگ امروز و نطق صدراعظم مفصل صحبت می کرد. وزیر امور خارجه هم نطقی ایراد کرده، احساسات شدیدی در دو طرف مجلس هویدا بوده و معلوم شده [است] ملت آلمان توجه زیادی به اوضاع داخلی و سیاست خارجی دولت آلمان دارد.

کرن استرنند کاریکاتورست

آقای مفخم الدوله در صحبت با اینجانب می گفت که رفیق قدیمی اینجانب موسوم به کرن استرنند [را] که از نقاشان کاریکاتورست درجه اول اروپا می باشد در استکهلم ملاقات [کرده] و کرن استرنند از ایشان سراغ اینجانب را گرفته و مخصوصاً برای تحصیل اطلاعات از اینجانب به قونسولخانه ایران در استکهلم رفته است. صورت نگارنده را بدون کم و زیاد برای آقای مفخم الدوله کشیده و ایشان کاملاً از هویت اینجانب برخوردار گردیده است. با این نقاش معروف در لندن در یک کلوپ عضویت داشتم و آثار گرانبهایی از ذوق و هنر او در نزد اینجانب به رسم یادگار می باشد. در شب آخر اقامت آقای مفخم الدوله در استکهلم قنصل ژنرال ایران مهمانی مفصل به افتخار ایشان داده است که در آن تمام دیپلماتها حضور داشته [اند] و کرن استرنند هم جزو مدعوین بوده است و برای تفریح حضار نشان قهوه برای وزیر مختار برزیل از جانب امپراتور آن مملکت هدیه آورده است.

عزیمت مفخم الدوله

چهارشنبه ۱۰ اکتبر - امشب حمزه بیک مدیر «عالم اسلامی» اینجانب را به شام دعوت کرد. بعد از ظهر به ملاقات آقای مفخم الدوله رفتم. همین امشب به طرف سویس حرکت می کنند. می گفت چون خانمش کسالت دارد توقف بیشتر را در برلن جایز ندانسته به صوب مأموریت خود

می‌روند. با هم خداحافظی کرده ملاقات بعدی را به رم یا تهران موکول نمودیم. آقای مفخم‌الدوله اظهار یأس از اوضاع ایران می‌نماید و از دور شدن از روسیه بسیار خوشحال است. قریب چهل سال در خدمت وزارت خارجه ایران بوده می‌گوید هیچ وقت به خستگی و تاریک‌بینی امروز نبوده است و امیدوار است بلکه در رم وسائل راحتی برای او فراهم شود. اولادهای خودش را در سوئیس برای تحصیل خواهد گذاشت.

مهمانی شکیب ارسلان

پنجشنبه ۱۱ اکتبر - دیشب آقای مفخم‌الدوله به طرف سوئیس حرکت کرد و از این سفر دیگر راحت می‌شود. تنها ایرانی که او را در ایستگاه راه‌آهن دیده آقای قاضی بوده است. گویا از قدیم با آقای قاضی دوستی داشته است. ظهر را در هتل آدلن مهمان شکیب ارسلان بیک بودیم. آقای نواب و خانمش و میرزا محمدخان قزوینی و چند نفر دیگر هم بودند. شکیب ارسلان بیک پس فردا به طرف بروکسل حرکت می‌کند و گویا یک ماهی سفرش طول خواهد کشید و بعد به برلن آمده پس از کمی توقف به استانبول مراجعت می‌کند. شکیب ارسلان بیک از نجای اعراب سوریه می‌باشد و شجره خانواده‌اش گویا به اوایل دوره اسلام ممتد می‌شود. خودش هم شخصی است ناطق و بسیار باهوش. در این مدت کوتاه اقامتش در برلن با بسیاری از سیاسیون اینجا آمد و رفت کرد و نامی از خود به یادگار گذارد. حسن معاشرت زیادی دارد و گویا بی‌تمول هم نباشد، زیرا اغلب مهمانیهای مفصل در اینجا می‌داد.

وضع آلمان

مذاکرات سیاسی در رایشتاگ آلمان دنباله پیدا کرده است و بیم آن می‌رود که منجر به بحران هیئت دولت بشود. وزیر بحریه آلمان در نطق خود سه

نفر از سوسیالیستها را به تحریک قوای بحری آلمان متهم نموده است و سوسیالیستها هم در مقابل علیه دولت نطقهای شدیدی ایراد نموده‌اند. از یک طرف فن تیرپیتز و همراهان او علیه اکثریت مجلس کار می‌کنند و از طرفی اکثریت مجلس علیه دولت اقدامات و کار دولت را سخت‌تر می‌نمایند. بدین ترتیب به نظر می‌آید که بحران شدیدی در جلو باشد.

ترس هلندیها

جمعه ۱۲ اکتبر - محاربه سختی مجدداً در طرف فلاندر شروع شد. امروز صبح انگلیسها پس از بمباران سختی شروع به حمله کرده‌اند. نتیجه هنوز معلوم نیست. تمام روز جنگ با نهایت شدت ادامه داشته است. اسکویث و لویدجرج هر دو بر ضد نطق وزیر امور خارجه آلمان نطق کرده و در ضمن نطقهایشان حملات سخت به آلمان کرده و می‌گویند تا آلمان آزراس و لرن را به فرانسه مسترد ندارد شمشیر انگلیس غلاف نخواهد شد. از قرار معلوم انگلیسها و امریکاییها اخیراً به هلند فشار آورده‌اند که نسبت به آلمانها سوءرفتار اتخاذ نماید. از قرار راپرت آلمانها احساسات شدیدی در هلند علیه انگلیسها حکمفرما است. ولی هلندیها بدیهی است از ترس اینکه مبادا جاوه را از دست بدهند از انگلیس ملاحظه دارند.

آهانیانس ارمنی

عصر چای را در منزل علوی صرف کردم. آهانیانس ارمنی هم در آنجا بود. از آرامنه و سیاست داشناکها صحبت به میان آمد. احساسات آهانیانس راجع به آرامنه معلوم است. برای منافع آنها حرارتی اظهار می‌نمود ولی علی‌الظاهر نسبت به ایران هم همدردی ظاهر می‌ساخت.

امپراتور آلمان

شنبه ۱۳ اکتبر - جنگ دیروز فلاندر مانند محاربات سابق در آنجا برای

انگلیسها خیلی گران تمام شده پس از تحمل تلفات بسیار زیاد چند صد ذرع از تصرف آلمانها خارج ساخته‌اند. آلمانها در ابلاغیه خود می‌گویند که در هیچ زمان آتش توپخانه انگلیسها بدین سختی نبوده است. امپراتور آلمان دیروز وارد صوفیه پایتخت بلغارستان شده مهمان پادشاه بلغارستان است. از قرار معلوم به استانبول هم می‌رود. از موقعیت هیئت وزرای آلمان دیگر خبر تازه نیست. از قرار مسموع صدراعظم که قرار بود به طرف ریگا حرکت کند رفتن خودش را به علت همین مشاجرات رایشتاگ به عقب انداخته است.

در خلیج ریگا

یکشنبه ۱۴ اکتبر - ابلاغیه دیشب آلمانها اظهار می‌دارد که نیروی آلمان بری و بحری و هوایی به جزایر واقع در خلیج ریگا حملات سختی را شروع کرده‌اند. این جزایر در دهنه خلیج ریگا مقابل آبهای فنلاند واقع و دارای اهمیت نظامی زیاد می‌باشد. ابلاغیه روس هم حملات قوای آلمان را به جزایر نامبرده تصدیق می‌کند.

نادولنی

امروز نامه‌ای از آقای نظام‌السلطنه که به توسط سفارت کبرای عثمانی فرستاده‌اند، دریافت کرده از اقدامات اینجانب در استکهلم اظهار خوش بینی می‌نماید و به طور کلی از رفتار عثمانیها نسبت به مهاجرین ایرانی قدردانی دارد و استحکام موقعیت ایران را تأیید می‌نماید. ولی از نادولنی شکایت کرده‌اند و یک نفر مأمور دیگر آلمان را مانند واسل تقاضا نموده است. نادولنی می‌خواست ایرانیها را عبد و عید خود گرداند و چون می‌دید به این مقصود با وجود هیئت حکومت موقتی ممکن نبود شروع به ایجاد مناقشات داخلی و خارجی میان ایرانیان نمود. بین احزاب

دموکرات و اعتدال خواست اختلاف ایجاد کند. تنها دو سه نفر بیشتر آلت دست او نشدند. ایلات کرمانشاه را با پول ضد حکومت موقتی تحریک نمود ولی موفقیت زیادی در این راه حاصل نکرد. سپس در اختلال ژاندارمری کوشید و بالاخره چون راه موفقیت را از هر طرف مسدود دید اولتیماتومی به حکومت موقتی داد که اگر در ظرف بیست و چهار ساعت قبول نشود رابطه خود را با حکومت موقتی قطع [می‌کند] و به همدان خواهد رفت. در این اولتیماتوم فقرات ذیل را خواستگار شده بود:

اول، عزل و توقیف ماژور حبیب‌الله خان شیانی فرمانده ژاندارمری.

دوم، سپردن ژاندارمری به آلمانها تحت امر خود نادولنی.

سوم، تغییر آقای مدرس از ریاست مجلس وکلا.

چهارم، سپردن محکمه عالی نظامی به یک نفر آلمانی تحت امر خود نادولنی.

پنجم، تغییر حکومت کرمانشاهان و ریاست ارکان حزب.

ششم، سپردن شعبه استخبارات حکومت موقتی به یک نفر آلمانی.

هفتم، تعیین اعضای ادارات به پیشنهاد رؤسای ادارات با اطلاع مأمورین آلمانی.

حکومت موقتی مشغول مذاکرات در مواد این اولتیماتوم بود که عقب‌نشینی از کرمانشاه پیش آمد. در این وقت نادولنی متزلزل شد که مبدا همه مهاجرین در ایران بمانند و او نزد دولت آلمان مقصر شود. لذا فوراً دست از مواد اولتیماتوم برداشت و قول داد که حتماً در کرکوک معاهده مطلوبه را به انجام رسانده تصمیماتی که حکومت موقتی راجع به آتیه ایران تقاضا دارد قید نماید. اصرار داشت که نمایندگان و رؤسای مهاجرین فوراً به طرف کرکوک حرکت کرده و افرادی که اهمیت سیاسی ندارند ممکن است در محل بمانند. مع هذا جمعی از نمایندگان از قبیل

آشیخ اسمعیل، آسید فاضل، نواب التولیه، میرزا سلیمان خان از حرکت امتناع نموده در عقب ماندند. در کرکوک و موصل هم نادرولنی به وعده خود رفتار نمود. در این موقع دولت عثمانی آقای نظام السلطنه و هیئت حکومت موقتی را دعوت به استانبول نمود و اینان به طرف حلب و بالاخره به استانبول حرکت کردند.

۱۳

پیشرفت آلمانها

دوشنبه ۱۵ اکتبر - عملیات آلمانها در جزایر اوزل و خلیج ریگا به سرعت جلو می رود. پس از آنکه قشون آلمان در این جزایر پیاده شده اند روسها را شکست سخت داده، پایتخت اوزل را در تصرف آورده اند. متفقین اهمیت زیادی به تصرف این جزایر می دهند. بی حق هم نیستند. اشغال این جزایر در حقیقت قوای دریایی آلمان را در دریای بالتیک مستحکم [می کند] و پترزبورگ و جناح راست روس را در تهدید مستقیم می اندازد.

امپراتور در استانبول

امپراتور آلمان به استانبول وارد و با نهایت گرمی از او پذیرایی می شود. امپراتور آلمان روز نهم اکتبر از آلمان حرکت [کرد] و روز دوازدهم این ماه [به] بلغارستان و امروز که روز پانزدهم است به استانبول وارد شده است. وزیر امور خارجه آلمان هم همراه او است.

بعد از ظهر آقایان علوی و هدایت به ملاقات اینجانب آمدند و چای را هم در اینجا صرف کردند. تازه مهمی نداشتند جز اینکه باز شرحی از مخالفت های مهاجرین در استانبول به رشته صحبت درآوردند.

سوسیالیستها در استکهلم

سه شنبه ۱۶ اکتبر - پیشرفت آلمانها در جزایر بالتیک خیلی سریع است. روسها در دریا و در خود جزایر شکست خورده [اند] و فرار می کنند. یکی از ملیون که اخیراً از استکهلم آمده اظهار می داشت که سوسیالیستها تقریباً به تمام از آنجا رفته اند و دیگر صحبت انعقاد کنفرانسی از سوسیالیستها در آنجا نیست. چند نفر از ایرانیها هم در آنجا هستند که منتظر وصول جواز برای حرکت به طرف روسیه می باشند که از آنجا به ایران بروند. [علی محمد] اویسی هنوز در استکهلم مانده است. از قرار معلوم انگلیسها و فرانسویها مشغول تهیه مقدمات حمله سختی در فرانسه می باشند و از دیروز تا به حال بمباران جدید در جریان است.

تصرف اوزل

چهارشنبه ۱۷ اکتبر - امروز ابلاغیه آلمان می گوید که قوای آلمان تمام جزیره اوزل را تصرف کرده [اند] و [قوای بحری روسها در حال فرار است] و آلمانها آنها را تعاقب می کنند. چندین هزار اسیر تا کنون به دست آلمانها افتاده است. در پترزبورگ تزلزل زیادی حکمفرما است. مردم با عجله هر چه تمامتر مشغول فرار به داخله روسیه هستند. ادارات دولتی را هم تخلیه می کنند و پیش گویی می شود که عملیات بحری و بری آلمان در این حدود توسعه پیدا کرده تا پترزبورگ هم خواهد رسید. حالا که آلمانها راه دریا را بر خود باز کرده اند، پیشرفت آنها حتمی است.

امپراتور آلمان

ضیافتهای مفصل در استانبول برای امپراتور آلمان منعقد است. شهرها را هم به مناسبت ورود امپراتور چراغانی مفصل کرده اند. حقی پاشا سفیر کبیر عثمانی در برلن نیز حضور دارد. دیشب پس از شام صحبتهای مفصل

محرمانه با حضور وزیر امور خارجه آلمان و صدراعظم عثمانی و انور پاشا و حقی پاشا میان امپراتور آلمان و سلطان عثمانی در میان بوده است. احتمال کلی می دهند که این مذاکرات راجع به عملیات نظامی در حدود بغداد و استرداد عراق عرب بوده است. از قرار مذکور تدارکات مفصلی برای بیرون کردن انگلیسها از خاک عراق عرب قبلاً دیده شده است تا نتیجه چه شود.

اختراع توپ جدید

پنجشنبه ۱۸ اکتبر - عملیات آلمانها در خلیج ریگا و آبهای فنلاند با پیشرفت خود ادامه دارد. امپراتور آلمان هنوز از بالکان مراجعت نکرده است. امروز در برلن شهرتی دارد که آلمانها تویی اختراع کرده اند که عنقریب لندن را از سواحل بلژیک بمباران خواهند کرد. ولی محقق چنین انتشارات نزد مردم با فکر چندان ارزشی ندارد.

جراحی محسن خان

جمعه ۱۹ اکتبر - پیش از ظهر با مهندس فضل الله به ملاقات محسن خان افسر ژاندارمری ایران که اینجا در بیمارستان تحت معالجه است، رفتم. دفعه دوم است که این بیچاره تحت عمل جراحی قرار گرفته است. دست چپش که زخم خورده و به کلی از حرکت افتاده مورد عمل قرار گرفته است. حالا پروفوسور بیر اعصاب دست را بریده می خواهد آنها را به هم وصل کند و امیدوار است دست مجدداً به حالت اصلی برگردد. حال مریض چندان بد نبود. از بیمارستان به قونسولخانه ایران رفتم، تذکره جدیدی گرفتم. تذکره قدیم اینجانب موعدهش تمام شده [بود] و از شدت زیادی امضا و استامپ شکل آنتیک به خود گرفته بود. مایلیم آن را حفظ نمایم.

نظر آلمانها

آلمانها رسماً به آقای نواب نوشته‌اند که اگر روس و انگلیس قوای خودشان را از ایران خارج کنند آلمانها در استانبول اقدامات لازم به عمل آورده، از داخل شدن قشون عثمانی به ایران جلوگیری خواهند کرد. پیشرفت آلمانها در آبهای شمال بسیار سریع است. جزیره مون را هم تصرف و پنج هزار اسیر گرفته‌اند و مقدار زیادی مهمات جنگی به دست آورده و یک کشتی جنگی بزرگ روس را هم غرق کرده‌اند.

قروض آلمان

شنبه ۲۰ اکتبر - استقراض هفتم آلمان کاملاً موفقیت پیدا کرده و دوازده میلیارد و نیم بالغ گردیده است. هفت فقره استقراض آلمان من حیث المجموع بالغ بر هفتاد و دو میلیارد مارک شده. تنها استقراض ششم کمی بیشتر از استقراض هفتم بوده است. برای این مظفریت اقتصادی در مدارس جشن گرفته و یک روز تعطیل عمومی مدارس اعلام شده است. امپراتور آلمان و هندنبورگ به وسیله تلگراف به رؤسای بانک دولتی و وزارت مالیه از این موفقیت اظهار خشنودی نموده‌اند.

مراجعت امپراتور

عملیات آلمانها در خلیج ریگا نزدیک به اتمام است. امپراتور آلمان پریشب از استانبول به طرف آلمان حرکت کرده است و وزیر امور خارجه آلمان در مراجعت در بوداپست و وینه با وزیر امور خارجه اتریش مذاکرات لازم بجا خواهد آورد.

میرزا محمدخان و پورداود

بعد از ظهر تا آخر شب با آقایان علوی و میرزا محمدخان قزوینی و

پورداود بودم. تازه سیاسی نداشتند. مذاکرات ادبی در جریان بود. هر دو این آقایان میرزا محمدخان و پورداود مشغول مطالعات ادبی می‌باشند.

فتوحات آلمان

یکشنبه ۲۱ اکتبر - عملیات آلمانها در خلیج ریگا به اتمام رسیده و جزایر آن محوطه را که تقریباً کلیه دریای بالتیک از طرف مشرق است تحت اشغال گرفته و قوای بحری روس را به طرف شمال رانده‌اند. در حقیقت آلمانها فتوحات بزرگی را به فاصله چند روز انجام داده‌اند. به قول یکی از روزنامه‌جات سوئدی دریچه‌ای را که بطرکبیر در بالتیک باز کرده بود آلمانها مسدود کرده‌اند. کلیه مطبوعات آلمان از این فتوحات اظهار وجد می‌کنند. آتش توپخانه در طرف مغرب سخت شده مقدمه حملات سختی از طرف انگلیسها و فرانسویها هویدا است. به واسطه مظفریت اقتصادی دولت آلمان در استقراض هفتم امروز کلیه عمارات دولتی بیرق زده و موزیک نظامی در میدانهای شهر به ترنم مشغول است و با هوای مطلوب، مسرت عمومی دیده می‌شود.

جنگ در خلیج ریگا

دوشنبه ۲۲ اکتبر - آلمانها رسماً اعلام کرده‌اند که عملیات در خلیج ریگا به کلی تمام و روسها کلیه قوای بحری خود را به طرف شمال عقب رانده‌اند. پریشب طیاره‌های جنگی آلمان به سواحل انگلیس حمله برده‌اند. در مراجعت چهار عدد از آنها راه را گم کرده به فرانسه می‌روند و در آنجا به زمین می‌نشینند و از قرار معلوم یکی از آنها بدون عیب به دست دشمن می‌افتد.

پروگرام صلح کارگران

امروز پروگرام صلح کمیته کارگران و سربازان روسی را در جراید آلمان

اشاعه داده‌اند. این پروگرام شامل پانزده ماده است. در ماده دهم می‌گویند «استرداد حقوق ایران و یونان باید مسلم باشد». این نخستین ذکر مهمی است که راجع به ایران و استرداد حقوق ایران شده است. یکی از ملیون اظهار می‌داشت که اقدامات اینجانب در استکهلم در صدور این ماده به نفع ایران مؤثر بوده است.

ممتازالسلطنه و ابلاغیه

سه‌شنبه ۲۳ اکتبر - پیش از ظهر به سفارت ایران رفته آقای نواب را ملاقات کردم. مدتی بود که ایشان را ندیده بودم. قصوری از طرف اینجانب نبوده، این روزها بیشتر وقت مشغول نوشتن هستم و کار ایشان هم زیاد شده است. آقای ممتازالسلطنه وزیر مختار ایران در فرانسه نامه‌ای به ایشان نوشته از اقدامات نگارنده در استکهلم و به خصوص راجع به ابلاغیه که اشاعه داده شده تشکر و تمجید کرده است. از تهران هم از طرف وزیر امور خارجه اظهار تشکر و امیدواری شده است.

بیطرفی ایران

در خصوص نامه اخیر آلمانها راجع به حفظ بی‌طرفی ایران صحبت به میان آمد. آقای نواب نامه آلمانها را به اینجانب نشان دادند. در این نامه وزارت خارجه آلمان می‌نویسد که اگر روسها و انگلیسها ایران را تخلیه کنند و دیگر قوه نظامی از آنها در ایران نباشد از این طرف هیچ‌گونه تردیدی نباید در میان باشد. دولت آلمان فوراً اقدامات لازم به عمل آورده که قشون عثمانی اگر در ایران باشد خارج شود و بی‌طرفی ایران محفوظ بماند. همین موضوع از بدایت جنگ در تهران مورد مذاکره بوده، عثمانیها می‌گفتند اگر روسها ایران را تخلیه کنند آنها هیچ‌گونه اقدامی علیه ایران و نقض بی‌طرفی ایران نخواهند کرد. در آن وقت روسها و انگلیسها راضی

نمی‌شدند ایران را به حال خود بگذارند. حالا با تحولات اخیر مخصوصاً با تحولات سیاسی و اجتماعی که در روسیه صورت گرفته است معلوم نیست زمینه فکر روسها و انگلیسها چه باشد و این نامه آلمان در تهران چه اثری ببخشد. آیا روسها و انگلیسها حاضر خواهند بود دست از مداخله در کار ایران برداشته و ایران را به حال خود بگذارند؟ آتیۀ نزدیک این موضوع را معلوم خواهد نمود.

کمیته کارگران روسیه

امروز با دو سه نفر از سران ملیون ایران که در برلن هستند صحبت داشته، این آقایان عقیده‌مندند که موضوع تبلیغات را راجع به آتیۀ ایران با کمیته کارگران و سربازان که امروز در روسیه تقریباً مهم امور را در دست دارند باید ادامه داد. وانگهی آیا از طرف ما لازم نیست تشکری راجع به اعلامیۀ اخیر آنها که در آن از حفظ استقلال ایران دفاعی شده به عمل آید و یک تلگراف تشکری به آنها مخابره شود. قرار گذاشتیم این موضوع را در یک جلسه خصوصی از ملیون مطرح کرده هرچه رأی دادند عمل شود.

قزوینی و پورداود

چای عصر را منزل آقای میرزا محمدخان قزوینی صرف کردم. آقایان علوی و پورداود هم بودند. آقای پورداود کمتر با ایرانیهای مهاجر آمیزش دارد. آمیزش ایشان با آقای میرزا محمدخان قزوینی است که با هم در یک جا منزل دارند.

حمله فرانسه

فرانسویها امروز در حدود اسن به حمله بسیار سختی پرداخته و موفقیت محلی کمی هم حاصل کرده‌اند. چند روز است که سنگرهای جلوی آلمان را بمباران سختی کرده و مقداری از آنها را خراب کرده‌اند.

حملات آلمان

چهارشنبه ۲۴ اکتبر - امروز حملات مشترک آلمان و اتریش در فرونت ایتالیا شروع شده. امروز اول دفعه‌ای است که نیروی آلمان به کمک اتریش در این فرونت می‌جنگد. از قرار راپورتهایی که رسیده سنگرهای جلوی ایتالیا را گرفته و قشون آلمان و اتریش به طور رضایت‌بخشی پیش می‌روند. از قرار معلوم ایتالیاییها در این فرونت تنها هستند و کمکی از طرف متفقین به آنها نشده است. از قرار ابلاغیه فرانسویها در جنگ دیروز در فرونت اسن هفت هزار و پانصد اسیر به دست فرانسویها افتاده است و در یک محل قرب سه کیلومتر و نیم فرانسویها پیشروی کرده‌اند. از قرار معلوم فرانسویها و انگلیسها جدیت می‌نمایند که بلکه در این وقت فرونت آلمان را در فرانسه شکسته و به فتوحات کامل نائل شوند.

حمله فرانسه

پنجشنبه ۲۵ اکتبر - حملات آلمانها و اتریشیها در طرف ایتالیا به طور رضایت‌بخشی ادامه دارد. از قرار معلوم یکی از جنگهای بزرگ تاریخی در این فرونت صورت می‌گیرد. آلمانها و اتریشیها تدارکات بسیار برای سرکوبی ایتالیا دیده‌اند] و مطبوعات آلمان هم امیدواری بسیار به نتیجه این جنگها اظهار می‌دارند. نه تنها نتیجه نظامی بلکه فواید سیاسی [دارد] که برای انعقاد صلح مفید خواهد بود. اتفاقاً عضویت ایتالیا در اتحاد سه‌گانه آلمان و اتریش و ایتالیا چندان نتیجه مهمی برای آلمان به بار نیاورده. امروز هم که ایتالیا در طرف متفقین علیه آلمان می‌جنگد چندان سودی برای متفقین ظاهر نمی‌نماید. اگرچه در ظاهر یکی از دولی است که به نفع متحدین در جنگ قرار گرفته ولی همین شکستها باعث ضعف قوای متفقین می‌شود. حمله فرانسه در فرونت اسن ادامه دارد. آلمانها یک قسمت از سنگرهای خود را تخلیه کرده‌اند و فرانسویها در حال پیشروی هستند.

صدراعظم آلمان

موقعیت صدراعظم آلمان در مطبوعات سخت مطرح مذاکره است. از قرار معلوم صدراعظم عنقریب عوض خواهد شد. صدراعظم مذکور عجالتاً با اکثریت مجلس رایشتاگ طرفیت پیدا کرده، بدیهی است نخواهد توانست با نفوذ شخصی خود و با مخالفت مجلس رایشتاگ کاری از پیش ببرد. از همان اول معلوم بود دوره صدارتش طولانی نخواهد بود. از قراری که مخالفین او می‌گویند او کاملاً تحت نفوذ نظامیان می‌باشد و از خودش سیاستی ندارد. بدین ترتیب اکثریت مجلس به خصوص قسمت سوسیالیستها علیه او مشغول اقدامات شده‌اند. از قرار انتشار روزنامه‌جات احتمال دارد در آتیۀ نزدیک سلطان عثمانی یک سفر کوتاهی به آلمان برای بازدید امپراتور آلمان بیاید.

حملات آلمان و اتریش

جمعه ۲۶ اکتبر - حملات آلمان و اتریش در فرونت ایتالیا با جدیت ادامه دارد. در این دو روز اخیر متجاوز از چهل هزار اسیر و سیصد عراده توپ به دست آلمانها افتاده است و تقریباً قشون دوم ایتالیا به کلی شکست خورده و از میدان خارج شده است. جنگ تمام شب و روز ادامه دارد. امروز مجدداً انگلیسها و فرانسویها در طرف فلاندر به حملات سخت پرداخته‌اند] ولی طبق ابلاغیه آلمان کار مهمی از پیش نبرده‌اند. حملات فرانسویها در فرونت اسن و اواز عجالتاً متوقف شده است. از طرف روسیه خبر مهمی اخیراً منتشر نشده است.

فرونت ایتالیا

شنبه ۲۷ اکتبر - حملات آلمان و اتریش در فرونت ایتالیا در نهایت شدت ادامه دارد. عده اسرای ایتالیایی به صد هزار و عده مهمات به هفتصد

توپ بالغ شده است. فرونت ایتالیا به کلی شکافته و قشون دوم ایتالیا به کلی منهزم گشته هر لحظه بر عده اسرا و مقدار غنایم جنگی افزوده می شود، اثر سیاسی فوق العاده ای پیدا کرده است. متفقین غفلتاً چشم خود را باز کرده فرونت ایتالیا را که یکی از فرونتهای مهم آنها است شکافته [اند] و قشون آلمان و اتریش را در داخله ایتالیا نظاره می کنند. اوضاع ایتالیا قبلاً چندان آرام نبود. سوسیالیستهای ایتالیا که پیوسته بر عده خود در اطراف آن مملکت می افزایند دست به تبلیغات شدید علیه جنگ زده [اند] و برای انعقاد صلح کوشش می کنند. حالا دیگر این شکست بر فعالیت آنها افزوده، یقیناً اوضاع متفقین را آشفتہ تر خواهد کرد و احتمال دارد انقلابات در بعضی جاها شروع شود. امروز در ابلاغیه آلمان و اتریش گفته شده که این حمله به سرپرستی عالی اعلیحضرت امپراتور اتریش به وقوع پیوسته [است] و خود امپراتور در جلوی جبهه جنگ می باشد.

پسر فطن الملک

بعد از ظهر آقای علوی به منزل اینجانب آمد. جای را در اینجا صرف کردیم. طبق گفته ایشان آقای [عزت الله] هدایت پسر بزرگ آقای فطن الملک را برای گذاشتن در مدرسه و شروع به تحصیل به داخله آلمان برده [است] و چند روزی در خارج از برلن خواهد بود.

شیخ عبدالعزیز

بعد از شام به منزل فن ویزندونگ برای ملاقات شیخ عبدالعزیز شریشی دعوت داشتم. جمعی از مستشرقین آلمانی در آنجا بودند. شیخ عبدالعزیز برای رفتن به استکهلم و کنفرانس سوسیالیستها به برلن آمده ولی به قول خودش چون بروگرامی در کار آنها نبوده همان طور به تعویق

افتاده تا آنکه از قرار معلوم به کلی از میان رفته است. ولی در مأموریت شیخ عبدالعزیز تغییری حاصل نشده. می گفت خوب است با جمعی از ملیون ایران بنشینیم و مذاکره کنیم آیا ما چه باید بکنیم و چه پروگرامی را تعقیب کنیم. هفت هشت نفر از همکاران او قبلاً به استکهلم رفته [اند] و شیخ عبدالعزیز هم می خواهد با حمزه بیک هر چه زودتر به استکهلم برود.

شاگردان ایرانی

فن ویزندونگ می گفت با وزارت خارجه آلمان مذاکره کرده که یک عده از شاگردان ایرانی تحت توجه وزارت خارجه در اینجا به تحصیل مشغول شوند و آن عده که تحصیلشان پایان یافته به فراگرفتن بعضی شعب فنون که در ایران خیلی مفید خواهد بود پردازند. به عقیده فن ویزندونگ خیلی پسندیده خواهد بود که هیئتی به نام هیئت سرپرستی مرکب از چند نفر عضو ایرانی و آلمانی تشکیل شود که تحصیل شاگردهای ایرانی را در آلمان تحت سرپرستی خود قرار دهند.

قیمت پول ایران

یکشنبه ۲۸ اکتبر - امروز صبح آقای نواب تلفن کردند که بد نیست همدیگر را ملاقات و صحبت کنیم. مقارن ظهر برای دیدن ایشان به سفارت رفتیم. چند نامه هم از ایران برای اینجانب آمده بود که آنها را وصول کردم. اوضاع تهران چندان بد نبوده، آزادیخواهان مشغول به تبلیغات می باشند. حاجی محتشم السلطنه اخیراً از وزارت مالیه کنار رفته و ممتازالدوله به جای ایشان برقرار شده است. از قرار معلوم عملیات روسها در طرف شمال ایران از آن حدت افتاده و کمتر مداخله در امور می نمایند. قیمت پول ایران هم اخیراً ترقی کرده و نسبت به ارز خارجی بالا رفته است. فعلاً صحبتی از تغییر کابینه نیست.

فرونت ایتالیا

حملات آلمانها و اتریشها در طرف ایتالیا ادامه دارد و طبق ابلاغیه‌های اخیر فرونت ایتالیا از شمال تا جنوب درهم شکسته شده است. بحران کابینه هم در ایتالیا مزید بر علت شده است. در آلمان بحران دولت به واسطه استعفای صدراعظم شروع [شده است] ولی هنوز تکلیف صدراعظم مستعفی [معین] نیست.

ایتالیاییها

دوشنبه ۲۹ اکتبر - نامه‌های تهران را جواب نوشته به توسط آقای نواب فرستادم. حملات آلمانها و اتریشها با سرعت ادامه دارد. مطبوعات آلمان امیدواری زیاد از این فتوحات اظهار می‌دارند. نیک‌بینان چنین عقیده دارند که این حمله به کلی رشته امور ایتالیا را از هم گسیخته و بعد نوبت به فرانسه خواهد رسید و آنچه را که قشون آلمان و اتریش جواب نداده انقلاب داخلی ایتالیا انجام خواهد داد. مدتی است ایتالیاییها از جنگ خسته شده‌اند و تنها یک شکست سخت لازم بود که کار را تمام کند. ایتالیا برای متفقین روسیه دوم خواهد بود؛ نه تنها فایده‌ای نخواهد داشت بلکه ضرر مادی و معنوی هم دارا خواهد بود. در هر صورت شکست ایتالیا اوضاع جنگ را از نظر متحدین روشن کرده است. پارتیهای نظامی در این دول طبیعتاً نیرو گرفته [اند] نایره جنگ بیشتر شعله‌ور خواهد شد. انگلیس و فرانسه از قرار معلوم شروع به فرستادن کمک برای ایتالیا نموده و انگلیسها رسماً اعلان کرده‌اند که حاضرند حتی القوه کمک نظامی از هر قبیل برای ایتالیا بفرستند. دیروز باز فرانسویها و انگلیسها حملات سختی در فرونت فلاندر شروع کرده ولی به مظفریتی نایل نیامده‌اند.

نامه نویسی

سه شنبه ۳۰ اکتبر - پیش از ظهر نامه‌هایی به آقای نظام السلطنه و چند نفر

دیگر به استانبول نوشته و نامه‌ای هم به ماژور حبیب‌الله خان در جواب نامه ایشان نوشته، این نامه‌ها را مانند همیشه توسط سفارت کبری عثمانی فرستادم. ادهم بیک را ملاقات کردم، می‌گفت سفیر کبیر حقی پاشا روز دوشنبه به برلن مراجعت خواهد کرد. حملات آلمان و اتریش در ایتالیا با وجود سختی زمین و بدی هوا به خوبی جلو می‌رود. قشون متحدین به رودخانه تاگلیامنتو رسیده‌اند.

وکالت تهران

عصر آقای نواب تلفن کرده قرار شد اول شب همدیگر را ملاقات کنیم. کمی پس از شام به سفارت رفته ایشان را ملاقات کردم. می‌گفت در روزنامه تهران مقاله مفصلی راجع به وکالت اینجانب خوانده [است] که جمعی نگارنده را برای وکالت تهران کاندید کرده‌اند. آقای نواب متعجب بود که چرا ایشان را برای وکالت اسم نبرده‌اند. باز راجع به کنفرانس سوسیالیستها مذاکراتی به میان آمد. ایشان نظرشان این است که این موضوع نباید فراموش شود و هر جا و در هر وقت که این کنفرانس منعقد شود [باید] در آنجا حاضر باشیم.

چاپ یادداشتها

چهارشنبه ۳۱ اکتبر - بعد از ظهر موسیو بک از اداره انطباعات آلمان به منزل اینجانب آمده و چای را اینجا صرف و مدتی با هم صحبت کردیم. راجع به یادداشت‌های مسافرت اینجانب صحبت شد. می‌گفت جای افسوس است که تا به حال آن را به طبع نرسانده [ام]. خوب است اول یادداشتها را به زبان فارسی طبع کرده و بعد ترجمه آن را به زبان آلمانی انتشار دهند. می‌گفت خوب است در این باب با هر مولر مدیر «شرق جدید» صحبت کرده قراری در این باب بگذارد. او حاضر خواهد بود

اصل و ترجمه آن را به مسئولیت دولت آلمان به طبع برساند. می گفت در هر صورت با او صحبت خواهد کرد و قراری با او خواهد گذاشت زیرا افسوس است که این کار فرهنگی و سیاسی به عهده تعویق بیفتد.

دعوت نادولنی

امروز نادولنی که تازه از طرف مشرق وارد شده من را به منزل خود به جای دعوت کرد. طرف عصر آقای هدایت به منزل اینجانب آمد و شام را با هم صرف کردیم. پریشب از سفر داخل آلمان برگشته و برای پسر فطن الملک مدرسه و وسایل تحصیل فراهم کرده است.

وضع جنگ

پنجشنبه ۱ نوامبر ۱۹۱۷ - دیروز در حدود تاگلیامنتو در شرق ایتالیا جنگ سختی به وقوع پیوسته، ایتالیاییها به کلی هزیمت یافته و شصت هزار نفر از آنها تسلیم قشون متحدین گشته و چند عراده توپ به غنیمت داده اند. عده اسرای ایتالیایی که به دست متحدین افتاده به یک صد و هشتاد هزار، عده توپ به یک هزار و پانصد رسیده. برای این فتوحات امپراتور آلمان امروز امر افراشتن بیرق بر فراز عمارات دولتی و زدن توپ در پروس و آلتاس و لرن صادر کرده است. از قرار معلوم کار بر ایتالیاییها خیلی سخت شده است و مشکل بتوانند خودشان را حفظ کنند. امید داشتند در کنار همین رودخانه بتوانند جبهه مستحکمی برای خودشان ایجاد کنند، حالا دیگر پس از این شکست و افتادن این رودخانه به دست متحدین احتمال کلی دارد ایالت ونیز و بلکه تمام قطعات لمباردی از تصرف ایتالیاییها به در رود. همه نوع احتمال به سستی ایتالیاییها ممکن است فرض شود.

وضع ایتالیا

این فتح دیروز به توسط قشون آلمان انجام گرفته، اگرچه اول آلمانها از

شمال حمله کرده بعد قشون اتریش از جنوب می رسد و از دو طرف دشمن را احاطه و مجبور به تسلیم می کنند. گفته می شود که قشون و مهمات مدام از فرانسه به کمک ایتالیا می رسد ولی معلوم نیست با این وضع برای ایتالیا چه فایده داشته باشد، آیا بتوانند ایتالیا را حفظ کنند؟ آتیه نزدیک نشان خواهد داد. قوه ای که نتواند سنگرهای کوهی را حفظ کند و استحکامات خود را بر فراز کوههای صعب العبور از دست بدهد یقیناً در جلگه صاف در مقابل دشمن قوی تاب مقاومت نخواهد داشت.

حکومت آلمان

امروز هوا قدری بهتر ولی سرد [بود] و چندان مطبوع نیست. بحران صدارت آلمان هنوز ادامه دارد. میکائلیس مستعفی و مقام صدارت آلمان به هرتلینگ رئیس الوزرا بایر که سیاس نیرومندی است تکلیف شد. او هم قبل از اینکه قبول و یا رد کند قرار گذاشته با رؤسای فراکسیونهای رایشتاگ مذاکره نموده، تصمیمی در این باره اتخاذ نماید. از قراری که همین امروز گفته شده این کار را به انجام رسانده [است] و مقام صدارت را قبول خواهد نمود. احزاب مرکزی و دست راست با او موافقت کرده ولی سوسیالیستها و احزاب دست چپ با او همراهی ندارند. یقیناً فتوحات ایتالیا تصمیم او را تسریع خواهد کرد. سیاستمدار مزبور خودش مدتی نماینده رایشتاگ و جزو وکلای مرکز بوده، در سیاست هم معتدل می باشد. هفتاد و چهار سال سن دارد، مرد فیلسوف و با علمی است.

تشکیلی و ضد تشکیلی

بعد از ظهر آقای علوی به منزل نگارنده آمد و چای را با هم صرف کردیم. از قرار گفته ایشان دموکراتهای تهران دو دسته شده، دسته ای خود را

تشکیلیون [می نامند] و دسته دیگر ضد آنها می باشند. دسته اخیر برای وکالت شاهزاده سلیمان میرزا مشغول تبلیغات می باشند. کاندیداهای آنها تمام از همان رفقای خالص شاهزاده می باشند. تشکیلیون اسم نگارنده را در میان کاندیداهای گذاشته اند.

عقب نشینی ایتالیا

جمعه ۲ نوامبر - دیروز و امروز به واسطه فتوحات در ایتالیا عمارات را تزیین بسته و چراغانی کرده اند. در شرق رود تاگلیامنتو دیگر قشون ایتالیایی وجود ندارد. تمام قوای ایتالیا به طرف مغرب این رودخانه عقب نشینی کرده است. روزنامهجات متفقین مقالات مفصل راجع به ایتالیا و جنگهای این فرونت نوشته ایتالیاییها را تشجیع می کنند که عنقریب قوای فرانسه و انگلیس و هر چقدر که لازم باشد بدان صوب اعزام [می شوند] و قشون متحدین را از جلو برخواهند داشت.

وکالت نواب

امروز بعد از ظهر با آقای علوی به منزل قاضی رفتیم. امروز تلگرافی از تهران از وزارت خارجه برای آقای نواب رسیده. در این تلگراف جمعی از ملیون و آزادیخواهان را نام برده که در انتخابات تهران موفق شده اند و آقای نواب هم جزو آنها است. از آقای نواب تقاضا شده که آیا وکالت را قبول و یا رد خواهد کرد. اگر استعفا دهد آقاسید حسین اردبیلی وکیل خواهد شد. از قرار معلوم پنج نفر از کاندیداهای شاهزاده سلیمان میرزا در این انتخابات موفقیت پیدا کرده اند.

جنگ در ایتالیا

شنبه ۳ نوامبر - دو روز است جنگ در طرف ایتالیا تخفیف یافته و هر دو

طرف در کنار رودخانه تاگلیامنتو صف آرایی می کنند. احتمال کلی دارد همین دو روزه جنگ سخت قاطعی در ساحل همین رودخانه درگیرد. دیشب آلمانها از هوا به لندن و سواحل جنوبی انگلیس حمله کرده و طبق راپرت خودشان تلفات سنگینی به انگلیسها وارد نموده اند.

نامه شیبانی

امروز نامه ای از میرزا حبیب الله خان شیبانی دریافت کرده در جوف آن نامه ای به مازور ابوالحسن خان نوشته است. میرزا قاسم خان بیچاره مریض و تحت عمل جراحی قرار گرفته است.

استعفا نواب

یکشنبه ۴ نوامبر - امروز پیش از ظهر با آقای علوی با هم بودیم و بعد از ظهر به منزل موسیو نادولنی که در خارج شهر است رفتیم. خودش در وزارت خارجه گرفتار شده و در موعد معین به منزل نیامده، خانمش از مهمانان پذیرایی می کرد. آقای نواب و خانمش هم بودند تا ساعت هفت منزل نادولنی بودیم که نیامد، بعد برگشته پس از صرف شام در خارج به منزل مراجعت کردم. آقای نواب شرحی راجع به انتخابات تهران اظهار کرد و از قرار معلوم از این انتخاب استعفا خواهد داد.

وضع ایتالیا

دوشنبه ۵ نوامبر - دو روز است هوا معتدل و بهتر شده است. جنگ در حدود تاگلیامنتو بالا گرفته و از قرار راپرت رسیده ایتالیاییها از سواحل غربی این رودخانه هم مشغول عقب نشینی هستند. از قرار راپرت روزنامهجات متفقین صدراعظم های انگلیس و فرانسه برای مذاکره با دولت ایتالیا به رم رفته اند. متفقین از پیشرفت قوای آلمان و اتریش در

ایتالیا به تزلزل افتاده در خیال نقشه جدید برای حفظ حیثیت و قوای خود افتاده‌اند و برای این موضوع به رم رفته که جلوگیری از پیشرفت متحدین بنمایند.

باز دربارهٔ ایتالیا

سه‌شنبه ۶ نوامبر - طبق آخرین خبر قوای ایتالیا در فرونت تاگلیامنتو به کلی شکست خورده و در حال فرار می‌باشند. اوضاع ایتالیا سخت پریشان شده. از قرار معلوم دیگر نخواهند توانست در ایالت ونیز یعنی در آن قسمت تنگی که میان دریا و جبال سرحدی اتریش واقع است پایداری کنند. قشون متحدین از رودخانه تاگلیامنتو گذشته به سرعت مشغول تعقیب دشمن هستند.

سلیمان میرزا و رفقای او

پیش از ظهر مدتی با آقای علوی بودم، از تبلیغات و فعالیت رفقای خودمان در تهران صحبت در میان بود. از سلیمان میرزا و رفقا و موفقیت دموکراتها در تهران تمجید می‌کرد. پر واضح است که فعالیت و کوشش بالاخره به نتیجهٔ مطلوبه می‌رسد.

کنفرانس شرقی

بعد از ظهر جای را با حمزه بیک در ادارهٔ عالم اسلامی صرف کردم. شیخ عبدالعزیز شریشی چند روز است به استکهلم رفته، حمزه بیک هم پس فردا حرکت می‌کند. حمزه بیک صحبت از انعقاد یک کنفرانس شرقی اسلامی در برلن می‌نمود، می‌گفت جمعی هواخواه چنین کنفرانسی می‌باشند و پس از مراجعت از استکهلم جداً در این موضوع مذاکرات به عمل خواهند آورد.

در پترزبورگ

چهارشنبه ۷ نوامبر - قشون متحدین در ایتالیا مشغول پیشروی هستند و ایتالیاییها به عجلهٔ هر چه تمامتر فرار می‌کنند. در پترزبورگ نزاع میان دسته‌های ماکسیمالیست و دولت شروع شده در معابر سنگربندی شده و دو طرف در حال مدافعه می‌باشند. از قرار معلوم دسته کارگران تقویت یافته احتمال کلی دارد که حکومت فعلی را از میان برداشته حکومتی تازه به میل خود برقرار نمایند.

مهاجرین ایرانی

پنجشنبه ۸ نوامبر - امروز کاغذی به آقای نظام السلطنه به استانبول نوشته و از ایشان راجع به حال مهاجرین استفسار کردم. از قرار مسموع عده‌ای از مهاجرین از طریق کردستان به ایران مراجعت کرده‌اند ولی معلوم نیست آیا به ایران رسیده‌اند] و فعلاً در کجا هستند.

پیروزی بلشویکها

انقلاب پترزبورگ رو به شدت گذاشته، دو طرف به زدو خورد سخت افتاده ولی طبق آخرین خبر بلشویکها در حال فتح و پیروزی می‌باشند. حمله متحدین در ایتالیا حال پیشرفت است و ایتالیاییها در حال فرار می‌باشند.

وضع لنین

جمعه ۹ نوامبر - انقلاب پترزبورگ تقریباً به نفع بلشویکها پایان یافته. کرنسکی فرار کرده]، و سایر وزرا دستگیر شده‌اند]. عجالتاً حکومت به دست لنین سردهسته بلشویکها و آزادیخواهان افراطی روسیه افتاده و او هم بیان‌نامه‌ای انتشار داده [است] وعدهٔ صلح به دنیا می‌دهد و صراحتاً

اعلام داشته که باید از خونریزی اجتناب نمود و راه را برای آزادی بسط [داد] و صاف نمود. دوره دیکتاتوری و مظلوم‌کشی به پایان رسیده، اشرافیت باید از میان برداشته شود و امور به کارگران و زحمتکشان محول گردد. نیروهای دریایی روسیه در بالتیک و ساخلوی پترزبورگ به حمایت انقلابیون بلشویک قیام کرده‌اند.

وضع ایتالیا

نیروی متحدین از خط لیونزا گذشته به سرعت به طرف مغرب رود پیاوه می‌روند از طرف جبال شمال شرقی و شمالی هم فرونت ایتالیا شکسته شده زیر فشار متحدین واقع گشته‌اند. کادونا سپهسالار قشون ایتالیا از کار برکنار [شده] و ژنرال دیاز جای او را گرفته است. کنفرانس صدراعظم‌های انگلیس و فرانسه در رم پایان یافته قطع کرده‌اند تمام متفقین از فرونت ایتالیا مدافعه بکنند. انگلیسها در فرونت مصر به فتحی نایل شده غزه را تصرف کرده‌اند. از قرار معلوم قشون عثمانی از تمام این طرف عقب‌نشینی اختیار کرده است.

وضع آشفته روسیه

شنبه ۱۰ نوامبر - وقایع پترزبورگ پیوسته امور روسیه را آشفته می‌گرداند. روزنامه‌جات متفقین وحشت فوق‌العاده از وقایع روسیه اظهار [می‌کنند] و دیگر تقریباً کمکی از این طرف [نمی‌رسد] و از روسیه فعلی مایوس هستند. از قرار اخباری که از استکهلم رسیده سفیر انگلیس از پترزبورگ حرکت کرده و دو ترن مخصوص برای انگلیسها که از روسیه حرکت کرده از راه استکهلم به انگلیس می‌روند تخصیص داده‌اند. سفرای متفقین طبق خبر روتر جلسه‌ای تشکیل داده راجع به حفظ اتباع خود در روسیه مذاکره کرده‌اند. پیوسته آتش انقلاب در داخل روسیه شدیدتر می‌شود و

به خصوص اتباع متفقین که در روسیه هستند و برای ادامه جنگ تبلیغات می‌کنند در خطر واقع شده‌اند.

سرپرستی دانشجویان

بعد از ظهر آقایان علوی و قزوینی به منزل اینجانب آمدند. از قرار گفته ایشان کمیته‌ای در اینجا برای سرپرستی شاگردان ایرانی که در آلمان هستند در حال تشکیل است. عجلتاً کاظم‌زاده و پسرهای آقای تربیت و کسان میرزاسلیمان خان و فطن‌الملک هیئت [سرپرستی] شاگردان را تشکیل می‌دهند. گویا به آقای نواب ریاست افتخاری این کمیسیون تکلیف شده [است] ولی ایشان از قبول آن استنکاف کرده‌اند.

قوای متحدین به قسمت پایین رود پیاوه رسیده‌اند، در قسمت کوهها هم تعاقب قشون شکست خورده ایتالیا ادامه دارد.

وضع جنگ

یکشنبه ۱۱ نوامبر - هوا در این چند روزه خوب و ملایم است. اتریشها دیروز شهر آریاگو را تصرف کرده‌اند. اگر قشون آلمان و اتریش از این نقطه پیش بروند می‌توانند به خوبی خط عقب‌نشینی چهار قسمت قشون ایتالیا را ببرند. از آریاگو تا دریا به خط مستقیم پیش از هفتاد کیلومتر نیست و احتمال کلی دارد متحدین از این نقطه حملات جدیدی برای بستن راه عقب‌نشینی قشون متفقین آغاز کنند. در این دو روزه روزنامه‌جات اخبار بسیار از روسیه اشاعه می‌دهند؛ تمام وزرای روسیه را در قصر دولتی حبس کرده‌اند. ولی کرنسکی فرار کرده و هنوز توانسته‌اند او را پیدا کنند.

شکایت از گرانی زندگی

مقارن ظهر منزل آقای علوی رفته آقای میرزامحمدخان قزوینی هم بودند.

هر دو از روزگار و پیشامدهای نامطبوع شکایت دارند. طرف عصر آقای نوری که همین امروز از جنوب آلمان برگشته به دیدن من آمد. چای را با هم صرف و مدتی با هم صحبت می کردیم. از قرار معلوم در باویر زندگی بهتر از پروس و آذوقه در آنجا بیشتر است، ولی قیمت در جنوب آلمان گرانتر از این طرف آلمان است. در این طرف مملکت به واسطه کنترل سخت دولت آذوقه کم [است] و به کلی از روی میزان معین تقسیم می شود و قیمت هم کاملاً تحت نظر دولت است. مثلاً کره از روی کارت جیره بندی هر فوندی سه مارک و هفتاد [است] ولی مخفیانه تا بیست مارک هم خرید و فروش می شود. گوشت با کارت سه مارک ولی در بازار سیاه تا فوندی ده مارک خرید و فروش می شود. میوه مدتی است که در برلن یافت نمی شود ولی در طرف جنوب به فوندی نیم مارک معامله می شود. قهوه و چای هم گویا در آنجا بیش از طرف برلن به دست می آید. حالا در برلن چای اگر پیدا بشود تا گروانکه ای صد مارک خرید و فروش می شود. در بعضی مغازه های اینجا چای آلمانی دارند که مرکب است از برگ چندین درخت که نه در صورت و نه در طعم شباهت به چای ندارد. اخیراً در برلن شیر قدری زیادتر شده گویا از ورشو می آورند و فوندی ده مارک خرید و فروش می شود. سبزی هم تقریباً نایاب شده، اسفناج تا فوندی پنج مارک به زحمت به دست می آید.

جنگ در ایتالیا

دوشنبه ۱۲ نوامبر - جنگ در طرف ایتالیا نقشه عمیقی را نشان می دهد؛ قشون آلمان و اتریش در اول از طرف ایسونزو حمله کرده و پس از شکافتن خط دفاعی دشمن خودشان را به رود پیاوه رسانده، در اینجا متوقف شده و از طرف دیگر دسته های قشون آنها از کوه های شمالی ونیز و قسمت شمال شرقی لمباردی حمله کرده به طرف جنوب سرازیر می شوند. بدین ترتیب راه عقب نشینی را می خواهند ببندند و احتمال کلی

دارد که در این نقشه موفقیت پیدا کنند و اگر موفق شدند معلوم نیست وضع ایتالیا چه خواهد شد. در پترزبورگ زدو خورد میان بلشویکها و طرفداران حکومت موقتی سابق شروع شده است. کرنسکی از پترزبورگ فرار کرده و خود را به جای امنی رسانده و عده ای را دور خود جمع کرده، به طرف پترزبورگ در حال برگشتن است.

نقشه آلمان و اتریش

سه شنبه ۱۳ نوامبر - نقشه آلمان و اتریش طبق آخرین خبر از ایتالیا در حال پیشرفت است. قشون شمالی متحدین به سرعت به طرف جنوب در حال پیشرفت می باشند. آخرین خبر از روسیه مشعر بر این است که کرنسکی خود را به نزدیک پترزبورگ رسانیده [است] و کارگران و سربازان در آن شهر در حال مدافعه و جلوگیری از او می باشند.

عقیده پورداود

بعد از ظهر با آقایان میرزا محمد خان قزوینی و علوی و حاجی رحیم آقا قزوینی در منزل آقای پورداود چای صرف کردیم. باز ایشان مانند سابق از مخالفت ایرانیها با یکدیگر شکایت داشت و اظهار می داشت که با این اختلاف عقیده چطور می توان یک نقشه مهمی را آن هم برای حفظ استقلال و تمامیت کشور به موفقیت رسانید. ولی خوب بدیهی است با این پیشامدهای ناگوار، اختلاف عقیده و سلیقه خود را نمایان می کند. این بیچارگان با امیدواری کامل میهن خود را ترک کرده [اند] و پیوسته دچار ناملایمات که طبیعتاً اعصاب را سست می کند بوده اند و اگر اختلافاتی میان آنها ظاهر شود چندان باعث تعجب نخواهد بود.

جنگ در پترزبورگ

چهارشنبه ۱۴ نوامبر - طبق آخرین خبر که امروز پیش از ظهر رسید جنگ

سختی در میان قشون کرنسکی و پیروان بلشویک در خارج شهر پترزبورگ در جریان است، از قرار معلوم هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است و زدوخورده ادامه دارد.

نطق لوید جرج

لوید جرج که اخیراً در پاریس در ضمن نطقی روش قدیم خودشان را تنقید کرده است مورد حملات سخت روزنامه‌جات انگلیسی و پیروان اسکویث واقع شده است. پینلو صدراعظم فرانسه هم در مجلس ملی به اقلیت افتاده و استعفا داده است. عملیات آلمان و اتریش در ایتالیا به خوبی ادامه دارد. ایتالیاییها در ساحل یمین رود پیاوه مقاومت می‌کنند ولی در طرف شمال با سرعت از جلوی قشون متحدین عقب‌نشینی می‌نمایند.

مهاجرین و بیطرفی

پنجشنبه ۱۵ نوامبر - امروز صبح نامه‌ای از آقای نظام‌السلطنه از استانبول به توسط سفارت کبرای عثمانی واصل کردم. در این نامه آقای نظام‌السلطنه می‌گوید از تهران تلگرافی به توسط سفارت کبرای ایران در استانبول رسیده به شرح اینکه چون در این اوان قشون روس از ایران خارج می‌شود و دیگر مانعی در میان نیست خوب است مهاجرین دیگر در خارج نمانده به ایران مراجعت کنند که مخالف با بی‌طرفی دولت ایران نباشد. از قرار معلوم فرستادن این تلگراف نتیجه اقدامات انگلیسها می‌باشد، والا اقامت یک عده از ایرانیان در این موقع در خارج ایران لطمه‌ای به بی‌طرفی ایران وارد نخواهد کرد.

روسیه - ایتالیا

آخرین خبر از روسیه مشعر بر این است که زدوخورده میان طرفین هنوز

ادامه داشته و به نتیجه قطعی نرسیده است. محاربه بسیار سختی میان قشون آلمان و اتریش و قشون ایتالیا در شمال رود پیاوه شروع شده و به نتیجه قطعی نرسیده است.

بعد از ظهر چای را در سفارت ایران صرف کردم. چند نفر از ملیون هم در آنجا بودند. فن ویزندونگ هم برای ملاقات آقای نواب آمد. می‌گفت خوب است روز یکشنبه چای را در منزل او صرف کنیم.

فاتح شدن لنین

جمعه ۱۶ نوامبر - امروز خبر رسیده که دسته لنین فاتح [شده‌اند] و قشون کرنسکی شکست سخت خورده است ولی هنوز جزئیات این واقعه معلوم نیست. مردم با کمال بی‌صبری منتظر اخبار جدیدی از این طرف می‌باشند. طبق آخرین خبر محاربه در جبال شمال رود پیاوه هنوز به سختی ادامه دارد.

دیدار قاضی

بعد از ظهر آقای نوری به منزل اینجانب آمد و پس از آن متفقاً به ملاقات آقای قاضی که مبتلا به تب نوبه شده است رفتیم. آقای قاضی این ناخوشی موذی را از ایران همراه خود آورده و هر سال و به خصوص در این فصل مبتلا به آن می‌شود. هرچه هم معالجه کرده تا به حال بی‌اثر مانده است.

روزنامه‌های تهران

بعد از شام با آقای نواب مدتی مشغول صحبت بودیم. چند نسخه از روزنامه‌جات تهران برای ایشان رسیده [بود] که در آنها اعلامیه ما را که در استکهلم اشاعه شده ترجمه و درج و شرحی از این تبلیغات و خدمات برای حفظ استقلال و تمامیت ایران تمجید کرده‌اند.

تشکیلیون

نیز شرحی از اختلافاتی که میان آزادیخواهان تهران پدید آمده درج کرده و نیز کمیته‌ای به نام تشکیلیون تأسیس شده است. از قرار نوشته یکی از این روزنامه‌جات آقای شیخ الرئیس هم اخیراً جزو دموکراتها نام‌نویسی کرده‌اند.

رسمیت لنین

شنبه ۱۷ نوامبر - دسته لنین در پترزبورگ موفقیت کامل حاصل نموده و از قرار معلوم متفقین تا به حال رسمیت لنین را نشناخته‌اند و از قرار مندرجات روزنامه‌جات آنها مخالفت سخت با تشکیل دولت بلشویکی خواهند داشت تا نتیجه چه شود.

مراجعت به ایران

پیش از ظهر آقای علوی به ملاقات اینجانب آمد و ناهار را با هم صرف کردیم. از قرار گفته ایشان چند نفر از ملیون که فعلاً در برلن هستند در صدد مراجعت به استانبول و بلکه ایران می‌باشند ولی تحصیل جواز و تسهیلات مسافرت به زودی و به سهولت میسر نیست.

حکومت روسیه

یکشنبه ۱۸ نوامبر - دیروز دسته‌ای از نیروی دریایی انگلیس به نزدیکی سواحل آلمان آمده ولی پس از مختصر جنگی عقب کشیده‌اند. آلمانها تلفاتی در این زدوخورده نداشته‌اند. اوضاع روسیه سخت تاریک است. در اینکه کرنسکی شکست سختی خورده و یک حکومت سوسیالیستی بلشویکی در پترزبورگ تأسیس شده است جای شک نیست ولی آیا این حکومت بلشویکی در داخل روسیه موفقیت و رسمیت پیدا خواهد کرد و

در رأس دولت روسیه قرار خواهد گرفت هنوز معلوم نیست. باید منتظر آتیه باشیم.

جنگ در ایتالیا

جنگ در طرف ایتالیا به همان سختی ادامه دارد. ولی معلوم نیست به چه علت متحدین آن موفقیتی را که پیش‌بینی می‌شد به دست نیاورده‌اند. آیا متفقین به کمک ایتالیا آمده و در مدافعه سخت ایستادگی کرده‌اند هنوز معلوم نیست. عجبالتاً طرفین بر قوای خود افزوده و در محاربه سختی شرکت کرده‌اند

اخبار روسیه

دوشنبه ۱۹ نوامبر - طبق آخرین خبر حملات متحدین در ایتالیا کمی آرامتر شده. از قرار معلوم قوای کمکی و فرانسه به محل محاربه رسیده و بر ایستادگی قشون ایتالیا افزوده‌اند. وانگهی فرونت ایتالیا حالا بسیار کوتاه شده طرفین می‌توانند به خوبی نیروهای خود را در محل محاربه تمرکز دهند. کرنسکی قطعاً شکست خورده و مجدداً خود را مدعی کرده است. عجبالتاً بلشویکها در پترزبورگ و مسکو قدرت دولت را در دست دارند ولی در داخل روسیه زدوخورده میان دسته‌جات مختلف شدت یافته و بی‌نظمی در همه جا حکمفرما است.

حمله انگلیس

سه‌شنبه ۲۰ تا شنبه ۲۴ نوامبر - انگلیسها حمله تازه‌ای در حدود کامبرای شروع کرده‌اند. در همان ساعات اول خوب پیشرفت کرده ولی بعد آلمانها به مقاومت پرداخته تا حدی جلوگیری از پیشرفت انگلیسها کرده‌اند. از قرار اخبار آلمانها تلفات انگلیسها در این حمله زیاد بوده ولی این دفعه

پیشرفت زیادتری نصیب آنها شده و در بعضی نقاط هفت تا هشت کیلومتر جلو آمده [اند]. تلفات آلمانها هم زیاد است.

دستور بلشویکها

حکومت بلشویک که در پترزبورگ مستقر گردیده است روز بیستم نوامبر فرمانی به فرمانده کل قشون روس صادر نمود که با فرماندهان آلمان و اتریش متارکه جنگ را در میان آورد به مذاکرات صلح پردازد. فرماندار قشون روس از این دستور اطاعت نکرده بدین عمل اقدام نمی کند. حکومت بلشویک هم فرماندار قشون را معزول و یک نفر دیگر را به جای او منصوب می نماید. حال معلوم نیست که این فرماندار معزول هواخواهانی دارد که ایستادگی نماید یا اینکه اطاعت کرده کنار خواهد کشید. از قرار اخبار واصله بلشویکها هر روز بر نیرو و عده خود افزوده از پیشرفت نیات خود مطمئن می باشند و دیگر چون قشون روس فرسوده شده و حاضر به جنگ نیست تمایل به اصلاح و ترک مخاصمه یقیناً در روسیه اکثریت دارد و احتمال قوی می رود که بلشویکها به تصمیم خود در انعقاد صلح جداگانه با متحدین موفق شوند. در اینکه احساسات در روسیه علیه متفقین زیاد و پیوسته در تزايد است شکی نیست. مردم از جان خود به تنگ آمده اند. هنوز متفقین روابط مستقیم با حکومت بلشویک پترزبورگ ایجاد نکرده اند و مطبوعات آنها پیوسته بر لنین و پیرامون او حمله کرده آنها را خائن به مملکت خود و متفقین می خوانند.

اختلاف میان ایرانیان

از قراری که از چند نفر از آقایان مهاجرین و ملیون ایرانی مقیم برلن شنیده شده آلمانها بی میل نیستند این اختلافات از میان ایرانیان برطرف [شود] و آنها بی هم که در استانبول هستند به برلن آمده در اینجا اجتماع کنند و قبل

از مراجعت به ایران متفقاً تصمیمات راجع به آتیه بگیرند. آقای حمید خان پسر حاجی سیاح که داودخان پسر آقای مشیرالدوله و [نظام الدین امامی] پسر حاج امام جمعه خوئی را به اروپا آورده [است] که در اینجا به تحصیل پردازند به برلن وارد شده است. یکی دو دفعه مفصلاً با او صحبت کردم. از قرار گفته ایشان اختلافات میان آزادیخواهان در تهران بسیار زیاد [است] و کار به کشمکش افتاده است و در تهران چنین شهرت داده اند که مهاجرین دو دسته شده، دسته ای طرفدار عثمانی و دسته دیگر طرفدار آلمان [اند] و هیچ کدام آن طور که بایستی برای منافع کشور خود و حفظ استقلال مملکت کاری انجام نمی دهند.

حمله انگلیس

یکشنبه ۲۵ نوامبر - حمله انگلیسها در طرف مغرب ادامه دارد ولی پس از پیشرفتهایی که در لحظات اول داشته [اند] دیگر نتوانسته اند موفقیتی به دست آورند و بر عکس روز دوم و سوم آلمانها به حملات پرداخته و قسمتی از زمینهایی که از دست داده بودند دوباره متصرف شده اند. در طرف ایتالیا خبر مهمی اخیراً نرسیده یعنی متحدین به پیشرفتی نائل نشده اند و گویا دو طرف مشغول جمع آوری قوا می باشند.

نامه به فرزین

امروز نامه ای به استانبول به میرزا محمد علی خان کلوب نوشتم و خلاصه آنچه را که حمیدخان از تهران می گفت و اختلافاتی که میان آزادیخواهان در آنجا ایجاد شده است شرح دادم، تا آنجا که ممکن است بلکه از پیشامدهای سوء جلوگیری شود.

گرانی در تهران

بعد از ظهر آقای حمیدخان با میرزا داودخان پسر آقای مشیرالدوله و

[نظام‌الدین] پسر حاجی امام جمعه خوئی به منزل اینجانب آمدند و جای را با هم صرف کردیم. از تهران خیلی صحبت شد. به گفته آقای حمید خان بر اثر انقلابات روسیه آزادیخواهان در تهران نیروی تازه گرفته ولی متأسفانه اختلافات میان آنها جدایی انداخته [است] و بر ضد همدیگر کار می‌کنند. از گرانی تهران مردم شکایت زیاد دارند. گندم در تهران خرواری چهل تومان بوده و احتمال دارد در زمستان به دو برابر این بالغ شود. به هم چنین سایر چیزها ترقی کرده است.

بستگان میکده

دوشنبه ۲۶ نوامبر - امروز نخستین برف زمستان باریده هوا خیلی خوب سرد و زمستانی شده است. بعد از ظهر را با آقای نواب و آقای علوی و سه نفر از بستگان میرزا سلیمان خان میکده مدتی در خارج شهر گردش می‌کردیم. حضرات از گرانی و سختی زندگانی در استانبول شکایت زیاد دارند. از قرار گفته آنها آقایان میرزا محمدعلی خان کلوب و طباطبائی و چند نفر دیگر از راه جنوب روسیه به ایران خواهند رفت. این آقایان بستگان میرزا سلیمان خان با چهار نفر از بستگان تربیت و آقای کاظم‌زاده دو روز است به برلن وارد شده‌اند. اینها هم جزو پانزده نفر شاگردی می‌باشند که آلمانها نگاهداری آنها را متقبل شده‌اند.

تقسیم ایران

موضوع خیلی مهمی که از دیروز تا به حال مورد گفتگو در کلیه محافل قرار گرفته این است که حکومت بلشویک پطرزبورگ کلیه اوراق و قراردادهای و معاهدات سری دولت روس را به خصوص قراردادهای و معاهدات با متفقین را به دست آورده و شروع به انتشار آنها داده است. ارگان کمیته کارگران و سربازان قرار گذاشته [است] که تکه‌هایی از آنها را

انتشار دهد. در همان تکه‌ها که نخستین دفعه انتشار یافته مذاکره و قرارداد تقسیم کشور عثمانی و ایران بوده، مقاصد متفقین را راجع به وطن بیچاره ما ایران خوب واضح می‌نماید. عثمانی و ایران را به قطعات چندی تقسیم نموده و هر چند قطعه به یکی از متفقین وعده داده شده است.

تصرف بیت المقدس

سه‌شنبه ۲۷ نوامبر - امروز تا ظهر مشغول نامه‌نویسی بودم. نامه‌هایی به استانبول نوشته توسط سفارت عثمانی فرستادم. عصر را آقایان علوی و حمیدخان به منزل اینجانب آمدند و شب را هم با جمعی از آقایان شام صرف کردم. از آقای میرزا محمدخان قزوینی شنیدم که چند روز است انگلیسها بیت المقدس را تصرف کرده‌اند. این خبر به کلی تازه است و در روزنامه‌جات اینجا درج نشده است. سانسور روزنامه‌جات به طوری شدید است که چنین خبر مهمی را نمی‌گذارند در مطبوعات درج کنند.

قراردادهای مخفی

انتشار متن قراردادهای مخفی در پطرزبورگ ادامه دارد. بسیار چیزهای تازه مهم کشف می‌شود؛ مثلاً فرانسویان قرار گذاشته‌اند طرف مغرب رود رن را از آلمان مجزا کرده میان خودشان و آلمان منطقه بی طرف قرار دهند. حدود غربی آلمان را انگلیس و فرانسه و حدود شرقی آلمان و اتریش را روس به دست خواهد آورد. جمله در طرف مغرب ادامه دارد. انگلیسها هر روز به حملات سخت می‌پردازند ولی نتیجه‌ای جز دادن تلفات به دست نمی‌آورند. در طرف ایتالیا جنگ عجالتاً متوقف است.

حکومت بلشویکی

چهارشنبه ۲۸ نوامبر - هنوز متفقین حکومت بلشویکی پطرزبورگ را

نشناخته [اند] و از قرار معلوم پیوسته وسایل ضعف و مغلوبیت آن را فراهم می نمایند. عده زیادی از اتباع متفقین که در خاک روسیه متوقف بوده [اند] به سرعت در حال حرکت از روسیه می باشند. از قرار اطلاعاتی که در انطباعات متفقین انتشار یافته است قحطی سختی در قسمتهای عمده از روسیه پیدا شده و در قفقاز هم مردم استقلال خودشان را اعلام داشته اند. از کرنسکی هیچ اطلاعی در دست نیست و فعلاً لنین و پیروان او کاملاً بر حکومت مستقر شده اند. ولی راجع به موفقیت کامل او اطلاعی نرسیده است.

فکر صلح

پنجشنبه ۲۹ نوامبر - امروز صدراعظم تازه آلمان نخستین نطق خود را در مجلس رایشتاگ بیان نموده است و اظهار داشته است که دیروز تلگرافی از دولت جدید روس خطاب به متحدین مخابره شده، در این تلگراف تمایل کامل به ترک جنگ و خونریزی و به میان آوردن صلح و سلامت ذکر [گردیده] و ضمناً می گویند که بدون درنگ نمایندگان خود را برای مذاکرات صلح معین خواهند نمود. صدراعظم آلمان از خود اضافه می نماید که دولت آلمان هم با این تمایلات شریک [است] و وعده می دهد به محض اینکه دولت روس نمایندگان رسمی خود را معین کند دولت آلمان و متحدین نمایندگان خود را معین کرده، داخل مذاکرات خواهند شد.

نامه لنزدان

دیروز لرد لنزدان که قبل از سرادوارد گری وزیر امور خارجه انگلیس بود نامه ای به روزنامه دیلی تلگراف نوشته [است] که متن آن انتشار یافته است. به طور وضوح از صلح طلبی به خصوص با آلمان اظهار تمایل

می نماید و می گوید پیش از آنکه جنگ کنونی شیرازه تمدن بشری را از هم بپاشاند، بایستی آتش جنگ خاموش شود. انگلیس باید به دنیا و به خصوص به آلمان بفهماند که به حقوق آلمان سوء نظری نداشته [است] و نیز آزادی دریا را هم بعد از جنگ برای تمام ملل و دول خواهد شناخت.

متارکه جنگ

جمعه ۳۰ نوامبر - دولت اتریش اعلامیه داده [است] که در جواب اخطاریه دولت جدید روسیه متارکه جنگ و داخل شدن در مذاکرات صلح را قبول کرده است. انتشار معاهدات و قراردادهای سرّی متفقین با دولت سابق روسیه تزاری ادامه دارد. همین دو روزه معاهده با ایتالیا و رومانی را انتشار داده اند. امروز آلمانها در طرف مغرب نزدیک کامبرای حمله سختی به انگلیسها کرده و طبق اعلامیه خودشان عده زیادی اسیر و تعدادی توپ گرفته [اند] و قسمت مهمی از اراضی که به تازگی از دست داده بودند دوباره تصرف کرده اند.

امشب با آقایان حمید خان و علوی شام را صرف کردم. فردا شب حمید خان با پسر آقای مشیرالدوله و پسر حاجی امام جمعه خوئی به سویس می رود.

وضع میرزا فضلعلی آقا

شنبه ۱ دسامبر ۱۹۱۷ - پیش از ظهر با آقای نواب و خانمش به دیدن میرزا فضلعلی آقا به بیمارستان رفتیم. بیچاره در حال تأثرآوری است. عمل اخیر سخت بوده و از قرار معلوم چندان موفقیتی هم نداشته است. قدری از گوشت سر و پا بریده به یک طرف دماغ چسبانیده اند، پس از آنکه گرفت از این گوشت برای او بینی درست خواهند کرد.

نامهٔ لنزدان

نامهٔ لنزدان هیجان زیادی در دواير سياسى و مطبوعات انگليس ايجاد کرده است. جرايد ليبرال طرفدار او و جرايد کنسرواتور بر ضد او مقالاتى نوشته‌اند. دولت انگليس رسماً از اظهار نظر خودداری کرده است.

متارکهٔ جنگ

یکشنبه ۲ دسامبر - از قرار راپورتی که اخیراً رسیده دیروز متارکهٔ جنگ با روس و امروز مذاکرات صلح با دولت جدید روس آغاز شده است ولی هنوز جزئیاتی نرسیده است. بعد از شام به هتل آدلن به انجمن آلمان و ایرلند رفتم. نطقهای مفصل و مهمی راجع به مقام سیاسی و احساسات استقلال طلبانهٔ ملت ایرلند استماع شد. حضار از ایرلندی و آلمانی و ملل دیگر متجاوز از دویست نفر می شدند. جمعی از مستشرقین هم در این مجلس دیده می شدند.

تقاضای شرق نزدیک

امروز نامه‌ای از روزنامه شرق نزدیک به عنوان اینجانب واصل شد که طبع و انتشار یادداشت‌های مسافرت اینجانب را به زبان فارسی و آلمانی خواستگار شده‌اند. می‌گویند انتشار این یادداشتها اثر خوبی برای ایران به خصوص در زمان مذاکرات صلح خواهد داشت.

هوا دو روز است که سرد و زمستانی شده و امشب برف هم به شدت می بارد.

متارکهٔ جنگ

دوشنبه ۳ دسامبر - قرار مذاکرات متارکه جنگ میان روسها و دولتین آلمان و اتریش گذاشته شد و طرفین میسیون‌هایی برای این کار معین کرده‌اند که

هر چه زودتر به این کار پایان دهند. از قرار اعلامیهٔ آلمانها متارکه [جنگ] در قسمتهای مختلف شروع شده و پایان خواهد یافت.

ایرانیان و متارکهٔ جنگ

بعد از ظهر منزل آقای نوری به جای دعوت داشتم. چند نفر از آقایان ملیون هم بودند. از وضع انقلاب روسیه و شروع مذاکرات صلح با دولتین آلمان و اتریش اظهار بشاشت می کردند که بلکه جنگ به طور رضایت بخشی که مخالف آمال ملیون ایران نباشد خاتمه پذیرد. از ایران خبر تازه نداشتند ولی باز از اختلافاتی که میان آزادیخواهان در تهران به میان آمده صحبت می کردند.

سه شنبه ۴ دسامبر - پیش از ظهر با آقای نواب ساعتی در گردش بودیم، خبر مهمی از ایران نداشت. می‌گفت شکیب ارسلان بیک به برلن برگشته و همین دو روزه در سفارت ایران به جای آمده است.

مذاکرات متارکهٔ جنگ

مذاکرات متارکهٔ جنگ با جدیت جریان دارد و از صلح هم مذاکراتی در میان است ولی جزئیاتی هنوز اشاعه نیافته است. از قرار معلوم روسها طبق اعلامیه‌ای که قبلاً اشاعه داده‌اند طالب صلح می باشند. از دست رفتن بیت المقدس برای دولت عثمانی کمی از افتادن بغداد نیست، بلکه اهمیتش از نظر تاریخ زیادتر است. مدتی بود انتظار افتادن اورشلیم می رفت. قشون عثمانی در آنجا قادر به دفاع نبود. قشون انگلیس و متفقین از قرار معلوم متجاوز از یک صد و پنجاه هزار نفر بوده [اند] و عثمانیها بیش از شصت هزار نفر نداشته‌اند و با این عده چگونه می توانستند خودشان را در مقابل حملات متفقین حفظ کنند. از قرار معلوم عثمانیها به سرکردگی فالکنهاین آلمانی مشغول جمع آوری قوه برای ایستادگی در

مقابل انگلیسها می باشند ولی بایستی با سرعت حرکت کنند والا وقت از دستشان می رود.

مقاله وحیدالملک

مقاله بالنسبه مفصلی راجع به ایران و دعاوی ایران به زبان انگلیسی نوشته برای درج در روزنامه شرق جدید فرستادم. قرار است آن را به زبان آلمانی ترجمه کرده، در آن جریده چاپ کنند. در خصوص طبع و انتشار یادداشتهای مسافرت خود متأسفانه نتوانستم تقاضای اولیای آن جریده را بپذیرم، زیرا این یادداشتها هنوز تکمیل نشده [است] و تا جنگ خاتمه نیابد طبع و انتشار آنها به طوری که نظر اینجانب است میسر نمی باشد.

شناسایی حکومت بلشویکی

[طبق] خبر مستقیمی که از تهران رسیده دولت ایران حکومت امروزه روسیه را به رسمیت شناخته است. چند نامه به استانبول در این چند روزه نوشته و توسط سفارت عثمانی فرستادم. نامه ای نیز به سفارت ایران در استکهلم فرستاده و از ارسال مراسلات اینجانب توسط آنها تشکر کردم.

فوت اسکارمان

چهارشنبه ۵ دسامبر - امروز پروفیسور مان مستشرق معروف آلمانی که در ایران هم مسافرت کرده [بود] و زبان فارسی را به خوبی حرف می زد به مرض سکتہ فوت شده است. پروفیسور نامبرده مدتی پارسال و اول امسال ناخوش بود ولی اخیراً قدری بهتر شده و از مریضخانه بیرون آمده بود.

انجمن ایرانیان

بعد از ظهر با آقایان هدایت و علوی و اعظم السلطنه منزل حاجی رحیم

آقای قزوینی به چای دعوت داشتیم. مقصود از این دعوت این بود که در برلن انجمنی از ایرانیان تأسیس شود. در این جلسه تصمیمی گرفته نشد و جلسه بعد به هفته آینده منزل اعظم السلطنه موکول گردید.

از قرار خبری که از تهران رسیده دولت ایران رسماً تخلیه ایران را از قشون روس از دولت تازه روسیه خواستگار شده است و در ضمن یادداشت تذکر هم داده شده [است] که قشون عثمانی نیز خاک ایران را تخلیه کرده اصلاً به استقلال و تمامیت ایران تخطی نخواهند نمود. طبق تلگرافی که از آقای احتشام السلطنه رسیده، آقایان کزازی و میرزاسلیمان خان عازم برلن می باشند.

وضع جنگ

پنجشنبه ۶ دسامبر - قشون انگلیس در کامبرای شکست خورده و قدری عقب نشسته است. در این محاربه متجاوز از نه هزار اسیر جنگی و یک صد و چهل و هشت توپ و هفتصد مسلسل به دست آلمانها افتاده است. در فرونت ایتالیا قشون اتریش با کمک توپخانه آلمان به فتحی نایل شده و قریب یازده هزار اسیر جنگی از ایتالیا گرفته اند. در طرف مشرق میان روس و آلمان و اتریش و بلغار و عثمانی رسماً متارکه جنگ برقرار [است] و مشغول مذاکرات راجع به قرارداد صلح می باشند. مطبوعات آلمان اظهار وجد از این پیشامد می نمایند و امیدواری به فتح و پیروزی آتیه زیادتر شده است.

بیت المقدس

جمعه ۷ تا پنجشنبه ۱۳ دسامبر - اتفاق مهم این چند روز افتادن شهر اورشلیم است به دست انگلیسها در روز نهم دسامبر. قشون انگلیس از دو طرف به حمله پرداخته، بیت المقدس را اشغال می کند. ترکها اظهار

می‌دارند که آنها سنگرهای خودشان را بدون زدوخورد تخلیه کرده و عقب نشسته‌اند.

نطق لوید جرج

جمعه ۱۴ تا سه‌شنبه ۱۸ دسامبر - لوید جرج مجدداً نطق شدیدی متمایل به جنگ ایراد کرده و به آلمانها حمله نموده [است] و می‌گوید: دولت انگلستان در تصمیم خود ثابت و پایدار می‌ماند و تا دشمن را مغلوب نکند و آزادی برای ملل ضعیف و کوچک به دست نیاورد دست از جنگ نخواهد کشید. صدراعظم آلمان به طریق مصاحبه با نماینده آژانس ولف جواب قاطعی به اظهارات لوید جرج داده است و مجدداً بی‌تقصیری آلمان را مطرح کرده و عمده تقصیر را به گردن روسیه و اطرافیان تزار روسیه گذاشته است و گفته است با این اظهارات لوید جرج ثابت می‌شود که با چنین اشخاصی که امروز مهار سیاست دولت انگلیس را در دست دارند نمی‌شود قرارداد صلح شرافتمندانه‌ای منعقد نمود. راه آلمان باز است. پس از متارکه و انعقاد قرارداد صلح با روسیه روش آلمان در جهت مغرب معین گشته، دامن آلمان از هر لوثی پاک [می‌شود] و دنیا خواهد دید که هیچ‌گونه مسئولیتی بر عهده آلمان متوجه نخواهد گردید که به هیچ طرف خساراتی به‌خصوص از اراضی وارد نگردد و تحمیلاتی به هیچ طرف نشود. ولی بدیهی است نظریاتی هم راجع به ملل اسلاو که مدتی تحت دولت امپراتوری اتریش زیست کرده [اند] دارند و آزادی آنان را طالب می‌باشند.

۱۴

مقدمه پایان جنگ با روسیه

تخلیه ایران

قرار متارکه جنگ میان نمایندگان آلمان و اتریش و بلغار و عثمانی از یک طرف و روس از طرف دیگر در یازده ماده و چند ماده ضمیمه در پانزدهم دسامبر در برست لیتوسک به امضا رسید و در روز هجدهم دسامبر در برلن انتشار داده می‌شود. مدت متارکه جنگ از هفدهم دسامبر شروع [می‌شود] و بیست و هشت روز طول خواهد کشید و اگر قبل از یک هفته به انقضای آن اطلاع رسمی در نقض آن داده نشود به همان ترتیب متارکه جنگ امتداد خواهد داشت. ماده دهم متارکه می‌گوید: «نظر به اساس آزادی و استقلال و تمامیت خاکی ایران بی‌طرف، ریاست کل اردوهای عثمانی و روس حاضرند قشون خود را از خاک ایران خارج کرده از برای انجام جزئیات عمل تخلیه و استحکام این اساس فوراً با دولت ایران داخل مذاکره خواهند گردید».

همان روز پانزدهم که تاریخ امضای قرارداد است دولت آلمان رسماً به سفارت ایران نص ماده مذکور را اطلاع داده در روز شانزدهم مراسله رسمی متضمن این ماده به سفارت ایران ابلاغ می‌نماید و سفارت ایران هم بدون تأمل مراسله آلمان را به تهران مخابره می‌نماید.

در دریاها

از فرونت مغرب و فرونت ایتالیا اخبار مهمی نرسیده. در دریا در دوازدهم دسامبر دو فقره عملیات علیه کشتیهای تجارتي انگلیس صورت گرفته چند فروند کشتی تجارتي انگلیس و همچنین کشتیهای دول بی طرف غرق می شود. یک کشتی تریپانداز انگلیسی و کشتی دیگر غرق و کشتی دیگر با خسارت زیاد به یکی از بنادر نروژ پناهنده می شود.

استعفای کابینه

طبق خبری که از تهران رسیده کابینه علاء السلطنه مستعفی [شد] و کابینه‌ای به ریاست عین‌الدوله به جای آن برقرار می شود. کابینه جدید دارای این اشخاص است: مستوفی الممالک، مخبر السلطنه، وثوق‌الدوله، قوام السلطنه، مشار الملک، مشیرالدوله، مؤتمن الملک و علاء السلطنه.

حمله نواب به انگلیسها

چهارشنبه ۱۹ دسامبر - امروز مصاحبه‌ای از آقای نواب در روزنامه ...^۱ انتشار یافته است. در این مصاحبه از آلمانها برای ماده دهم قرارداد متارکه جنگ قدردانی نموده [است] و در پایان مصاحبه حمله سخت به انگلیسها می کند. ولی از قرار معلوم خود روزنامه بیشتر از خودش به اظهارات آقای نواب مطالبی ضمیمه می کند. امروز به دنبال مقاله‌ای که جدیداً در شرق جدید راجع به ایران نوشته‌ام شرحی راجع به ماده دهم قرارداد متارکه جنگ به طریق ضمیمه از آلمانها اظهار تشکر [کردم] و قدردانی بجا آوردم.

صورت امتیازات

امروز وزیر امور خارجه عثمانی نسیم بیک برای مذاکرات صلح در برست

۱. در اصل نوشته نام روزنامه بیاض مانده.

لیتوسک مأمور و به برلن وارد شده است. آقای احتشام السلطنه به آقای نواب تلگرافاً اطلاع داده که عثمانیها صورت امتیازات روس و انگلیس را که نقض استقلال و تمامیت ایران را می کند خواسته‌اند و چون در استانبول نتوانسته [است] آن صورت را به دست بیاورد از آقای نواب خواهش کرده اگر ممکن است در اینجا صورتی از آن امتیازات به وزیر خارجه عثمانی بدهد.

ماده دهم

پنجشنبه ۲۰ دسامبر - امروز آقای نواب بعد از ظهر وزیر امور خارجه عثمانی را ملاقات کرده و با او مفصلاً صحبت کرده است. متأسفانه اینجانب هنوز نتوانسته‌ام آقای نسیم بیک را بینم. ایشان امروز شرحی در روزنامه فوسی سه [سایتونگ] راجع به قرارداد متارکه جنگ اظهار و به خصوص از ماده دهم آن راجع به ایران اظهار شعف می نماید. می گوید این ماده در استانبول با وجد فوق العاده میان عثمانیها و ایرانیها تلقی شده است.

تشکر از ماده دهم

امروز عصر با چند نفر از آقایان ملیون و آزادیخواهان ایران ملاقات [کردم] و صورت تلگرافی مبنی بر شکرگزاری برای حکومت تازه روس و صدراعظم عثمانی انشا نموده، قرار گذاشتیم تلگراف به روسیه را از طریق استکهلم مخابره و تلگراف عثمانی را به توسط وزارت خارجه آلمان مخابره کنیم. گفتگویی هم از رفتن به برست لیتوسک به میان آمد ولی به نتیجه قطعی نرسید.

جلسه اول کنفرانس

جمعه ۲۱ تا جمعه ۲۸ دسامبر - وزیر امور خارجه عثمانی روز بیستم

دسامبر به معیت حقی پاشا به طرف برست لیتوسک حرکت [کرد] و روز بعد وزیر امور خارجه آلمان با نمایندگان دیگر آلمانی به همان صوب عزیمت نمودند. از طرف اتریشها هم عده‌ای به ریاست وزیر امور خارجه اتریش و از طرف بلغارها هم عده‌ای به ریاست وزیر عدلیه بلغارستان برای انعقاد صلح مأمور شده‌اند. جلسه اول کنفرانس صلح روز بیست و دوم دسامبر انعقاد یافته [است] و پس از نطقهای مقدماتی دلگاسیون روس نظریات اساسی دولت امروزی روسیه را در شش ماده زیر پیشنهاد می‌نماید:

اراضی متصرفه در جنگ بایستی تخلیه [شود] و قشونی که آنجا را اشغال کرده بودند باید از آنجا خارج شوند.

استقرار استقلال مجدد ملی که در این جنگ استقلال خود را از دست داده‌اند.

استقرار استقلال و میل سیاسی ملی که قبل از جنگ استقلال نداشته‌اند طبق قانون رجوعیه رجوع شده، حقوق آنها محفوظ خواهد ماند.

حقوق اقلیتها در میان ملل مختلف به واسطه تدوین قوانین مخصوص حفظ [می‌شود] و به قدر امکان استقلال حیات سیاسی آنها محفوظ خواهد گردید.

گرامت جنگی موقوف و ضرر اشخاص از صندوق مخصوص دول داخل جنگ به نسبت ضررهای وارده پرداخت خواهد شد.

موضوع متصرفات طبق اساس ماده یک تا چهار همین پیشنهاد حل و عقد خواهد گردید.

جواب روس

در بیست و پنجم دسامبر متحدین به ریاست وزیر امور خارجه اتریش

جواب پیشنهادهای روس را داده اصول نظر روسها را قبول [و] اضافه نموده [اند] که متحدین حاضرند صلح عمومی را روی همین اساس استوار نمایند. در خصوص متصرفاتی که منحصر به آلمان است اظهار شده [است] که عمده شرط صلح استرداد متصرفات خواهد بود.

مهلت خواهی روسیه

پس از ختم اظهارات وزیر امور خارجه اتریش، رئیس دلگاسیون روس ده روز مهلت خواسته، مذاکره ختم [شود] به طوری که صلح به تعویق نیفتاده تا آنکه سایر دول داخل جنگ مطلع شده اگر مایل باشند با همین شرایط داخل مذاکره صلح بشوند والا پس از انقضای ده روز - از ۲۵ دسامبر ۱۹۱۷ تا ۴ ژانویه ۱۹۱۸ - دیگران حاضر نشوند، مذاکرات تجدید و صلح منعقد خواهد شد. سپس قرار شد در این ده روز جزئیات دیگر راجع به روابط تجارتي و غیره میان روس و متفقین^۱ مذاکره شده و ترتیب قطعی داده شود. روز بیستم دسامبر کمیسیون مخصوصی از برلن حرکت کرده برای مذاکرات اقتصادی و غیره به پترزبورگ می‌روند.

مهمانی در سفارت ایران

روز شنبه ۲۲ دسامبر - شام را در سفارت ایران صرف کرده امیر شکیب ارسلان‌بیک و شیخ عبدالعزیز شریشی و حمزه بیک و فن‌ویزندونگ جزو مدعوین بودند. صحبت‌های متفرقه در میان بود. ولی تمام اظهار شعف می‌نمودند که این جنگ بلکه به همین ترتیب خاتمه یابد و ملل جهان بتوانند بعد از این با صلح و سلامت زندگی نمایند. جای بسی قدردانی است که چنین پیشامدی و چنین تحولاتی دولت روس را از وضع قدیم تزاری بدین موقعیت فعلی کشانید که بدین ترتیب پیشنهاد صلح را به میان

۱. در اصل چنین است ولی ظاهراً متحدین باید درست باشد.

آورده‌اند. چه خوش می‌بود که انگلیسها و سایر متفقین نیز همین اصول را تعقیب [می‌کردند] و این جنگ و خونریزی به صلح و آرامش خاتمه می‌یافت.

عید مسیح

سه‌شنبه ۲۵ دسامبر - روز عید مسیح به خوشی گذشت و هوای این چند روزه که هوای مخصوص این فصل آلمان است برای این چند روز بسیار سرد و یخبندان بود، بارندگی در کار نبود، مردم تا حدی با خوشی و امیدواری به صلح مناسبی در آتیه نزدیک این عید را گذراندند.

احتمال صلح

شنبه ۲۹ دسامبر - دیروز جلسه‌ای از نمایندگان متحدین و حکومت روسیه در برست لیتوسک منعقد شد [و] در اطراف مسائل اساسی راجع به تخلیه اراضی و استقلال لهستان و سایر نقاط متصرفه مذاکره نموده جلسه آتیه را به روز چهارم ژانویه ۱۹۱۸ که روز انقضای مدت ده روز مهلت باشد به عقب انداخته‌اند. چندان اختلاف نظر مهمی میان اعضای این مجلس صلح نبوده. احتمال دارد در آتیه نزدیکی قرارداد صلح به امضا برسد.

جشن ایرانیان

بعد از ظهر آقایان علوی و هدایت و چند نفر دیگر از ایرانیان به دیدن اینجانب آمدند و اصرار دارند که من هم در موقع انعقاد جشن ایرانیان که عنقریب منعقد خواهد شد نطقی ایراد نمایم. قرار شد فردا بعد از ظهر جلسه‌ای در منزل آقای حاجی رحیم آقای قزوینی منعقد شده، موضوع جشن و همین موضوع نطق مذاکره و ختم شود.

کنفرانس برست لیتوسک

یکشنبه ۳۰ دسامبر - جلسات کنفرانس صلح برست لیتوسک عجالتاً تعطیل شده نمایندگان برای چند روزی متفرق شده‌اند. وزیر خارجه آلمان به برلن آمده و چند نفر به ورشو رفته‌اند تا برای چهارم ژانویه برگردند. مطبوعات متفقین از این پیشامدها راجع به متارکه جنگ و انعقاد مجلس صلح بسیار خشمگین هستند. رجال سیاسی آنها هم به عجله مجالس نطق تهیه نموده برای تسکین افکار عمومی خطابه‌ها ایراد می‌کنند و به مردم تا حدی امیدواری می‌دهند. به واسطه وقایع روسیه و متارکه جنگ و مذاکرات صلح وجد و مسرت بسیاری در میان آلمانها دیده می‌شود. پول آلمان پیوسته رو به ترقی است.

رد تقاضای ایران

امروز بعد از ظهر با آقای نواب وزیر مختار ایران در برلن صحبت مفصل راجع به اوضاع حاضر کرده، می‌گفت صفاء الممالک وزیر مختار ایران در وینه تقاضا کرده است دولت ایران رسماً در مجلس برست لیتوسک نماینده داشته باشد. اتریشها بدین تقاضا جواب رد داده‌اند. آقای احتشام السلطنه هم از استانبول تلگرافی به آقای نواب کرده و از ایشان تقاضا نموده است که به همراهی وزیر خارجه آلمان به عنوان نماینده ایران به کنفرانس صلح برست لیتوسک بروند. امروز تلگرافی از استانبول دریافت نمودم که آقایان میرزا احمدخان قزوینی و میرزا قاسم خان و سالار معظم روز اول ژانویه از استانبول حرکت کرده به برلن می‌آیند.

ورود ایرانیان

روز جمعه ۴ ژانویه - با وجود اینکه هوا بسیار سرد و غیر مطبوع بود و برف هم به شدت می‌بارید مدتی با آقای علوی در شهر در گردش بودم و راجع

به اوضاع حاضر صحبت می‌کردیم. ساعت چهار بعد از ظهر آقایان قزوینی و میرزا قاسم خان و سالار معظم وارد گار راه آهن برلن شدند، با همان قطار آقای طلعت پاشا صدراعظم عثمانی وارد برلن گردید. جمعیت زیادی از ترکان و آلمانیها برای استقبال ایشان در گار حاضر شده بودند. اینجانب هم دقیقه‌ای با او ملاقات کرده تعارفات لازم بجا آوردیم. مسافری ایرانی هم پیاده شده به هتل آیدن در کورفورستندام که از هتلهای درجه اول برلن است و قبلاً برای آنها [جا] تهیه شده بود رفتند.

جای کنفرانس صلح

امروز خبر رسیده که دلگاسیون روس خواستگار شده‌اند محل مذاکرات صلح را تغییر داده به محل دیگری بروند. صدراعظم آلمان در کمیسیون مجلس رایشتاگ آلمان اظهار کرد که چنین تقاضایی از طرف دلگاسیون روس شده ولی دولت آلمان و متحدین به پاره‌ای جهات و مخصوصاً برای اینکه مرابطه مستقیم با نمایندگان برقرار باشد تقاضای دلگاسیون روس را قبول نکرده‌اند [ند] محل مذاکرات را تغییر نخواهند داد. پس از دو روز تعویق نمایندگان روس به اتفاق تروتسکی وزیر خارجه فعلی روسیه حاضر شده‌اند به برست لیتوسک آمده مذاکرات صلح را ادامه دهند. نمایندگان اوکراین هم به برست لیتوسک می‌آیند. صدراعظم عثمانی هم از برلن حرکت و به صوب برست لیتوسک عزیمت نمود.

نماینده ایران در برست لیتوسک

آقایان قزوینی و میرزا قاسم خان و سالار معظم از استانبول به عزم رفتن به برست لیتوسک حرکت کرده‌اند. قرار بر این شده [است] که به برلن آمده و پس از مشاوره و مذاکره در اینجا با آقای نواب و اینجانب و دیگران قراری برای حرکت به برست لیتوسک بگذاریم. روز بعد از ورود

حضرات اینجانب به اتفاق خود آقایان به سفارت عثمانی رفتیم تا تکلیفی برای این کار معین شود. پس از مذاکرات در سفارت عثمانی قرار شد موضوع به وزیر خارجه عثمانی پیشنهاد شده جواب قطعی از ایشان خواسته شود. ضمناً آقای نواب هم نامه رسمی به وزارت خارجه آلمان نوشته تقاضا کرده‌اند که خوب است دولت آلمان مساعدت کرده نماینده رسمی از طرف دولت ایران در مجلس صلح برست لیتوسک پذیرفته شود.

کفیل وزیر خارجه عثمانی در استانبول به آقای احتشام السلطنه اظهار نموده [است] که در برلن و وینه تصمیم گرفته شده است نماینده از طرف ایران قبول نشود، زیرا این موضوع مخالف بی طرفی دولت ایران خواهد بود. ولی اگر دولت ایران تقاضاهایی دارد خوب است آن تقاضاها را ذکر و پیشنهاد نموده، دولت عثمانی در انجام قبولاندن آن تقاضاها سعی بلیغ مبذول خواهد داشت. در وینه هم همین جواب به سفارت ایران داده شده است. پس از یکی دو روز در برلن هم به خواهش کتبی آقای نواب، وزارت خارجه آلمان همین جواب را داده است، بدین معنی که نمایندگی دولت ایران در این کنفرانس ضرر به منافع سایر دول بی طرف وارد خواهد آورد. اگر دولت ایران حوایجی دارد، خوب است به توسط وزارت خارجه آلمان اظهار دارد. دولت آلمان سعی بلیغ در قبولاندن آن تقاضاها خواهد نمود. عثمانیها راجع به رفتن غیررسمی نمایندگان ایران به محل صلح را نیز به حسن قبول تلقی نکرده‌اند، می‌گویند خوب است عجالتاً این آقایان که به عزم رفتن به برست لیتوسک از استانبول حرکت کرده‌اند در برلن بمانند. اگر لازم شد آنها را به محل کنفرانس دعوت و وسایل مسافرت آنان را نیز فراهم خواهند نمود.

مجلس جشن ایرانیان

در روز نهم ژانویه ۱۹۱۸ به مناسبت ماده دهم متارکه جنگ که در تاریخ

۱۵ دسامبر گذشته (غرة ربیع الاول ۱۳۳۷) میان نمایندگان متحدین و نمایندگان روسیه راجع به تخلیه ایران از قشون خارجی تعهد به عمل آمده ایرانیان مقیم برلن در صدد انعقاد جشنی برآمده اند که سپاسگزاری خود را در مورد ماده مذکور اظهار [کنند] و امیدواری به اقدامات مفید دیگر برای تکمیل حوائج ایران ابراز دارند. این دعوت از طرف تمام ایرانیان مقیم برلن به عمل آمد و قریب دوست نفر از محترمین از اعیان و اشراف و روزنامه نگاران و اجزای سفارتخانه های خارجه در آلمان و دوستان ایرانی از عثمانی و مصری و هندی و سایرین در شب پنجشنبه نهم ژانویه ۱۹۱۸ (۲۷ ربیع الاول ۱۳۳۷) در تالار بزرگ مهمانخانه اسپلاناد که از هتلهای درجه اول برلن است گرد آمدند. در میان حضار اشخاصی مانند شاهزاده هینکل رنرسمارک و ایمهف پاشا و راشداند سفیر سابق آلمان در پرتقال و بارون فن ریشتهوفن شارژدافر سابق آلمان در ایران و عضو سابق مجلس رایشتاگ و دکتر زودکوم عضو رایشتاگ و جمعی دیگر از اشخاص مهم که در برلن می باشند، دیده می شوند. به علاوه از استادان بزرگ آلمانی و مستشرقین معروف نیز حضور دارند.

نطق وحیدالملک

ابتدا نگارنده نطق مفصلی به آلمانی نمود و پس از آنکه تاریخ مختصری از اوضاع ایران در سالهای اخیر را ذکر و نتایج وخیمه عهدنامه روس و انگلیس ۱۹۰۷ را راجع به تقسیم ایران به منطقه های نفوذ که کم کم داشت لطمه بزرگی به استقلال ایران وارد می آورد، خاطر نشان حاضرین نمود، سپاسگزاری ملت ایران را از موضوع تخلیه ایران از قشون خارجی تقدیم [کرد] و مخصوصاً دولت امپراتوری آلمان و دولت علیه عثمانی را مخاطب قرار داد و پس از اظهار تشکر و قدردانی از این حسن نیتی که ابراز داشته اند، امیدواری به اقدامات آینده دولتی اظهار که در ترمیم تجاوزات به ایران از طرف متحدین اقدامات لازم به عمل خواهند آورد.

پس از نطق نگارنده بارون فن ریشتهوفن که از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ هـ ق [کفیل سفارت دولت آلمان در ایران بود نطق مفصلی ایراد نمود] پس از تأیید اظهارات اینجانب امیدواری کامل به آتیه ایران، اظهار داشت ملت ایران که همواره در جریان تاریخ قوه تاب و ثبات فوق بیانی داشته و هنوز هم دارد، البته امروز هم مراتب ترقی را پیموده، استقلال و سروری کامل خود را محفوظ داشته و به اهمیت موضوع بازرگانی و اقتصادیات ایران خواهد پرداخت. ایرانیان باید مطمئن باشند که دولت آلمان و متحدین هرچه در قوه داشته باشند برای حفظ حقوق و منافع ایران در مذاکرات صلح انجام خواهند داد.

نطق شکیب ارسلان

پس از او امیرشکیب ارسلان عضو مجلس مبعوثان عثمانی با حرارت و تأثر زیاد نطقی به زبان فرانسه ایراد نمود. در ضمن سخن گفت موجب آزادی ایران را باید انقلاب روسیه دانست که آفریده تیغ توانای هندنبورگ است. مشارالیه پس از ذکر خیر اولیای امور امروزه روسیه شرحی راجع به نیات بد و رفتار ناپسند انگلیس و فرانسه بیان نمود و با این جمله نطق خود را پایان داد: «من برای آزادی ملت بلندپایه ایران نه تنها متحدین را بلکه تمام عالم انسانیت را تبریک و تهنیت می گویم». مجلس جشن تا قریب نیمه شب برپا بود و مدعوبین پس از صرف شام سرد متفرق شدند.

روبهمرفته مجلس مجلل و مفیدی مرتب شده بود و نطق اینجانب چنان که اظهار می شد بسیار به موقع و مفید بود. روز بعد مختصر شرحی از این مجلس جشن در مطبوعات منتشر شد و مخصوصاً روزنامه رسمی آلمان نرد دویچ آلکماین زایتونگ شرحی نوشته، اشاره به نطق اینجانب کرده و از مقاله ای هم که اینجانب در جریده شرق جدید اشاعه داده بودم قسمتی اتخاذ و طبع کرده است.

برست لیتوسک

حرکت آقایان قزوینی و میرزا قاسم خان و سالار معظم را آژانس وولف از استانبول مخابره کرده و در مطبوعات آلمان انتشار یافته. ضمناً می‌گوید که مسافرت این آقایان به برست لیتوسک صلاح نبوده، در برلن متوقف خواهند بود. ضمناً آژانس ملی عثمانی ضمن تلگراف مفصلی تشکرات ایرانیان استانبول را از دولت عثمانی و به خصوص از شخص صدراعظم عثمانی و انورپاشا وزیر جنگ عثمانی اظهار می‌دارد.

مقاله وحیدالملک

در روز ۱۵ ژانویه مقاله مفصلی از اینجانب در روزنامه شرق جدید چاپ و منتشر شد. مقاله مفصلی است تحت عنوان اوضاع ایران. در این مقاله شرحی از اوضاع ایران قبل از مشروطیت و بعد از مشروطیت و به خصوص بعد از قرارداد ۱۹۰۷ میان روس و انگلیس و تجاوزاتی که از طرف این دو دولت به ایران شده شرح داده و از اوضاع امروزی ایران پس از آغاز انقلاب روسیه و وجدی که از این پیشامد در تمام ایران به ظهور رسیده اظهار امتنان و قدردانی نموده بخصوص راجع به ماده دهم قرارداد متارکه جنگ بیان می‌نماید.

انجمن ایران و آلمان

امروز ۱۸ ژانویه با آقای عزت‌الله خان هدایت به منزل دکتر مولر مدیر روزنامه شرق جدید رفته مذاکراتی راجع به تشکیل هیئتی به نام انجمن آلمان و ایران به میان آوردیم. پس از مذاکرات لازم قرار شد دکتر مولر نامه‌ای نوشته به امضای اینجانب و یکی از نمایندگان و رؤسای میلیون ایران و دو نفر آلمانی جمعی را به کلوب آلمانی برای روز ۲۹ ژانویه دعوت نموده تشکیل چنین انجمنی را اعلام دارند.

ملاقات با اولیای عثمانی

روز ۱۳ ژانویه با آقایان جدیدالورود: آقایان قزوینی و میرزا قاسم خان و سالار معظم به ملاقات طلعت پاشا صدراعظم عثمانی و احمد نسیمی بیک وزیر امور خارجه عثمانی که او هم عجالتاً در برلن است رفتیم. با هر یک مدتی صحبت در میان بود. طلعت پاشا به اینجانب اظهار محبت زیاد می‌نمود. وزیر امور خارجه عثمانی می‌گفت ماده‌ای به انجمن صلح پیشنهاد کرده‌ایم که منافع خصوصی دولت روس به کلی از ایران منتزع باشد. گفته شد خوب است ماده جامع‌تری پیشنهاد شود که در آن هیچ‌گونه ابهامی موجود نباشد. قرار شد فورمولی جامع‌تر نوشته به وزیر امور خارجه عثمانی بدهیم که در انجمن صلح مطرح نماید.

کرزن و قرارداد ۱۹۰۷

شام را با کاردورف صرف کردیم. پیش از شام پروفیسور اشتاین را ملاقات کردم، قرار شد راجع به نطق لرد کرزن در مجلس لردها مصاحبه‌ای با اینجانب در روزنامه انتشار بدهد. لرد مذکور در جواب لرد کمینگتن در مجلس لردهای انگلیس اظهار کرده است که قرارداد ۱۹۰۷ برای تجاوز به استقلال ایران منعقد نشده بلکه برای جلوگیری از رقابت روس و انگلیس در ایران منعقد گردیده و حالا که انقلاب روسیه در میان آمده و دولت ثابته هم در روسیه نیست دولت انگلیس در تهران اظهار نموده که قرارداد ۱۹۰۷ عجالتاً منسوخ است تا بعد قرار قطعی داده شود و در خصوص ژاندارمری جنوب پس از انحلال ژاندارمری سوئدی دولت انگلیس عده‌ای افسران انگلیسی به دولت ایران موقتاً داده تا قوه‌ای برای حفظ انتظامات ایجاد نمایند و این قوه تأسیس شده و تا آخر جنگ خواهد ماند و بعد با ملاحظه حفظ استقلال ایران فکری برای انتظامات طرق و شوارع به مناسبت تجارت انگلیس به عمل خواهد آمد. این بود خلاصه نطق لرد کرزن.

تلگراف تهران

چهارشنبه ۲۴ ژانویه - پیش از ظهر به سفارت ایران رفته صورت فورمولی نوشته که به وزیر امور خارجه عثمانی بدهیم که ایشان در انجمن صلح مطرح نمایند. آقای نواب صورت تلگرافی را که از تهران دریافت نموده‌اند خواندند که در آن می‌گویند خوب است استفاده از اشخاص مطلع و بی‌غرض و میهن‌پرست مانند آقایان مساوات و میرزاحمدعلی خان کلوب و اینجانب نموده مطالب لازم و حوایج و مستدعیات ایران را برای مطبوعات اروپا در دست بگیرند و به خصوص افکار کشورهای بی‌طرف را نسبت به ایران و تقاضاهای ایران جلب نمایند.

مصاحبه علیه کرزن

روز پنجشنبه ۲۵ - مصاحبه‌ای از اینجانب در روزنامه فوسی شه سائونگ علیه اظهارات لرد کرزن انتشار یافت، در این مصاحبه شرحی علیه قرارداد ۱۹۰۷ میان دولتین روس و انگلیس اظهار و بعد علیه ژاندارمری جنوب ایران به سرکردگی افسران انگلیسی اعتراض نموده، می‌گویم که دولت ایران این ژاندارمری را نه تنها علیه استقلال خویش بلکه علیه بی‌طرفی خود می‌داند و با صدای بلند علیه آن اعتراض نموده، هیچ‌زمان تشکیل قوای نظامی و ژاندارمری خود را تحت نظر افسران انگلیسی نخواهد گذاشت. خلاصه این مصاحبه در جراید ترکیه هم درج شده است.

مقاله وحیدالملک

روز شنبه ۲۷ و یکشنبه ۲۸ ژانویه - مشغول نگارش مقاله‌ای علیه اظهارات لرد کرزن بودم. قرار است این مقاله در روزنامه فرانکفورت درج شود. در این مقاله شرحی از تجاوزات روس و انگلیس و نتایج سوء قرارداد ۱۹۰۷ دولتین نسبت به ایران [گفته‌ام] و بعد راجع به تشکیل ژاندارمری در

جنوب ایران تحت نظر افسران انگلیسی و نتایج سوئی که چنین تشکیلاتی برای ایران دارد مفصل اعتراض خود را اظهار داشتیم.

انجمن آلمان و ایران

شب دوشنبه ۲۹ ژانویه - پس از صرف شام به کلوب آلمانها واقع در خیابان وزارت خارجه رفته در آنجا جلسه‌ای برای تشکیل انجمن آلمان و ایران منعقد شده بود. جمعی از ایرانیان در آنجا حضور داشتند و از آلمانها هم پرنس رويس وزیر مختار سابق آلمان در تهران و فن هتینگ و جمعی دیگر حضور داشتند. پس از نطقهای مفصل، هیئت رئیسه این انجمن مرکب از چند نفر آلمانی و ایرانی انتخاب شدند. اظهار شد وزارت خارجه آلمان با میل وافر پیشرفت مقاصد انجمن را خواهان خواهد بود. مقاصد و هدف انجمن اصولاً استحکام روابط ادبی و اقتصادی میان ملتین آلمان و ایران می‌باشد. ولی جای شک نیست که چنین انجمنی بدون نتایج سیاسی هم نخواهد بود. تأسیس نامه انجمن در دوازده ماده تنظیم [شد] و پس از جرح و تعدیلهای لازم به تصویب تمام اشخاص رسید. قرار است سرپرستی شاگردهای ایرانی را که در آلمان مشغول تحصیل می‌باشند بدین انجمن رجوع کنند.

دعوت قزوینی و پورداود

آقایان میرزاحمدخان قزوینی و پورداود دعوتی کرده‌اند که در روز جمعه هشتم جمعی از ایرانیان جلسه‌ای تشکیل داده نطقهای سیاسی و ادبی و اخلاقی راجع به ایران ایراد نمایند و در این جلسه از اینجانب خواهش کرده‌اند نطقی راجع به سیاست امروزی ایران ادا نمایم.

مصاحبه

روز پنجشنبه ۷ فوریه مصاحبه‌ای برای روزنامه‌جات استانبول راجع به

تأسیس انجمن آلمان و ایران در برلن و نیز راجع به اوضاع امروزی ایران دادم. در این مصاحبه نیز اعتراضاتی علیه اظهارات لرد کرزن نموده و اظهار امیدواری کردم که در آتیه روابط ایران با دولت عثمانی و آلمان مستحکم گردیده و امیدوارم انجمن آلمان و ایران هم در این راه خدمات شایان خواهد نمود.

نطق در جلسه ایرانیان

جلسه ایرانیان روز جمعه ۸ فوریه با خوشی و موفقیت گذشت. تالار بزرگ از آقایان ایرانیان و جمعی دیگر از دوستان ایران پر بود. آقای وزیر مختار ایران هم حضور داشتند. نطق اینجانب تقریباً چهل دقیقه طول کشید. تاریخچه‌ای از اوضاع اخیر ایران شرح دادم و عمده نظرم این بود که جلب توجه و همدردی آلمانها را نسبت به ایران بنمایم. اتفاقاً این نطق بسیار مؤثر واقع شد و روزنامه‌جات آلمانی هم از آن استفاده نمودند. پس از نطق اینجانب، آقای پورداود قصیده‌ای که بدین مناسبت ساخته بودند قرائت کردند. رویهمرفته در این جلسه موفقیت کامل برای جلب همدردی نسبت به ایران حاصل گردید.

امضای معاهده

شنبه ۹ فوریه صبح زود خبر رسید که ساعت دو بعد از نصف شب معاهده صلح میان متحدین و حکومت اوکراین یا روس صغیر به امضا رسیده است. اهالی برلن با وجد و سرور بسیار پرچم بر فراز عمارات بلند کردند. اگر چه این معاهده با تمام روسیه نبوده ولی چون قدم اول به طرف صلح برداشته شده و نیز روسیه را به تجزیه انداخته از نظر متحدین جای وجد و سرور است. این خبر فوراً به اطراف و اکناف کشور آلمان منتشر [شد] و فوراً اقتصادیات آلمان رو به ترقی گذاشت.

اظهارات تروتسکی

دوشنبه ۱۱ فوریه - امروز صبح خبر پایان جنگ میان روس و متحدین از طرف دیگر روسیه رسید. بدین طریق که تروتسکی وزیر امور خارجه روسیه در برست لیتوسک اظهار کرد که جنگ میان روس و دول مرکزی اروپا و بلغارستان و عثمانی پایان یافته [است] و اوضاع جنگ در این قسمت به کلی برطرف خواهد شد. ولی عهدنامه رسمی با متحدین منعقد نخواهد گردید. این خبر اگرچه نوید صلح قطعی و رسمی را نمی‌دهد ولی باز برای پایان جنگ و منحل شدن فرونت روس شادمانی بسیار در برلن مشاهده می‌شد. تمام عمارات را با پرچم تزیین کرده بودند. در همین روز معاهده‌ای با اوکراین منتشر گردید، صلحی است میان متحدین و اوکراین، بدون غرامت جنگی و ضبط اراضی از دو طرف. اراضی اشغال شده بایستی فوراً تخلیه و مسترد گردد و روابط سیاسی و اقتصادی و پست و تلگراف و غیره برقرار شود.

سیاست جدید انگلیس در ایران

سه شنبه ۱۲ فوریه - امروز پیش از ظهر با آقای نواب ملاقات کردم. اخبار تهران را که برای ایشان رسیده بود برای من خواندند. همان طور که انتظار می‌رفت انگلیسها مسلک و سیاست ملایم‌تر و تازه‌ای در تهران اتخاذ کرده‌اند. مارلینگ وزیر مختار انگلیس در تهران اظهار نموده است که دولت انگلیس بعد از این به کلی تغییر روش خواهد داد. اولاً کمک مالی به ایران خواهد نمود و ثانیاً رضایت و کمک خواهد داد که قشون متحدالشکلی تحت نظر افسران دول بی طرف تأسیس شود و به طور رضایت‌بخشی رعایت استقلال ایران را خواهند نمود، به شرط اینکه دولت ایران تا آخر جنگ بی طرف بماند. از قراری که خبر داده‌اند دولت انگلیس به آزادیخواهان ارفاق نشان داده و پیشنهاد کرده است که کابینه‌ای به ریاست آقای مستوفی‌الممالک و یا آقای مشیرالدوله تشکیل شود.

نامه ارباب کیخسرو

در این چند روز اخیر جواب چند نامه که از استکھلم نوشته بودم من جمله یک نامه از ارباب کیخسرو دریافت کردم، تمام موفقیت ملیون و آزادیخواهان را که خارج از ایران می باشند خواستگار شده اند.

پایان کنفرانس برست لیتوسک

چهارشنبه ۱۳ فوریه - دیشب وزیر امور خارجه آلمان از برست لیتوسک مراجعت کرد و فردا با صدراعظم به نزد امپراتور آلمان می روند. برست لیتوسک کارش تمام شده. نتیجه این است که عجالتاً متحدین با قسمتی از روسیه عهدنامه صلح منعقد نموده ولی این عهدنامه شامل تمام روسیه نمی شد، در قسمت دیگر روسیه چنان که ذکر شد جنگ خاتمه پذیرفته و فروتها منحل شده است. ولیکن عهدنامه ای در این خصوص بسته نشد. امروز آلمانها در یک اعلامیه نیم رسمی مسئولیت ادامه جنگ را در طرف مغرب اروپا به گردن لوید جرج وارد می نمایند.

نطق ویلسن

ویلسن رئیس جمهور امریکا نطقی در جواب وزیر امور خارجه اتریش و صدراعظم آلمان ایراد می نماید، کمی سست تر از نطقهای سابق خود و می خواهد اختلافی میان اتریش و آلمان نمودار سازد. در آخر نطقش باز تهدید می کند که امریکا تا آخرین مرحله با تمام قوا برای حفظ دموکراسی و آزادی ملل خواهد جنگید.

وضع لوید جرج

پنجشنبه ۱۴ فوریه - دیروز پارلمان انگلیس پس از تعطیل دو مرتبه گشایش یافت و پادشاه علی الرأس نطقی ایراد [کرد] و ملت انگلیس را به ادامه

جنگ دعوت می نماید. در ضمن مذاکره نطق پادشاه اسکویث از لوید جرج توضیحاتی راجع به انجمن ورسای خواستار می شود. لوید جرج توضیح صحیحی در مقابل این سؤال نمی دهد. از قرار اخبار جراید آلمانی بعضی از روزنامهجات انگلیس از قبیل وست مینستر و دیلی نیوز سخت به لوید جرج حمله کرده، می گویند او موقع خودش را با اتریگهای سیاسی و نفوذ نورثکلیف و مطبوعات او مستحکم نموده است، در صورتی که اکثریت ملت با او نمی باشند. از قرار معلوم موقع لوید جرج چندان مستحکم نمی باشد.

لوید جرج روح متفقین

جمعه ۱۵ فوریه - مذاکرات راجع به بحران انگلیس در جراید برلن زیاد است. ولی هنوز معلوم نیست که موقعیت لوید جرج متزلزل شده باشد. در حقیقت امروز لوید جرج به منزله روح متفقین می باشد. با وقایع روسیه و با افتادن او، نیروی متفقین محققاً متزلزل خواهد شد و به خصوص ضرر عمده ای به فرانسه وارد خواهد گردید. ولی گویا مخالفین لوید جرج هر روز بر نیروی خود می افزایند.

مخبر نظامی سابق تایمز را که مخالف مجلس ورسای خبر می داد توقیف کرده اند. اخبار زیاد و مختلف از انقلابات داخلی روسیه و مخصوصاً قتل و غارت در ایالات بالتیک روسیه می رسد و چنین به نظر می رسد که مطبوعات آلمانی که با دولت ارتباط دارند زمینه حملات جدیدی را در این طرف برای آلمان درست می کنند.

سومین جلسه ایرانیان

امشب بعد از شام جلسه ای مرکب از وجوه ایرانیان مقیم برلن برای ترسیم یک برنامه عملی مربوط به آتیه ایران داشتیم. این سومین جلسه ای است

که در همین زمینه منعقد شده است. در جلسه امشب راجع به مجلس سنا صحبت شد که آیا انعقاد مجلس سنا برای ایران صلاح می باشد یا خیر؟ و اگر صلاح است فواید آن چه خواهد بود؟

مخالف مجلس سنا در ایران

تقریباً تمام حضار مخالف انعقاد مجلس سنا برای حفظ آزادی و دموکراسی ایران بودند. نظر آنها این بود که اگر چه انعقاد مجلس سنا در قانون اساسی ایران ذکر شده است ولی چون این مجلس یادگار عهدی است که هنوز دموکراسی بسط نداشته و امروز هم در جاهایی که مجلس سنا وجود دارد وظایفی بر عهده آن گذاشته شده [است] که از برای جریان امور کشور بسیار مفید است. مثلاً در بلژیک که همین قانون اساسی، از آنجا اتخاذ شده مجلس سنا وظایف بسیار مهمی انجام می دهد و از تجربیات اعضای که مجلس سنا را تشکیل می دهند نتایج مهم برای جریان امور کشور استفاده می شود. در فرانسه که تقریباً تمام اعضای مجلس سنا از کارمندان سابق و بازنشسته و با تجربه دولت تشکیل می شود، در طرح قوانین جدید استفاده کامل به عمل می آید. در ممالک متحده آمریکا مجلس سنا در حقیقت طوایف مختلف را با هم متحد [می کند] و این وظیفه سنگین را در یکنواخت نمودن آنها انجام می دهد. در هر صورت پس از این گونه مذاکرات و اظهار مخالفت از تقریباً [تمام] حضار این مجلس قرار شد این موضوع به کلی کنار گذاشته شود و راه دموکراسی و آزادی را مانند سابق پیماید.

غرق کشتی

شنبه ۱۶ فوریه - پیریشب آلمانها در دریای مانس حمله کرده، چند کشتی انگلیسی را غرق نمودند. امروز روزنامه ها از انقلاب و قتل و غارت در

ایالات بالتیک قلمفرسایی می کنند. از قرار معلوم اوضاع آنجا بسیار وخیم می باشد.

دکتر بیکر

شام را امشب با چند فامیل آلمانی در رستوران معروف بورشارد صرف کردم. در آنجا شخصی آلمانی موسوم به دکتر بیکر [را] که جزو مدعوین بود ملاقات نمودم. دکتر بیکر تازه از روسیه آمده است و وقایع غریبی را پشت سر گذاشته است. پنج سال قبل برای مدیریت مریضخانه دولتی در تهران مأمور می شود. پس از مسافرت طولانی از جنوب به شمال ایران در اوایل این جنگ به آلمان برگشته [است] و در فرونت مارن اسیر جنگی فرانسه می شود. پس از چند ماه اسارت فرانسویها او را معاوضه می کنند. سپس داوطلبانه با کمیسیونی که به افغانستان به ریاست فن هنتینگ مأمور می شوند از راه استانبول و حلب و بغداد به ایران مراجعت [می کند] و نزدیک حدود افغانستان از قزاقان روسی تیر خورده عقب می ماند. بعد از آنکه کمی بهبودی می یابد به اصفهان و شیراز رفته در شیراز در خانه قوام الملک شیرازی توقیف می شود و به حبس انگلیسها می افتد. در اوایل انقلاب روسیه، انگلیسها او را با چند نفر ایرانی از قبیل دکتر مهدی خان به روسها انتقال داده [اند] و آنها او را به قزوین می آورند. بعد از قزوین او را به طرف بادکوبه حرکت می دهند. سه ماه تمام در جزیره کوچکی در نزدیک بادکوبه توقیف می شود. سپس او را با چند نفر دیگر به مسکو و از آنجا به پترزبورگ انتقال می دهند و در آنجا در جنگهای انقلاب جانش پیوسته در خطر بوده است. اخیراً با چند آلمانی دیگر آزاد شده از راه سوئد به آلمان می آید. دکتر بیکر فارسی هم خوب صحبت می کند. با من از سرگذشت خودش بیشتر به فارسی تکلم کرد. می گفت علیه انگلیسها بسیار پرویاگانده کرده [ام] و خواهم کرد. از رفتار انگلیسها بسیار رنجور است. رفتار آنان

نسبت به اسرا خیلی بدتر از رفتار فرانسویها به روسها می باشد، در صورتی که اسرای جنگی آلمان در روسیه موقعیت خیلی بدی دارند و خیلی تلف شده و می شوند.

کمک ضد بلشویکی

یکشنبه ۱۷ فوریه - امروز دولت آلمان رسماً اعلان کرد که مهلتی را که برای انعقاد صلح با روسیه منظور نموده و تروتسکی به انعقاد صلح رضایت نداده، منقضی شده [است] و دولت آلمان مجدداً در آغاز عملیات جنگی مختار خواهد بود. اعلامیه ای خطاب به ملت آلمان از طرف اوکراین امروز منتشر شده، تقاضای کمک از آلمان علیه حکومت بلشویکی می نماید. از قرار معلوم آلمانها خیال آغاز عملیات جنگی در طرف روال دارند.

استعفای فرمانده قشون انگلیس

دوشنبه ۱۸ فوریه - امروز ظهر آلمانها به آغاز عملیات جنگی در طرف روسیه [اقدام] نموده تقریباً در تمام خط فرونت از دریای بالتیک تا سرحد اوکراین جلو می روند. فرمانده کل قشون انگلیس برای اختلاف نظری که با لویدجرج پیدا کرده استعفا داده است. بعضی از روزنامهجات انگلیس از او طرفداری می کنند ولی هنوز جزئیات این پیشامد معلوم نیست.

شکایت از تروتسکی

سه شنبه ۱۹ فوریه - آلمانها دونابورگ را بدون زدو خورد اشغال کرده [اند] و به سرعت جلو می روند و روسها هیچ مقاومتی نشان نمی دهند. امروز وزیر امور خارجه آلمان در کمیسیون رایشتاگ راپرت مذاکرات باروسها و مقاله نامه با اوکراین را داده، از رفتار تروتسکی سخت شکایت می کند. رئیس الوزرای اتریش نیز در مجلس در همین زمینه اظهاراتی کرده [است]

و از رفتار تروتسکی شکایت دارد. اسلاوها از جلو رفتن قشون آلمان در روسیه ناراضی می باشند. در هر صورت گویا اتریشیها چندان از این پیشامد راضی نیستند و ترجیح می دهند که عهدنامه ای با روس انعقاد یافته و جنگ در این قسمت پایان یابد.

انگلیسها و دموکراتها

بعد از شام آقایان سالار معظم و میرزا احمدخان قزوینی و علوی و جمعی دیگر به منزل اینجانب آمده در تعقیب مذاکرات سابق صحبت شد. ماده ای راجع به اهمیت اصلاحات مالیه و نظام و تعدیل بودجه طرح و نوشته شد. آقایان از قول آقای نواب اصرار می کردند که ماژور استوکس از بغداد با طیاره به تهران رفته و در آنجا مشغول جلب افکار ملیون شده است. انگلیسها با دموکراتها اظهار دوستی می کنند و موضوع تشکیل کابینه مستوفی الممالک را به میان آورده اند.

توضیحات لوید جرج

چهارشنبه ۲۰ فوریه - جلو رفتن آلمانها در روسیه ادامه دارد. امروز پیش از ظهر وزیر امور خارجه آلمان در کمیسیون رایشتاگ تلگرافی از دولت پترزبورگ قرائت نمود مبنی بر اینکه روسها به قبول همان شرایط که در برست لیتوسک مذاکره شده حاضر گردیده اند. ولی آلمانها جواب داده اند بهتر این است که روسها همین درخواست را کتباً به فرمانده قشون آلمان در فرونت جنگ بدهند. دیروز لوید جرج در پارلمان انگلیس توضیحاتی راجع به استعفای فرمانده کل قشون انگلیس داد. از قرار معلوم موقعیت خودش را مجدداً محکم نموده است.

حملات آلمان

پنجشنبه ۲۱ فوریه - حملات آلمان در روسیه ادامه دارد. روسها هیچ

مقاومتی نمی نمایند. مقدار زیادی مهمات جنگی و آذوقه از آنها به دست آلمانها افتاده است. آلمانها اسرای جنگی اوکراین را آزاد [کرده] و از آنها دیویزیون تشکیل داده به جنگ روسها می فرستد.

نظر حقی پاشا

جمعه ۲۲ فوریه - با آقایان سالار معظم و میرزا احمدخان قزوینی و میرزا قاسم خان به دیدن حقی پاشا سفیر کبیر عثمانی در برلن رفتیم. خیلی مهربانی و برخورد خوبی با ما نمود. اظهار تأسف کرد که ایران نیروی کافی از خود ندارد. در این موقع بسیار مطلوب بود که ایران نیروی کافی برای حفظ انتظامات داخلی می داشت که جای قشون روس را بگیرد. اصرار داشت که خوب است فن روزنبرگ را ملاقات و به او یادآوری کنیم که ماده راجع به ایران را در انعقاد صلح فراموش نکند. بعد از ظهر به فن روزنبرگ تلفن کردم که او را ملاقات نمایم ولی نبود. اظهارات سفیر کبیر عثمانی را با آقای نواب در میان گذاشتم. گفت ضرری ندارد. در هر صورت ملاقاتی از روزنبرگ و یادآوری این موضوع خالی از ضرر است.

چاپ جدای مقاله وحیدالملک

ساعت شش بعد از [ظهر] جلسه ای در انجمن تازه آلمان و ایران منعقد گردید. مولر پیشنهاد کرد انجمن نامبرده کمیته شاگردها را تحت نظر خود بگیرد. پس از مذاکرات این پیشنهاد قبول شد. مقاله اینجانب راجع به ایران که در روزنامه شرق جدید طبع شده بود به طریق کتابچه هزار نسخه چاپ و تقسیم گردید.

مذاکرات صلح

شنبه ۲۳ فوریه - پیشرفت آلمانها در روسیه ادامه دارد. از قرار مذکور

بلشویکها حاضر به مدافعه پطرزبورگ می باشند. از صلح برست لیتوسک دیگر اطلاعات تازه ای در روزنامه ها دیده نمی شود. وزرای خارجه آلمان و اتریش به بخارست رفته در آنجا با حکومت رومانی داخل مذاکرات صلح شده اند.

سلیمان میرزا

یکشنبه ۲۴ فوریه - پیش از ظهر دو ساعتی با آقای نواب با هم بودیم. شام را هم با ایشان و جمعی از ایرانیان با هم صرف کردیم. طبق آخرین خبری که از تهران رسیده کابینه جدید تشکیل شده ولی از جزئیات آن خبری نیست. از فرار راپرت رسیده شاهزاده سلیمان میرزا را انگلیسها گرفته و به خانقین برده اند.

دوشنبه ۲۵ فوریه - سرعت پیشرفت آلمانها در طرف روسیه در ازدیاد است. در پنج روز اخیر دویست و ده کیلومتر در طرف ریگا پیش رفته و به روال نزدیک شده اند.

کابینه مستوفی

بعد از شام باز جلسه ای از وجوه ایرانیان برای مذاکرات راجع به آتیه ایران منعقد نموده مذاکرات زیاد به عمل آوردیم. طبق آخرین خبر رسیده از تهران کابینه جدید به ریاست آقای مستوفی الممالک تشکیل شده و آقایان مؤتمن الملک و مشیرالدوله و مخبرالسلطنه و مخبرالملک و معین الوزاره و سردار اسعد در این کابینه عضویت دارند. خود مستوفی الممالک وزارت داخله را عهده دار [ست] و مخبرالملک وزیر مالیه، مشیرالدوله وزارت جنگ و مخبرالسلطنه وزارت عدلیه را عهده دار شده اند.

اعلامیه آلمان

سه شنبه ۲۶ فوریه - آلمانها روال را اشغال کرده و بنا نهایت سرعت جلو

می‌روند. امروز معاون وزارت خارجه آلمان اعلامیه‌ای را که اخیراً دولت آلمان به روسیه داده در مجلس رایشتاگ قرائت نمود. این اعلامیه دارای ده ماده است که اقتدار روس را به کلی از اراضی که در سابق دولت روسیه تحت اشغال گرفته بود به کلی از میان برده و مقدرات آنها را به دست خود اهالی سپرده است. در این اعلامیه سه روز مهلت داده شده [است] که قرارداد امضا شود و جنگ پایان یابد. خاک عثمانی نیز هر چه زودتر بایستی تخلیه و کاپیتولاسیون از کشور عثمانی بر طرف شود.

بازگشت کشتی آلمانی

از قرار معلوم روسها این اعلامیه را که شکل اولتیماتوم است قبول کرده و حاضر شده‌اند که فوراً نمایندگان به برست لیتوسک اعزام دارند. کشتی آلمانی وولف که پانزده ماه در دریاها مشغول به عملیات بوده و متجاوز از دویست هزار تن از کشتیهای انگلیس را غرق کرده است، اخیراً بدون هیچ آسیبی به بندر آلمان مراجعت کرده است.

تلگراف تبریک به مستوفی الممالک

چهارشنبه ۲۷ فوریه - امروز بعد از ظهر جمعی از آقایان ایرانیان جلسه کرده تلگراف تبریکی به آقای مستوفی الممالک حاضر و نیز تلگرافی خطاب به مطبوعات تهران تهیه نموده [اند] و در هر دو تلگراف ذکر شده [است] که تمام ملیون و آزادیخواهان ایرانی مقیم خارجه وجود یک حکومت قوی و آزادیخواه و اصلاح طلب را برای ایران در حال حاضر لازم می‌دانند، به خصوص در اصلاح فوری مالیه و نظام باید اقدام فوری به عمل آید. هر دو تلگراف را اینجانب نوشته پس از مختصری جرح و تعدیل به امضای تمام آقایان حاضر در آن جلسه رسانده قرار شد به توسط سفارت ایران در برلن به تهران مخابره شود. پیشرفت آلمانها در طرف شرق با سرعت زیاد ادامه دارد.

رومانی

پنجشنبه ۲۸ فوریه - دیروز وزیر امور خارجه اتریش پادشاه رومانی را ملاقات و شرایط صلح خودشان را به او پیشنهاد کرده است. پادشاه وقت خواسته تا پس از مطالعات لازم جواب بدهد. از جواب پادشاه رومانی معلوم خواهد شد صلح با آن صورت خواهد گرفت یا خیر. از قرار آخرین خبر رسیده نمایندگان روس امروز وارد برست لیتوسک شده‌اند و تروتسکی میان آنها نیست.

وضع رکن السلطنه

جمعه ۱ مارس - امروز صبح آقای علوی تلفن کردند که می‌خواهند به ویزبادن رفته به شکایات شاهزاده رکن السلطنه که در آنجا اقامت دارد رسیدگی نماید. از قرار معلوم شاهزاده مذکور برای ضیق معاش به آلمان آمده [است] و شکایت دارد که مقروض و پریشان شده به کمک فوری مالی نیازمند است. حالا آقای علوی با احساسات میهن‌دوستی که دارند بدان جا می‌روند که رسیدگی به حال شاهزاده نموده قراری برای کمک به او گذاشته شود.

ورود مساوات و همراهان به برلن

بعد از ظهر باز آقای [علوی] تلفن کرد که آقایان مساوات و ناصرالاسلام و میرزا محمدعلی خان کلوب از استانبول وارد برلن شده و در هتل آیدن برای آنها منزل گرفته شده. بعد از ظهر آقایان سالار معظم و میرزا احمدخان قزوینی و میرزا قاسم خان چایی را در منزل اینجانب صرف کرده مجدداً راجع به آتیه ایران بحث در میان بود.

آلمانها به شهر کیف پایتخت اوکراین نزدیک شده‌اند. از قرار معلوم معاهده متحدین با رومانی در شرف انعقاد نیست و در جزئیات آن هنوز تصمیمی اتخاذ نشده است.

ایرانیان استانبول

شنبه ۲ مارس - امروز صبح به ملاقات آقایان مساوات و ناصرالاسلام و میرزا محمدعلی خان کلوب رفتم. وقت نشد مفصلاً صحبت کنیم. از قرار گفته آقایان مهاجرین ایرانی در استانبول بایستی این دو روزه به طرف موصل حرکت کنند. از قرار معلوم عثمانیها تمایل خودشان را به حرکت آنها از استانبول ظاهر ساخته [اند]. تنها آقای نظام السلطنه و بستگان ایشان در استانبول خواهند ماند.

ارزروم - کیف

بعد از ظهر با تلفن با اطعم بیک صحبت کردم. گفت حقی پاشا به برست لیتوسک رفته و قشون عثمانی به نزدیکی ارزروم رسیده و عنقریب ارزروم را اشغال خواهند نمود. می گفت به محض اینکه از طرف روس خلاص شدند به طرف فرونت انگلیس توجه خواهند داشت. امروز قشون آلمان و اوکراین شهر کیف را اشغال کرده اند. دو روز است قشون اتریش نیز در حال پیشروی بوده و تعداد زیادی غنیمت به دست آورده است.

قرارداد میان آلمان و روس

یکشنبه ۳ مارس - امروز ساعت پنج بعد از ظهر قرارداد میان آلمان و متحدین از یک طرف و روسیه از طرف دیگر در برست لیتوسک به امضا رسیده مورث مسرت عمومی در برلن گردید. اغلب عمارات را با پرچم مزین کرده اند. اهالی برلن فوق العاده از این صلح خوشوقت می باشند. اشخاصی که از سیاست اطلاع دارند و یا در سیاست دست دارند خوشحالند زیرا روس از میان رفته و در بعضی از قطعات غربی روس قدیم، آلمان جای آنها را گرفته است. ولی عموم مردم مسرت دارند برای اینکه اوضاع جنگ در این طرف برطرف [شده] و صلح به میان آمده و

مردم از تنگی معاش خلاص شده [است] و رفاهیت در زندگی آنها ایجاد [می] شود و اوضاع عمومی حالت صلح و آرامش به خود [می] گیرد. سربازان خوشحالند که جنگ در این طرف روسیه پایان یافته [است] و عنقریب به خانه های خود برگشته، عزیزان خود را دوباره در آغوش خواهند گرفت.

پیش از ظهر با آقای نواب ساعتی با هم بودیم، از تهران خبر تازه ای نداشتند.

تمامیت ارضی ایران

دوشنبه ۴ مارس - صورت معاهده برست لیتوسک امروز در روزنامه های عصر برلن انتشار یافته است. در ماده هفتم این معاهده حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت خاکی کشور ایران و افغانستان ذکر شده است. عموم مطبوعات آلمان از پایان جنگ متحدین با روس مسرت زیاد اظهار می دارند.

نظر ایرانیان

بعد از ظهر با جمعی از آقایان ایرانیان من جمله آقایان مساوات و ناصرالاسلام و میرزا محمدعلی خان کلوب ملاقات کرده راجع به ماده هفتم معاهده نامبرده صحبت در میان بود. به طور کلی از این ماده رضایت مندی داریم ولی اگر تنها کشور ایران در این ماده ذکر شده بود و از افغانستان ذکری نبود رضایت مندی بیشتری حاصل می شد. بعضی عقیده مندند که انضمام افغانستان به ایران کار ایران را سست می کند. آقای کلوب می گفت طلعت پاشا در ضمن ملاقات با ایشان از ملاقات اینجانب در برلن ذکر نموده و از خدمات اینجانب در راه استقلال و تمامیت و حفظ حقوق ایران تعریف و تمجید کرده است. شام را امشب با آقای سالار معظم و جمعی دیگر از ایرانیان صرف کردم.

معاهده جدید با روس

سه شنبه ۵ تا شنبه ۹ مارس - مطبوعات آلمان مخصوصاً روزنامه‌جات متمایل به طرف راست اظهار رضایت کامل از معاهده جدید با روس می‌نمایند. هیچ زمان گمان نمی‌کردند چنین معاهده‌ای نافع برای آلمان بسته شود. آلمانها به عزم فرستادن قشون به فنلاند جزیره آلاند را تصرف کرده‌اند.

نظر نواب

روز چهارشنبه ششم بعد از شام به منزل فن ویزندونگ موعود بودم. آقای نواب و جمعی از ایرانیان هم بودند. آقای نواب از قرار معلوم از ماده هفتم معاهده برست لیتوسک چندان رضایت ندارد و می‌گفتند به تهران هم تلگراف نکرده‌ام. لابد سایر جاها این موضوع را به تهران خبر خواهند داد. ایشان عقیده مندند که تنها اخباری را به تهران راپرت بدهند که در آنجا تأثیر خوشی داشته باشد، مخصوصاً از جایی که مستقیماً به خود ایشان مربوط باشد.

تفوق لنین

در این چند روز هوای برلن بالنسبه خشک و گرم است. گردش به اطراف و خارج شهر لذتی به انسان می‌دهد. در این چند روزه نیز آتش جنگ در طرف مغرب گرمتر شده است. در شب هفتم و هشتم مارس آلمانها لندن و پاریس را از هوا بمباران و خسارات قابل توجهی بدان دو شهر وارد نموده‌اند. طبق خبر واصله تروتسکی از کار [وزارت] خارجه روس برکنار و از قرار معلوم دسته لنین که خود را به صلح طلبی معروف نموده غالب شده است، در هر صورت صلح متحدین با روس قطعی می‌باشد. آلمانها فوراً وزرای مختار برای اوکراین و فنلاند معین کرده‌اند.

انجمن آلمان و ایران

یکشنبه ۱۰ و دوشنبه ۱۱ مارس - شب یکشنبه شام را به دعوت انجمن آلمان و ایران در هتل کتینانتال که یکی از هتلهای درجه یک آلمان است صرف کردیم. مدعوین بیست و شش نفر بودند. آقای نواب وزیر مختار ایران هم حضور داشتند. فن هتینگ رئیس انجمن در نطق بالنسبه مفصلی اظهار امیدواری به آتیه روابط نزدیک و دوستی آلمان و ایران و خدماتی که انجمن آلمان و ایران به خصوص در رشته فرهنگ میان این دو دولت خواهد کرد نمود. آقای میرزا علی خان کلوب جواب این نطق را به فارسی ادا نمود و عزت‌الله خان هدایت آن را به آلمانی ترجمه کرد. سپس نادولنی نطقی ایراد کرد و شرحی از خدمات خودش در کرمانشاه و در عراق عرب ذکر نمود. در پایان مجلس عکسی از حضار گرفته شد. از فروتنهای جنگ اخبار مهمی نرسیده است.

ورود اسرای جنگی

شب دوشنبه یازدهم شام را در سفارت با آقای نواب صرف کردم. از ایران تلگرافی برای ایشان رسیده [است] مبنی بر اینکه دستجات اسرای جنگی آلمان از حدود قفقاز و ترکستان وارد ایران می‌شوند که از ایران به طرف آلمان حرکت کنند. دولت ایران برای توجه به آنان وسایلی حاضر ندارد. وانگهی خلاف بی طرفی ایران هم رفتار می‌شود. خوب است سفارت ایران در برلن اقدام عاجل نماید که اسرای نامبرده از طریق دیگر به میهن خود مراجعت کنند و ایران را دچار گرفتاری ننماید.

معاهده روس و عثمانی

معاهده‌ای میان روس و عثمانی هم به امضا رسیده است. در ماده هشتم این معاهده از حفظ استقلال و تمامیت ایران ذکر شده می‌نویسند

معاهدات سابق بخصوص معاهده ۱۹۰۷ که ایران را به مناطق نفوذ میان روس و انگلیس تقسیم می‌کند از درجه اعتبار ساقط دانسته و خاک ایران را طرفین روس و عثمانی تخلیه نموده و برای تعیین جزئیات تخلیه با دولت ایران داخل مذاکره شده و رعایت استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت خاکی ایران را نموده و سعی خواهند داشت که دیگران هم این رعایت را بنمایند.

سیاست خارجی ایران

روز دوشنبه عصر شرحی با رئیس انجمن آلمان و ایران صحبت کردم. می‌گفت خوب است ایرانیان که امروز در اینجا هستند به انضمام آنهایی که عنقریب وارد می‌شوند بنشینند و خط مشترک و ثابتی برای خودشان در سیاست خارجی ایران معین کنند که هم برای خودشان مفید باشد و هم راهی برای تبلیغات انجمن آلمان و ایران در اینجا باز شود.

امید به فتوحات متحدین

سه‌شنبه ۱۲ تا یکشنبه ۱۷ مارس - از فروتنهای جنگ اخبار خیلی مهم در این چند روزه نرسیده است. هندنبورگ و لودندورف در ضمن مصاحبه‌ای برای روزنامه‌جات، امیدواری کامل به فتوحات متحدین در آتیه اظهار کرده و به متفقین تهدید می‌نمایند. از قرار معلوم طرفین متحدین و متفقین خیال تجدید حملات سخت در آتیه نزدیک دارند. شاید آلمانها زودتر آفانسیو [حمله] را شروع کنند. صلح متحدین با رومانی هم نزدیک به پایان است ولی به واسطه استعفای رئیس‌الوزرای رومانی امضای آن به تعویق افتاده است.

اختلافات ایرانیان

با آقایان جدیدالورود که از استانبول وارد برلن شده‌اند دو سه جلسه

صحبت کردم. یک مجلس با آقای ناصرالاسلام و یک مجلس با میرزا محمدعلی خان کلوب تنها و جلسه‌ای هم با حضور تمام آقایان. از قرار معلوم اختلافات زیاد میان ایرانیان مهاجر که به استانبول آمده [اند] وجود داشته، به قسمی که ائتلافی میان آنان مشکل بلکه غیرممکن بوده است.

عثمانی و تمامیت ارضی ایران

روز چهارشنبه سیزدهم پیش از ظهر آقای سفیر کبیر عثمانی را ملاقات و از او راجع به ماده هشتم معاهده میان روس و عثمانی تشکر کردم، اطمینان از دوستی عثمانی به ایران می‌داد و می‌گفت ممکن نیست که دولت عثمانی منافع ایران را کان لم یکن دانسته در آتیه حفظ نماید. از هر نظر که نگاه کنیم استقلال سیاسی ایران و تمامیت ارضی این کشور برای دولت عثمانی مفید بوده و خواهد بود. در جواب اظهارات ایشان نگارنده هم شرحی از دوستی و صمیمیت ایران نسبت به دولت عثمانی بیان نمودم، علت ندارد که میان این دو ملت که هر دو مسلمان و قرون متمادی با یکدیگر همجوار بوده و از هر نظر روابط دوستی و همکاری با هم داشته‌اند از هم دور شوند و دوری و نفاق آنان باعث خوشی و تخطی دیگران گردد. نه تنها دولتین ایران و عثمانی بلکه تمام دول اسلامی می‌بایستی کوشش نمایند و با هم متحد باشند و به خوبی بدانند که ثمر این اتحاد و همکاری نصیب همه خواهد بود و استقلال و شخصیت آنها حفظ خواهد گردید.

جشن آلمان و ایرلند

یکشنبه ۱۷ مارس - اول شب به مجلس جشن آلمان و ایرلند رفتم، جمعی از سیاسیون معروف آلمانی در آنجا بودند. نطقهای مفصل برای حفظ استقلال ایرلند ادا نموده تصمیماتی در این زمینه گرفتند.

اولتیماتوم به هلند

دوشنبه ۱۸ مارس - متفقین به هلند اولتیماتومی داده، درخواست کرده‌اند که دولت هلند می‌بایستی سفائن تجارتي خودش را به آنها اجاره داده مال‌الاجاره دریافت دارد و در صورت غرق شدن آنها عوض آنها را بعد از جنگ دریافت دارد. دولت هلند با چند شرط این پیشنهاد را که به شکل اولتیماتوم به او داده شده قبول کرده است.

ماده هفتم - ماده هشتم

امروز خبر رسیده که «سویت» مسکو معاهده روس و متحدین را قبول و امضا نموده است. بعد از شام مدتی با آقای نواب باهم بودیم. می‌گفت دولت ایران با پیشامدهای تازه کاملاً موافق و خوشحال می‌باشد بخصوص از ماده هشتم معاهده روس و عثمانی. از ماده هفتم معاهده میان دولتین متحدین و روس هم چندان ناراضی نیست. ولی بدیهی است اگر با صراحت بیشتر و بدون ذکر افغانستان تنظیم کرده بودند بهتر و برای حفظ شئون ایران مناسبتر می‌بود.

رضایت هلند

سه‌شنبه ۱۹ و چهارشنبه ۲۰ مارس - دولت هلند رضایت خود را تحت شرایطی در جواب یادداشت متفقین اظهار داشته، حاضر شده است قسمتی از کشتیهای تجارتي خودش را به متفقین کرایه بدهد. از قرار معلوم متفقین پیش از آنکه از طرف هلند جوابی داده بشود کشتیهای تجارتي هلند را که در بنادر آنها بوده ضبط [کرده‌اند] و کارگران خودشان را در آنها گماشته‌اند. مقدمات افانسیو آلمان در طرف مغرب در این دو سه روزه ظاهر گردیده. تقریباً در تمام نقاط مهم فرونت در طرف فرانسه بمباران بسیار سختی در جریان است تا نتیجه چه شود.

نوروز ایرانیان

پنجشنبه ۲۱ مارس - امروز نیمساعت قبل از ظهر طبق تقویم ایرانی تحویل سال نو است، هوا خوش و در آلمان هم امسال هوا نوید تجدید سال و آغاز بهار را می‌دهد، این روز ۲۱ مارس اول بهار طبیعی است. اشجار سبز و سبزه در کنار جویبارها پدیدار شده است. مقارن ظهر که با جمعی از آقایان ایرانیان من جمله آقایان سالار معظم و میرزا احمد خان قزوینی در پارک گردش می‌کردیم مرغان خواننده می‌سرودند و سبزه‌های تازه دمیده صفای خوشی نشان می‌دادند. لذتی داشت و ما بالتمام با قلبی صاف اظهار امیدواری به آتیه نموده و از خداوند همین زمینه باصفا و پسندیده را برای حفظ حقوق ایران باستانی خود خواهان بودیم. بعد از ظهر در سفارت ایران حاضر شدیم. جمعیت زیادی از ایرانیها بودند و عده‌ای هم به تدریج که از استانبول می‌آیند بر آنها افزوده شده است. با خوشی بعد از ظهری [را] در سفارت گذرانیدیم. شب را هم جمعی از ایرانیان قریب بیست نفر شام را با هم صرف کردیم.

افانسیو آلمان

امروز افانسیو بزرگ آلمان در طرف مغرب شروع شده. تقریباً در تمام فرونت انگلیس بخصوص در فرونت آراس جنگ با نهایت شدت در جریان است. فاصله این فرونت پیش از هشتاد کیلومتر است. انگلیسها از قرار معلوم مترصد چنین حمله‌ای نبودند. از قرار راپرت آلمانها توپخانه اتریش هم در این حملات شرکت دارد.

جمعه ۲۲ مارس - افانسیو آلمان با کمال شدت در جریان است، آلمانها خطوط جلویی انگلیسها را میان آراس و لافر شکافته و تا به حال شانزده هزار اسیر جنگی و دوست عراده توپ از دشمن گرفته‌اند. در طرف وردن هم بمباران بسیار سختی در جریان است.

جشن نوروز

جشن نوروز ایرانیان در هتل کایزرهوف به عمل آمد. مجلس عالی بسیار خوبی فراهم شده بود. جمعیت زیادی از آلمانها که به مشرق و سیاست شرقی نظر دارند حاضر بودند. فن هنتیگ نطقی ایراد نمود و ایرانیان را از این روز تبریک گفت و امیدواری به آتیۀ ایران اظهار نمود. پرنس روس وزیرمختار سابق آلمان در ایران نیز حضور داشت.

شکست انگلیسها

شنبه ۲۳ و یکشنبه ۲۴ مارس - روز شنبه بعد از ظهر آلمانها خطوط انگلیسها را در سن کوئتن شکافته و به قرار راپرت خودشان انگلیسها را شکست سخت داده‌اند. قشون انگلیس در این قسمت مشغول عقب‌نشینی می‌باشد. جراید آلمان در این دو سه روزه پر از اخبار جنگ است و تمام دنیا با بی‌صبری منتظر نتیجه این افانسیو بزرگ آلمان می‌باشد. انگلیسها هیچ انتظاری نداشتند که چنین افانسیوی از طرف آلمانها شروع شود. هوا هم اتفاقاً خوب و بهاری است و برای این افانسیو مطلوب می‌باشد. از قرار راپرت آلمانها که روز یکشنبه منتشر شده، ضربت بسیار سختی به انگلیسها وارد آمده [است] و تا به حال انگلیسها چنین شکستی در این جنگ نخورده بودند. تا به حال متجاوز از سی هزار اسیر و ششصد عراده توپ و مقدار زیادی غنایم جنگی از دست داده‌اند.

بمباران پاریس

طبق راپرت آلمانها یکشنبه بعد از ظهر آلمانها پاریس را با توپ جدیدالاخره بمباران نموده و از قرار مذکور مسافت میان این توپ تا پاریس بیش از یکصد و بیست کیلومتر است و این بمباران هیجان زیادی در پاریس تولید نموده است. پیشرفت افانسیو آلمان در خطوط انگلیسها

از یک طرف و بمباران پاریس از مسافت یکصد و بیست کیلومتری از طرف دیگر حواسی برای اهالی پاریس باقی نگذاشته است.

فتوحات آلمان

دوشنبه ۲۵ مارس - بر اثر فتوحات آلمان در طرف مغرب کلیۀ مدارس امروز در آلمان تعطیل [است] و پرچم بر فراز عمارات دیده می‌شود. فتوحات آلمانها در طرف مغرب ادامه دارد. در چندین نقطه آلمانها از رود سم گذشته‌اند. بمباران پاریس ادامه دارد. این ایام مذاکراتی به جز راجع به این افانسیو و پیشرفت آلمانها در برلن در میان نیست. هنوز نقشه آلمانها درست معلوم نیست که پس از شکافتن خطوط انگلیسها چه خواهند کرد و چه نقشه‌ای را اجرا خواهند نمود.

کمک به رکن السلطنه

آقای علوی از وزیادان برگشته و از قرار معلوم به شاهزاده رکن‌السلطنه کمک لازم نموده او را از ورطه تنگدستی خلاص نموده است. امروز جمعی از ایرانیان جلسه‌ای داشته و اینجانب هم حضور داشتم. باز از آتیۀ ایران و از آتیۀ نزدیک خودمان صحبت در میان بود.

افانسیو آلمان

سه‌شنبه ۲۶ مارس تا سه‌شنبه ۲ آوریل ۱۹۱۸ - افانسیو آلمان تا روز آخر مارس به شدت دوام داشت. در سنت کوئتن تقریباً شصت کیلومتر جلو رفته و متجاوز از هزار توپ و هفتاد و پنج هزار اسیر جنگی گرفته‌اند. ولی از طرفی انگلیس و فرانسه هر قدر قوا داشته [اند] به کار انداخته از پیشرفت آلمانها به طور کلی جلوگیری می‌کنند. در دو روز اخیر آتش جنگ کمی تخفیف یافته، طرفین مشغول جمع‌آوری قوا می‌باشند. قرارداد متحدین با رومانی به امضا رسیده ولی هنوز اشاعه نیافته.

نزدیکی فرانسه به اتریش

چهارشنبه و پنجشنبه ۳ و ۴ آوریل - محاربات در طرف مغرب عجاتاً شدت ندارد ولی طرفین مشغول انجام نقشه تازه حملات خویش می‌باشند، کنت چرنین وزیر امور خارجه اتریش ضمن نطقی اظهار نمود که اخیراً کلمانسو به دولت اتریش نزدیک شده، نظریات اتریش را راجع به صلح خواسته است و اتریش پس از مشاوره با آلمان جواب داده است که هرگاه فرانسه از آلتاس و لرن صرف نظر بکند مذاکره صلح چندان اشکالی نداشته، موفقیت هم در این موضوع نباید دور باشد. پس از این جواب فرانسویها اظهار کرده‌اند که با این شرط، مذاکرات صلح ممکن نیست و گفتگوی طرفین بدین ختم شد. کلمانسو رسماً اظهارات وزیر امور خارجه اتریش را تکذیب نموده و به کلی منکر چنین مذاکراتی شده است.

کنسول انگلیس در رشت

جمعه پنجم آوریل - امروز پیش از ظهر چند نفر از آقایان ایرانیان به ملاقات اینجانب آمدند. از قرار گفته این آقایان اهالی گیلان کنسول انگلیس را توقیف کرده و گفته‌اند تا انگلیسها سلیمان میرزا را آزاد نکنند آنها هم کنسول انگلیس را آزاد نخواهند کرد. آقای احتشام السلطنه سفیر کبیر ایران در استانبول دو روز است به برلن آمده در منزل آقای اعظم السلطنه سکونت گرفته‌اند. دیروز باز آلمانها در فرونت فرانسه به حمله پرداخته قدری پیشرفت کرده‌اند. چند نفر از ایرانیان مقیم استانبول که عازم برلن می‌باشند وارد وینه شده‌اند.

نقشه هندنبورگ

شنبه ۶ آوریل تا جمعه ۱۲ آوریل - افانسیو آلمانها در طرف فرانسه ادامه

دارد. روز هشتم آوریل افانسیو به سختی در حدود آرمانتلیه شروع شده است] و روز ۱۱ یازدهم این شهر را تحت اشغال گرفته‌اند. در فرونت انگلیسیها هم محاربات به شدت در جریان است. از قرار معلوم نقشه هندنبورگ این است که هر چه زودتر قشون انگلیس را مغلوب [کرده] و در هم شکسته، جنگ را به هر ترتیبی هست در این سال پایان دهد و تهیه زیادی برای انجام این نقشه دیده است. امپراتور آلمان هم مدام در میدان جنگ می‌باشد. تا به حال آلمانها متجاوز از یکصد و ده هزار اسیر جنگی از انگلیسیها گرفته و مهمات جنگی زیادی از آنها به دست آورده‌اند.

کلمانسو و وزیر خارجه اتریش

در این ده روز اخیر مشاجره لفظی شدیدی میان وزیر امور خارجه اتریش و کلمانسو رئیس الوزرا فرانسه به میان آمده. چنان که گفتیم چرنین وزیر امور خارجه اتریش چنین اظهار نموده [است] که کلمانسو به او نزدیک شده شرایط صلح را از او خواسته است. وی در جواب موضوع آلتاس و لرن را مانع انعقاد صلح دانسته و [گفته است] اگر این موضوع از میان برداشته شود و دولت فرانسه بدین دو ایالت نظری نداشته باشد انعقاد صلح اشکالی نخواهد داشت. کلمانسو از این موضوع بسیار عصبانی است و به کلی چنین اظهاری را از ناحیه خودش انکار می‌کند. چرنین در مقابل ابلاغیه مفصلی اشاعه داده [است] و در این ابلاغیه اظهار می‌دارد که از اوایل سال گذشته تا همین اواخر راه مذاکرات غیررسمی میان اتریشیها و فرانسویها باز بوده. کلمانسو در دفاع از خود می‌گوید چنین مذاکرات اگر هم بوده قبل از تشکیل کابینه او صورت گرفته و پس از تشکیل کابینه او مذاکراتی اصلاً میان فرانسویها و اتریشیها جریان نداشته. چرنین چنین می‌گوید که مذاکرات با فرانسویها پارسال قطع شده. ولی همین اواخر طبق درخواست کلمانسو تجدید گردید. کلمانسو در مقابل

تکذیب این بیانات را نموده، اظهار می‌دارد خود امپراتور اتریش در نامه‌ای به خط خودش دعاوی فرانسه را به دو ایالت آلزاس و لرن تصدیق می‌نماید. این اظهار هیجانی در اتریش تولید نمود. بر اثر این هیجان چرنین از بوخارست به وینه برگشته است و امپراتور اتریش تلگرافی به امپراتور ویلهلم آلمان کرده، اظهار کلمانسو را به کلی تکذیب و تجدید عهد وحدت و یگانگی با هم‌پیمان خود امپراتور آلمان می‌نماید. وزارت خارجه اتریش هم رسماً وجود چنین نامه و چنین فکری را از طرف امپراتور اتریش تکذیب می‌کند.

دیدار با احتشام السلطنه

آقای احتشام السلطنه را ملاقات و مفصلاً صحبت کردیم. از عثمانیها تعریف و توصیف می‌نمود که راجع به ایران هیچ‌گونه نظر سوئی نداشته‌اند] و اظهارات آنها راجع به حفظ حیثیت و حقوق ایران [است]، و اصلاً قشونی در مرز ایران نخواهند گذاشت. ایشان خیال دارند سه هفته در برلن بمانند.

آلمان و هلند

شنبه ۱۳ تا سه‌شنبه آخر آوریل - تمام این وقت و این مدت محاربات سخت در فرونت فلاندر جریان داشته و بیشتر فتوحات نصیب آلمانها شده است. تپه کیمل را که در حقیقت از نظر موقعیت مهمترین قسمت ایپر است آلمانها تحت اشغال گرفته‌اند] و احتمال کلی دارد به زودی ایپر را از دست انگلیسیها خارج نمایند. معاهده متحدین با رومانی هنوز صورت رسمی به خود نگرفته ولی چند روز است وزیران امور خارجه آلمان و اتریش به بوخارست رفته و برای پایان دادن کار معاهده به مذاکره پرداخته‌اند. مناقشه بالنسبه سختی در این روزها میان آلمان و هلند راجع

به تجدید معاهده تجارتنی در میان بوده. از قرار معلوم بعضی درخواستهای تازه از طرف آلمانها شده [است] که هلندیها قبول نکرده‌اند ولی معهدا عنقریب معاهده میان طرفین به امضا می‌رسد.

انتخابات در تهران

میرزا محمدعلی خان تربیت اخیراً از استانبول به برلن آمده است. از قرار معلوم عده زیادی دیگر از مهاجرین ایرانی در استانبول نمانده است. امروز نامه‌ای از تهران توسط سفارت داشتیم. از قراری که در نامه نوشته بودند انتخابات مجلس شورای ملی ایران تا یک ماه بعد از عید پایان خواهد یافت. نگارنده را از تهران و آذربایجان کاندیدا کرده‌اند. پنج ماه است حقوق ادارات عقب افتاده [است] و کارمندان دولت به سختی زندگی می‌کنند.

استعفای وزیر خارجه اتریش

در موضوع نامه امپراتور اتریش به برادرزن خودش که قبلاً ذکر شده و درخواست صلح کرده است وزیر امور خارجه اتریش بدین علت مستعفی و بوریان به جای او مستقر گردیده است. عثمانیها تقریباً حدودی را که عهدنامه اخیر میان آنها و روسیه برای عثمانیها در حدود قفقاز معین کرده تحت اشغال گرفته‌اند. قارص را به علاوه هشتصد و شصت توپ در ضبط آورده‌اند.

فرونت غرب

چهارشنبه اول ماه مه تا یکشنبه پنجم ماه مه - در فرونتهای غرب جنگ ادامه دارد ولی خبر مهمی در این دو روز نرسیده است. فرانسویها روز سوم ماه مه به حملاتی در فرونت کمل مبادرت نموده‌اند] ولی به موفقیت زیادی نایل نشده‌اند.

قشون عثمانی در خوی

از قراری که خبر رسیده عثمانیها قشونی به حدود آذربایجان وارد [کرده] و خوی را تحت اشغال گرفته‌اند. از قرار مذکور از طرف آلمانها هم عده‌ای به همین طرف اعزام خواهد شد. آلمانها رسماً به دولت ایران اطلاع داده‌اند که در تبریز پنجاه نفر سرباز به عنوان مستحفظ قونسولخانه وارد نموده [اند] و بعد هم همین عده را برای حفظ سفارت خودشان به تهران اعزام خواهند داشت.

کابینه جدید

کابینه مستوفی‌الممالک مستعفی و کابینه جدید به ریاست صمصام‌السلطنه تشکیل شده و آقایان مشاورالممالک و نیرالملک و مشارالسلطنه و مستشارالدوله در این کابینه عضویت دارند.

فوت مادر

روز یکشنبه ۵ مه - آقایان احتشام‌السلطنه سفیرکبیر ایران در عثمانی و کزازی نماینده کرمانشاه به بنده اطلاع دادند که مادر نگارنده فوت کرده است و قطعه‌ای از روزنامه نوبهار تهران مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۱۸ که این خبر در آن درج شده بود برای اینجانب فرستاده‌اند. معلوم است فوت مادر آن هم چنین مادری که تمام عمرش جز نیکی و حسن اخلاق و پاکی طینت و خدمت به خلق و عفت از او بروز نکرده و بخصوص علاقه فوق‌العاده‌ای به اینجانب داشت چقدر نگارنده را متألم نموده است. چه می‌توان کرد دنیا دار فناست، هر کس دو روزی در اینجا اقامت کرده، رخت سفر برمی‌بندد. تقریباً بیست و هفت سال پس از فوت پدر عزیزم، به سن متجاوز از هفتاد سال بدرود حیات گفته است. رحمة‌الله علیها.

اوضاع ایران

دوشنبه ۶ ماه مه - امروز صبح جمعی از آقایان ایرانیان برای تسلیت منزل اینجانب آمدند، آقایان احتشام‌السلطنه و نواب هم بودند. آقای نواب از اوضاع اخیر ایران خیلی مأیوس به نظر می‌آید. انگلیسیها به شدت جای روسها را گرفته مشغول تجاوزات می‌باشند. عثمانیها هم بیشتر نقاط سرحدی آذربایجان را تحت اشغال آورده‌اند. آلمانها هم از قرار معلوم می‌خواهند قشون به این قسمتها که قبلاً روسها تحت اشغال داشته [اند] اعزام دارند. شام را هم چند نفر از آقایان ایرانیان منزل اینجانب بودند. از اوضاع ایران صحبت در میان بود. از قرار راپرت عثمانیها در این چند روزه اخیر جنگ بالنسبه سختی میان عثمانیها و انگلیسیها در حدود بیت‌الحم در میان بوده، پنج روز طول کشیده و انگلیسیها شکست خورده، عقب کشیده‌اند.

صلح با رومانی

سه‌شنبه ۷ تا شنبه ۱۱ ماه مه - صلح متحدین با رومانی به امضا رسیده، جنگ دیگر در طرف شرق به کلی متوقف گردیده. مواد عمده صلح با رومانی همان مواد قرارداد مقدماتی نظامی است که میان طرفین قبلاً امضا شده بود. از قرار معلوم اختلافات میان عثمانی و بلغار بسیار زیاد است. بلغار تمام دوبرژا را می‌خواهد تحت اشغال بگیرد و اصلاً هیچ‌گونه چیزی در عوض به عثمانی ندهد. معلوم نیست عاقبت اختلافات میان این دو دولت به کجا خواهد کشید. بلغارستان در این جنگ بسیار نیرومند و برعکس عثمانی ضعیف و تا حدی، ناتوان شده است.

اشغال کرکوک

انگلیسیها هر روز در طرف بین‌النهرین جلو می‌روند و در طرف فلسطین هم قبلاً اراضی مهمی به دست آورده‌اند. انگلیسیها کرکوک را هم اشغال

کرده [اند] و در طرف کردستان جلو می‌روند. خبر مهمی از فرونت غرب نرسیده است. طرفین مشغول تهیه تجدید حملات می‌باشند.

مهمانی سفارت

چهارشنبه شب در سفارت به شام مهمان آقای نواب بودم. جمعی از ایرانیان جزو مدعوین بودند. پنجشنبه شب منزل آقای احتشام السلطنه به شام موعود بودم. در سر شام با آقای احتشام السلطنه قدری صحبت راجع به طریقه تحصیل در ایران به میان آمد و دامنه‌اش طولانی شد. اختلافات نظر در این موضوع زیاد بود و به هدف مطلوبی نرسید.

فن روزنبرگ

یکشنبه ۱۲ مه - امروز ناهار را در سفارت عثمانی موعود بودم. از ایرانیان آقایان احتشام السلطنه و نواب و سالار معظم و میرزا احمدخان [قزوینی] و میرزا قاسم خان و اعظم السلطنه و از آلمانیان فن روزنبرگ و چند نفر دیگر در سر میز حاضر بودند. اتفاقاً این سومین دفعه است که با فن روزنبرگ در سر سفره پهلوی همدیگر نشسته بودیم. او از برست لیتوسک و بوخارست صحبت می‌کرد. فن روزنبرگ نایب سفارت صلح به ریاست فن کلن بود و به همین واسطه اخیراً خیلی معروف شده است. با او به زبان آلمانی صحبت می‌کردیم، از آلمانی اینجانب تعریف می‌کرد. ساعت هفت بعد از ظهر آقایان سالار معظم و میرزا احمد قزوینی به طرف استانبول حرکت کردند. از چهارم ژانویه تا امروز در برلن بودند. در این مدت آقای سالار معظم احساسات بسیار خوش و پسندیده‌ای از خود گذاشته است.

مهمانی فرزین و دیگران

دوشنبه ۱۳ تا جمعه ۲۴ مه - هوای برلن به واسطه نیامدن باران گرم و

قدری خفه شده مانند وسط تابستان. ولی روز جمعه ۲۴ قدری بارندگی هوا را خنک و صاف گردانید. از میدانهای جنگ اخبار بسیار مهمی نمی‌رسد. در بعضی جاها بمباران سخت در جریان است ولی حملات سخت هنوز شروع نشده، از قرار معلوم آلمانیها در حال شروع حملات می‌باشند.

روز پنجشنبه شانزدهم آقایان میرزا محمدعلی خان کلوب و ناصر الاسلام و مساوات مهمانی بالنسبه خوبی در هتل اسپلاناد به جمعی از ایرانیان و عده‌ای از آلمانیها دادند. آقای وزیرمختار ایران هم در این مهمانی بودند.

وضع جنگ

شنبه ۲۵ مه تا پنجشنبه ۱۳ ژوئن ۱۹۱۸ - روز ۲۷ مه. آلمانیها در یک خط طولانی از لائون تا رمس به استحکامات فرانسویها حمله کرده، خطوط فرانسویها را شکافته، پیشرفت مهمی نموده‌اند. این حملات هشت روز طول کشیده و آلمانیها را به مرکز این اُفانیسیو به رود مارن که آخر پیشرفت قشونی آلمان در سال ۱۹۱۷ بوده رسانید. در طرف راست، شهر مهم سوآسون را آلمانیها تحت اشغال گرفته و در طرف چپ خطی از رمس تا مارن را تحت اشغال آورده‌اند. طبق راپرت خودشان آلمانیها متجاوز از پانصد عرابه توپ و هفتادوپنج هزار اسیر جنگی و غنائم بسیار دیگر از فرانسویها به دست آورده‌اند. در چهارم ژوئن فرانسویها توانستند در خط میان نوایی و شاتوتیری جلوگیری از پیشرفت قشون آلمان بنمایند. این خط طولانی از شرق به غرب متمایل به طرف پاریس می‌باشد. روز نهم ژوئن آلمانیها حملات خود را در خطوط میان من دیدیه و نوایی تجدید کرده در سه روز جنگ شکستی به فرانسویها داده اراضی و غنائم بسیار به دست آورده‌اند.

پاریس در خطر

این شکستهای پی در پی قوای متفقین را ضعیف و موازنه نظامی را برهم زده موقع آلمانها را محکمتر [کرده] و به همان نسبت موقع انگلیسیها و فرانسویها را ضعیفتر میگرداند. در هر صورت پاریس امروز در خطر مستقیم واقع است و نقشه هندنبورگ یقیناً حملات در این مرکز مهم می باشد و احتمال دارد عنقریب بدین هدف برسد. در هر صورت قوای آلمان مجال نفس کشیدن به فرانسویها را نداده، پی در پی حملات خودشان را تجدید می کنند تا از نتیجه مطلوبه که اضمحلال قوای طرف و انعقاد معاهده صلح به صرفه و صلاح خود [باشد] برخوردار شوند. عجالتاً شب آستن است تا چه زاید سحر. از فروتنهای دیگر خبر مهمی نرسیده است. همه جا منتظر نتیجه جنگهای سخت در فرانسه می باشند.

عثمانیها در تبریز

عثمانیها در طرف آذربایجان جلو رفته و از قرار خبری که رسیده شهر تبریز را هم تصرف کرده اند. دولت ایران به این تجاوزات اعتراض کرده عثمانیها جواب مطلوبی نداده اند. می گویند برای قلع و قمع آرامنه و جلوگیری از انگلیسیها داخل آذربایجان شده اند. اوضاع تهران هم چندان روشن و مطلوب نیست.

استعفاي صمصام السلطنه

آقای صمصام السلطنه که پس از آقای مستوفی الممالک تشکیل کابینه داده استعفا داده، آقای مستوفی الممالک مجدداً به ریاست وزرا منصوب [شده است] و اشخاص کابینه او تقریباً همان اشخاص کابینه صمصام السلطنه می باشند و خود صمصام السلطنه هم در این کابینه وزارت داخله را دارد. در هر صورت اوضاع ایران هیچ تعریفی ندارد. رفتار عثمانیها هم چندان

خوب نیست. از مردم جریمه مطالبه می کنند و به زور اسکناسهای خودشان را به مردم می دهند.

تحت البحریهای آلمان در آبهای آمریکا مشغول عملیات شده اند. از قرار معلوم تردد کشتیهای تجارتي در اقیانوس اطلس به خطر افتاده است.

تلگراف حبیب الله خان شیبانی

تلگرافی از ماژور حبیب الله خان شیبانی داشتم. خواهش کرده است اجازه حرکت او از استانبول به طرف برلن هر چه زودتر گرفته [شود] که به برلن وارد شود. آقای نواب چند روزی به هلند رفته [بود] و پس از مراجعت به برلن چند روزی است ناخوش و بستری می باشند. از تهران اطلاع رسیده [است] که نیرالدوله و شیخ الرئیس مرحوم شده اند.

انگلیس و عثمانی در ایران

جمعه ۱۴ ژوئن تا پنجشنبه ۲۰ ژوئن ۱۹۱۸ - عثمانیها قطعاً تبریز را تحت اشغال گرفته [اند] و بعضی عملیات بی رویه هم در آذربایجان به جا می آورند. از عملیات آنها شکایت بسیار رسیده است. شب چهاردهم ژوئن در منزل مصریها به چایی موعود بودم. با فن ویزندونگ که به تازگی از مسافرت باطوم برگشته است راجع به عملیات عثمانیها در آذربایجان صحبت کردم. می گفت عثمانیها اصلاً تقصیری ندارند، چه کنند؟ تجاوزات انگلیس در ایران به قسمی زیاد شده [است] که عثمانیها را به حفظ سرحدات خودشان در حدود قفقاز و ایران مجبور گردانیده است. حکومت ایران به کلی در دست انگلیس عاجز و بی قوه مانده است. عثمانیها علناً نظر خودشان را بیان می کنند و می گویند برای حفظ جبهه قفقاز از حمله انگلیس، قشون به طرف آذربایجان اعزام نموده [اند] که مرزهای خودشان را مصون نگه دارند و تقریباً دل خوشی هم از

مستوفی الممالک ندارند و دولت و حکومت او را طرفدار انگلیسیها می دانند. روزنامه تردویچ آگماين در شماره روز ۱۹ ژوئن طرفداری از کابینه مستوفی الممالک نموده، می نویسد که ایشان وطن پرست است و هیچ زمان علیه منافع مملکت خود کاری نکرده [است] و نخواهد کرد.

نطق امپراتور آلمان

اتریشها در ۱۹ ژوئن در تمام جبهه ایتالیا افانسیو شروع کرده [اند]. اگرچه پیشرفتشان آن طور که منظور بوده سرعت نداشته ولی باز در بعضی نقاط جلو رفته و طبق راپرت خودشان سی هزار اسیر جنگی از دشمن گرفته اند. جنگ این طرف در کمال شدت ادامه دارد. امپراتور آلمان در روز پانزدهم ژوئن که روز سال سی ام سلطنت او بود در فرماندهی کل آلمان در جواب هندنبورگ می گوید جنگ امروزه میان تمدن نژاد آنگلوساکسن و ژرمن می باشد. دنیا باید از زیر تجاوزات انگلیس بیرون آید. شکی در این نیست که نژاد ژرمن به فتوحات مطلوب نایل خواهد گردید.

کتاب اردمان

در این چند روز کتابی را که یک نفر صاحب منصب آلمانی به عنوان در جنگ مقدس به ایران راجع به ایران نوشته می خواندم، این افسر آلمانی موسوم به اردمان در اوایل ۱۹۱۵ به جبهه عراق رفته پس از مدتی توقف در آنجا مأمور به ایران می شود. به همدان می رود و در آنجا عده ای داوطلب جمع کرده بر اثر تبلیغات ملیون و آزادیخواهان ایران عده زاندارمها هم بدین قوه ملحق شده، حملات به روسها را شروع می نماید. مدتی با روسها در زدوخورد بوده تا اواسط ۱۹۱۶ که روسها قصر شیرین را تحت اشغال گرفته و میسیون نظامی آلمان منحل می شود به بغداد برمی گردد و مأموریت او پایان می یابد. اردمان در این کتاب شرحی از

ایرانیان انتقاد می کند. عمداً هم بد نوشته است، سرگذشتهاى خودش را شرح می دهد ولی از روی این سرگذشتها خواننده حس احساسات مطلوبی نسبت به ایرانیان پیدا نمی کند. مخصوصاً جایی که از فرار کردن ایلات و قشون چریک و مجاهدین از جلو دشمن و به حساب دادن اعداد غیر صحیح داوطلبان آن هم برای حفظ وطن و در برابر دشمن خارجی [سخن گفته است] خواننده را از این گونه اظهارات به ایرانیان دل سرد می نماید. اگر چه افسر نامبرده به علت صدمات در ایران احساسات خوشی در ایران پیدا نکرده ولی متأسفانه باید گفت وقایعی را که شرح می دهد خودمان هم تا حدی ناظر آنها بوده ایم.

حرکات سردسته ها را در قصر شیرین و حرص و طمع آنها را در انجام خدماتی که صورت نمی دادند و حمل اسلحه ای که بیشتر برای نمایش بوده [است] و برای جنگ حاضر نمی شدند و بسا برای لخت کردن بیچاره ها این اسلحه را حمل می کردند فراموش نکرده. نوشتجات این افسر چیزهای تازه ای نیست ولی به شکل کتاب و آن هم در خارج ایران در برلن، خواندنش برای ایرانیها چندان لذت بخش و خوشایند نیست.

جبهه های جنگ

جمعه ۲۱ تا سه شنبه ۲۵ ژوئن - افانسیو اتریش در طرف ایتالیا به هدف مطلوبه نرسید، در همان دو روز اول قشون اتریش قدری پیشرفت کرده مخصوصاً در قسمت پیاوه قسمتی از ساحل راست رودخانه پیاوه را در تصرف آورد. ولی رفته رفته نیروی دشمن به حملات پرداخته و نیز به علت تغییر هوا و بارندگیهای فوق العاده شدید و طغیان آب رودخانه این مواضع را تخلیه [کرده است] و به سرعت به ساحل چپ رودخانه برمی گردند. این حملات اتریشها جز دادن قدری تلفات به کلی بی نتیجه بود. فایده ای که رسانده است این بود که قشون ایتالیا را در همان حدود

مشغول نمود که به فرونت غرب و به کمک فرانسویها و انگلیسیها نروند. این موضوع قابل ملاحظه است که اتریشیها تا به حال در این جنگ هیچ گونه ابتکار و قوه پیشرفتی از خود نشان نداده [اند] و همیشه آلمانها می بایستی با آنها در این قبیل جنگها شرکت نمایند. در طرف غرب در فرونت فرانسه خبر تازه مهمی نیست ولی [به طور] محقق سکوت قبل از طوفان می باشد. نزدیک یک هفته است هوا به کلی تغییر کرده اغلب شب و روز باران می آید و همین بارندگیها تا حدی مانع تجدید محاربات سخت در طرف غرب بوده است.

سختی زندگی در آلمان

اوضاع زندگی مخصوصاً در قسمت خوراک پیوسته در آلمان سخت می شود و بخصوص به طبقات پایین فشار سختی وارد می آید، بخصوص موضوع نان مردم کم کم غامض شده است. طبق راپورت های واصله از وینه قحطی، بی نانی در آنجا بسیار شدید است. از طرف مجارستان به اتریش قدری کمک می شود ولی باز کار ارزاق و بخصوص به دست آوردن گندم برای نان خیلی مشکل شده است و در برلن هم سخت است. ارزاق خارج از جیره ای که دولت معین کرده است اصلاً یافت نمی شود. بعضی چیزها را ممکن است با قیمت گزاف به دست آورد ولی رو بهم رفته اوضاع تنگی و قحطی فشار سختی به مردم وارد می آورد.

نظر امریکاییها

روز یکشنبه ۲۳ ژوئن - آقای مهدی خان امیرتومان برادر ناصرالملک به برلن وارد [شد] و شب همان روز به طرف سویس حرکت نمود. برای چایی ایشان را در سفارت ملاقات کردم. آقایان احتشام السلطنه و مساوات و میرزا محمدعلی خان کلوب هم بودند. ایشان از امریکا به استکهلم آمده

و از آنجا پس از تحصیل جواز به برلن حرکت نموده [است] و خیال دارد مدتی در سویس بماند. از قرار گفته ایشان زندگی در امریکا چندان تفاوت نکرده و گران هم نشده است. امریکاییها چندان احساساتی برای این جنگ نشان نمی دهند و قلباً هم چندان علاقه ای به متفقین ندارند. ولی بدیهی است دولت طوایف متحده امریکا می کوشد که بدین جنگ به نفع متفقین که با آنها متحد شده [است] پایان دهد.

نطق وزیر امور خارجه آلمان

روز دوشنبه ۲۴ ژوئن - کلمان وزیر امور خارجه آلمان نطق مفصلی در رایشتاگ راجع به سیاست خارجی آلمان ایراد کرد. شرح مفصلی از اوضاع و موقعیت خارجی دولت آلمان ذکر [کرد]. ضمناً می گوید اخیراً دولت عثمانی بر اثر موقعیت عراق عرب مجبور شده راه بادکوبه به تبریز و جلفا را اشغال و بدین واسطه خط مراوده به دجله را باز نماید.

جمهوریهای قفقاز

در قفقاز عثمانیها جلو نرفته در آنجا جمهوری گرجستان تأسیس شده است. آرامنه و تاتارها هم برای خود جمهوری تأسیس کرده اند. هر سه این جمهوریها به نام جمهوری ماوراء قفقاز نامیده خواهد شد.

انتقاد از نطق وزیر خارجه

چهارشنبه ۲۶ تا یکشنبه ۳۰ ژوئن - نطق کلمان وزیر امور خارجه آلمان مخالفت سختی میان دسته های راست و مرکز ایجاد نموده است. روزنامه جات هم به او حملات شدید آورده اند و مخصوصاً از آنچه که راجع به نتیجه این جنگ ذکر کرده [است] و می گوید جنگ کنونی به فتوحات نظامی تنها ختم نخواهد شد مورد تنقید واقع شده است. دو روز

است مذاکره استعفای او در میان است. ولی تا به حال استعفای او قطعی نشده. در ضمن نطق خودش کلاً مسئولیت این جنگ را بر عهده روسها می‌گذارد و می‌گوید انگلیسیها از این مسئولیت مبرا می‌باشند. بدین ترتیب می‌خواهد از انگلیسیها تملقی گفته باشد. ولی مطبوعات انگلیسی نطق او را مستند به ضعف آلمان می‌دانند و علی‌الظاهر خشنودی اظهار نمی‌نمایند. این نطق شاید در میان کارگران و سوسیالیستهای روسیه اثر خوبی داشته باشد.

روز جمعه بیست و نهم چند نامه به استانبول برای آقایان سالار معظم و میرزا احمدخان و میرزا حبیب‌الله خان شیبانی و چند نفر دیگر نوشته به توسط سفارت فرستادم.

قتل سفیر آلمان در مسکو

دوشنبه اول ژوئیه تا دوشنبه ۸ ژوئیه - یکی از اخبار مهم این چند روز قتل سفیر آلمان است که در مسکو به وقوع پیوسته. در روز پنجم این ماه دو نفر تروریست وارد سفارت آلمان در مسکو گردیده ملاقات سفیر را خواستگار [شده] او را با چند گلوله ترور می‌نمایند. از قراری که گفته شده این قتل به تحریک متفقین به وقوع پیوسته [است] و مقصودشان از این عمل طرف نمودن آلمان با حکومت بلشویک می‌باشد.

اعتراض ایرانیان

در این دو روزه اخیر اعتراض سختی از طرف ملیون و آزادیخواهان ایرانی مقیم برلن کتباً به دولت آلمان تقدیم و تخلیه قسمت ایالت آذربایجان را از قشون عثمانی تقاضا نموده‌اند. اعتراض کتبی دیگری هم مستقیماً به دولت عثمانی شده و به توسط سفارت عثمانی در برلن فرستاده شده است. متأسفانه به واسطه انسداد راه روسیه خبری اخیراً از ایران نرسیده

است. حتی تلگراف هم از این راه مخابره نمی‌شود. موقعیت قفقاز طوری نیست که امروز آمد و رفت پست ممکن باشد. نامه‌ای از آقای مفخّم‌الدوله از رم داشتم، اظهار محبت نموده [اند] و از اوضاع و موقعیت رم هم چندان رضایت ندارند.

مسافرت باویر

خیال دارم روز سه شنبه نهم ماه ژوئیه مسافرتی به جنوب آلمان به ایالت باویر بنمایم بلکه کمی از وضع فعلی و افکار تاریک خلاصی یابم. وضع زندگی اینجا و نرسیدن خبر از ایران و نگرانی از آتیه نگارنده را بسیار عصبانی کرده است. آقایان ایرانیها هر روز از طرف استانبول به برلن وارد [می‌شوند] و تمام جز پریشانی برای آتیه خبر لذت‌بخشی ندارند. در هر صورت کمی تغییر و گردش در این فصل لازم است.

درباره باویر

بد نیست در اینجا پیش از حرکت به جنوب آلمان مختصری از باویر بنویسم: آلمان متحد دارای دو ایالت مهم در شمال و جنوب می‌باشد که در سابق هر یک کشور پادشاهی مهمی را تشکیل می‌داده‌اند؛ ایالت پروس در طرف شمال و باویر در طرف جنوب. پروس مرکز تحولات عمده ملل ژرمن و به دریا‌های شمالی متصل [است] و باویر عمده مرکز بیلاقی آلمان جنوبی به رشته‌های کوه آلپ مصادف می‌شود. دره‌های بارور، جنگلهای انبوه، دریاچه‌های مهم زیبا و اراضی حاصلخیز سطح باویر را تشکیل می‌دهد. رودخانه تاریخی رن طرف مغرب و رودخانه دانوب طرف مشرق باویر را سیراب می‌گرداند. آب و هوای این ایالت بسیار ملایم و مطبوع، کشت و کار کشاورزی آن بسیار مهم [است] به قسمی که اراضی اطراف شهر مونیخ را که شهر بزرگ و مرکزی و تاریخی این ایالت است انبار آذوقه آلمان می‌نامند.

کلیساها

جنگلهای باویر نیازمندی آلمان را از چوب تأمین می‌نماید و مواشی این قسمت مواد شیری فراوان به بازارهای تمام آلمان می‌دهد. موقعیت جغرافیایی باویر در حقیقت شاهراهی است از روابط بازرگانی میان آلمان و اتریش و سوئیس و ایتالیا. قسمت عمده اهالی باویر کاتولیک می‌باشند و مأمورین پاپ در آنجا بر کلیسا حکومت دارند. در صورتی که پروس مهد انقلابات مذهبی و اصلاحات کلیسایی بوده [است] و کلیسای پروتستان در آنجا نام و نموبر خود می‌گیرد. طبق آخرین احصاییه در حدود $\frac{2}{3}$ اهالی باویر کاتولیک و $\frac{1}{3}$ از کلیساهای دیگر و مذاهب دیگرند.

تاریخ باویر

در سال ۱۸۷۰ میلادی این ایالت به اتحاد ژرمن پیوسته با سایر ایالات ژرمن امپراتوری آلمان متحد را به وجود آوردند. ولی تا مدتی بعضی از این ایالات پادشاهی سابق خود را تا مدتی محفوظ نگاهداشته‌اند تا حد استقلال داخلی مانند اداره پست و تلگراف و نظام در زمان صلح و بودجه مخارج داخلی خود را مستقلاً در دست داشتند. پس از انقراض روم غربی گت‌های شرقی بدین قسمت آلمان هجوم آورده، قسمت عمده باویر امروزی را در تصرف گرفتند. همین ایالت بود که قسمت عمده‌ای از امپراتوری شارلمانی را تشکیل می‌داد. در سال ۱۸۰۵ ناپلئون بناپارت پادشاهی باویر را تأیید نموده بر استحکام موقعیتش بیفزود. پس از او نیز استحکام این پادشاهی بر جا ماند. تا وحدت ژرمنها و تشکیل یک امپراتوری متحد آلمان به میان آمد. در زمان صدارت بیسمارک پادشاهی باویر زمانی با آن صدراعظم نامی مخالفت می‌نمود. چنان که در ۱۸۶۶ در جنگ میان پروس و اتریش، پادشاهی باویر به اتریش کمک می‌نمود. ولی پس از شکست اتریش این ایالت مهم دست از مخالفت برداشته با پروس

و صدارت بیسمارک دست اتحاد داد، چنان که در جنگ ۱۸۷۰ میان پروس و فرانسه این ایالت کمک بسزایی به پروس نمود. پس از شکست ناپلئون سوم و ایجاد تحولات شدید در فرانسه دست اتحاد به طرف پروس دراز کرده با ایالت دیگر ژرمنها که از هم جدا [بودند] و مستقل می‌زیستند، وحدت آلمان امروزی را به وجود آوردند.

امروز تمام ایالات آلمان به هم پیوند می‌باشند و در سیاست عمومی داخلی و خارجی یکنواخت و متحد بوده، ادارات عمومی در تمام آنها متحدالشکل می‌باشند و بخصوص در زمان جنگ اصلاً اختلافی ظاهر نمی‌نمایند. ولی باز در بعضی چیزهای داخلی استقلال زندگی دیرینه خود را محفوظ داشته‌اند. چنان که شهر مونیخ مرکز کاتولیکهای این قسمت می‌باشد و فرهنگ مذهبی کاتولیکی را تا همین تاریخ برای خود حفظ نموده [اند]. در صورتی که این رویه اصلاً در پروس و بعضی از ایالات دیگر رعایت نشده، برنامه فرهنگی دولت کاملاً یکنواخت اجرا می‌شود.

رفتن طباطبایی به ایران

آقای طباطبائی تلگرافی به آقای میرزا قاسم خان نموده که تا پانزده روز دیگر از راه باطوم عازم ایران می‌باشد، معلوم نیست ایشان به چه ترتیب از باطوم به ایران خواهد رفت، مگر اینکه عثمانیها از باطوم به تبریز راه را برای ایشان باز [نگاه] دارند.

مسافرت اینجانب به باویر از سه‌شنبه ۹ ژوئیه تا سه‌شنبه ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۸ به طول انجامید. تمام این مدت را در جوار و یا سواحل دریاچه‌های آلپ آلمان و یا در اطراف شهر مونیخ و یا در خود شهر مونیخ به گردش مشغول بودم و تا حدی استفاده صحیحی حاصل نمودم. مدتی در قصبه پُری‌پن کنار دریاچه کنیزه و مدتی دیگر در شهر مونیخ متوقف و در حال گردش بودم.

تغییر اوضاع

در این مدت غیبت از برلن در موقعیت جنگ و سیاست عمومی تغییر عمده‌ای به ظهور نرسیده. آن ایام که قصد حرکت از برلن داشتیم افانسیو آلمان به طور خوشی پیشرفت می‌نمود و گمان آن می‌رفت که عنقریب نقشه تازه‌ای پدیدار و پاریس به دست آلمانها اشغال شود و قشون آلمان تمام شمال فرانسه را تا سواحل دریای مانس در اشغال گیرند. ولی در برگشتن از این مسافرت نقشه واژگون و اوضاع جنگ شکل دیگری به خود گرفته است. قشون متفقین در اواسط ژوئیه شروع به حملات سخت کرده به پیشرفتهای مهمی نایل آمده‌اند و بیم آن می‌رود که صفوف آلمان را به کلی درهم شکسته خودشان را به سرحدات آلمان برسانند. بدین ترتیب هر روز فتوحات متفقین صفحات جراید آنها را پر کرده و از این طرف [در] آلمانها علائم پژمردگی و فرسودگی هویدا شده است.

وضع بلغار

در اواخر سپتامبر نغمه جدیدی بدین طنبور اضافه گردید. شکست قطعی قشون عثمانی در حدود شامات و بیت المقدس به دست قشون انگلیس و شکست قشون بلغار به دست قشون متفقین در حدود مقدونیه پی در پی می‌رسد. هواخواهان دول مرکزی اروپا و عثمانی با دلی پژمردگی به اوضاع تاریک آتیه می‌نگرند. در این احوال موقع داخلی بلغار پیرو شکستهای سخت قشون آن دولت در جبهه جنگ به قسمی پریشان شده [است] که حکومت بلغار از فرماندهی قشون متفقین درخواست متارکه و تقاضای صلح نموده، از متحدین دیرینه خود جدا شده است. در این ضمن احزاب رایشتاگ آلمان مذاکرات طولانی به پایان رسانده و به تغییر شکل حکومت آلمان مصمم شده‌اند.

کابینه جدید آلمان و تقاضای متارکه جنگ

صدراعظم آلمان مستعفی و پرنس ماکس فن یادن که از دیر زمانی به آزادیخواهی معروف بود به صدارت منصوب و به اکثریت مجلس و اعضای کابینه از رؤسا و اعضای احزاب نمایندگان رایشتاگ متکی [شد] و حکومت خود را تشکیل داد. کابینه مزبور در روز پنجم اکتبر ۱۹۱۸ به رایشتاگ معرفی [شد] و شب قبل از آن دول آلمان و اتریش و عثمانی از رئیس جمهور امریکا درخواست متارکه [جنگ] و به میان آوردن مذاکرات صلح نموده [اند] بدین ترتیب که پروگرام چهارده گانه و پنجگانه رئیس جمهور امریکا را اساس صلح قرار داده درخواست صلح کرده‌اند. در جواب این درخواست دولت امریکا بعضی سؤالات از دولت آلمان نموده. من جمله آیا دولت آلمان تمام مواد ویلسن را قبول دارد؟ آیا دولت آلمان از جانب ملت آلمان مذاکره می‌نماید؟ دولت آلمان در جواب این سؤالات تمام مواد چهارده گانه ویلسن را قبول کرده خود را نماینده ملت آلمان معرفی می‌نماید. در جواب این اظهارات، امریکا شرحی شکایت از رفتار قشون آلمان در ممالک متصرفه و تحت البحرهای آلمان در مورد کشتیهای تجارتي و مسافری دریایی اظهار [کرده] و تقریباً پیشنهاد متارکه جنگ و [استقرار] صلح را که از طرف آلمان شده رد نموده است. مع هذا آلمانها در پیرو این بیان نامه امریکا اظهارات خودشان را تجدید و با یک دیپلماسی و جملات ملایم از کرده‌های خود اظهار پشیمانی [کرده] و وعده رفتار بهتری در آتیه به خصوص راجع به غرق کردن کشتیها و رفتار نسبت به مسافری در دریا داده، مجدداً خواستگار متارکه و انعقاد صلح با شرایطی که به شرف ملت آلمان سکت و خدشه‌ای وارد نیامورد شده‌اند. ضمناً قشونهای متفقین پیشرفتهای نمایان کرده تا اواسط ماه اکتبر قطعه بزرگی را از فلاندر تحت اشغال خود آورده [اند] و هرروز در حال پیشرفتن می‌باشند. لیل را قبلاً اشغال و ضبط و تقریباً تمام شمال فرانسه را آزاد نموده [اند] و قشون آلمان با تلفات زیاد مشغول عقب نشینی می‌باشند.

بلغارستان - عثمانی

بلغارستان به کلی از جرگه دول متحده خارج [شده] و شرایط متفقین را پذیرفته. در حقیقت خود را جزء آنان قلمداد کرده است. در هفته اول اکتبر راه بلغارستان به استانبول بر روی مسافرین مسدود گردیده و در قسمت اول همین ماه صربیهها شهر نیش را تحت اشغال گرفته اند. اوضاع استانبول روز به روز تاریکتر و وحشتناکتر می شود. در اوایل اکتبر رؤساء حزب اتحاد و ترقی از کابینه خارج [شدند] و کابینه جدیدی تحت ریاست عزت پاشا تشکیل گردید. بدیهی است اوضاع داخلی عثمانی پس از این شکستهای پی در پی از چه قرار است. فرونت فلسطین به کلی خراب [شد] و انگلیسیها تمام فلسطین و شامات را تحت اشغال گرفته اند و حتی شهر استانبول بر اثر اوضاع جدید بلغارستان در تهدید واقع شده است.

ورود حبیب الله خان

ماژور حبیب الله خان شیانی مدتی بود که می خواست به طرف برلن حرکت کند آلمانها معلوم نیست به چه علت جواز حرکت به او نمی دادند و حتی خود اینجانب چند دفعه به توسط ویزندونگ جواز حرکت او را از وزارت خارجه آلمان درخواست نمودم جواب صریحی نمی دادند. در اواسط سپتامبر ایشان از استانبول حرکت کرده به وینه آمده و پس از سه هفته اقامت در وینه به برلن وارد شده اند. شرح مفصلی از اوضاع استانبول و از ایرانیان در آنجا بیان می نمود، خود ایشان شخصی است مستقل و بی طرف و حتی القوه داخل هیچ گونه کشمکشهای شخصی و حتی سیاسی نمی شود.

وضع ایرانیان استانبول

در این موقع وضع ایرانیان مهاجر در استانبول پر واضح است، هیچ کدام با

همدیگر موافقت کامل ندارند و از قرار معلوم تماماً از رفتار عثمانیها و بخصوص از سیاست اخیر دولت عثمانی و قشونکشی به حدود آذربایجان و اظهارات مطبوعات استانبول در این زمینه رنجیده خاطر می باشند و در حقیقت هیچ کدام از دولت آلمان و عثمانی دل خوشی ندارند. از قرار معلوم آقای طباطبائی هم اخیراً شرح مفصلی در جریده «خاور» علیه عثمانیها و آلمانها و رفتار آنها انتشار داده [است و] سپس به طرف قفقاز حرکت می کند. از قرار مسموع میان ایشان و احتشام السلطنه سفیر کبیر چندان صفایی نبوده است.

رفتار احتشام السلطنه

چیز فوق العاده اینکه آقای احتشام السلطنه با نگارنده هم علی الظاهر اظهار محبت می نمود، ولی از قرار گفته بعضی از آقایان که اخیراً به برلن آمده اند باطناً چندان صفایی وجود نداشته است. یکی از رؤسای ملیون در برلن همین شکایت را از آقای نواب وزیر مختار ایران در برلن با زبان دیپلماسی بیان می نمود که اغلب ایشان با آنکه علی الظاهر اظهار محبت داشته [اند] ولی در عمل نسبت به او بی لطفی می نموده اند.

صفات ما

ما باید امروز رویه و رفتار خود را تغییر داده به ترتیب امروز رفتار کنیم. دنیا حسود است بخصوص دنیای کوچک ما ایرانیان. متأسفانه نمی توانیم موفقیت اشخاص را با دیده صحیح و بی آرایش بنگریم. اگر فلان شخص دارای شخصیت و نامی است سعی نمی کنیم رفتار او را پیروی کنیم، کوشش می نماییم او را کوچک و از آن شخصیت و اعتبار ساقط و نام نیک او را به بدی یاد نماییم. متأسفانه نظر ما راجع به اشخاص همین طور است که اظهار شد. بدینان از همین نظر مردم را به باد تنقید می گیرند. بدینان از

همین نظر است موفقیت اشخاص را نمی خواهند. خداوند ما ایرانیان را توفیق بدهد، خداوند جهالت ما را به علم و معرفت مبدل گرداند، نظر ما را توسعه بدهد. بس است کوتاه نظری و کوتاه بینی، امروز دیگر روز غرض رانی نیست. مردم آزاری را باید کنار گذاشت. افراد مملکت را باید پاک و منزه نگه داشت. تعالی و سعادت آنان را تعالی و سعادت مملکت دانست. کشور مایملک ملت است و افراد ملتی را تشکیل می دهند. اگر افراد بر ضد همدیگر باشند، اگر افراد سعادت نداشته باشند، اگر افراد تمکن نداشته باشند و اگر افراد به طور کلی پریشان حال باشند، ملت ذلیل و پریشان است و کشور بیچاره و دردمند است و خراب و ویران. هموطنان عزیز، هموطنان خود را عزیز بدانید. خوشی آنان را خوشی خودتان بشمارید. اگر تمام ماها خوش باشیم حال مملکت خوش است. اگر تمام ما متفق باشیم ملت قوی و مملکت متحد و آباد است. امروز سررشته برنامه های آبادانی ممالک مترقی روی همین رویه و سیاست است. یکنواختی و وحدت ملت و استقامت و نیرومندی مملکت تنها عوامل ترقی و تعالی ملل مترقی امروزی است.

خلع سلاح آلمان

روز پنجشنبه ۲۷ اکتبر - جواب ویلسن رسیده از اظهارات آلمان از قبول کلیه مواد ویلسن یادآوری کرده، ضمناً می گویند پیشنهاد متارکه متفقین باید با یک شرط اساسی توأم باشد که بعد از این دیگر دولت آلمان نتواند جنگ را از نو ایجاد نماید. به عبارت دیگر، باید سلاح بری و بحری از دست آلمان گرفته شود و قوای ملت آلمان در ید اقتدار امپراتور و نظامیان نباشد. مطبوعات آلمان راجع به این پیشنهاد دولت امریکا مختلف العقیده می باشند. روزنامه جات دست راست و ارگانهای کنسرواتورها مخالف این پیشنهاد می باشند. آزادیخواهان مرکز سکوت اختیار کرده اند] و سکوت

آنها علامت رضامندی است. مطبوعات دست چپ می گویند به هر ترتیبی هست می بایستی به جنگ خاتمه داد. از قرار معلوم دولت امروزی آلمان دیگر برای ادامه جنگ حاضر نیست. گفتگوی استعفای امپراتور در میان است.

عثمانی و متارکه جنگ

اواخر اکتبر سال ۱۹۱۸ فی الواقع ایام تاریخی به شمار می رود. ستاره اقبال متفقین طلوع [کرده] و خورشید بخت و سعادت متحدین به حال غروب افتاده است. عثمانیها پس از شکستهای پی در پی در حدود فلسطین و شامات و از دست رفتن حلب و مراکز مهم دیگر آنجا مجبور به تسلیم شده نمایندگانی نزد فرمانده نیروی بحری انگلیس در مقابل داردائل فرستاده، درخواست متارکه جنگ نموده اند] ضمناً شرایط سخت انگلیسیها را که من جمله اشغال قلاع تنگه داردائل است قبول کرده و به متارکه جنگ در همان اواخر اکتبر تن در داده است.

وضع اتریش

از این واقعه تلخ تر انقلاب داخلی اتریش است، ملل مختلف که از اتباع اتریش به شمار می رفتند و کشور اتریش سابق را تشکیل می دادند در همین اوان از هم جدا [شده] و اتریش - هنگری را به انحلال سوق داده اند. فرونت اتریش در طرف ایتالیا به کلی منحل [است] و قسمتی از این طرف را دولت ایتالیا تحت اشغال گرفته و اوضاع اتریش حتی از اوضاع داخلی روسیه و انقلاب بلشویک تیره تر گردیده است. انجمنهای محلی سربازان و کارگران در نقاط مختلف این کشور تشکیل [شده] و حکومتهای محلی تأسیس نموده به کلی اوضاع اتریش قدیم را واژگون گردانده اند. دول بلغار و عثمانی و اتریش هر سه در حقیقت به ترتیب سابق خود از دست

رفته [اند] و احتمال قوی دارد که قوای متفقین عنقریب از طرف اتریش به آلمان حمله کنند. در این صورت اوضاع آلمان را خوب می شود تحت تصور قرار داد. موضوع کناره گیری امپراتور مورد بحث و مذاکره روزنامه‌جات قرار گرفته [است] و احتمال دارد به همین نزدیکیها صورت وقوع پیدا کند. چنین است خلاصه اوضاع متحدین در اواخر اکتبر ۱۹۱۸

پیشنهاد ناصرالاسلام

سه شنبه ۲۶ اکتبر آقای ناصرالاسلام گیلانی در منزل خود دعوتی از چند نفر از رؤسای ملیون و من جمله نگارنده نموده، موضوع ایران و آتیه خودمان را در میان نهاد. عمده موضوع مذاکرات این بود که آیا ممکن است یک عده‌ای از رؤسای ملیون که اینک در برلن می باشند به یک نقطه بیطرفی مانند سویس و هلند رفته در آنجا تقاضاهای ایران و حوائج فوری ملی خودمان را بیطرفانه مورد بحث قرار داده تصمیمی عملی در این زمینه بگیرند، آیا ممکن است از خود دولت ایران کمک عملی و سیاسی طلب نمود؟ آیا دولت آلمان از این پیشنهاد رضایتمندی خواهد داشت؟ آیا مانعی برای تعقیب چنین نظری پیدا نخواهد شد؟ قرار شد مجدداً دور هم جمع شده یک تصمیم قطعی در زمینه پیشنهاد آقای ناصرالاسلام گرفته شود.

سرنوشت متحدین

در روز اول نوامبر ۱۹۱۸ شرایط متارکه جنگ میان متفقین و عثمانی و در چهارم همین ماه شرایط متارکه جنگ میان متفقین و اتریش منتشر گردید. تقریباً هر دو شرایط نزدیک به یکدیگر و شرایطی است که فاتح بر مغلوب تحمیل می نماید. دولتین مغلوب مذکور شرایط سنگین متارکه را قبول [کرده اند] و تقریباً خود را در ید قدرت فاتحین قرار داده اند. در ضمن

شرایط متارکه جنگ عثمانی، تخلیه ایران هم از قوای عثمانی قید شده است. دولت عثمانی به ترتیب سابق خود تقریباً مضمحل [شده] و اتریش - هنگری هم بدان شکل قدیم به کلی از میان رفته است، حالا نوبت آلمان است. موضوع امپراتور آلمان به شدت مورد بحث روزنامه‌جات واقع شده. سوسیالیستها جداً امپراتور را تعقیب [می کنند] و او را ساقط می شمارند. از اطراف کشور آلمان امروز زمزمه انقلاب به گوش می رسد. نخستین آغاز انقلاب از هامبورگ شروع [شد] و به تدریج به جاهای دیگر آلمان سرایت کرد و بالاخره روز شنبه نهم نوامبر در برلن مشتعل گردید. روز هشتم نوامبر سوسیالیستها به کابینه آلمان اولتیماتوم داده پنج چیز که من جمله استعفای امپراتور و ولیعهد آلمان بود از دولت خواستگار شدند و اگر تا ظهر روز بعد دولت قبول این مواد را نکرد به کلی از کابینه خارج شوند و کشور را به عهده سوسیالیستها بگذارند.

شورش کارگران

از طرف دیگر سوسیالیستها کارگران را تشویق نموده [اند] که روز شنبه نهم [نوامبر] که روز انقضای اولتیماتوم آنهاست دست از کار کشیده منتظر دستور باشند. روز نهم نوامبر مقارن ظهر سربازان ساخلو برلن با کارگران همدست شده پرچم سرخ شورش را بلند کردند. در همین وقت خبر استعفای امپراتور و کابینه رسید. دولت آلمان موقتاً و به کلی به کارگران و سربازان منتقل گردید.

بیرق انقلاب

مقارن ساعت دو بعد از ظهر بود که با میرزا حبیب الله خان شیبانی در مقابل عمارت پارلمان برای نظاره ایستاده بودیم که جمعی از سربازان و کارگران با توپ و مسلسل گرد هم آمده، بیرق انقلاب برافراشته، به نطق پرداخته

بودند و با آواز بلند تقاضای جمهوریت می نمودند. در این وقت دسته‌ای از وکلای سوسیالیستها به بالکن عمارت مقابل مجسمه بیزمارک آمده مشغول تبلیغات شدند.

نطق شاید من

شاید من رئیس آنها نطقی ایراد کرد و گفت خانواده سلطنتی هوهنزولرن برطرف، میلیتاریزم معدوم، چراغ استبداد در کشور آلمان به کلی خاموش و مملکت آلمان به جمهوری اجتماعی ملی مبدل گردیده است. اِبرت یکی از رؤسای سوسیالیست به ریاست وزراء منتخب و مشغول تشکیل کابینه شده است.

شب همین روز و یکشنبه و دوشنبه ۱۰ و ۱۱ نوامبر زدو خورد میان انقلابیون و افسران حامی امپراتور در برلن درگیر بود. مخصوصاً این زدو خورد در اطراف قصر سلطنتی شدت داشت و عده زیادی مقتول و مجروح شدند و کار به جایی رسید که حامیان امپراتور قوه مقاومت را از دست داده مغلوب شدند. بدیهی است اگر قوه‌ای برای آنها باقیمانده بود با دشمن خارجی می جنگیدند. جنگ را آنها به میان آوردند و شکست هم متوجه آنان شده بود و شکست آنها مورث این انقلاب و هرج و مرج است.

پناهِیدن امپراتور آلمان

اوضاع روسیه سال قبل در آلمان فعلی بروز نموده است. شکست در مقابل دشمن حامیان حکومت را ضعیف و عموم مردم را جری و عاصی گردانیده است. این اتفاقات چیز تازه و غریبی نیست. حکومت امپراتوری آلمان با آن همه نظم و دیسیپلین و نیرو از میان رفته و به جای آن حکومت انقلابی مانند حکومت روسیه برقرار گردیده است. امپراتور و عده‌ای از درباریان او به خاک هلند پناه برده و حامیان او هم در آلمان عجالتاً به هر گوشه‌ای پنهان شده‌اند.

۱۵

متارکه جنگ متفقین با آلمان

پنجاه و یک ماه و ده روز جنگ

روز یازدهم نوامبر مذاکرات متارکه جنگ میان متفقین و آلمان شروع شد. بدیهی است شرایط سنگینی به آلمان مغلوب تحمیل می شود. قشون متفقین می بایستی کلیه اراضی غرب رن را تحت اشغال آورده مقدار مهمی ادوات جنگ و آلات حمل و نقل از آلمان بگیرند تا بساط متارکه جنگ را به میان آورند. بدین طریق پس از پنجاه و یک ماه و ده روز آتش جنگ خاموش و منظره صلح عمومی نمودار می گردد. آلمان و متحدین شکست خورده [اند] ...^۱ ولی انگلیس و متفقین پرچم فتح و فیروزی برافراشته‌اند.

از همه دشوارتر حالت عثمانی است. آن کشوری را که ترکان به زور شمشیر در تصرف آوردند تقریباً از میان رفته؛ عربستان و بین‌النهرین و شامات و فلسطین تماماً حالت مصر را به خود گرفته. تمام این قطعات را به استثنای شامات سیاست انگلیس در ضبط خواهد گرفت و تنها شامات

۱. یک کلمه ناخوانا.

نصیب فرانسه خواهد شد. ارمنستان مستقل [و] تحت نظر متفقین خواهد بود. استانبول و عثمانی اروپا شکل بین‌المللی تحت نظر متفقین به خود خواهد گرفت. تنها قطعه آناتولی احتمال دارد به خود عثمانیها واگذار شود. در بلغارستان تغییر مهمی پیدا نخواهد شد. شاید این کشور قسمتی از اروپای عثمانی را در اطراف ادرنه ضبط کند.

اتریش

اتریش سابق، اتریشی که مدتی بالنسبه مدید تحت سلطنت پادشاهان خانواده هابزبورگ [بود و] یکی از دول مهم اروپا را تشکیل می‌داد و نژادهای مختلف را از اتباع خود به شمار می‌داد بدان شکل به کلی از میان رفته تمام ملل اتریش سابق مستقل [شده‌اند] و از خود حکومتی خواهند داشت. پس از این جنگ ممکن نیست اتریش به حالت سابق پایدار بماند.

آلمان و آینده

از همه این دول مغلوب باز موقعیت آلمان بهتر است. بدیهی است آلتزاس و لرن از دست آلمانها خارج می‌شود ولی در آتیه جای شک نیست که اتریش اصلی یا آن قسمتی که گت‌های شرقی از اروپا تحت‌اشغال گرفته‌اند به آلمان فعلی منضم [می‌شود] و جزء وحدت آلمان به شمار می‌رود، و این قسمت محققاً بزرگتر و مهمتر از دو ایالت آلتزاس و لرن می‌باشد. متفقین از خاک آلمان بهره نمی‌توانند ببرند. تحمیلات مادی زیادی هم نمی‌توانند به آلمان وارد آورند و محققاً بیش از آن نخواهد بود که آلمانها در این چندساله جنگ از اطراف به آلمان وارد نموده‌اند. با اطلاعاتی که نگارنده از آلمان و از این نژاد به دست آورده [است] یقین دارم این شکست آلمانها را بیشتر متمایل به وحدت و کار خواهد نمود. در این جنگ نمایش فوق‌العاده از این ملت بروز و ظهور نمود و ممکن است

پس از جنگ ترقیات زیادتری در این ملت بروز کند. هیچ جای تردید نیست که آتیه این ملت منوط به نیروی مقاومت و فعالیت ملت آلمان در مرکز اروپا می‌باشد.

آینده آلمان

ترمیم خرابیهای جنگ، رفع خسارات وارده، پرداختن تحمیلات که بر مغلوب وارد می‌شود، صاف کردن خرابیهای مدت جنگ، باز نمودن راههای بازرگانی و صناعت و بالاخره به کار انداختن سرچشمه‌های عمل و کار مسائلی است که در آینده نزدیک حلش بر عهده ملت آلمان خواهد بود. از تمام خسارات وارده به این ملت بسته شدن طرق و بازارهای بازرگانی مهمتر است. آن بازرگانی سرشار و آن مصنوعات فوق‌العاده آلمان عجالتاً خوابیده و به کلی بی‌حرکت است. به جای مصنوعات بازرگانی کارخانجات آلمان در مدت این جنگ به ساختن ادوات جنگی اشتغال داشتند، حال که جنگ پایان می‌یابد مهمات جنگی دیگر چه فایده دارد. این کارخانجات باید به مصنوعات بازرگانی بپردازند. ولی امروز مواد اولیه که برای به کار انداختن این کارخانجات لازم می‌باشد در دست متفقین است و آلمانها دستی به آنها ندارند و تا آنها را به دست آورند مدتی طول دارد و آن وقت هم به قدر کفایت و لازم به آلمانها بدهند جای حرف است.

آینده اروپا و مشکلات متفقین

آیا متفقین خواهند توانست در آتیه جلوگیری از مواد اولیه بکنند که به آلمان وارد نشود و بتوانند آلمان را تا مدتی از بازرگانی و صناعت دیرینه محروم نگه دارند؟ آیا آلمان با این همه استقراض که برای جنگ نموده کارش به کجا منتهی خواهد شد؟ دشمن دیرینه برای خرابیهای شمال

فرانسه و بلژیک چه مبالغی تقاضا خواهد کرد؟ آیا آلمانها خواهند توانست از عهده پرداخت این وجوه برآیند؟ طرف مغرب رود رن تا چه مدتی در دست متفقین خواهد ماند؟ آتیه نزدیک نشان خواهد داد که این کشورهایی که به نام متفقین در این جنگ نامیده می شوند تا چه حد میان خودشان متفق می باشند. آیا انگلیس و فرانسه خواهند توانست تا مدتی پس از مغلوب ساختن دشمن خود یعنی آلمان با یکدیگر متفق باشند؟ آیا در سر تقسیم غنائم جنگ میان این دو دولت مشاجراتی نخواهد شد؟ آیا امریکا در باطن با انگلیس و فرانسه موافقت تام دارد؟ سهم امریکا از غنائم جنگ چه خواهد بود؟ قسمت عمده عثمانی به استثنای شامات نصیب سیاست انگلیس است. آلتزاس و لرن به فرانسه تعلق خواهد گرفت. قسمتی هم از اتریش تحت سلطه ایتالیا قرار خواهد گرفت. امریکا از این جنگ چه سهمی خواهد برد؟ مناسبات میان امریکا و ژاپن چه شکلی پیدا خواهد کرد؟ اسلاوهای جنوبی با یونان و ایتالیا و یونانیها با ایتالیا چه مناسباتی خواهند داشت؟ کار روسیه با حکومت بلشویکی به کجا منجر خواهد شد؟ اینها اشکالاتی است که در جلو راه متفقین می باشد که هر کدام ممکن است داروی درد آلمان شکست خورده واقع گردد و آتیه را برای آن کشور روشن تر گرداند.

وضع ایران

از اینها گذشته از خود نزدیک تر صحبت بداریم. آیا این شکل پایان یافتن [جنگ] برای ایران ما چه نتیجه ای خواهد داشت؟ آیا مظفریت قطعی آلمان و متحدین، یا این که جنگ به طور میانه روی پایان می یافت برای ایران بهتر می بود؟ اینها سؤالاتی است که جوابش خالی از اشکال نیست. مظفریت قطعی آلمان و متحدین برای ایران خوب نبود زیرا احتمال کلی می رفت که عثمانیها با آلمانها قراردادی راجع به ایران داشته [باشد] و

عثمانیها دست اندازی به قسمتی از ایران و یا لااقل به قطعه ای از آذربایجان می نمودند. بدیهی است چنین مداخلاتی از طرف عثمانی در ایران نه برای ایران و نه برای اهالی ایران صورت خوشی نمی داشت. ممکن هم بود آلمانها با دشمن معاملاتی مخالف منافع ایران نموده ایران را برای دست اندازی دیگران باز می گذاشتند.

مناطق نفوذ

خنثی بودن نتیجه جنگ به طوری که به هیچ طرف فتح قطعی و کامل نصیب نمی شد ممکن بود برای ایران بهتر باشد، ولی در آن صورت معامله انگلیسیها و عثمانیها با ایران چه شکلی به خود می گرفت؟ ممکن بود [میان] این دو دولت مناطق نفوذ انگلیس و عثمانی مانند مناطق نفوذ انگلیس و روس طبق قرارداد ۱۹۰۷ در ایران به میان آید و روز به روز بر خرابی اوضاع ما ایرانیان بیفزاید. این شکلی هم که امروز به میان آمده برای ما خوب نیست. انگلیسیها قدرت سیاسی کامل نه تنها در ایران بلکه تقریباً در تمام دنیا حائز شده اند.

ایران مستقل

سیاست آنها امروز [به نوعی است که] هر کاری که بخواهند انجام می دهند. ممکن است رأی ایشان به اضمحلال سیاسی ایران تعلق گیرد ولی گمان نمی رود چنین فکری در سیاست انگلیس داخل شود و چنین قدمی به خصوص در این موقع بردارد. در تمام مدت جنگ نظر سیاست انگلیس توجه به حفظ ملل ضعیفه داشت و اگر هم به صورت ظاهر بود سیاسیون انگلیس این موضوع را تکرار می نمودند و مکرر راجع به حفظ استقلال ایران اظهارات رسمی نموده اند. وانگهی ایران مستقل علی الظاهر برای سیاست انگلیس بهتر از ایران غیرمستقل است.

سیاست انگلیس

انگلیس امروز به طور غیرمستقیم و بدون هیچ گونه مسئولیتی قدرت سیاسی کامل در ایران اعمال می‌دارد. با جزئی توجیهی دولت ایران را به طرف خود [می‌کشد] و طرق و شوارع ایران را امن [می‌کند] و تجارت خود را در تمام مملکت دَوْران می‌دهد و هر گونه امتیازات نافی هم در نظر گرفت با سیاست گرفتن آن برای انگلیس آسان است و بدون اشکال چنین امتیازاتی را به دست می‌آورد. چنان که قبلاً چند امتیاز مهم به خصوص امتیاز نفت که از مهمترین امور سیاسی [و] بازرگانی است به دست آورده و نفوذ خود را کاملاً مستحکم گردانده است. از این رو می‌توان امیدوار بود که انگلیس با سیاستی که دارد قدمی در ضعف ظاهری استقلال ایران برنخواهد داشت.

وظیفه ایرانیان

در هر صورت باید دانست که امروز بیش از هر وقت سرنوشت ایران در خود ما ایرانیان است. ایرانی باید بداند که بایستی آزاد و ترقی خواه باشد. ایرانی باید کشور خود را به بازرگانی و تکثیر مصنوعات باز نماید. دیگر وقت ایستادن و تماشا کردن و وقت گذراندن و منتظر فرصت موهوم بودن گذشته است. استقلال مملکت مردانگی لازم دارد. استقلال مملکت نیازمند به کار است. اگر ما ایرانیان مردانه بکوشیم و مانند بعضی از ملل ضعیف خودمان را تسلیم قضا و قدر ننماییم و دست روی دست نگذاشته در خواب غفلت فرو نرویم، دیر زمانی نخواهد کشید که ما ایرانیان خواهیم توانست خود را در مقابل دشمن خارجی محفوظ بداریم، امور خودمان را بتوانیم خودمان اداره کنیم. در بازار بازرگانی دنیا شرکت نماییم. احتیاجات ملی خودمان را از صنایع داخلی تأمین [کنیم] و طرق و شوارع خود را ساخته و [آنها را] برای بازرگانی و آمد و رفت خود امن

بنماییم. انتظامات مملکت را خودمان به ترتیبات امروزی بر عهده بگیریم. ملوک الطوائفی و ایل‌نشینی را از ایران براندازیم و دولتی مانند دول مترقی امروزی [ایجاد کنیم] که نه تنها مسئول سرنوشت خود ملت ایران، بلکه مسئول در سرنوشت تمام ملل باشیم. نفوذ دولت ما بتواند در تمام مرزهای مملکت مانند مرکز نافذ و ثابت باشد.

قطره و دریا

امروز روزی است که ما ایرانیان باید کلاه خود را قاضی کنیم و تعصب را کنار بگذاریم و با نظر انصاف بنگریم و خودمان را همان طور که هستیم ببینیم. آیا مردان سیاسی امروزی داریم؟ آیا از فرهنگ امروزی آن طور که بایسته و شایسته است بهره‌مند شده‌ایم؟ آیا میان خودمان وحدت کامل داریم؟ و آیا با این روشی که داریم ممکن است آن وحدت را به دست آوریم؟ آیا آن تربیت سیاسی که امروز لازم است فرا گرفته‌ایم؟ آیا مسائل سیاسی خودمان را پخته کرده‌ایم که راجع به آنها متحد باشیم؟ آیا کارگران و صنعتگران امروزی داریم؟ آیا میان زندگی امروزی ما و زندگی قرون وسطایی اختلاف زیادی دیده می‌شود؟ آیا خودمان را با دنیای امروزی مانوس ساخته‌ایم؟ باید بدانیم که دنیای امروزی ادوات و ابزار و فکر امروزی را لازم دارد و بالاخره باید خودمان را حاضر کنیم که برای آبادانی کشور و استحکام استقلال مملکت کوشش نماییم. امروزه قطره‌ای هستیم در مقابل دریای ترقیات مادی امروزی. باید این قطره را جریان مهمی از آبهای این دریا قرار دهیم بدون اینکه شخصیت و ملیت خود را از دست بدهیم.

حفظ قومیت

ایرانی باید ایرانی بماند ولی ترقیات امروزی را به خود گیرد. اخلاق خوب

خصوصی ایرانی باستان را باید حفظ کند ولی خودمان را با اخلاق عمومی و سیاسی امروزی آشنا سازیم. به طور کلی ما ایرانیان باید در حفظ قومیت محافظه کار باشیم ولی در کار و در عمل آزاد و ترقی خواه. اینها آرزوی نگارنده این سطور است. خیال نکنید که این آرزوها مشکل است به دست آید. برعکس مقابل مشیت حق و احساسات یک عده مردم حساس اصلاً غیرممکن بلکه مشکل هم نیست. امروز باید به میدان کوشایی امروز وارد شویم. کوچک بینی و کوتاه نظری را کنار بگذاریم و با سایر کشورهای مترقی همراه شویم و تا آن حد که لازم است و کوشایی بدان موفق می شود، جلو رویم.

امنیت و قدرت حکومت

مملکت امنیت می خواهد. مملکت حکومت صحیح لازم دارد. ایجاد امنیت بسته به سلطه دولت است. مخصوصاً در مملکتی مانند ایران وسیع و بدون وسائل تردد و حمل و نقل امروزی، دارای ایلات مختلف که در هیچ زمانی خود را کاملاً محکوم به اطاعت حکومت مرکزی نمی دانسته [اند]، [و خود را] در اطاعت هیچ قانونی به جز نیروی استبداد نمی دانسته [اند]. دوران ترقی کشاورزی و رونق بازار ثروت و توسعه فلاح و کشت اراضی بایر، زیاد کردن آب و بالاخره به کار انداختن سرچشمه های مملکت امنیت و قدرت حکومت لازم دارد. اگر چنین امنیت به توسط خود ملت به دست آید و به توسط دولت مستقل و آزادیخواه ثابت گردد چه سعادت بالایی برای ایرانی خواهد بود. ایرانی وطن پرست باید در خط ترقی، در خط آزادیخواهی، در خط ملت دوستی با قدمهای ثابت جلو برود که هم مملکت را در راه ترقی حفظ [کند] و [هم] مداخله ای در کارهای دیگران نموده و نه به دیگران حق مداخله در کارهای خود بدهد.

کشمکشهای سیاسی

کشمکشهای سخت سیاسی داخلی به عنوان احزاب مختلفه سیاسی عجالتاً باید موقوف شود. ایرانی باید یک حزب وطنی تشکیل دهد، آزاد و ترقی خواه در خط جلو رفتن خود ثابت بماند. تعصب ملیت شدید عجالتاً صلاح حال ایرانیان نیست. ایران برعکس هندوستان و مصر دارای یک نژاد و یک قوم مردم است. آذربایجانی، خراسانی، کرمانی و شاهسون بغدادی و یا بختیاری همه از یک نژاد و همه ایرانی هستند. اختلافات رفع نشدنی که در هندوستان میان اقوام و مذاهب مختلف موجود است در ایران مرتفع است. خارجی نمی تواند از این مراحل استفاده نماید. موقتاً ممکن است میان ایلات و مرکز حکومت بعضی اختلافات تولید کنند و یا اشخاصی به خصوص را علیه امور حکومت تحریک و از این راه استفاده موقتی بکنند، ولی این گونه استفاده ها برای یک دولتی مانند دولت انگلیس که نفوذ سیاسی را برای ترقی بازرگانی خویش لازم می داند و منافع بازرگانی را با نفوذ سیاسی توأم گردانده است فایده ای ندارد. اگر ایران را بازار مهمی برای بازرگانی خود می داند همان ایران امن و آباد است. تحریکات بر ضد امنیت نتیجه ای نمی دهد. صرفه بازرگانی خارجی در امنیت و آبادی ایران است. در این قسمت همان نظر ایرانی وطن پرست را باید تعقیب کند.

مالیه و نظام

امنیت و آبادی یعنی بسط کار و فتح باب بازرگانی، ولی بدیهی است از نظر سیاسی و از نظر ایرانیان وطن پرست اختلاف در عملیات بسیار است. محققاً نظر خارجه متوجه مالیه و نظام ایران می باشد و سیاست خارجی بر این است که این دو رشته مهم امور اساسی مملکت را تحت نظارت مستقیم خود درآورد و بدان وسیله حقیقتاً حکومت مملکت [را] در دست

خود بگیرد. در اینجا است که ایرانیان وطن پرست افکار مخالفی خواهند داشت. بدیهی است احساسات وطنی و علاقه به مملکت و شرافت نفس وطن پرستان در فشار سخت خواهد بود. در چنین مراحل و وطن پرستان می بایستی تمام اطراف کار را در نظر بگیرند و تا آنجایی که ممکن است بدون بروز اغتشاش، شرافت نفس خویش و میهن خود را بنمایند.

رشته سیاسی

ولی بدانند که رشته سیاسی مملکت را نباید امروز به کلی پاره نمایند. پاره شدن این رشته امروز با این پیشامد برای ایران فوق العاده خطرناک است. استقلال ایران هر قدر هم در ظاهر باشد حفظش لازم است. این را هم باید بدانیم که آبادانی ایران مدت لازم دارد و بسا در این مدت اتفاقاتی ممکن است در دنیا واقع شود که مفید به حال ترقی و آبادانی ایران باشد. چنان که گفته شد قوه باید از خود مردم ناشی شود. قوه خارجی برای حفظ استقلال ایران هیچ وقت مفید نبوده [است] و نخواهد بود. امروز هم نمو نیرو از یک قومی منوط بدان است که آن قوم مراحل اولیه تمدن را طی و وسائل زندگی امروزی را برای خود تهیه کرده باشند. اگر دولت عثمانی چنین قوه‌ای را برای خود تدارک کرده بود، اگر اقوامی که اتباع آن دولت را تشکیل می دادند مراحل تمدن امروزی را طی کرده بودند و سرنوشت خودشان را دست گرفته بودند کار عثمانی بدین جا نمی کشید. آلمان شکست خورده، عجالتاً افتاده است، ولی محقق بدانید که از میان نرفته [است] و نخواهد رفت. شکل حکومت آن محققاً تغییر خواهد کرد. قسمتی از تمول آن از دست خواهد رفت، ولی از میان رفتن آلمان غیر ممکن است. همان طور که از میان رفتن فرانسه پس از جنگ ۱۸۷۰ ممکن نبود.

نیروی ملی ایران و سرمایه خارجی

نظر ایرانی وطن پرست باید صرف تهیه وسائل نیروی ملی ایران بشود. اضمحلال میلیونها مردم متحد متمدن متمکن بسیار مشکل بلکه غیر ممکن است. ولی زیبا کردن صدها مردم غیر متحد و غیر متمدن و [غیر] متمکن ضعیف کار مشکلی نیست. این را هم باید دانست که داخل نمودن سرمایه‌های خارجی به ایران ضروری برای ایران ندارد بلکه تا حدی نافع است [که] سرمایه خارجی وارد مملکت شود و در مملکت به کار افتد. منابع ثروت فزونی می یابد و از علم و عملیات خارجی در مملکت استفاده می شود. از اینکه فلان رشته کار موقتاً در دست خارجی است به ملاحظه اینکه شاید برخوردی به استقلال ایران بنماید نباید ترسید. مثلاً ایران خطوط آهن لازم دارد. بدون این وسائل هیچ گونه ترقی امروز برای مملکت ممکن نیست. ساختن خطوط آهن محتاج به سرمایه و فنون لازم می باشد. ایرانی نباید از ساختن راه آهن بیم داشته باشد. باید سرمایه و فنون لازم را در این موضوع مهم برای خود تدارک نماید. راه آهن آمدورفت را آسان و حمل و نقل را سریع و تمدن مملکت را بسیط می گرداند. ملت ایران را با همدیگر نزدیک [می کند] و از حال همدیگر کاملاً برخوردار می گرداند و به عبارت دیگر ما را به تمدن امروزی آشنا می سازد. هر قدر آمیزش و ارتباط نقاط مختلف مملکت زیاده‌تر باشد نیروی ملی افزایش می یابد و ملت ما از خواب غفلت بیدار می شود.

معادن ایران

ایران دارای معادن زیاد است. این معادن را باید به کار انداخت و به کار انداختن چنین سرچشمه‌های ثروت، سرمایه و فنون امروزی را لازم دارد. باید کوشش کرد و هر چه زودتر این سرمایه و علم امروزی را به دست آورد. چه خوب بود که ما می توانستیم با وحدت کامل و با کوشش منابع

زندگی امروزی خودمان را به کار انداخته و هر چه زودتر در راه ترقی به جلو برویم. باید سعی کنیم که هر چه زودتر جوانان خودمان را به علوم و صنایع امروزی آشنا گردانیم و از این نترسیم که برای به کار انداختن منابع ثروت خودمان موقتاً از متخصصین خارجی استفاده نماییم. فرستادن عده‌ای شاگرد به خارج و تأسیس مدارس در داخل مملکت بسیار مفید است و [به طور] محقق نتایج مطلوبه در آتیه خواهد داشت. ولی برای سرعت کار [به طور] محقق وجود متخصصین خارجی لازم خواهد بود. علم عمل لازم دارد و عمل هم برای عموم میسر نمی‌شود مگر داخل زندگی روزانه آنها بشود.

مداخله خارجی

باید مواظب باشیم که خارجه مداخله‌ای در روش حکومت ما ننماید و نتواند مالیه و نظام ما را در تصرف خود گیرد. فرضاً اگر متخصصی از یک مملکت بی طرفی برای تشکیل ادارات صحیح مالیه ایران به کار گماشته شود هیچ ضرری برای ایران نخواهد داشت بلکه مفید خواهد بود. ولی تشکیل قشونی در ایران تحت نظر افسران یک دولت ذینفع [به طور] محقق دارای ضرر زیاد خواهد بود و منافی استقلال ایران خواهد بود. افسران دول بی طرف را می‌توانیم در چنین کاری بگماریم تا یک عده ایرانی به علم نظام امروزی مأنوس شوند. ولی باید از مداخله دول ذینفع در امور داخلی خودمان به خصوص در رشته‌های مهم مانند مالیه و نظام اجتناب نماییم و بدانیم که ثروت و نیروی مملکت را باید برای خود و در دست خودمان داشته باشیم. باید بدانیم که این گونه امور مانند مالیه و نظام جزء اساس ناموس حقیقی ملت ایران است و طبق تمدن امروزی می‌بایستی اداره [شود] و مجهز برای پیشرفت ملت ایران در حال ترقی باشد.

شرق و غرب آلمان

سال ۱۹۱۸ [که] به پایان رسید بدترین سال برای آلمان و متحدین و سعادت‌مندترین سال برای انگلیس و متفقین می‌باشد. این سال برای آلمان به کلی مخالف با سال گذشته ۱۹۱۷ می‌باشد [که] در سال قبل افق روشنی برای ملت آلمان نوید می‌داد. انقلاب روسیه در سال گذشته ملت آلمان را بی اندازه شاد گردانید. آلمانها خوشحال بودند که انقلاب روسیه موقعیت جغرافیایی آنها را به کلی تغییر خواهد داد. آلمان چنان که می‌دانیم در یک موقعیت جغرافیایی سختی گرفتار است. آلمان در حقیقت از طرف مغرب و طرف مشرق هر دو در تنگنای سختی واقع بوده. در طرف غرب در مقابل دولی مانند انگلیس و فرانسه و دیگران [است] که همه در شاهراه ترقی و بسط تمکن افتاده، به سرعت جلو می‌روند و در طرف مشرق گرفتار دولت روسیه تزاری - که پیوسته در راه حرص و طمع و تجاوزات از هر طرف و افزایش خاک و نیرو زندگی را بر همسایه خود تنگ گردانیده - واقع است. بی‌زماری صدر اعظم نامی آلمان همیشه این نظر را داشت و به زبان هم می‌آورد که آلمان بایستی بکوشد تا نگذارد شرق و غرب آن با هم بر ضد آلمان متحد شوند. اگر شرق و غرب آلمان بر ضد آن متحد شدند کار آلمان زار و ساخته است و بی‌زماری آن صدر اعظم سیاستمدار که روی همین زمینه فکر می‌کرد و جلو می‌رفت در تمام مدت صدارت خود نگذاشت دول غرب و شرق آلمان با همدیگر بر ضد آلمان متحد شوند، تنها فقدان سیاست صحیح و نمایش صوری ویلهلم دوم امپراتور آلمان بود که این سیاست را بر طرف نمود و وحدت شرق و غرب آلمان را بر علیه آن دولت میسر گردانید و بالاخره نتیجه این سیاست برای آلمان به کجا پایان یافته است. برای همین موضوع بود که سال گذشته ۱۹۱۷ در بجه بشاشت حقیقی بر روی آلمانها باز شد و دولت تزاری روسیه برداشته شد و عجالتاً در حال تشتت و انقلاب زیست

می‌کند و آلمانها تا حدی امیدوار بودند با این انقلاب و از میان رفتن دولت تزاری روسیه فتح و فیروزی که از این جنگ انتظار داشتند نصیب آنها خواهد شد.

از طرف مغرب چندان بیمی نشان نمی‌دادند ولی پایداری انگلیس و کمکی که از طوایف متحده امریکا به متفقین داده [شد] بالاخره امیدواری ملت آلمان را برای فتح و پیروزی به یأس مبدل گردانید.

دامنه نفوذ انگلیس

سال ۱۹۱۸ چنان که گفته شد برای آلمان بسیار سال تاریکی بود ولی روشنی آن نصیب انگلیس و متفقین می‌شود. نفوذ انگلیس تمام شرق و غرب و شمال و جنوب را احاطه خواهد نمود. روس تزاری مبارز عمده انگلیس، سال قبل از میان رفته و آلمان دشمن دیرینه به این حال ضعف دچار شده است. دولت انگلیس دیگر رقیبی در مقابل سیاست خود در عالم نمی‌بیند. عجالتاً سیاست آن در تمام دنیا نمایش می‌دهد. قوای بحری آن در تمام دریاها مستولی [است] و قوای بری آن نیز در قسمتهای عمده‌ای از آسیا و اروپا تا سواحل رود رن نمایش می‌دهند. قسمت عمده‌ای از ممالک قدیم عثمانی را در عربستان و بین‌النهرین و بیت‌المقدس و شامات تحت تصرف سیاست خود گرفته و در حقیقت بازارهای سیاسی و ثروت عمده دنیا امروز به دست انگلیس افتاده است.

وضع قوای آلمان

آلمان از طرفی شکست خورده دچار انقلاب داخلی می‌باشد. قوای بحری و بری آن منحل و در قطعات مختلفه آن پرچم استقلال افراشته شده و از همه بدتر آتش‌آنارشیزم و یا بلشویزم روسیه در آلمان در حال اشتعال است و هر روز نیروی زیادتری بر خود می‌گیرد. لهستانیها از طرف

مشرق هجوم آورده [اند] و قسمتی از ایالات شرقی آلمان را در ضبط گرفته‌اند. قسمتی از قشون سابق آلمان در جنوب روسیه گرفتار [ست]. مارشال مکینزن معروف با هشتاد هزار قشون در مجارستان خلع سلاح و توقیف شده‌اند. قشون قدیم آلمان که چهار سال با تمام دنیا می‌جنگید امروز نه اطاعت از حکومت و نه اطاعت از افسران قدیم خود می‌نماید. هر قسمتی از قشون سابق آلمان دسته‌ای برای خود ساخته و انجمنی به ترتیب انجمنهای روسیه تشکیل [داده‌اند] و دیسیپلین فولادین پروس را به کلی زیر پا گذاشته‌اند، چه بسا اموال قیمتی اداره جنگ را از قبیل اسلحه و قورخانه و عرابه و اسب و غیره را سربازان سرقت کرده به قیمت‌های نازل می‌فروشنند.

پلیس برلن

وضع سربازان در خیابانهای برلن تماشایی و دیدنی است. اغلب با بازوبندهای قرمز مشغول حمالی و دستفروشی و فروش امتعه دزدی می‌باشند. افسران سابق آلمان اغلب متواری و یا پنهان [اند] و مشتی اشخاص عادی از انقلابیون جای آنان را گرفته‌اند. پلیس برلن از یک عده کارگران شبیه به مجاهدین آغاز دوره مشروطیت ایران تشکیل شده است و رئیس آنها یکی از مجاهدین انقلابی آنارشیزم از کارگران می‌باشد. این شخص مقداری سلاح به دست آورده و علیه دولت موقتی سوسیالیست پرچم شورش برافراشته مورث قتل عده‌ای اشخاص بیگناه و سرقت مبالغ عمده از اموال مردم بیچاره شده است.

فرق فتح و شکست آلمان

بعضی از آلمانها از طبقات پایین کارگران خوشحال به نظر می‌آیند که آلمان در این جنگ شکست خورده و نیروی نظامی پروس از دست رفته

است. فتح آلمان را مصیبتی برای آزادی نمی دانند. بدیهی است عده زیادی از آلمانها پایان جنگ را بدین ترتیب نمی خواستند و شاید فتح و ظفر کامل آلمان را هم طالب نبودند. تنها دسته‌ای که اطراف امپراتور بودند و افسران درجه دار بزرگ فتح قطعی آلمان را خواستگار بودند. بدیهی است فتح قطعی آلمان اطرافیان امپراتور و نظامیان را قوی می گردانید، آزادی را از میان می برد، طبقات اشراف را مرفه‌الحال تر ولی [طبقات] متوسط و کارگران را ضعیف تر و ذلیل تر می گردانید. وانگهی طرفداران جنگ همیشه قوی بوده [اند] و راحتی از برای مملکت و مردم با یک سیاست تندی فراهم نمی شود. موقعیت جغرافیایی آلمان تقاضای چنین سیاستی را از نظر طرفداران جنگ می نماید.

آلمان اسیر امیال امپراتور

در اینکه قسمتی از نظریات این اشخاص صحیح بوده هیچ جای تردید نیست، غلبه آلمان دسته امپراتوری و نظامی پروس را تقویت داده، ترقی آلمان در خط آزادی و مخصوصاً نمو حکومت دموکراسی و تساوی حقوق برای مردم ممکن نبود. سیاست خارجی مملکت بیش از پیش در دست امپراتور و حواشی او می افتاد و با مملکت آن طور رفتار می کردند که میل خودشان بود. چنان که عده بسیاری از خود آلمانها مسئولیت این جنگ را بر عهده امپراتور و حواشی او می دانند. اگر دسته نظامی پروس نمی خواست جنگ را به عقب می انداخت و یا آنکه به کلی از جنگ احتراز می نمود. ملت آلمان خواهان جنگ بود ولی نه با تمام دنیا. سیاست آلمان یعنی سیاست امپراتور و دربار او آلمان را رفته رفته ضعیف و انگلیس را تقویت نمود و مقام آلمان را در اروپا مشکل تر گردانید. با سیاست امپراتوری و حواشی او زندگی در آلمان بدان شکل خیلی مشکل بلکه غیرممکن بود. در خشکی با فرانسه (در طرف مغرب) و با روسیه در

طرف مشرق و بلکه با تمام دول مجاور رقابت [داشت]، بلکه خصومت و تندی و درشتی می ورزید. با انگلیس در دریا و با کلیه ممالک که دارای بازرگانی بسیط می باشند رقابت سخت در میان آورده و زندگی را به تدریج از برای خود مشکل بلکه غیرممکن ساخته بود.

قوی بودن، به چه حد

قوی بودن بسیار خوب است ولی در یک حدودی که بیم در دیگران ایجاد نماید. حربه داشتن شرط احتیاط است ولی سلاح را مستقیم در مقابل سینه حریف نگاه داشتن ایجاد تزلزل در طرف و بلکه در خود شخص می نماید و بلکه جلب خطر می کند. در اینکه متفقین به کلی بی تقصیر نیستند جای تردید نیست. سیاست روسیه تزاری به خوبی معلوم بود. سیاست فرانسویها نسبت به آلمانها پس از جنگ ۱۸۷۰ و از دست رفتن آلتاس ولرن به نفع آلمانها مشهود بود. انگلیس هم از مبارزه آلمان در رشته بازرگانی و ایجاد تمکن و بسط سیاست بین‌المللی بدیهی است خوشحال نبود و جلوگیری آن را از طرف خود لازم می دانست. سیاست امریکا هم که معلوم است، پیوسته در اصول مسائل اقتصادی و حیاتی بین‌المللی با انگلیس موافقت داشته [است] و خواهد داشت.

اتریش

ضعف داخلی دولت اتریش هم معلوم بود. اتریش با ساختمان دیرینه خود نمی توانست در جنگ قوی باشد. مملکتی که از چندین ملل و نژاد متنوع مرکب باشد و این نژادها هم میان خودشان رقابت و مخالفت داشته باشند نمی تواند برای جنگ قوی باشد. فرانسوی برای فرانسه با میهن دوستی فراوان جنگ می کند. ولی اهالی چک یا اسلاو که جزء اتباع اتریش سابق به شمار می رفتند برای ادامه نیرو و نفوذ اتریش یا مجارستان

جنگ نخواهند کرد. در این صورت دخول دولت اتریش در این جنگ جزء متحدین در ۱۹۱۴ علیه روس و فرانسه معلوم بود چه نتیجه‌ای به بار خواهد آورد.

تدارکات آلمان

آلمان در ۱۹۱۴ به قسمی نیرومند بود که شاید می‌توانست با تمام دنیا در جنگ افتاده فتح را نصیب خود گرداند. تدارکاتی که آلمان دیده بود با آن اختراعات محیرالعقول آلمان را بر فتح و فیروزی قادر می‌نمود، اگر جنگ ادامه پیدا نمی‌کرد، اگر میدان جنگ این طور وسیع نمی‌بود. ولی پر واضح بود که مدت طولانی جنگ بدترین دشمن آلمان است. انگلیسیها تمام دریاها را بر آلمان بسته [بودند] و [چون] آلمان را از طرف دریا در محاصره می‌انداخت قوا در اطراف پراکنده می‌شود. تجارت آلمان به وقفه می‌افتد. زندگی بر مردم آلمان تنگ و سخت می‌شود و به واسطه فقدان مواد اولیه قوه آلمان با امتداد جنگ رو به ضعف می‌گذارد و همین امتداد جنگ به طرف فرصت می‌دهد روز به روز قوای خود را فزوتتر گردانیده، بالاخره آلمان را به حالت شکست می‌اندازد. همین طور هم صورت گرفت.

سیاست آلمان

اگر سیاست دولت آلمان بر اصول آزادی یعنی بر روی افکار عمومی ملت آلمان تشکیل شده بود و امور مملکت در دست قدرت یک عده اشخاص و افسران نظامی نمی‌بود، اگر وزارت خارجه آلمان از خود رأی می‌داشت و سیاست خارجی مملکت را در دست خود گرفته بود چنین قدمهایی برداشته نمی‌شد. [اگر] سیاست دولت آلمان بیشتر پیش‌بینی می‌داشت، بهتر به حفظ آتیه ملت آلمان نظر می‌انداخت. سیاست نظامی صرف نمی‌تواند خیلی پیش‌بین باشد.

وزارت خارجه آلمان

عقل امپراتور آلمان در حقیقت در دست یک عده حواشی نظامی او بود که پیوسته نفوذ تام در سیاست خارجی مملکت اعمال می‌نمودند. در همان وقتی که نماینده سیاسی آلمان در لندن مشغول مذاکرات جدی با انگلیسیها بود و احتمال کلی می‌رفت که اختلافات میان آلمانها و انگلیسیها تصفیه شده، روابط بهتری میان آن دو مملکت به میان آید نظامیان پروس با نفوذی که داشتند نقشه حملات قوای آلمان را در غرب و شرق و جلو رفتن به مرزهای دشمن را می‌کشیدند و هیچ اعتنایی به اقدامات وزارت خارجه آلمان نداشتند. در هر صورت آلمان امپراتوری، آلمان نیرومند نظامی، آلمان متحد در ۱۹۱۸ همین سال به شکست افتاد. دوره سلطنت خانواده هوهنزلورن - خانواده‌ای که در ۱۴۱۵ فردریک ششم که از همین خانواده بود و سلطنت آن را در مملکت پروس آغاز [کرد] و از همین خانواده ویلهلم اول در ۱۸۷۱ پس از شکست فرانسه امپراتوری آلمان را به وجود آورد - منقرض گردید و شالوده نظام پروس - یادگار فردریک بزرگ - از هم پاشید و حتی پایه وحدت ممالک و قطعات مختلفه آلمان متزلزل گردید. طبقه اشراف و حکمفرمایان مملکت ضعیف و طبقه کارگر قوی [شد] رؤسای سوسیالیست بر مسند قدرت حکومت امپراتوری نشسته، دنیای جدید و بساط نوینی برای آلمان به میان آورده‌اند.

آینده آلمان

آلمان جدید دیگر در دست نظامیان و حواشی امپراتوری نیست. آلمان جدید در حال انقلاب است و بایستی در این راه به تکامل پیوسته، آزادی و کسب نیرو از راه بازرگانی و کار و صناعت به دست آورد. تا چه حد دشمنان فاتح خارجی از ترقی آلمان جدید جلوگیری حاصل کنند معلوم

نیست. آلمان دشمن قوی عجالتاً آلمان به کلی مغلوب و متزلزل می‌باشد. در اینکه نژاد آلمانی ترقی خواهد کرد حرفی نیست. پشتکار آلمانی در کار و به خصوص در راه ترقی، ملت آلمان را جلو خواهد آورد. به چه ترتیب معلوم نیست. ولی هیچ جای شک نیست که آلمانها باید تلاش زیاد بکنند تا تمکن و نیروی قبل از جنگ ۱۸-۱۹۱۴ را مجدداً به دست آورند. آلودگیهای این جنگ طولانی به خصوص برای آلمانها بسیار زیاد است. به علاوه انقلابات داخلی و پیشرفت عقیده سوسیالیسم و بلشویزم روسیه بیشتر جلو آبادانی را می‌گیرد. نزاع سرمایه‌دار و کارگر خود مانع بزرگی برای جلو رفتن آن به طرف کسب نیرو و نفوذ نظامی می‌باشد.

حزب اسپارتاکیست

۶ ژانویه ۱۹۱۹ - انقلاب حزب معروف به اسپارتاکیست آلمان (شیه به بلشویک روسیه) در برلن صورت گرفت. پس از تلفات بسیار و مدت یک هفته هرج و مرج نیروی دولت غالب گشته، شورشیان را عجالتاً متفرق نمودند. ولی هواخواهان آنها بالنسبه قوی [اند] و در شهرهای دیگر آتش این انقلاب را مشتعل نگه داشته‌اند.

انتخابات آلمان

روز یکشنبه ۱۹ ژانویه - انتخابات مجلس ملی آلمان صورت گرفت و در نتیجه موفقیت نصیب سوسیالیستها و احزاب دست چپ گردید. دست راستیها که حامی حکومت سابق می‌باشند سخت شکست خورده‌اند. کلیه اتباع آلمان زن و مرد از سن بیست به بالا در این انتخابات شرکت داشته‌اند. یک هفته بعد روز ۲۶ ژانویه انتخابات مجلس پروس صورت گرفت و نتیجه کم و بیش مانند مجلس ملی آلمان بود. موفقیت کامل نصیب طبقات پایین و کارگران بوده است. محل انعقاد مجلس ملی آلمان شهر وایمار معین شده است.

وایمار

شهر وایمار به واسطه شاعر و نویسنده معروف آلمانی گوته معروف شده. این نویسنده و شاعر معروف مدت مدیدی از زندگانی خود را در شهر وایمار بسر برده و در این شهر موزه‌ای از او به یادگار مانده و قبر او هم در آنجاست. انتخاب شهر وایمار برای انعقاد این مجلس برای معروفیت آن نیست بلکه برای نظری است که دست‌چپها در کلیه ممالک مختلفه آلمان مخصوصاً در قسمت باویر نسبت به پروس نظامی و پروس امپراتوری و شهر برلن مرکز این امپراتوری دارند. برای اسکات این افکار مخالف تصمیم گرفته‌اند که عجالتاً مجلس ملی را در محلی خارج از مرکز امپراتوری قرار دهند و پس از مذاکرات طولانی شهر وایمار را انتخاب کردند.

گرانی و سختی

در زندگانی آلمان به خصوص در شهر برلن تغییری پس از امضای متارکه جنگ تا امروز اوایل ژانویه ۱۹۱۹ دیده نمی‌شود. بلکه زندگی از بابت خوراک و پوشاک سخت‌تر و گراتر شده است. قدغن [از] فروش بعضی اجناس بدون جواز برداشته شده، مثلاً خرید پوشاک تا حدی آزاد است ولی به قسمی گران است که نیروی خریدن لباس تازه برای مردم تقریباً مفقود است. یک دست لباس مردانه به هزارویانصد مارک بالغ شده. ماهوت متری سیصد مارک به بالا، نشاسته برای لباس به کیلویی هشتاد مارک بالغ شده. از لحاظ خوراک به مردم فوق‌العاده سخت می‌گذرد. اولاً مواد خوراکی بسیار کم و ثانیاً فوق‌العاده گران [است]. کره خوراکی اگر پیدا شود کیلویی شصت مارک. تخم مرغ اگر پیدا شود دانه‌ای چند مارک. چایی اگر پیدا شود نیم کیلو از صد مارک تجاوز می‌کند. قهوه نیم کیلو در حدود پنجاه مارک. نان و گوشت را باید با جواز مخصوص شهرداری

خرید. در هر صورت سخت و گران است، کرایه منزل به همین ترتیب. در پایان جنگ تقریباً دو برابر سال قبل شده است.

ترقی دستمزدها

کارگران پیوسته در حال اعتصاب و زیاد کردن مزد کار می‌باشند. کارگران تراموای برلن، کارگران راه آهن، کارگران کارخانه‌های الکتریک به نوبت اعتصاب کرده مزد خودشان را دو برابر نموده‌اند. معلوم است سرمایه‌دار هیچ وقت به ضرر کار نمی‌کند، او هم بر نرخها افزوده. نرخ هر چیزی را دو برابر بلکه چهار برابر کرده است. یک کارگر امروز در برلن از سی الی چهل مارک کمتر کار نمی‌کند و این مبلغ در زمان صلح برای خرج یک هفته خانواده او کافی بود. دوا فروشان و دکترها و امثال آنها تماماً قیمت‌ها و نرخها را دو برابر بلکه بیشتر نموده‌اند و زندگی امروزی برلن را به جایی رسانده‌اند که مافوق آن به تصور نگنجد و خود همین وضع بیشتر مایه آسفتگی و باعث انقلاب می‌شود.

اسکناس آلمانی

اسکناسهای آلمانی امروز در حقیقت قیمتی ندارد و پول طلا هم در دست مردم نیست. مردم اسکناسهای نیم مارکی تا هزار مارکی آلمان را با تقلیل قیمت زیاد صرف می‌کنند. از قرار مذکور بانکهای خارجه در هلند و جاهای دیگر اسکناسهای آلمان را به قیمت خیلی نازل جمع کرده‌اند که بعدها قیمت آن را از دولت آلمان به طلا مطالبه نمایند و از این راه شکست مادی ملت آلمان را فراهم آورند. حکومت فعلی قدغن اکید نموده است که هیچ نوع پولی به خصوص پول کاغذی و اسکناس از سرحدات خارج نشود و بانکها نباید اسکناسهای قدیم را از مملکت بیرون بدهند. از قرار معلوم دولت در صدد است اسکناسهای تازه در

قسمتهای مختلف آلمان چاپ کرده رواج دهد. مدتی بلیطهای سهام استقراض دولتی به جای اسکناس رواج داشت ولی امروز رواج این اوراق هم قدغن شده، به خصوص از خارج کردن آنها سخت جلوگیری می‌شود.

قطع ارتباط با ایران

ارتباط ایرانیان بیچاره با ایران پس از شکست آلمان و مبارکه جنگ بسیار سخت بلکه تقریباً قطع شده است. ارتباط پستی به هیچ وجه وجود ندارد. ارتباط تلگرافی هم منقطع است. فقط سفارت ایران از راه هندوستان با تهران روابط تلگرافی برقرار کرده است. از قرار معلوم دولت ایران نماینده‌ای به کنفرانس صلح خواهد فرستاد. اول مذاکره بود مشاورالممالک را به ریاست یک هیئتی به کنفرانس صلح بفرستند، بعد گفته شد آقایان ناصرالملک و وثوق الدوله بدین مأموریت معین شده‌اند ولی صحت هیچ کدام درست معلوم نیست. از قرار معلوم آقای طباطبائی و جمعی از مهاجرین که در استانبول توقف داشتند به تهران وارد شده‌اند. از ایرانیان دیگر استانبول خبری نیست. به نقد ارتباط میان آلمان و عثمانی به کلی قطع شده است.

کنفرانس صلح

انعقاد کنفرانس متفقین در پاریس با حضور ویلسن رئیس جمهور امریکا در همین ماه ژانویه صورت می‌گیرد. ویلسن پروگرام خود را راجع به صلح بدین کنفرانس تقدیم خواهد نمود. از قرار مذکور میسیون ایرانی بدین کنفرانس در اواخر ژانویه ۱۹۱۹ وارد پاریس خواهد شد. نتیجه انتخابات مجلس ملی آلمان بدین قرار منتشر شده است. سوسیالیستهای اکثریت ۱۶۳ عضو، سوسیالیستهای اقلیت ۲۲ عضو،

دموکراتها ۷۵ عضو، دستجات مرکز ۹۲ عضو، دست راستیها بالتمام ۶۸ عضو - جمع کل ۴۲۰. آنجاهایی که در پایان جنگ به دست دشمن افتاده است شرکت در انتخابات نداشته‌اند.

کمی زغال سنگ

هوای آلمان در این فصل خوشبختانه خیلی ملایم است و اغلب روزها مانند هوای اواسط بهار می‌باشد. چند روز کمی سرد بود ولی دوباره به اعتدال افتاد و این اعتدال برای مردم نعمتی است، زیرا سوخت به خصوص زغال سنگ بسیار کم و گران و در بعضی جاها نایاب است. مدتی است که کارگران معادن زغال سنگ در حال اعتصاب هستند و اگر هوا سخت و سرد می‌بود به مردم فوق‌العاده بد می‌گذشت.

افتتاح مجلس آلمان

روز ششم فوریه ۱۹۱۹ - سه ساعت بعد از ظهر مجلس ملی آلمان مرکب از ۴۲۰ عضو با حضور عده زیادی از رؤسای ادارات و دیگران که برای استماع نخستین بیانات در این مجلس حاضر شده بودند در شهر وایمار افتتاح گردید. رئیس هیئت مدیره ابرت، از رؤسای حزب سوسیالیست و دموکرات آلمان نطق افتتاحیه مجلس را آغاز نمود. در این نطق ابرت اظهار داشت که انقلاب باعث شکست آلمان نشده بلکه انقلاب پس از پایان مقدمات متارکه جنگ آغاز گردیده، درخواست متارکه جنگ از طرف آلمان بر اثر شکست نظامی و اقتصادی آلمان بوده. حریفهای آلمان باید بدانند که بیش از این نبایستی از آلمان درخواستهای سخت کمر شکن نمایند، هرگاه چنین تقاضاهایی از دولت آلمان بنمایند ما باید خودمان را از جلو کشیده مسئولیت کار را بدون آلمان به حریفهای خودمان حواله نماییم. ابرت با امیدواری به آتیه اظهار نمود در آتیه نزدیک اتریش به

آلمان خواهد پیوست و نژاد ژرمن با وحدت کامل به زیست خود ادامه خواهد داد. دیری نخواهد گذشت که نمایندگان ملی اتریش به مجلس ملی آلمان خواهند آمد و ما با وحدت کامل به زندگی خود ادامه خواهیم داد.

نطق افتتاحیه ابرت اثر نیکویی در آلمان و ممالک بیطرف ظاهر نمود ولی برعکس میان متفقین به خصوص در فرانسه تأثیر معکوس بخشود. مطبوعات فرانسه با شدت به آلمان حمله کرده [اند] و حکومت امروزی آلمان را گرگی به لباس میش می‌خوانند و به متفقین خود توصیه به خشونت و سختی علیه آلمان می‌کنند. در جلسه دوم مجلس ملی که روز بعد منعقد گردید رئیس فراکسیون سوسیال دموکراتها به نام دکتر داوید به ریاست مجلس ملی انتخاب گردید.

روز دهم فوریه ۱۹۱۹ خبر رسید که نمایندگان ارزاق آلمان با متفقین قراردادی راجع به ارزاق آلمان گذاشته [اند] بدین ترتیب که سی و شش هزار تن گوشت از حیوانات مختلف و دویست و پنجاه هزار قوطی شیر از راه هلند هر چه زودتر به آلمان وارد شده آلمان با پول طلا قیمت آنها را بپردازد. روز هشتم فوریه لوید جرج از پاریس بدون اطلاع قبلی حرکت کرده به لندن مراجعت نمود. علت این حرکت را اشکال کار کارگران انگلیس که در صدد اعتصاب می‌باشند می‌دانند.

عباسقلی خان نوری اسفندیاری

امروز آقای عباسقلی خان نوری پسر آقای محتشم السلطنه از برلن به طرف هلند حرکت نمود که از آنجا و از طریق پاریس به تهران برود. از اینجا به هلند به سمت مأمور ابلاغ سفارت برلن برای حمل نامه‌ها به سفارت هلند می‌رود. چند نامه هم اینجانب به توسط ایشان فرستاد که با خود به تهران ببرند.

مجلس ملی حاکم مطلق

در دو روز اخیر مذاکرات میان فراکسیونهای مجلس ملی آلمان در خصوص تشکیل کابینه در جریان است. از قرار معلوم احزاب سوسیال دموکرات و دموکرات و مرکز در تشکیل کابینه و انتخاب رئیس جمهور شرکت عمده خواهند داشت. در انتخاب هیئت رئیسه مجلس ملی قبلاً ائتلاف به عمل آمده، رئیس مجلس از حزب سوسیالیست دموکرات و سه نایب رئیس از سه دسته دموکرات، مرکز، و حزب ملی انتخاب شده‌اند. منشی‌ها از دسته‌های مختلف دیگر انتخاب گردیده‌اند. پس از افتتاح مجلس ملی هیجان عمومی و ناراحتی در آلمان قدری تخفیف پیدا کرده و وضع تمایل کارگران به اعتصاب در مراکز مختلفه صورت ملایمتری به خود گرفته است. حتی کارگران معادن زغال سنگ سیلزی مجدداً شروع به کار کرده و استخراج زغال سنگ آلمان رو به فزونی گذاشته است. این علامت خوشی است که به تدریج بحران سخت آلمان را برطرف نماید. مجلس ملی که امروز حاکم مطلق این کشور است به انتخاب مستقیم کلیه ملت به وجود آمده [است] و مجلس در تشکیل حکومت امروزی آلمان و تدوین قوانین اساسی اختیار کامل در دست دارد.

پیشگیری هرج و مرج

وضع آناارشی و فقدان حکومت قانونی عجزاً در آلمان برطرف شده و دوره انقلاب و هرج و مرج به حکومت ثابت و فرمانروایی قانون مبدل می‌شود. دیگر در هر شهری انجمنهای مختلف از کارگران و دیگران به اسامی مختلف دست از خودسری کشیده‌اند. دوره فترت یعنی مدت میان نهم نوامبر ۱۹۱۸ و ششم فوریه ۱۹۱۹ که تاریکترین و پرخطرترین روزهایی برای آلمان بود و هر لحظه بیم این می‌رفت که شیرازه کار مملکت به کلی از هم پاشیده [شود] و به دست انقلابیون و آناارشیستهای

دست‌چپی بیفتد و کار آلمان را حتی از کار روسیه بدتر گردانند، سپری گردید. آناارشیستها کوشش بسیار کردند که از انتخاب و انعقاد مجلس ملی جلوگیری کنند، کاری از پیش نبرده‌اند. رؤسای سوسیال دموکراتهای آلمان با اعتدال و تدبیر [و] پیش‌بینی رفتار کرده، احزاب دست‌راست هم با احتیاط کامل به آنها پیوسته نگذاشتند رشته کار از هم گسیخته شود. کمی جنبش از طبقات متوسط و اشراف کار آناارشیستهای دست‌چپی را تقویت می‌نمود. در انتخابات مجلس ملی هم همین پیش‌بینیها رعایت گردید، سوسیالیستهای معتدل که نزدیک به مرکز واقعند و طالب حکومت آزاد و با اقتدار هستند اکثریت پیدا کرده‌اند. بعد از آن احزاب مرکز و چپ مرکز که دموکراتها باشند و بعد فرق دست‌راست به انتخابات کمک بسیار نموده از هرج و مرج جلوگیری کرده‌اند. از فرقه دست‌چپ‌چپ که در اقلیت بالنسبه کمی واقعند کاری ساخته نگردید. معلوم می‌شود اکثریت ملت آلمان از منافع واقعی خود برخوردار و برای حفظ آنها ساعی می‌باشند.

دموکراسی در آلمان

امروز دیگر دوره نظامیان و امپراتور و دربار او سپری شده و آلمان با حریفانی مانند متفقین با اشکالات بزرگ [رو به روست] و با عده دولی که خود را حامی آزادی می‌دانند باید انعقاد صلح نماید. آلمان مجبور است یک دموکراسی آزادی در مرکز اروپا ایجاد نماید و آلمان جمهوری آزاد می‌تواند با اتریش متحد گشته یک دولت معظم آلمانی ایجاد کند و ضمناً شرایط صلح را تا آنجا که ممکن است تخفیف دهند. متفقین به عثمانی هر قدر بتوانند سخت‌گیری خواهند کرد و به نام آزادی، دولت عثمانی را از شکلی که در سابق داشته دگرگون خواهند کرد. ولی آلمان آزاد را نمی‌توانند از میان بردارند.

قانون اساسی در آلمان

روز سه‌شنبه یازدهم فوریه ۱۹۱۹ قانون اساسی موقتی آلمان در جلسه مجلس ملی با اکثریت قریب به اتفاق به تصویب رسید. در همان جلسه قرائت دوم و سوم این قانون به پایان رسید و تصویب و شالوده جمهوری دموکراتی آلمان ریخته شد و شکل آزادی کامل به خود گرفت. در حقیقت آلمان از نهم نوامبر ۱۹۱۸ تا امروز حکومت قانونی نداشت و مملکت به طریق انقلاب به توسط رؤسای کارگران و سوسیالیستهای چپ اداره می‌شد] و در اغلب نقاط مملکت هرج و مرج حکمفرما بود. ولی امروز دگرگون گردیده. آلمان پس از سپری شدن دوره امپراتوری و انقراض سلطنت خانواده هوهنزولرن دولت دموکراسی آزاد قانونی دارد که حکمش در داخل مملکت و در خارج به‌عنوان نمایندگی آراء قاطبه ملت نافذ است. در حقیقت حکومت امروزی آلمان از طرف ملت حرف می‌زند و این قانون اساسی موقتی را بدین سرعت گذرانند که یک قوه حاکمه قانونی به مملکت بدهند تا بعد در موقع خود قوانین اساسی ثابت و دائمی تدوین نمایند. وانگهی روز ۱۹ فوریه [که] مدت متارکه منقضی می‌شود نمایندگان آلمان می‌بایستی از طرف یک حکومت ثابت قانونی با حریفان طرف بشوند و در انعقاد صلح به مذاکره پردازند.

رئیس جمهور آلمان

به موجب همین قانون اساسی موقتی، انتخاب رئیس جمهور آلمان که در جلسه ۱۱ فوریه به عمل آمده، ابرت رئیس هیئت مدیره به ریاست جمهوری موقتی آلمان انتخاب گردید. انتخاب او هم با یک اکثریت قریب به اتفاق صورت گرفت. احزاب دست‌راست به مناسبت تاریکی موقع و ترس از هرج و مرج با سوسیالیستها متفق شده به تأسیس حکومت جمهوری و انتخاب ابرت سوسیالیست رأی داده‌اند. به قول یکی از

رؤسای احزاب دست‌راست امروز باید نمایندگان مجلس ملی، مملکت را بر حزب مقدم بدارند. مصالح امروزی مملکت چنین اقتضا می‌کند که احزاب سیاسی دست به دست داده با هم همکاری نمایند و کشتی طوفان دیده مملکت را به ساحل نجات برسانند.

ابرت که شغل او سراجی و شغل پدرش خیاطی بوده امروز جای امپراتور آلمان را گرفته بر کرسی ریاست جمهوری آلمان نشسته است. چه دنیایی و چه تحولاتی که به وجود می‌آید. به خاطر دارم در اوایل این جنگ جهانی با مرحوم مهندس الممالک وزیر علوم آن وقت در صحبت بودم. می‌گفت اگر آلمان در این جنگ فاتح شود ویلهلم دوم ویلهلم بزرگ نامیده خواهد شد و اگر فاتح نشود ویلهلم صغیر خواهد بود. حالا در نتیجه جنگ به او می‌توان ویلهلم اصغر نام داد که، با چشم باز نگران است و جای او به سراجان و کارگران [رسیده] است. نام این اشخاص را پیش او نمی‌توانستند ذکر کنند ولی امروز نام او را نمی‌توانند نزد این اشخاص ذکر کنند.

روز تولد کلوب

روز یازدهم فوریه طرف عصر آقای میرزا محمدعلی خان کلوب را ملاقات کردم. دیروز روز تولد «احتمالی» ایشان بود. می‌گفت صاحبخانه و آشنایان آلمانی ایشان گل و هدیه‌ها برای او آورده و نامه‌های تهنیت برای او نوشته‌اند. از این رسم اروپاییها تعریف می‌نمود. این عادت میان تمام اروپاییها به خصوص میان آلمانها برقرار است. روز تولد را در سال روز عید و تهنیت و مبارکباد می‌دانند و مخصوصاً برای طبقه نسوان گل و هدیه‌ها می‌آورند و مبارکباد می‌گویند و چه بسا شامهای مفصل در این مواقع داده می‌شود. آشنایان عموماً روز تولد آشنای خودشان را می‌دانند و در این روزها کارت و نامه تهنیت رد و بدل می‌کنند. چه خوب می‌شد

چنین رسمی میان ملل شرق نیز متداول می شد، اولاً تاریخ تولد خوب معین می شود و ثانیاً سن حدسی نمی باشد. بلکه [زمان] دقیق تولد و دوره زندگی اشخاص ثبت تاریخ می گردد. امروز اغلب ماها تاریخ تولد خودمان را نمی دانیم. به تخمین متولد [شده] و به تقریب دوره زندگانی را طی [کرده] و به تخمین از این دنیا می رویم. چون دنیا را دار فانی می دانیم اعتنایی به تولد و زندگانی نمی کنیم. ولی این را باید بدانیم که این نوع چیزهای اساسی زندگی و چیزهایی که به تاریخ برخورد می کنند به خصوص دوره زندگانی اشخاص تاریخی باید معین و مسلم و روشن باشد.

ریاست جمهوری ابرت

روز چهارشنبه ۱۲ فوریه ۱۹۱۹ انتخاب رئیس جمهور در مجلس ملی از ۳۷۹ نمایندگان حاضر با اکثریت ۲۲۷ رأی صورت گرفته. دسته چپ چپ و راست راست به او رأی ندادند. پس از شمردن آرا دکتر داوید رئیس مجلس ملی از نمایندگان سؤال می کند: آیا شما ریاست جمهوری را قبول دارید؟ ابرت جواب می دهد با کمال امتنان قبول می کنم. سپس رئیس مجلس ملی نطقی ایراد کرده از این انتخاب که حقیقتاً انتخاب کاملاً ملی است اظهار وجد نموده، آن را تبریک می گوید. ابرت نخستین رئیس ملت است که به توسط اکثریت ملت آلمان انتخاب شده [است] و می تواند به نام ملت آلمان حرف بزند و بگوید: من نماینده ملت آلمانم. قابلیت و شخصیت او هم در این مدت انقلاب خوب معین شد. اگر او نمی بود احتمال داشت آلمان مثل روسیه از هم پاشیده شود.

نطق ابرت

در جواب ابرت از این حسن ظن نمایندگان ملت اظهار تشکر کرده

می گوید: «با کمال راستی و بیطرفی اداره مملکت را در دست خواهم گرفت و در چنین مقامی بایستی منافع احزاب و اشخاص مخصوص را کنار گذاشته، از نظر تمام ملت و برای حوائج واقعاً ملی کار کرد و مصالح عموم مملکت را در نظر گرفت. هر قدر کفایت شخص در این موقع مهم زیاد باشد بدون کمک رؤسای ملت کاری از پیش نخواهد برد. پس بایستی تمام ماها دست به دست هم داده به همت کافه ملت کار مملکت را بلکه بتوانیم اداره کنیم. اگر چه کار آلمان امروز فوق العاده سخت است به قسمی که تاریخ نظیر آن را نشان نمی دهد ولی ما نبایستی مأیوس باشیم. آتیه درخشانی را در مقابل ملت آلمان باید آرزو کنیم. ملتی که از کار خسته نمی شود و در امور خود ساعی است آن ملت زیر پا نخواهد رفت. ملت آلمان بعد از این بایستی به توسط کار و کوشایی موقع خود را نگه دارد و میان ملل بزرگ شخصیت خود را از دست ندهد».

انجمن صلح پاریس

نامه ای از مصطفی خان پسر مرحوم ثقه الملک از هلند دریافت کردم. مشارالیه در اواسط ماه نوامبر گذشته به برلن آمد و از اینجا به هلند رفت، از تهران به برلن دو ماه در راه معطل مانده بود. از وضع تهران و موقعیت دولت مفصل برای نگارنده صحبت می کرد. در این نامه می نویسد که روز بعد به پاریس برای ملاقات هیئتی که از ایران به پاریس برای حضور در انجمن صلح آمده اند می رود. از قرار معلوم این هیئت به ریاست آقای ذکاء الملک مأمور پاریس شده اند.

وضع سخت زندگی

اوضاع سیاسی آلمان به قدر محسوسی رو به بهبودی گذاشته است. پس از افتتاح مجلس ملی به تدریج آرامش در مراکز مختلفه مملکت محسوس

می شود. اگر نیازمندیهای مردم از خوراک و پوشاک و غیره بزودی برسد و این کمیابی و گرانی آذوقه رفع گردد بدیهی است کار حکومت آسانتر خواهد بود. با این قحطی و گرانی امروزی هر حکومتی روی کار باشد گرفتار هرج و مرج و فقدان آرامش خواهد بود. مردم خوراک می خواهند و با این گرانی هر قدر هم مزد کار و حقوق کارگر زیاد باشد به جایی نمی رسد. وانگهی کارگران اگر به وسیله اعتصاب مزدشان را زیاد کنند و بتوانند با مزد زیاد به یک ترتیبی زندگانی کنند، کارمندان جزء دولت و مستخدمین و کارگران راه آهن و امثال آنها با این حقوق کم به چه ترتیب زندگی خواهند کرد.

کارمندان دولت

در تمام مدت این جنگ بدین طبقه بسیار سخت گذشته است. کارگران تا حدی با زیاد کردن مزد از زندگی سخت قدری خارج شده اند. بازرگانان و متمکین اغلب صاحب سرمایه های عمده شده اند. کارخانجات تماماً برای دولت کار می کردند و میلیونها از این راه عایدی داشتند. ولی بیچاره مستخدمین جزء و کارمندان دولت در سر خدمت بودند و با همان قلیل حقوق بایستی از عهده مخارجی که به چند برابر ایام صلح رسیده [بود] برآیند. در انقلاب اخیر هم چون کار در دست کارگران بود موقعیت خودشان را محکمتر کردند و آنها امروز زندگی بهتری دارند. احتمال می رود عنقریب کارمندان و مستخدمین دولت از قبیل تلگراف و غیره اعتصاب نموده، تقاضای حقوق بیشتری بنمایند.

دستگیری رادک

پنجشنبه ۱۳ فوریه - امروز کابینه شاید من تشکیل و به مجلس ملی معرفی گردید. هیئت وزراء از اعضای احزاب بزرگ تشکیل شده است. دیروز

کارل رادک معروف نماینده حکومت سویت روس و موجد و مؤسس حزب انقلابیون آلمان به نام اسپارتاکیست - که همان بلشویک روسیه باشد - در برلن دستگیر شد. کارل رادک مدتی است در آلمان به عملیات انقلابی اشتغال دارد. از قراری که می گویند مبالغ عمده ای پول روسیه برای ایجاد این انقلاب و تأسیس حکومت بلشویکی با خود به آلمان آورده و توسط او خرج شده است. پس از قیام اوایل ژانویه و قتل لیکنخت و عده ای دیگر، کارل رادک خودش را در برلن مخفی نگه داشته بود. حکومت امروزی آلمان بیست هزار مارک برای پیدا و دستگیر کردن او جایزه تعیین کرده است. مدتی به نام دکتر لیگارت با تذکره قلابی زندگی می کرده و به وسیله دو نفر زن که منشی او بودند تبلیغات انقلابی می نموده است. تا آنکه بالاخره دیروز خود او با دو نفر منشی دستگیر شد و تمام اسناد و نوشتجات او به دست پلیس افتاده است و از این ممر اطلاعات زیاد راجع به اسپارتاکیست به دست دولت رسیده است. امروز مأمورین آلمان برای مذاکره امتداد متارکه جنگ از برلن حرکت کرده اند. ویلسن به طرف امریکا مراجعت کرده است.

هیأت ایرانی

امروز آقای علوی به منزل اینجانب آمده، می گفت مصطفی خان پسر مرحوم ثقه الملک اخیراً نامه ای به کاظم زاده نوشته و در این نامه می نویسد که هیئت میسیون ایران مأمور کنفرانس صلح عبارت می باشند از آقایان مشاور الممالک و ذکاء الملک و معین الوزاره و میرزا سید ابوالقاسم خان برادر عمید الحکماء و علینقی خان [نبیل الدوله] شارژدافر سفارت ایران در امریکا.

بلشویکی در ایران

آقای علوی نیز اظهار داشت که میرزا فضلعلی آقا که بیچاره سخت

ناخوش است، نامه‌ای از تهران دریافت کرده، در آن نامه شکایت بسیار از گرانی در تهران می‌نمایند و از قراری که کشاورزان پیش‌بینی می‌کنند محصول امسال تمام ایران کم و بد شده است. نیز در همین نامه اطلاع داده‌اند که اخیراً بلشویزم در آذربایجان و گیلانات بسط پیدا کرده [است] و احتمال انقلاب در این قطعات می‌رود. یقین است با اوضاع فعلی ایران پیشرفت هرج و مرج و بلشویزم خیلی سریع خواهد بود.

تقاضاهای زنان

هیئت نسوان - زنان عضو مجلس ملی آلمان - پیشنهادی به مجلس داده [اند] و علیه نگه‌داری و توقیف اسرای جنگی آلمان که در کشورهای متفقین بازداشت شده‌اند و علیه امتداد محاصره آلمان اعتراض سخت نموده اظهار می‌دارند که روزی هزارها زن و بچه و پیر در آلمان از میان می‌روند. از تمام زنان دنیا تقاضا می‌کنند هماهنگ شده این ظلم و بی‌عدالتی را از سر آنها رفع کنند.

خانواده ابرت

از قراری که شخص مطلعی امروز در ضمن صحبت با نگارنده می‌گفت ابرت رئیس جمهور فعلی آلمان که دو پسر و یک دختر دارد - یک پسرش صحاف و دیگری سرباز است و دخترش به سن هجده - تا دو هفته قبل تمام در یک آپارتمان دو اتاقی زندگی می‌کردند. خانم ابرت زنی به سن چهل و پنج، بدون کلفت تمام خرید و پخت‌وپز و شست‌وشوی خانه را می‌کرده امروز هم که از آن آپارتمان دو اتاقی به عمارت وزارت داخله آمده باز به عادت دیرینه بدون کلفت کار خودش را می‌کند و اصرار دارد که امروز هم با سمت خانم رئیس جمهور پذیرایی خواهد کرد. دو پسر آنها هم قبلاً در جنگ کشته شده‌اند.

شیرزن آلمان

بی‌مناسبت نیست که نگارنده اینجا از روحیه ملت آلمان آنچه را که به چشم خود دیده و به گوش خود شنیده‌ام ذکر نمایم. صاحبخانه نگارنده در برلن زنی است به سن حدود شصت سال، دارای سه پسر بوده و به این پسران علاقه بسیار داشته است. دو تا از پسران او در اوایل جنگ یکی در فرونت شرق و دیگری در فرونت غرب کشته شدند. پسر وسطی آلبرت نام زنده مانده بود که نگارنده او را ندیده و در فرونت جنگ پیوسته در کارزار بود. بدیهی است این مادر نسبت به او علاقه بسیار داشت و همیشه از او صحبت می‌کرد. او چند روز پس از آغاز متارکه زن صاحبخانه با صورت بشاشی نزد اینجانب آمد و گفت برای شما خبر خوشی دارم که من را دو سه روز است در وجد و شغف نگه داشته است. گفتم خبر خوش شما چیست بفرمایید خوشحال می‌شوم. گفت در روز آخر جنگ در فرونت فرانسه پسر دومی من آلبرت نیز شربت قتل نوشید و در راه میهن عزیز جان داد. خوشوقتم که هر چه داشتم و عبارت از این سه پسر بود در راه وطن از دست دادم. اگر آلبرت مانده بود نمی‌توانستم این ادعا را بنمایم. باز جای خوشی است که با گلوله توپ به مرگ فوری دچار شده است. کیف بغلی که هر سربازی دارد آن را در جیب طرف چپ روی سینه که مقابل قلب است می‌گذارد. سپس این زن با صورت گشاده دست در کیف خود کرد و آن کیف را که از وزارت جنگ آلمان برای او فرستاده بودند نشان داد. گلوله توپ تمام مرکز کیف را از میان برده و تنها یک حاشیه باریکی از چرم کیف مانده بود. اسکناسهای داخل کیف نیز به همان شکل ترمیم شده بود. حال خوانندگان عزیز ملاحظه می‌فرمایید اگر در مملکت ما یک چنین واقعه‌ای برای فامیلی اتفاق افتاده بود آیا مادر سه پسر با این روحیه اظهار بشاشت می‌نمود؟ آیا می‌توانست جلو احساسات خودش را بگیرد؟ آیا می‌توانست فریاد و فغان بلند نکند. بین تفاوت راه از کجاست تا به کجا.

نطق وزیر خارجه آلمان

جمعه ۱۴ فوریه ۱۹۱۹ - در جلسه امروز مجلس ملی وزیر امور خارجه فعلی آلمان گراف بزکدورف راتز او در طی نطق مفصلی اظهار داشت امروز هم عمده آلمان صرف استقرار صلح می باشد و با کمال مسرت و میل قلبی اصول پروگرام ویلسن را راجع به صلح عمومی قبول می نماید به شرطی که غرامت جنگ و یا دادن خاک در کار نباشد. آلمان بدون استعمار نمی تواند زندگی کند و دادن مستعمره به دشمن از حیث امکان برای آلمان خارج است. آلمان برای انعقاد یک صلح مرضی الطرفین حاضر [ست] و اصول ویلسن را قبول می کند.

آزاس و لرن

در موضوع آزاس و لرن باید قبلاً از تمایل اهالی این دو ایالت اطلاع کامل به دست آورد و تمایل آنها را راجع به آتیه خودشان معین نمود تا قبل از انعقاد صلح این موضوع کاملاً روشن شود. آیا مردم آزاس و لرن می خواهند مانند سابق به آلمان ملحق باشند و یا جزء فرانسه بشوند و یا مستقل باشند، آلمان هیچ ایرادی نخواهد داشت. ولی باید تمایل مردم این دو ایالت مهم قبل از انعقاد صلح روشن و معین باشد.

سایر متصرفات آلمان

در خصوص قسمتی از لهستان که تحت اشغال آلمان است، این قسمت هم تا انعقاد صلح قسمتی از آلمان بشمار می رود. ولی آلمان اعتراضی نخواهد داشت که [به] آن قسمتی از اهالی که لهستانی هستند و آزادی سیاسی خود را خواهند استقلال داده شود. همین طور راجع به اهالی قسمتهای طرف شمال و شمال غرب آلمان هر محلی که تحت اشغال آلمان آمده [است] و اهالی آنجا مایل به استقلال می باشند، ایرادی نسبت

به آزادی آنها نخواهد داشت ولی آلمان اتریش مانند سایر ممالک آلمانی آلمان است و سابقاً هم تمام این قطعات یکی بوده اند، امروز که کلیه ملل از اتباع اتریش قدیم مستقل و به برادران دیرینه خود ملحق شده اند هیچ قوه ای نخواهد توانست از وحدت آلمان و اتریش به ملحق شدن این دو قسمت از ممالک ژرمن جلوگیری کند. در خصوص وحدت ملل آلمان حاضر است به طریق مساوات و برادری تماماً در این اتحاد شرکت داشته باشد. دکتر داوید رئیس سوسیالیست دموکراتهای مجلس ملی داخل کابینه شده است و فرنیاخ رئیس سابق رایشتاگ که عضو فراکسیون مرکز است به ریاست مجلس ملی انتخاب شده است.

قصه مراجعت

امروز آقای نواب به ملاقات اینجانب آمد. مدتی با ایشان راجع به اوضاع حاضر و وضع امروزی آلمان و موقعیت اسفانگیز عثمانی و انقلابات روسیه و اوضاع خودمان صحبت در میان بود. با ایشان به طریق شور مراجعت خودم را به ایران در میان گذاشته از ایشان خواهش کردم اگر صلاح می دانند جواز حرکت اینجانب را به هر ترتیبی که خودشان بخواهند تهیه فرمایند. راجع به حرکت و یا ماندن اینجانب ایشان عقیده ای نتوانستند اظهار کنند. ولی قول دادند که اقداماتی برای به دست آوردن جواز به توسط سفارت هلند بنمایند و اگر احیاناً هلندیها حاضر نشدند جواز بدهند آن وقت با پاریس مستقیماً تماس بگیرند.

ناصرالاسلام

شنبه ۱۵ فوریه - امروز صبح آقای ناصرالاسلام در ملاقات با اینجانب اظهار داشت که دیروز با آقای نواب راجع به رفتن خودش به ایران مذاکره کرده، آقای نواب با ایشان همان طور که به اینجانب قول مساعدت داده

اظهار مساعدت و همراهی نموده و گفته است اگر فی الحقیقه مصمم شدید و عازم حرکت باشید فوراً به توسط سفارت هلند و یا مستقیماً با پاریس اقدامات رسمی می‌نمایم. قرار شده آقای ناصرالاسلام با میرزا محمدعلی خان کلوب هم مذاکره کرده، اگر ایشان هم حاضر برای حرکت باشند آن وقت سه چهار نفر با هم برای به دست آوردن جواز و حرکت به طرف ایران حاضر باشند.

۱۶

تجدید مذاکرات مبارکه جنگ و مقدمات صلح میان آلمان و متفقین

امضای مبارکه جنگ

یکشنبه ۱۶ فوریه و دوشنبه ۱۷ - این دو روز خیلی مطبوع و مشعشع برای ملت آلمان بود زیرا مارشال فُش از طرف متفقین با تهدید و اولتیماتوم تجدید مبارکه جنگ را با شرایط سنگینی به امضای آلمانها رسانید. هیچ مهلتی به آلمانها نداد که لااقل این شرایط تجدید متارکه را آلمانها در مجلس ملی مطرح کنند. تنها کابینه جدید پس از مذاکره با رؤسای فراکسیونها مصمم شد با اعتراض شرایط تجدید متارکه را قبول نماید. آنها بی‌حق نبودند زیرا می‌ترسیدند اگر مدت متارکه تجدید نشود نیروی متفقین جلو آمده قسمت و ستفالی و معادن زغال سنگ آلمان را تحت اشغال خواهند گرفت و در حقیقت ریشه حیات اقتصادی آلمان را قطع خواهند کرد. از طرفی هم قبول این شرایط برای آلمان چیز خوبی نبود. ولی چه می‌توانستند بکنند. این شعر امروز برای آلمانها مصداق پیدا کرده:

در کف شیر تر خونخواره‌ای غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای

کمی و بدی خوراک

امروز هر چه دشمن بخواهد می‌کند. شمشیر دست اوست و مایه حیات آلمان هم از مواد اولیه و اغذیه و پوشاک هر چه هست در ید قدرت اوست. آلمانها فهمیده [اند] و امروز بهتر می‌فهمند که مایه حیات یعنی مواد اولیه برای به کار انداختن صنایع و مواد خوراکی و پوشاکی و لوازم زندگی قطعی اهمیتش بیش از هر چیز است. با شکم گرسنه نمی‌شود جنگ کرد. با پای برهنه و بدن لخت نمی‌شود در میدان مبارزه موفقیت حاصل نمود. زن و بچه خوراک لازم دارند. بچه شیر می‌خواهد. زن غذای صحیح و وافی می‌خواهد تا برای او شیر تدارک کند. مردان برای انجام امور به لوازم، خوراک و پوشاک نیازمندند. وقتی اینها مفقود شد وسائل مبارزه داخلی و خارجی ممکن نیست. [به طور] محقق در این جنگ هزارها اطفال شیرخواره در آلمان از بی‌شیری تلف شده‌اند. هزارها مرد و زن مسن از بی‌خوراکی و بد خوراکی دار فنا را وداع گفته‌اند. هزاران جوان از کمی و بدی اغذیه، از فقدان مواد گوشتی و روغنی به امراض مزمن مهلک مبتلا و از زندگی محروم شده‌اند.

شدت محاصره

متفقین از موقعیت آلمان خوب مطلعند و با نهایت بی‌رحمی نقشه خود را تعقیب می‌نمایند. چشم خودشان را بسته [اند] و به گوش پنبه گذاشته [اند] و به اوضاع اسف‌انگیز ملت آلمان نظری نیفکنده [اند] و به ناله‌های حزن‌انگیز آنها گوش نمی‌دهند. هنوز هم با وجود متارکه جنگ نمی‌گذارند هیچ‌گونه مواد اولیه و آذوقه وارد آلمان شود. می‌ترسند که هر گاه شکم مردم سیر شود شاید بر مقاومت آنها در قبول شرایط سنگین

افزوده شود. امروز پس از مدتی یک سبد مرکبات در برلن دیدم که در جلو یک مغازه بزرگی برای نمایش گذاشته بودند. این مرکبات را از راه سویس به برلن وارد کرده [اند]. محاصره متفقین به قدری سخت بود که حتی از دول بی‌طرف هم که از همسایگان آلمان هستند چنین چیزها به آلمان وارد نمی‌شد. امروز گرانی به جایی رسیده [است] که قوه خرید از طبقات متوسط و پایین سلب گردیده است.

سیاست و بی‌رحمی

سیاست در اروپا به احساسات بشری توجهی ندارد، اگر چنین موقعیتی در شرق میان ماها واقع می‌شد احساسات مردم خواهی ما را به کمک حریف مغلوب کشانده، لااقل قوت لایموتی برای ادامه حیات او می‌رساندیم. ولی انگلیسیها و فرانسویها از نقطه نظر احساسات به حریف خود نگاه نمی‌کنند. سیاست آنها چنین اقتضا دارد که دشمن شکست خورده را تا ابد از حمل سلاح بر ضد آنها محروم دارد. دشمن آنها دیگر نتواند سر بلند کند. آلمان فردا آلمان دیروزی نشود. فرانسه چهل میلیونی می‌خواهد نژاد ژرمن را به قسمی خرد کند که دیگر نتواند حیات سیاسی تجدید نماید. انگلیس به خیال این است که آلمان را به قسمی کوچک و زبون گرداند که در آتیه بتواند آن را همیشه در پرتو حمایت و سیطره خود نگه دارد. در چه فکرند که امروز پنج سال است آلمانی گرسنگی را تحمل می‌کند. آلمانی بدبخت از زور گرسنگی به انقلاب افتاد و پرچم سفید بلند نمود و شخصیت و شرافت خود را تسلیم نمود که جان ملت خود را نجات دهد.

سال ۱۸۷۱

دنیا عجب تماشاخانه غریبی است و ما درس عبرت نمی‌گیریم. کمی عقب برویم در ۱۸۷۱ و حالت آن روزی ملت فرانسه را به یاد آوریم که

چقدر شباهت به موقعیت امروزی آلمان داشت. آن روز بیزمارک صدراعظم پروس رشته حیاتی فرانسه را قطع کرد و امروز متفقین آلمانهای گرسنه را اسیر دست خود نمودند و فردا معلوم نیست چه نقشه‌ای در کار بیاید. در هر صورت اوضاع آلمانها امروز این قدر تأثرآور است که ممکن نیست خودشان آن را فراموش کنند.

یکی از شرایط تجدید مدت متارکه [که] به امضای آلمانها رسیده این است که آلمان فوراً عملیات نظامی را علیه لهستانها موقوف دارد و قطعات متنازع فیه باید همچنان تا زمان انعقاد صلح بمانند.

نطق وزیر مالیه آلمان

روز پانزدهم فوریه وزیر مالیه آلمان نطق مفصلی در مجلس ملی راجع به تقاضای اعتبار تازه ایراد نمود. بعضی اطلاعات مفید در ضمن نطق او مندرج بود. من جمله طبق صورتی که او قرائت کرد مخارج آلمان در این جنگ جهانی بالغ بر ۱۶۱ میلیارد مارک بوده است. در پنج ماه ۱۹۱۴، ۷/۵ میلیارد و در ۱۹۱۵، ۲۳ میلیارد و در ۱۹۱۶، ۲۶/۶ میلیارد و در ۱۹۱۷، ۳۹/۶ و در ۱۹۱۸، ۴۸/۵ میلیارد بوده است. در ابتدای این جنگ آلمانها دو میلیارد اسکناس در جریان داشته [اند] ولی امروز در پایان جنگ قرب ۳۵ میلیارد مارک اسکناس در جریان دارد. این بار سنگین امروز بر شانه ملت آلمان است که باید از راه مالیات پردازد. آلمانها می خواهند مالیاتهای تازه‌ای به نسبت عایدات وضع نمایند که بار سنگینی به ضعف وارد نکند. اما این را نباید ناگفته گذاشت که اخیراً انجمنهای کارگران و سربازان حیف و میل بسیار در اموال دولت کرده و حتی مقدار زیادی از اموال وزارت جنگ را به تراج برده‌اند.

همسفران ایرانی

امروز آقای ناصرالاسلام با تلفن اظهار داشت که با آقای میرزا

محمدعلی خان کلوب مذاکره کرده، ایشان هم موقع را برای حرکت به ایران مناسب می‌داند به خصوص با بودن وزیر امور خارجه ایران در پاریس حرکت بجایی خواهد بود. قرار گذاشتیم چهار نفر از مایعنی آقایان ناصرالاسلام، میرزا محمدعلی خان کلوب، علوی و اینجانب مقدمات حرکت خودمان را فراهم نماییم و اتفاقاً چون امشب در سفارت به شام مهمان آقای نواب هستیم در آنجا در این زمینه مذاکرات لازم نموده بلکه مقدمات کار را که عمده به دست آوردن جواز حرکت است فراهم نماییم.

کتاب لودندورف

لودندورف از سیاسیون معروف آلمان که تا همین اواخر روح استقامت جنگی آلمان را تشکیل می‌داد و تمام نیروهای نظامی و سیاسی آلمان را در دست داشت کتابی راجع به تاریخ جنگ و دفاع از سیاست خودش تألیف [کرده است] و در جریان طبع می‌باشد.

نطق نماینده آلمان

سه‌شنبه ۱۸ فوریه - دیروز [رزبرگر نماینده آلمان که برای تجدید متارکه جنگ به فرانسه رفته بود مراجعت کرده توضیحاتی در خصوص قرارداد اخیر در مجلس ملی داده [است] و می‌گوید: «خداوند چنین روزی را که نصیب من در فرانسه نمود یعنی روزی را که مجبور بودم چنین قراردادی را امضا کنم نصیب اعضای این مجلس نگرداند. حریف ما مسلح، شمشیر بر دست در مقابل آلمان امروزی ایستاده می‌گوید حرف یکی است. تمام دول متفقین حتی رئیس جمهور امریکا مستر ویلسن این مواد را امضا کرده [اند] و کم و زیاد هم نمی‌شود. باید تا روز یکشنبه ۱۶ فوریه ساعت شش بعدازظهر امضا کنیم والا فرمان به نیروها داده می‌شود عملیات را شروع کرده جلو بروند. در این صورت پس از وصول رضایتنامه از طرف

دولت قرارداد را امضا کردم. تنها نظریات آلمان به خصوص بعضی نکات [را] که مخالف این قرارداد بود تسلیم مارشال فیش نمودم و او قول داد این نظریات را در پاریس تقدیم نمایندگان متفقین نماید». قرار است فردا دولت آلمان در جواب استیضاح حزب وطنی دست راست توضیحات و جوابهای لازم راجع به امضای این قرارداد تجدید متارکه [را] بدهد.

اعتصاب عمومی

اسپارتاکیست‌ها در حدود وستفالی - مرکز معادن زغال سنگ آلمان - به عملیات انقلابی مشغول شده، اعتصاب عمومی در آنجا برقرار و کارگران مسلح بر علیه دولت قیام کرده‌اند. از طرفی دولت قشون کافی بدان حدود برای استقرار امنیت گسیل داشته. در هر صورت موقعیت خطرناکی برای دولت در آنجا پیش آمده است. اهالی لهستان هم تحت تبلیغات متفقین به انقلاب سخت برخاسته [اند] و به طرف مغرب در حرکت می‌باشند.

وضع هلند

امروز نامه‌ای از هلند از آقای نوری اسفندیاری داشتم. می‌گویند همه چیز در هلند فراوان و ارزاق از هر جهت خوب و ارزان و دلچسب است. جای تمام ایرانیان که در برلن در تنگی می‌باشند در هلند خالی است. نامه‌ای هم آقای کزازی از تهران وصول کرده و در این نامه نوشته‌اند که در این زمستان در تهران گرانی سخت و ناخوشی هم وفور دارد.

حزب وطنی دست راست

چهارشنبه ۱۹ فوریه - دیروز در مجلس ملی استیضاحی از رزبرگر وزیر و رئیس میسیون آلمان که برای تجدید متارکه جنگ به فرانسه رفته بود صورت گرفت. حزب وطنی دست راست او را مسئول یک قسمت از مواد

فوق‌العاده سخت این قرارداد دانسته‌اند. در مقابل احزاب اکثریت از او دفاع کرده و استیضاح را بر له دولت پایان داده‌اند. بدیهی است امروز دیگر مبارزه حزب وطنی دست راست که از محافظه‌کاران سابق بوده [است] و پیوسته از جنگ طرفداری می‌کردند فایده‌ای ندارد. مردم از اظهارات آنها منزجر [ند] و آنها را مسبب خرابی آلمان می‌دانند. اگر این گونه احزاب نبودند شاید جنگ اتفاق نمی‌افتاد. شروع جنگ و ادامه آن بر اثر مساعی آنان است. همین گونه احزاب حامی امپراتور و حواشی او بوده [اند] و شاید مدتی نگذرد که دوباره همین حزب در مجلس اکثریت پیدا کند. ولی احتمال ندارد به این زودیها خرابیهای این جنگ و خونریزیهای این مبارزه فراموش شود و ملت آلمان دوباره برای میدان جنگ حاضر گردد. احتمال کلی دارد که تا مردم امروزی آلمان در قید حیات هستند مصائب این جنگ را فراموش نخواهند کرد. ولی طبقه بعد که می‌آید در مقام تلافی برآمده انتقام از حریفها بکشد.

امشب را قرار است با آقایان ناصرالاسلام و میرزا محمدعلی خان کلوب در سفارت آقای بواب را ملاقات [کنیم] و با ایشان راجع به جزئیات حرکت خودمان از برلن مذاکره نماییم.

تیرخوردن به کلمانسو

پنجشنبه ۲۰ فوریه ۱۹۱۹ - دیروز صبح در پاریس یک نفر آنارشویست چند تیر به اتومبیل کلمانسو رئیس‌الوزرا انداخته، یک گلوله به بازوی کلمانسو اصابت و او را مجروح کرده است. از قرار اخبار پی‌درپی که از پاریس رسیده جراحت رئیس‌الوزرا خطرناک نیست و عنقریب خواهد توانست به مذاکرات صلح با نمایندگان متفقین بپردازد. زدوخورد میان قشون دولت آلمان و کارگران مسلح در حدود معادن زغال سنگ وستفالی در جریان است. از قرار راپورت‌هایی که روزنامه‌جات می‌دهند اعتصاب عمومی

طبق تبلیغات اسپارتاکیستها صورت نگرفته و نیروی دولت در مقابل انقلابیون در تضاد است.

نواب و بازگشت ما

بعد از ظهر به سفارت ایران رفتم. تلگرافی از تهران برای آقای نواب رسیده بود. در آخر این تلگراف آقای اعتلاءالملک کفیل وزارت خارجه از نگارنده احوالپرسی نموده، سؤال می‌کند اگر عازم مراجعت می‌باشم و سائلس تا جایی که وزارت خارجه مداخله دارد تهیه شود. آقایان ناصرالاسلام و میرزا محمدعلی خان کلوب و علوی هم به سفارت آمدند. راجع به رفتن خودمان به ایران مذاکره مفصل در میان بود. در پایان مذاکرات قرار شد آقای نواب به آقای ممتازالسلطنه وزیر مختار ایران در پاریس نامه‌ای نوشته، درخواست جواز رفتن ماها را به ایران از طریق پاریس به دست آورد. این را هم نگفته نگذارم که آقای نواب با وجود محبت نسبت به آقایان ملیون و مهاجرین ایران در برلن که عده آنها هم روزبه‌روز زیاده‌تر شده، باطناً بی‌میل نباشند که هر چه زودتر این آقایان از برلن حرکت کرده، رفع زحمت از ایشان بشود. هر قدر هم این رحمت با تعارف ناقابل باشد بالاخره زحمت است و آقای نواب در این مدت طولانی جنگ بدون ابراز احساسات مخالفی متحمل زحمات زیادی بوده‌اند.

کشته شدن رئیس الوزرای باویر

جمعه ۲۱ فوریه ۱۹۱۹ - امروز پیش از ظهر یک افسر سواره نظام آلمانی ۲۳ ساله رئیس الوزرای باویر را در جلو مجلس ملی آن ایالت به صرب گلوله به قتل رسانید. منشی رئیس الوزرا که با او به اتفاق عازم مجلس بود قاتل را با گلوله از پا درآورد. رئیس الوزرای مقتول سردسته انقلابیون بود و

در ماه نوامبر که آتش انقلاب در باویر زبانه کشید خود را در رأس انقلابیون قرار داد، حکومت سابق را از میان برداشت و با کمک انجمن سربازان و کارگران خود را بر مسند ریاست وزرائی باویر مستقر گردانید. در آغاز کار موضوع تجزیه باویر را از آلمان به میان آورد و برای این موضوع شهرتی به خود داد. ولی بعد که هنوز نیروی دولت آلمان را قوی دید از این موضوع صرف‌نظر نموده به انتشار بعضی نوشتجات خصوصی وزارت خارجه باویر پرداخته، به مقصود اینکه مسئولیت این جنگ جهانی و خسارتی که از این جنگ نصیب ملت آلمان شده و به خصوص تحمیلات فراوانی که به ایالت باویر وارد آمده [است] به گردن دولت سابق امپراتوری آلمان وارد سازد. خصومت فوق‌العاده‌ای نسبت به احزاب دست راست آلمان که حامی جنگ بودند اظهار می‌داشت، اخیراً نیز از طرف باویر نمایندگانی به انجمن بین‌المللی سوسیالیستها اعزام داشته [بود] و در آنجا نطقهای پر حرارت علیه حکومت سابق آلمان ایراد می‌کردند.

کشتن دو وزیر

رئیس الوزرا مقتول موسوم به آیزنر پنجاه و دو سال داشته و در روش چنان که گفته شد انقلابی بود و بالاخره در همان آتشی که برپا کرده بود سوخت. به قول آلمانها: «هر کس باد بکارد طوفان درو می‌کند». قتل آیزنر بر حدت انقلاب در باویر خواهد افزود، چنان که پس از قتل او دو نفر از وزراء را در داخل مجلس کشته و سومی را هم زخم منکری زده‌اند. انقلابیون در چندین مراکز دست به کار شده و کارگران را جداً تشویق به اعتصاب می‌کنند. در هر صورت زدو خورد سخت میان نیروهای دولتی و شورشیان در حدود وستفالی ادامه دارد. از قرار آخرین خبری که رسیده حالت کلمانسو رئیس الوزرای فرانسه چندان وخیم نیست و مرگ او را پیش‌بینی نمی‌کنند.

وضع مونیخ

شنبه ۲۲ و یکشنبه ۲۳ فوریه - طبق آخرین اخباری که از مونیخ پایتخت باویر رسیده، اوضاع آن ایالت چندان خوب نیست. انقلابیون دسته‌ها در خیابانها و معابر مونیخ راه انداخته، به زور دکاکین و کارخانه و مغازه‌ها را بسته [اند] و کارگران و سربازان را با خود همراه می‌کنند. بدیهی است خراب کردن و هرج و مرج برپا نمودن کار مشکلی نیست مخصوصاً برای مردم بیکار و بی‌معاش، مردمی که به امید چپاول روز و شب خود را می‌گذرانند و کاری جز خرابی ندارند. این وضع نه تنها در شهر مونیخ و باویر فراهم شده بلکه در تمام آلمان همین موقعیت را به خود گرفته. در برلن هم هر روز بیم انقلاب و هرج و مرج در پیش است. بسیاری از اشخاص از کارگران بیکار و دیگران با لباس سربازی و یا پلیسی در خانه‌ها داخل شده به عنوان تفحص و تفتیش برای اسلحه و یا آذوقه هرچه [را که] نزدیک به پول است و ارزش پولی دارد جمع کرده می‌برند. چنانکه عده‌ای از اشراف را در مونیخ گرفته به نام استبداد و ارتجاع و این گونه عناوین توقیف و اموال آنها را چپاول کرده‌اند. مطبوعات در مونیخ به کلی تحت توقیف است. اصلاً روزنامه‌ای در آنجا چاپ نمی‌شود. کار و کسب هم عجالتاً به کلی خوابیده و به‌خصوص به احترام قتل رئیس‌الوزرای انقلابی سه روز کسب و کار را توقیف و تعطیل عمومی کرده‌اند.

وضع کلمانسو

راپرت مختلف راجع به وضعیت مزاج کلمانسو بر اثر زخمی که برداشته می‌رسد. از قرار معلوم اگر هم مدتی بستری باشد خطر مرگ برای او نیست، عنقریب از بستر بلند شده به قتل آلمانها خواهد پرداخت. از قرار آخرین خبری که رسیده متفقین عزم جزم دارند هر چه زودتر بساط صلح را بگسترانند زیرا وضع داخلی خود آنها نیز چندان روشن نیست و بیم آن می‌رود که آنها هم اوضاع بلشویکی شروع شود.

وزیر مختاری ذکاءالدوله

از قراری که امروز از یکی از آقایان ایرانیان شنیدم ذکاءالدوله پسر مرحوم مهندس الممالک به عنوان وزارت مختار ایران در سویس وارد برن شده است. آقای عباسقلی خان نوری هنوز در هلند و منتظر جواز حرکت به طرف لندن می‌باشد.

سختی زندگی در آلمان

دوشنبه ۲۴ فوریه - آتش انقلاب پیوسته در آلمان به حرارت خود می‌افزاید. تمام شهرهای جنوب آلمان در حال انقلاب است. کارگران دسته‌ها راه انداخته و سربازان بدانها ملحق شده [اند]، ادارات دولتی را ضبط و پرچم سرخ انقلاب و استقلال را بلند می‌کنند. عده زیاد بیکار و بی‌معاش بیشتر بدین هرج و مرج داخل می‌شوند. متفقین خوب فهمیده‌اند که هر قدر این سختی معاش و تنگی و قحطی ادامه پیدا کند کار آلمان سخت‌تر و از هم پاشیده‌تر خواهد شد، به قسمی که کار از دست هر حکومتی که روی کار آید خارج خواهد بود مانند اوضاع روسیه. قرب چهار ماه است که دیگر آتش جنگ در فروتنها خاموش شده [است] و متفقین به خوبی مسبوقند که آلمان با حالت امروزی حاضر برای جنگ نیست. مع‌هذا این اوضاع را ادامه داده [اند] و پیوسته سختی زندگی را برای آلمان شدیدتر و فقدان استراحت را زیادتر می‌نمایند.

بیکاری

آلمان امروز بدون اغراق میدانی است پر از جمعیت، فاقد اغذیه و امتعه و هر گونه مواد اولیه. مردم از تنگی معیشت به فریاد افتاده و استراحت و آرامش از این مملکت به در رفته است. مردم عموماً گرسنه و فاقد نیازمندیهای اولیه [اند] و کسب و کار تقریباً در حال تعطیل [است] و

کارخانجات به علت فقدان مواد اولیه دست از کار کشیده اند] و به کلی به حال تعطیل می‌باشند. به‌طور کلی مواد اولیه از قبیل پنبه و پشم و غیره برای کارخانجات اصلاً پیدا نمی‌شود. صدها کارگر که در کارخانه‌ها کار می‌کرده و معاش روزانه خود را به دست می‌آورده اند] امروز بیکار و بی‌نان زندگی می‌کنند. آدم بیکار و گرسنه طبیعتاً عاصی و تا حدی حاضر است به هر ترتیب که شد از هر راه قانونی یا غیرقانونی برای خود نان به دست بیاورد. در چنین مواقع مبلغین سیاسی نیز منتظر فرصت می‌باشند به محض اینکه فرصتی به دست آمد قدم جلو گذاشته، یک عده گرسنه [را] عقب سر خود انداخته دسته‌ای برای خود به وجود آورند. چنین دسته‌ها هستند که ایجاد هرج و مرج و انقلاب می‌کنند.

حکومت نظامی

از طرف دیگر حکومتها هم در چنین مواقع بی‌تقصیر نمی‌باشند. حکومت نظامی، حکومتی که به عقیده خودش حرفش قانون است، حکومتی که در مقابل حریفهای خارجی ایستاده قوای داخلی را تحریک می‌کند و هر گونه ناملايمات و حتی تعدیات را بر داخله به نام مقابله با خارجه روا می‌دارد و به زور شمشیر از تمام افراد مملکت اطاعت می‌خواهد، چنین حکومتی چندان دلسوزی نخواهد داشت. به قول یکی از سیاسیون حکومت نظامی در مملکت معز استبداد و ارتجاع است و حالت استبداد و ارتجاع خوب محسوس است. مع‌هذا بدترین موقعیت استبداد بهتر است از آنارشی. فقدان حکومت اساس زندگی را متزلزل و آرامش را برطرف [می‌کند] و مردم را از خانه و زندگی و مملکت متنفر می‌گرداند.

وضع گرانی

از تنگی و سختی امروزی آلمان برای خواننده محترم بنویسم: در اواخر

سال ۱۹۱۶ که به برلن آمدم قدری لباس متوسط با بعضی اشیای دیگر از لوازم زندگی برای خودم تدارک کردم. مثلاً پیراهن دانه‌ای ۴/۵ مارک. امروز پس از آنکه در تمام این مدت این ملبوسها را مورد استفاده قرار داده و تقریباً به کلی مندرس و از کار افتاده شده و حتی پارچه آنها زده شده است آنها را امروز به بیست برابر قیمت سه سال پیش از اینجانب می‌خریدند، ولی چون مورد نیاز خود اینجانب بود و معلوم نبود که در آینده هم چه خواهد شد لذا از فروش آنها خودداری کردم.

ویلسن رئیس جمهور امریکا وارد امریکا شده و خیال دارد پس از چند روز اقامت در امریکا مجدداً به اروپا مراجعت نماید.

اقدامات نواب

سه‌شنبه ۲۵ فوریه - امروز صبح آقای ناصرالاسلام با تلفن گفت که آقای نواب اقدامات لازم برای حرکت ایرانیان به طرف ایران معمول داشته‌اند، هم [در] پاریس به توسط سفارت ایران در پاریس اقدام کرده و هم در اینجا به توسط سفارت سویس تقاضای جواز لازم برای ایرانیان نموده‌اند و فی الحقیقه اقدامات ایشان مورث خوشوقتی است.

تیراندازی در برلن

طبق آخرین خبری که رسیده نادلنی به سمت مشاور سیاسی ریاست جمهوری انتخاب شده است. دیشب بازار تیراندازی در برلن رواجی داشت. از قرار معلوم انقلابیون باز خیال برهم زدن شهر برلن را دارند. اما از طرفی حکومت فعلی در صدد جلوگیری می‌باشد. ولی این نکته را باید دانست که امروز به قشون آلمان در چنین کارهای محلی اعتمادی نیست. بیشتر افراد قشون آلمان امروز به طرف چپ متمایل شده‌اند و خود را شریک انقلاب و چپاول می‌دانند. قشون از آن دیسیپلینی که داشت افتاده

[است] و افسران فرسوده از کار خارج می‌باشند. در مجلس ملی آلمان لایحه‌ای راجع به تشکیل قشون جدید پیشنهاد و مورد مذاکره قرار گرفته است.

اعتصابات

چهارشنبه ۲۶ فوریه - اعتصاب روزبه‌روز در آلمان در تزیاید است. در مرکز و جنوب تقریباً اعتصاب عمومی شروع شده [است]، حتی کارگران راه آهن دست از کار کشیده و آمد و رفت ترنها را راکد گذاشته‌اند. از دیروز تا به حال از برلن به طرف جنوب آلمان دیگر ترنی حرکت نکرده، در حقیقت یک ستیز سختی میان حکومت ملی امروزی آلمان و انقلابیون شروع شده است و چون انقلابیون روز به روز در تزیاید می‌باشند و از روی یک نقشه منظم کار می‌کنند و می‌خواهند به وسیله اعتصاب عمومی کار دولت، بلکه زندگی عمومی را راکد نمایند خیال خودشان را پیش می‌برند. همان انجمنهای کارگران و سربازان که دوره انقلاب را شروع و حکومت امروزی آلمان را به وجود آورده‌اند همان انجمنها برای ادامه حیات خودشان و تفریط تمکن عمومی این هرج و مرجها را جلو آورده [اند] که حکومتهایی به شکل حکومتهای روسیه ایجاد [کنند] و در هر محل خودشان حکمروایی بنمایند. حربه عمده‌ای هم که در دست آنهاست همین ترورها و اعتصابات عمومی است. اعتصابها را هم اغلب به زور ترور به میان می‌آورند.

آقای نواب را امروز ملاقات کردم. گفت چند روزی است در خصوص حرکت آقایان ایرانیان نامه‌ای به پاریس به آقای ممتاز السلطنه وزیر مختار آنجا نوشته و از ایشان درخواست کرده اقدامات لازم در باب حرکت این آقایان از برلن تا تهران بنمایند.

ورود نمایندگان اتریش

پنجشنبه ۲۷ فوریه - امروز شدت اعتصاب عمومی بیش از هر روز است و

بیم آن می‌رود که عنقریب برلن دچار آشوب سختی بشود. نمایندگان اتریش - اتریش اصلی، آن قسمت از کشور امپراتوری اتریش که گت‌های شرقی در زمان تهاجم بدین طرف اروپا مسکن خود قرار داده [بودند] و یکی از قسمتهای بسیار بارور آن که در دو طرف رود دانوب واقع و شهر مهم وینه پایتخت امپراتوری اتریش که حقیقتاً یکی از مهمترین پایتختهای اروپایی است، می‌باشد و این قسمت، قسمت اصلی اتریش و اهالی آن اکثراً از نژاد ژرمن می‌باشند - دو روز است وارد برلن شده [اند] تا در اینجا راجع به منضم شدن اتریش به آلمان مذاکرات لازم با حکومت فعلی آلمان به میان آورند و در حقیقت نژاد ژرمن را از هر قسمت آلمان و اتریش سابق متحد و متفق نمایند.

دفاع لودندورف

ژنرال لودندورف معروف دیروز مصاحبه‌ای به روزنامه‌جات داد. او از خود دفاع می‌کند و می‌گوید برای فهم اوضاع اخیر جنگ و عملیات جنگی آلمان بایستی به گزارش دوساله جنگ نگاه کرد. در اواسط سال ۱۹۱۶ که افق این جنگ به علت دخول رومانی قدری تیره شده بود امپراتور آلمان فرماندهی جنگ را به او رجوع نمود. در همان سال به علت فتوحات در بالکان افق قدری روشن‌تر گردید. تدبیر جنگی لودندورف پیوسته بر این مصروف بود که از تمام قوا و عناصر داخلی استفاده کرده، جنگ را هرچه شدیدتر و سریعتر تعقیب نموده بلکه به طرف صلح نزدیکتر گردد. لودندورف می‌دانست که متفقین شکست قطعی آلمان را خواهان بوده [اند] و هیچ قصدی و هدفی به جز رسیدن بدین مقصود نداشته‌اند. چنان که اخیراً پس از ضعیف شدن آلمان همین نیت تحت شرایط متارکه جنگ خوب واضح و روشن گردید. همین نیت را متفقین از ابتدا تا به حال داشته [اند] و هیچ وقت از این خط منحرف نشده‌اند. در این دو سال که

لودندورف در رأس کار بوده هیچ وقت به گوشش نخورده [است] که متفقین طالب صلح باشند. اگر چنین چیزی را استنباط کرده بود فوراً به شخص امپراتور عقیده خود را اظهار و دولت آلمان را به صلح وادار می نمود.

شکست آلمان

لودندورف طالب صلح بود ولی نه صلح به هر نحو و به هر قیمت. عقیده او بر این بود که به علت ادامه جنگ و مدافعه خوب ممکن می بود متفقین را از آن عزم جزم خود در درهم شکستن آلمان قدری منحرف ساخته، در راه صلح شرافتمندی وارد نماید. در روز ۸ اوت ۱۹۱۸ - روز افانسیو بزرگ متفقین - به او معلوم شد که دیگر دشمن را از راه ادامه جنگ نمی شود از خیال و نیت خود منحرف نمود. مدتی پیش از این تاریخ هم معلوم شده بود که از نیروی جنگی ملت آلمان کاسته شده، پس استفاده ادامه جنگ را دیگر نمی شود در فرونت جنگ از قشون آلمان به دست آورد. این بود همان روز هشتم اوت که به دولت آلمان پیشنهاد شد فوراً داخل مذاکرات صلح شده و اساس متارکه جنگ را به میان آورد. ولی باز در همان وقت هم عقیده لودندورف بر این نبود که فوراً شکست قطعی نصیب آلمان خواهد شد، بلکه چون دیگر خونریزی را بی فایده می دانست و نیروی آلمان را روز به روز رو به تحلیل می دید این بود که چنین پیشنهادی را به دولت نمود. مخصوصاً پس از شکست قطعی بلغارستان ادامه جنگ از این طرف بی فایده بود.

نظر امپراطور

امپراتور آلمان که همیشه از جریان جنگ به خوبی مطلع بود و روز هشتم اوت به کلی از تجدید فتوحات آلمان ناامید شده بود برای متارکه جنگ و

به دست آوردن شرایط صلح متفقین حاضر شد. به طور کلی نیت امپراتور همیشه به طرف صلح منعطف بوده و همچنین نیت ولیعهد آلمان. میان امپراتور و ولیعهد هیچ گونه اختلاف نظری یافت نمی شد. بارها ولیعهد به خود لودندورف اظهار تمایل به طرف انعقاد صلح می نمود ولی صلحی که به هیچ طرف خسارات زیادی وارد نیامد. لودندورف حاضر است در هر محکمه بی طرفی صحت این اظهارات و بی تقصیری خودش را ثابت نماید تا از برای دنیا اشتباهی راجع به مقاصد آلمان و امپراتور و حکومت آلمان در تعقیب جنگ باقی نماند. آلمان تا آخر جنگ در حال مدافعه استقامت داشت و نیتش بر این بود که حیات خود را برابر نیت متفقین و شکست قطعی خود حفظ نماید. عقیده لودندورف و کلیه فرماندهان آلمانی روی همین اصل میهن پرستانه و خیرخواهانه بود و تاریخ هم صحت این روش را ثابت خواهد نمود.

آینده صلح

از قرار اخباری که به تواتر از پاریس می رسد نمایندگان متفقین در آنجا با جدیت تام مشغول تدوین مواد صلح می باشند و مایلند قبل از اینکه آتش انقلاب در آلمان شدت یابد و از شعله آن خرابی عمومی جبران ناپذیری ایجاد شود کار صلح را به یک نتیجه قطعی برسانند. از قرار معلوم فرانسویها چندان عجله برای انعقاد صلح ندارند و مایلند کار آلمان روز به روز سخت تر و از هم پاشیده تر شود. از طرفی انگلیسیها و امریکاییها عقیده مندند اگر کار آلمان به کلی خراب شود آن وقت مشکل خواهد بود صلحی را که آنها در نظر دارند منعقد نموده به مقصود نایل آیند.

تاریخ ولادت مؤلف

جمعه ۲۸ فوریه ۱۹۱۹ - طبق حسابی که با زحمت انجام داده ام امروز روز

ولادت تخمینی اینجانب می‌باشد، آنچه به خاطر دارم و از کسان نزدیک خود شنیده‌ام سه هفته پیش از عید نوروز در یک زمستان بسیار سختی در خانه موروثی خودمان در محله‌ای از کاشان به نام پشت مسجد میدان تولد اینجانب شده. ولی در چه سالی بوده، در پشت یک قرآن خانوادگی نوشته شده [بود] ولی متأسفانه این قرآن مفقود [شده] و تاریخ صحیح تولد من از میان رفته است. دنیا این قدر اهمیت ندارد که زندگی آن برای افراد اهمیت داشته باشد و دانستن تاریخ سن شخصی مانند اینجانب چه اهمیتی خواهد داشت. ولی در اینکه ثبت تولد، مانند ثبت وقایع تاریخی دیگر برای حیات اشخاص مانند زمانهای مختلف در تواریخ اقوام مختلف لازم است هیچ حرفی نیست. اداره ثبت نام، مانند سایر ادارات دیگر دولتی و محلی همان قدر لازم است. در اغلب جاهای اروپا تولد کودکان در دو جا ثبت می‌شود و همان طور تاریخ عقد و نکاح و به همان نحو تاریخ وفات؛ یکی در دفتر دولتی یا شهری یا محلی و دیگری در دفتر کلیساها و قبرستانها.

ثبت تولد در اروپا

هر بچه‌ای را در ممالک مسیحی پس از تولد غسل تعمید داده اسم می‌گذارند و در انجام همین عمل تعمید تاریخ تولد آن طفل را در همان کلیسا که کلیسای محل است ثبت کرده در دفاتر کلیسا حفظ می‌نمایند. هر کلیسایی از همان تاریخ تأسیس دفترخانه مخصوص دارد که در آن اسامی اطفال متولده محل که در آن غسل تعمید یافته‌اند و نیز عقد و نکاح‌ها و اسامی زنها و مردانی که در آنجا عقد و نکاح می‌شوند و نیز اسامی اموات که به توسط کشیش آن کلیسا دفن می‌شوند با اسم و رسم صحیح مرتب ثبت می‌شود. به همین ترتیب ثبت تولد و عقد و نکاح و وفات در دفتر ثبت دولتی یا شهری و محلی انجام می‌گیرد. برای ثبت هر تولدی از

دفترخانه ورقه ثبتی صحیح به آن طفل می‌دهند که در هر موقع زندگی برای او مفید باشد. فرضاً وقتی که طفل بزرگ شد و خواست مسافرتی به خارج نماید با نشان دادن این ورقه وصول تذکره مسافرت برای او آسان می‌شود و در کار استخدام و بعضی مشاغل دیگر نیز داشتن این ورقه ثبت مفید است.

ضرورت نام خانوادگی

برای عروسی و امثال آن رؤیت ثبت تولد نیز لازم می‌شود. اگر احیاناً ورقه ثبت مفقود شد ممکن است از اداره ثبت دولتی ورقه دیگری تحصیل کرد. در هر موقع شخص می‌تواند تاریخ تولد خود و حتی چندین پشت خود را به واسطه مبلغ کمی خرج معین نماید. ولی این را هم باید دانست که برای ثبت تاریخ تولد و غیره داشتن اسم خانواده لازم است. وضع اسامی که در ایران و در بعضی جاهای دیگر آسیا مرسوم است کار ثبت را به غایت مشکل بلکه غیرممکن می‌گرداند. اگر هر کس اسم جداگانه داشته باشد چنان که در ایران رایج است پیوسته تکرار می‌شود ثبت نام مشکل بلکه محال است. فرضاً پدری به نام حسین پسری دارد به نام حسن و حسن پسری دارد به نام حسین و آن حسین پسری به نام حسن، در ثبت می‌بایستی تمام این اسامی فردی جداگانه تکرار شود و این تکرار شخص را در تمیز اسامی دچار اشتباه می‌کند.

توضیح درباره نامها

در ممالک اروپایی که دفاتر ثبت دارند هر شخصی اغلب دو اسم شخصی دارد و یک اسم خانواده. اسم خانواده‌ای را به طریق الفبا ثبت کرده و در پهلوی آن دو نام شخصی را می‌نویسند. نام خانواده بدون تغییر پشت در پشت می‌ماند و در موقع ثبت دفتر مکرر می‌شود و برای همان خانواده با

تغییر اسامی شخصی افراد مختلف آن خانواده تحریر می شود. فرضاً شخصی به نام شیبانی متأهل شده دارای دو پسر و یک دختر، یک پسر حسینقلی و دیگری حسنعلی و دختر خورشیدلقا. در اداره ثبت بدین طریق ثبت می شود: در ردیف ش ی ب شیبانی، آن وقت شیبانی، حسینقلی - شیبانی، حسنعلی - شیبانی، خورشیدلقا. دو پسر شیبانی که هر کدام باز شیبانی نامیده می شوند خانواده شیبانی را ادامه می دهند ولی خورشیدلقا نمی تواند خانواده را ادامه بدهد. [او] تا زمانی که شوهر اختیار نکرده به نام شیبانی نامیده می شود ولی زمانی که شوهر اختیار کرد به نام شوهر نامیده شده نام پدر و خانواده از او منتفی می گردد. ولی هر گاه به یکی از افراد خانواده خود ازدواج کرد همان نام خانوادگی شیبانی روی او می ماند. فرض کنیم حسینقلی شیبانی پس از ازدواج دو پسر پیدا می کند یکی مسمی به علیقلی و دیگری عباسقلی. دفتر ثبت باز بدین طریق ثبت نام می نماید: شیبانی، علیقلی، شیبانی، عباسقلی و نسر علیهدا. هر قدر این خانواده زیاد شوند خانواده شیبانی را زیاده تر خواهد کرد و همین طور ممکن است سالها و صدها سال طول کشیده [شود] نام خانواده ها در دفاتر محصور است [هست] و رجوع به آنها آسان و یافتن هر تاریخی از آن سهل و منظم به دست آید. اگر بخواهید رجوع به دفاتر کنید فوراً به ردیف ش ی ب نظر انداخته نام شیبانی را پیدا کرده پشت در پشت این خانواده را معین کنید. بدین طریق: شیبانی، علیقلی تولد تاریخ..... عروسی تاریخ..... وفات تاریخ..... پسر: شیبانی، حسینقلی تولد تاریخ..... عروسی تاریخ..... وفات تاریخ..... و نسر علیهدا. بدین طریق هر شخصی در مملکت شجره مخصوصی پیدا می کند. و این موضوع هم یکی از چیزهای مهم اجتماعی و تاریخی است که تا درست نشود ثبت [نام] اهالی یک مملکت و ترتیب انتخابات از هر قبیل و سرشماریها از هر نوع به طور صحیح غیرممکن خواهد بود. از برای هر نوع احصاییه ثبت لازم و از برای

ثبت نام، نام فامیل ثابت لازم است. این وضع غیرمنظمی که اسامی اشخاص در ایران دارند به وضع فعلی، کار ثبت را غیرممکن می نماید.

وصول کارت و هدایا

در هر صورت امروز روز تولد تخمینی اینجانب است و به عادت آلمانها که در روز تولد افراد خانواده و دوستان و آشنایان نزدیک گل و هدایا فرستاده [می شود] و بسا نامه و کارت تهنیت می فرستند از برای اینجانب هم از طرف چند نفر از آلمانها گل و چشم روشنی فرستاده شده است. از میان اروپاییها آلمانها در این موضوع بیشتر مقیدند. آلمانها در چهار موقع پذیرایی مفصل راه می اندازند: اول در روز تولد. در این روز پدر و مادر طفل، افراد خانواده و دوستان و آشنایان خود را دعوت کرده پذیرایی مفصلی انجام می دهند. هر کس که بدین پذیرایی می آید به قدر رتبه خود گل و یا هدیه دیگری برای صاحبخانه می آورد. این پذیرایی از بعد از ظهر آغاز [می شود] و تا آخر شب ادامه دارد. می خورند و می آشامند و موسیقی می زنند و می رقصند.

دوم در موقع نامزدی. وقتی که دختر و یا پسر مرد یا زنی رسماً نامزد شدند آن وقت خانواده دختر و یا زن خویشان و دوستان نزدیک خود را دعوت کرده پذیرایی مفصل می دهند.

سوم در موقع عروسی. باز کسان عروس افراد خانواده و دوستان نزدیک را پذیرایی مفصل می کنند. در این موقع گل و هدیه بردن از لوازم است. به طور کلی آلمانها عادت دارند هر جا که می روند و به هر میهمانی که داخل می شوند از برای صاحبخانه گل می برند، مخصوصاً وقتی زن و مردی به دیدن زن و مرد دیگری می روند در این صورت بردن گل و هدیه لازم است. در وقت بیرون آمدن هم باید به مستخدم خانه انعامی بدهند. این دو مسئله تقریباً مخصوص آلمانها است. در سایر جاهای اروپا این قدر متداول نیست.

چهارم در موقع دفن مرده. در این موقع هم صاحب عزا فرضاً پسر بزرگ و یا پدر و مادر و یا زن و امثال آن از خویشان و دوستان نزدیک دعوت کرده پس از به خاک سپردن متوفی به منزل مراجعت کرده پذیرایی مفصلی راه می‌اندازند و اغلب در این مجلس وصیت‌نامه متوفی برای حضار خوانده می‌شود و در موضوع ارث هم شاید کشمکش میان وراث بشود.

اینجانب هم یک پذیرایی مختصری برای دوستان آلمانی خود ترتیب دادم تا نصف شب مشغول پذیرایی بودم و گل زیادی هم از برای اینجانب آورده بودند که بعداً خودم میان دوستان تقسیم نمودم.

اخبار تهران

شنبه اول مارس ۱۹۱۹ - صبح آقای علوی اطلاع داد که نامه‌ای از تهران از طریق لاهه به ایشان رسیده که تاریخ آن در شهر صفر گذشته است، در این نامه می‌نویسند که جمعی از دموکراتها را از قبیل [تقی] بینش و شیخ حسن‌خان که مشغول تبلیغات بر ضد رئیس‌الوزرا و دولت او بوده تبعید کرده‌اند. جمعی از دموکراتها نزد آقای مشیرالدوله رفته [اند] که او واسطه واقع شود و اذیتی به دموکراتها نرسد و فایده‌ای نبخشیده است. نیز در این نامه اطلاع داده شده [است] که آتش سوزی شدیدی در وزارت مالیه تهران اتفاق افتاده تمام دفاتر مالیه را سوزانده است.

منتشر نشدن روزنامه

اعتصاب در تزیاید است. امروز اعتصاب در برلن شروع شده، روزنامه‌جات بعد از ظهر از طبع بیرون نیامده‌اند. از قرار خبری که از ایتالیا رسیده میان ایتالیا و اسلاوهای جنوبی مناقشه‌ای درگیر شده [است] و احتمال زدو خورد سختی نیز می‌رود.

اعتصاب در آلمان

یکشنبه ۲ و دوشنبه ۳ مارس ۱۹۱۹ - این دو روز اعتصاب در آلمان عمومیت یافته و اهمیت وقایع دیگر را بر عهده فراموشی سپرده است. روزنامه‌جات بزرگ برلن از بعد از ظهر روز اول این ماه تعطیل شده تنها روزنامه‌های کوچک دست چپی گاهی اعلامیه‌ای انتشار می‌دهند. کارگران برلن روز دوشنبه سوم مارس پیش از ظهر انجمن کرده به اکثریت تصمیم گرفته‌اند که از عصر سوم مارس ساعت هشت بعد از ظهر اعتصاب عمومی را شروع کنند. از قرار معلوم اعتصاب عمومی در برلن و اطراف این شهر و بلکه در سایر جاهای آلمان که تا به حال کار می‌کرده‌اند از فردا شروع شود. روز سوم مارس بعد از ظهر در محله کارگران شلیک و تیراندازی زیادی شنیده می‌شد. نقداً اوضاع آلمان بسیار تیره است، اعتصابیون به هیچ چیز کمتر از حکومت بلشویکی روسیه در آلمان قانع نیستند.

مقاصد کارگران

این جنبش کارگران انقلابات شدیدی را در جلو دارد. شاید متفقین این آتش را باد می‌زنند، چه شود که همین آتش دامن خود آنها را هم بسوزاند و تمام منافع حاصله از فتوحات توده خاکستر شود. اگر متفقین محاصره دریایی را از آلمان برداشته بودند، اگر این اشکالات مادی و سیاسی را برای حکومت امروزی آلمان فراهم نمی‌نمودند کار بدین جا نمی‌کشید و کارگران آلمانی اوضاع بلشویکی روسیه را خواهان نمی‌شدند. اگر روسیه و آلمان هر دو بلشویک شدند آن وقت کشورهایی مانند ایتالیا و فرانسه چگونه خودشان را حفظ خواهند کرد؟ امروز کشمکش خونین میان کارگران و سرمایه‌داران شروع شده است. دیگر صحبت دموکراسی در میان نیست. کسی حکومت ملی نمی‌خواهد. کارگر می‌گوید به زور ترور و

اعتصاب عمومی حکومتی به میل خود ایجاد کرده، سرمایه‌داران را به دست آورده میان خود تقسیم کرده می‌خوریم. مدت زمانی سرمایه‌دار حکومت می‌کرده مدتی هم دوره کارگر است. این جنگ بزرگ به قسمی کارگران را نیرومند و به همان نسبت طبقات بالاتر را ضعیف گردانده [است] که کارگر می‌تواند هر قوه‌ای را حائز شود.

سرمایه‌داران

سرمایه‌دار هم در این جنگ فوق‌العاده متمول گردیده به قسمی که از سنگینی سرمایه حرکت سریع برای سرمایه‌دار ممکن نیست. بیشتر این سرمایه را از راه‌های غیرمشروع به دست آورده و امروز از ترس در گوشه‌ای خزیده و خود را پنهان داشته است. بیشتر منافع جنگی چه برای مصارف آلات و ادوات جنگ و چه برای تدارک احتیاجات خوراک و پوشاک مردم بر سرمایه سرمایه‌دار افزوده شده است. هر مقاطعه‌چی کوچکی امروز دارای میلیونها تمکن شده [است] و اغلب یهودیها داخل این کارها بوده میلیونها دخل برده‌اند. سرمایه‌دار امروز از ترس از دست دادن سرمایه ساکت است. کارمندان دولت هم به علت ضعف دولت چندان خود را ظاهر نمی‌کنند. طبقات متوسط این قدر تحمل بار سنگین این جنگ را کرده [اند] که دیگر نیروی حرکتی ندارند لذا میدان برای کارگران خالی مانده است. هر ساعتی چیزی می‌طلبند. ساعتی تقاضای حوائج اقتصادی [دارند] و ساعتی پیرو مسائل سیاسی می‌شوند. سختی کار هم در اینجا است که امروز تمام نیازمندیهای مردم در دست کارگران است. تمام لوازم زندگی از آب و خوراک و گاز و برق و غیره به دست کارگران در کارخانه‌ها تهیه می‌شود. اگر کارگر دست از کار کشید زندگی عموم مردم مشکل می‌شود. به علاوه به واسطه این انقلاب بیشتر کارگران آلمانی امروز مسلح می‌باشند. وقتی سربازان از فرونت جنگ به خانه خود

برمی‌گردند با تمام اسلحه و آلات و ادوات جنگی که در دست آنهاست و از دست نداده [اند] در صف کارگران داخل می‌شوند. با زور از حکومت درخواستهای سخت می‌کنند و حتی کارگران معتدل را هم به اعتصاب وامی‌دارند.

آلمان مثل روسیه

کشوری مانند آلمان امروزی که علی‌الظاهر صاحب ندارد و دشمن با شمشیر کشیده جلوش ایستاده است به همین ترتیب امروزی آلمان مبتلا می‌شود. از یک طرف پس از سالیان دراز فشار تحت استبداد نظامی و از طرف دیگر سختی و گرسنگی در مدت چهار سال و نیم جنگ، [موجب شده که] مردم عاصی گردیده نه تنها حکومتی نمی‌خواهند بلکه هر گونه حدودی را هم مخالف میل خود می‌دانند و می‌خواهند از میان بردارند. همین طور بود وضع روسیه در دو سال گذشته و به همین نحو است وضع امروزی آلمان. این آتش از شرق اروپا شروع شده به طرف غرب می‌رود. زیادتی طمع، زیادتی ثروت، زیادتی نخوت و غرور فوق‌العاده مادی و فقدان معنویات و روحیات خودپرستی فوق تصور و بی‌رحمی فوق‌العاده و بالاخره وضع هولناک تمدن مادی امروزی موجد این هیجان عمومی و هرج و مرج دامن‌دار امروزی اروپا شده است. سرمایه‌داری را که زاینده تمدن و آزادی مادی امروزی است هیچ چیز خراب نمی‌کند مگر همین فکر بلشویزم.

حرکت معکوس

همان‌طور که اخلاق و عادات بعضی از ملل مورت اضمحلال آنها گردیده [است] همان‌طور مادیات امروزی مخرب بنیان آرامش می‌شود. خیلی جای تأسف است که چنین آتشی مشتعل گردیده خوب و بد را با هم

می سوزاند، جای تأثر است که آثار تاریخی تمدن بر طرف گردد. از ترقی و آزادی فکر نباید کاسته شود. دنیا را نباید عقب برد. همان قدر که جنگ و خونریزی از ترقی تمدن جلوگیری می کند این گونه هرج و مرج ها و انقلابات همان طور دنیا را از سیر خود باز می دارد. شاید همین گونه انقلابات شدیدترین استبداد امپریالیزم و بالاخره سرمایه داری را رواج دهد. به حکم طبیعت هر حرکتی حرکت معکوسی تولید می کند. همان طور که استبداد حکومت تزاری و یا نظامی، حکومت بلشویزم [را] به وجود آورده، همان طور بلشویزم به شکل دیگر استبداد شدیدتری را به وجود خواهد آورد، تا آتیه چه حکم کند.

امریه فرمانده متفقین

فرمانده قشون متفقین در آلمان امریه ای صادر کرده که قشون متفقین به هیچ قسم دخالتی در نمایش کارگران ننمایند و هر کجا که زد و خورد شروع شد قشون متفقین فوراً از آن محل خارج شده پس از استرداد امنیت مراجعت کنند.

اعتصاب عمومی

سه شنبه چهارم مارس [۱۹۱۹] - اعتصاب عمومی در برلن شروع شده، امروز دیگر راه آهن زیرزمینی ترامواهای الکتریکی و اتوبوسها و کلیه وسائل حمل و نقل به استثنای درشکه های کهنه و اتومبیل های از کار افتاده حرکت نمی کنند. رفت و آمد در داخل شهر بسیار مشکل شده. کارخانه ها بالتام از کار افتاده و کارگران در حال اعتصابند. دیشب در بعضی جاهای شهر تصادم خونین میان شورشیان و قشون واقع شده عده ای مقتول و زخمی شده اند. شهر به کلی در دست نظامیان است. ناامنی در همه جا پدیدار می باشد. چون روزنامه ها در حال تعطیل می باشند اخبار تازه ای به

گوش نمی رسد. از حکومت و ایماز هم خبری نیست. امروز بعد از ظهر تلفن ها هم قطع شد. تلگراف و پست هم به کلی در حال تعطیل می باشد. از تقاضاهای اعتصابیون اخباری نرسیده. ولی آنچه معلوم است کارگران چند کارخانه تقاضای حکومت بلشویکی کرده اند و تأسیس محکمه عالی نظامی را برای محاکمه امپراتور ویلهلم و پسر او ولیعهد سابق و هندنبورگ و لودندورف خواهان می باشند.

وصیتنامه مؤلف

وضع ایرانیان مقیم برلن در این موقع محتاج به توصیف نیست؛ از یک طرف فقدان وسائل زندگی و از طرفی فقدان آرامش و [وجود] هرج و مرج و انقلاب عمومی در شهر که حتی عبور و مرور و گردش در خیابانها را هم مشکل کرده است. از این رو باید تمام روز را در اتاقها مانده در انتظار استقرار امنیت و برقراری نظم باشند. امروز اینجانب وصیتنامه خود را در دو نسخه نوشته در جوف دو پاکت سر به مهر گذاشته، نسخه ای را برای آقای میرزا محمدخان قزوینی و دیگری را برای آقای میرزا حبیب الله خان شیبانی فرستادم که اگر مسافرت به ایران عملی نگردید و به مسافرت دنیای دیگر منجر گردید لاقلاً کسان من از اوضاع آخر زندگانی نگارنده در این مسافرت غم انگیز مسبوق باشند.

روزنامه ها

چهارشنبه پنجم مارس - اعتصاب عمومی ادامه دارد. حکومت فعلی حالت محاصره اعلام کرده و در برلن و اطراف شهر که اعتصاب عمومی در جریان است و انقلابیون به هرج و مرج کردن اوضاع پرداخته اند، قوانین متعارفی را عجالتاً تعطیل و اوضاع عمومی را به دست نظامیان سپرده است. نظامیان تمام عمارات دولتی و شهری و نظمی و غیره را در

دست دارند و در بعضی جاهای شهر سیم‌کشی کرده و با اجازه خصوصی آمد و رفت ممکن است. تلفون دیگر برای اشخاص غیر نظامی تعطیل است. تنها روزنامه‌ای که امروز به طبع رسیده و منتشر شده روزنامه فرروارتس ارگان سوسیالیست اکثریت (که پارتی این حکومت است) انتشار یافته. روزنامه‌های دیگر تماماً به حال تعطیل می‌باشند. روزنامه‌های انقلابی را هم حکومت فعلی قدغن کرده، ادارات آنها هم در ضبط قشون افتاده است.

نظر اعتصابیون

طبق اطلاعی که روزنامه نامبرده، فرروارتس، داده اعتصابیون دیروز کمیونی انتخاب کرده [اند] که به وایمار رفته با حکومت فعلی داخل مذاکره بشوند. خود روزنامه هم اظهار عقیده می‌کند که خوب است طرفین به یک طریقی اصلاح بکنند؛ یک قسمتی از تقاضاهای کارگران را حکومت فعلی قبول کند و قسمتی دیگر را کارگران صرف نظر کنند. در اینکه کارگران هم بی حق نیستند هیچ حرفی نیست. زندگی کارگران به قول این روزنامه بایستی قابل تحمل باشد. انقلابیون به هیچ چیز جز سرنگون کردن حکومت فعلی و برقرار ساختن حکومت بلشویکی در آلمان رضا نیستند. سوسیالیستهای اقلیت هم با نظر انقلابیون متمایل می‌باشند و روز به روز نیروی جدید می‌گیرند.

نطق لوید جرج

لوید جرج در ضمن نطقی اظهار می‌کند که روسیه به واسطه حکومت بلشویکی شیرازه خود را از هم پاشانده [است] و آلمان هم در همان خط سیر می‌کند. انگلیس باید ناجی تمدن امروزی باشد و نباید بگذارد تمدن دنیا از میان برود. معلوم نیست مقصود لوید جرج از این نطق چه باشد.

انگلیس به چه ترتیب ناجی تمدن دنیا خواهد بود. اگر کشتیهای جنگی انگلیس آلمان را پیوسته در محاصره نگه دارند و خوراک و پوشاک و لوازم زندگی به آلمان نرسانند چه قوه‌ای می‌تواند آلمان را از این حالت نجات دهد؟ آتش بلشویکی که در آلمان برافروخته شده یقیناً به سایر ممالک اروپا و بلکه به امریکا سرایت خواهد کرد. روسها امروز در آلمان به تبلیغات پرداخته و میلیونها خرج کرده [اند] که آلمان دارای حکومت بلشویکی بشود. اگر آلمانها حکومت بلشویکی برقرار کنند یقیناً با آن نفوذی که در دنیا دارند دنیای خارج را بی‌اثر نخواهند گذاشت.

نظر فرانسه در مورد آلمان

از قرار خبرهای رسیده فرانسویها چندان مایل به تسریع در کار صلح نیستند و مایل می‌باشند این اوضاع آلمان را ادامه دهند و دیگر مایل نیستند به آلمان اغذیه و مواد اولیه ضروری داده شود. حتی می‌گویند اگر انگلیس و امریکا بخواهند، در این موضوع یعنی رساندن مواد غذایی و مواد اولیه به آلمان [اقدام کنند] بایستی به مسئولیت و به خرج خودشان باشد. خوب که بنگریم این تمایل و این نظر که از فرانسویها خبر داده می‌شود خیلی غیرطبیعی نیست. اگر نظر به گذشته بیفکنیم و وقایع سال ۱۸۷۱ میلادی پس از شکست فرانسویها و محاصره پاریس را در نظر آوریم و سختیایی که در آن موقع به اهالی پاریس وارد ورنجهایی که فرانسویان در محاصره پاریس بر اثر این شکست متحمل شدند چنین نظریات نسبت به حریف دیرینه و امروز خیلی غیرعادی و غیرطبیعی نیست. فرانسویها می‌گویند پولی را که امروز آلمان بتواند برای اغذیه و مواد اولیه خرج کند باید در مقابل خسارتی که به فرانسویها وارد نموده [است] بدهد. این تمایل که از طرف فرانسویها ابراز شده اگر راست باشد شاید ضررش به خود فرانسویها عاید گردد. به خوبی می‌دانیم و تاریخ

نشان می‌دهد که از هر جای اروپا بلکه دنیا، فرانسه به انقلاب نزدیکتر است. شاید اخلاق مردم فرانسه انقلاب‌پسند است. اگر نگاهی به عقب بیفکنیم و تاریخ را ورق بزنیم می‌بینیم چه انقلاباتی در این سرزمین روی داده است، انقلاب کبیر را چه کشوری برپا کرد. فرانسویها بودند که این انقلاب را به میان آوردند و پرچم آزادی و برابری و برادری را در اروپا برای نخستین بار بر فراز کاخ استبداد برافراشتند. در همان جایی که لویی چهاردهم با آن استبداد و با آن دربار و با آن وسائل سلطنت می‌نمود حکومت جمهوری و دموکراسی ایجاد کردند. ولی از همین عملیات [به طور] عکس‌العمل امپراتوری ناپلئون بناپارت یعنی امپراتوری اول فرانسه ایجاد گردید و چه خونها در اروپا ریخته نشد و چه خرابیها که به بار نیامد. چه ظلمها و ستمها [پیش آمد]. مردم متحد شدند تا آنکه دوره بناپارت در ۱۸۱۵ پایان یافت و مردم خسته و رنج‌دیده آرزومند بودند که بلکه کنفرانس صلح که سیاسیون آن وقت وعده می‌دادند به این کشمکشها و خونریزیها پایان دهند و آسایش عمومی در اروپا برقرار کنند. غافل از آنکه گردش روزگار امروزی با تحولات شدیدتری که پیوسته در جریان است و نظریاتی که سیاسیون حریص به خود می‌گیرند با جنگها و خونریزیهای هولناک توأم گشته، فکر و آرامش را در حقیقت بر طرف می‌نماید.

نتیجه کنفرانسها

آیا این کنفرانسی که در نظر است و امروز سیاسیون متفقین در اطراف آن در شهر پاریس در مذاکره می‌باشند ایجاد آرامشی را که امروز مردمان اروپا بلکه عالم پس از قرب پنج سال جنگ خواهانند برقرار خواهد کرد؟ آیا سیاسیون خواهند گذاشت؟ آیا حرص و طمع اجازه خواهد داد که مدتی آرامش برقرار باشد؟ آیا مسائل غامض امروزی را خواهند توانست حل کنند؟ تاریخ نشان داد که احتیاجات ملل در کنفرانس وین پس از

جنگهای ناپلئون بناپارت حل نشد و برجا ماند و به انقلاب و تشنج عمومی منجر گردید، بلکه استقرار و استحکام صلح در کنفرانسهای بعدی هم با نظریات سیاسیون امروزی حل نشده برجا مانده است. حتی کنفرانسها و عهدنامه‌هایی که برای جلوگیری از جنگ و برای استقرار صلح و امنیت عمومی منعقد شده خود مورث انقلاب و علت اصلی جنگ بوده است و چنین پیشامدها در فلسفه تاریخ غیرطبیعی نیست.

کنفرانس وین

ترقیات سریع آرزوی ترقی را در کالبد ملل نیرو داده تهییج می‌نماید، به قسمی که جلوگیری از آنها ممکن نمی‌باشد. چه بسا مرزها با این گونه افکار با تصادم خونین از میان رفته و ملل به ضرر همدیگر بهره‌مند شده‌اند. تفویض لمباردی و ونیز به دولت هابسبورگ و یا تفویض فنلاند به روسیه تزاری و یا تجزیه بلژیک و هلند چنان که در نقشه کنفرانس وین ترسیم گردید هیچ گونه اثری در جریان تاریخ اروپا نمود و به هیچ وجه آرامشی که مردم لازم داشتند ایجاد نکرد و به اختتام هرج و مرج و به استقرار صلح ثابت که مردم آن زمان از آن کنفرانس انتظار داشتند خاتمه نداد. معلوم می‌شود که یأس مردم از ایجاد عدالت بین‌المللی انقلابات شدید ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹ برافروخته گردید و تا حالا دیده‌ایم که چنین پیشنهادهایی مانند «اصل بیطرفی مسلح»، «پیشنهاد کاترین دوم روسیه» و یا «صلح عمومی» کانت (فیلسوف معروف آلمانی) متأسفانه ثمری تا امروز به بار نیاورده و از اتحاد و ائتلاف دو یا بیشتر از دول به مقصود [که] حفظ صلح [یعنی] کیمیای سعادت [باشد] به دست نیامده. حرص و طمع پیوسته از صلح و سعادت جلوگیری کرده و در این دوره معاصر این‌گونه طمعکاریها از طرف دول بزرگ اروپایی به ضرر ملل ضعیف پایان یافته

[است] چنان که «اتحاد مقدس» الکساندر اول روسیه بیش از پیش بر حرص و طمع دولت روسیه تزاری بیفزود.

آیا می توان امید داشت

با این اختلافاتی که امروز خوب که با نظر کنجکاوی بنگریم میان خود متفقین موجود است آیا می توانیم امیدوار باشیم که این کنفرانس آرزوی مردم بیچاره و رنج دیده را برآورده خواهد ساخت؟ آیا می توانیم امیدوار باشیم که پس از این جنگ تا مدتی آرامش برقرار خواهد بود و تا حدی عدالت بین المللی مستقر خواهد گردید؟ آتیه جواب این سؤال را مبرهن خواهد داشت.

خرابیهای فرانسه

نباید فراموش کرد که فرانسویها از این جنگ خونین ممتد فرسوده گردیده اند] و سرباز فرانسوی دیگر بیش از این تحمل دوری از خانه و لانه خود ندارد. مردم فرانسه مانند مردم آلمان امروز آرامش لازم دارند. مردم طالب صلح می باشند. این خرابیهایی که به فرانسه در این جنگ وارد شده [است] باید ترمیم و ساخته شود. متجاوز از چهار سال دشمنی مانند آلمان در داخل مرزهای فرانسه مشغول جنگ و خونریزی بوده است. چه خانه ها که از پایه ویران نشد و چه مردمی که بی خانه و لانه نشدند و چه تلفاتی که به مردم وارد نگردید. رفع این آلودگیها کار آسانی نیست. آلمان امروزی قادر نیست جبران این گونه تلفات را بنماید. تنها چیزی که ممکن است این گونه زخمهای وارده را التیام بخشد آرامش و مدت زمان است. آلمان امروزی قادر نخواهد بود حتی یک صدم خسارات وارده به فرانسه را جبران نماید، وانگهی فرانسه در این جنگ تنها نیست و کار سایر دول متفقین چه خواهد شد؟

چه باید بکنند

هر کدام به قدر مراتبهم آلودگیهای بزرگی از این جنگ دارند و صورت حساب مفصلی ترتیب داده اند. وانگهی خسارات مادی، اگر آلمان امروزی هم از عهده آن می توانست برآید رفع این آلودگیها را نمی توانست بنماید. اروپا امروز چنان که گفته شد صلح و آرامش لازم دارد تا کشورهای این قاره را از حالت امروزی نجات دهد.

آلزاس و لرن

نقل و انتقال قطعات سرزی مانند آلزاس و لرن چندان کاری را صورت نخواهد داد، آلزاس و لرن همان طور که برای آلمان بار گرانی بود همان سنگینی را بر دوش فرانسه خواهد نهاد. امروز فرانسویهای آلزاس عداوت خود را نسبت به آلمان اظهار و فردا آلمانهای لرن تلاقی خواهند کرد. با این تعصب ملیت و نژاد که امروز در اروپا رواج دارد نقل و انتقال چنین قطعات سرزی اصلاً رفع نگرانی عمومی و ایجاد آسایش نخواهد کرد. باید موقعیتی به دست آید که فرانسه در مقابل آلمان و آلمان در مقابل فرانسه صمیمیت داشته، نظر سویی نسبت به یکدیگر نداشته باشند. آلزاس و لرن نمی تواند چنین موقعیتی را برای آنها ایجاد نماید. روش سیاسیون باید به کلی تغییر نماید. حرص و طمع را کنار گذارند و با پرچم عدالتخواهی و انصاف دوستی داخل میدان آزادی و برادری و برابری گردند. والا فرانسه در مقابل آلمان همیشه کوچکتر و از لحاظ عده نفوس ضعیف تر است. عده آلمانها زیاده تر، خودشان فعالتر و دارای پشتکار زیاده تر و در میدان مبارزه بادوام تر [هستند]. نباید کشمکشهای سیاسی را به میدان جنگ مبدل نماید. فرانسویها خوب باید این گونه ملاحظات را تحت نظر داشته باشند. سیاست انتقام باید کنار گذاشته شود. سیاست انتقام طلبی دیروزی فرانسه سیاست فردای آلمانها خواهد بود. همیشه

دول دیگر مانند انگلیس و امریکا و دیگران حاضر نخواهند بود که به کمک فرانسه در مقابل آلمان ایستادگی کنند و یک جنگ جهانی برپا نمایند.

آلمان امروز

از قرار معلوم همین نظریات که ذکر شد میان سیاسیون متفقین که امروز در پاریس مجتمع شده‌اند جداً وجود دارد، در یک موضوع اساسی در این مدت جنگ تمام آنها هم‌منظر بودند و آن عبارت از شکست دادن و مغلوب ساختن آلمان بود، حالا به آن نظر رسیده‌اند. بدیهی است قبل از این جنگ از نفوذ آلمان و ترقیات آلمان به خصوص ترقیاتی که آلمان پس از نیل به وحدت از ۱۸۷۱ به بعد نمود هیچ‌کدام خوش‌بین نبودند. از ترقیات اقتصادی و صنعتی آلمان مخصوصاً انگلیسیها بیم داشتند. این بیم آنها پس از شکست آلمان مرتفع شد. آلمان امروز آلمان پیش از جنگ نیست. انگلیس و امریکا قطعاً رضایت نخواهند داد فرانسه خود را به سواحل رود رن برساند. تاریخ دوره ناپلئون بناپارت فراموش نشده است. انگلیس و امریکا تا دیروز با آلمان می‌جنگیدند ولی فردا اگر فرانسه آن سیاست دوره بناپارتنی را به خود گرفت بایستی با فرانسه بجنگند. انگلیس و امریکا نخواهند گذاشت که فرانسه در اروپا ریاست داشته باشد.

تعویض بازیگرها

دوره لویی چهاردهم فراموش نشده و ممکن است هر روز تجدید شود. تئاتر همان تئاتر است ولی بازیگرها عوض می‌شوند. هر زمان ممکن است جمهوری فرانسه مبدل به امپراتوری شده فاش و امثال او و یا پوانکاره و امثالش جای ناپلئون بناپارت و یا لویی چهاردهم را بگیرند. وانگهی همان فرانسه جمهوری ممکن است دست تخطی به اطراف دراز

کند. همان قدر که آلمان نیرومند و مقتدر برای انگلیس خوب نبود فرانسه نیرومند هم خوب نیست. چنان که تاریخ خوب نشان می‌دهد که قبل از این چه بسا میان انگلیسیها و فرانسویها کشمکش سیاسی در میان بود. اول دشمن فرانسه، انگلیس و برعکس اول دشمن انگلیس فرانسه بود. سالهای متمادی در زمانهای مختلف میان این دو کشور جنگ و ستیز در میان بوده است. آخرین این جنگها، جنگهای ناپلئونی بوده و چه خونهایی که در میدان این مبارزه ریخته نشده است.

مختلف و بیم از تجاوزات، دولت ایتالیا مدتی در ترکیب اتحاد سه‌گانه آلمان، اتریش، ایتالیا شرکت داشته تنها در این جنگ با امید بسیار بر له متفقین علیه متحدین سابق داخل جنگ گردید و این عهدشکنی بزرگ را مرتکب گردید. قطع روابط با متحدین دیرینه و پیوست به مخالفین دیرینه برای منظور سیاسی و جلب منافع بود.

نظر ایتالیا

امروز پس از این جنگ و این عهدشکنی که دولت نامبرده بر خود گرفته از کجا می‌تواند منافع منظوره را به دست آورد. دولت اتریش سابق قبل از جنگ از میان رفته و آن کشور روی اصول ملیت تقسیم و تجزیه شده و این تقسیم و تجزیه، همدردی و موافقت کامل ویلسن رئیس جمهور امریکا را نموده است. وانگهی اسلاوهای جنوبی دوست دیرینه فرانسه و انگلیس قسمت عمده‌ای از کشور اتریش سابق را تشکیل می‌دادند. اگر اتریش سابق بدین ترتیب یعنی روی اصول ملیت تقسیم شود هیچ‌گونه حوائجی را از نظریات ایتالیا برآورده نخواهد ساخت. وانگهی بسط ایتالیا در مدیترانه خود علیه نظریات یونانیها و بلکه فرانسویها و در باطن انگلیسیهاست. نژاد یونانی و اسلاو جنوبی نخواهند گذاشت ایتالیا از این راه فایده‌ای ببرد [به طور] محقق فرانسه و انگلیس به آنها در پیشرفت نظریات خودشان کمک خواهند کرد. با این نظریات که ذکر شد ایتالیا هم طالب ضعف آلمان نیست و نمی‌خواهد آلمان زبون شده فرانسه راه بسط و ترقی بییماید.

ایتالیا طالب جنگ نبود

هر روز می‌شنویم این ابرهای تیره انقلاب بر فراز ایتالیا متراکم است. اکثریت ملت ایتالیا خواهان حکومت جمهوری می‌باشند. کارگران هر روز

اختلافات سیاسی متفقین در کنفرانس آینده

فرانسه و ایتالیا

در فصل گذشته مختصری از اختلافات سیاسی انگلیس و فرانسه ذکر شد و محتاج به تکرار نیست. میان فرانسه و ایتالیا هم آن موافقتی که می‌بایستی موجود باشد و برای مذاکرات در این کنفرانسهای صلح لازم است هیچ وقت وجود نداشت. اگر چه فرانسویها و ایتالیاییها هر دو از لاتین و تقریباً از یک نژادند ولی هیچ زمان به واسطه قرب و همجواری و نظرهای مختلف سیاسی با هم که موافقت نداشته، ضدیت سیاسی و حتی کشمکشهای مرزی داشته‌اند. تعدی و تجاوز بیشتر از طرف فرانسویها بود که در ایتالیا اعمال می‌شد. فرانسویها تا همین اواخر قبل از ایجاد وحدت ایتالیا در ۱۸۷۱ قسمتی از جنوب ایتالیا را در تحت اشغال داشته، بوربن‌ها به سلطنت دو سیسیل استوار بودند. ولی پس از نیل به وحدت و پس از شکست و انقراض دولت لویی ناپلئون دیگر مناقشات مرزی میان این دو دولت وجود نداشت ولی به ملاحظات سیاسی

در هیجان و اعتصاب در نقاط مختلف آن کشور در کار است و این ناراحتی و هیجان بدیهی است از کجا سرچشمه می‌گیرد. دخول در این جنگ برای ایتالیا چه فایده‌ای داشته جز آنکه صدها هزار تلفات داده و میلیاردها خرج و کشور را به فقر و فاقه و بیچارگی دچار نموده است و تقصیر این غلط‌کاریها را از دربار و یک عده سیاسیون بی فکر و حریص می‌دانند. ملت ایتالیا با تشکیلاتی که دارد و با اختلافات جغرافیایی و اقلیمی که همیشه در این مملکت موجود بوده و میان قطعات شمالی و جنوبی ایتالیا حتی میزان تمدن امروزی را مختلف گردانده و [همچنین] وجود کوههای عظیم که به کلی شکل مملکت و جریان تمدن را در آن کشور تغییر داده و یکنواختی کامل را از این ملت سلب کرده است. به‌طور کلی مردم این کشور با اختلافاتی که ذکر شد طالب این جنگ نبودند. ملت ایتالیا صلح می‌خواست و نان که با آن زندگی کنند. در این وقت که دشمن متفقین مغلوب شد و رقیب دیرینه این کشور یعنی فرانسه نیروی جدید یافت برای ایتالیا یقیناً خطر بیش از پیش خواهد بود. تا زمانی که به ایتالیا نیازمند بودند او را با خود همراه می‌نمودند ولی امروز دیگر آن احتیاج مرتفع است و هر کشور از متفقین به فکر بسط نفوذ خود در اروپا و در سیاست بین‌المللی می‌باشد.

نظریات سیاسیون

به‌طور کلی با اختلافاتی که ذکر شد و میان کشورهای متفقین موجود و نیز ثبت تاریخ است نظریات سیاسیون این کشورها که فعلاً در فرانسه مجتمع شده‌اند و برای انعقاد کنفرانس صلح در مذاکره می‌باشند از این قرار است: فرانسه جداً علیه آلمان می‌کوشد تا آلمان را هر قدر که می‌تواند زبون و کوچک نموده، خود را به سواحل رود رن برساند و هر قدر بتواند از مرزهای دیگر آلمان که نزدیک مرزهای فرانسه می‌باشد در تصرف

گیرد. انگلیس و آمریکا و ایتالیا مخالف این سیاست می‌باشند و هیچ‌کدام مایل نیستند آلمان در مرکز اروپا زیون و ضعیف زبردست فرانسه قرار گیرد. ایتالیا مخالف نیرومندی فرانسه می‌باشد و می‌خواهد بر یونانیها و اسلاوهای جنوبی نفوذ تام و تمامی بر خود گیرد. انگلیس و فرانسه و آمریکا مخالف این قسمت از سیاست ایتالیا می‌باشند. انگلیس می‌خواهد قسمت عمده بلکه تمام نیروی دریایی آلمان و مستعمرات آلمان و کشور عثمانی را در ضبط گیرد. محققاً سایرین از کشورهای متفقین مخالف این سیاست انگلیس می‌باشند. تا چه حد این اختلاف نظرها که زائیده منافع مادی و سیاسی آنهاست مورث اختلال صلح ثابت و قطعی گردد آتیه نزدیک نشان خواهد داد.

خسارات

از طرفی اوضاع داخلی هیچ‌کدام از دول داخل در این جنگ بزرگ خوب نیست. تنها آمریکا و ژاپن در مقابل مختصر تلفات، فواید بالنسبه عمده‌ای برده‌اند. آمریکا مادی و ژاپن مادی و خاکی. انگلیس بدیهی است بسط نفوذ و توسعه خاکی بسیار به دست آورد و احتمال دارد در همین سیاست موفقیت تام به دست آورد و در هر صورت قسمت عمده‌ای از خاک عثمانی و مستعمرات سابق آلمان را در ضبط گیرد. ولی تلفات نفوس و مالی زیادی را در این جنگ متحمل بوده است. دولت انگلیس امروز متجاوز از هشت میلیارد لیره قرض دارد و تقریباً دو میلیون تلفات در این جنگ داده است. قسمت عمده کشتیهای تجارتي آن غرق و به جریان تجارت آن دولت لطمه وارد آمده است. خسارت فرانسه محتاج به ذکر نیست. قسمت عمده و آباد فرانسه در این مدت مدید میدان جنگهای خونین را تشکیل می‌داده است. ایتالیا هم تلفات و خسارات زیادی دیده است.

اتریش - آلمان

روس و اتریش که تقریباً به شکل سابق که قبل از این جنگ داشته‌اند از میان رفته‌اند. عثمانی هم تقریباً به آن [شکل] سابق از میان رفته. دول کوچک مانند صرب و بلژیک و رومانی خسارات عمده در این چند ساله جنگ بر خود دیده‌اند و سالهای دراز لازم دارند تا به حالت دیرینه و قبل از جنگ برگردند. وضع آلمان هم معلوم است و محتاج به بیان نیست. از یک طرف شکست در جنگ و از طرفی پرچم انقلاب در اهتزاز می‌باشد. به نقد بنیان این کشور و ملت آن در تزلزل است. بدیهی است اگر پیشامد مساعدت کرد و متفقین میان خود نتوانستند موافقت کنند آلمان از این تنگنا بیرون آمده نفس تازه‌ای خواهد کشید. والا اگر سیاست متفقین بدون اختلاف علیه آلمان به کار افتاد، حال آلمان معلوم است چه خواهد بود و به چه دردهای هولناکی دچار خواهد گردید.

اسپارتاکیستها

پنجشنبه ۶ تا دوشنبه ۱۰ مارس ۱۹۱۹ - اعتصاب برلن مقدمه نقشه انقلابی بود که علیه حکومت فعلی ترسیم کرده بودند. اعتصاب تنها زمینه‌ای بود که عده‌ای برای ایجاد بلوا و تبلیغات انقلابی کارگران را تهییج نموده آتش انقلاب عمومی را شعله‌ور گردانند و رؤسای اسپارتاکیستها مسئول طرح این نقشه می‌باشند. پیش از این زمان دسته‌ای از نیروی دریایی آلمان را به شورش تهییج نموده در کیل و بنادر دیگر آلمان علیه امپراتور و دولت امپراتوری آلمان به مخالفت تشویق [کردند] و اینان از مقابل دشمن فرار کرده مقدمه فتنه داخلی را باعث گردیدند. سپس تبلیغات انقلابی را در برلن و نقاط دیگر آلمان شروع کردند. همان ملاحان که در اوایل ژانویه علیه دولت در حال قیام بودند بر استحکام موقعیت خود افزوده با عده‌ای از سربازان همدست شده به عناوین مختلف بر

وسعت دامنه انقلاب افزودند و قرار بر این گذاشته بودند که پس از شروع اعتصاب عمومی این دو دسته مسلح، عبارت از نیروی دریایی و نظامی با تمام لوازم کار به دسته اسپارتاکیست ملحق شده به مرکز شهر برلن حمله کرده ادارات پلیس و دولتی را در مراکز مختلفه در تصرف آورده، حکومت انقلابی تازه‌ای را اعلام نمایند.

اعتصاب و شورش

حکومت فعلی آلمان قبلاً از این نقشه مطلع بوده به محض شروع اعتصابات محاصره انقلابیون را اعلام [کرد] و در همان مراکزی که آنها خیال انقلاب داشتند قوای کافی فرستاد و حاضر به جنگ شدند. ملاحان انقلابی به عهد خود وفا کرده به طرف انقلابیون رفته و نیز قسمت عمده‌ای از سربازان انقلابی به آنها ملحق می‌شوند. از روز سه‌شنبه همین هفته تا جمعه در مرکز شهر برلن آتش جنگ میان قوای حکومت فعلی و انقلابیون مشتعل بود. روز جمعه نیروی حکومت فعلی فائق آمده، انقلابیون را شکست داده از مرکز شهر به طرف شمال و شرق می‌رانند و از طرف شمال هم به طرف شرق و به محله معروف لیشتین‌برگ برلن رانده، در آنجا انقلابیون مستقر می‌شوند. در لیشتین‌برگ قتل و غارت زیادی واقع شده و پس از زدو خورد سخت با نیروی حکومت در آنجا هم موفقیت به دست نیاورده مغلوب نیروی حکومت می‌شوند.

ادامه شورش

پس از این وقایع دولت اعلام کرد که هر کس اسلحه در دست داشته و علیه دولت در جنگ بوده باشد به قانون نظامی مجازات و اعدام خواهد شد. پس از اعلامیه و عملیات سخت حکومت امنیت تا حدی برقرار و نقشه انقلابیون به کلی با شکست مواجه گردید و اعتصاب عمومی هم تا

روز شنبه بیشتر ادامه پیدا نکرد. مجدداً امور به مجرای خود به جریان افتاد. کارگران در کارخانجاتی که حوائج مستقیم زندگی را تهیه می‌کنند شروع به کار کرده‌اند. اگر چه هنوز اعتصاب به کلی رفع نشده ولی رونق بازارش شکسته و مظفریت کامل نصیب حکومت فعلی شده است. اگر حکومت فعلی با عزم جزمی بدین ترتیب کار کند احتمال دارد که به کلی نقشه و سیاست اسپارتاکیستها از آلمان رخت بر بندد. مع هذا نمی‌شود مطمئن بود که آتش فتنه به کلی خاموش شده است. اعتصاب و فقدان آرامش هنوز در بعضی مراکز آلمان موجود است و اغلب جاها به همین دردها مبتلا هستند و از همه سخت‌تر فقدان اغذیه و گرفتاری شدید نیازمندیهای مختلف به مواد اولیه و پوشاک بدیهی است بر بیم عصیان و هرج و مرج و انقلاب می‌افزاید.

رساندن آذوقه

مذاکرات حکومت فعلی آلمان با متفقین که عمده آنها انگلیس و امریکا می‌باشند راجع به تهیه آذوقه و مواد اولیه برای آلمان هنوز به جایی نرسیده، متفقین کلیه کشتیهای تجارتي آلمان را خواستار شده‌اند [بدون اینکه مسئولیت رساندن اغذیه و مواد اولیه را بر عهده بگیرند. از قرار معلوم آلمانها حاضرند کلیه سفائن تجارتي و وسائل تردد دریایی خود را تسلیم کنند، به شرط آنکه متفقین مسئولیت رساندن آذوقه به آلمان و مرتفع ساختن قحطی و سختی را از این کشور بر عهده گیرند. این نظر هنوز به جایی نرسیده، از قرار معلوم فرانسویها جداً با این نظر مخالفت دارند.

نمایندگان آلمان در بروکسل

سه شنبه ۱۱ مارس - از قرار معلوم جزئی تغییری در سیاست متفقین ظاهر

گردیده، دیروز ژنرال فش از حکومت فعلی آلمان تقاضا می‌کند نمایندگان خود را برای روز پنجشنبه سیزدهم مارس به بروکسل اعزام دارند که در موضوع تسلیم کشتیهای تجارتي آلمان و رساندن آذوقه و حوائج ضروری فوری به آلمان داخل مذاکره بشود. لذا نمایندگان آلمان امشب از برلن حرکت کرده به طرف بروکسل پایتخت بلژیک می‌روند که پس فردا پیش از ظهر در جلسه‌ای که در آنجا منعقد خواهد شد حضور یابند. از قرار اخباری که اخیراً رسیده به زودی تصمیم کمیسیونهای مختلف پاریس و شرایط مقدماتی صلح که تهیه [شده] به آلمانها پیشنهاد خواهد شد. در اینکه این شرایط متفقین برای آلمانها سخت خواهد بود جای تردید نیست. ولی با نظریاتی که قبلاً بیان کردم و عقایدی که از جریان تاریخ مشخص است و اظهار شد خود کشورهای داخل اتفاق، آن اتحاد واقعی و هم‌نظری کامل را ندارند و به خصوص در بعضی چیزها که با نظریات خصوصی آنها تماس دارد اتفاق کاملی میان آنها به وجود نخواهد آمد.

مشکلات وحدت

فرانسویها سعی وافی دارند که نگذارند آلمانیهای اتریش به آلمانیهای سایر قسمت اروپا متصل شوند ولی چگونه چنین چیزی میسر می‌گردد، در صورتی که سیاسیون اروپایی امروز پایه صلح و آرامش را بر اساس ملیت و هم‌زادی و وحدت ملی می‌دانند و طبق همین نظر فرانسویها می‌خواهند آلتزاس و لرن را از آلمان پس بگیرند. در صورتی که کاملاً معلوم نیست در این دو قطعه فرانسویان ساکن آنجا بیشتر رأی دارند یا آلمانیهای ساکن آنجا. دیگر با همین نظر خواهان ساختمان لهستان تازه‌ای می‌باشند. بر روی همین اساس می‌خواهند اسلاوهای جنوبی را متشکل سازند. با این‌گونه افکار و با این نظریات سیاسی چطور می‌توان قسمتی از آلمانیها را که دارای یک قومیت و یک نژاد و یک زبان می‌باشند نگذارند

به قسمتهای دیگر ملت خود ملحق شوند. وانگهی زندگی مستقل برای آلمانیهای اتریش چندان آسان نیست. اگر به سایر آلمانهای کشور آلمان ملحق شوند، بدون شک زندگی از هر نظر برای آنها سهل تر خواهد بود. وسائل کار و بازرگانی برای آنها فراهم و راه آنها به دریا باز و از تجاوز خارجی به کلی محفوظ خواهند بود.

زغال سنگ

اسپارتاکیستها طرف مشرق برلن را هنوز در دست دارند. امروز خبر تازه از آن قسمت نرسیده [است] و از پیشرفت نیروی دولتی هم خبر تازه‌ای در دست نیست. از قرار معلوم حکومت فعلی می‌خواهد انقلابیون را کاملاً تحت محاصره آورد و از اطراف به آنها حمله‌ور شود. از قراری که می‌گویند عده بسیاری از انقلابیون را طبق قانون سخت نظامی اعدام کرده‌اند. در معادن زغال سنگ سیلزی اعتصاب عمومی ادامه دارد و کار زغال سنگ عنقریب در آلمان سخت خواهد شد. از اطراف متفقین انگشتی در پریشان کردن اوضاع آلمان دارند و هر قدر بتوانند بر هرج و مرج فعلی این کشور می‌افزایند، غافل از آنکه این آتش که شعله‌ور می‌شود تا حدی دامنگیر خود آنها نیز خواهد شد.

مردن اطفال

موضوع آذوقه و زندگی در برلن محتاج شرح و بیان نیست که روز به روز بلکه ساعت به ساعت سخت تر می‌شود. مواد لبنی از قبیل کره و پنیر و ماست دیگر تقریباً هیچ به دست نمی‌آید. چای و این‌گونه چیزها که از خارج می‌آورند مدتی است دیگر اصلاً پیدا نمی‌شود و اگر هم احیاناً پیدا شد متجاوز از صد برابر قیمت معمولی آنها معامله می‌شود. روزی صدها طفل شیرخوار بدین واسطه در شهر برلن تلف می‌شوند. طبق اخباری که

از طرف دولت منتشر می‌شود روزی متجاوز از هشتصد تا هزار نفر در آلمان از گرسنگی به مرگ می‌رسند.

صفا و هوای برلن

چهارشنبه ۱۲ مارس - امروز هوای طبیعی اقلیم برلن بسیار خوش است ولی برخلاف آن، هوای زندگی اجتماعی و مادی بسیار تیره و تاریک است. در این فصل که اغلب هوا ابری و بارانی است امروز آفتاب تمام روز را درخشان بوده و حرارت هوا را به هجده درجه رسانده است. شبیه به هوای اواسط ماه مه، برگ درختان سبز و مرغان به خوانندگی افتاده‌اند. پیش از ظهر به درختستان خارج رفته تفریحی بسزا نمودم. با این افکار امروزی این گونه گردشها برای انسان و برای حفظ سلامت شخص لازم است. خارج شهر برلن فی الحقیقه جاهای باصفایی دارد به خصوص در طرف مغرب شهر. از پل راه آهن معروف به پل هالنه که کمی گذشتیم داخل درختستان یا جنگل مصنوعی گرون‌والد می‌شویم خیابانهای عالی، خانه‌های بسیار زیبا، درختستانهای انبوه، گلکارهای بسیار زیبا، هوای بسیار مطبوع شروع می‌شود و بهترین گردشگاه تفریحی را در جلو شخص می‌گذارد. هیچ گمان نمی‌شود که شهر برلن با میلیونها جمعیت و این همه آمد و رفت و این همه کارخانه و این قدر گاز و بخار و دود و امثال آن به فاصله کمی در بیرون شهر چنین محلی را برای تفریح و گردش تهیه کرده است. هر قدر انسان بیشتر در این گردشگاه جلو می‌رود صفای کشت و کار، زیبایی جنگل و خوشی هوا بیشتر و بهتر می‌شود. از طرف جنوب غربی شهر برلن به پوتسدام تاریخی که در پنج فرسنگی شهر برلن است می‌رود، در هر صورت در چنین هوایی مانند هوای امروز گردش در گرون‌والد لذتی فوق‌العاده به اینجانب داد. در تابستان پشه در این قسمت زیاد است که با وسائل فنی و علمی امروزی آنها را از بین می‌برند.

اعتصاب

امروز پس از یک هفته اعتصاب تراموهای برقی در قسمتهای شهر که آزاد است و اسپار تاکسیستها در آنجا مداخله ای ندارند شروع به کار کرده است لذا حرکت در شهر با این ترامواها اشکالی ندارد. در این چند روزه اعتصاب وسائط نقلیه به مردم بسیار سخت گذشت. در شهر بزرگی مانند برلن که مردم آمدورفت زیاد دارند و به کار خود باید برسند و در عین حال وقت آنها محدود است فقدان وسائل تردد امروزی بسیار سخت است. تلفن هم در این مدت وجود نداشت. در صورتی که امروز هر خانه ای نیازمند به تلفن می باشد. تلفن تمام کارخانه را به راه می اندازد و مرابطات اجتماعی و اقتصادی را سهل و آسان می نماید. اگر از کار افتاد چنان که در هفته گذشته در برلن چنین بود، زندگی تقریباً متوقف می شود و مانند اعتصاب وسائل تردد، خسارات عمده وارد می گرداند.

زندگی امروزه

در حقیقت تفاوت عمده تمدن امروزی شهرها با وضع زندگی سابق در شهرها روی همین تسهیلات فعلی است از قبیل وسائل تردد و وسائل مخابراتی و غیره. اگر از خانه ها آب لوله و مجرای هرز آب و گاز و الکتریک و تلفن و از خیابانها وسائل نقلیه امروزی قطع شود زندگی فوراً به زندگی یکصد سال قبل برمی گردد. باز در یکصد سال قبل مردم برای خودشان یک تسهیلاتی در زندگی فراهم آورده بودند ولی امروز آن تسهیلات هم فراهم نیست.

قدرت کارگران

کارگران بسیار خوب به اهمیت کارشان پی برده اند. بنیان زندگی امروزی دست کارگران است. کارخانجات در دست آنهاست و همین کارخانجات

لوازم زندگی جامعه را تهیه می کنند. سرمایه امروز برای تهیه حوائج عمومی اجتماع به کار انداخته شده [است] و به دست کارگران در راه تهیه سیر می کند. اگر کارگران دست از کار بکشند سرمایه از کار می افتد و با از کار افتادن سرمایه توقف چرخ زندگی امروزی تولید می شود.

روش خشن

نیروی حکومت فعلی به تدریج به طرف شرق شهر برلن که در دست اسپار تاکسیستها می باشد جلو می رود و از قرار معلوم می خواهد انقلابیون را از اطراف محاصره کرده، تمام آنها را در چنگ آورد. دیروز عده ای از این انقلابیون را که اسیر کرده بودند اعدام کردند. اگرچه تیرباران کردن آنها بدون استنطاق و تفتیش کامل و قضاوت عادلانه خیلی سخت است مع هذا فایده فوری بخشید. هر دم و هر ساعت از نیروی انقلاب کاسته شده بر قوه و سلطه حکومت افزوده می شود. می گویند ترس برادر مرگ است و حتی از برای همین انقلابیون و عده ای از اشرار که به خیال چپاول داخل معرکه شده اند و هیچ چیز را به جز گل آلود کردن آب و صید ماهی در آن نمی شناسند حالا که کار را بر خود سخت دیدند و به یقین دانستند جان خودشان را در این بازی و شیادی خواهند گذاشت، بی صدا اسلحه را از دست داده، فرار را بر قرار ترجیح خواهند داد. در این مواقع فوق العاده روش سخت و خشن لازم است.

امنیت کشور

اگر در ایران هم دولت قوت و جسارت لازم می داشت و اگر از روی یک نقشه صحیح حرکت می کرد و نیتش برانداختن هرج و مرج و استقرار امنیت می بود خیلی آسان با اعمال یک روش سخت موقتی، اشراری

مانند نایب‌حسین و غیره را با یک حرکت سرکوبی سخت نموده مایه عبرت دیگران گردانده، مملکت را به حالت آرامش کامل درمی آورد. تیرباران کردن اشخاص که اسلحه بر ضد دولت برمی دارند و مایه فساد می شوند و مشکلات تولید می کنند سخت است و از یک نظر با رحم و مروت تطبیق ندارد، ولی خوب که بسنجیم سختی و بیرحمی نسبت به یک عده معدودی در مقابل ایجاد امنیت و آرامش در تمام مملکت و برای خاطر تمام افراد جامعه یک سیاست عادلانه واقعی بشمار می رود. امنیت کشور را و آسایش یک جامعه را نباید فدای اغراض یک عده آشوب طلب گردانید. فی الحقیقه اساس بنای حکومت روی همین اصل گذاشته شده که امنیت و آسایش عمومی را برای یک کشور و یک جامعه فراهم گرداند. اگر حکومتی وسائل حفظ امنیت را فراهم نکند آن را حکومت امروزی نمی توان خواند.

اجازة سفر

پنجشنبه ۱۳ مارس - امروز با آقای اعظم السلطنه با تلفن صحبت کردم. می گفت تلگرافی از تهران رسیده در اوضاع.....^۱ آقای نواب هم خیال رفتن به لاهه را دارند و یک هفته است که تذکره برای خود خواسته اند ولی هنوز نرسیده. خود اعظم السلطنه هم می خواهد به لندن برود و متجاوز از ده روز است تقاضای جواز کرده ولی هنوز نرسیده. آلمانها هیچ گونه اشکالی نه در حرکت آقای نواب و نه در حرکت ایشان دارند. ولی هلندیها اشکال می کنند. سفارت هلند در برلن اصلاً اجازه صدور جواز حرکت ندارد، بایستی این جواز از هلند برسد. شکایت می کرد این هفته هیچ گونه اغذیه به دیپلماتهای خارجی مقیم برلن نرسیده است و دیپلماتها هم می بایستی سرگرسنه بر بالش صبر و تحمل بگذارند تا دنیای بهتری در پیش آید.

۱. در اصل، جای چند کلمه خالی است.

نطق وزیر دفاع

دیروز وزیر دفاع حکومت فعلی راجع به وقایع اخیر برلن نطقی در مجلس ملی ایراد کرده مسئولیت عمده این اغتشاشات را به گردن روزنامهجات و تبلیغات انقلابیون و سوسیالیستهای رادیکال وارد می نماید. حکومت فعلی آلمان از هیچ گونه مجاهدتی مضایقه نکرده این فتنه را ریشه کن خواهد کرد. برای حفظ امنیت عموم و جان و مال مردم اعمال هیچ گونه مجازاتی مطابق قانون سخت نیست، هر قدر هم آن قانون با روش فوق العاده خشنی تدوین شده باشد.

رودرن و ملیت آلمان

پس از نطق وزیر دفاع، رئیس الوزرا هم اظهاراتی نمود. گفت آلمان هیچ وقت رضا نخواهد داد قسمت چپ رودرن از قسمت راست رودرن مزبور مجزا شده به دولت خارجی منتقل شود. اساس ملیت آلمان بایستی بر جای بماند. طرف چپ رودرن همان قدر آلمانی است که طرف راست آن رودخانه می باشد. زبان آلمانی، نژاد آلمانی، جامعه آلمانی و تمدن بایستی ثابت و استوار بر جا بماند. هیچ قوه ای نمی تواند در احساسات مردم آلمان خللی وارد آورد و آن را از باقی آلمان مجزا گرداند. مجلس ملی تا روز بیست و پنجم مارس تعطیل شد ولی مجلس ملی پروس این دو روزه منعقد می شود.

کنفرانس بروکسل

نمایندگان انگلیس و آلمان در بروکسل راجع به تسلیم کشتیهای تجارتنی آلمان و تهیه اغذیه فوری برای آلمان داخل مذاکره شده اند. از قرار معلوم عنقریب موضوع رساندن اغذیه و مواد اولیه به آلمان به نتیجه خواهد رسید.

میرزا فضلعلی آقا و تمدن جدید

جمعه ۱۴ مارس - امروز صبح آقای میرزا فضلعلی آقا از قضات آزادیخواه عدلیه تهران که مدتی است به مرض سرطان گرفتار [ست] و برای عمل جراحی و معالجه به آلمان آمده و بیچاره حالش چندان خوب نیست به دیدن نگارنده آمد. مدتی است در یکی از مریضخانه‌های برلن مشغول مداوا می‌باشد و تا به حال چند عمل جراحی را تحمل کرده ولی به نتیجه مطلوبی نرسیده است. اول بینی این بیچاره را به کلی برداشته [اند و] از گوشت و پوست سایر قسمت‌های بدن او نزدیک به صورت بینی مصنوعی برای او تشکیل داده ولی بسیار ناقص و در انجام این عملیات یک چشم او هم از میان رفته است و باز ماده این مرض هولناک در او باقی است و به کلی رفع نشده. با حالت اسفناکی که داشت شرحی راجع به اوضاع اجتماعی اینجا و ایران با صدای لرزان تأسف آور صحبت و از اصول تمدن امروزی تعریف و توصیف می‌کرد و بخصوص راجع به آداب زندگی و انجام امور اجتماعی به طور کلی بیاناتی می‌نمود. می‌گفت چه خوب می‌شد عده‌ای از وجوه پیشوایان روحانی و سیاسی ایران به اینجا می‌آمدند و خودشان به رأی العین اوضاع اجتماعی و ترقیات امروزی و بخصوص ترقیات جامعه زنان را می‌دیدند و به خوبی می‌فهمیدند که عفت زن تنها به چادر و چهار دیوار تضمین نمی‌شود.

زنان

چرا نباید زنان آن طوری که شاید و باید از الطاف تربیت و فرهنگ بهره‌مند شوند؟ چرا نباید آن فایده‌ای که دیگران از وجود زنان عایدشان [می‌شود] عاید ما ایرانیان بشود. بار سنگینی باشند بر روی شانه مردان. عمده قسمت مهم جامعه بشری را زنان تشکیل می‌دهند. اگر زنان نباشند کودکان از کجا پرورش می‌یابند و به چه نحو بزرگ می‌شوند و برای عالم

بشری مفید واقع می‌شوند؟ زنان هستند که خانه‌ها را اداره می‌کنند. زنان هستند که اطفال را بزرگ می‌کنند و به میدان رشد و بزرگی تحویل می‌دهند. اگر این جامعه یعنی جامعه زنان تربیت نشوند و مسئولیت خود را نتوانند بر عهده بگیرند اوضاع جامعه به چه نحو اداره خواهد شد؟ اطفال چگونه تربیت خواهند شد؟ مردان به چه چیز علاقه‌مند خواهند بود؟ چرا باید زنان محصور باشند و به نام عفت از آنها هیچ‌گونه فایده‌ای برای جامعه عاید نگردد. باید کاملاً به این نکته متوجه شد که عفت زن بسته به چادر و چهار دیوار و محبوس نگاه داشتن او نیست. عفت بر اثر تربیت و شناسایی و روحیات و معنویات عالم بشری مستحکم می‌گردد. [گفت] در این مدت ناخوشی، در مریضخانه مهربانی و دانائی زیاد از پرستاران که تمام آنها زن می‌باشند نسبت به من شده است. مستخدمین مریضخانه تماماً زن می‌باشند و حتی دکتران معالج هم بیشتر زن هستند. به حکم طبیعت پرستاری بیماران بر عهده زنان است. مردان آن‌طور که بایستی از عهده پرستاری بیماران بر نمی‌آیند. همان‌طور که دایه کودکان زنان هستند پرستار بیماران هم باید زنان باشند. متأسفانه عقاید غلط راجع به اروپائیان و فقدان عفت میان آنان در ایران جای‌گیر شده است. مردم ما خیال می‌کنند از معاشرت زن و مرد و از داخل بودن زنان در جامعه و از سهم بودن زنان در انجام قسمت عمده‌ای از امور اجتماعی بی‌عفتی تولید می‌شود. در صورتی که این عقیده به کلی غلط است. اگر زن بی‌عفت باشد از پس چندین پرده هم بی‌عفت خواهد بود. باید زن را تربیت کرد، تحصیل داد و آداب عفت آموخت. نه آنکه در وسط چهار دیوار محصور نگه داشت و بار دوش مردان و بالاخره جامعه قرار داد. زن باید در مکتب زنان تربیت شود. همان‌طور که مردان تربیت می‌شوند زنان هم باید تربیت شوند. زنان در زندگی شریک مردانند و باید به مردان کمک کنند. زنان باید خوب و خوش‌اخلاق باشند. مادران خوب،

خواهران خوب و زنان خوب و صحیح در جامعه تشکیل دهند. چه بسا کارهای عمده جامعه که باید بر عهده زنان گذاشته و به دست زنان ساخته شود. خانه‌داری، بچه‌داری، بیمار‌داری از وظایف مسلمة زنان است. زنان هستند که در زندگی بشری سهم عمده‌ای بر عهده دارند، چرا باید آنها را از مسئولیت مهم آنها محروم نمود؟ از اهمیت مقام زنان نباستی کاست. همان قدر که تربیت پسران لازم است تربیت دختران لازمتر می‌باشد. اگر دختران تربیت نشوند یقین است زنان و مادران خوبی نخواهند بود و جامعه را آن طور که باید و شاید منظم و بی‌آلایش نگه نخواهند داشت.

زن خانه و مرد صحرا

به خاطر دارم در یکی از دهات ایران با یک خانواده دهقانی بیچاره مرکب از یک مرد بالنسبه پیر و زنی پیر و دو سه اولاد پیرشان صحبت می‌کردم. این زن پیر با صدای لرزان می‌گفت من زن خانه بودم و مرد دشت و صحرا. هم خانه را اداره می‌کردم و هم به کشت و کار در دشت و صحرا کمک می‌نمودم. مرد پیر با تبسمی گفت این درست نیست. من هم مرد دشت و صحرا بودم و هم کشت و کار بر عهده من بود. خانه‌داری نیز می‌کردم. من پیش خود در همان وقت که این اظهارات را شنیدم تأملی کردم و به خاطر آوردم که آن زن بیچاره صحیح می‌گفت. اگر زن خوب تربیت شود و به طرز خوشی پرورش یابد همان طور که این زن گفت هم کار خانه را اداره می‌کند و هم به شوهر فلاح خود کمک در کشت و کار می‌نماید. ولی اظهار آن مرد پیر را نپسندیدم؛ اگر هم در انجام کار کشت و کار صحیح می‌گفت موضوع کار خانه او را بایستی به شوخی تلقی کرد.

کمی مرد در آلمان

حالا ملاحظه کنید اوضاع آلمان امروزی چیست، امروز آلمان فاقد مردان

کاری است. برای انجام امور مردان به حد کافی مرد وجود ندارد. بیچاره‌ها در میدان جنگ از بین رفته‌اند. امروز زنان آلمانی وظایف خودشان را که همیشه به عهده زنان است انجام می‌دهند و قسمت عمده وظایف مردان را هم بر عهده گرفته‌اند. در شهر که عبور و مرور می‌کنیم کارهایی که در سابق با مردان بود از قبیل راندن آلات حمل و نقل، تراموی و اُمنی‌بوس و حمل و نقل بار و غیره تمام بر عهده زنان است. یک پا بگذارید تا ایستگاه راه‌آهن و ملاحظه کنید چطور زنها حمل و نقل بار می‌کنند، چگونه زنها راندن ترنها را بر عهده دارند، چطور زنها اداره کردن راه‌آهن را از فروش بلیط و غیره بر عهده گرفته‌اند. آن وقت ملاحظه خواهید نمود که حرف آن زن پیر دهقان ایرانی را که می‌گفت هم زن خانه است و هم مرد دشت و صحرا برای کشت و کار، صادق است و باید تصدیق نمود و مسئولیتی که بر عهده زنان در این دنیاست باید کاملاً بر عهده شود.

ورود ویلسن به پاریس

از قرار خبری که بعد از ظهر امروز رسیده ویلسن دیشب وارد پاریس شده است و عنقریب نمایندگان آلمان را برای مذاکره و بستن معاهده به پاریس دعوت خواهند کرد.

گرسنگی در آلمان

مخبر مخصوص روتر انگلیسی در برلن شرح سختی و تنگی معاش مردم آلمان را در راپرت تلگرافی خود داده و از دولت انگلیس و سایر متفقین درخواست کمک می‌نماید. می‌گوید اگر دولت آلمان مقصر بود و اگر امپراتور آلمان در این جنگ مسئول و مقصر بوده [است] ربطی به تمام مردان و زنان و کودکان امروزی آلمان ندارد که باید از گرسنگی تلف

شوند. بروید قبرستانهای آلمان را تماشا کنید که چطور نعشهای کسانی که بر اثر قحطی و گرسنگی تلف شده و از میان رفته‌اند، به خصوص کودکان که از فقدان شیر تلف شده‌اند، به خاک سپرده می‌شوند. پس باید ترحم داشت و برای حفظ اینها فکر عاجلی نمود.

ترجم انگلیسی

کشیش دانشگاه اکسفورد هم در مکتوبی که به روزنامه تایمز نوشته و در آن اشاعه یافته است برای رساندن آذوقه به آلمان درخواست مؤکد می‌نماید. معلوم می‌شود انگلیسیها بالاخره رحمی به دلشان راجع به آلمانها وارد شده [است] و مردم در انگلیس و امریکا به حال آلمانها احساسات موافقی در دل گرفته‌اند و می‌خواهند به آنها کمک بکنند. فی الحقیقه متجاوز از چهار ماه است که [صحبت] متارکه جنگ رسماً به میان آمده [است] و دیگر جنگی در میان نیست هنوز مثقالی آذوقه و مواد اولیه از خارج وارد آلمان نشده است.

نظر بیزمارک

یکی از معایب کار آلمان در انجام جنگهای طولانی همین موضوع است. موقعیت جغرافیایی آلمان آن را نیازمند به کمک خارج در مواقع سخت می‌نماید. چه از راه خشکی و چه از راه دریا زود در محاصره واقع می‌شود و به درد امروز گرفتار می‌گردد. بیزمارک سیاستمدار شهیر آلمان همیشه می‌گفت که آلمان نباید بگذارد دول غربی با دولت روسیه شرقی بر علیه او متحد شوند. اتحاد دول غرب و شرق آلمان بر ضد او ایجاد موقعیت سخت [می‌کند] و بالاخره [موجب] شکست و اضمحلال آلمان خواهد بود. تا زمانی که خود بیزمارک در رأس امور آلمان بود و صدارت آلمان را بر عهده داشت نگذاشت چنین موقعیتی برای آلمان ایجاد شود.

در هر جنگی که آلمان داخل می‌شد طرف آلمان تنها بود و اتحادی بر علیه آلمان بسته نمی‌شد. پروس اتریش را در سال ۱۸۶۵ شکست سختی داد و جنگ کاملاً به نفع آلمان خاتمه یافت و اتریش دست از ریاست بر جامعه ژرمن برداشت. پروس در ۱۸۷۰ با فرانسه داخل جنگ شد و بیزمارک نگذاشت دول دیگر با فرانسه متحد شوند، یعنی تا از این موضوع کاملاً مطمئن نشده بود که دول دیگر به احتمال به کمک فرانسه داخل جنگ می‌شوند به این جنگ مبادرت نمی‌کرد. دیدیم چگونه آلمان فرانسه را شکست داد و امپراتور دوم فرانسه و لویی ناپلئون را از میان برداشت. تنها بی‌فکری ویلهلم دوم و صورت‌سازی او و فقدان پیش‌بینی او بود [که] آلمان را در ۱۹۱۴ به این بلا دچار گردانید.

سازش موقتی

دول غربی به خصوص دولت انگلیس مناقشات و اختلافات خود را با دولت شرقی یعنی روس تزاری موقتاً کنار گذاشتند و دست اتحاد بر ضد آلمان با یکدیگر فشردند و داخل این جنگ شدند. بنای سازمان حکومت تزاری تاب و تحمل این جنگ را نیاورد و قبل از پایان آن به انقلاب بلشویکی منجر گردید. ولی دول غربی با تشکیلات و پیش‌بینی‌هایی که داشتند، و به خصوص انگلیسیها که از مظفریت خود و اوضاع داخلی آلمان و نیازمندی آن کشور به مواد اولیه که از خارج می‌بایستی وارد شود و ورود آنها را از دریا و خشکی تحت قدغن سخت قرار داده بودند به جنگ ادامه دادند و حاضر نشدند موضوع صلح را به میان آورند. ورود امریکا هم در جنگ به آنان کمک کرد و آلمان را به درد امروزی مبتلا ساخت.

نظر انگلیسیها

این هفته در برلن اصلاً گوشت و لبنیات پیدا نمی‌شد. قصابها و لبنیات

فروشیها و حتی فروشندگان سایر مواد غذایی دکه‌های خود را بسته‌اند. سیب‌زمینی که یکی از خوراکیهای عمده آلمانهاست دیگر یافت نمی‌شود. در این صورت معلوم است وضع زندگی آلمانهای امروزی چیست. صحیح یا ناصحیح مردم اینجا تمام تقصیر را از انگلیسیها می‌دانند. می‌گویند اگر نیروی دریایی انگلیس نبود، اگر انگلیسیها بازار دنیا را بر روی آلمان نمی‌بستند و کشورهای بی‌طرف همجوار آلمان را به مخالفت آلمان تشویق نمی‌نمودند و از کمک آنها برای آلمانها جلوگیری نمی‌کردند امروز وضع آلمان بدین طریق نمی‌بود. انگلیسیها مصمم [شده] بودند که تا به کلی آلمان را زمینگیر نکنند دست برندارند. حالا زمینگیر شدن آلمان عبارت است از تلف شدن صدها هزار کودک خردسال و مردان پیر و زنان بی‌چاره بی‌گناه. اگر حکومت آلمان تقصیر داشت و شاید هم بی‌تقصیر نبود به سزای خود رسید. شکست سخت‌ترین تنبیهی بود که به حکومت و دولت امپراتوری آلمان وارد گردید و آن هم از میان رفت، دیگر دشمن را نباید از گرسنگی از میان برداشت.

محاصره آلمان

محاصره دریایی امروز انگلیس تهاجم دوره چنگیزی را به خاطر انسان مجسم می‌نماید. قرب پنج سال است که هفتاد میلیون ملت آلمان در محاصره می‌باشند. در واقع شیره ملت آلمان کشیده شده است. کودکان امروزی با این زندگی فعلی کودکان دیروزی آلمان نخواهند بود. طفلی که در رحم مادر گرسنه پرورش یافته، طفلی که شیر نخورده و غذای درستی ندیده [است] نمو درستی نخواهد کرد. رنگ دیگر در صورت این بیچاره‌ها نمانده است. چه اشخاص متمکنی که امروز بتوانند در این محیط جزئی رنگی در صورت خود داشته باشند. گوشت نیست، چربی نیست، تخم مرغ نیست، شیر و مواد شیری وجود ندارد، حتی ماهی و

مرغ برای خوراک پیدا نمی‌شود. مردم از چه چیز استفاده کرده رنگ و بو داشته باشند. فقط آلمانها هستند که باز طاقت تحمل دارند، والا قومی دیگر ممکن نبود تا این درجه طاقت نشان دهند. امروز در جلو مغازه گل‌فروشی یک سبد گل سرخ دیدم دانه‌ای ده مارک قیمت گذاشته بودند. پرسیدم چرا بدین گرانی گفت اگر خوراک ارزان و فراوان به مردم رساندی گل را هم از قیمت امروزی تنزل خواهیم داد، گلکار و گل‌فروش به قیمت امروزی زندگی می‌کنند. زغال سنگ برای گرم کردن گلخانه گران و نایاب، کارگر گران و کم و مواد دیگر به شرح ایضا، کمتر از این قیمت چطور می‌توانستید از گل انتظار داشته باشید.

آذوقه برای آلمان

شنبه ۱۵ مارس - دیروز عصر قرارداد میان آلمان و متفقین راجع به تسلیم کشتیهای تجارتي آلمان و گرفتن آذوقه و مواد اولیه در بروکسل منعقد گردید، هنوز جزئیات این قرارداد منتشر نشده. ولی از خلاصه‌ای که راپرت داده‌اند معلوم می‌شود تا حدی کار آذوقه و مواد اولیه برای آلمان راه می‌افتد و متفقین هم تا حدی به نوای خودشان می‌رسند. عجالتاً در حدود یکصد و پنجاه کشتی بازرگانی از آلمان به متفقین تسلیم می‌شود و در مقابل متفقین به آلمان اجازه می‌دهند ماهانه در حدود سیصد و هفتاد هزار تن آذوقه از ممالک متفقین و یا از ممالک بیطرف دوست آنها خریده وارد نمایند. بهای آذوقه و مواد اولیه را به هر نرخ که معین کردند باید به طلا یا اسهام خارجی که همان قیمت طلا را دارد بپردازند. چنین معامله‌ای برای آلمان هیچ زمان سودی نداشته [است] و ندارد ولی امروز چه می‌توانند بکنند. بایستی به هر ترتیبی که ممکن است رفع این قحطی و تنگی را بنمایند. ملت را از گرسنگی نجات دهند و بعد به فکر سیاست و تهیه و ساختن وسایل زندگی به نفع خودشان بیفتند.

زندگی روزانه

کشتیهای تجارتي مایه زندگی اقتصادی امروزی کشور است. ولی واجب‌تر از داشتن آنها رساندن آذوقه و مواد اولیه به مردمان گرسنه می‌باشد. هیچ جای تردید نیست که از آغاز این جنگ تا امروز نظر متفقین بر این بود که آلمان را به زور تنگی و گرسنگی به زمین آورند و خطی عجبالتاً به دور آلمان بکشند. محاصره دریایی و خشکی مستقیم و غیرمستقیم به قسمی سخت بود که نگذاشتند مثقالی مواد اولیه که برای زندگی روزانه لازم است وارد خاک آلمان بشود. این ملت تا آنجایی که ممکن بود از مواد اولیه خود استفاده کرد و در این مدت مدید در میدان جنگ به مبارزه می‌کوشید ولی به تدریج مواد اولیه‌ای که آلمان ذخیره کرده بود تمام شد و مجبور به تسلیم گردید. بدیهی است اگر آلمانها خوراک کافی داشتند و اگر مواد اولیه برای به کار انداختن کارخانجات به حد کافی در اختیار آنها بود ممکن نبود در مقابل دشمن سر تسلیم به زمین نهاده متارکه جنگ و مذاکره صلح را خواستگار شوند. همان‌طور که لودندورف در اظهارات خود می‌گوید مدتی بود که قوای جنگی آلمان تحلیل رفته [بود] به قسمی که در حملات اخیر متفقین در طرف مغرب مقاومت در مقابل دشمن میسر نبوده است.

سفر نه ایرانی

امروز با آقای نواب با تلفن صحبت کردم. اظهار داشت اسامی نه نفر از آقایان ایرانیان را که خیال مراجعت به ایران را دارند به سفارت هلند در برلن داده‌ام که سفارت مزبور اقدامات لازم برای صدور جواز مسافرت آنان از راه هلند به عمل آورد. وزیر مختار هلند اجازه دولت فرانسه را هم برای این نه نفر آقایان لازم دانسته است. آقای نواب به سفارت ایران نیز در سویس نوشته‌اند که اگر کاری از دست آنها هم برآید اقدام عاجلی

برای کسب جواز بنمایند. آقای میرزا قاسم خان خیال رفتن به وینه را دارد که از آنجا اگر ممکن بشود با مساعدت آقای صفاءالممالک وزیر مختار ایران در اتریش به ایران مراجعت کند. آلمانها اشکالی برای دادن جواز به ایشان نکرده‌اند.

وضع سیاسی ایران

امروز مدتی با آقای میرزا محمدعلی خان تربیت صحبت می‌کردیم. بسیار مایل است مجدداً تمام ایرانیانی که در برلن هستند برای ایران کار کنند، ولی به چه ترتیب و چه کار خود ایشان هم نمی‌دانند. به ایشان گفتم امروز یک نقشه عملی برای ایران لازم است. دیگر با خیالات دور و دراز نمی‌شود به نتیجه‌ای نایل گردید و برای ایران سیاست تازه‌ای به کار آورد. سیاست هم عجبالتاً در دست یک عده آوارگان دور از وطن، با این وقایع که در پایان این جنگ اتفاق افتاده است نمی‌باشد. دستی به ایران نداریم که از ما و فکر ما عجبالتاً کاری برای این کشور رنجیده فراهم شود. امروز دیگر رقابت روس و انگلیس در ایران وجود ندارد. روسها که گرفتار انقلابات داخلی و گرفتاریهای خودشان هستند، محققاً هرچه هست در دست انگلیس است و ما ایرانیان آزادیخواه که در این جنگ در طرف مخالف متفقین کوشیدیم بلکه راه نجاتی برای کشور ایران فراهم نمایند و ایران را از آن سیاست هولناک نجات دهند به چه ترتیب می‌توانند جلوگیری از انگلیس بنمایند.

ما چه می‌خواهیم

ما ایرانیان ملی و آزادیخواه چه می‌خواهیم؟ ما آبادی و ترقی کشور خودمان را خواهیم بدون اینکه استقلال خودمان را از دست بدهیم. باید بکوشیم و آن قسمت از استقلالمان [را که] از دست رفته است به دست

آوریم. برنامه‌ای که امروز باید برای خودمان تنظیم کنیم باید روی این اصول باشد: حفظ استقلال و وسائل پیشرفت و ترقی کشور ایران و ایرانیان. این را هم باید بدانیم که پیشرفت و ترقی کشور امروز نیازمند به ترسیم یک نقشه صحیح می‌باشد. پیشرفت این نقشه دو عامل مهم لازم دارد:

۱- وجود اشخاص وطن‌پرست که حاضرند در راه وطن از هیچ‌گونه فداکاری مضایقه نمایند.

۲- برافکندن هر گونه موانعی که از طرف سیاست خارجی در جلو راه ترقی گذاشته شده [است] و صاف کردن راه برای پیشرفت به جلو.

ما ایرانیانی که امروز در برلن هستیم با دست بسته، دور از وطن خود و حتی بی اطلاع از جریان کار ایران و با دست تنگی زیاد برای زندگی روزانه خودمان چطور می‌توانیم یک پروگرام عملی ترتیب دهیم؟ باید اگر بتوانیم هر چه زودتر مراجعت کنیم و در تهران برای فراهم آوردن چنین نقشه‌ای مشغول شویم.

نظریات لودندورف

یکشنبه ۱۶ مارس - امروز مجدداً لودندورف اطلاعاتی در دفاع از خود به مطبوعات داده است که در روزنامه‌جات امروز مندرج شده. لودندورف می‌گوید طریقه عملیات او در این جنگ خارج از عقل و منطق نبوده است. از اول بر او معلوم بود که آلمان در مقابل دشمنهای نیرومند مشغول مبارزه است. تنها راهی که ممکن بود از عزم جزم متفقین در شکست دادن آلمان جلوگیری کند همانا دفاع با تمام قوای جنگی و عملیات تحت‌البحری و رساندن خسارات زیاد به طرف بود که دولت آلمان پیوسته تعقیب می‌کرد. عقیده لودندورف تا پایان جنگ همین بود که ذکر شد. پیوسته آرزو داشت با یک ترتیب خوشی که برای آلمان زیاد سخت نباشد صلح را فراهم

نماید. ولی نه به قسمی که مانند امروز آلمان در دست متفقین تسلیم صرف باشد. چنان که اگر عملیات تحت‌البحری تا آخر ادامه پیدا می‌کرد شاید به تسلیم قطعی آلمان منجر نمی‌گردید. لودندورف که موقتاً به سوئد رفته بود و مراجعت کرده عجالاً مشغول نوشتن تاریخ این جنگ و دفاع از خود می‌باشد.

چند روز است پس از شکست خوردن و برطرف شدن مقاومت اسپارتاکیستها از برلن مجدداً دسته نظامیها قوت یافته [اند]. اغلب افسران را با لباس نظامی در خیابانها می‌بینید. در سربازها هم نظم و ترتیب بهتری دیده می‌شود و مانند سابق به افسران خود سلام می‌دهند.

اجازه ماهیگیری

روزنامه‌جات امروز برلن هیچ‌کدام از قرارداد پریروز که در بروکسل منعقد شد وجد و مسرتی اظهار نمی‌کنند. همه اظهار افسوس می‌نمایند که چرا کشتیهای تجارتي آلمان باید بدین ترتیب از دست برود و خرید آذوقه و مواد اولیه به قیمت زیادی با پول طلا پرداخته شود. هیچ‌کدام اظهاری از ضرورت انعقاد چنین قراردادی نمی‌نمایند. هیچ‌یک از این روزنامه‌جات قائل نیستند که این قرارداد موقتاً ملت آلمان را از گرسنگی نجات خواهد داد تا قوه زندگی و کار از برایش تجدید شود. طبق این قرارداد احتمال دارد به هر یک نفر در آلمان در ماه پنج کیلو آذوقه برسد و به علاوه اجازه ماهیگیری در دریای بالتیک به آلمان مسترد گردد. نیز به احتمال بعضی از شرایط سخت محاصره دریایی برطرف گردد.

شکست اسپارتاکیستها

اسپارتاکیستها به کلی شکست خورده‌اند و عجالاً از برلن خارج شده‌اند. بعضی از آنها فرار کرده [اند] و قسمتی از آنها هم به توسط نظامیان توقیف

شده‌اند. هنوز حکومت نظامی در برلن برقرار و آمد و رفت در بعضی جاهای شهر قدغن است. از فردا دیگر ترامواها در تمام خطوط شهری و حتی در شمال و شمالشرق شهر که محل توقف اسپارتاکیستها بود به جریان کار خواهد افتاد. چنان که گفته شد عجالتاً انقلاب و هرج و مرج اسپارتاکیستها در برلن به کلی خوابیده است و مظفریت نصیب دولت فعلی شده. ولی باز چنان که گفته می‌شود در بعضی جاهای آلمان آرامش هنوز به وجود نیامده [است] و حتی در خود برلن اوضاع مانند آتشی زیر خاکستر می‌باشد. تا آتیه چه پیش آورد.

قرارداد بروکسل

دوشنبه ۱۷ مارس - قرارداد بروکسل امروز انتشار یافت. تقریباً مطابق خلاصه‌ای است که قبلاً اطلاع داده بودند. متفقین مسئولیت دادن خوراکی و مواد اولیه زندگی را به آلمان بر عهده نگرفته‌اند. فقط در ماه اول تا سیصد و هفتاد هزار تن ارزاق و مواد اولیه به آلمان خواهند فروخت...^۱ بی‌طرف تا همین میزان ارزاق و مواد اولیه خریداری و وارد آلمان کند. در این قرارداد شکی نیست که موفقیت و فواید به طرف متفقین متوجه است. ولی شکی هم نیست که آلمان از این موقعیت خطرناک داخلی نجات می‌یابد. از نظر سیاسی هم حکومت فعلی آلمان عجالتاً از انقلاب و هرج و مرج اشتراکی خلاص خواهد شد. این بلوهای اخیر ضرر فراوانی به شهر برلن وارد آورده است.

خرابیهای برلن

بعد از ظهر امروز به الکساندر پلاتس و طرف مشرق برلن که مرکز بلوای اسپارتاکیستها بود رفته تماشا کردم. اغلب عمارات دچار گلوله‌های توپ و

۱. جای چند کلمه در اصل سفید مانده.

اصابت بمب شده است و بعضی از بناها به کلی خراب شده. عمارتی وجود ندارد که شیشه‌های در و پنجره‌های آن سالم مانده باشد. عمارت نظمیه مرکزی در چند جا و از چند طرف خرابی زیادی برداشته. معلوم می‌شود اوراق و دوسیه‌ها و اثاثیه به کلی از دست رفته و یا به توسط آتش سوخته و از بین رفته است. مدتی طول خواهد کشید تا این خرابیها برطرف و تعمیر شود.

وسایل رفت و آمد

امروز پس از چندین هفته رکود کار تردد با راه آهن دولتی از طرف مغرب به مشرق برلن باز شده. در برلن راههای آهن زیرزمینی مانند پاریس هنوز بسط پیدا نکرده، اغلب تردد با تراموهای الکتریکی [است] و در جاهای ممکن با راه آهن روی زمین صورت می‌گیرد. در مدت جنگ وسایل تردد محدود بود و از طرفی هم ماشینهای قدیم اسقاطی تعمیر نشده و واگنهای جدید هم جای آنها را نگرفته، کار تردد و آمد و رفت از یک نقطه شهر به نقطه دیگر مشکل شده. ترامواها اغلب زیاده از میزان خود مسافر سوار کرده و یا مسافرین را معطل کرده اسباب ناراحتی آنها را فراهم می‌نمایند. حالا حکومت فعلی سعی است که وسایل بیشتری برای آمد و رفت به کار انداخته راحتی اهالی را تا آنجا که ممکن است فراهم [نماید]. حکومت فعلی هم تقصیری ندارد. اوضاع امروزی برلن اوضاع عادی نیست. وضع ارزاق که معلوم است. آمد و رفت هم چندان وسائش خوب نیست و سخت‌تر از همه موضوع منزل است و روز به روز هم بدتر و سخت‌تر می‌شود.

وضع منزل

قرب پنج سال است که در برلن ساختمان تازه نشده و جمعیت هم زیاد

شده و به خصوص از خارج، از ایالات و ولایات به برلن آمده سکنی گزیده‌اند، لذا منزل فوق‌العاده کم و گران شده، اطاقی را که در زمان صلح ماهی ۲۰ تا ۲۵ مارک کرایه می‌دادند امروز از ۱۰۰ تا ۱۵۰ کمتر نمی‌دهند.

اظهارات وزیر خارجه فرانسه

وزیر امور خارجه فرانسه امروز اظهار داشته است عنقریب شرایط صلح که اساس عقد قرارداد صلح قطعی خواهد بود تمام شده به نمایندگان آلمان داده خواهد شد. نمایندگان آلمان هیچ‌گونه حق تغییر آن مواد را نخواهند داشت. باید آن مواد را یا قبول و یا رد کنند. از قرار راپرتی که رسیده ویلسن رئیس جمهور امریکا موافق با چنین قرارداد صلحی نبوده [است] و نخواهد بود.

نظر امریکا

سه‌شنبه ۱۸ مارس ۱۹۱۹ - اخبار مختلف از پاریس می‌رسد، از قرار معلوم پس از ورود ویلسن رئیس جمهور امریکا اختلافاتی میان نمایندگان کشورهای متفقین به میان آمده، ویلسن با فرانسه آشکارا اختلاف نظر اظهار داشته است. رئیس جمهور امریکا معتقد است که می‌بایستی یک انجمن بین‌المللی برای نزدیک ساختن کشورهای مختلف به همدیگر و ایجاد وحدت نظر میان آنها و دوری و اجتناب از جنگ در آتیه به وجود آید و در این انجمن کشورهای مختلف از وپایی، آسیایی و از هر جای مستقل دیگر دنیا نماینده به این انجمن فرستاده شود. ایجاد چنین انجمنی جزء لاینجزای قرارداد قرار گیرد و حل مسائل مشکل را به خصوص مسائل راجع به درخواستهای کشورهای متفقین از آلمان امروز بدین مجلس واگذار شود. اگر چنین مجلسی به وجود نیاید و اگر نمایندگان تمام کشورها در چنین مجلسی نباشند و حوائج و نیازمندهای کشورهای

مختلف در این مجلس گفته نشود استقرار صلح و آرامش در دنیا پس از این جنگ ممکن نخواهد بود و مجدداً آتش جنگ برافروخته خواهد شد.

نظر فرانسه

دولت فرانسه هواخواه چنین نظری که رئیس جمهور امریکا دارد نمی‌باشد. نظر کلمانسو کاملاً مخالف این پیشنهاد است. کلمانسو می‌گوید نه تنها آلتاس و لرن می‌بایستی به فرانسه ملحق شود بلکه تمام اراضی طرف چپ رود رن می‌بایستی به فرانسه منضم [شود] و یا تحت نظر حمایت و نفوذ فرانسه قرار گیرد و دولت آلمان هیچ نظری در این قسمت نداشته باشد. به علاوه بعضی از قطعات مرزی در قسمت مشرق آلمان و شمال و جنوب شرقی این کشور مجزا و به لهستان ملحق شود و لهستان تحت دولت مستقلی شکل دیرینه خود را بگیرد. به علاوه در آتیه بایستی ترتیبی برقرار شود که نیروی نظامی آلمان یک شکل بالنسبه معتدل و ثابتی به خود گیرد و طوری باشد که دولت آلمان نتواند به میل خود هر وقت بخواهد بر نیروی نظامی خود بیفزاید و [موجب] تهدید دیگران واقع گردد. سالیان دراز آلمان باید به همین شکل که گفته شد...^۱ محدود و تا حدی ضعیف در طرف شمال شرقی فرانسه زندگی کند و هیچ‌گونه تهدیدی برای دولت فرانسه به میان نیاید.

نظر انگلیس

انگلیس با این نظر موافق نیست. دولت انگلیس مایل نیست که قطعات مهمی از آلمان به فرانسه منضم شده این دولت را بیش از آنچه انگلیس خواهان است بزرگ و نیرومند گرداند. انگلیس، دولت فرانسه بسیار قوی و استعمارطلب [را] در طرف جنوب خود و در طرف شمال دریای

۱. اینجا چند کلمه افتادگی هست.

مدیترانه خواهان نیست. ولی از طرف دیگر مایل نیست آلمان مانند آلمان پیش از این جنگ در دریا و در رشته اقتصادیات و تهیه مصنوعات بسط ید پیدا کند به طوری که بتواند با انگلیس در این زمینه‌ها رقابت داشته باشد. عمده علت وارد شدن انگلیس در این جنگ و ملحق شدن به اتحاد دوگانه روس و فرانسه - با وجود اختلافات شدیدی که میان انگلیس و روس تزاری در آسیا وجود داشت و نیز اختلافاتی که با فرانسه در بعضی از قسمت‌های دریای مدیترانه و در شمال آفریقا داشته - برای این بود که از آلمان در زمینه بسط اقتصادیات و مصنوعات و گرفتن بازارهای تجارتي از دست انگلیسیها و بسط نیروی دریایی و سیاست استعمارطلبی آلمان جلوگیری شده منافع انگلیس را در آتیه نزدیک به خطر نیندازد.

آلمان بالنسبه قوی

عجالتاً بر اثر این جنگ نیروی دریایی آلمان و حتی سفائن تجارتي این کشور از میان رفته و دریاها به کلی به دست انگلیس افتاده است. نیز کارخانجات آلمانی بدین حال فعلی دچار [شده است] و آلمان تا مدتی نخواهد توانست رقابت خود را در رشته بازرگانی و عرضه مصنوعات خود به بازارهای تازه که منحصرأ در دست انگلیسیها افتاده است، تجدید نماید. ولی از طرفی آلمان بالنسبه قوی در مقابل فرانسه و یا ملل اسلاو در مشرق و جنوب شرقی اروپا برای نظر انگلیس کاملاً لازم است. انگلیس نمی خواهد راه روسیه به طرف مغرب اروپا باز شود و هر وقت بخواهد وسائل زحمات و بلکه مخاطرات انگلیس را فراهم آورد.

سیاست امریکا

امریکا از قرار نظریاتی که مستر ویلسن بیان می کند با این نظر انگلیس چندان موافقت ندارد. امریکا محققاً برای تقویت فرانسه کمک نخواهد

کرد و نخواهد کوشید که آلمان امروزی برای منافع سیاسی فرانسه ضعیف و زبردست بماند. از طرفی قلباً مایل نمی باشد که دریاها بالتمام در دست انگلیس و بازارهای اقتصادی تمام در دست انگلیس و مصنوعات انگلیسی در هر جا رتبه اول را حائز باشد. امریکا هم خود نظریاتی در این زمینه داشته و یقیناً بعد از این جنگ انتظارات بیشتری دارد و برای پیشرفت همین نظریات هم وارد جنگ شده است.

نظر ایتالیا

ایتالیا هم یک نظریاتی مخصوص به خود دارد. با فرانسه رقیب دیرینه خود نمی تواند موافقت تام داشته باشد. زیرا ایتالیا آلمان بالنسبه قوی می خواهد تا در مقابل اسلاوها ایستادگی کند. ایتالیا همیشه با اسلاوهای جنوبی مخالفت داشته و از تقویت آنها پرهیز می کرده است. به همین علت بود که اتحاد سه گانه آلمان، اتریش و ایتالیا را به وجود آورد و در نیمه دوم قرن نوزدهم بدین اتحاد پیوست. وانگهی ایتالیا هیچ زمان با فرانسه در خصوص نظریات خودش در دریای مدیترانه و در شمال آفریقا موافقت نداشته و سیاستی کاملاً مخالف فرانسه در این قسمتها ابراز کرده است. ایتالیای قوی برای فرانسه فایده ای ندارد و [به طور] محقق ورود ایتالیا در این جنگ که حتی مخالف سیاست دیرینه او بوده برای تقویت آتیه خودش بوده است که ایتالیا را در مقابل اسلاوهای جنوبی تقویت نموده، منافع ایتالیا را به خصوص در دریای مدیترانه مقابل حرص و طمع اسلاوهای جنوبی حفظ نماید.

پس از قرارداد بروکسل

امروز نمایندگان آلمان که قرارداد بروکسل را امضا کرده و به برلن برگشته اند کنفرانسی با حضور نمایندگان مطبوعات برای توضیح مواد قرارداد منعقد و اطلاعاتی در دسترس مطبوعات گذاشتند. قسمت

عمده‌ای از اغذیه و مواد اولیه که وارد آلمان خواهد شد با پول طلا و به قیمتی که طرف مطالبه کند باید پرداخته شود. یک قسمت از آن را هم با زغال سنگ و رنگ جوهر خواهند پرداخت و هر قسمت را هم که آلمانها بخواهند با اسهام شرکت‌های خارجه که در دست آلمانهاست معاوضه خواهند کرد. کشتیهای تجارتي آلمان تحويل متفقین داده می‌شود و هر چه کنفرانس صلح درباره آن رأی بدهد عمل خواهد شد. آنچه محقق است طبق این قرارداد تقریباً ۷۵٪ اغذیه و مواد اولیه‌ای که مورد نیاز آلمان است به آلمان خواهد رسید و تا حدی گشایش در زندگی مردم به وجود خواهد آمد.

نظر محمدعلی تربیت

آقای میرزا قاسم خان که مدتی دچار کسالت بود حالش بهتر است. امروز از او دیدن کرده ناهار را با آقایان مازور حبیب‌الله خان شیبانی و میرزا محمدعلی خان تربیت صرف کردم. مدتی با آقای تربیت راجع به اوضاع صحبت در میان بود. ایشان چنان که قبلاً نوشته‌ام مایل است برنامه‌ای برای آتیه در اینجا تنظیم شود و به‌طور کلی شاکی است که رفتار بعضی از آقایان مهاجرین در استانبول و در برلن مطابق میل و ذوق ایشان نبوده است. وضع فعلی و پیشامدهای امروزی موقع اشخاص را به‌طور کلی مشکل نموده، به خصوص موقعیت نگارنده اینجا با مأموریتی که از طرف ملیون و آزادیخواهان ایرانی داشته و دارم خیلی مشکل بوده و امروز هم می‌باشد.

اما هدف من

نگارنده هیچ زمان نخواسته‌ام که خود را متمایل به یک طرف و یا طرف دیگر بنمایم. اینجانب نه برای آلمان و نه برای عثمانی نظرهای خصوصی داشته‌ام ولی در این جریان که واقع شد پیوسته مایل بوده‌ام که بفهمم خیال

آلمان و یا نظریات عثمانی راجع به ایران چیست. آیا فی الحقیقه آنچه نمایندگان آلمان و عثمانی راجع به ایران و منافع حقه ایران و استقلال ایران اظهار می‌دارند صحیح است یا خیر. حقیقتاً مایل به حفظ استقلال ایران می‌باشند؟ روابط آلمان و عثمانی راجع به ایران چیست؟ آیا قرارداد خصوصی راجع به ایران منعقد کرده‌اند یا خیر؟ برای اینجانب موقع خوبی بود که این مسائل را درک کنم و در ظاهر بیطرفی خودم را راجع به آلمان و عثمانی حفظ کرده باشم.

بعضی از آقایان آزادیخواهان با تمام قوا برای پیشرفت نظریات آلمان و یا عثمانی می‌کوشیدند و این سیاست را سفرای خارجه ایران در برلن و استانبول نمی‌پسندیدند و با آنها همراهی نداشتند. متأسفانه این اختلافات نظر میان آقایان ملیون و آزادیخواهان و روابط آنها با مأمورین ایران وجود داشت و هنوز هم وجود دارد. به‌طور اختصار اینجا نگاشته می‌شود که اینجانب بیطرفی خود را پیوسته حفظ [کرده‌ام] و ضمناً خدماتی را هم که در نظر داشته‌ام [برای حفظ استقلال و آزادی ایران به خصوص در آتیه و در پایان این جنگ تا آنجا که ممکن بوده [است] انجام داده‌ام. چنان که دو سال قبل از رفتن به استکهلم و عملیات آنجا مضایقه نکردم و هرچه از دستم برآمد راجع به تجاوزاتی که به ایران در گذشته شده بود و تقاضای ایرانیان برای حفظ استقلال خودشان انجام داده‌ام. هیچ زمان به خصوص برای حفظ نظریات شخصی حاضر به سازش با اشخاص نبوده‌ام] و امیدوارم در آتیه هم نباشم.

تا زمان بازگشت

آقای تربیت را قانع ساختم که عجالتاً نظریات خود را از طرح یک پروگرام صحیح برای آزادیخواهان و ملیون کنار گذاشته تا زمان برگشت به ایران و اجتماع در تهران و تطبیق موارد پروگرام با اوضاع جاری مملکت آن طور که شاید و باید به عمل آید.

این فکر انتشار یافته است که اگر دشمن یعنی متفقین شرایط سخت در این کنفرانس صلح پیشنهاد کنند حکومت فعلی آلمان [که] مرکب از سه دسته بزرگ سیاسی [است] نخواهد توانست آن شرایط سخت را بر عهده گیرد و استعفای خود را تقدیم خواهد نمود. در این صورت تشکیل حکومت تازه در آلمان کار آسانی نخواهد بود. آن وقت ملت آلمان به خصوص طبقات پایین که اکثریت ملت را تشکیل می دهند توجه خود را از غرب اروپا برگردانده به طرف شرق این قاره معطوف خواهند داشت. آلمان در هر دو صورت - [از] قبول کردن شرایط سخت متفقین و یا رفتن به سوی سیاست اشتراکی روسیه - فایده‌ای نخواهد برد و جز تحمل خرابی و بار سنگین بر روی شانه خود چیز دیگری نخواهد داشت. ولی اکثریت ملت آلمان که طبقات پایین را تشکیل می دهند حاضرند زودتر خود را تسلیم بلشویکی کنند تا به دست خود ریاست متفقین را بر عهده گیرند. در صورتی که استقرار حکومت اشتراکی در آلمان به طور یقین به غرب اروپا و حتی به امریکا هم بی اثر نخواهد بود و آن کشورها هم آلوده خواهند شد. بعضی از آلمانیها با عصبانیت اظهار می دارند: ما که در این دریا غرق می شویم بگذار دشمنان خودمان را هم با خود به قعر دریا ببریم. این عقیده را اگر هم اظهار نکنند شخص به خوبی از احساسات آنها استنباط صحت آن را می کند.

هیجان اقتصادی

اگر متفقین به چهارده ماده مستر ویلسن رئیس جمهور امریکا پیروی کرده انعقاد صلح خاتمه یابد و بساط جنگ به کلی برچیده شود احتمال داده می شود که اروپا از خرابی و شکست قطعی نجات یابد و آرامش جای اضطراب را بگیرد، والا این هیجان که امروز در میان ملت آلمان نیرو گرفته قطعاً آلمان را به طرف بلشویکی می کشاند و آتش انقلاب کارگران را بر

۱۸

بسط انقلاب اشتراکی و سختی وضع زندگی در اروپای مرکزی

بلشویکی شدن مجارستان

چهارشنبه ۱۹ تا یکشنبه ۲۲ مارس - از وقایع سیاسی این چند روزه تغییر حکومت در مجارستان و ملحق شدن آن کشور به حکومت بلشویکی روسیه، مهمترین واقعه به شمار می رود. فشار متفقین از یک طرف و پیشرفت انقلاب بلشویکی در جنوب روسیه از طرف دیگر حزب اشتراکی مجارستان را تقویت نموده، حکومت سوسیالیستی آن کشور را مجبور به استعفا و برقراری حکومت بلشویکی را به جای آن ایجاب نموده است. از قرار اخباری که به تواتر می رسد بلشویکها در بالکان دست به عملیات زده روز به روز بر نیروی خود می افزایند. بلشویکی شدن مجارستان تا حدی اهمیت دارد. زیرا موقعیت این کشور برای مغرب اروپا هم بی اهمیت نیست. احتمال دارد عنقریب مجارستان بتواند همسایه های خود را به حکومت اشتراکی ملحق نماید.

آلمان و بلشویک

عقیده سیاسیون آلمان علی الظاهر بر این است و کم کم در مطبوعات هم

ضد سرمایه‌داران نه تنها در اروپا بلکه در تمام دنیای امروزی منبسط خواهد گردانید. علائم ناراحتی نیز از مدتی پیش بدین طرف در کشورهای متفقین ظاهر است و هر روز بر نیروی خود می‌افزاید. حالا دیگر این کشمکش صورت استبداد و دموکراسی سیاسی ندارد. این هیجان عمومی هیجان اقتصادی است برای زندگی. مقابله کارگر با کارفرما، مقابله کارگران با سرمایه‌داران می‌باشد.

حرف کارگران

دیرزمانی در ایام گذشته سرمایه‌دار با نفوذ استبداد بر طبقات پایین حکمروایی می‌کرد، دیرزمانی بعد از آن تاریخ سرمایه‌دار با موقعیت مطبوع تازه‌ای حکمفرمایی خود را بر طبقات پایین ادامه می‌داد و در حقیقت قسمت عمده‌ای از طبقات متوسط به طبقات بالاتر ملحق شده در این حکمروایی بر دسته‌های پایین شرکت داشته‌اند. امروز کارگران می‌گویند چرا باید میان طبقات یک ملت این گونه امتیازات موجود باشد؟ چرا باید سرمایه این قدر نیرو به خود گیرد و بدون نسبت تقسیم شود و در زیر دست یک سرمایه‌دار هزارها کارگر کار کنند، پیوسته عرق جبین بریزند و بر تمکن و تمول سرمایه‌دار بیفزایند. این فکر که در سر کارگران آمده آتشی است که از روسیه تزاری شروع شده است. آن کشور بزرگ که سالیان دراز در زیر فشار بار سنگین استبداد رنج می‌برد و یک عده‌ای از طبقات بالا که خود را مأمور رنج دادن به طبقات پایین می‌دانستند، در تمام آن کشور از کلیه وسائل آسایش استفاده می‌کردند و فشار به طبقات بیچاره پایین می‌آوردند، بالاخره به انقلاب اشتراکی منجر گردید و این آتش سراسر شرق اروپا را گرفته [است] و پیوسته به اطراف گسترده می‌شود. این آتش مانند خورشید [که] از طرف مشرق این قاره سر به در آورده [است] و به قول یکی از سیاسیون می‌بایستی مانند خورشید به طرف مغرب سیر کند.

شرایط آسانتر

این فکر است که امروز مردم آلمان را در ناراحتی نگه داشته: کارگران به کلی پیرو این موضوع گردیده [اند] که آیا بهتر نیست حکومت اشتراکی در آلمان مستقر و [جامعه] به دست آنها سپرده شود؟ طبقات دیگر هم اگرچه با این فکر مخالفند ولی سکوت اختیار کرده به صرفه خود می‌دانند که فکر اشتراکی عجالتاً بسط پیدا کند بلکه متفقین را متنبه گردانند [و آنها را] به تحمیل شرایط آسانتر و معتدلتری به آلمان وادار سازد.

کشتیهای آلمان

از قراری که زمزمه می‌شود عنقریب مجدداً تعطیل عمومی در آلمان شروع خواهد شد و مجدداً انقلابیون با حکومت فعلی به زور آزمایی خواهند پرداخت. احتمال دارد موقتاً حکومت فعلی دست از کار کشیده به فکر استعفا بیفتد. ملاحان آلمانی در هامبورگ مجمعی تشکیل داده علیه تسلیم کشتیهای تجارتنی به متفقین اعتراض شدید کرده‌اند. بدین واسطه چند روزی تسلیم کشتیها را به نمایندگان متفقین به تعویق انداختند، ولی به واسطه اقدامات حکومت فعلی دست از این مقاومت برداشته [اند]. چند کشتی تسلیم مأمورین متفقین گردیده و فعلاً هم این موضوع در جریان است. کشتیها را تحویل مأمورین متفقین می‌دهند و در مقابل اغذیه و مواد اولیه تحویل می‌گیرند. اما چه فایده که با این مقدار قلیل رفع گرسنگی تمام ملت آلمان بدین زودی نمی‌گردد.

وضع حرکت ایرانیان

پنجشنبه ۲۰ مارس - بعد از ظهر با آقایان نواب و میرزا محمد علی خان کلوب و ماژور حبیب‌الله خان شیانی به گردش رفتیم. آقای نواب نامه‌ای از آقای ذکاءالدوله در جواب نامه خود راجع به مسافرت جمعی از ایرانیان به ایران دریافت کرده‌اند. آقای ذکاءالدوله در این نامه می‌نویسد

چون حرکت آقایان ایرانیان از ماریسی خواهد بود لازم است اجازه قبلی از دولت فرانسه در این خصوص گرفته شود. برای این مقصود باید اقدامات لازم در پاریس به عمل آید. اگر چنانچه به عبور از سویس اقدامی لازم باشد آقای ذکاءالدوله در انجامش حاضر می باشد. نامه دیگری آقای ذکاءالدوله به میرزا قاسم خان صور نوشته [است] و در این نامه می نویسد که آقای نظام السلطنه هنوز در استانبول متوقف می باشد ولی پسرشان سالار معظم به تهران حرکت کرده و عجالتاً در تهران است. آقای طباطبایی را هم در تهران ملاقات نموده است.

سندیکای امور اقتصادی ایران

از قراری که یکی از روزنامهجات سویس انتشار داده است سندیکایی در امریکا برای امور اقتصادی ایران به سرمایه یکصد میلیون دلار تشکیل شده و مأمور هم به تهران فرستاده است که در آنجا مشغول به کار شود. از قرار معلوم مستر شوستر که عملیات مالی او برای بهبود اوضاع اقتصادی ایران و مخالفت دولت تزاری با این عملیات در اوایل بر تخت نشستن احمدشاه تاریخ مهمی را در زمان مجلس دوم تشکیل داد و خود مستر شوستر در کتابی به نام *اختناق ایران* شرح داده [است]، در تشکیل این سندیکا شرکت دارد.

ارمنستان

از قرار خبری که در روزنامهجات انتشار یافته دولت عثمانی سرپرستی قسمت ارمنستان را به دولت امریکا واگذار خواهد نمود. در این صورت امریکا یک توجه بیشتری راجع به بهبود حال ایران خواهد داشت.

تقویم شمسی ایران

روز جمعه ۲۱ مارس - ساعت پنج و ۱۴ دقیقه بعد از ظهر به وقت برلن

تحويل سال صورت گرفت. به مناسبت تحويل سال و انجام مراسم عید نوروز جمعی از ایرانیان در برلن در یکی از مهمانخانه های برلن مجمعی منعقد نموده در ساعت معین گرد هم جمع شدند. یکی از رؤسای ملیون شرحی راجع به لزوم اصلاح و تغییر و تثبیت تقویم ایرانی نطقی ایراد کرد. تاریخ ایران به عقیده ایشان قبل از تاریخ جلالی ثابت نبود. همان طور که ماههای عربی در گردش است ماههای ایرانی نیز با همان تغییرات در گردش بوده. تقویم جلالی نوروز را ثابت [کرده] و به اول بهار بدون تغییر نگه داشته است. به عقیده ناطق ماههای قمری به ماههای شمسی باید مبدل گردد. مبدأ تاریخ همان تاریخ هجرت باشد ولی ماهها با شکل ثابت شمسی و تقسیمات صحیح برقرار شود. به طوری که فصول و به خصوص نوروز را به جای خود ثابت نگه دارد. سایرین هم در این زمینه قدری صحبت و لزوم ایجاد چنین تقویمی را تأیید کردند. پس از صرف چای و شیرینی عکسی هم از این مجمع گرفته شد. رو بهمرفته خوش گذشت.

نادولنی و لیتن

روز شنبه ۲۲ - آقای نواب در سفارت پذیرایی بالنسبه مفصلی داشته جمعی از ایرانیان و عده ای از آلمانها هم حضور داشتند. آقایان نادولنی و کاردورف و لیتن از کارمندان مهم وزارت خارجه آلمان هم حضور داشتند. مسیو نادولنی در این حکومت فعلی به ریاست کابینه ریاست جمهوری آلمان برقرار شده است. لیتن به جمع آوری و انتشار کلیه قراردادهای و معاهدات ایران با کشورهای خارجه [مشغول] می باشد و می خواهد عنقریب این کتاب را منتشر نماید.

تحولات جهان

چه تحولاتی در دنیا صورت می گیرد؛ پارسال در روز عید نوروز بود که

حملات آلمانها در طرف فرانسه به سختی شروع شده [بود] و کارمندان وزارت خارجه آلمان در همین پذیراییهای نوروز شرح آن عملیات را می دادند که چگونه توبیهای آلمانی به هدف رسیده و متفقین را از مقاومت بی تاب کرده. پس از یک سال در این ایام نوروز وضع به کلی واژگون شده، آن آلمان دیگر از میان رفته و حالا کارمندان وزارت خارجه آلمان دست به دست مالیده از این وقایع تأسف و تأثر اظهار و امیدواری به آتیه می کنند. ولی چیزی که محرز است آلمانها نمی خواهند حیثیت خود را از دست بدهند. پیوسته با سینه باز و جبهه گشاده خود را متکی به مظفریت آتیه نشان می دهند. فن ویزندونگ از حوزه این مستخدمین وزارت خارجه که با ایران آشنایی دارند خارج [شد] و به نقد در سویس زندگی می کند و از قرار مسموع مشغول به تحصیل زبان فارسی می باشد.

هوای سرد

هوای برلن در این چند روزه چندان مطبوع نبود. اغلب سرد بود و برف می بارید. هوای خوش اواسط اسفند غفلتاً به هوای سخت زمستانی مبدل شده است. اروپاییان می گویند هوای اول سال نو بایستی سرد و یخبندان باشد و امسال در آلمان مصداق بسزایی پیدا کرده است.

آقای اعظم السلطنه عازم رفتن به لندن می باشد. روز یکشنبه به دیدن اینجانب آمد که روز دوشنبه حرکت کند. خیال دارند با آقای نواب با هم به هلند رفته، ایشان از آنجا به لندن [بروند] و آقای نواب به پاریس حرکت کنند.

مواد مهم صلح

یکشنبه ۲۳ تا دوشنبه آخر مارس ۱۹۱۹ - مشاوره سران کشورهای متفقین هنوز در پاریس ادامه دارد و معلوم نیست از چه موضوعاتی مذاکرات به

عمل می آوردند. ولی طبق آخرین خبر عنقریب مواد مهم صلح حاضر خواهد بود. در این مذاکرات مقدماتی آنچه محرز است تنها دول امریکا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا شرکت دارند و در حقیقت با در بسته هر روز مشاوره خود را ادامه می دهند تا نتیجه مذاکرات چه باشد. تا به حال دو کشتی تجارتي حامل آذوقه از امریکا وارد بنادر آلمان شده و نیز از هلند هم مختصر آذوقه و مواد اولیه وارد آلمان گردیده. ولی از این دو فقره آذوقه که به آلمانها رسیده هیچ اثری ظاهر نیست. در حقیقت ساعت به ساعت کار آذوقه و زندگی در آلمان امروزی سخت تر می شود. امروز گفته شد که بهای کره هر پوند آلمانی که در حقیقت یک چارک به وزن معمولی ما می شود به پنجاه مارک خرید و فروش می شود. قند هر پوندی تا ده مارک [رسید] و گوشت به کلی نایاب است.

نظر ویلسن یا لنین

انقلابات بلشویزم اخیراً پس از واقعه مجارستان به شدت خود افزوده [است] و به خصوص در جنوب روسیه پیوسته در افزایش نیرو می باشد. در رومانی هم گویا عنقریب حکومت بلشویکی برقرار شود. آلمانها از این افزایش نیروی انقلاب بلشویزم تا حدی استفاده می نمایند. بعضی از سیاسیون آلمانی علناً اظهار می دارند که اگر متفقین بخواهند تحمیلات سنگینی بر آلمان بنمایند و خسارات عمده مطالبه بنمایند به طوری که شیرازه حیات سیاسی و اقتصادی آلمان متزلزل گردد، بهتر و به نفع آلمان است که با روسیه بلشویکی متحد شده حکومت بلشویزم را در آلمان برقرار نماید. به عبارت دیگر دنیای آینده اروپا یا باید طبق نظریات ویلسن رئیس جمهور امریکا اداره شود یا طبق دستور لنین صورتی به خود گیرد. اگر فی الحقیقه متفقین رعایت نظریات ویلسن را نمایند و تحمیلات زیادی به آلمان روا دارند و بخواهند نظریات فرانسه را راجع به تحمیلات

جنگی رعایت کنند تنها راهی که برای آلمان باز خواهد بود پیروی از لنین و استقرار حکومت بلشویکی در آلمان است.

مسائل آلمان

اما تا چه حد آلمانها حاضر به فداکاری خواهند بود معلوم نیست. در این که سرمایه‌داران آلمانی مانند قاطبه سرمایه‌داران با تمام قوا مخالف با استقرار حکومت بلشویزم می‌باشند جای شک و تردید نیست. ولی آیا امروز نیرو در دست سرمایه‌دار است؟ آیا سرمایه‌داران به قدر کافی قوت دارند که حکومت آلمان را در دست بگیرند؟ جای شک و تردید می‌باشد. نیرو امروز در دست کارگران است. هر زمان که حکومت و دولت فعلی موانع را از جلو بردارد آتش انقلاب فوراً زیانه می‌کشد و کارگران موفقیت خود را ابراز می‌دارند. آیا فی‌الحقیقه متفقین از این پیشامدها مطلع می‌باشند؟ آیا این پیشامدها را در مذاکرات خود تحت مذاقه قرار نمی‌دهند؟ آیا این کشورها از اوضاع داخلی خودشان مطمئن می‌باشند؟ آیا کارگران در این کشورها ثابت خواهند ماند؟ آیا کارگران در امریکا به کلی ساکت خواهند نشست؟ آتیۀ نزدیک جواب این سؤالات را خواهد داد.

فرانسه و لهستان

از قرار اخباری که به تواتر رسیده [است] فرانسویها سخت در تلاش برای به دست آوردن نظریات خود راجع به آتیۀ آلمان می‌باشند، در مذاکرات با سران متفقین در نظریات خود پایداری کرده [اند] و به علاوه در خارج هم بعضی اقدامات برای موفقیت نظریات خود می‌نمایند. من جمله با لهستانیها وارد مذاکره شده آنها را تشویق می‌کنند که بندر دانزیک را از آلمان مجزا و به لهستان واگذار کنند. یک دسته از قشون لهستانی که در

فرانسه تشکیل شده و تحت امر افسران فرانسوی است به طرف دانزیک سوق داده‌اند که بدین وسیله اهالی لهستان را بر ضد آلمان برانگیزانند و یک قطعه مهم از شمال شرقی آلمان را مجزا [کنند] و به لهستان احاله دهند. دولت آلمان بدیهی است علیه این نقشه‌ها ایستادگی خواهد کرد. تا حدی هم که شنیده می‌شود انگلیسیها چندان تمایلی در این چیزها با فرانسویان ندارند. انگلیسیها نمی‌خواهند آلمان در مقابل فرانسه ضعیف و زبون شده اعتدال نیرو در اروپا از میان برود. روی همین نظریات است که اختلاف نظر میان لوید جرج و کلمانسور روز به روز ظاهرتر می‌شود.

اعتدال قوا در اروپا

لوید جرج اصرار دارد که اعتدال قوا در اروپا برجا بماند، به طریقی که در دست یک ملت جمع نشود و دست انگلیس در آسیا و سایر جاهای دنیا برای بسط سیاست و بازرگانی باز باشد. به خوبی ظاهر شده است که انگلیس مانند همیشه ترقی خود را در بسط استعمار و توسعه تجارت می‌داند. اگر آلمان از میان برود و فرانسه تنها سیاستمدار و مبارز میدان سیاست اروپایی باشد و روس هم گرفتار انقلابات بلشویکی باشد، آن وقت انگلیس نخواهد توانست با خاطر جمع به سیاست دیرینه خود ادامه دهد. فرانسویها مایلند سیاست دوره لویی چهاردهم فرانسه و یا دوره فتح و فیروزی ناپلئون بناپارت را در اروپا تجدید کنند و این سیاست بدیهی است مخالف نظریات و منافع انگلیس و امریکا می‌باشد. این دو دولت سعی خواهند داشت نگذارند فرانسه در نظریات ذکر شده موفق گردد.

اخبار ایرانیان

آقایان نواب و اعظم‌السلطنه صبح دوشنبه ۲۴ از برلن به طرف هلند حرکت کردند. آقای نواب از هلند به پاریس می‌رود که در آنجا آقای وزیر

امور خارجه ایران و اعضای میسیون ایران [را] که از تهران برای شرکت غیرمستقیم در کنفرانس صلح پاریس آمده [اند] ملاقات و با آنها تبادل نظر کند و به علاوه تماس مستقیم با تهران بگیرد. مدتی است که دیگر از آلمان تماس مستقیم برای ایرانیان حتی برای سفارت ایران با تهران موجود نیست. آقای اعظم السلطنه به عزم رفتن به لندن حرکت کرد و خیال دارد یک ماه در آنجا برای ملاقات خواهرش که در آنجاست بماند و بعد به برلن مراجعت نماید. در همین روز دوشنبه ۲۴ آقای میرزا قاسم خان صور به طرف وینه حرکت کرد. مدتی در اینجا منتظر به دست آوردن جواز و فراهم کردن وسائل رفتن خود بود تا اینکه دیروز با موفقیت حرکت کرد. عجالتاً به وینه می رود. اگر جوازش برسد از آنجا به طرف استانبول و ایران حرکت خواهد کرد والا در آنجا می ماند تا آنکه اوضاع قدری روشن تر شده بتواند وسائل راحتی مسافرت خود را فراهم نماید.

مجلس ایرانیان

از رفتن آقایان ایرانیان دیگر خبر تازه ای نیست یعنی جواز آنها نرسیده است. امروز چند نفر از این آقایان مجلسی تشکیل داده [بودند] و در اطراف وضع زندگی خودشان در اینجا و آتیه نزدیک زندگی خودشان به صحبت و مذاکرات مفصل پرداختند. مجلس خالی از تأسف و تأثر نبود. این آقایان تمام به خیال ایران و زندگی خودشان می باشند. از بی تکلیفی و بیکاری و بی ترتیبی زندگی خودشان در اینجا شکایت دارند. در حقیقت بهترین ایام زندگی را در بدترین ساعات زندگی یک کشوری خارج از وطن گذراندن کار مشکلی است. به حق می گویند که از توقف امروز در آلمان هیچ نتیجه ای متصور نیست، آلمان دیگر هیچ کاری مستقیم یا غیرمستقیم برای ایران و سرنوشت کشور رنج دیده خودمان نمی تواند انجام دهد. دیروز هم نمی توانست.

امیدهای باطل

ولی ما به حق تصور می کردیم که اگر آلمان در این جنگ فاتح شود و متفقین به خصوص دولتین روس و انگلیس دو همسایه مهم ما که متأسفانه از دیرزمانی تا امروز مداخله در امور داخلی ما مخالف با استقلال کشور ایران داشته اند، مغلوب شوند جریان سیاست تازه به حال کشور ما مفید خواهد بود. دست روس و انگلیس تا حدی از ایران کوتاه خواهد شد و به جای آن سیاست تازه بالنسبه معتدل و دوستی برای کشور ما به جای آن سیاست دیرینه استوار خواهد گردید. ولی با تأثر برای آقایان ملیون و آزادیخواهان ایران نتیجه جنگ پس از قرب پنج سال نبرد و خونریزی و خرابی و برهم ریختگی این امید را که داشتیم از میان برداشت و دوباره ما را با همسایگان قوی سابق عبارت از انگلوساکسن و اسلاو دچار کرد. درست است روس امروزی با این انقلابات داخلی دست مستقیمی در امور سیاسی داخلی ایران ندارد ولی به طور قطع ملل اسلاو با بسط خاک و کثرت نفوس و موقعیت جغرافیایی که دارند پیوسته در سیاست همسایگان بالنسبه ضعیف خود [روشی] به نفع اسلاوها خواهند داشت و بدیهی است انگلیس پس از این جنگ و فقدان موانع نفوذ، قدرت بیشتری در تمام عالم به خصوص در کشورهای آسیایی که نسبت به آنان نظر مخصوصی دارد اعمال خواهد نمود.

به امید بازگشت

خلاصه تمام این آقایان متحدالقول خواهند که هر چه زودتر از این قید و بستگی و توقف در آلمان امروزی خلاصی یافته به ایران برگردند و آن قدر که بتوانند در تهران برای کشور خود خدمت کنند. زندگی آنان فی الحقیقه در برلن دیگر قابل تحمل نیست. گذران معاش روز به روز سخت تر می شود، مخارج هر آن زیادتر و نایابی بیشتر و تلف شدن عمر عملاً خود

به خود صورت می‌گیرد. هوا هم گویا مزید بر علت شده است. در این وقت سال که بایستی هوای بهار نمایان [باشد] و شادی و شغفی برای مردم ایجاد کند برعکس تمام وقت سرد زمستانی و یخبندان [است] و اغلب برف می‌بارد و تمام ایام عید درجهٔ هوا ۱۴-۱۵ درجه زیر صفر بوده است. چه خوش بود بهار در این ایام سخت شروع و هوای بهاری خود را جلوه‌گر می‌نمود.

هرج و مرج در آلمان

۱ آوریل تا ۱۳ آوریل - آناارشی و هرج و مرج و انقلابات در آلمان و تمرّد از حکومت فعلی در تزايد می‌باشد. اعتصاب در اغلب جاهای آلمان در جریان است، اخیراً باویر که قسمت عمده‌ای از آلمان را تشکیل می‌دهد از قسمتهای دیگر آلمان مجزا شده و حکومت اشتراکی در مونشن یا مونیخ پایتخت آن اعلام گردیده است. کشمکش و خونریزی در اغلب جاهای آلمان به خصوص در مراکز کار از قبیل دوسلدرف و درسدن در جریان است. از کنفرانس صلح پاریس هم خبر صحیح و قطعی نرسیده است. روزنامه‌جات خبرهای مختلف در این خصوص انتشار می‌دهند ولی آنچه صحیح و مسلم باشد هنوز نرسیده [است] و معلوم نیست. دوروزی خبرهای متواتر از اختلاف نظر میان ویلسن رئیس جمهور امریکا و کلمانسو نخست وزیر فرانسه می‌رسید ولی بعد گفته شد این اختلافات تا حدی رفع [شده است] و کار مذاکرات برای اخذ تصمیم قطعی جلو می‌رود. عجالتاً دنیا منتظر این تصمیم و نیل به صلح و آرامش می‌باشد.

نمایندگان آلمان

۱۳ تا ۲۲ آوریل - مذاکرات پاریس طبق آخرین خبر گویا به یک جایی رسیده، تصمیماتی راجع به آلمان گرفته شده است. رئیس‌الوزرای فرانسه در روز شانزدهم آوریل از آلمان درخواست کرد نماینده‌ای به پاریس

اعزام کند تا تصمیمات کنفرانس متفقین به او تسلیم شود. دولت آلمان بی‌درنگ نماینده‌ای برای دریافت این تصمیمات به پاریس اعزام کرد. رئیس‌الوزرای فرانسه طبق تقاضایی در ۲۱ این ماه تجدید درخواستی نمود که دولت آلمان می‌بایستی میسیون رسمی به پاریس اعزام داشته دارای اختیارات تام [باشد] که تصمیمات کنفرانس به آنان تسلیم شود. در جواب این تقاضا دولت آلمان میسیون را که قبلاً در نظر گرفته بود به سمت نمایندگی معرفی کرد. [آلمان] اظهار می‌دارد این میسیون با اختیارات لازم به پاریس اعزام می‌شوند به شرط آنکه در آنجا در حرکت و مخابرات تلگرافی و تلفنی با دولت خود آزادی داشته باشند. میسیون نامبرده در شرف حرکت است و عنقریب اخبار مهم راجع به تصمیمات نامبرده انتشار خواهد داد.

مصر و هندوستان

از طرف شرق اخبار مهمی این چند روزه به دست نیامده. در روسیه هنوز انقلابات در جریان است و به خصوص در طرف جنوب این کشور نیروی انقلاب پیوسته بر موقعیت خود می‌افزاید. در مصر و هندوستان جنبش ملی نمایان شده و از قرار اخبار رسیده بلوا در آنجاها صورت گرفته [است] و عده‌ای تلف شده‌اند.

آقای نواب روز بیست و پنجم آوریل از پاریس مراجعت کرد و با میسیون ایران مأمور پاریس به طور دلخواه تماس داشته‌اند. ایشان اوراق ذیل را که با خود آورده‌اند به اینجانب برای ثبت در این یادداشتها واگذار کردند:

رسالهٔ اول

۱- درخواست ایران از کنفرانس صلح به امضای آقای مشاورالممالک وزیر امور خارجهٔ ایران:

Revendications de la Perse devant la Conférence des préliminaires de Paix à Paris. [Paris, Mars 1919]

به زبان فرانسه، جلد سبز، نیم ورق کوچک، هجده صفحه چاپی در سه قسمت: اول، تقاضاها راجع به استقلال سیاسی و قضایی و اقتصادی ایران. دوم استرداد اراضی که قبلاً غصب شده به کشور ایران. سوم پرداختن خساراتی که به ایران وارد آورده‌اند.

در مقدمه شرحی از تاریخ تعدیات و تجاوزات روس تزاری و تزییقات سیاسی که از ۱۹۰۷ به این طرف به ایران وارد آورده‌اند ذکر می‌نماید. سپس تجاوزات قضایی و تزییقات اقتصادی که از زمان عهدنامه ترکمانچای تا امروز دولت روس تزاری برای کشور بیچاره ایران فراهم آورده و در حقیقت بسط و ترقی و توسعه و آزادی ایران را غیرممکن ساخته است. لذا دولت ایران تقاضا دارد:

اولاً برطرف شدن قرارداد روس و انگلیس ۱۹۰۷ میلادی.

ثانیاً برطرف شدن مراسلات و تقاضاهای رسمی دولتین روس و انگلیس در ۱۹۱۰ راجع به واگذاری امتیازات سیاسی و استراتژیکی کشور ایران به کشورهای خارجی.

ثالثاً نقض و برطرف شدن اولتیماتوم روس در ۱۹۱۱ راجع به استخدام مستخدمین خارجی کشور ایران.

رابعاً عدم دخالت خارجه در ایران و پناه دادن خارجه به اتباع ایران در ایران.

خامساً عدم مداخله خارجی در امور داخلی ایران.

سادساً تساوی اتباع خارجی و داخلی در پرداخت مالیات در ایران. سابعباً خارج شدن قشون خارجی و گارد قنسولخانه‌ها و سفارتخانه‌های خارجی از ایران.

ثامناً منتفی شدن کلیه عهدنامه‌های ایران با کشورهای خارجی که منافی استقلال سیاسی و اقتصادی و قضایی ایران است.

تاسماً نقض کلیه امتیازاتی که به خارجه منافی منافع اقتصادی ایران است.

عاشراً اختیار تام ایران در جرح و تعدیل تعرفه گمرکی و آزادی ایران در امور بازرگانی با دول خارجی.

یازدهم استرداد اراضی که از ایران در حدود سواحل دریای خزر به تصرف دول خارجی درآمده.

دوازدهم استرداد کلیه اراضی مغصوبه در شمال ایران در بادکوبه و شیروان و در بند و شکی و غیره.

سیزدهم استرداد اراضی در حدود کردستان.

چهاردهم استرداد حقوق مذهبی ایران در مقابر مطهره کربلا و کاظمین و سامره و غیره.

پانزدهم ترمیم خسارات که به دولت ایران وارد شده؛ از طرف دولت روس، از طرف دولت عثمانی، از طرف دولت آلمان. پرداخت خسارات وارده از طرف روس قسمتی به توسط استقراضات ایران از روس و اموال دولتی روس که فعلاً در ایران است پرداخته شود.

رساله دوم

۲- تقاضای ایران برای عضویت در کنفرانس صلح به امضای آقای مشاورالممالک وزیر خارجه ایران:

Requête adressée par le Gouvernement Persan à la Conférence des Préliminaires de Paix à Paris afin d'être admis a y participer. [Paris, Février 1919]

جلد سبز نیم ورقی کوچک در چهار صفحه. در این تقاضانامه که به زبان فرانسه نوشته شده وزیر امور خارجه ایران از طرف دولت ایران اظهار می‌دارد که چون دولت ایران در حفظ بیطرفی خود کوشا و متمایل به

متفقین بوده و متأسفانه بیطرفی آن از طرف دول داخل در این جنگ جهانی رعایت نشده و خسارات و تلفات عمده بدان وارد شده و در حفظ استقلال و شخصیت سیاسی آن هیچ گونه رعایتی به عمل نیامده، و نظر به اینکه ایران حتی راجع به جنگ تحت‌البحری و خسارتی که از این راه به کشتیهای تجارتی متفقین و بارهای آنها که برای زندگانی عمومی دنیا فواید حیاتی داشته به دولت آلمان اعتراض کرده است، تقاضا می‌نماید نمایندگان ایران در مذاکرات کنفرانس صلح شرکت نموده، حفظ کامل استقلال ایران به جا آید و خسارات وارده بر ایران ترمیم شود.

اعلامیه ایرانیان مصر

۳- اعلامیه ایرانیان مصر خطاب به کنفرانس صلح پاریس: جلد سبز، ورق کوچک در دوازده صفحه به زبان فرانسه.

Appelle du peuple Persan à la Conférence de Paris et à la conscience du monde civilisé

ایرانیان متوقف مصر از میان خود چند نفر را از طبقات مختلف منتخب کرده [اند] و آنان پس از مذاکرات لازم به امضای خود این اعلامیه را خطاب به کنفرانس صلح پاریس و متکی به وجدان دنیای متمدن اشاعه داده‌اند. در این اعلامیه شرح مبسوطی راجع به تاریخ اخیر ایران و مصائب و تجاوزاتی [را] که به خصوص از طرف روس و عثمانی به ایران وارد شده است ذکر نموده و مخصوصاً به دولت عثمانی حمله سخت کرده و از آن انتقاد می‌کنند. در پایان مقدمه از کنفرانس صلح تقاضای استرداد کلیه حقوق سیاسی و اقتصادی و خاکی ایران را می‌کنند و اظهار می‌دارند که ایران باستانی می‌بایستی بر روی اساس استقلال کامل ثابت و برجا بماند و اگر استقلال ایران حفظ شود و بدین کشور از طرف دول قوی همسایه و غیره تجاوزی به حقوق آن نشود، محقق اساس صلح و آرامش

عالم بر جا خواهد ماند. چه خوش می‌بود که دول قوی کشورهای بزرگ دست از حرص و طمع خود برداشته تجاوزاتی نسبت به کشورها و ملل ضعیف نمی‌کردند و استقلال آنان را محفوظ می‌داشتند تا صلح و آرامش دنیا برجا بماند.

رساله پرنس ارفع الدوله

۴- کتابچه‌ای متضمن مراسلات پرنس ارفع الدوله با یک نفر افسر امریکایی. پرنس ارفع الدوله در این مراسلات از فقر و فاقه در ایران شکایت می‌کند و واضح می‌نماید که ایران بر اثر تجاوزات خارجی و بر اثر جلوگیری که از او در شاهراه ترقی بجا آمد و از اصلاحات داخلی بازمانده و به نیازمندیهای فعلی گرفتار گردیده [است]. چه خوش می‌بود که امریکا با این بسط و ترقی که در شاهراه تمدن و تمکن احراز نموده و به حق، هیچ‌گونه غرض سوئی [نسبت] به ممالک عقب مانده به خصوص کشوری باستانی مانند ایران که یادگار محسوسی از تمدن قدیم می‌باشد [ندارد] کمکی بسزا نموده و هر قدر که مقدور باشد [کمک] برای بینوایان ایران در امریکا جمع شود. از قرار معلوم این تقاضاها بی‌اثر نمانده تا به حال متجاوز از چهار میلیون دلار برای بینوایان ایران فرستاده شده است. قرائت این مراسلات روی هم رفته برای جلب احساسات اعضای کنفرانس بی‌ثمر نیست و امید تهییج احساسات خیرخواهانه آنها را دارم.

مقاله ذکاء الملک

۵- مقاله‌ای با انشای بسیار ساده و معتدل به قلم آقای ذکاء الملک راجع به ایران که در مجله فرانسوی به نام «صلح ملل» La paix des peuples طبع شده و اینک برای ملاحظه اعضای کنفرانس و جلب احساسات خیرخواهانه آنان به طریق رساله طبع شده است:

La Perse devant la guerre, de guerre et d'après guerre, par Zokaol- Molk

در این مقاله آقای ذکاءالملک شرحی از اوضاع ایران قبل از جنگ و اعمال تجاوزکارانه سیاست خارجی در کشور ایران و اوضاع ایران در زمان جنگ و صدمات و لطماتی که به ایران در این جنگ از طرف کشورهای خارجی و قشونکشیهای آنان به ایران وارد شده است و نیازمندیهایی که ایرانیان در دنیای بعد از جنگ دارند و دامنه آنها بسیار وسیع است به قلم شیوایی تدوین نموده است و محققاً بی اثر نخواهد بود. اگر چه تجاوزات خارجی نسبت به ایران با ملایمت زیادی بیان شده است که خیلی زننده نباشد ولی اوضاع اسفناک بینویان ایرانی را تا حدی مجسم می نماید.

مقاله حسین علاء

۶- مقاله کوچکی راجع به ایران به قلم آقای معین‌الوزاره - آقای میرزاحسین خان علاء - که در مجله فرانسوی به نام «ارویای تازه»، L'Europe nouvelle انتشار یافته و اینک به طریق رساله جداگانه به طبع رسیده است که به نظر اعضای کنفرانس برسد و جلب همدردی آنها را بنماید. در این رساله آقای علاء تقاضاهای ایران را بسیار ساده و بی آرایش و مختصر بیان می کند و استقلال ایران را برای آرامش دنیا از لوازم به شمار می آورد و اظهار می دارد که حفظ استقلال ایران برای ثبات صلح و برای جلوگیری از انقلابات اشتراکی لازم می باشد. قبلاً هم ایران از این گونه انقلابات جلوگیری بسزایی کرده و اینک مستحق پاداش صحیحی می باشد و [به] ایران باستانی که یادگاری از تمدن قدیم این عالم است نباید تجاوزاتی روا باشد. از هر نظر که ملاحظه کنید وجود ایران با استقلال کامل لازم است. ولی نباید فراموش کنیم که با این خساراتی که دیده و تجاوزاتی که به آن وارد شده و به خصوص سختیهایی که در این

جنگ دیده است نیازمند به کمک می باشد و از هر نظر که ملاحظه شود چنین کمکی از طرف دول متمکن بزرگ بی قاعده نخواهد بود.

مقاله امیرعلی هندی

۷- مقاله ای به قلم امیرعلی معروف هندوستانی در دفاع از حقوق ایران به زبان انگلیسی بدین نام: The Rights of Persian.

در این مقاله امیرعلی شرح مبسوطی از تاریخ باستانی ایران و خدماتی که به تاریخ و بسط تمدن دنیا و فرهنگ و ادبیات زمان نموده ذکر می نماید و بدون پرده تخطیهایی که در این سنوات که در حقیقت در تاریخ معاصر شروع می شود بدین کشور باستانی شده است اشاره می کند و می گوید چرا نباید دول بزرگ و ملل قوی به خصوص اسلاوها و آنگلوساکسنها نگذارند چنین آثاری، چنین یادگارهای ذیقیمتی از تاریخ باستانی برجا بماند؟ اگر ایران با این تاریخ مهم باستانی که دارد، با کارهای تاریخی که اشخاص نامی باستانی مانند زردشت، کوروش و داریوش کبیر و اردشیر بابکان و دانشمندان اهل ذوقی که در تاریخ وقت مانند فردوسی و سعدی و خیام که نام ایران را در تمام عالم گسترده اند چنین کشوری مورد تهاجم واقع شده و بر استقلال آن چنین صدمات و لطماتی وارد آورند که حتی دنیای متمدن امروزی را به لرزش درآورند. چرا ما امروز احساسات رقیق و وجدان پاک انسانی خود را کنار گذاشته و نمی خواهیم نامی از خود در اخلاق و معنویات به یادگار گذاریم؟ تاکی پیرامون حرص و طمع خواهیم بود و حتی دست از سر کشوری مانند ایران که از هر نظر قابل ملاحظه است برنخواهیم داشت؟ بر ما لازم است این سیاست را کنار گذاشته رعایت حال ایران بینوا را بر خود واجب شماریم.

مقاله پیر ایتن

۸- مقاله ای به قلم پیر ایتن یکی از خیرخواهان در دفاع از ایران به زبان

انگلیسی، در این مقاله نویسنده با قلم و بیان شیوایی از کنفرانس صلح تقاضا دارد خسارت و صدماتی که به ایران وارد شده جبران شود. نویسنده در این مقاله مفصل شرح تجاوزاتی که به خصوص در تاریخ اخیر و مخصوصاً از طرف روس تزاری به ایران وارد آمده شرح می‌دهد و می‌گوید امروز پس از این جنگ جهانی که قرب پنج سال دنیا را در آتش سوزانی نگه داشته می‌بایستی ما را به طرف حقایق سوق دهد. سیاسیون ما باید روش خود را تغییر دهند، نظر مادی خود را با کمی از حقایق معنوی مخلوط سازند و به خوبی بدانند که دنیا طالب صلح و آرامش است و صلح و آرامش با سیاست مادی جهانگیری و جهانگشایی امروز سازش ندارد. روش سیاسی دول امروزی باید تغییر کند. بسط و ترقی لازم است ولی در راههای مناسب، در راههایی که با مصالح دنیا سازش داشته باشد. کشورهای باستانی را بایستی با استقلالی که دارند به حال خود نگه داریم و به آنها کمک کنیم تا در میدان ترقیات امروزی وارد شوند. چه فایده‌ای برای روس و انگلیس خواهد داشت که به ایران بیچاره این لطمات وارد شود. یکی از طرف شمال و دیگری از طرف جنوب بدین کشور باستانی لطمات و صدمات وارد آورد. روس تزاری در اثر همین قسم سیاستها و جور و جفاها و ظلم و ستمها بدین حال امروزی گرفتار شد. اگر روس تزاری با سیاست عدالت‌پرورانه داخلی و خارجی رفتار کرده بود و در داخل مملکت به طبقات زیردست این ستمها وارد نمی‌کرد و در سیاست خارجی در هر طرف از شرق و غرب و جنوب و شمال دست تطاول دراز نمی‌نمود به حالت امروزی گرفتار نمی‌شد. در هر چیز رعایت اعتدال لازم است به خصوص در سیاست بین‌المللی. باید امیدوار بود که این جنگ بلکه روشنی به دیده‌ها [بدهد] ما را تا حدی متنبه سازد که از حرص و طمع و سیاست تجاوزکارانه چه ثمری به بار می‌آید و چه نتایجی عاید ما می‌شود؟ باید نگاه کنیم که دنیای بعد از این

جنگ با سیاست دنیاسندانه‌تر معتدل‌تری که دول بزرگ در پیش گیرند صلح کامل و آرامش صحیح ایجاد شود و برجا بماند.

اقوال نواب

مسافرت آقای نواب به پاریس و مراجعت ایشان تقریباً یک ماه طول کشید. شرح مفصلی از این مسافرت برای نگارنده ذکر کردند. همه جا گرانی و تنگی و سختی معیشت حکمفرما می‌باشد، مخصوصاً کسانی که بخواهند با پول دول متحدین شکست خورده در خارج زندگی کنند و چون این دول مغلوب و عجالتاً ضعیف و به حالت سختی افتاده‌اند، پول آنها را در خارج به نرخ معمول بر نمی‌دارند و اگر پول طلایی دارند به قیمت طلا خرج می‌شود، ولی اسکناس آنها به کلی از قیمت و ارزش افتاده است. جمعیت پاریس در حال افزایش و جا در آن شهر برای زندگی تنگ [است] ولی مردم از این فتح و پیروزی بشاش و خرم می‌باشند. سیاسیون تمام عالم در این شهر بزرگ و تاریخی گرد آمده‌اند و از ایرانیان هیئت میسیون ایران به ریاست وزیر امور خارجه آقای مشاورالممالک در پاریس حضور دارند و نیز علیقلی خان شارژدافر سابق امریکا و خانمش و اسد خان شارژ دافر سابق ایران در پترزبورگ با خانمش نیز در آنجا می‌باشند.

تبلیغات میسیون

میسیون ایران را به عضویت در کنفرانس صلح پذیرفته‌اند و آنچه به نظر می‌آید بر اثر ضدیت انگلیسیها مشکل است کاری در پاریس صورت بدهند. این میسیون یک قسمت از هتلهای معروف پاریس را گرفته در آن زندگی می‌کنند و با کمال جدیت مشغول به تبلیغات راجع به ایران می‌باشند ولی چنان که گفته شد تا به حال منافی از این تبلیغات به دست

نیامده. پرنس ارفع الدوله نیز که از طرف ایرانیان مصر نمایندگی دارد تقریباً بدین میسیون ملحق شده است. روابط اعضای میسیون با آقای ممتازالسلطنه وزیر مختار ایران در پاریس چندان خوب نیست. از قرار معلوم آقای ممتازالسلطنه به میسیون چندان تمایلی نشان نداده [است] و برعکس از آنها شکایت هم دارد.

سیاست در تهران

از قراری که اعضای میسیون برای آقای نواب از تهران صحبت می کرده اند در آنجا شاهزاده [نصرت الدوله] پسر فرمانفرما و اکبرمیرزا پسر ظل السلطان نفوذ در کارهای دولتی دارند. وثوق الدوله هم که در رأس حکومت است از آنها ملاحظه می کند. شعاع الدوله برادر حاجی ناصرالسلطنه به سمت وزارت مختاری ایران در لاهه - با وجود اقدامات میرزا محمودخان شارژدافر سابق آنجا - برقرار و رسماً معرفی شده است.

انگلیسیها و ایرانیان مهاجر

در پاریس کسی به فکر ایرانیان ملی و آزادیخواه مهاجر که فعلاً در برلن هستند نمی باشد. از قرار گفته آقای نواب از قول ممتازالسلطنه انگلیسیها جواز حرکت به این ایرانیان و ایرانیان مهاجری که در استانبول هستند و مقصد مراجعت آنها به تهران [باشد] نخواهند داد. و حتی به ایرانیان متوقف برلن هم اجازه رفتن به پاریس را هم صادر نخواهند کرد. گویا خود آقای ممتازالسلطنه هم چندان تمایلی به رفتن مهاجرین به پاریس نداشته باشد. از قرار گفته میسیون حکومت فعلی ایران چندان بی پول نیست و به اعضای میسیون هر کدام ماهی دو هزار تومان قرار شده است بدهد و برای مأمورین خارجه خود هم پول فرستاده است. سختی معیشت هم در تهران قدری برطرف شده. سیاست انگلیس در تهران بلکه در تمام ایران فاعل مایشاء می باشد.

عقیده سروالتر تاونلی

آقای نواب در هلند از سروالترتاونلی وزیر مختار انگلیس در هلند دیدن کرد. سروالترتاونلی قبلاً در ایران وزیر مختار انگلیس بوده با سیاسیون ایران تا حدی مربوط [است] و احساسات دوستانه ای نسبت به ایران ابراز می دارد. با او مفصل راجع به ایران و سیاست فعلی انگلیس در ایران صحبت کرده است. عقیده سروالترتاونلی راجع به سیاست انگلیس واضح است. بدیهی است مدافعه از سیاست انگلیس می نماید. ولی رویهمرفته نظر خوشی راجع به ایران اظهار داشته است. از انتشار نامه اش به کنسول ژنرال انگلیس در شیراز تا حدی خوشحال است. عنقریب متقاعد خواهد شد.

اقدام مستقل

از اظهارات آقای نواب چندان راجع به تحصیل جواز مسافرت برای ایرانیان برلن و مراجعت آنها به ایران امیدواری حاصل نگردید. تصمیم گرفته ام خودم اقدام کرده تنها به هلند بروم و از آنجا با اقداماتی موفق به تحصیل جواز و حرکت به ایران بشوم. لذا نامه ای به شعاع السلطنه وزیرمختار ایران در هلند نوشته، از ایشان خواهش مساعدت در تحصیل جواز مسافرت به هلند برای خود نمودم. و در اینجا هم از قنصلخانه هلند در برلن درخواست جواز حرکت کردم.

سیاست ایتالیا

روز دوشنبه ۲۸ آوریل - میسیون آلمان مأمور به کنفرانس پاریس پس از مبارزات سخت مطبوعات آلمان از برلن به طرف پاریس محل انعقاد کنفرانس صلح حرکت کردند و روز آخر ماه آوریل وارد آنجا شدند. ایتالیاییها که به واسطه نظریات ویلسن در کنفرانس به طور قهر خود را کنار کشیده و به رم رفته بودند مجدداً به پاریس برگشته اند تا در مذاکرات با نمایندگان آلمان شرکت کنند. سیاست ایتالیا و دخول آن در این جنگ از

اول روشن بوده و پرده‌ای روی آن کشیده نشده است. ایتالیا برای جلب منفعت و بسط خاک از مدتی پیش تا به حال به هر طرف که باد می‌وزد شرکت کرده است. گاهی برای حفظ این سیاست با آلمان و اتریش متحد بود و زمانی برای حفظ همین سیاست با آلمان و اتریش به جنگ افتاد و در همین جنگ عمومی برای شرکت خود قراردادی معروف به قرارداد لندن منعقد نموده است. در این قرارداد انگلیس و فرانسه وعده توسعه خاک به ایتالیا می‌دهند. حالا که فتح و فیروزی نصیب متفقین شده و اتریش سابق به کلی از هم پاشیده است ایتالیا به قرارداد لندن هم قانع نیست، قطعه دالماسی را بالتمام طالب است و بندر فیوم را هم قبلاً ضبط کرده است. ویلسن رئیس جمهور امریکا از نظر حفظ سیاست امریکا که تا حدی راجع به کشورهای اروپایی بی طرفانه نمایش دارد، و مخصوصاً به ملاحظه اظهارات خودش راجع به اتحاد ملل و آرامش دنیا پس از این جنگ با نظر ایتالیا که ذکر شد ضدیت دارد. [نماینده] ایتالیا هم برای اعتراض به همین نظر خود را از کنفرانس کنار کشیده و به رم مراجعت کرده بود ولی مجدداً به پاریس آمده [است] و در مجلس کنفرانس شرکت دارد.

شرایط صلح

روز هفتم ماه مه ساعت سه بعد از ظهر در ورسای - کاخ تاریخی لویی چهاردهم فرانسه - با جلال و رسمیت تام نخستین مجلس صلح به عضویت نمایندگان کشورهای متفقین به ریاست کلمانسو رئیس‌الوزرای فرانسه منعقد و نسخه مقدماتی عهدنامه صلح تسلیم نمایندگان آلمان گردید. این عهدنامه مقدماتی تقریباً کتابی است مرکب از پانزده باب و هر باب دارای فصول و مواد زیاد. گمان نمی‌توان کرد در هیچ عهده‌ای طرف فاتح چنین درخواستهای سختی به طرف مغلوب نموده باشد. قسمت

زیادی از آلمان را از طرف شرق به لهستانها واگذار کرده و معادن معروف زغال سنگ آلمان را در طرف غرب به انضمام ایالت سار تا مدت غیرمعینی به فرانسه منضم نموده. در حقیقت تغییرات عمده‌ای در کلیه مرزهای آلمان داده‌اند و هر قدر توانسته‌اند [اند] اراضی مرزی را از آلمان منتزع نموده‌اند. دیگر آنکه آلمانها سالیان دراز بایستی رنج ببرند و جرائم این جنگ را به کشورهای متفقین پردازند.

تمام کشتیهای تجارتي آلمان بایستی به متفقین داده شود و تا سنوات نامحدودی هم آلمانها سالی دویست هزار تن کشتی ساخته به متفقین تحویل دهند. تا پنجاه کیلومتر در دست راست رود رن آلمانها نباید قوای نظامی داشته باشند. دیگر آنکه عده قوای نظامی آلمان از یکصد هزار نفر نباید تجاوز کند و قانون خدمت اجباری نظامی باید از آلمان برافتد و اجرای امور نظامی در دست کمیسیون مرکب از نمایندگان دول متفقین بوده باشد. امپراتور آلمان و کلیه سرداران و سیاسیون آلمانی که در اعلان و اجرای جنگ شرکت داشته‌اند باید تسلیم متفقین شوند تا در محکمه‌ای که آنان معین می‌کنند محاکمه و سیاست شوند. این بود خلاصه‌ای از عهدنامه مقدماتی که در روز هشتم مه در مطبوعات آلمان انتشار یافته است.

احساسات حاد

بدیهی است انتشار این مواد یأس فوق‌العاده در میان مردم آلمان ایجاد کرده است. تاریخ نشان نمی‌دهد ملتی مانند ملت آلمان در چنین موقع سخت و ناگواری مانند امروز واقع شده باشد. از هر طرف سختی و افکار ناهنجار برای این ملت به وجود آمده است. از داخل و خارج جز سختی برای آنها چیز دیگر مشاهده نمی‌شود. تمام مسئولیت این جنگ و تمام سختیهایی که از این جنگ وارد شده [است] و احساسات حادی که امروز

در داخل و خارج آلمان وجود دارد تمام متوجه این ملت گردیده و عجبالتاً حیات آنان به دست متفقین افتاده است. انقلاب داخلی هم در حقیقت نیروی دولت را تا حدی از میان برده است. کشورهای متفقین قوی [اند] و با بی‌رحمی نسبت به این ملت رفتار می‌کنند. به‌طور کلی سیاست، به خصوص سیاست سیاسیون اروپای امروزی ترحم بردار نیست.

سیاست مادی

ما ایرانیان این موضوع را خوب باید بدانیم. باید در خاطر خودمان نگه داریم که سیاست امروزی به خصوص سیاست اروپاییان کاملاً مادی است و ما باید روی پای خودمان بایستیم و باید مردانه برای استقلال خودمان بکوشیم. به حالت ضعف نشستن و مانند بینوایان در کنار معابر به انتظار ترحم دیگران بودن فایده‌ای ندارد. هر قدر کار کنیم، هر قدر برای حفظ خود و استقلال کشور خود بکوشیم فایده خواهیم برد. آلمانها هم امروز که گرفتار این رنج و تعب هستند اظهار تأثر زیاد نمی‌کنند و خود را به کوشش آتیۀ ملت خویش امیدوار ساخته‌اند.

اعلامیۀ رئیس جمهور آلمان

جمعه ۶ مه ۱۹۱۹ - رئیس جمهور حکومت موقتی آلمان مردم را در یک اعلامیه دلالت به اتحاد می‌نماید و در این اعلامیه خطاب به مردم می‌گوید: امروز در مقابل تقاضاهای خانه‌برانداز متفقین تنها چاره‌ای که در دست ملت آلمان مانده [است] اتحاد کامل می‌باشد که به وسیله آن بتوانیم در مقابل این مخاطرات و در زیر بار این تحمیلات سنگین ایستادگی کنیم. نزاع و اختلافات حزبی بایستی به کلی کنار گذاشته شود و در حفظ وطن با وحدت کامل ایستادگی و پافشاری کنیم و چاره‌ای هم جز این نداریم، باید به تاریخ گذشته خود نگاه کنیم. ملت آلمان در نیروی

تحمل^۱ یادگارهایی از خود در تاریخ گذاشته است. امروز هم یکی از آن روزهای تلخ تاریخی است. تحمل کنیم و راه خود را به طرف جلو بپیماییم. به مناسبت تقاضاهای مقدماتی متفقین یک هفته عزاداری ملی در آلمان اعلام شده است.

پیشنهاد ویلسن

رئیس‌الوزرای آلمان شاید من نطقی علیه تقاضاهای دشمن ایراد و اظهار می‌نماید که به نمایندگان آلمان دستور داده شده است با طرف داخل مذاکرات شود بلکه بتواند راهی را برای رسیدن به هدف که صلح و آرامش است باز کند. ولی این موضوع هم کار آسانی نیست. با نظریاتی که از طرف متفقین اظهار شده و در مواد مقدماتی صلح ذکر گردیده [است] پیدا کردن چنین راهی برای نمایندگان آلمان کار آسانی نیست. شاید نظر مستر ویلسن رئیس جمهور امریکا و موادی که او قبلاً راجع به صلح و اتحاد ملل انتشار داده [بود]، کمکی به آلمان نموده، راهی را برای نیل به سعادت صلح باز نماید. حکومت فعلی مجلس ملی آلمان را برای جلسه فوق‌العاده‌ای در روز دوازدهم مه دعوت کرده است.

جلسه فوق‌العاده مجلس ملی

شنبه ۱۰ مه تا دوشنبه ۲۶ مه ۱۹۱۹ - جلسه فوق‌العاده مجلس ملی آلمان روز دوشنبه ۱۲ منعقد گردید. رئیس‌الوزرا از طرف دولت و پیشوایان احزاب از طرف ملت علیه پیشنهادهای مقدماتی صلح متفقین اعتراض کرد. این پیشنهادات را رسماً غیرقابل قبول می‌دانند. در تمام نقاط آلمان مجالس اعتراض ضد این پیشنهادها منعقد نموده [اند] و کلیه مطبوعات آلمان قبول این پیشنهادها را [موجب] انقراض ملت آلمان

۱. اصل: تأمل

می‌دانند. مع‌هذا دولت آلمان با این بیچارگی و ضعفی که امروز دارد کوشش می‌کند بلکه با یک ترتیبی که شامل اضمحلال آلمان نباشد با طرف کنار آمده به هدف که صلح و سلامتی باشد نایل گردد. میسیون آلمان مأمور مذاکره صلح در ورسای متوقف می‌باشد و به وسیله نامه‌های مکرر فصول مختلف پیشنهاد را تحت انتقاد و اظهار نظریات خود گرفته‌اند. ولی از قرار معلوم نمایندگان متفقین چندان نظر خوشی نسبت بدین نامه‌ها اظهار نمی‌کنند.

شرایط سخت صلح

شرایط صلح قطعی متفقین هنوز رسماً انتشار نیافته، تنها آلمانها آنها را به زبان فرانسه و آلمانی به طریق کتابچه انتشار داده‌اند. در این کتابچه انتشاری آلمانها شرایط پیشنهادی متفقین مرکب می‌باشد از یک مقدمه و پانزده قسمت در ۴۴۰ ماده. در مقدمه متفقین آلمان را مسئول این جنگ و شکست خورده در پایان این جنگ دانسته درخواست قبول مواد ۴۴۰ گانه مذکور در این قرارداد را می‌نمایند. اسامی تمام نمایندگان دول متفقین و آلمانها در مقدمه مندرج است. قسمت اول راجع است به تشکیل مجمع اتحاد ملل، ماده یک تا ماده ۲۶. در ماده ۲۶ مللی که داخل این اتحاد خواهند بود ذکر می‌شود. این ملل هم به دو قسمت تقسیم شده‌اند: اول مللی که در این جنگ علیه آلمان جنگیده‌اند و عده این ملل بیست و چهار می‌باشد. دوم مللی که در این جنگ عمومی بیطرف بوده‌اند و عده آنها سیزده می‌باشد و ایران را جزء این سیزده ملت بیطرف ذکر کرده‌اند. قسمت دوم تعیین مرزهای تازه آلمان از ماده ۱۷ تا ماده ۳۰. در تمام این ۴۴۰ ماده احساسات عداوت خواهانه نسبت به ملت ژرمن و گرفتن انتقام از این ملت هویدا می‌باشد. اگر فی‌الحقیقه صلح آینده روی این پیشنهاد اجرا شود ملت آلمان سالیان دراز تحت انقیاد خواهد بود و هیچ‌گونه

نیروی سیاسی و اقتصادی و حتی اجتماعی نخواهد داشت و دول متفقین بر آن ریاست عالی اعمال خواهند نمود.

تمایلات انگلیسیها

روز پنجشنبه ۱۵ آقای اعظم السلطنه از هلند به برلن مراجعت کرد. با ایشان ملاقات کردم. سفری به لندن کرده است. از اوضاع آنجا مفصل صحبت می‌کرد. انگلیسیها روبه‌مرفته از این پیشامد جنگ و بدین ترتیب پایان یافتن آن خوشحال می‌باشند. ولی بدیهی است با تحمیلاتی که در این مدت مدید یعنی قرب پنج سال طول کشید خودشان را چندان فارغ‌البال نمی‌بینند و از موضوع انقلابات روسیه و بالاخره انقلابات در آلمان و سایر جاهای اروپا چندان خوشحال به نظر نمی‌آیند. با یکی دو نفر از سیاسیون انگلیسی که مذاکره کرده است چنین معلوم می‌شود از طرفی به علت از میان رفتن دولت تزاری و سیاستی که آن دولت در جور و ستم و کشورستانی پیش گرفته بود و به خصوص دست تظاولی که در آسیا دراز کرده بود و مخالفت کامل که با سیاست استعمارطلبی انگلیس در آن قاره بزرگ داشت، انگلیسیها بدحال نیستند که دولت تزاری از بین رفته. ولی از انقلاباتی که اخیراً پی در پی در روسیه و جاهای دیگر برپا می‌شود نظر خوشی نشان نمی‌دهند و برای سیاست انگلیس به خصوص بعد از جنگ که توسعه پیدا کرده [است] سهولتی به نظرشان نمی‌آید. ولی باز روبه‌مرفته از اینکه امریکا داخل این جنگ شده و پیشرفت متفقین را تسریع نموده و حتی در مذاکرات صلح که امروز در پاریس در جریان است کمک به پیشرفت نظریات سیاست انگلیس می‌نماید خوش‌بین به نظر می‌آید و از اظهارش پرهیز ندارد.

دیدار براون

پروفسور براون را که فی‌الحقیقه خدمات نمایانی به ایران و ادبیات ایران و

به شناساندن ایران و ادبیات ایران در اروپا بلکه در تمام جاهای خارج از ایران کرده و همیشه احساسات بسیار دوستانه نسبت به ایرانی و ایران و ادبیات و جامعه ایران نشان داده [است] و دارای تألیفات بسیار پربهایی راجع به ایران می‌باشد و سالیان دراز در دانشگاه کمبریج به تدریس زبان فارسی و عربی اشتغال داشته است، ملاقات کرده است. پروفیسور عالی مقام مزبور مشغول طبع جلد سوم تاریخ ادبیات ایران می‌باشد که عنقریب از طبع بیرون آمده، بر درخشندگی ادبیات ایران در خارج خواهد افزود. پروفیسور براون اتفاقاً شرحی از اینجانب و زندگی سالیان درازی که من در آن دانشگاه و تماس با پروفیسور براون داشتم ذکر و یادآوری آن ایام را کرده و به من سلام مخصوص توسط ایشان رسانده است.

نظر انگلیسها

از زندگی مردم لندن حکایت می‌کرد که فراوانی ارزاق در انگلیس قابل قیاس با اوضاع برلن نیست. ولی رویهمرفته گرانی است و قیمتها تناسبی با زمان صلح ندارد. در مراجعت از انگلیس آقای اعظم السلطنه دو دفعه با وزیر مختار انگلیس در لاهه ملاقات کرده. از قرار اظهار وزیر مختار مزبور که سالها همین سمت را در تهران داشته است انگلیس هیچ نظر سویی نسبت به ایران، به خصوص پس از پایان این جنگ نداشته و نخواهد داشت. حال که سیاست روس تزاری از ایران برداشته شده و زحماتی عجالتاً از طرف شمال متوجه ایران نیست علت ندارد که انگلیسها شدتی برای ایران به خصوص در طرف جنوب برپا نمایند که بر ضرر خودشان خواهد بود.

تجمع رؤسای ملیون

در همین روز پانزدهم مه طرف عصر چند نفر از رؤسای ملیون بنام منزل

اینجانب به چایی دعوت داشتند. و علت این دور هم آمدن بیشتر برای ذکر اوضاع خودمان و فراهم نمودن فکری برای آتیه نزدیک جمعی از آوارگان است که مدتی است در خارج از کشور روی احساسات میهن پرستی و تمایلات سیاسی اوقات خود را می‌گذرانند. صحبت مفصل و بدون پرده به میان آمد و هر یک از آقایان در حقیقت هر چه در دل و در سر داشت به میان گذاشت. به طور کلی صحبت از این پیشامد جنگ و اوضاع ایران پس از این جنگ در میان بود.

سپاسگزاری از انقلاب روسیه

یکی از این آقایان اظهار داشت که ما باید فی الحقیقه از مؤسسين انقلاب در روسیه و از لنین و پیروان او شکرگزار باشیم. اولاً ما انتظاری از این جنگ داشتیم که اگر فتح و فیروزی با متحدین بر ضد متفقین باشد بتوانیم با وعده‌هایی که از دول مرکزی و دولت عثمانی به دست آوردیم تخطیات و تجاوزاتی [را] که به خصوص از ۱۹۰۷ از طرف دولتین روس و انگلیس به ایران شده جبران نماییم و نفوذ دولتین مذکور را از ایران براندازیم. در این موضوع بدیهی است این نظر به جایی نرسید و این جنگ به شکست کامل دول مرکزی و دولت عثمانی خاتمه یافته است. ولی ما یک منفعتی به دست آورده‌ایم که آن را باید با آواز بلند به دنیا اعلام نماییم. بر اثر این جنگ و امتداد آن و عملیات آن دولت تزاری روسیه رو به ضعف گذاشته، دسته انقلابیون که مدتی مشغول به تکمیل تشکیلات خود بودند و بالاخره در این عکس‌العمل شکل بسیار چپی به خود گرفته [اند] و با مبارزه سخت به میدان مبارزه وارد شده‌اند، موفقیت حاصل نموده، دولت تزاری که دشمن زهراگین استقلال کشور ما بود و متجاوز از یک قرن بلکه بیشتر مدام زحمات و صدمات برای ما و برای استقلال کشور ما به جا می‌آورد و دیگر در حقیقت چیزی برای استقلال ما باقی نگذاشته بود از میان برداشته شد. [پس] باید از این بابت شکرگزار باشیم و از این دسته

انقلابیون قدرشناسی کنیم. اینان بودند که اساس جور و ستم دولت تزاری را از سر ما برانداختند. والا اگر دولت تزاری بجا می ماند و جنگ بدین طریق که می بینیم پایان یافته بود حال ما چگونه می شد. چطور می توانستیم با روسیه تزاری پنجه در پنجه افکنیم و به چه نحو می توانستیم استقلال خودمان را حفظ کنیم، همین دولت تزاری بود که قرارداد شوم ۱۹۰۷ را با انگلیس منعقد و در حقیقت استقلال ما را متزلزل، بلکه برطرف کرد. امروز حکومت انقلابی این قرار شوم بلکه خیلی از قراردادهای دیگر روسیه را که بر ایران تحمیل کرده [بود] ملغی دانسته است. این را هم باید دانست که انقلابیون فعلی روسیه به پیشوایی لنین با دعاوی که برای آزادیخواهی دارند و با تبلیغات فراوانی که قبلاً بجا آورده اند و کلیه ملل و به خصوص ملل ضعیف را نوید یاری داده اند، ممکن نیست در آتیه نسبت به ایران همان سیاست روس تزاری را به خود گیرند. اینها ممکن است در داخله روسیه دست به خرابیهای زیاد بزنند و با خونریزیهای بسیار اوضاع جامعه روسیه را مطابق میل و احساسات خود به کلی تغییر دهند، ولی اگر بخواهند برجا بمانند ممکن نیست چنین سیاستهایی را نسبت به خارج و به خصوص کشورهای همسایه روا دارند. مطمئناً اینها امتیازاتی را که روس تزاری از ایران گرفته بر خواهند انداخت و به طور تحقیق با سیاست انگلیس در استعمار هم قدمی نخواهند کرد. اگر به واسطه این جنگ نبود انقلابات روسیه به میان نمی آمد و دولت تزاری بر نمی افتاد و قشون روسی ایران را ترک نمی گفت. روبهمرفته از طرف آقایان حاضر [نسبت به] این عقیده که اظهار شد موافقت به جا آمد و همه تصدیق کردند که نتیجه این جنگ از نظر بیان شده در بالا برای ایران بی فایده نبود.

اما انگلیس

یکی از آقایان دیگر که نیز خود را مسلط بر سیاست و افکار سیاسی

می داند راجع به پایان این جنگ از نظر انگلیس به صحبت پرداخت و اظهار داشت که ما میان خودمان نباید بعضی حقایق را فراموش کنیم و از ذکر آنها خودداری نمائیم. سیاست انگلیس مدت زمانی در ایران، ضرر که برای ایران نداشته بی منفعت هم نبوده است. ما نباید اوضاع داخلی و وضع جغرافیایی و اجتماعی و اقتصادی خودمان را فراموش کنیم. دولت روس پس از پطر کبیر به جاده وسیع تجاوزات و جهانگیری به خصوص در طرف جنوب شرق [افتاد] و به خط مستقیم به طرف ایران پا گذاشت و در این تجاوزات هم نظرهای مخصوصی داشت و اعمال می نمود. دریای خزر را که دولت روسیه مدت زمانی از خود می دانست و قسمت عمده ای از اراضی اطراف این دریای سودآور را از کشور بیچاره ما ربود و در حیطه تصرف خود می داشت و پیوسته نظری بسیار تند و تیز از یک طرف به دریای مدیترانه و از طرفی به خلیج فارس می انداخت. چرا بغازهای استانبول، بسفر و داردانل را در تصرف نیاورد و دریای سیاه را که در تصرف خود داشت کاملاً با همان دست تجاوزکارانه به دریای مدیترانه دراز و تجاوز نماید و دریای مدیترانه را به دریای سیاه ملحق نسازد و از طرفی کشور بیچاره ایران را در تصرف گرفته و خود را به خلیج فارس و مستعمرات انگلیس یعنی هندوستان - آن قسمت بارآور و منطقه آباد دنیا - دست تطاول دراز نماید؟ با این سیاست و با این نظریات و عملیات روسیه چه نیرویی مخالفت و جلوگیری می نمود؟ حقیقت را نباید کنار بگذاریم. ما که در اینجا دور هم جمع شده ایم، در برلن و در چنین وقتی، نباید پرده روی اوضاع و سیاست خودمان بکشیم. تنها انگلیسیها بودند که برای حفظ منافع خودشان، برای حفظ هندوستان، برای حفظ تجارت خودشان و تردد کشتیهای بازرگانی خودشان در آبهای ایران و به خصوص قسمت عمده خلیج فارس سیاست عمده خودشان را در این دیدند که از تجاوزات روسیه در این قسمت جلوگیری کنند. بدیهی است برای آنها و

به نفع سیاست انگلیس برجا ماندن استقلال ایران بسیار مهم بود که ایران بجای خود بماند. ولی ترقیات لازم هم که ممکن بود در آتیه از پیشرفت سیاست انگلیس جلوگیری کند ننماید. ایران به همان ترتیب سابق قرون قبل برجا بماند و یک سده‌ی میان روسیه و مستعمرات آسیایی انگلیس ثابت و برجا باشد. این را می‌توان سیاست انگلیس قبل از ۱۹۰۷ دانست و این موضوع را هم نباید خودمان فراموش کنیم که انگلیسیها برای تقویت سیاست خودشان با مشروطیت ایران مخالفت نداشتند، تا حدی کمک هم به این مشروطیت و آزادی کردند که تا حدودی دربار قاجاریه را از آن تنگنایی که افتاده و در دست روسها در حال خفه شدن بود رهایی دادند. این کمک را هم باید گفت که سیاست آنها به ما کرده است.

اوضاع سیاسی ایران

وقایع دوره محمدعلی میرزا و توپ بستن به مجلس را نباید فراموش کنیم. که اگر سیاست انگلیس چنانکه ذکر شد در کار نبود آزادی و این مشروطیت به کلی از میان برداشته شده بود. در این ضمن وضع اروپا با سیاستی که آلمان متحد و قوی در مرکز اروپا به خود گرفت و با دولت بزرگ هابزبورگ اتریش و ایتالیا اتحاد سه گانه زورمندی را به وجود آورد و راه خود را به طرف استعمار و به خصوص در میدان بازرگانی و فراهم ساختن وسائل زندگی فنی امروزی و حمل آنها به بازارهای دنیا و عزم ربودن همین بازارها از دست انگلیسیها، سیاست انگلیس را تغییر داد و این دولت را متوجه اوضاع اروپا و حفظ سیاست و حیثیات خود در آن قاره نمود رقابت و اختلافات خود را با روسیه تزاری و با فرانسه - همان فرانسه دوره لویی چهاردهم، همان فرانسه که برای استقلال سیاست خود قرنها با انگلیس در ستیز بود - کم کرد و خود را نزدیک ساخته برای رفع صوری این اختلافات قرارداد شوم ۱۹۰۷ را بر ضد استقلال ایران با

روسیه تزاری منعقد نمود. بدیهی است این قرارداد سیاست انگلیس را در ایران و احساسات ایرانیان را نسبت به انگلیس به کلی تغییر داد. دیگر ایرانیان فهمیدند که انگلیس و سیاست این کشور هیچ گونه قصد و غرضی جز پیشرفت منافع خود آن هم به ضرر استقلال و آزادی ایران ندارد.

با همین سیاست اوقات گذشت، نه به نفع ایران بلکه به ضرر ایران. ما خودمان دیگر نمی‌توانیم اوضاعی را که تحت نظرمان گذشته پنهان کنیم. مجلس ملی دوم، نیات خیلی مفیدی راجع به اصلاح و ترمیم اوضاع آتیه ایران داشت و موقع هم مناسب بود. استبداد محمدعلی میرزا شکسته و از میان رفته. دربار قاجاریه با ترتیباتی که شرحش در اینجا زاید است از سطوت و رفعت دیرینه خود افتاده [بود] و اختیارات در حقیقت بالتمام در دست مجلس شورای ملی قرار گرفت. این مجلس هم با تشکیلات داخلی رویهمرفته مصمم بود اصلاحات لازم به نفع ایران بجا آورد. به همین نظر بود که خزانه دولت را به مستر شوستر و اجزای دیگر [هیئت] مالیه همراه او محول کرد. آیا روسها گذاشتند این نقشه‌های اصلاحی صورت عمل به خود گیرد؟ آیا انگلیسیها با این قرارداد شوم ۱۹۰۷ اقدامی به نفع ایران کردند؟ خیر. اوضاع ایران روز به روز رو به وخامت گذاشت چنانکه همه می‌دانیم. تا اینکه مقدمه این جنگ فراهم گردید و آن را هم خوب می‌دانیم. روسها از شمال و انگلیسیها از جنوب چه نظریات و چه مقاصد داشته و چه عملیاتی صورت داده‌اند. ما هم عده‌ای از آزادیخواهان و ملیون که نمی‌توانستیم تحمل آن اوضاع را بنماییم و دیگر نمی‌توانستیم ساکت بنشینیم و هیچ کاری برای آتیه کشور و استقلال آن انجام ندهیم خودمان را به این ورطه مهاجرت انداخته و این زحمات و رنجهای متمادی را در این چند ساله تحمل کرده امروز در اینجا دور هم جمع شده‌ایم.

امریکا و ایران

با اطلاعاتی که همه داریم می‌دانیم که دخول امریکا در این جنگ و نیات مستر ویلسن رئیس جمهور آن کشور و به خصوص مواد چهارده گانه او نه تنها برای ما بلکه برای تمام کشورهای کوچک و ضعیف و حتی برای آلمان امروزی که با او در جنگ بوده [اند] بی‌فایده نبود، بلکه خیلی مهم بوده است. امریکا چنان که همه می‌دانیم نظر استعماری ندارد و امریکا امروز باید سازمان خودش را آن طور که باید و شاید تکمیل نماید. امریکا نظر خصوصی هم به کشورهای اروپا و حتی آسیا ندارد. می‌خواهد تا حدی دنیا آرام زیسته در ترقیات خود و بسط تمکن و تمول و تمدن خود کوشا باشد این نظر را هم مستر ویلسن بارها اظهار کرده [است] و حقیقتاً با اطلاعاتی که داریم در آنها صمیمی می‌باشد. و داخل شدن امریکا در این جنگ به علت حفظ تجارت و اقتصادیات و جلوگیری از غرق کشتیهای تجارتنی در دریاها به خصوص در آنجاهایی که کشتیهای بازرگانی امریکایی در تردد بودند، بوده است و قصد کشورستانی و جبران خسارات از متحدین نداشته است. امروز هم همین نظری که مستر ویلسن بارها داشته و مواد چهارده گانه اش بر روی آنها استوار است برای ایران مفید می‌باشد. صحیح است که سیاست انگلیس پس از این جنگ مبارزی در ایران ندارد و یکه و تنها می‌تواند به عملیات بپردازد ولی سیاست امریکا باید بدانیم برای ما مفید است. دیگر اینکه باز که خوب ملاحظه کنیم و بدانیم که سیاسیون انگلیس هم بی‌فکر کاری نمی‌کنند حفظ ایران به این ترتیب فعلی برای انگلیس و سیاست او مفید است، ولی محققاً این سیاست با بودن اشخاص وطن پرست عالی مقام در رأس امور موافقت ندارد. ساخت و پاخت این سیاست عموماً با اشخاص ناصالح بجا می‌آید و از اشخاص غیر صالح هر قدر بتوانند استفاده می‌کنند. ما باید قدری بیشتر خودمان برای خودمان اقدام کنیم و به حال خودمان مفید

باشیم. ایران مال ماست، ما باید به اصلاح کار خودمان بپردازیم. ما باید اشخاص وطن پرست صالح کاردان با فکر روی کار آوریم و کارها را به دست این گونه اشخاص بسپاریم. انتخابات صحیح برای مجلس ملی خودمان بجا آوریم و اختیارات را در دست مجلس ملی بگذاریم و مطمئن باشیم که به طریق دلخواه با وجود سیاست خارجی جلو خواهیم رفت. این بود خلاصه نطق این آقای ملی آزادیخواه در مقابل نطق اولی راجع به روسیه در پایان این جنگ. این نطق هم مورد تصدیق تقریباً تمام آقایان قرار گرفت.

نطق سوم

یک نفر سومی در مختصر نطقی اظهار کرد چنان که در کوچه و بازار می‌گویند «بزک نمیر بهار میاد» ما هم نمی‌توانیم با این نویدها خودمان را کاملاً قانع نگه داریم. بدیهی است بالاخره کارها در دست خود انسان است. این کشورهایی که ترقی کرده [اند] و دارند جلو می‌روند خودشان این ترقیات را بجا آورده‌اند. این ترقیات برای آنها از آسمان نیامده است. در اینکه ما باید کوشش داشته باشیم، در اینکه باید مانند این آلمانها که کار می‌کنند کار کنیم و خودمان را در شاهراه ترقی بیندازیم حرفی نیست. ولی آن خودمان را باید پیدا کرد و از کجا پیدا شود؟ درست است تاریخ ما باستانی است. درست است ما همت مردانه در تاریخ از خود نشان داده‌ایم اما متأسفانه امروز به این حالت افتاده‌ایم و [کار] دنیا هم چنان که می‌دانیم با حرف انجام نمی‌گیرد. باید ما که مدتی خارج از ایران بوده [ایم] و در این مدت همه نوع سرد و گرمی چشیده‌ایم طرق نیل به این سعادت [را] پیدا کنیم و با وسائل ممکنه به آرزوی خود برسیم. بنابراین باید هر کدام یک نقشه‌ای روی ذوق و اطلاعات خود برای بهبودی اوضاع کشور ستمدیده خودمان ترسیم کنیم و با آن نقشه دامن همت را بالا زده به تهران

برگردیم و مشغول کار شویم. بلکه با این همت بتوانیم کاری از پیش ببریم. بدیهی است اول چیزی که برای ما امروز لازم است ایجاد یک معارف صحیح امروزی می باشد. این معارفی که داریم باید اصلاح بشود و جوانان را تا حدی که ممکن است در جامعه به معارف تشویق کنیم و از آنها فایده لازم ببریم و خیلی چیزهای دیگر. حالا ما باید با این فکر مجلس خودمان را خاتمه داده به همان قصدی داریم که هر چه زودتر جواز حرکت به دست آورده به ایران برگردیم. بکوشیم زودتر خودمان را به مقصود برسانیم.

سخنان نویسنده

قبل از اینکه آقایان برخیزند نگارنده نیز اظهار کردم: در اینکه پیشامد برای ما چندان مضر نیست بلکه مفید هم می باشد نباید تردید داشته باشیم. یقیناً با شرکت امریکا در این جنگ و با سابقه آزادیخواهی و بشردوستی مستر ویلسن و چهارده ماده او و حضور خودش در مذاکرات صلح یک سیستم آرامش دستجمعی برقرار خواهد شد که دول کوچک و ضعیف از آن بهره مند شوند. کشور ما یکی از آن کشورهاست که سالها ستم دیده و مستحق آن است که در این موقع هر قدر می تواند استفاده ببرد. ما باید طریقه فکر و کار خودمان را تغییر دهیم. خودخواهی را تا حدی که ممکن است کنار بگذاریم و فکری برای اصلاح جامعه خودمان بنماییم. جامعه ما نیازمند به عدالت اجتماعی است. این اختلاف که امروز میان طبقات مختلف کشور ما موجود است باید برطرف شود. هر کس به قدر [استحقاق] خود و به سهم کاری که در جامعه انجام می دهد و فایده‌ای که جامعه از او می برد، استفاده نماید. بیرحمی را باید کنار بگذاریم و نظری به طبقات پایین داشته باشیم. تمکن و نفوذ و قدرت را در دست معدودی از اهالی کشور محدود نکنیم. کشور ما محتاج به آبادی است. در هر رشته

از زندگی اجتماعی، ما نیازمند به اصلاحات بلکه تأسیسات امروزی می باشیم. ما کشاورزی امروزی لازم داریم که اراضی بایر خودمان را تحت کشت و زرع بگذاریم. معادن زیرزمینی ما باید کشف [شود] و به کار افتد. ما نیازمند به مصنوعات و آلات و ادوات کار امروزی هستیم و این گونه مصنوعات و آلات و ادوات، کارخانجات امروزی لازم دارد. بالاخره باید به زندگی جامعه بیچاره خودمان سر و صورت امروزی بدهیم و با وسائلی که در دست داریم با کار و کوشش طبق ملل امروزی زندگی کنیم.

وظایف ما

به عقیده نگارنده اول چیزی که ما می خواهیم وحدت نظر میان خودمان است. ماها که در اینجا جمع شده‌ایم و احزاب سیاسی ایران را تشکیل می دهیم باید اغراض خصوصی را کنار بگذاریم و با تمام قوا سعی کنیم اشخاص صحیح وطن پرست با فکر و با اطلاع برای نمایندگی مجلس شورای ملی در نظر بگیریم از میان خودمان یا از دیگران، و به دیگران هم مثل خودمان نظر افکنیم و تا آنجا که ممکن است در صحت انتخابات بکوشیم و نگذاریم دولت نظری در انتخابات مجلس شورای ملی اعمال کند و اشخاص نالایق مغرض را بر کرسی نمایندگی مجلس شورای ملی بنشانند. پس از آنکه چنین مجلسی انتخاب شد امیدواری حاصل می شود. چنین مجلسی می تواند مقدمات رفاه حال جامعه را فراهم نماید. کشورهای دیگر که به ترتیب دموکراسی اداره می شوند روی همین اصول کار می کنند. ترقی آنها معجزه نیست، روی اصولی است که امور خودشان را مرتب می نمایند. قانون اساسی بیخود تدوین نمی شود. پارلمان بدون اخذ چنین فایده‌ای به وجود نمی آید.

مجلس صحیح - سیاست صحیح

اگر مجلس صحیح شد، اگر پارلمان از طرف ملت حقیقتاً انتخاب شد،

اگر حکومت فی الحقیقه روی اصول قوانین اساسی به وجود آمد و اشخاصی که طرف تمایل پارلمان [باشند] و اشتها به صحت عمل و درست‌ی و اطلاعات لازمه دارند بر مسند امور حکومت نشستند، اصلاحات بدون زحمت صورت می‌گیرد و کشور در شاهراه ترقی قدم برمی‌دارد. ما باید ظاهرسازی را کنار بگذاریم و به معنویات بپردازیم. ظاهرسازی دوام و فایده‌ای ندارد و سعادت برای جامعه به دست نمی‌آورد. اول چیزی که لازم داریم تعیین و تثبیت یک سیاست صحیح عاقلانه خارجی و داخلی می‌باشد. تعیین چنین سیاستی به دست یک عده اشخاص لایق با فکر، با تدبیر و وطن‌پرست ایجاد می‌شود و چون مهار عمده و اساسی کار در دست مجلس شورای ملی ماست و ما از همان اول سعی کردیم اشخاص لایق و دلسوز و با تجربه و فکر کامل بر مسند امور حکومت بگذاریم چندان اشکالی در اصلاح نخواهیم دید و راه همین است.

انتخابات صحیح

ما همین چند نفر که دور هم جمع شده‌ایم نباید این موضوع را از محالات قرار دهیم. ما مدتی است که در راه آزادی و دموکراسی و ایجاد یک حکومت مشروطه واقعی برای ایران قدم برداشته‌ایم. ما که به تهران برگشتیم باید در همین زمینه کوشش کنیم و در راه به عمل آوردن یک انتخابات صحیح و نشانیدن یک عده مردمان لایق و وطن‌پرست بر کرسی نمایندگی مجلس شورای ملی کوشش کنیم. خود ما باید بدانیم که اگر به صورت ظاهر هم باشد باید در سیاست خارجی با همه دوست باشیم، به خصوص با همسایگان خودمان. ولی تحت نفوذ هیچ کدام نرویم و حقوق ایران را حفظ کنیم. این سیاست خارجی ما. در سیاست داخلی هم باید ترقی خواه و اصلاح طلب - تا حدی که ممکن است - و [خواهان] فراهم

نمودن عدالت اجتماعی و یکنواختی افراد کشور باشیم. با قدم شمرده و ثابت به طرف جلو برویم و مطمئن باشیم که به ترقیات و صلح و سعادت حقیقی نایل خواهیم شد.

راه راست

مجلس شورای ملی باید کاملاً ملی باشد و دولت در آن نفوذ نکند و از اشخاص با اطلاع و بی‌غرض و میهن‌دوست تشکیل شود. محقق بدانید چنین مجلس شورای ملی کوشش در روی کار آوردن اشخاص لایق و فعال و بااطلاع خواهد نمود و راه را برای استفاده کامل از اوضاع آرام بعد از این جنگ بجا خواهد آورد. این را هم باید بدانیم که ترقیاتی را که ما خواهیم در مدت کمی میسر نمی‌شود ولی باید مطمئن باشیم همین که پا در راه راست صحیح گذاشتیم چنان که دیگران گذاشته‌اند، جلو رفتن مانعی نخواهد داشت. هر قدر که جلو رفتیم دامنه ترقیات وسیع‌تر خواهد شد. جلسه در اینجا با خدا حافظی آقایان پایان یافت.

میلیارد مارک طلا غرامت به کشورهای متفقین بدهد به شرط آنکه مستعمرات و سفائن تجارتي آلمان دوباره برای آلمان قابل استفاده قرار گیرد، بلکه آلمان بتواند با کمک و همدردی بین‌المللی این بار سنگین [را] که امروز بر روی شانه او افتاده [است] حمل نماید.

عقاید مطبوعات

میزان قوای نظامی که متفقین برای آلمان معین کرده‌اند ایرادی بر آن نیست و آلمان قبول دارد. ولی در عوض کشتیهایی که برای حمل بار لازم دارد به او مسترد شود تا پس از امضای صلح بتواند داخل جرگه مجمع اتحاد ملل قرار گیرد. افکار و مطبوعات دست راست کشورهای متفقین با این پیشنهادات که ذکر شد مخالف است و آنها را قابل قبول نمی‌دانند. برعکس افکار و مطبوعات دست چپ کشورهای متفقین با قبول این پیشنهاد موافقت نشان می‌دهند. میانه‌روها این پیشنهاد را قابل مذاکره می‌دانند و می‌گویند می‌شود پس از مذاکرات لازم به انعقاد صلح قطعی پرداخت.

جواب به آلمان

۳۱ ماه مه تا ۱۵ ژوئن ۱۹۱۹- نمایندگان متفقین مشغول مذاکرات میان خودشان می‌باشند تا جواب پیشنهاد آلمان را تهیه کنند. از قراری که گفته می‌شود تغییرات مهمی در این پیشنهاد داده نخواهد شد چون آلمانها زمینه را برای مذاکره باز گذاشته‌اند. اگر فی الحقیقه مرزهای فعلی آلمان مورد موافقت متفقین نباشد و به خصوص به مرزهای شمال شرقی و جنوب غربی آلمان ایراداتی داشته باشند راه به دست آوردن آرای اهالی آن قطعات باز است و روی آرای اکثریت تعیین حدود مرزی می‌شود. اما راجع به سفائن تجارتي آلمانها بی‌حق نیستند. امروز محتاج به مواد اولیه و

مقدمه صلح و انعقاد عهدنامه

پیشنهاد آلمان

در ۲۹ مه ۱۹۱۹ میسیون آلمان پیشنهاد حکومت فعلی آلمان را در جواب متفقین در ورسای تقدیم کرد. آلمان در این پیشنهاد خود به اصول چهارده ماده مستر ویلسن متوسل شده، تقاضاهای متفقین را غیرقابل تصور می‌نماید. دولت آلمان هیچ مخالفتی به سرشماری در تمام قطعات مرزی خود ندارد و حتی مایل است که در تمام این قطعات سرشماری صحیح و اخذ آرا به عمل بیاید و نقاط مرزی آلمان روی اصول آرای اهالی محل مستقر گردد. اگر نخواهند جزو کشور آلمان و از اتباع آلمان قرار بگیرند، آلمان هیچ ایرادی نخواهد داشت. اما در خصوص ایالات آلزاس و لرن، آلمان حاضر است به فرانسه مسترد نماید. ولی این استرداد نیز بایستی پس از اخذ آرای محلی صورت گیرد. اگر اهالی با اکثریت آرا خواستند به فرانسه تعلق گیرند بسیار خوب از طرف آلمان هیچ‌گونه ایرادی نیست. ولی اگر نخواستند باید مانند ایالات و قطعات مرزی دیگر جزو آلمان باقی بمانند. راجع به موضوع غرامت، آلمان حاضر است تا میزان یکصد

غذایی هستند و به هر طریقی هست باید این مواد را وارد کنند و کشورهای متفقین در این کار برای نجات اهالی آلمان دست خواهند داد. در خصوص غرامت هم فی الحقیقه بیش از این آلمانها مشکل است استطاعت پرداخت داشته باشند و تمام این غرامت به طلا پرداخته شود. و هر قدر آلمان متمکن باشد از عهده پرداخت چنین مبلغ خطیری برآمدن کار آسانی نیست.

دیدار بلوشر

دیگر در حقیقت ماندن در آلمان برای نگارنده چندان فایده‌ای ندارد. پایان جنگ معلوم [است] و ما هم باید هر چه زودتر به تهران برگشته به اجرای تصمیماتی که داریم پردازیم. قبل از حرکت لازم است با بعضی از آلمانها که در کار هستند و با آنها آشنایی پیدا کرده ملاقات کنیم. فن بلوشر را که امور ایران در وزارت خارجه آلمان به او محول است ملاقات کرده، با او مذاکرات مفصل کردم. خیلی تعارف می‌کرد و می‌گفت جای تأسف است که ما امروز بدین ترتیب مبتلا به شکست شده‌ایم ولی باید اهالی ایران بدانند که ما هیچ‌گونه نظر سوئی نسبت به ایران نداریم. اگر غالب می‌شدیم هر [چه] ممکن بود و می‌توانستیم برای بهبود حال ایران و برای ترمیم خرابیهایی که به ایران وارد شده [است] و تجاوزاتی که به استقلال ایران کرده‌اند اقدام می‌کردیم. یقیناً خود شما هم که از افکار و عقاید ما در این مدت جنگ اطلاعات دست اول تحصیل نموده [اید] می‌دانید که ما جز نظر خوب نسبت به ایران نداریم و حفظ استقلال و شخصیت ایران برای ما مفید است. بلوشر می‌گفت خیال داریم آقایان ایرانیان مقیم برلن را به یک شام خداحافظی دعوت کنیم.

دیدار میتوخ

پروفسور میتوخ که در زمان جنگ کار بزرگی را راجع به امور شرق بر

عهده داشت [دیدم]. تبلیغات جنگی آلمان در اداره او طبع و منتشر می‌گردید. پروفسور نامبرده هم از خدمات و روش سیاسی و اخلاقی آزادیخواهان و ملیون ایران تمجید و اظهار تأسف می‌کرد که نتوانستیم با این پیشامدها خدمتی نسبت به ایران انجام دهیم. ولی آتیه در جلو است. ما هر قدر بتوانیم در هر موقع به ایران و به حفظ استقلال ایران کمک خواهیم کرد.

دکتر مولر

دکتر مولر دیر و مدیر جریده شرق جدید که قسمت ایران بلکه تمام ممالک اسلامی تحت نظر او مورد مطالعه و از نظر سیاست مورد دقت بود، از خدماتی که اینجانب در این مسافرت انجام داده و نام ایران را در حقیقت در جلو نظر کلیه ملل [قرار داده] و جلب همدردی با ایران [کرده‌ام] تمجید می‌کرد.

دکتر لیتن

دکتر لیتن قنصل سابق آلمان در تبریز که او هم خدماتی بالنسبه مهم راجع به ایران و مشرق زمین برای وزارت خارجه آلمان صورت می‌داد و با ایرانیان مقیم برلن تماس داشت، مفصل راجع به ایران و تجاوزاتی که به ایران از طرف دولتین روس و انگلیس شده، به خصوص تحمیلاتی که در این جنگ به ایران وارد شده [است] صحبت می‌کرد.

آلمان و بازی فردا

تمام این آلمانها که در امور وزارت خارجه آلمان مداخله و سمت خدمتگزاری داشتند امیدواری به آتیه را از دست نداده [اند] و اگر فی الحقیقه باطناً هم امیدواری نداشته باشند آن را ظاهر نمی‌نمایند و

می‌گویند امروز با این پیشامدهای سوئی که برای کشورهای مرکزی اروپا پیش آمده [است] بایستی ساکت بود، اظهاراتی نکرد ولی به کار پرداخت تا آنکه موقعی بهتر به دست آید. آلمانها در بازی امروزی باختند ولی برای بازی فردا باید حاضر باشند و بیمی در خود راه نمی‌دهند.

حرکت به هلند

روز یکشنبه ۱۵ ژوئن ۱۹۱۹- با برلن خداحافظی بجا آوردیم. پس از این توقف طولانی امروز به خارج آلمان و به طرف هلند حرکت می‌کنیم. در این مدت طولانی نمی‌توان گفت که خیلی خوش گذشت ولی بدیهی است بی نتیجه هم نبوده است. برای ایران هر قدر توانستم کار کردم ولی بدیهی است از هر کاری نمی‌شود انتظار داشت نتیجه مطلوبه به دست آید. برای حفظ استقلال و موقعیت و شخصیت کشور خودمان می‌کوشیدیم و می‌کوشیم.

هدف ما و نتایج سفر

هر موقعی اقتضایی دارد. ما در اوایل این جنگ در نظر داشتیم که قسمت متحدین را در دست داشته باشیم که اگر اینها فاتح شدند حقوق ما را حفظ کنند و تجاوزاتی را که به کشور ما شده [است] بلکه جبران کنند. همان زمانی که قشون روس طرف شمال ایران را در تصرف داشت ما برای جلب کمک و نیرو به آلمانها ستوسل شدیم. مطابق یادداشتهایی که در فصول همین کتاب به نظر خوانندگان محترم می‌رسد اینجانب با اشکالاتی که در زمانهای غیرعادی برای چنین مسافرتها در نظر است به آلمان و به پایتخت این کشور برلن سفر کردم و به عقیده خود آنچه توانسته‌ام و ممکن بود به تکالیف وجدانی خود رفتار نموده‌ام و از استقبال هیچ‌گونه پیشامد ناگواری روگردان نبوده‌ام. علاوه بر این آنچه ذکر شد در انجام خدمات

نسبت به کشور خود، یک نتیجه دیگر که از این توقف ممتد در آلمان گرفته‌ام همانا وقوف نسبتاً کامل به رموز ادبیات و زبان آلمانی است و این یادگار بزرگی از این سفر مهاجرت اینجانب است که تا پایان عمر از برای نگارنده باقی خواهد بود.

خروج از آلمان

ساعت هفت و پنج دقیقه صبح از ایستگاه شلزیسه بانهوف به طرف هلند حرکت کردیم. از آقایان ایرانیان کسی به بدرقه اینجانب نیامد. یعنی دیروز با تمام آقایان خداحافظی کردم و برای آنکه برای آنها زحمتی ایجاد نشود ساعت حرکت خود را به آنها اظهار نکردم. آقای نواب با خانم خودش به لب دریا رفته [بود] و در برلن نبود ولی سایرین را که در برلن بودند ملاقات کردم. ساعت هفت بعدازظهر از سرحد شمال غربی آلمان خارج و وارد خاک هلند شدیم.

در لاهه

دوشنبه ۱۶ ژوئن ۱۹۱۹- مقارن ساعت ۱۱/۵ قبل از ظهر وارد شهر لاهه پایتخت کشور هلند شدیم و در هتل سانترال که از هتلهای بزرگ لاهه است منزل گرفتیم. بعدازظهر به ملاقات آقای شعاع‌الدوله نماینده سیاسی ایران در هلند رفتیم. معلوم شد روز قبل ایشان برای یک هفته به بروکسل رفته‌اند. ولی آقای منتظم‌السلطنه برادرزاده ایشان در اینجاست و کارهای سفارت سپرده به ایشان می‌باشد. ایشان شب به ملاقات من آمدند. جوانی است بسیار خوش منظر، پسر حاجی ناصرالسلطنه با عموی خود به سمت نیابت سفارت هلند مأموریت یافته است. از اوضاع اجتماعی و سیاسی هلند مفصل صحبت می‌کرد. روبه‌مرفته از این جنگ خساراتی به کشور هلند و اهالی آن وارد نشده، ولی بدیهی است بعضی تضییقات به طور غیرمستقیم به هلند وارد آمده است.

آزادی ارتباطات

سه شنبه ۱۷ ژوئن - صبح را با آقایان منتظم السلطنه و مصطفی خان با هم بودیم. از قرار اظهار منتظم السلطنه سروالتراونلی وزیر مختار انگلیس در هلند با خانمش به آمستردام رفته است. با سفارت ایران تماس دوستانه دارد. تاونلی مدتی به سمت وزیر مختاری انگلیس در تهران بود و علی الظاهر همدردی برای ایران اظهار می کرد. بعد از ظهر از موقعیت اینجا و آزادی که در ارتباطات پستی و تلگرافی وجود دارد استفاده کرده چند نامه به تهران و بستگان و دوستان خود نوشته با پست سفارشی فرستادم. سپس موقع را غنیمت شمرده دو ساعتی در شهر لاهه که فی الحقیقه پاک و تا حدی فرح انگیز است به گردش پرداختم. هوا بالنسبه گرم و خوب است. مدتی بود در حقیقت در برلن محصور بودیم. امروز مثل اینکه برای نگارنده آزادی ایجاد شده است. با انبساط خاطر و میل تمام از این آزادی استفاده می کنم.

عقاید تاونلی

پنجشنبه ۱۹ ژوئن - دیشب آقای شعاع الدوله به لاهه برگشت و امروز صبح ایشان را مفصلاً ملاقات کردم. بسیار شخص مهربانی است و به خصوص نسبت به اینجانب محبت مخصوص اظهار می دارد. قرب دو ساعتی با هم صحبت کردیم. ایشان با سروالتراونلی تماس دارد و با او آمد و رفت می کند. می گفت عقیده او بر این است که بعد از جنگ، انگلیس باید مالیه ایران را تحت نظر و سرپرستی خود بیاورد. در این زمینه مفصل میان آنها صحبت شده است. بدیهی است شعاع الدوله این عقیده را رد کرده آن را منافی استقلال ایران می دانست. ولی سروالتراونلی می گوید ایرانیان درست آن طور که باید و شاید از ترتیبات مالیه اطلاعی ندارند. سیستم و ترتیب مالیه ای که آنها دارند تقریباً از زمان قبل از قرون وسطی حکایت می کند.

ایراد بر مستوفیان

این چه ترتیبی است که مستوفیان ایران دارند. در هر شهر و در هر دهکده و مزرعه ای کتابچه ای در دست مستوفی است و او به اختیار خود از مالکین و رعایا هر قدر می تواند نقد و جنس از گندم و جو و برنج تا تریاک و تنباکو وصول کرده و به میل خود هر قدر بخواهد در دفتری ثبت نموده و هر قدر از آن را که انصافش روا دارد به اعتبار دولت می گذارد و چون خودش را هم فرد عمده ای از دولت محسوب می دارد در حقیقت به حساب و اعتبار خودش گذاشته است. آیا جزئیات این عواید به تهران می رسد و در کتابچه های مخصوص ثبت می شود و ثبت کل به نظر دولت می رسد؟ ملاحظه کنید چنین سیستمی به چه ترتیب برای ایران مفید خواهد بود. ایران امروز محتاج به پول است و پول از کجا عاید می شود. باید از خزانه دولت که مرکز وصول صحیح کلیه عایدات است پول به دست آورد. دیگر آنکه متأسفانه این مستوفیان امین نیستند و نمی شود به آنها اعتماد کرد.

نظر شعاع الدوله

آقای شعاع الدوله می گفت جواب من در مقابل تمام این اظهارات این بود که اگر دولت انگلیس رعایت شئونات و استقلال ایران را بکند و نظر سوئی نسبت به حقوق ایران نداشته باشد همدردی کلیه وطن پرستان ایرانی را جلب خواهد کرد. به علاوه به احتمال کلی [برای حفظ] منافع خود انگلیس در مشرق زمین، به خصوص با موقعیت جغرافیایی که ایران دارد، استقلال ایران برای انگلیس لازم است. ایران مستقل و آزاد و تجددخواه و بالنسبه قوی برای انگلیس چه ضرری خواهد داشت جز آنکه ایران در مقابل روسیه سدّی تشکیل داده از منافع انگلیس در مستعمراتش [حفاظت] خواهد نمود. ولی متأسفانه [با عقد] قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس و روس تمام امیدواری که از سیاست انگلیس در ایران بر جا بود متفی

گردید و امروز ایرانیان به حق همان نظری را که راجع به روسیه تزاری داشته‌اند به انگلیس نیز دارند. تا بعد از این در جنگ چه پیشامدها به میان آید.

جواب متفقین

روز دوشنبه گذشته متفقین جواب پیشنهاد آلمان را به شکل اولتیماتوم دادند و تقریباً همان پیشنهاد قبلی خود را تأیید کرده‌اند و پنج روز به آلمان مهلت داده‌اند که جواب مثبت و یا منفی به متفقین بدهد. تنها تغییری که در این پیشنهاد داده شده این است که واگذاریهای قسمتهای مختلف مرزی بالصراحه ذکر نشده و این موضوع را مسکوت گذاشته‌اند. ولی در موضوع آلتاس و لرن و واگذاری این دو قطعه به فرانسه و واگذاری قطعی کشتیهای تجارتي به متفقین و پرداخت غرامات به طلا صراحتاً ذکر و از آلمان درخواست شده [است] در صورت قبول فوراً به انعقاد معاهده صلح پردازد.

استعفای شایدمن

جمعه ۲۰ ژوئن - امروز چند نامه به تهران نوشتم و دو تلگراف نیز مخابره کردم. مدتی پیش از ظهر و بعد از ظهر با آقای شعاع الدوله ملاقات و مفصلاً صحبت کردم. تمام صحبت ما از وضع ایران و آتیه نزدیک خودمان تجاوز نمی‌کرد. از قرار خبری که امروز رسیده آلمانها شرایط اخیر متفقین را که به آنها پیشنهاد شده قبول خواهند کرد ولی کابینه شایدمن که حکومت فعلی آلمان را تشکیل می‌دهد استعفا داده است و کابینه تازه‌ای برای قبول و امضای صلح روی کار خواهد آمد که مسئولیت این قرارداد بر عهده آن قرار گیرد. امروز تمام روز را باران می‌بارید و هوا به کلی تغییر کرد. بدیهی است با موقعیتی که هلند دارد و قسمتی از سطح آن پایین‌تر از سطح دریا واقع است رطوبت و بارندگی آنجا زیاد می‌باشد.

ملاقات دکتر روزن

شنبه ۲۱ ژوئن - امروز پیش از ظهر دکتر روزن آلمانی را که در هلند است ملاقات کردم و ساعتی با او درباره ادبیات فارسی و رباعیات خیام که اطلاع کاملی دارد [صحبت کردم]. می‌گفت نسخه‌ای از ترجمه عمر خیام به زبان آلمانی مجدداً از طبع بیرون می‌آید. ترجمه عمر خیام دکتر روزن تقریباً بهترین ترجمه است که به شعر آلمانی بیرون آمده و نیز آن اشعار را با موسیقی منطبق کرده [است] در کنسرتها می‌خوانند. به یاد دارم در زمستان گذشته در یکی از تالارهای تیاتر برلن نمایشی از اشعار و موسیقی عمر خیام دکتر روزن داده شد و فوق‌العاده جالب نظر گردید. قسمت عمده‌ای از مستشرقین و پیروان موسیقی و اشعار مشرق زمین در این نمایش حضور یافته بودند. با دکتر روزن مذاکره ترجمه باباطاهر به میان آمد. می‌گفت چند رباعی باباطاهر را به زبان آلمانی قبلاً ترجمه کرده و آن را در آتیه نزدیکی تکمیل نموده مانند عمر خیام اشاعه می‌کند و آن را هم نیز با موسیقی برای نمایش تطبیق خواهد داد.

یکشنبه‌های هلند

یکشنبه ۲۲ ژوئن - امروز هوا بسیار خوش است و بیشتر روز را با آقایان شعاع الدوله و منتظم السلطنه پسر حاجی ناصر السلطنه و مصطفی خان پسر مرحوم ثقه‌الملک بودم و ناهار و شام را با هم صرف کردیم. بد نگذشت. روزهای یکشنبه در هلند تعطیل عمومی کامل است. حتی روزنامه‌ها هم انتشار نمی‌یابد. بعضی ترتیبات و مقرراتی هلندیها در زندگی خود دارند که مخصوص خودشان است. مثلاً روزهای جمعه را به تمیز کردن خانه و مسکن خود می‌پردازند و حتی پاک کردن درب خانه‌ها و پیاده‌روهای بیرون و شستن و صابون زدن کف راهروها با صاحبان مسکن می‌باشد. روزهای یکشنبه را راحتی کامل برای تمام افراد خودشان برقرار می‌سازند.

قبول صلح

از قرار راپرت روزنامه‌ها آلمانها قرارداد صلح را قبول خواهند [کرد] و بالاخره چاره‌ای هم جز این ندارند. آلمانها مجبورند بار سنگین این جنگ را بر عهده بگیرند و فقط امید آنها به آتیه است. نژاد ژرمن با تاریخی که در عقب گذاشته است از تحمل چنین بارها فرسوده نمی‌شود. رویهمرفته آن طور که در اینجا احساس می‌شود هلندیها نه متمایل به طرف آلمانها و نه به طرف متفقین می‌باشند. در حقیقت پیش خودشان یک حد متوسطی را قائل شده‌اند. باز از آنها شنیده می‌شود که همدردی نسبت به آلمانها به واسطه تضییقاتی که بر آنها وارد است اظهار می‌دارند و به‌طور غیرمحسوسی از سخت‌گیریهای متفقین نسبت به آلمانها شکایت می‌کنند.

نظریات تاونلی

دوشنبه ۲۳ ژوئن - امروز پیش از ظهر آقای شعاع‌الدوله با سروالتر تاونلی وزیر مختار انگلیس در هلند ملاقات کرده و مفصل راجع به ایران و ایرانیان آزادیخواه و ملی که فعلاً در برلن می‌باشند و تقاضای جواز برای مراجعت به ایران کرده‌اند، [مذاکره] به عمل آورده وزیر مختار مذکور گفته است چه خوب می‌باشد که این آقایان دیگر در آلمان نمانده به ایران مراجعت [کنند] و در آنجا مشغول کار شوند. توقف در آلمان برای آنها امروز چه فایده‌ای دارد؟ اگر خوب می‌خواهید بدانید دیروز هم برای آنها فایده‌ای نداشت. از اول بی‌خود خودشان را در این معرکه انداختند و خطراتی متوجه خود ساختند. دولت انگلیس هیچ وقت نظر سوئی نسبت به ایران نداشت ولی بدیهی است سیاست خودش را بنا به مقتضیات وقت راجع به ایران و قسمت شرق نزدیک و کلیه آسیا و بلکه کلیه نقاط دنیا ترتیب می‌نمود. و ترتیب چنین سیاستی کار آسانی نیست.

منافع انگلیس

دولت انگلیس می‌خواهد منافی را که خود در نظر دارد حفظ کند و عمده این منافع متعلق به اوضاع بازرگانی و بازارهایی است که انگلیس برای خود در اطراف دنیا با زحمت زیاد باز کرده است و این را اهالی این کشورها باید بدانند که یک خدمتی است که سیاست انگلیس برای آنها مرعی داشته [است]. ما که انگلیسی هستیم و من که نماینده سیاسی انگلیس در هلند می‌باشم به جرأت می‌گویم که باز کردن چنین بازارها بر تجارت انگلیس به صرفه هر دو، یعنی انگلیس و آن کشورها می‌باشد و مردم از بازرگانی انگلیس و رفتاری که با آنها می‌شود و آلات و ادوات جدیدی که به دست آنها داده می‌شود استفاده می‌کنند. بعضی از این کشورهای آسیایی و غیره هنوز به همان زندگانی قرون ماقبل قرون وسطی زندگی می‌کنند و اثری از اوضاع فعلی و تمدن امروزی در آنها مشاهده نمی‌شود. ما انگلیسها می‌رویم در آنجاها و در حقیقت درب تمدن را بر روی آنها باز می‌کنیم. از این موضوع نباید توهمی داشته باشیم. باز کردن این درهای تمدن مسئولیتی را بر روی شانه انگلیس وارد می‌کند. حالا اگر تجاوزی هم نسبت به اهالی محل شد سیاستمداران وقت دولت انگلیس مسئول می‌باشند و تمام آنها مبری از تقصیر و تجاوز نمی‌باشند.

استعمار

آقای شعاع‌الدوله در اینجا با تبسمی، استفاده از موضوع اخیر بیانات وزیر مختار انگلیس کرده می‌گوید بلی بد نیست، استعمار هم یک حقی است که دولت انگلیس برای خود منظور می‌کند و به تدریج تمام آنجاها را در تحت سلطه خود می‌گیرد و به عنوان گشادن درب تمدن و ترقی بر روی بومیهای محل، آن قطعات را در حیطه تصرف خود می‌آورد. در اینجا صحبت دو وزیر مختار پایان می‌یابد و وزیر مختار انگلیس اظهار می‌دارد

که روز بعد عازم لندن است و مسافرت او در حدود چهار الی پنج هفته طول خواهد کشید.

هوای هلند

هوای امروز معتدل است ولی باران سخت می بارد. به طور کلی هوای هلند به واسطه موقعیت جغرافیایی که دارد معتدل می باشد ولی بسیار نمناک است. صبح که انسان بلند می شود به قسمی شبم شب روی زمینها دیده می شود که نمایش بارندگی را می دهد در صورتی که بارندگی نشده است.

اخذ ویزا

سه شنبه ۲۴ ژوئن - امروز صبح به روتردام که یکی از شهرهای بالنسبه آباد و بزرگ هلند است رفتم و در آنجا قنسولخانه های فرانسه و ایتالیا را دیدن کردم که تذکره خود را به ویزا برسانم. علی الظاهر ایرادی برای ویزای تذکره نکردند ولی صورت تذکره را برداشته قرار گذاشتند دو سه روز بعد در صدور ویزای آن اقدام کنند. من هم با تشکر قنسولخانه های نامبرده را ترک کردم.

هوا امروز از اعتدال خارج شده قدری سرد و بارانی است. حال من هم چندان خوب نیست. کسالت در خود احساس می کنم و درد دندان هم مرا اذیت می کند.

تظلم آلمان

صدای روزنامه های آلمان بلند شده است. از ظلم و ستم متفقین می نالند و اظهار می دارند که با وجود شکست قطعی آلمان و گرفتاریهای سخت امروزی آن کشور نباید احساسات عدالتخواهی و بشردوستی به کلی

فراموش شود. صحیح است کشور آلمان که دشمن سرسخت متفقین بوده و در این مدت مدید در میدان جنگ با آنها مبارزه کرده و صدمات سخت و تلفات زیاد بر آنها وارد نموده، در مقابل صدمات و تلفات زیاد نیز تحمل نموده است و امروز که به این حالت افتاده و دست بیچارگی به طرف متفقین دراز نموده و از آنها عهدنامه صلح و آرامش می طلبد، نباید چنین شرایط سنگین را بر آلمان تحمیل کنند. وانگهی مستر ویلسن رئیس جمهور آزادیخواه امریکا که خود را به آزادیخواهی مشهور کرده و چهارده ماده خود را مبنای مذاکرات صلح قرار داده است چرا باید چنین ظلم و ستمی را نسبت به یک کشور مغلوب روا دارد. با وجود چنین اظهارات از طرف روزنامه ها بالاخره آلمان مجبور به تسلیم شد و عنقریب قرارداد صلح در ورسای به امضا خواهد رسید.

اوایل شب به لاهه برگشته، پس از صرف شام به هتل مراجعت کردم.

غرق کشتیها

چهارشنبه ۲۵ ژوئن - امروز از هیچ جا خبری ندارم ولی با وجود جزئی کسالتی که احساس می کنم، مشغول نامه نویسی می باشم. هوا بالنسبه معتدل است [ولی باران سخت می بارد. آلمانها روز شنبه گذشته کشتیهای جنگی خودشان را در نزدیکی بندر شمالی انگلیس غرق کرده اند] که به دست متفقین نیفتد ولی به طریق اجبار کشتیهای تجارتنی خودشان را تسلیم کشتیهای متفقین خصوصاً انگلیسها کرده اند. از قرار اخبار روزنامجات مواد اولیه و به خصوص ارزاق از بنادر شمالی آلمان و از هلند و بلژیک وارد آلمان می شود.

چهارده ماده ویلسن

پنجشنبه ۲۶ تا شنبه ۲۸ ژوئن - در این سه روز مشغول تهیه و تکمیل کار

ویزای خود و فراهم کردن اسباب مسافرت بودم. تذکره مرا بدون اشکال زیاد ویزا کرده [اند] و از این راه دیگر اشکالی باقی نمانده است.

چنان که قبلاً نوشته شده کنفرانس صلح در ژانویه ۱۹۱۹ در ورسای شروع به کار نمود. نمایندگان کشورهای متفقین تماماً برای مذاکرات مقدمات صلح در آنجا اجتماع نمودند. مستر ویلسن نیز خود به پاریس آمده و برای خدمت به آزادیخواهی و فراهم آوردن زمینه آرامش برای دنیا بشخصه وارد جلسات کنفرانس گشته است. چهارده ماده و نظریات خود را برای فراهم آوردن اتحاد ملل به کنفرانس تقدیم کرد و تا حدی به قبولاندن آن موفق گردید.

طرح پیشنهادی او در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ به تصویب رسید ولی چنان که گفته‌ایم دعاوی ارضی فرانسه و ایتالیا و به خصوص احساسات فرانسویها در کشیدن انتقام از آلمانها و جبران تلفات و صدماتی که در سالهای ۷۲-۱۸۷۱ از طرف آلمان به آنها وارد شده بود و تحمیلاتی را که سیاست بیزمارک در زمان پادشاهی ویلهلم اول بر آنها وارد نموده بود و از [یاد] آنها هیچ وقت نمی‌رود، با مواد چهارده‌گانه ویلسن و نظریات و پیشنهاد او مخالفت داشت. بالاخره با زحمات زیاد ویلسن با پاره‌ای از درخواستهای فرانسه و ایتالیا موافقت کرد تا قرارداد را با یک وضعی به امضا رسانده صلح و آرامش ایجاد شود. بالاخره در روز ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ عهدنامه صلح در ورسای به امضا رسید و ایالات آلاس و لرن که خود دارای تاریخ بالنسبه مهم و جداگانه می‌باشد و ناحیه سار از آلمان مجزا شد و به فرانسه تعلق گرفت و ایتالیا هم در قسمت شمال شرق و جنوب شرق استفاده‌هایی نه به آن شدت که خود خواهان بود، از این عهدنامه برد.

فیلهای روسی و انگلیسی

اغلب ساعات روز را با آقای وزیر مختار و آقایان دیگری که با سفارت تماس دارند می‌گذرانم. دیروز آقای وزیر مختار نامه‌ای خصوصی از تهران

داشتند برای من خواندند. چون تا حدی مضحک بود بعضی از مطالبش را در اینجا ذکر می‌کنم. می‌نویسد اوضاع تهران چندان خوب نیست بلکه هرج و مرج زیادتر از ایام سابق است. فیلهای روسی قدیم عجالتاً از این جنگل خارج شده‌اند، اگر هم گوشه و کناری باشند خود را پنهان می‌دارند. بچه فیلهای روسی تازه هنوز به حد رشد و کمال نرسیده‌اند که از آنها اثری ظاهر شود ولی خود را توده روسی می‌خوانند. عجالتاً فیلهای انگلیسی تمام جنگل را از خود می‌دانند و روز به روز بر هیبت عظیم و وحشی‌گری خود می‌افزایند تا بعد ببینیم چه کارهایی صورت خواهند داد. حکومت هم مانند سابق داد بی‌پولی خود را بلند می‌دارد. دستجات هم به هم افتاده از قراری که می‌گویند میان دموکراتها اختلاف پدید آمده، دسته‌ای تشکیلی و دسته‌ای غیرتشکیلی با هم در نزاع می‌باشند. اعتدالیها هم بی‌رئیس عجالتاً ساکتند. ولی دست راستیها عجالتاً بر جای خود محکم نشسته‌اند و ریاست و حکومت را از خود می‌دانند. انتخابات هم در شرف انجام است. آنچه محرز می‌باشد دولت فعلی مداخله‌ای در کار انتخابات ندارد و نتیجه انتخابات را برای خود یکسان می‌داند. تا بعد چه شود.

خدمت ویلسن

یکشنبه ۲۹ ژوئن ۱۹۱۹ - همین امروز پس از انجام کار کنفرانس مستر ویلسن فرانسه را ترک کرد و به طرف امریکا رهسپار شد. خوب اگر به کنه مسائل امروزی برخورداریم خواهیم دید که مستر ویلسن خدمات نمایانی صورت داد و اگر او نبود و کوششهای او اثر نداشت، عهدنامه صلح بدین شکل تنظیم نمی‌شد. فکر تشکیل جامعه ملل در میان نبود. بدیهی است آلمانها راضی نیستند. فغان مطبوعات و سیاسیون آلمان بلند است. ولی باز باید شاکر باشند که بدین ترتیب جنگ پایان یافت و از این ورطه

هولناک خلاص شدند. همین امروز که راهها برای آلمان باز شود کشتیهای پر از ارزاق و مواد اولیه به بنادر آلمان وارد می شود. فریاد آلمانها از تنگی و قحطی و گرسنگی بلند است. چه سختیهایی نبود که این ملت بر دوش نگرفت و بیشتر سیاسیون خودشان هم مترصد همین روزها بودند. چنان که گفته شد باید شاکر باشند که ویلسن تا حدی این کنفرانس را به نفع آنها خاتمه داد و اینجا بد نیست چند سطری از این رئیس جمهور آزادیخواه آمریکا یادآوری کنیم.

ویلسن کیست؟

نام اول او وودرو ویلسن متولد سال ۱۸۵۶ پس از مدتی خدمات نمایان در رشته فرهنگی، استادی و ریاست دانشگاه در سال ۱۹۱۰ وارد سیاست گردید. در دوم ژوئیه ۱۹۱۲ به نامزدی حزب دموکرات آمریکا برای ریاست جمهوری انتخاب شد. ویلسن همیشه در راه حق و عدالت قدم می زد و نطقهای مفصل می نمود. در ماه مارس ۱۹۱۳ به مقام رئیس جمهوری رسید. در سیاست خارجی چندان شهرتی به خود نگرفت ولی در امور داخلی همیشه فکر او با عدالت اجتماعی توأم بود و از این موضوع خارج نمی شد. چنان که با وجود ضعفی که برای خزانه آمریکا ایجاد شد تخفیف عمده ای در عوارض گمرکی آمریکا انجام داد. گمرک آمریکا بی تناسب سخت [بود] و عوارض سنگینی داشت و این عوارض بر طبقات پایین تحمیل زیادی بود. ویلسن با وجود مخالفت سرمایه داران بزرگ این قدم را برداشته، عوارض گمرکی آمریکا را پایین آورد تا فشار به زیردستان کم شود.

مداخله در جنگ

در ابتدای این جنگ بزرگ عالمگیر ویلسن اصرار داشت که آمریکا

باید بی طرف بماند ولی چنان که قبلاً اشاره شد عملیات زیردریاییهای آلمان که برای آمریکا ضرر فاحشی داشت و نیز [با صدمه ای که] در غرق این کشتیها به اتباع آمریکا وارد شد ویلسن مجبور به مداخله در جنگ شد و پس از انتخاب مجدد خود به ریاست جمهوری و با وجود امیدی که در بی طرفی آمریکا در این جنگ داشت معهداً چنان که قبلاً ذکر شد آمریکا داخل جنگ شد ولی هیچ زمان امید خود را برای استقرار پایه ای برای صلح دایمی از دست نداد. در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۸ نطق مهمی ایراد کرد و چهارده ماده خود را در همین نطق خاطر نشان نمود. ویلسن با وجود نفوذی که میان متفقین احراز کرده بود نتوانست آن طور که امیدوار بود عهدنامه صلح را منعقد سازد، معهداً موفق گردید انجمن اتفاق ملل که از آرزوهای او بود در آتیه تشکیل شود. حرکت همین امروز او به طرف آمریکا عدم رضایت او را از این عهدنامه صلح به خوبی می رساند.

اصلاحات ایران

امروز پس از صرف ناهار با آقایان ایرانیان صحبت از اصلاحات به میان آمد و مفصل راجع به آتیه نزدیک خودمان مذاکرات شد. چون در اینجا فکر قدری راحت تر است و بیشتر چنین چیزها در اطراف فکر انسان دوران دارد. بد نیست خلاصه فکر خودمان را راجع به اصلاحات ایران در اینجا منعکس کنیم.

انتخابات صحیح

۱- به عقیده همه انتخابات صحیح مجلس شورای ملی ایران مبدأ کلیه اصلاحات است. امروز کار اساسی در دست مجلس شورای ملی است. اگر مجلس شورای ملی دارای نمایندگان با اطلاع وطن پرست باشد که از امور مملکت مطلع باشند بدیهی است قدمهای اساسی در راه اصلاح

برداشته می شود. مجلس خوب، دولت خوب به وجود می آورد و دولت خوب است که مملکت را روی اصول صحیح اداره می کند. مجلس خوب وقتی به وجود می آید که دولت مداخله ای در انتخابات نداشته باشد. ولی این هم موضوع مهم و اساسی است که تا فرهنگ عمومی توسعه نیابد و تا مردم ده نشین سواد پیدا نکنند هر قانونی که برای انتخابات تدوین شود اجرائش بسیار مشکل است و بلکه جلوگیری از مداخله حکومت در انتخابات محال می باشد. حکومتی که در مرکز اعمال نفوذ در انتخابات می کند چطور می شود در دهات و قصبات و نقاط ایل نشین مداخله نکند. مع هذا نباید ناامید بود و باید در این راه کوشید و به هر نحو [که] ممکن است انتخابات صحیح ملی برای مجلس شورای ملی به عمل آورد و لاقلاً اکثریتی از مردمان نیک و عدالتخواه تشکیل داد.

اصلاح عدلیه

۲- اصلاح قوانین جزایی و امور عدلیه به طوری که با مقتضیات امروزی متناسب باشد. اشخاص فاسد را باید از عدلیه دور کرد و به جای آنها اشخاص نیکنام تری بر کرسی عدالت نشاند. این موضوع هم دقت لازم دارد. ولی بدیهی است اگر ما این را در نقشه کارمان قرار دهیم اصلاحش چندان مشکل نبوده و به مرور ایام کمی فراهم خواهد شد.

فرهنگ و علم

۳- ادارات فرهنگی و علمی امروزی باید در ایران به وجود آید. حالا راه اروپا به ایران باز شده و اشخاص تحصیل کرده امروزی میان هموطنان زیاد می شود. باید حکومت و مجلس از اینها استفاده کند. مدارس نوین تأسیس نماید و هر زمان که مقتضیات فراهم شد تعلیمات رسمی اجباری

در ایران برقرار سازد که مردم از این وضع امروزی خارج شوند. آموزش و پرورش توسعه پیدا کند. این موضوع هم کار یک روز نیست باید به تدریج ایجاد شود. ولی باید حتماً در سرلوحه نقشه اصلاحات برای ایران قرار داشته باشد.

سازمان اداری

۴- ادارات دولتی باید سازمان جدیدی به خود گیرند: اولاً باید به جوانان حالی کرد که کارهای آزاد بر [کار در] ادارات دولتی برای آنها ترجیح دارد. تمام به ادارات دولت فشار نیاورند و دولت هم متوجه باشد که عده صحیح بالنسبه متناسبی برای عضویت ادارات از میان جوانان امروزی انتخاب کند که فشاری به ادارات و بودجه دولت و جمع و خرج دولت وارد نشود. سازمان ادارات باید امروزی باشد، به خصوص اداریاتی که طرف مراجعه عموم می باشد. از همه مهمتر ادارات مالیه است که باید از روی صحت کار انجام دهد.

مجلس دوم شورای ملی با نیات میهن پرستانه که داشت قدمهای بسیار مفیدی در این راه برداشت و خزانه داری و امور مالیه را به شوستر و همکاران امریکایی او سپرد و به وسیله قوانین مدونه خود راه را برای اصلاح صحیح جمع و خرج مملکت و در حقیقت مقدمات اصلاحات عمومی ادارات دولت و تأسیسات دولتی را باز کرد. ولی متأسفانه تجاوزات خارجی نگذاشت مالیه ایران صورتی به خود گیرد. اولتیماتوم روس تزاری و تهدیدات نظامی این کشور جبار به اصلاحات مالیه ایران پایان داد و اوضاع را به حالت هرج و مرج سابق برگرداند. ولی نباید ناامید باشیم. با مجلس صحیح و نیات خیرخواهانه یک اکثریت قابل در مجلس از این موضوع هم صرف نظر نخواهد شد و مالیه ایران وضع منظم امروزی به خود خواهد گرفت.

تقسیم املاک و خالصه

۵- املاک باید بیشتر میان خود زارعین و کشاورزان قسمت شود و این موضوع را می‌توان به آسانی [با] تقسیم املاک [یعنی] فروش خالصجات دولتی شروع کرد. دولت فی الحقیقه اراضی می‌خواهد چه کند. اگر رئیس دولت می‌توانست بیل و کلنگ در دست گیرد و در صحراها به کشت و آبیاری پردازد بدیهی است بد نبود که دولت اراضی از خود داشته باشد. آیا رئیس دولت این کار را می‌کند؟ حتی وقت دارد که یک بذل توجهی به این اراضی بنماید و دلسوزی برای آبادانی این اراضی نشان دهد. مجلس شورای ملی می‌تواند قانون صحیح و عدالتخواهانه‌ای در این خصوص وضع کند. به نحوی که خرده مالک میان طبقه کشاورزان زیاد شود و اراضی از ید قدرت و نفوذ ملاکین بزرگ به تدریج خارج گردد. بدیهی است چنین اصلاح اساسی در یک روز فراهم نمی‌شود ولی همین که مملکت در راه صحیح افتاد و این موضوع در سرلوحه اصلاحات قرار گرفت فراهم شدن آن حتمی می‌باشد. این موضوع به خصوص نقشه‌های پنج ساله و ده ساله و مدت‌دار لازم دارد. چنان که دیگران داشته‌اند و انجام داده‌اند.

ازدیاد آب

دیگر آنکه ما در ایران محتاج به زیاد کردن آب برای کشت و زرع می‌باشیم و با وسایل امروزی این کار هم چندان اشکالی ندارد. [با] کندن چاه‌های عمیق، استفاده بیشتر از آب کوهها و دره‌ها و ساختن سدها. این موضوع مهم هم برای کشت اراضی ایران فراهم می‌شود ولی با نقشه‌های صحیح.

قطع دستهای فساد

۶- تدوین قوانین سخت از طرف مجلس برای برطرف نمودن خائنین و

غارنگران و کوتاه نمودن دست آنها از خزانه دولت. دست فساد را از ایران به خصوص از ادارات دولتی باید کوتاه کرد. باید در نقشه ما این باشد که بیروان رژیم سابق را از کار برانیم و هواخواهان رژیم امروزی را در ادارات دولتی تشویق نماییم تا به تدریج ایران صورت امروزی به خود گیرد.

عدالت اجتماعی

۷- باید در تشویق عدالت اجتماعی بکوشیم و این کار مهم هم در دست مجلس شورای ملی است. تمام قوانین که از مجلس می‌گذرد باید از این مرحله دور نباشد و اشخاصی هم که برای انجام امور دولت انتخاب می‌شوند از این موضوع مهم دوری نکنند. فی الحقیقه آمال ما تمام ایرانیان باید برقراری عدالت اجتماعی در ایران باشد. دموکراسی با فقدان عدالت اجتماعی سازگار نیست. در یک کشور آزاد امروزی تمول نباید در دست اشخاص معدودی انبار شود. اراضی نباید به اشخاص معدودی تعلق گیرد. نعمت زندگی باید برای همه مردم فراهم باشد. همه مردم باید از فرهنگ استفاده کنند. همه مردم باید در انجام کارهای کشور شریک باشند. سرمایه‌های عمده باید در راه آبادی و عمران صرف شود. مردم نباید بی‌کار بمانند، در حقیقت عدالت اجتماعی است که ترقیات مادی و معنوی در کشوری ایجاد می‌نماید، اخلاق و نیت نیک برای مردم فراهم می‌سازد. باید در جامعه امروزی حس همدردی ایجاد شود و آن را باید پیوسته تقویت کرد و این را دانست که آسایش عمومی و آرامش اجتماعی بدون عدالت اجتماعی فراهم نمی‌گردد و هیچ‌گونه ترقی امروزی بدون وجود عدالت اجتماعی میسر نمی‌شود.

تنها مجلس

از این نظر که بیان شد و نقشه‌ای که در جلو نظر خواننده عزیز قرار گرفت

تنها مجلس شورای ملی و انتخابات صحیح مجلس است که ما را به سعادت اصلاحات واقعی امروزی و نیل به عدالت اجتماعی نایل می‌گرداند. اکثریت مجلس که صالح شد و از راه ترقی و تعالی خارج نگردید، عدالت اجتماعی بسط پیدا می‌کند. رفتار ما نسبت به زیردستان در ایران باید به کلی تغییر کند. مادران باید در پرورش نوباوگان خود تشویق شوند و تمام افراد جامعه از زن و مرد برای انجام امور مهم عمومی جامعه در محیط خود مجهز شوند تا کشور مرفعی امروزی به وجود آید.

خیال سفر پاریس

فردا صبح خیال حرکت به طرف پاریس دارم و نقشه‌ای که فعلاً برای مراجعت خود به تهران معین کرده‌ام از این قرار است که چند هفته‌ای در پاریس توقف کرده و از آنجا به رم بروم و دو هفته‌ای هم در رم توقف کرده از آنجا به تریست رفته و از آنجا با کشتی به طرف استانبول به دریای سیاه و باطوم و از باطوم به بادکوبه و از بادکوبه به دریای خزر و انزلی به ایران وارد شوم. جواز حرکت حاضر است و دیگر اشکالی در مسافرت نیست. این یادداشتها و نوشتجات زیاد که از این مسافرت جمع شده اینجا در یکی از بانکهای هلندی می‌سپارم که سالم بماند و اینک قبل از خداحافظی با خواننده عزیز چند سطر از هلند نوشته و این مملکت را به خوانندگان معرفی می‌نمایم:

هلند

هلند که آن را عموماً نیدرلاند یا سرزمین پست می‌خوانند از طرف شمالی و غرب به دریای شمال متصل و از طرف شرق و جنوب به آلمان و بلژیک همجوار می‌باشد. جمعیت این کشور امروز در حدود پنج میلیون و دارای هشت شهر بالنسبه مهم می‌باشد که از جمله آنها شهر لاهه پایتخت آن کشور و آمستردام و روتردام است.

چنان که اسم هلند خود وصف زمین را می‌نماید، کشوری است در پستی واقع و تقریباً پیش از نصف سطح آن پایین‌تر از سطح دریاست و در جلو دریا سدهای عظیم بسته‌اند که از آب دریا جلوگیری شود. تمام این اراضی نمناک است، به خصوص اراضی که در جوار سدهای دریا واقع است. برای خشک کردن این اراضی و مستعد کردن آنها برای کشت و کار حفره‌ها تشکیل داده‌اند که آب اراضی که در حقیقت آب دریاست مانند رودخانه جاری است و روی بعضی از آنها با قایق حمل مسافر و بار می‌نمایند و رودخانه‌های زیاد از این کشور پست به دریای شمالی جاری می‌شود. راه آهن زیاد در هلند ساخته‌اند و راههای معمولی و خیابانهای شهرها در این کشور بسیار پاک و خوب ساخته شده و اغلب آنها را با آجر بسیار خوب ساخته‌اند. در بعضی از اراضی به واسطه شوری زمین زراعت نمی‌شود، اما در همین جاها درخت زیاد است. در بعضی جاها کشت و زرع بسیار خوب انجام می‌شود. مواشی بسیار زیادی هلندی‌ها تربیت می‌کنند و گاو و گوسفند و مواد شیری مانند پنیر و کره و غیره جزو صادرات به خارج حمل می‌کنند.

مواد معدنی در هلند یافت نمی‌شود ولی خاکی دارد که آجر بی نظیر از آن ساخته می‌شود و برای ساختمان مانند سیمان به کار می‌رود. یکی از صادرات هلند آجر هلندی است که به کشورهای همجوار حمل می‌شود. هلند به واسطه داشتن مواشی زیاد چرمکاری و پشم‌بافی را رواج کامل داده است. حتی قالیه‌های ماشینی از روی قالیه‌های دستباف ایرانی زیاد در هلند تهیه و جزو صادرات به خارج حمل می‌شود. ماهیگیری در هلند رواج بسیار دارد و از عمده خوراک مردم محسوب می‌شود. کشتیهای بارکش هلندی مال‌التجاره زیاد حمل و نقل می‌کنند. روبه‌مرفته اهالی هلند متمکن می‌باشند، و مبالغی پول هلندی در خارج از کشور کار می‌کند.

مشروطه هلند چندان آزاد نیست. مجلس اول تا حدی ملی و مجلس دوم مجلس سناست که سلطنت معین می‌کند. انتخابات قضات هم در هلند با شخص شاه است. تعلیمات ابتدایی اجباری در هلند وجود ندارد و چنان که می‌نویسند متجاوز از ۱۰٪ مردم خواندن و نوشتن را نمی‌دانند. چهار دانشگاه در هلند وجود دارد. بهترین آنها در آمستردام است. از قرار احصائیه دولتی سه هزار مدرسه ابتدایی در هلند وجود دارد. هلند قریب ده هزار قشون برای محافظت کشور در خدمت دارد و دو برابر این عده [را] در مستعمرات خود در خدمت نگاه داشته است. چند کشتی جنگی هم برای حفظ سواحل خود دارد.

تاریخ این قسمت اروپا تقریباً ۱/۵ قرن قبل از میلاد شروع می‌شود. در این وقت قومی به نام تیوتن‌ها تمام این حدود را در تصرف خود درآوردند. در اواخر قرن هشتم میلادی شارلمانی معروف این حدود را در تصرف گرفت. ولی در اواسط قرن دهم میاک سوم حکومت مستقل هلند را به وجود آورد. سالیانی دراز فرانکها و ژرمنها در سر حکومت این قسمتها در زدو خورد بودند. پاپها نیز برای بسط کلیسای کاتولیک در این منازعات مداخله می‌کردند. در اوایل قرون وسطی کشمکش بسیار سختی میان هلندیها و اسپانیولیاها که مدتی در این حدود تسلط داشتند درگرفت و قرب هشتاد سال ادامه داشت تا آنکه فتح قطعی نصیب اهالی هلند شد و اسپانیولیاها دست از هلند برداشتند. در اوایل قرن شانزدهم هلند به راه ترقی افتاد، قسمتی در دریا و قسمتی در خشکی به تلاش افتاد از همین سیاست استعمارطلبی قسمتی از آسیای جنوب شرقی و استوایی را تحت استعمار گرفتند و در حقیقت هلندیها نخستین قوم اروپایی این قسمتها بودند که استعمارطلبی را شروع کردند بعد از آنها دیگران داخل این میدان شدند.

در قرن هفدهم هلند از دول نیرومند و درجه اول اروپا به شمار

می‌رفت. ولی در قرن هیجدهم اوضاع دگرگون شد و هلند موقعیت خود را از دست داد و دیگران از وی جلو افتادند. مدتی فرانسویان در این سرزمین پست سلطه حکومتی داشتند و در ۱۸۰۶ لویی بناپارت برادر ناپلئون بناپارت به پادشاهی هلند برقرار گردید و مدتی بلژیکیها هلند را با خود مربوط داشتند. کشمکش هلندیها با ملل دیگر اروپایی به خصوص با انگلیسها در سیاست استعمارطلبی در قسمت جاوه و هندوستان و غیره ثبت تاریخ است و احتیاج به ذکر در اینجا ندارد. زبان این قوم از زبان تیوتن‌ها سرچشمه گرفته و خیلی شبیه به آلمانی امروزی است. در حقیقت زبان انگلیسی و هلندی هر دو از زبانهای محلی ژرمن منشعب گردید و اگر کسی زبان آلمانی بداند هر دوی این زبانها را به زودی فرا می‌گیرد. زبان هلندی در اوایل قرن هیجدهم به بسط و ترقی افتاد و نویسندگان مشهور تاریخی در این زمان ادبیات این کشور را توسعه‌ای بسزا دادند.

پایان سخن

حالا دیگر در اینجا با خوانندگان عزیز خداحافظی کرده امیدوارم از خواندن این یادداشتها که به عقیده نگارنده از نظر تاریخ و تحولات تاریخی به خصوص راجع به کشور خودمان بی‌اهمیت نیست، خسته نخواهند شد. غرض نگارنده از نوشتن این یادداشتها چنان که نشان می‌دهد، خودنمایی نیست. من نمی‌خواهم از این یادداشتها نتیجه‌ای جز آنکه بارها ذکر کرده‌ام بگیرم؛ هر قدر ما در اطراف چنین وقایع فکر کنیم و همین وقایع را به خاطر بسپاریم، به عقیده نگارنده بر حرارت میهن پرستی خود افزوده‌ایم. ما باید خدمت به وطن، خدمت به آزادی و خدمت به عدالت اجتماعی را شروع و دلبستگی خود را پیوسته محکم [کنیم].

ما ایرانیان تا زنده هستیم باید در خدمت این کشور بکوشیم و کاری که دیگران کرده‌اند انجام بدهیم. هر قدر ما جامعه خود را متحدتر و نزدیکتر به هم بسازیم، بسط و ترقی برای ما فراهم‌تر می‌گردد. امروز دوره ترقی و تحول است و با این ترقی و تحولات امروزی چنان که بارها گفته‌ام حرص و طمع دول بزرگ زیاده‌تر شده، دول و جوامع بالنسبه کوچک باید به فکر خود باشند. دیگران به فکر آنها نیستند. اگر ما به فکر خود باشیم محفوظ می‌مانیم و در راه بسط و ترقی قدم برمی‌داریم. اگر کاملاً متحد و دارای یک نظر می‌بودیم، دولتین روس و انگلیس قرارداد ۱۹۰۷ را برای رسمی کردن تجاوزات خودشان در کشور ما منعقد نمی‌ساختند. ما [می‌بایست] فوراً به میدان مردانگی داخل شده با ریختن خون استقلال کامل خودمان را حفظ می‌کردیم.

در هر صورت امیدوارم این احساسات و این آرزوهایی که در دل نگارنده می‌باشد و در صفحات این یادداشتها مکرر ذکر شده صورت واقعی و قطعی به خود گیرد، و زمانی بیاید که آن هم خیلی دور نباشد که ایران در ردیف اول کشورهای مترقی این عصر واقع [شود] و از هر گونه بیمی از دستبردهای خارجی مصون باشد. در اینجا این یادداشتهای سفر مهاجرت را خاتمه داده با خوانندگان عزیز خداحافظی می‌کنم، و چند فقره اوراقی [را] که تا حدی ثبت آنها را لازم می‌دانم به عنوان ضمائم در پایان این یادداشتها اشاعه می‌دهم.

۲۰

ضمائم

۱

اسامی ملیون مهاجر

صورتی از ملیون مهاجر که در قیام ملی ۱۹۱۵ میلادی شرکت کرده‌اند. بعضی از این آقایان از کرمانشاه و عراق عرب به تهران برگشته و عده کمتری تا استانبول و برلن به مسافرت خود ادامه داده‌اند. چون در این زمان هنوز نام خانواده معمول نیست بعضی به نام ساده شخصی خودشان و بعضی که لقب دارند به لقبشان و بعضی به نام و به شغلشان نامیده می‌شوند. اینک نام نمایندگان مجلس سوم از مهاجرین:*

آقایان سیدحسن مدرس، میرزامحمدصادق طباطبایی، شاهزاده سلیمان میرزا، میرزامحمدعلی خان کلوب، میرزا قاسم خان صوراسرافیل، ادیب السلطنه، ناصرالاسلام، میرزا احمدخان قزوینی، مشارالدوله، حاجی شیخ محمدحسین استرآبادی، حاج عزالممالک،

* در تقدم و تاخر نوشتن اسامی هیچ گونه منظوری نبوده و همه این آقایان در ردیف اول خدمات مهمی به میهن انجام داده‌اند.

سیدحسین کزازی، سید فاضل کاشانی، نواب یزدی، سید محمدرضا مساوات، شیخ رضا دهخوارقانی، شیخ محمد حسین خوانساری، ملک الشعراء بهار، حاجی شیخ اسماعیل رشتی، یمن الملک لرستانی، میرزا عباس یزدی، وحید الملک (نگارنده).

آقایان دیگر: آقای طباطبایی بزرگ، حاج آقا نورالله، حاجی میرزا علی محمد دولت آبادی، حاجی میرزا یحیی دولت آبادی، نورالدین عراقی، قوام العلماء کرمانشاهی، نظام السلطنه مافی، سالارلشکر مافی، میرزا کریم خان رشتی، طباطبایی همدانی، مشیرالسلطان، ضیاءالسلطان، حاج فطن الملک، علوی، بقاء الملک، شرف الملک، طیب زاده، شاهزاده محسن میرزا، میرزا صالح خان، عماد خلوت، میرزا غفارخان، میرزا صادق خان بروجردی، مدیر کاشانی، میرزا ابراهیم خان ضرابی کاشانی، عبدالمهدی طباطبایی، میرزا سلیمان خان، سردار مقتدر کاشانی، میرزا حسین خان معاون، نظام السلطان، حاج نظم السلطنه، مجید دفتر، سردار مقتدر سنجابی، میرزا حبیب الله خان شیبانی، سید علی قمی، حاجی خان برادر فطن الملک، عباس خان کلهر، شکرالله خان، مفخم السلطنه، سردار سعید، امیر ناصر خلج،...^۱ سید جلیل اردبیلی، فریدالسلطان، امیر حشمت آذربایجانی، ظهیر دفتر، سردار شجاع، عارف [قزوینی]، صدیق دفتر، عشقی، حاجی سید محمدرضا علوی، حسن خان معمار، میرزا محمدعلی خان دواساز، میرزا علی اکبر ساعت ساز، اعظم السلطنه، بهاءالواعظین، شیخ علی محلاتی، سید یعقوب شیرازی، سید احمدخان صنیعی، مرآت السلطان، میرزا اسدالله خان مصفی، احمد علی خان زند، میرشمس، عبدالباقی خان، یدالله خان بختیاری، مکرم همایون، ابوالقاسم خان بختیاری، برهان المتکلمین، سردار معظم بختیاری، مخبر خاقان، سردار محیی، اسعد السلطان کردستانی، شاهزاده خلیل میرزا، سهام الدوله، محمدکریم خان برومند، سرتیپ زاده، فریدالدوله.

۱. اینجا جای چند اسم سفید است.

۲

مراومه جمعیت مدافعین وطن، ۲۱ جمادی الاول ۱۳۳۴

بسم الله الرحمن الرحيم

چون بنابر تجارب گذشته ثابت و معلوم گردیده است که با حالت حالیه از تشکیلات حزبی که قهراً موجب تقسیم و تجزیه قوای عمومی است استفاده و انتفاعی حاصل نشده و برای تأمین پیشرفت امور لازم است که قوای ملی تجمع و مرکزیت حاصل کرده، مشترکاً و متفقاً صرف مصالح و منافع عمومی شود، لهذا بعون الله تعالی و حسن تأیید امضاکنندگان ذیل که رؤسا و لیدرهای دو فرقه اجتماعیون اعتدالیون و دموکرات ایران و سایر دسته های سیاسی هستند نظر به مصلحت عمومی و منافع مملکتی عازم و مصمم گردیده اند مادام که جنگ برپا و خاک ایران دستخوش تجاوزات دشمن است تشکیلات اختصاصی حزبی را در هر نقطه از نقاط مملکت به کلی الغاء و منسوخ داشته و دو اسم دموکرات ایران و اجتماعیون اعتدالیون را منسی و متروک گذاشته و همه عناصر ملی در تحت لوای یگانگی و اتحاد و برادری و صمیمیت مجتمع گردیده و به نام مشترک و متحد «جمعیت مدافعین وطن» به یکدیگر مختلط و متصل شده و همقدم و متفق به ادای وظیفه ملی و وطنی خود قیام کنند و برای انجام

این مقصد مقدس و حفظ و ادامه این تصمیم و عهد به شهادت خداوند متعال و رسول اکرم و اولیای اطهار سلام الله علیهم اجمعین به دیانت و شرافت خود سوگند یاد کرده به شرح مواد ذیل متعهد و متفق می شوند: ماده اول. مقصد این اتحاد مقدس حفظ استقلال و تمامیت ایران و قطع نفوذ و استیلا و تجاوز دشمنان از خاک وطن و حفظ اساس اسلامیت است.

ماده دویم. مدت دوام این معاهده تا شش ماه پس از اختتام جنگ عمومی و استخلاص خاک ایران از دست دشمن خواهد بود و با موافقت امضاکنندگان ممکن است مدت معاهده امتداد حاصل کند.

ماده سیم. از تاریخ امضای این ورقه تا انقضای مدت این معاهده مقدس تشکیلات فرقتین اجتماعیون اعتدالیون و دموکرات ایران منسی و متروک و تأسیس هر قسم فرقه و کمیته به هر اسم و عنوان از طرف آنها ممنوع بوده و همچنین جمعیتها و کمیتههایی که سابقاً تشکیل یافته منحل شده و تمام اعضای این دو فرقه و سایر دستههای متفقۀ آنها به نام جمعیت مدافعین وطن مجتمع و متشکل خواهند شد.

ماده چهارم. غیر از اعضای دو فرقه دموکرات ایران و اجتماعیون اعتدالیون از سایر دستههای ملی و عناصر صالحه مملکت هرکس داوطلب باشد به عضویت این جمعیت پذیرفته خواهد شد.

ماده پنجم. هیئت مرکزی جمعیت مدافعین وطن که با اکثریت دو ثلث از آرای امضاکنندگان ذیل انتخاب می شوند اداره جمعیت را مرتب خواهد کرد. قوانین و نظامنامههای تشکیلات و تنظیمات جمعیت مدافعین وطن را هیئت مرکزی ترتیب داده، به موقع اجرا خواهد گذاشت.

ماده ششم. هرکس از افراد جمعیت بر ضد این معاهده مقدس اقدام و قیام نموده یا از مواد معاهده تخلف نماید پس از محاکمه و ثبوت تخلف و خیانت او به عالم اسلامیت و ایرانیت به وسیله جراید و غیره اعلان و انتشار داده خواهد شد.

ماده هفتم. هیئت مرکزی جمعیت مدافعین وطن که با اکثریت دو ثلث از آرای امضاکنندگان ذیل انتخاب می شوند اداره جمعیت را مرتب خواهد کرد. قوانین و نظامنامههای تشکیلات و تنظیمات جمعیت مدافعین وطن را هیئت مرکزی ترتیب داده، به موقع اجرا خواهد گذاشت. ماده ششم. هرکس از افراد جمعیت بر ضد این معاهده مقدس اقدام و قیام نموده یا از مواد معاهده تخلف نماید پس از محاکمه و ثبوت تخلف و خیانت او به عالم اسلامیت و ایرانیت به وسیله جراید و غیره اعلان و انتشار داده خواهد شد.

ماده هفتم. امضاکنندگان این قرارداد متعهد و ضامن و مسئول اجرای مواد فوق خواهند بود.

تصر شیرین، ۲۱ جمادی الاول ۱۳۳۴

به نام سعادت وطن، قاسم تبریزی نماینده ساوجبلاغ - وحیدالملک محمدحسین خوانساری
بسم الله تعالی، من رضا دهخوارقانی این مواد را صواب دانسته و به آنها رای داده‌ام. رضا دهخوارقانی
بسمه تعالی و له لحمد. برای خدمت به اسلام و سعادت وطن بر مواد فوق به اتفاق رأی داده شد. انفعنا و اياهم بالعمل احفظنا من الزلزل و انالاصم.
محمدحسین استرآبادی.

محمدعلی [کلوب، فرزین] - سیدحسین کزازی - نظام‌الدین [مشارالدوله حکمت] - سلیمان محسن [اسکندری] به نام سعادت ایران فتحعلی شیرازی نماینده شیراز - یارمحمد افشار - بسم الله عزاسمه، محمدطاهر الطبرسی [تنکابنی] - امیر نوری

بسم الله تعالی. سیدحسن المدرس - محمدصادق طباطبایی
بسم الله تعالی. ورقه با شانزده امضا مطابق با اصل است. فی ۷ شهر جمادی الاخری، ۱۳۳۴، سیدحسن مدرس.

بسم الله تعالی. السواد مطابق الاصله. محمدحسین خوانساری - [مهر مدرس] [امضا] سلیمان محسن، [امضا] فتحعلی شیرازی.

۳

صورت جلسه تعیین وحیدالملک
و طباطبایی به نمایندگی مخصوص
۵ جمادی الاخر ۱۳۳۴

سواد صورت جلسه هیئت، مورخه یکشنبه پنجم شهر جمادی الاخری ۱۳۳۴ جلسه هیئت در تحت ریاست حضرت اشرف آقای نظام السلطنه دو ساعت قبل از ظهر منعقد گردید: شرح مفصلی حضرت اشرف آقای نظام السلطنه بیان فرمودند در اهمیت مراکز اسلامبول و برلن و این که بایستی مابین آن مراکز و اینجا مرابطه و مناسبات خصوصی برقرار شود و مأمورین ما هم در آنجا از اوضاع اینجا کاملاً مسبوق شده، مساعدت کامله آنها در پیشرفت مسائل سیاسی و مهمات نظامی جلب شود. از برای رسیدن بدین مقصود تصمیم فرموده‌اند که دونفر را برای فرستادن به اسلامبول و برلن مأمور فرموده که هرچه زودتر توأمأً به مقام مأموریت خود رسیده مشغول به عملیات شوند و از برای انجام این خدمت آقایان طباطبایی و وحیدالملک را معین و انتخاب فرموده‌اند. آقایان نمایندگان حاضره (اعضای هیئت) نطقهای محبت‌آمیز نسبت به آقایان فوق‌الذکر نموده، اهمیت فرستادن مأمورین مزبور را تصدیق و نظریات حضرت

ترجمه حضرت علامه آیت الله العظمیٰ خراسانی

عبد بنیت در تحت ربیت حضرت ائمه کونان علیهم السلام در تحت قمر از نظر
 شفق کریمه؛ شرح تفسیر حضرت ائمه کونان علیهم السلام در تحت قمر از نظر
 مرد که اسد بول و برهنه و بنده بنیر این آن مرد که در این مرد بول و بنده بنیر
 برهنه و بنیر این آن در این مرد در وضع دنیا که در سبقت که سعادت که در این
 در برهنه و بنیر و کلمات نظامی جیب بود از برای رسیدن به بنده بنیر
 فرموده اند در برهنه و بنیر و اسد بول و بنیر از برهنه و بنیر و اسد بول
 زودتر از آن به نام ناریت خود که شرفی است که در این برای انجام این
 خدمت یقین طلبانند و همیشه در این در این در این در این در این در این
 نایب کان و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر
 و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر و بنیر
 فرموده اند که در این در این در این در این در این در این در این در این
 خوشان که در این در این در این در این در این در این در این در این
 در این در این در این در این در این در این در این در این در این در این

تمام شد
 در این در این در این در این در این در این در این در این
 در این در این در این در این در این در این در این در این

ربیع با مرتبه گفتار و آثار طبیبان برهنه و اسد بول

اشرف را تحسین فرمودند. قرار شد هر چه زودتر آقایان حرکت کرده، به وظایف مأموریت خودشان اقدام نمایند.

سواد مطابق اصل است. نظام السلطنه، مدرس، قاسم صور، محمد علی مافی، محمد علی [کلوب]، محمد صادق طباطبایی، وحید الملک، سلیمان میرزا

فصل سوم. دولتین متحدین در نشر معارف و تعالی اوضاع اجتماعی و اقتصادی مملکت خود جدیت نموده و قشون منظم به نسبت وسایل موجود حاضر خواهند داشت.

فصل چهارم. طرفین متعاهدین متعهدند برای نشر معارف و ترقی و تعالی عموم ملل اسلامی و آزادی مسلمانانی که تحت سلطه دول غیر اسلامی که متحد با یکی از طرفین نباشند اقدامات نمایند. در صورت آزاد ساختن این چنین ملتی طرفین متعاهدین آزادی مطلق خواهند داد هر شکل حکومتی که میل آن ملت باشد برای خود اختیار نماید.

فصل پنجم. با اتباع دولتین عاقدین دو خاک همدیگر مانند اتباع کامله الوداد رفتار خواهد شد و بر طبق حقوق بین المللی معموله محکوم محاکم محلی خواهند بود.

فصل ششم. طرفین متعاهدین کوشش خواهند نمود اختلافاتی که بین جماعت سنی و شیعه موجود بوده با وسایل ممکنه منتزع نموده به قسمی که این دو جماعت همدیگر را مسلمان واقعی محسوب نمایند.

فصل هفتم. دولتین متعاهدین می توانند عهدنامه و قراردادهای با دول خارجه ببندند ولی عهدنامه ها و قراردادهای مزبور نباید مخالف منافع اساسی این اتحاد باشد.

فصل هشتم. تصویب این عهدنامه از مقام اعلیحضرت سلطان محمد خامس و اعلیحضرت سلطان احمدشاه قاجار حداکثر تا شش ماه بعد از انعقاد صلح عمومی خواهد بود.

فصل نهم. هر گاه برای اجرای اساسی این معاهده قرارداد جدیدی لازم شود چنین قراردادی میان دولتین منعقد و منضم بدین عهدنامه خواهد شد.

۴

عهدنامه نظام السلطنه و انورپاشا، ۲۲ رجب ۱۳۳۴

عهدنامه ذیل در روز ۲۲ رجب ۱۳۳۴ میان انورپاشا و آقای نظام السلطنه با مشاوره هیئت نمایندگان در بغداد امضا و مبادله گردید. ولی با پیش آمدهای جنگ رسمیت نیافت:

عهدنامه

به تأیید خداوند قادر متعال جناب انورپاشا وزیر جنگ و وکیل سپهسالار قشون عثمانی به نام اعلیحضرت امپراتوری سلطان محمد خامس و جناب نظام السلطنه به نام اعلیحضرت امپراتوری سلطان احمدشاه قاجار، عهدنامه ذیل را منعقد نمودند.

فصل اول. بعد از این و برای همیشه بین دولت عثمانی و دولت ایران اتحاد دفاعی برقرار خواهد بود.

فصل دوم. دولتین متحدین متفقاً و متقابلاً ضمانت می کنند استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت خاکی همدیگر را.

جواز مسافرت وحیدالملک از راه بغداد

کتابخانه شخصی

نام و پسر خود عثمانی

ایمان بهرمانه کز اسناد آقای رسید است که بغداد از طریق راه ماز...
فرستاده ای که در آن نسخه حکایت لایحه و تشریحات تقاضای ده بدست می آید...



ادعای نفوذ حاکمانه این...

مستقیم

جواز اقامت وحیدالملک در عثمانی



اجاپه مخصوص اقامت تذکره سی

۱۳۵۸۵۵۷

اسم و شهرت	تابعیتی	رساننده پولناز و دیوچه و اولاد و بنک مددی	اقامت ابتدایی شهر و یا قصبه
خانم سرزاده احمدیه خانم ملکت	ایرانی	پرتو	کابل و استوار ملکی

مجلس الملک و وزیر اسیرک موافق اوله ورق اعطا ابتدایی بیاتنامه به مقابل ایستوچی پولیس مرکز لندن و قضا قائم مقام لندن بدیه اشهر اقامت تذکره سی و برلین در...

برای
کوتی
تاسه
برونه
جبه
صاحب
مستقل
معدله غایب

مجلس ملطه سی

۷

دعوت نامه مجلس مبعوثان عثمانی از وحیدالملک

مجلس مبعوثان
حضرتی

افندم حضرتی

استانبول شریف پیرونده اولاده لیهیت حضرتی شرفه ۱۵ اکتوبر یا از ابریش کوفی بعد الظهور
ساعت برده به اولغنه بره یا لوس اولغنه کسیده ای مقرر فیماقی قبول بوردنک استه امید تقدیم
اقرامات اولور افندم حضرتی ۱۱ ۱۳۱۶ هجری

بلاسی سوزانه قنار ورتن روزی

نام فرمیس نامه

استانبول مبعوث

صاحب

۸

ترجمه نامه زیمرمن از وزارت خارجه آلمان
به وحیدالملک، ۱۳ اکتبر ۱۹۱۶

وزارت خارجه

شماره ۸۰۲۷۶۱۸

آقای حاجی میرزا عبدالحسین خان

وحید الملک نماینده مجلس

و غیره و غیره. برلن

برلن ۱۳ اکتبر ۱۹۱۶

آقای نماینده (پارلمان)

در جواب نامه شما در تاریخ نهم این ماه که لطفاً به اینجانب نگاشته‌اید
اینک ذیلاً عین اعلامیه‌ای که به اتفاق جناب آقای خلیل بیک وزیر امور
خارجه ترکیه^۱ تنظیم نموده به اطلاع شما می‌رسانم:
«دولت امپراتوری آلمان اعلام می‌دارد که مجاهدت خود را برای

۱. کذا، ولی در آن زمان نام کشور عثمانی بود.

تضمین استقلال سیاسی و تمامیت خاکی ایران در کنفرانس صلح به کار خواهد برد در صورتی که اعلیحضرت شاه و دولت ایران بی طرفی متمایل خود را در این جنگ جهانی امروزی نسبت به آلمان و متحدین آن حفظ و یا ضد دشمنان آنها اعلان جنگ نماید.»

امضا - زیمرمن

A. 27618.
J. Nr. 21244.

Monsieur le Député,

En réponse à la lettre que vous avez bien voulu m'adresser en date du 9 de ce mois, je m'empresse de Vous communiquer la déclaration suivante dont le texte a été rédigé d'accord avec Son Excellence Monsieur le Ministre des Affaires Étrangères de la Turquie Halil Bey:

Le Gouvernement Impérial Allemand déclare qu'il déploiera ses efforts pour obtenir une garantie assurant l'indépendance politique et l'intégrité territoriale de la Perse à la Conférence de la Paix si Sa Majesté le Chah et Son Gouvernement maintiennent une neutralité bienveillante envers l'Allemagne et ses alliés pendant la guerre mondiale actuelle, ou déclarent la guerre contre ses ennemis.

Je Vous prie, Monsieur le Député, d'agréer l'expression

pression de ma parfaite considération.



Hadji Mirza Abdul

Hussein Khan Wahid-ul-Mulk,

Député au Medschliss etc. etc.

Berlin.

میرزا حسین خان واهد الملک
معاون وزیر امور خارجه آلمان
و املاک و مستعمرات

LE GÉNÉRAL
DE PERSE

BERLIN

Σ 510

Le 1 juin 1917.

Monsieur le Député,

J'ai l'honneur de porter à votre connaissance que, suivant l'avis reçu de Téhéran, dans une réunion composée de l'élite de divers partis politiques représentant le peuple persan, vous avez été choisi délégué pour exposer, devant le Congrès international des Socialistes qui va avoir lieu à Stockholm, la cause persane et y faire appel; afin que la Perse soit soutenue dans la réparation des maux dont elle souffre.



Mussein Kuli
Ministre de Perse,

Monsieur
Wahidol-Molk
Député de Téhéran au Parlement persan,
Délégué des partis libéraux en Europe.

۹

معرفی نامه وحیدالملک در مقام نمایندگی ایران
در کنفرانس استکهلم، اول ژوئن ۱۹۱۷

نامه ذیل به تاریخ اول ژوئن ۱۹۱۷ به فارسی و فرانسه از سفارت ایران در برلن به عنوان نگارنده رسید:

خدمت آقای وحیدالملک عضو مجلس شورای ملی ایران
و نماینده آزادیخواهان در اروپا

افتخار دارم خاطر جنابعالی را مستحضر دارم که طبق خبری که از تهران دریافت داشته جنابعالی را در جلسه ای مرکب از رؤسای دستجات سیاسی نماینده ملت ایران انتخاب نموده که به عنوان نماینده ملی ایران به کنفرانس بین المللی سوسیالیستها به استکهلم تشریف برده در مجمع نامبرده تخطیاتی که به ایران وارد گردیده ذکر و از حقوق حقه و استقلال ایران مدافعه فرمایید.

دوست جنابعالی، حسینقلی نواب
وزیر مختار ایران در برلن

ایران یکی از آنها است که بیشتر از همه زجر جفای این نیرنگها را کشیده است به طوری که ما را یقین حاصل است که اگر حقیقت اوضاع و گزارشهای ایران ستمدیده در مقابل نظر ملل اروپا گذاشته شود تمام دوستان عدالت و انصاف و هواداران آزادی در این قاره مترقی بر حال این مملکت باستانی ترحم خواهند آورد و در صدد احقاق حق برخواهند آمد. ملت ایران یکی از قدیمیترین ملل و یگانه نمونه ملل متمدنه شرق است که تا به حال باز مانده است و از زمانهای بسیار قدیم دارای یک نژاد خاص و یک تمدن بدیع و یک حیثیت و یک تربیت مشخص بوده و هست. همواره در هر عصری مشاهیر و اساتید علمی و ادبی و سیاسی و صنعتی به وجود آورده است و برای خود مقامی در تاریخ احراز کرده است و کمک بزرگی به پیشرفت انسانیت نموده و هنوز هم در این راه قابلیت لازمه دارد به شرطی که او را از نعمت آزادی محروم ندارند.

تمام نویسندگان اروپایی و سیاحینی که در ایران مسافرت نموده‌اند در هوش فطری و استعداد و ذوق ایرانیان تمجید کرده‌اند. به علاوه این ملت در تمام مشرق زمین سرمشق مهمان‌نوازی و خوش سلوکی می‌باشد و نزاکت طبیعی را در نتیجه تربیت قرون بسیار با ادب و لطف اخلاق و آزادگی سرشته دارد. ملت ایران که در آب و خاک اجدادی خود از زمانهای باستانی کوروش و زرتشت تا زمان حاضر دارای یک ملیت صاف و خالص و متجانس انکارناپذیر بوده، امروز آلت قهر و تعدی مللی گردیده که با او هیچ رابطه تاریخی ندارند و صدها فرسنگ از او دور و از حیث نژاد و ملیت و زبان به کلی با او متباین هستند.

اگر چه در این قرون اخیر ملت ایران قدری در ترقی مادی و معنوی دچار توقف شده بود ولی در این ده سال اخیر ملت ایران یک انقلاب بزرگی را به خود دیده و یک دوره تازه از حیات مدنی و سیاسی و اداری در سرزمین خود آغاز کرده است و این انقلاب که ذاتاً ملی است از جمله

۱۰

اعلامیه ملیون ایران در کنفرانس استکهلم^۱

صورت اعلامیه‌ای که از طرف ملیون و آزادیخواهان ایران به عنوان دادخواهی به انجمن سوسیالیستها در استکهلم پیشنهاد گردید.

آقایان. مدت زمانی است که بعضی از دول اروپا به عزم اجرای مقاصد عناصر سرمایه‌دار و جهانگشایان ممالک خود بنای استعمار و استیلا و تجاوزات در ممالک دیگر که در قطعات مختلف کره زمین واقع است نهاده و یک رشته اصول و مقررات جابرانه برای سهولت اجرای مقصود ناحق خود ایجاد کرده‌اند که سرتاپا استبداد و اجحاف ناشی از هوی و هوس و تمایلات نفسانی بوده و پیوسته نظر خود را به جانب ملل دوردستی انداخته که می‌دانسته‌اند صدای استغاثه آنها به گوش کسی نخواهد رسید. همین سیاسیون بیرحم مادی پرست می‌باشند که یبادگار قرون وسطی را از غرب به شرق انتقال داده‌اند.

آقایان. در میان این ممالکی که طرف حرص و طمع‌کاری واقع گردیده

۱. متن حاضر در پاره‌ای عبارات و اصطلاحات با اصل منتشر شده آن (مجله کاوه، دوره دوم، ۱۳۳۸) تفاوت‌هایی دارد.

انقلابهای جدی و صمیمی به شمار می‌رود. سعی و کوشش خرد و بزرگ ملت ایران در راه سرنگونی سلطنت استبدادی چندین صد ساله خود به عمل آورده و از حیث گذشت و جان‌نثاری و رعایت احترام جان و مال اتباع خارجه شایان تحسین است ولی بدبختانه نتایجی که از این همه سعی و کوشش سزاوار بوده به دست نیامده و دو همسایه بزرگ ایران - روس و انگلیس - سدی سدید در مقابل آن کشیده مانع ترقی و آزادی ملت ایران بوده‌اند.

روس و انگلیس از طرفی به تمام وسایل و تهدیدات و اتمام حجت‌ها و قشون‌کشیها و حبس و بند و زنجیر و دار و از طرف دیگر به وسیله بستن راه هر نوع مدد مالی به روی وی، چرخ ترقی ایران را درهم شکسته و به تدریج استقلال آن مملکت را فرو ریخته‌اند. پس از انقلاب نامبرده تا ملت ایران خواست نفس بکشد و در راه آزادی و اصلاحات قدمی بردارد روس و انگلیس به واسطه قرارداد ۱۹۰۷ که برای هر کدام از آنها در ایران یک منطقه نفوذی معین می‌نمود و در حقیقت معنای آن تقسیم ایران بود راه ترقی را بر روی ایران مسدود داشتند و از این تاریخ به بعد در هر موقع مداخله در امور ایران را جایز دانسته و نفوذ خود را به کار انداخته‌اند.

در سوم جمادی‌والاول ۱۳۲۸ هجری قمری دولتین روس و انگلیس ایران را تهدید کرده که اگر بر ضد پادشاه خودشان که بر ضد دموکراسی و مجلس شورای ملی تحریکات می‌نمود، اقدامی نمایند آنها مداخله خواهند کرد و همین طرفداری از استبداد باعث شد که آزادی‌طلبان به واسطه پرهیز از مداخله خارجی‌ان و ضربت به استقلال ایران مجبور به تسلیم شده، از مقاومت خود کاسته و در ۲۳ همان ماه مجلس شورای ملی ایران به دست لیاخوف افسر روسی که در خدمت نظامی ایران بود به توپ بسته شد و دموکراسی موقتاً منسوخ و آن همه جان‌فشانی منسوخ گردید.

در ۲۶ ربیع‌الاول و ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ دولتین روس و انگلیس یادداشت تهدیدآمیز سختی به دولت ایران داده و تقاضا نمودند که دولت ایران در آینده نباید هیچ گونه امتیازی بدهد که در آن احتمال خطر سیاسی و نظامی برای دولتین نامبرده منظور باشد و مخصوصاً امتیازات راجع به مسائل و وسایل ارتباط از هر قبیل و خطوط تلگرافی و بنادر و بدین ترتیب ایران را از یک قسمت اساسی حقوقش محروم داشتند.

در ذیحجه ۱۳۲۹ دولت روس با استصواب و تأیید دولت انگلیس یک اولتیماتوم به دولت ایران فرستاده که دولت ایران باید مستشاران مالیه را که از امریکا استخدام نموده بود منفسل کرده و تعهد نماید که بعدها هیچ مستخدم خارجی اجیر نکند مگر به رضای دولتین.

در سلخ صفر ۱۳۳۰ دولتین روس و انگلیس با تهدید قشون‌کشی فشار آوردند که دولت ایران قرارنامه ۱۳۲۵ روس و انگلیس راجع به ایران را رسماً بشناسد و در حقیقت همان عهدنامه را مبنای سیاست خود قرار دهد و همچنین دولت ایران سلب حق داشتن قشون ملی را از خود نماید و اگر عده بسیار کمی هم مثلاً پنج یا شش هزار نفر بخواهد تشکیل نماید قبلاً مجبور باشد که اجازه دولتین را تحصیل نماید و پس از آن هم در ترتیب تشکیل آن با استشاره آنها کار کند.

جنگ وحشتناک امروزی هم مانع از مداخلات روس و انگلیس نگردید. در ۴ شوال ۱۳۳۵ باز یک یادداشتی به دولت ایران داده و مطالبه کردند که اداره مالیه و قشون ایران به دست مأمورین آنها سپرده شود یعنی مالیه ایران تحت نظارت و اداره یک هیئت مختلطی مرکب از مأمورین روس و انگلیس و بلژیکی و ایرانی در آید که اختیارات تامه در تمام امور مالیه ایران اعم از عایدات و مخارج خود خواهد داشت و به علاوه دو فقره قشون در ایالات شمالی و جنوبی ایران تشکیل شود که هر کدام مرکب از ۱۱ هزار نفر خواهد بود؛ یکی در شمال در زیر اداره افسران

روس و دیگر در جنوب در زیر اداره افسران انگلیس و تمام مخارج و لوازم این قشون را تا آخر جنگ حالیه دولتین خواهند داد.

حاجت به اظهار نیست که کلیه این تقاضاهای دولتین به ترتیبی پیشنهاد دولت ایران می شد که شکی نمی ماند که مقصود دولتین سلب مطلق استقلال ایران می باشد. مقاومت و عدم شتاب دولت ایران در قبول این تقاضاهای اخیر منجر شد به اتمام حجت ربیع الثانی ۱۳۳۵.

تا اینجا فسخ از حرکات ناهنجار دولت روس فقط در سالهای اخیر بوده ولی باید دانست که این دولتین از یک قرن به این طرف متدرجاً به استقلال ایران صدمات متوالی وارد آورده و هر روز این کشور را ضعیف تر نموده و هر قدمی که ایران می خواسته به طرف ترقی و تمدن بردارد وی مانع گردیده به طور کلی می توان گفت که حکومتهای متوالی سلسله رومانوف در رفتار خود نسبت به ایران بدون اختلاف به مضمون وصیت نامه پطر کبیر رفتار نمودند.

این دولت در سال ۱۲۲۸ دولت ایران را از حق داشتن قوای بحری در دریای خزر محروم داشت. در ۱۲۴۴ دولت روس حق امتیاز کاپیتولاسیون اتباع خود را در ایران برقرار نمود که به موجب آن تا امروز اتباع روسیه ولو جانی و قاتل هم باشند از حکم قانون و محاکم ایران خارج هستند و دولت ایران فقط حق تبعید آنها را دارد. این مسئله برای ملل دیگر هم سرمشق شده و هر کدام به عنوان ملت کامله الوداد نظیر آن حقوق و مختصات را برای اتباع خود از دولت ایران خواستار شده و تحصیل نمودند و دولت ایران را در امور داخلی خود مبتلای اشکالات بی حد و حسابی ساختند. در همین سال روسیه حق آزادی گمرک را و در سال ۱۳۰۸ حق ساختن راه آهن و یا امتیاز آن را به خارجه به عنف از دولت ایران سلب نمود و پس از آن در ۱۳۱۸ دولت ایران را از حق استقراض از خارجه محروم داشت. از این قرار دولت روسیه در مدت مزبور به علاوه وسایل مذکوره به صدها

وسایل و نیرنگها که شرح آنها بسیار مفصل است تقریباً تمام حقوقی را که مبنای استقلال یک کشور بر روی آن است از دست دولت ایران بیرون آورده، مملکت و ملت ایران را دچار فقر و فلاکت و ویرانی نموده است. دولت انگلیس هم از طرف خود کوتاهی ننموده رخنه های سخت به استقلال ایران وارد آورده است؛ بانک انگلیس حق انحصاری نشر اسکناس را در ایران دارد بدون آنکه دولت ایران هیچ گونه حق بازرسی در این خصوص داشته باشد. انگلیسها در ولایات جنوبی ایران با رؤسای محلی قرار دادهای مستقلانه گذاشته و در اعمال تجاوزکارانه روس پس از قرارداد ۱۹۰۷ قدم به قدم شرکت کرده اند.

امروزه دولتین روس و انگلیس در شرف خفه کردن ایران و خاموش نمودن آخرین رمق حیات و آزادی آن کشور می باشند و نزدیک است که آخرین ضربت را به این ملت که جز آزادی و ترقی و صلح آرزویی ندارد وارد آورند. روسها علاوه بر آنکه از آغاز قرن نوزدهم تا سال ۱۲۴۴ هجری به تدریج ایالات متعدد از شمال ایران به غصب ضمیمه متصرفات خود کرده در سال ۱۳۲۷ باز قشون به ایران وارد و به بهانه های مختلف به ولایات شمالی استیلا یافته اند. در آغاز سال ۱۳۳۰ بزرگان و پیشروان ملت را در تبریز به دار زدند و بقیه مجبور به جلای وطن گردیدند. در گیلان نیز به همین قرار رفتار کرده اند. در مشهد در یازدهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ بزرگترین زیارتگاه ایرانیان را که برای مسلمانان شیعه حکم بیت المقدس را برای عیسویان دارد به توپ بستند. در ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ نصف بیشتر ایران را تحت استیلا گرفته و پایتخت را زیر تهدید انقراض سیاسی آورده، لگد بر گلوی دولت ایران نهاده، احیای مقاصد خود را که انقراض ایران بود خواستگار شدند.

انگلیس هم در تمام اقدامات فوق همراه با روسها بوده است و الان هم افسران انگلیسی بدون آنکه وقعی به حکومت محلی بدهند در ایالات مختلفه ایران مشغول سرباز گرفتن می باشند.

سرمایه‌داران سواحل نوا و تیمز مصمم هستند که مانع از وزش هر گونه نسیم آزادی و دموکراسی در آسیای وسطی گردند و برای نیل بدین مقصود از هیچ وسیله نامشروعی روگردان نیستند و هیچ یک از قواعد انسانیت و مدنیت و شرافت را مراعات نمی‌دارند.

آقایان. در صورتی که آداب و اخلاق و وجدان اقتضا می‌کند به ضعف و پیرمردان مراعات شود و ریش سفیدها همواره طرف تواضع باشند، چرا نبایستی در اخلاق بین‌المللی نیز همین قاعده مرعی شود؟ چرا نباید ایران را که ریش سفید و یکی از پیرترین ملل متمدنه عالم است به حال خود وا گذاشت و به جای عذاب وی را دستگیری نمود.

آقایان. ایران را زرتشت پدید آورد که قرن‌ها قبل از حضرت مسیح، کشت زمین و کارگری را از نظر دیانت جزو اعمال نیک و صواب قرار داد. ایران وطن بزرگترین شاعر و ادیب شرق سعدی است که در اواسط قرن هفتم چنین سروده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

ایران همیشه مجذوب آزادی و دموکراسی بوده است و امروز نیز فرقه‌های بزرگ سیاسی در آن سرزمین پدید آمده که مرامنامه‌هایشان از اغلب جهات با اصول اعتدالیون موافق است و حتماً اگر مداخلات خارجه آن عامه پرستی نوزاد جوان را زمان داده بود همه مملکت را تسخیر نموده بود. تمام مساعی و کوشش ما مشروطه‌خواهان ایران در این بوده و هست که آزادی کلام و قلم و استماع و جمعیت و تعطیل را با تمام معنی این کلمات به موجب مرامنامه‌های خود در ایران نگاهداری نموده و آزادی افکار و وجدان را برقرار نماییم و در عین صلح و آرامش به ترقی و رفاه زندگانی پرداخته و به بهبودی حال کشاورزان کوشیده از راه حفظ ایران در

مقابل حرص و طمع‌کاری ملل خارجی کمکی به صلح و سلامت عالم نموده باشیم ولی برای انجام این مقصود باید تمامی زنجیرهای سیاسی و اقتصادی که به دست و پای ایران زده شده در هم شکسته گردد و استقلال کامل آن ملت اعاده شود و دول خارجه را در امور داخلی ما مداخله‌ای برجا نماند.

خلاصه ما تقاضا می‌کنیم:

۱- عهدنامه انگلیس و روس ۱۹۰۷ راجع به ایران فسخ شده و آزادی سیاسی و اقتصادی ایران اعاده شود.

۲- ایران در اداره مالیه و قشون خود کاملاً آزاد و مختار باشد و حق ایران در استخدام مستشاران از ممالک خارجه و انتخاب آنها از هر مملکت به او مسترد شود. ایران دارای حق استقراض از خارجه باشد.

۳- ایران آزادی گمرکی داشته باشد و اهالی مملکت مجبور نباشند که برای تحصیل مایحتاج پول خود را به سرمایه‌داران مسکو و لندن داده و کارگر ایرانی از گرسنگی جان بدهد.

۴- ایران حق کشتیرانی در دریا‌های خود و حق استفاده از معادن خود که دولتین همجوار مخصوص و منحصر به صاحب امتیازات خود نموده‌اند داشته باشد.

۵- امتیازات بی‌حد و حساب که به زور گرفته شده و هر یک بندی به دست و پای ملت ایران و استقلال آن گردیده و تمام قیودات و تعهدات جابره که یکان یکان به وسیله اتمام حجت و تهدید گرفته شده منسوخ گردد.

۶- استقلال کامل ایران باید اعاده شود و ملت ایران بتواند در خاک خود به طور آزاد وسائل رفاه و ترقی خود را با صلح و آرامش فراهم آورد. آقایان. صلح‌طلبان دنیا سعی دارند که برای اینکه اوضاع و مناظر وحشتناک این جنگ عالمگیر تکرار نشود یک صلح مستمر و مستحکمی

پایدار و برقرار شود ولی بدیهی است که رفع جنگ بسته به رفع اسباب آن است و یکی از موجبات مهم جنگ و خونریزی همانا مسئله جهانگیری دول استعمار طلب است. جنگ بر طرف نمی شود مگر وقتی که این طمع و رقابت دول بزرگ در مقهور ساختن ملل مشرق زمین از میان برود والا تا وقتی که این ملل مظلوم باشند دائم در صدد انتقام و مترصد فرصت خواهند بود که آتش کینه دیرینه خود را از خون ظالمین خود دهند.

ایران به حسب موقع جغرافیایی خود همیشه در آینده کانون جدال و کشمکش بین دول اروپایی خواهد بود. همان طور که در گذشته هم منشأ اختلافات و کینه ورزیهای سخت مخصوصاً بین روس و انگلیس بوده است. مسئله رقابت روس و انگلیس بر سر ایران همواره از صد سال به این طرف فضای سیاست اروپا را تیره و تار ساخته و حتمی است که اگر این مسئله امروز به طوری که دلخواه ملت ایران است حل نشود، دیری نخواهد گذشت که به پهنای مملکت ایران مانند خاک لهستان میدان جنگهای خونین دیگر خواهد گردید و یگانه چاره ای که به نظر می آید این است [که] ایران در آسیای وسطی مانند مملکت سویس که اروپای وسطی در امور خود مختار و در دفاع از حقوق خود آزاد باشد تا بتواند در مقابل حرص و طمع خارجی که موجب جنگ و خونریزی است سدی بشود.

آرزوی ما این است که این کنفرانس که به اعتقاد ما نمایندگان نیک و آزادیخواه حقیقی در آن گرد آمده اند صدای خود را در همراهی مملکت ستمدیده ما بلند کند و عقیده خود را ظاهر سازد تا تمام سکنه کره زمین این صدا را شنیده و آزادی ایران که در سردفتر تاریخش نجات یهود از اسارت بابل ثبت است و تیسفون پایتخت قدیمش در قرن ششم میلادی پناهگاه فلاسفه مطرود و فراریان روم بود اعاده شود.

اگر واقعاً دولی که ادعا دارند که حامیان ملل ضعیف هستند و چنان که یکی از مهمترین سردهسته های آنها که رئیس جمهوری یکی از ممالکی

است که تازگی با ایشان متحد شده است، با آب و تاب هر چه تمامتر به طور رسمی اظهار داشت که در راه برقراری اصول ملیت می جنگند در گفته خود صادق هستند وقت است که ادعای خود را در ایران که بهترین مصداق ملیت است از قول به عمل آورند.

مجمع اجتماعیون که در ۱۳۳۸ از ۲۳ تا ۲۸ شعبان در کپنهاگ منعقد شده بود در خصوص ایران قرارداد مخصوصی داد که بعضی از مضامین آن از قرار ذیل است:

«نظر به اینکه از آغاز شورش ایران به موجب قرارنامه ۱۹۰۷ میان روس و انگلیس حکومت امپراتور روس در راه جلوگیری از مشروطیت در ایران همه گونه وسایل برانگیخته.

«نظر به اینکه دولت روس چندین بار ظاهراً به بهانه حمایت اتباع خود و حفظ سرحد ولی در باطن به قصد ایجاد مشکلات در مقابل مساعی دموکراتهای آن کشور مداخلات در امور ایران نموده و حتی بعضی اوقات این مداخله به قوه مسلحه نیز متکی بوده است.

«نظر به اینکه قشون و نظمی روس علناً و با شدت هر چه تمامتر بر ضد آزادیخواهان و رؤسای آنها رفتار می نمودند.

«نظر به اینکه امروز هم دولت روس به وسیله عمال مخفی خود در ایران مشغول خدعه و نیرنگ و تحریکات است و قسمت مهمی از قشونش هنوز با وجود بازخواستهای مکرر مجلس شورای ملی و دولت ایران در خاک آن مملکت هستند.

«خلاصه نظر به اینکه دولت روسیه که در داخله مملکت خود در اقدامات خونین خویش بر ضد آزادی مظفریتی دارد و نمی تواند مشروطیت را در سرحد خود برقرار ببیند مسلماً در صدد است که با سعی و کوشش هر چه تمامتر حکومت مستبده را از نو در ایران و عثمانی دایر نماید لهذا به مناسبت این اعمال مهم و غامض که برای دو ملت جوان شرقی حکم یک خطر دائمی را داراست مجمع حاضر فرقه های اجتماعیون اروپا را با اصرار هر چه تمامتر

ترغیب و دعوت می‌نماید که هر چه از دستشان برمی‌آید در راه خاتمه دادن به رفتار ارتجاعی دولت تزاری روسیه به عمل آورند.»

اینک به نظر می‌آید که دوره تجاوزات تزاری از پای در آمده باشد. اکنون باید دید که دولت جدید روسیه در راه تلافی مظالم آن دوره وحشتناک و ترمیم آن تجاوزات چه کوشش خواهند نمود. آیا پیشروان انقلاب روسیه صدای این مجمع را که حکم محکمه عالی عدالت خواهان را دارد خواهند شنید و دست از سر ایران برخواهند داشت؟ آقایان با وجودی که ما از روسیه زجرها کشیده‌ایم، امروز حاضریم که بدون هیچ کدورتی با ملت روس دوست شده، همسایه مهربان و بی‌آزاری باشیم. ما حاضریم گذشته‌ها را فراموش کنیم و دست برادری به سوی جانشینان تزاری دراز کنیم، به شرط اینکه آنان نیز قلم بر گذشته کشیده با ما مانند یک ملت مستقل و دوست رفتار نمایند.

آقایان. نخبه عدالت خواهان! چرا نباید که این اجتماع شما حکم خود را درباره کشور ما اظهار دارد! صدای عدالتخواهی شما به گوش همه ملل دنیا برسد تا دهقانان ایران در کنار کشتزارهای خود بشنوند که حقوق آنها در استکھلم از طرف بهترین عناصر آزادیخواه که خود را مدافع قاطبه رنجبران دنیا قرار داده‌اند دفاع می‌شود.

ما به نام ملت ایران از این مجمع بین‌المللی اجتماع‌یون دادخواهی می‌نماییم که اعلامیه‌ای درباره ایران و حفظ این کشور باستانی صادر نمایند تا در حقیقت این حس عدالتخواهی و نوع‌پروری از طرف آقایان در تمام دنیای امروزی طنین‌انداز گردد و مردم ببینند و بدانند که تحولات امروزی چه به بار آورده و چه نیک‌مردانی برای حفظ نوع، برای جلوگیری از ظلم و ستم، برای احقاق حق مظلومین، برای خراب کردن کاخ استبداد و جور و تعدی قد مردی و مردانگی علم کرده روزگار نوینی را بر پایه صلح و آرامش برای فردای این دنیای مشقت‌بار به وجود می‌آورند.

اصول مصوب جمعی از ایرانیان برلن برای اصلاح و ترقی مملکت، ۲۵ رجب ۱۳۳۶

جمعی از ایرانیان مجتمع در برلن برای اصلاحات و ترقی اوضاع مملکت مسائل ذیل را اهم و الزام دانسته و در انجام این مقاصد اتفاق نظر حاصل نموده خود را در رفع موانع و ایجاد مقتضیات پیشرفت آن متعهد می‌دانند.

۱. سعی و کوشش در ازدیاد اقتدار هیئت حکومت و مراقبت در دوام آن. هیئت دولت مادامی که یک اکثریت عظیمه قریب به اتفاق مجلس شورای ملی و در غیاب مجلس ملی یک اکثریت عظیمه قریب به اتفاق از وجوه سیاسیون مملکت آن را در سیاست داخلی طرفدار برهم زدن اساس مشروطیت و در سیاست خارجی خائن مملکت ندانند برقرار خواهد بود.

۲. عمده مجاهدات اولیه دولت باید صرف تشکیل قوای نظام و تنظیم قوای تأمینیه و ترتیب مالیه و تأسیس بودجه مملکتی بر طبق قواعد جدیده بشود. دولت برای تشکیلات و تنظیمات مزبوره متخصصین از ممالک

اصلی خاطرات، تلاش شده است که این‌گونه توضیحات کلی‌تر به صورت یک «سالشمار توضیحی» تنظیم و ارائه گردد. لازم به توضیح نیست که در این «سالشمار توضیحی» نه کل تحولات ایران و کشورهای اروپایی در جنگ اول، که فقط حوادث و رخدادهایی مورد توجه بوده‌اند که به نحوی گذرا در خاطرات وحیدالملک به آنها اشاره شده است.

در تدوین مطالب مربوط به تحولات سیاسی و نظامی اروپا در درجه اول از سه کتاب ذیل استفاده شده است.

Philip J. Haythornthwaite, *The World War One Source Book*, Arms and Armour Press, London, 1997; Anthony Livesey, *The Viking Atlas of World War I*, Viking, London, 1994; Stephen Pope and Elizabeth - Anne Wheal, *The Macmillan Dictionary of The First World War*, Macmillan, London, 1997.

و برای تحولات مربوط به عملیات نظامی عثمانی‌ها در مرزهای غربی ایران و همچنین پاره‌ای از تحولات کشور در این دوره، در درجه اول از این کتب استفاده شده است:

W. E. D. Allen and Paul Muratoff, *Caucasian Battlefields*, Cambridge University Press, 1953.

ژنرال جیمز فردریک مابری، عملیات در ایران، جنگ جهانی اول، ۱۹ - ۱۹۱۴، ترجمه کاوه بیات، تهران: انتشارات رسا، ۱۳۶۹.

۳ مارس ۱۹۱۶. تشکیل کابینه سپهسالار تنکابنی: با تشتت و عقب‌نشینی کامل نیروهای ملی که با اوج اقتدار نظامی و سیاسی متفقین - و به‌ویژه روس‌ها - در ایران توأم بود، دولت سپهسالار بر سر کار آمد.

۲۹ آوریل ۱۹۱۶. سقوط کوت‌العماره: با تسلیم نیروهای انگلیسی محصور در کوت‌العماره به نظامیان عثمانی، در مناسبات و موازنه نظامی منطقه دگرگونی مهمی حاصل شد. یکی از مهمترین این دگرگونیها، تلاش جدید نیروهای عثمانی برای پیشروی مجدد در محور خانیقین - کرمانشاه بود.

۶ ژوئن ۱۹۱۶. عقب‌نشینی روس‌ها از قصرشیرین: نیروهای ژنرال باراتوف که در اوائل مه همان سال قصرشیرین را به تصرف درآورده بودند، در برابر پیشروی نیروهای عثمانی قصرشیرین را تخلیه کردند.

۳۰ ژوئن ۱۹۱۶. سقوط کرمانشاه: در ادامه پیشروی نیروهای عثمانی به فرماندهی علی احسان پاشا، نیروهای روسیه نخست کرمانشاه و چندی بعد نیز در ۱۰ اوت همدان را تخلیه کردند.

۱۲ اوت ۱۹۱۶. سقوط کابینه سپهسالار: در پی بحران ناشی از احتمال ادامه پیشروی عثمانی‌ها به سمت تهران، که به تدارک نمایندگان سیاسی و اتباع دول متفق برای ترک پایتخت منجر شد، دولت سپهسالار نیز که در اصل به حمایت متفقین استوار بود، سقوط کرد.

۲۹ اوت ۱۹۱۶. تشکیل دولت وثوق‌الدوله: چندی بعد با توقف پیشروی نیروهای عثمانی - بیشتر بنا به دشواریهای تدارکاتی - بحران حاکم بر تهران کاهش یافت و وثوق‌الدوله ریاست هیئت وزرا را برعهده گرفت.

اوت ۱۹۱۶ (تا ژانویه ۱۹۱۷). جبهه رومانی: رومانی که از آغاز

جنگ بی طرف بود، در تابستان ۱۹۱۷ با توجه به توقف پیشروی آلمان در جبهه غرب، شکست اطریشی‌ها در جبهه ایتالیا و پیشروی روس‌ها در جبهه شرق تحت فرماندهی ژنرال بروسیلوف، تصمیم گرفت که به نفع متفقین وارد جنگ شود. لهذا در ۲۷ اوت پس از اعلان جنگ به متحدین، و برخلاف نظر متفقین که حمله نیروهای نظامی رومانی را به سالونیکا - جنوب شرق - مصلحت می‌دانستند، مواضع اطریشی‌ها را در ترانسیلوانیا مورد حمله قرار داد.

متحدین که انتظار چنین حمله‌ای را داشتند در مقام مقابله برآمده و در اواسط سپتامبر نیروهای مشترک آلمان و اطریش که تحت فرماندهی ژنرال فالکنهاین قرار داشتند وارد عمل شدند و تا ۶ اکتبر کل مواضع از دست‌رفته در ترانسیلوانیا را مسترد داشتند. در این میان نیروهای نظامی بلغارستان نیز که در اوائل سپتامبر همان سال بر ضد متفقین اعلام جنگ داده بود، در کنار واحدهای نظامی آلمان و عثمانی و تحت فرماندهی ژنرال مکنزن بر ضد رومانی وارد جنگ شد و نیروهای مشترک رومانی، صربستان و روسیه را از منطقه دُبروجا واقع در جنوب شرقی رومانی عقب راند.

درحالی‌که نیروهای نظامی رومانی و متحدانش در دو جبهه درگیر بودند و تلاشهای متفقین برای ارسال نیروهای امدادی به جایی نرسید، ژنرال مکنزن در اواخر اکتبر حمله خود را از سمت جنوب از نو آغاز کرد. یکی از نخستین نتایج این حمله سقوط گنستاتنا، بندر عمده رومانی در ۲۳ اکتبر بود. در پی این تحولات، در اوائل نوامبر ژنرال فالکنهاین نیز پیشروی خود را از سر گرفته، و والاشیا را تصرف کرد. بوخارست در ۶ دسامبر سقوط کرد و باقیمانده نیروهای نظامی رومانی به مُلداوی عقب‌نشسته و در اواخر ژانویه ۱۹۱۷ در امتداد رود سیرت مستقر شدند.

اگرچه تلاشهای بعدی نیروهای متحدین برای عبور از رود سیرت و

تعقیب قوای رومانی به جایی نرسید، ولی رومانی با برجای گذاشتن ۳۵۰ هزار نفر تلفات و از دست دادن $\frac{۳}{۴}$ قلمرو خود که منابع اقتصادی مهمی چون معادن نفت را شامل می‌شد، ارزش نظامی و سیاسی خود را از دست داده و تا پایان جنگ نقش مهمی ایفا نکرد.

اکتبر ۱۹۱۶. نبردهای سُم و وِردَن: گذشته از تحولات رومانی که در بخش بعدی بدان اشاره خواهد شد، نبردهای جاری در سُم و وِردَن نخستین مضامینی هستند از رشته تحولات نظامی جبهه غرب که در یادداشتهای وحیدالملک، پس از ورود وی به برلن منعکس می‌شود. هردوی این موارد، نبردهایی بودند از یک سلسله عملیات گسترده‌تر که مدتی پیش از ورود او به اروپا آغاز شده و تا از حرکت ایستادن نیز راه درازی در پیش داشتند.

عملیات سُم که مهمترین تهاجم متفقین در جبهه غرب در سال ۱۹۱۶ محسوب می‌شد از اول ژوئیه آغاز و تا اواسط فوریه همان سال به طول انجامید. پیشرفتهای محدود متفقین، نیروهای انگلیسی در امتداد محور فِلِر - کورسِلِت (۱ - ۲۰ اکتبر) و ارتفاعات آنکر (۱ - ۱۱ اکتبر) و نیروهای فرانسوی در اطراف شُل و ماروُل در بخش جنوبی جبهه در همین دوره، نبردهای مورد اشاره در خاطرات وحیدالملک است.

آنچه نیز وی در ادامه این یادداشتهای در ۲۶ اکتبر، تحت عنوان چیرگی مجدد فرانسوی‌ها بر وِردَن مورد اشاره قرار می‌دهد نیز بخشی از یک رشته نبردهای طولانی‌ترین، و از حیث تلفات سنگین‌ترین کارزار جنگ اول جهانی یاد شده است. این رشته جنگها از اواسط فوریه ۱۹۱۶ آغاز و تا اواسط دسامبر همان سال در حول و حوش دژ شهر وِردَن واقع در کناره رود مُز ادامه یافت.

با شروع عملیات نیروهای انگلیسی در جبهه سُم در تابستان همان

سال - چنان‌که اشاره شد - و لهدا ناتوانی آلمانی‌ها در تقویت جبههٔ وردن، عملیات فرانسوی‌ها در این بخش افزایش یافت و در اواخر اکتبر، قلعهٔ مُمان و بخشهایی دیگر از این منطقه که فتح آن برای آلمانی‌ها چهارماه به طول انجامیده بود، از نو در تصرف فرانسوی‌ها قرار گرفت.

۷ دسامبر ۱۹۱۶. استعفای اسکویث: در اواخر سال ۱۹۱۶ کابینهٔ هربرت اسکویث رهبر حزب لیبرال که از ۱۹۰۸ ریاست وزرای بریتانیا را برعهده داشت با توجه به بن‌بست حاصله در جنگ و به‌ویژه تلفات سنگین نیروهای انگلیسی در سُم و دیگر جبهه‌های نبرد در موقعیت دشواری قرار گرفت. لوید جُرج که در این دوره وزارت مهمات را برعهده داشت با حمایت برخی از سیاستمداران حزب محافظه‌کار موجبات استعفای اسکویث را فراهم کرد و خود در ۷ دسامبر ۱۹۱۶ ریاست دولت را در دست گرفت.

دسامبر ۱۹۱۶. تجدید فعالیت‌های نظامی روسیه در جبههٔ ایران: همزمان با شروع تعرض مجدد نیروهای انگلیسی در جبههٔ بین‌النهرین که از اواسط دسامبر با پیشروی قوای ژنرال مود به سمت بغداد آغاز شد، جبههٔ ایران نیز که در پی استقرار نیروهای عثمانی در همدان در اوت همان سال آرام گرفته بود، از نو صحنهٔ یک رشته رویارویی‌های جدید واقع شد. سپاهیان روسیه در دو گروه - نیروهای ژنرال چرنوزوبوف در محور تبریز - رواندوز - موصل و نیروهای ژنرال باراتوف در محور قزوین - کرمانشاه - بغداد آماده شدند که قوای عثمانی را که بخش اصلی آن در همدان مستقر بود و واحدهایی را نیز در سنندج و بیجار از یک‌سو و بروجرد و دولت‌آباد از سوی دیگر قرار داده بود، مورد حمله قرار دهند. درحالی‌که نظر به شکست‌های پی‌درپی عثمانی‌ها در جبههٔ بین‌النهرین

عقب‌نشینی واحدهای عثمانی از خاک ایران آغاز شده بود، نیروهای روسیه بدون مقاومت چندانی به سمت همدان و دیگر نقاط غرب ایران پیشروی کرده و در ۱۰ مارس ۱۹۱۷ - همزمان با سقوط بغداد به دست نیروهای انگلیسی - در کرمانشاه مستقر شدند. نیروهای نظامی روسیه در ۲۰ آوریل ۱۹۱۷ به خانقین رسیدند.

۲۶ مارس ۱۹۱۷. مقدونیه: تلاش متفقین برای حمایت از ارتش صربستان در مراحل نخست جنگ، در اکتبر ۱۹۱۵ به استقرار نیروهایی در بندر سالونیکا - واقع در بخش ساحلی مقدونیه در کنارهٔ دریای اژه - منجر شد. اگرچه پیش از فرا رسیدن نیروهای امدادی متفقین، قوای صربستان شکست خورد و به آلبانیا عقب نشست، ولی نیروهای متفقین که تحت فرماندهی ژنرال سِرای فرانسوی قرار داشتند، در مقدونیه برجای مانده و در اطراف سالونیکا مواضعی دفاعی اتخاذ کردند.

تلاش‌های مکرر ژنرال سِرای برای درهم شکستن خط محاصرهٔ نیروهای بلغارستان و آلمان - از جمله یورش مارس ۱۹۱۷ او که در خاطرات وحیدالملک مورد اشاره قرار گرفته است - هیچ‌یک به نتیجه نرسید و فقط در مراحل پایانی جنگ و بعد از عقب‌نشینی واحدهای آلمانی بود که نیروهایی متفقین توانستند تحت فرماندهی ژنرال دِسپری، نیروهای بلغارستان را عقب رانده و جبههٔ مقدونیه را از نو تحرک بخشند.

آوریل ۱۹۱۷. آراس: تلفات هولناک و بی‌نتیجهٔ متفقین در وردن و سُم به دگرگونی‌هایی در خط مشی نظامی متفقین منجر شد؛ گذشته از پاره‌ای تغییرات و نوآوری‌های تاکتیکی، انتصاب ژنرال نیول - «فاتح» وردن - به جای ژنرال ژُفر در مقام فرماندهی کل قوا از مهمترین این تغییرات بود. تهاجم جدید متفقین در جبههٔ آراس - ۹ آوریل - که یکی از مهمترین

نتایج این دگرگونیها بود نیز همانند دیگر عملیات جبهه غرب در آن دوره، پس از یک رشته پیشرفتهای جزئی در برخی نقاط، بهرغم تلفات سنگینی که به بار آورد - ۱۵۰۰۰۰ نیروی انگلیسی، در برابر حدود ۱۰۰۰۰۰ سرباز آلمانی - بازهم به یک گشایش استراتژیک منجر نشد و کل عملیات، پس از چند هفته، در اوایل ماه مه از حرکت ایستاد.

مه ۱۹۱۷. جبهه ایتالیا: ایتالیا که از دیرباز نسبت به متصرفات اطریش در بالکان نظر داشت با ملاحظه ناتوانیهای نظامی اطریش در مراحل نخست جنگ تصمیم گرفت به نفع متفقین وارد جنگ شود، لهذا در مه ۱۹۱۵ بر ضد اطریش اعلام جنگ داد.

استراتژی نظامی ایتالیا در این رویارویی اتخاذ یک خط مشی دفاعی در ترنتینو - بخش کوهستانی مرزهایش با اطریش در شمال - و اتخاذ یک خط مشی تهاجمی در ایسونزو، بخش نسبتاً جلگه‌ای این مرزها در جنوب شرق بود. حملات اولیه ایتالیایی‌ها به فرماندهی ژنرال کادونا در جبهه ایسونزو - چهار یورش در فاصله ژوئن تا دسامبر ۱۹۱۵ - بهرغم تلفات سنگینی به نتیجه قابل توجهی نرسید. درحالی‌که یورش چهارم کادونا در همان جبهه آغاز شده بود، اطریشی‌ها در اواسط مارس ۱۹۱۶ در جبهه کوهستانی ترنتو بر ضد ایتالیایی‌ها وارد عمل شدند، ولی این اقدام نیز جز از حرکت انداختن یورش پنجم ایتالیایی‌ها در ایسونزو و برخی پیشرویهای موقت در ترنتو نتیجه دیگری نداشت، و رویارویی نظامی اطریش و ایتالیا نیز چون دیگر عملیات جاری در بخشهای مرکزی اروپا، جنبه‌ای ثابت و فرسایشی یافت. این بود که سه حمله بعدی ایتالیایی‌ها در ایسونزو در فاصله اوت تا نوامبر ۱۹۱۶ نیز بهرغم پاره‌ای پیشرویهای محدود، نتیجه تعیین‌کننده‌ای به بار نیاورد.

حمله یازدهم ایتالیایی‌ها در جبهه ایسونزو - اواسط مه ۱۹۱۷ که در

خاطرات وحیدالملک مورد اشاره قرار دارد نیز اگرچه با پیشروی قابل توجهی توأم نشد، ولی اطریش را در چنان وضعیتی دشواری قرار داد که از متحد آلمانی خود درخواست کمک کرد.

اگرچه نیرویی که آلمان بدین جبهه اعزام داشت نیروی چشمگیری نبود، ولی مدیریت و برنامه‌ریزی فرماندهان نظامی آلمان که در اواخر اکتبر ۱۹۱۷ به صورت نبرد کاپرتو تلوور یافت، جبهه ایتالیا را کاملاً درهم شکست. تنها ناتوانی نیروهای مشترک آلمان و اطریش در بهره‌برداری از این موقعیت و تعقیب سپاهیان منهزم ایتالیا، مانع از شکست کامل ایتالیا شد.

۲۸ مه ۱۹۱۷. سقوط دولت وثوق‌الدوله: هم‌زمان با تحولات ناشی از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که خود را در ایران به صورت تجدید حیات نیروهای ملی کشور برای خاتمه دادن به مداخلات سیاسی و حضور نظامی بیگانگان نشان داد، دولت وثوق‌الدوله در ۲۸ مه ۱۹۱۷ سقوط کرد و تا حدود یک سال بعد که وی از نو زمام امور را در دست گرفت، دولتهای ضعیفی بر سر کار آمدند که نخستین آن کابینه‌ی علاء‌السلطنه بود که در ۵ ژوئن ۱۹۱۷ تشکیل شد.

ژوئن (تا نوامبر ۱۹۱۷). جبهه غرب: تلفات حاصل از عملیات بی‌نتیجه متفقین در بهار ۱۹۱۷ نه فقط نیروهای فرانسوی را برای مدتی از کار انداخت که به شورشها و نافرمانی گسترده‌ای در میان آنها نیز منجر شد. درحالی‌که مقامات فرانسوی به تجدید سازمان ارتش و سرکوب این شورشها گرفتار بودند، برای مدتی بار اصلی جنگ در جبهه غرب برعهده نیروهای انگلیسی محول شد. این بار نوبت فرماندهان انگلیسی بود که به همان ترتیب معمول و بی‌حاصل پیشین، امواج پی‌درپی انسانی را به کام مرگ بفرستند.

در خلال این عملیات که در یادداشت‌های وحیدالملک از آنها به‌عنوان عملیاتی در «فرونت فلاندر» یاد شده است نیروهای بریتانیا در چهار نوبت حمله کردند؛ نخست در ۷ ژوئن ۱۹۱۷ که به تصرف یال‌مِین منجر شد، دوم حمله اصلی انگلیسی‌ها که به نبرد سوم ایپر شهرت دارد در ۳۱ ژوئیه که به نتایج قابل توجهی نرسید. سوم نبردهایی که در ۶ نوامبر به تصرف روستای پِشندیل منتهی شد و بالاخره حمله ۲۰ نوامبر همان سال بر کامبره. اگرچه در این نبرد به دلیل بهره‌برداری از نوآوری‌هایی چون تانک، خطوط دفاعی آلمانی‌ها درهم شکسته شد، ولی متفقین نتوانستند از این گشایش موقت بهره لازم را ببرند.

اول ژوئیه ۱۹۱۷. گالیسیا: این ایالت که در آغاز جنگ، صحنه یکی از نخستین روبروایی‌های نظامی روسیه و متحدین بود، در مراحل پایانی جنگ نیز به همین مناسبت اهمیت یافت. هنگامی که کرنسکی در مه ۱۹۱۷ وزارت جنگ دولت موقت روسیه را عهده‌دار شد، در مقام تأکید بر تعهدات نظامی روسیه نسبت به متفقین، حمله جدیدی را در جبهه گالیسیا تدارک دید.

اگرچه این حمله در مرحله نخست خود - اول ژوئیه ۱۹۱۷ - با موفقیت‌هایی توأم بود و نیروهای مشترک آلمان و اطریش را به عقب راند، ولی در عرض دو هفته تمامی تاب و توان خود را از دست داد. از این مرحله به بعد جبهه شرق روسیه عملاً مضمحل شد.

اول سپتامبر. سقوط ریگا: با حمله سپاه هشتم آلمان به مواضع نیروهای روسیه در حول و حوش ریگا - منتهی‌الیه شمالی جبهه شرق - در اول سپتامبر ۱۹۱۷، روسیه که دستخوش ناآرامی‌های حاصل از انقلاب بود، تاب مقاومت نیاورد و سپاه دوازدهم روسیه که مسئولیت دفاع از این

بخش را عهده‌دار بود در مقابل پیشروی آلمانی‌ها عقب نشست و در ۲ سپتامبر ریگا سقوط کرد.

۲۱ نوامبر ۱۹۱۷. تشکیل کابینه عین‌الدوله: به‌جای علاءالسلطنه که چندی بعد در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۸ جای به کابینه مستوفی‌الممالک سپرد. اعضای کابینه مستوفی‌الممالک عبارت بودند از: مشیرالدوله، جنگ؛ مؤتمن‌الملک، علوم و اوقاف؛ مخبرالسلطنه، عدلیه؛ مخبرالملک، مالیه؛ مشاورالممالک، خارجه؛ سردار اسعد، پست و تلگراف؛ معین‌الوزاره، فواید عامه.

۳ مارس ۱۹۱۸. معاهده برست لیتوفسک: یکی از نخستین اقدامات بلشویک‌های روسیه بعد از قبضه قدرت در اکتبر ۱۹۱۷، آغاز رشته مذاکراتی بود با دولت‌های مرکز که در ۱۶ دسامبر همان سال به ترکی مخاصمه منجر شد. کمتر از یک هفته بعد نمایندگان از آلمان، اطریش، عثمانی، بلغارستان و اوکراین در شهر برست لیتوفسک گرد آمده و برای انعقاد یک پیمان صلح با نمایندگان دولت بلشویکی روسیه وارد مذاکره شدند. این مذاکرات بعد از فراز و نشیب‌هایی چند، از جمله تلاش بلشویک‌ها برای دفع‌الوقت به امید بروز «انقلاب جهانی» و منتفی شدن ضرورت هرگونه مذاکره‌ای با قدرتهای وقت و اقدام مؤثر نیروهای آلمانی در از سرگیری عملیات نظامی که بلشویک‌ها را به فیصله امر واداشت، در ۳ مارس ۱۹۱۸ به امضاء پیمانی بین طرفین منجر شد که به قرارداد برست لیتوفسک شهرت یافت.

۳ مارس ۱۹۱۸. تهاجم بهاره آلمان در جبهه غرب: استقرار تدریجی ولی مستمر نیروهای تازه‌نفس آمریکایی از اواسط سال ۱۹۱۷ در جبهه غرب، بر طرحها و برنامه‌ریزیهای جاری نظامی تأثیر تعیین‌کننده‌ای

برجای نهاد. فرماندهان نظامی متفقین با توجه به تلفات سنگین نبردهای پیشین و اطمینان از برتری نهایی، بنای کار را بر اتخاذ یک رشته سیاستهای دفاعی نهادند. از سوی دیگر فرماندهی نظامی متحدین یا به عبارت دقیقتر لودندورف و هیندنبورگ که با توجه به ورود و استقرار تدریجی نیروهای آمریکایی، تفوق حاصله از فروپاشی جبهه شرق و انتقال بخش مهمی از نیروهای آن طرف را به جبهه غرب، موقت و گذرا می دیدند، تصمیم گرفتند تا فرصت باقی است، حملاتی را صورت دهند. این رشته جنگها که به نام حملات بهاره شهرت یافت در پنج مرحله صورت گرفت.

نخستین این یورشها، حمله‌ای بود در ۲۱ مارس ۱۹۱۸ به مواضع متفقین در آراس که با سقوط سن‌کوئنتن به درهم شکسته شدن خطوط دفاعی آنها منجر شد. آلمانی‌ها دلیل دشواریهای تدارکاتی از ادامه حمله بازماندند. حمله بعدی آلمانی‌ها در اول آوریل، و در بخش شمالی جبهه غرب - در فلاندر - صورت گرفت که آن نیز پس از یک پیشروی کوتاه از حرکت ایستاد.

به‌رغم این ناکامیها و تلفات حاصل از آن، حملات آلمانی‌ها ادامه یافت؛ این بار بخش جنوبی جبهه غرب هدف قرار گرفت. در ۲۷ مه خطوط دفاعی فرانسوی‌ها در ازن درهم شکست و نیروهای آلمانی در پیشروی‌ای که از مراحل نخست جنگ در ۱۹۱۴ سابقه نداشت، حدود ۴۰ کیلومتر پیشروی کردند. ولی بار دیگر مشکلات تدارکاتی و ضدحمله متفقین کارساز واقع شد و در اوائل ژوئن این حمله نیز از حرکت بازماند. کما این که حمله بعدی آلمانی‌ها در همان جبهه در ۹ ژوئن، بدون آن‌که با پیشرفت قابل توجهی مواجه شود به سرعت متوقف شد.

مه ۱۹۱۸. آخرین دور از پیشروی عثمانی‌ها در ایران. به دلیل مشکلات تدارکاتی و همچنین درگیریهای نظامی در دیگر جبهه‌های آسیا

- بین‌النهرین و قفقاز - هیچ‌یک از دولتهای بریتانیا و عثمانی نتوانستند برای پر کردن خلأ ناشی از خروج نیروهای روسیه از بخشهای شمالی و غربی ایران، تلاش قابل توجهی صورت دهند. درحالی‌که تلاش انگلیسی‌ها برای فراهم آوردن نیرویی جهت استقرار در محور کرمانشاه - همدان - قزوین و همچنین تسلیح و ساماندهی حدود ۱۰۰۰۰ پناهنده آسوری و ارمنی در حدود ارومیه به صورت شکسته بسته‌ای در زمستان ۱۹۱۸ جریان داشت، بخشی از نیروهای نظامی عثمانی در اواخر آوریل همان سال بدون رویارویی با مقاومتی به سمت تبریز پیشروی کردند و بخشی دیگر نیز که از سمت راوندوز حرکت کرده بود، با آرامنه و آسوری‌های حدود ارومیه درگیر شدند.

نیروهای عثمانی که در ۳ اوت ارومیه را نیز تحت تصرف آورده بودند از اواخر همان ماه در ادامه پیشروی به نواحی داخلی ایران، در ۶ سپتامبر وارد میانه شدند و در ۱۲ سپتامبر نیز به حوالی زنجان رسیدند. این آخرین حد پیشروی آنها بود. زیرا چندی بعد در اکتبر همان سال دستور عقب‌نشینی یافتند و در پی قرارداد ترک مخاصمه ۳۱ اکتبر نیز کل نیروهای خود را از ایران فراخواندند.

ژوئن - ژوئیه ۱۹۱۸. پیاوه: فرماندهان نظامی اطریش نیز که همانند همتایان آلمانی خود تحولات کلی جنگ را در درازمدت به سود خود نمی‌دیدند، تصمیم گرفتند که در تعقیب و تکمیل پیروزیهای پیشین خود در جبهه ایتالیا دست به حمله بزنند. قرار بر آن شد که نیروهای نظامی اطریش که در دو گروه اصلی، یکی در جبهه کرهستانی ترنتینو در شمال و دیگری در جبهه نسبتاً جلگه‌ای مقابل رود پیاوه در جنوب شرق مستقر بودند، همزمان وارد عمل شوند. حمله نیروهای اطریشی در ژوئن ۱۹۱۸ آغاز شد.

پیشرفت نیروهای اطریشی در جبهه ترنتینو که دست‌یابی به ورونا را

هدف قرار داشت در همان مراحل نخست از رمق افتاد و به نتیجه نرسید. حمله همزمان بخش دیگر نیروهای اطریش در امتداد رود پیاوه - با هدف دستیابی به پادوا - اگرچه با موفقیت‌هایی روبرو شد، ولی به دلیل امکانات گسترده‌تر ایتالیایی‌ها برای اعزام نیرو و تدارکات، آن نیز در نهایت به نتیجه مطلوب منجر نشد و اطریشی‌ها وادار به عقب‌نشینی شدند.

اوت - نوامبر ۱۹۱۸. آخرین نبردهای جبهه غرب: در پی ناکامی حملات پی‌درپی آلمانی‌ها در جبهه غرب - مارس ۱۹۱۸، تهاجم بهاره آلمان - متفقین با برخورداری عواملی چون حضور بیش از یک میلیون سرباز تازه‌نفس آمریکایی و انبوهی از تجهیزات جدید نظامی، ابتکار عمل را در دست گرفته و رشته حملاتی را آغاز کردند که در نهایت به شکست اقتدار نظامی آلمان منجر شد.

نخستین این حملات یورش مشترک نیروهای فرانسه و بریتانیا در بخش آمین جبهه سوم بود که در ۸ اوت آغاز شد. نوآوری‌هایی چون اجتناب از بمباران سنگین مواضع دشمن پیش از حمله و کاربرد گسترده تانک به جای آن، نیروهای آلمانی را غافلگیر ساخته و متفقین در همان روز نخست حمله بیش از ۱۲ کیلومتر پیشروی کردند که در مقایسه با دستاوردهای مراحل پیش، پیشرفت چشمگیری بود. با آن‌که این نبرد نیز چون موارد پیشین به علت دشواری‌های تدارکاتی و خستگی نفرات بیش از یک هفته دوام نیاورد و از حرکت بازماند، ولی روحیه نیروهای آلمانی را تضعیف کرد.

حرکت بعدی متفقین، که نخستین عملیات تعیین‌کننده نیروهای آمریکایی نیز محسوب می‌شد در جنوب استحکامات وردن صورت گرفت. درحالی‌که نیروهای آلمانی مستقر در این بخش با توجه به احتمال حمله متفقین، از اوایل سپتامبر به تدریج نیروهای خود را به خطوط دفاعی مستحکمتری در پشت جبهه منتقل می‌کردند، نیروهای آمریکایی با

حمایت یک سپاه فرانسوی در ۱۲ سپتامبر دست به حمله زده و در عرض چهار روز کل این منطقه را تحت تصرف خود درآوردند.

جبهه موز - آرگون عرصه بعدی تهاجم متفقین از نقطه نظر عوارض ارضی و استحکامات یکی از دشوارترین بخش‌های جبهه غرب بود. در این عملیات که از اواخر سپتامبر آغاز شد نیز بار اصلی را نیروهای آمریکایی برعهده داشتند. اگرچه در تمامی عملیاتی که در نقاط مختلف این جبهه جریان داشت صفوف آلمانی‌ها به‌رغم عقب‌نشینی تدریجی، هیچ‌گاه به گونه‌ای که متفقین انتظار داشتند درهم شکست و نیروهایشان منهدم نشد، ولی توأم شدن این حوادث با تحولاتی که در جبهه جنوبی جنگ - ایتالیا و بالکان - جریان داشت، مقاومت سرفرماندهی ارتش آلمان را درهم شکست.

یورش ۱۵ سپتامبر نیروهای فرانسوی و صرب برضد مواضع بلغارها در منتهی‌الیه شمالی جبهه سالونیکا در عرض مدت زمان کوتاهی به شکست بلغارستان و انعقاد قرارداد ترک مخاصمه در ۲۹ سپتامبر منجر شد. در جبهه ایتالیا نیز نیروهای ایتالیایی با حمایت نیروهای فرانسوی و انگلیسی، در ۲۳ اکتبر مواضع اطریشی‌ها را مورد حمله قرار داده و پس از رشته ناکامی‌هایی در بخش‌های کوهستانی جبهه، بالاخره رود پیاوه را پشت سر گذاشته، نیروهای اطریش را در سمت ویتوریو ویتو درهم شکافتند. اطریش در ۳۰ اکتبر تقاضای ترک مخاصمه کرد و سه روز بعد جنگ خاتمه یافت.

هم‌زمان با همین تحولات که امکان پیشروی متفقین را از جنوب میسر می‌ساخت و همچنین ادامه پیشروی تدریجی آنها در جبهه غرب بود که بالاخره فرماندهی نظامی آلمان شکست را پذیرفت و لودندورف در پی طرح ضرورت ترک مخاصمه در اوائل اکتبر، در ۲۷ اکتبر استعفا کرد و بالاخره در ۱۱ نوامبر همان سال قرارداد ترک مخاصمه امضا شد.

ارتنگرن Ortengren (کاپیتان) ۲۵، ۲۴	۶۶۳، ۶۷۳، ۷۴۵، ۷۴۹، ۷۵۰
اردبیلی ۷۰	۷۵۲، ۷۵۴-۷۵۶
اردبیلی، سیدجلیل ۲۱، ۷۰۹	اجتماعیون اعتدالیون ۷۱۲
اردبیلی، سیدحسین ۳۳۳، ۴۴۵	احتشام السلطنه ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۷
اردلان، حاج عزالمالک ۳۷-۳۸	۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۱
۳۰۰، ۲۵۴، ۶۳، ۵۹، ۵۱-۵۰	۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴
۳۸۱، ۳۸۹، ۷۰۸	۱۴۹-۱۵۱، ۱۶۸، ۱۶۹
ارزبرگر M. Erzberger ۵۷۴، ۵۷۵	۱۷۶-۱۷۷، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۰۴
ارزروم (ارض روم) ۷۶، ۸۷، ۳۷۵، ۴۹۵	۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۷
ارسلان بیک ۲۰۲	۲۴۵-۲۴۶، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۰۵
ارفع الدوله ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۴	۳۵۳، ۳۸۵، ۳۸۷، ۴۰۱، ۴۶۶
۶۶۱، ۶۵۶	۴۷۰، ۴۷۴، ۵۰۵، ۵۰۹-۵۱۱
ارمنستان ۷۶، ۷۸، ۸۵، ۳۷۶، ۵۲۳	۵۱۷، ۵۲۶
۶۴۳	احمد شاه قاجار ۲۳، ۲۹، ۱۸۱، ۶۴۳
ارمیرنو ۳۲۱	۷۱۷، ۷۱۸
اروپا، اروپایی ۳۱-۳۲، ۹۸، ۱۰۲	احمد علی خان زند ۷۰۹
۱۰۳، ۱۰۷، ۱۲۷، ۱۴۷، ۱۶۶	اختر، حسن ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۹۷، ۱۹۸
۲۰۴، ۲۱۵، ۲۲۷، ۲۵۸، ۳۴۱	اخگر ۹۲
۳۵۱، ۳۵۷، ۳۶۲، ۳۷۱، ۳۹۹	ادبا ۲۳۰
۴۰۱، ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۲۲-۴۲۴	ادوال Edwall [ماژور] ۲۲۸، ۲۳۶
۴۵۸، ۴۸۱، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۲۳	ادهم بیک ۱۴۵، ۳۹۵، ۴۴۲
۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۴۷، ۵۵۸	ادیب السلطنه سمعی ۲۱، ۲۶، ۵۲
۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۷، ۵۹۰	۶۰، ۶۴، ۷۲، ۷۴، ۳۰۵، ۳۵۳
۵۹۴، ۵۹۸-۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۸	۳۸۱، ۳۸۹، ۷۰۸
۶۲۳، ۶۳۵، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۵	اراک ۲۵، ۳۴-۳۹
۶۴۶، ۶۴۸، ۶۶۳، ۶۶۵	ارامنه ۳۶، ۸۲، ۸۶-۸۸، ۹۰، ۱۲۱
۶۶۸-۶۶۹، ۶۷۳، ۶۷۵، ۶۸۵	۱۲۳، ۴۲۶، ۵۱۳، ۵۱۸، ۷۵۴
۷۰۵، ۷۰۶، ۷۲۵، ۷۲۹، ۷۳۶	ارامنه دانشناک ۳۷۵
۷۴۲-۷۴۳، ۷۴۹	اریاب کیخسرو ۲۷، ۱۸۰، ۲۴۲، ۳۲۳
۷۵۴	۳۵۴، ۴۸۵

۱۹۴-۱۹۵

فهرست اعلام

الف	آ
ابراهیم ادهم ۴۹	آباده ۲۶۴
ابراهیم خان ۳۹۹، ۴۰۷	آتنه ۲۲۰
ابرت Ebert ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۰	آذربایجان، آذربایجانی ۳۶۳
۵۶۱، ۵۶۵	۵۰۸-۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۹
ابوالحسن خان ۳۵۲، ۴۴۶	۵۲۶، ۵۲۸، ۵۶۵
اتابک اعظم ۲۹۱	آراس Arras ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۷
اتریش، اتریشی‌ها ۵۸، ۶۷، ۱۰۸، ۱۱۹	۷۴۸، ۷۵۳
۱۲۱، ۱۳۰، ۱۵۵، ۱۷۴، ۱۸۵	آزاس ۲۱۳، ۳۰۱، ۳۴۱، ۳۷۴، ۴۲۶
۱۸۶، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۴۹	۴۴۳، ۵۰۵-۵۰۷، ۵۲۳، ۵۳۵
۲۷۳، ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۷۴	۵۴۸، ۵۶۷، ۶۰۲، ۶۱۲، ۶۳۴
۳۸۲، ۳۸۸، ۴۰۸، ۴۱۸، ۴۳۳	۶۸۱، ۶۹۵
۴۳۷-۴۳۹، ۴۴۱-۴۴۲، ۴۴۶	آسوری‌ها ۷۲، ۷۵۴
۴۴۷، ۴۵۳-۴۵۴، ۴۶۰، ۴۶۲	آقاسیدفاضل ۲۹۲، ۴۲۹
۴۶۴، ۴۶۶-۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۲	آقا شیخ اسمعیل ۴۲۹
۴۷۴، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴	آقا شیخ حسین تهرانی ۴۱۹
۴۹۵، ۵۰۵-۵۰۸، ۵۱۵-۵۱۷	آلمان، آلمانی‌ها: در اغلب صفحه‌ها
۵۲۱، ۵۲۴، ۵۲۸-۵۳۰، ۵۳۳	آمستردام ۲۴۸، ۶۸۷، ۷۰۳
۵۳۵، ۵۴۸-۵۴۹، ۵۵۵، ۵۵۶	آنکارا ۹۸، ۱۴۱
۵۵۸، ۵۶۸، ۵۸۳-۵۸۴، ۶۰۶	آوانس خان ارمنی ۱۳۷
۶۰۹، ۶۱۲-۶۱۳، ۶۲۴، ۶۲۸	آهانیانس ارمنی ۴۲۶

اره (مکان) ۳۵، ۳۴	۴۹۹، ۴۹۵-۴۹۴، ۵۰۰، ۵۰۲
اریکسن Eriksson ۱۹۵، ۳۴۲	۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۹
ازمیر ۱۴۴	۵۲۰، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۳، ۵۵۴
ازن Aisne ۲۸۷، ۲۸۸	۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۳، ۶۴۹، ۶۷۲
اچارو ۳۹۷	۷۰۳، ۷۰۸، ۷۱۴
اسپانیا، اسپانیایی ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۴۸	استرآبادی، محمدحسین ۷۱۳، ۷۱۸
۷۰۵	استریلگ ۳۴۲
استانبول ۴۷، ۵۲، ۵۶، ۵۸، ۶۰	استرند، کرن ۴۲۴
۶۴-۶۷، ۶۹-۷۰، ۷۳-۷۶، ۸۹	استکهلم ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۷، ۲۸۲-۲۸۵
۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۸-۱۱۲، ۱۱۴	۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۶
۱۱۷، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۳-۱۲۵، ۱۲۷	۲۹۷، ۲۹۹-۳۰۲، ۳۰۵-۳۱۰
۱۲۹، ۱۳۱-۱۳۲، ۱۳۵	۳۱۲، ۳۱۴-۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۱
۱۴۰-۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۸-۱۵۱	۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۳
۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۸	۳۷۴-۳۷۸، ۳۸۰-۳۸۳، ۳۸۷
۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۸	۳۹۰، ۳۹۳-۳۹۴، ۴۰۹-۴۱۰
۱۹۰-۱۹۲، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲	۴۱۶، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۳۱، ۴۳۵
۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۶-۲۱۹، ۲۲۲	۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۶۵
۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۰	۴۸۵، ۵۱۷، ۶۳۸، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۳۸
۲۴۶، ۲۵۱-۲۵۲، ۲۵۵، ۲۶۵	استوکس (ماژور) ۴۹۰
۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۸	اسدخان ۶۶۰
۲۹۱-۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۳	اسعدالسلطان کردستانی ۷۰۹
۳۰۵، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۸، ۳۳۹	اسکندری، سلیمان میرزا ۲۲-۲۳
۳۴۸-۳۴۹، ۳۵۳، ۳۸۰، ۳۸۱	۲۵-۲۶، ۲۹-۳۰، ۴۲، ۵۲، ۶۴
۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۹-۳۹۱، ۳۹۴	۷۰، ۱۲۴، ۲۴۳-۲۴۴، ۲۵۴-۲۵۵
۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۱-۴۰۲	۲۹۹، ۳۰۵، ۳۸۶، ۴۱۹، ۴۴۵
۴۰۷-۴۰۸، ۴۱۳، ۴۱۹، ۴۲۰	۴۴۷، ۴۹۲، ۵۰۵، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۶
۴۲۵، ۴۲۷، ۴۲۹-۴۳۱، ۴۳۳	اسکودار ۱۰۴
۴۴۲، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۵۵	اسکویت، مریرت H. Asquith ۲۱۶
۴۵۷-۴۶۰، ۴۶۵، ۴۷۰، ۴۷۴	۲۲۴، ۲۲۶، ۴۵۳، ۴۸۶، ۷۴۷
۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۸۸	اسکی شهر ۹۸

۵۲۵، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۶۴، ۵۷۴	اشنائین (پرفور) ۱۴۰، ۴۱۷، ۴۸۰
۵۸۲، ۵۸۶، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۱۱	اشترینان ۳۸
۶۲۳، ۶۲۳-۶۲۴، ۶۴۰، ۶۴۳	اصفهان ۲۵-۲۷، ۲۹-۳۲، ۴۴، ۸۳
۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۶، ۶۶۶، ۶۶۸	۱۱۸، ۱۷۱، ۲۳۰، ۲۴۱
۶۷۵، ۶۹۴، ۶۹۶-۶۹۸، ۷۳۱	اطعم بیک ۴۹۵
۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۶	اعتدالیون ۴۲
امیراحمد مختار ۴۲۰	اعتلاء الملک ۵۷۷
امیربهادر ۲۴۱	اعراب ۸۳-۸۴، ۹۰، ۱۶۵
امیرحشمت آذربایجانی ۷۰۹	اعظم السلطنه، عباس خان ۱۴۹، ۱۶۲
امیرحشمت کمره‌ای ۳۴	۱۶۸، ۱۹۹، ۰۹، ۲۳۰، ۲۴۰، ۲۴۵
امیرعلی هندی ۶۵۸	۲۶۹، ۳۰۲، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۹
امیرمفخم بختیاری ۳۴-۳۶، ۴۳	۳۹۱، ۴۲۲، ۴۶۵-۴۶۶، ۵۰۵
امیرنظام ۱۴۸، ۲۹۱، ۳۱۰	۵۱۱، ۶۱۷، ۶۴۵، ۶۴۸-۶۴۹
امین‌التجار ۲۶	۶۶۸-۶۶۹، ۷۰۹
امین‌زده تبریزی ۲۶۸	افغانستان ۴۴۸، ۴۹۶، ۵۰۱
امین شکیب بیک ۳۹۸	اکبر میرزا صارم‌الدوله ۱۵۴، ۶۶۱
انزلی ۷۰۳	اکتروم Ekstrom ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۴۱
انصاری، غلامعلی ۳۱۴، ۳۵۱، ۳۸۰	۳۴۲، ۳۴۷، ۳۴۸
انگلیس، انگلیسی‌ها ۲۷-۲۹، ۴۱، ۵۳	الکساندر اول ۶۰۱
۵۷، ۶۲، ۷۴، ۸۲، ۱۴۶، ۱۵۴	الگیرگ ۳۳۵
۱۵۵، ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۸	الوند ۳۳، ۴۵
۱۹۱، ۱۹۸، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۶	امام جمعه خویی ۱۷۳، ۴۲۲
۲۱۹-۲۲۱، ۲۲۳-۲۲۴، ۲۲۶-۲۲۷	۴۵۸-۴۵۹، ۴۶۲
۲۳۱، ۲۳۶-۲۳۹، ۲۴۵-۲۴۶	امامی، نظام‌الدین ۴۵۸-۴۵۹، ۴۶۲
۲۴۸-۲۵۰، ۲۵۲-۲۵۵، ۲۶۰-۲۶۲	امریکا، امریکایی‌ها ۲۲۲، ۲۲۴-۲۲۵
۲۶۵-۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۸۰	۲۳۷، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵
۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۷-۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۳	۲۴۸-۲۵۱، ۲۵۵-۲۶۰، ۲۶۹
۲۹۷-۲۹۸، ۳۰۱، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۵	۲۷۱-۲۷۳، ۲۷۵، ۲۹۵، ۳۴۵
۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۳۱-۳۳۲	۳۵۰، ۳۸۰، ۳۸۲، ۴۱۳
۳۳۵-۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۵۰، ۳۵۲	۴۸۵، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۴

اوکراین ۳۸۲، ۴۷۵، ۴۸۲-۴۸۴، ۴۹۱	۳۵۸-۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۷-۳۶۹
۴۹۷، ۴۹۴	۳۷۱-۳۷۴، ۳۷۹، ۳۸۸، ۳۸۶
اولسون Ohlson ۳۴۲ α لیسون	۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۲-۴۰۶
اویسی، علی محمد ۱۱۳، ۳۸۰، ۴۱۰	۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۳-۴۱۵، ۴۱۹
۴۳۱	۴۲۲، ۴۲۶-۴۲۷، ۴۳۱، ۴۳۳-
ایاصوفیه ۱۰۶	۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۱، ۴۴۵-۴۴۶
ایتالیا ۲۸، ۵۸، ۱۲۱، ۲۱۶، ۲۴۵، ۲۴۸	۴۴۹، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۰
۲۹۱، ۲۹۳-۲۹۴، ۲۹۶، ۳۰۱	۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۹
۳۱۸، ۳۶۷، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۶	۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۸، ۴۸۰-۴۸۱
۳۸۸-۳۸۹، ۳۹۸، ۴۳۷-۴۳۹	۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۷-۴۹۰، ۴۹۳
۴۴۱-۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۶	۴۹۹، ۵۰۲-۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۷
۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۹، ۵۱۶	۵۱۰، ۵۱۳-۵۱۵، ۵۱۷، ۵۱۹
۵۲۱، ۵۲۸، ۵۳۵، ۵۹۰، ۵۹۲	۵۲۳، ۵۲۸، ۵۳۲، ۵۳۵-۵۳۷
۶۰۵-۶۰۸، ۶۲۶، ۶۲۶، ۶۶۲	۵۴۰، ۵۴۴-۵۴۵، ۵۴۷-۵۵۰
۶۶۳، ۶۷۳، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۴۵	۵۵۶، ۵۷۰، ۵۸۶، ۵۹۷-۵۹۸
۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۶	۶۰۲، ۶۰۴-۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۸
ایتن، پیر ۶۵۸	۶۲۲-۶۲۵، ۶۲۸، ۶۳۴-۶۳۶
ایرلند، ایرلندی ۲۲۸، ۳۱۳، ۴۶۳، ۵۰۰	۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۹-۶۶۳
ایمهف پاشا Imhoff Pascha ۴۷۷	۶۶۸-۶۷۳، ۶۸۴، ۶۸۷-۶۸۹
	۶۹۲، ۶۹۴، ۷۰۶، ۷۰۷
	۷۳۰-۷۳۳، ۷۳۵، ۷۳۶
	۷۴۶-۷۵۱، ۷۵۴
بادکوبه ۱۵۴، ۳۱۸، ۴۸۸، ۵۱۸، ۶۵۴	انورپاشا ۵۴، ۵۵، ۵۷-۵۸، ۶۶، ۷۰
۷۰۳	۱۰۶-۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۶-۱۲۰
باراتوف ۷۴۴، ۷۴۷	۱۲۲، ۱۲۷، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۵۲
باطوم ۵۱۴، ۵۲۲، ۷۰۳	۱۵۴، ۱۵۶، ۱۹۲، ۲۱۸، ۲۳۶
باقی بیک ۷۷	۲۴۹، ۲۶۱، ۲۹۰، ۲۹۲، ۴۰۲
بالتیک ۴۳۱، ۴۴۹	۴۳۲، ۴۷۹، ۷۱۷
بالفور ۲۱۹	اودربرگ ۱۳۶
بالکان ۲۳۶، ۴۱۳، ۴۳۲، ۵۸۴، ۷۵۹	اورشلیم ۴۶۴
بتمن هلوگ، تئوبالد - T.Bethman	

Hollweg ۲۲۱، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۹۴	بصره ۲۳۱
۴۱۲	بغداد ۳۹، ۴۸-۵۴، ۵۶-۵۸، ۶۱-۶۲
بحرین ۲۸	۶۴، ۶۷-۶۸، ۷۱-۷۲، ۷۵-۷۸
بخارست (بوخارست) ۲۱۱-۲۱۶	۸۱-۸۲، ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۱۰۲
۴۹۲، ۵۰۷، ۵۱۱، ۷۴۵	۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۳
بختیاری، بختیاری‌ها ۲۴-۳۷، ۴۳	۱۵۶، ۱۹۵، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۵۸
۱۹۶، ۲۵۴، ۲۶۵، ۳۰۴، ۵۴۰	۲۶۰-۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۰، ۳۰۴
بختیاری، ابوالقاسم خان ۷۰۹	۳۲۲، ۳۲۲، ۳۵۳، ۳۸۸، ۳۹۶
بختیاری، سردار معظم ۷۰۹	۴۰۴، ۴۳۲، ۴۶۴، ۴۸۸، ۴۹۰
بختیاری، یدالله خان ۷۰۹	۵۱۵، ۷۱۷، ۷۴۷، ۷۴۸
برانتین ۳۱۳، ۳۲۴، ۳۳۵	بغدادیه ۸۴، ۸۶
براون، ادوارد ۳۶۳، ۴۲۱، ۴۶۸، ۶۶۹	بقاءالملک سمعی ۵۲، ۷۴، ۷۰۹
برست لیتوسک ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱	بک، سیاستیان ۱۶۴-۱۶۶، ۴۴۲
۴۷۳-۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۴، ۴۸۵	بلیژیک، بلیژیک‌ها ۲۸، ۲۲۴
۴۹۰، ۴۹۲-۴۹۷، ۵۱۱، ۷۵۲	۲۳۷-۲۳۸، ۳۱۹، ۳۷۲، ۴۰۵
برگدال ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۰-۳۶۱، ۳۶۴	۴۰۶، ۴۲۲، ۴۸۷، ۵۳۵، ۶۰۰
برگ زینکی ۱۳۹	۶۰۹، ۶۱۲، ۶۹۴، ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۳۱
برلن: در اغلب صفحه‌ها	بلغارستان ۱۳۱، ۱۳۵-۱۳۶، ۴۲۷
برن ۵۸۰	۴۳۰، ۴۷۱، ۴۸۴، ۵۱۰، ۵۲۵
بروجرد ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۷، ۴۷، ۲۳۹	۵۲۳، ۵۸۵، ۷۴۵، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۵۶
۷۴۷	بلوچستان ۲۲۳
بروسیلوف Gen. A. Brusilov ۷۴۵	بلوخر ۸۸، ۸۹
بروکسل ۲۶۸، ۴۲۵، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۸	بمبئی ۱۴۱
۶۲۶، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۶، ۶۸۶	بناپارت، لویی ۷۰۶
برومند، محمدکریم خان ۷۰۹	بندرعباس ۶۲
برهان المتکلمین ۷۰۹	بوپ (کلنل) ۳۹، ۴۳-۴۴، ۸۹
بریان Burian ۳۶۷	بوداپست ۱۳۶، ۴۱۸، ۴۳۳
بریستول ۱۰۵	بورین‌ها ۶۰۵
بفر ۱۰۲-۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۸، ۶۷۲	بوزانیتن ۹۳-۹۵
بشکناش ۱۱۲، ۱۱۵	بوشهر ۶۲

بونارلا Bonar Law ۲۶۳، ۲۶۴

بوئر ۲۳۸

بهار، ملک الشعراء ۷۰۹

بهاء الواعظین ۷۰۹

بهایا جا ۴۲۱

بیت اللحم ۵۱۰

بیت المقدس ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۶۶، ۵۲۳

۷۲۳، ۵۲۵

بیجار ۴۷، ۱۸۹، ۲۶۱، ۷۴۷

بیدسرخ ۳۹، ۴۱، ۴۲-۴۴

بیر [پروفور] ۲۶۹، ۴۲۲

بیرشرک [دکتر] ۲۵۳

بیزمارک ۱۵۳، ۳۴۷، ۵۲۱، ۵۲۲، ۴۳۱

۵۴۴، ۵۷۳، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۹۵

بیستون ۴۰

بیکر [دکتر] ۴۸۸ - ۴۸۹

بیش، تقی ۵۹۰

بین النهرین ۷۸، ۲۳۱، ۵۱۰، ۵۲۲

۵۴۵، ۷۴۲، ۷۴۷، ۷۵۴

بیورلینگ ۳۴۲

بیوک آت ۱۳۲

پ

پاریس ۲۱۶، ۲۴۵، ۳۶۶، ۳۷۴، ۴۵۳

۴۹۷، ۵۰۳-۵۰۴، ۵۱۲-۵۱۳

۵۲۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۲، ۵۶۸

۵۶۹، ۵۷۴-۵۷۶، ۵۸۲-۵۸۳

۵۸۶، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۲، ۶۱۲

۶۲۲، ۵۳۱، ۵۳۳، ۶۴۳، ۶۴۵

۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱-۶۵۲، ۶۵۵

بطرکبیر ۶۷۲

پوانکاره ۶۰۲

پوتدام ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۹۱، ۲۰۰

۲۷۴، ۲۷۵، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۰، ۶۱۴

پورداد ۱۱۲، ۱۴۸، ۱۸۵، ۲۹۴، ۳۰۲

۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۵۱، ۴۸۲، ۴۸۳

پوست Poussette [ماژور] ۳۵، ۳۰۷

۶۶۰-۶۶۳، ۶۶۸، ۶۹۵، ۷۰۳

پاطاق ۷۲

پترسن Peterson [کاپیتان] ۳۱۱

۳۱۲، ۳۲۲، ۳۴۱، ۳۵۰

پرا ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۳۲

پراوتیز Prawits [ماژور] ۳۲۹

پرت رینسکی ۲۸۰

پرنس [جزایر] ۱۳۱

پسیان، محمدتقی خان [کلنل] ۳۵۲

۳۹۰، ۳۹۴

پشکوه ۲۹۲

پطرزبورگ ۱۷۷، ۲۴۲، ۲۶۱، ۲۶۳-

۲۶۴، ۲۷۰، ۲۸۷، ۲۹۰-۲۹۱

۲۹۴، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۰

۳۱۱، ۳۱۴-۳۱۵، ۳۱۷-۳۱۸

۳۲۰-۳۲۱، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۰-

۳۳۱، ۳۴۳، ۳۵۰-۳۵۱، ۳۵۵

۳۶۲-۳۶۴، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۲-

۳۷۳، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۹۳، ۳۹۸

۴۱۰، ۴۱۱، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۸

۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۵-۴۵۹

۴۶۰، ۴۷۲، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۲

ت

تاتارها ۱۶۵، ۵۱۸

Tarnopol ۳۵۴، ۳۵۸

تاونلی، سروالتر ۲۴۶، ۲۶۲، ۶۸۷

۶۹۱

تبریز ۲۳۱، ۲۵۳، ۲۶۸، ۳۳۲، ۵۰۹

۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۸، ۵۲۲، ۶۸۴

۷۲۳، ۷۴۷، ۷۵۴

تبریزی، قاسم ۷۱۳

تبریزی، حاجی حسینعلی ۱۲۵

تربیت، میرزا رضاخان ۳۰۲

تربیت، میرزا محمدعلی خان ۱۰۱

۱۰۵-۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۸، ۳۵۳

۴۵۰، ۴۵۹، ۵۰۸، ۶۲۸، ۶۳۷

۶۳۸، ۷۴۱

ترکستان ۴۹۸

Trelleborg [بندر] ۳۰۹

تروتنکی ۴۷۵، ۴۸۴، ۴۸۹، ۴۹۰

۴۹۴، ۴۹۷

Troelstra ۳۳۵ تروئلسترا

Tsingtao ۲۶۶ تسینگ تائو

تقوی، سیدنصرالله ۳۹۳

تقی زاده، سیدحسن ۷۴۰

تکاتلیان ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۵

تکامن [پرفور] ۱۹۶-۱۹۷

تنگابنی، محمدطاهر ۷۱۳

تنگستان ۶۲

تونس ۵۶، ۱۲۹

تهران ۲۱-۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۴، ۴۴، ۴۶

۴۹، ۵۵، ۵۶، ۸۳، ۱۰۹، ۱۱۸

۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۲

۱۵۰-۱۵۱، ۱۵۳-۱۵۵، ۱۵۷

۱۵۹، ۱۶۲، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۰

۱۹۱، ۱۹۴-۱۹۶، ۲۰۶، ۲۲۱

۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۳-۲۳۵

۲۴۱-۲۴۳، ۲۴۵-۲۴۶، ۲۵۱

۲۵۴، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۸۱

۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۹، ۳۰۵، ۳۰۶

۳۱۰، ۳۱۲-۳۱۵، ۳۲۱، ۳۲۵

۳۲۸، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۲، ۳۴۳

۳۵۰، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۵۸

۳۶۲-۳۶۴، ۳۷۷، ۳۸۱-۳۸۰

۳۸۳، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۸

۴۰۸، ۴۱۶، ۴۱۹، ۴۲۲-۴۲۳

۴۳۵-۴۳۶، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴-

۴۴۷، ۴۵۳-۴۵۵، ۴۵۸-۴۵۹

۴۶۵-۴۶۶، ۴۶۹، ۴۸۰-۴۸۲

۴۸۴، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۲-۴۹۳

۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۸-۵۰۹، ۵۱۳، ۵۱

۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۷۵

۵۷۷، ۵۸۳، ۵۹۰، ۶۱۷، ۶۱۹

۶۲۹، ۶۳۸، ۶۴۳، ۶۴۹، ۶۵۰

۶۶۱، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۸۳، ۶۸۹

۶۹۵-۶۹۶، ۷۰۳، ۷۰۸، ۷۲۵

۷۴۴

ث

ثقة الاسلام ۳۱۴، ۴۰۰

ثقة الملك ۵۶۲، ۵۶۴، ۶۹۰

ج

جام‌آلاکی ۹۳-۹۴
جاوه ۴۲۶، ۷۰۶
جرارد J. Gerard ۲۴۹
جلفا ۵۱۸
جمال‌زاده ۱۴۹، ۱۷۴
جوشقانی، فتح‌الله‌خان ۴۹

چ

چائو ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۴۰-۳۴۱
چراغعلی‌خان ۲۵، ۳۴۳
چرنوزوبوف ۷۴۷
چرنین Czernin [کنت] ۵۰۵-۵۰۷
چلترم ۱۹۵، ۳۴۲
چین ۲۵۱، ۲۶۶

ح

حاج آقا نورالله ۱۹۶، ۷۰۹
حاج شیخ اسدالله‌خان ۵۹، ۱۲۹، ۲۱۸
حاج شیخ اسمعیل رشتی [گیلانی] ۴۲، ۵۳، ۷۴، ۲۹۲، ۷۰۹
حاج عزالممالک ← اردلان، حاج عزالممالک
حاجی‌خان ۷۰۹
حاجی عادل‌بیک ۱۳۰
حاجی ملک ۴۲
حساجی میرزا یحیی ← دولت‌آبادی، حاجی میرزا یحیی
حدیثه ۸۶

خلیل بیک ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۵۹-۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴-۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۱۸، ۲۴۹، ۷۲۳
خلیل پاشا ۵۴، ۵۸، ۶۲، ۶۷، ۷۱، ۱۱۷، ۱۵۴، ۱۴۲
خلیل خالدا افندی ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۶، ۲۳۶، ۲۸۰، ۴۱۵
خلیل میرزا ۷۰۹
خمین ۲۳-۳۵، ۲۳۹
خوانسار ۳۳
خوانساری، شیخ محمدحسین ۷۰۸، ۷۱۳
خوی ۳۷۵، ۵۰۹
خیری بیک ۹۴

د

دارداتل ۸۶، ۲۱۶، ۴۱۳، ۵۲۸، ۶۷۲
دازبیک ۶۴۷، ۶۴۸
دانش، حسین ۱۱۱
دانمارک ۲۴۸، ۲۵۰
دانتوب ۳۱، ۲۰۵، ۲۱۵، ۵۲۰، ۵۸۴
داودخان ۴۵۸
داوید [دکتر] ۵۶۱، ۵۶۸
دبیرالملک ۲۴۳
دریند ۶۵۴
دریاچه وان ۷۶
دریای اژه ۷۴۸
دریای بالتیک ۳۰۹، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۸۹
دریای خزر ۲۸، ۶۵۴، ۷۰۳

دریای سیاه ۶۷۲، ۷۰۳
دریای شمال ۷۰۳
دریای مانش ۴۸۷، ۵۲۳
دریای مدیترانه ۲۱۶، ۲۳۸، ۲۶۶، ۶۳۵-۶۳۶، ۶۷۲
دریای مرمره ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۴-۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۲
دولت‌آباد ۳۵، ۲۳۸، ۷۴۷
دولت‌آبادی، حاجی میرزا علی محمد ۷۰۹
دولت‌آبادی، حاجی میرزا یحیی ۴۹، ۵۷، ۷۷، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۳۰، ۲۰۴، ۳۸۵-۳۸۸، ۳۹۱، ۴۱۰، ۷۰۹
دوماره De Maré [ماژور] ۳۹، ۱۴۹، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۶۲، ۳۹۴
دونکرک ۲۸۱

ذ

ذکاء الدوله ۵۸۰، ۶۴۲، ۶۴۳
ذکاء الملک فروغی ۳۶۲، ۴۲۲، ۵۶۲، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۷

ر

رادک، کارل ۵۶۳-۵۶۴
راس‌العین ۶۹، ۲۲۸

فهرست اعلام ۷۶۷

راشدان ۴۷۷
 رامزگیت ۲۶۶
 رامزی مکدانلد ۳۱۶
 راوندی ۷۷
 رحمت آباد ۳۳
 رشت ۵۳، ۱۵۴، ۳۴۲، ۵۰۵
 رضاییک ۱۱۸
 رکن السلطنه ۴۹۴، ۵۰۴
 رم ۲۳۷، ۳۰۲، ۳۹۳، ۴۲۵، ۴۴۶-
 ۴۴۷، ۵۲۰، ۶۶۳، ۷۰۳
 رمادی ۷۷-۷۸، ۸۰
 رن [رود] ۳۱، ۳۶۷، ۴۶۰، ۵۲۰، ۵۳۲،
 ۵۳۵، ۶۱۸، ۶۶۸
 رنرسمارک، هینکل ۴۷۷
 رواندوز ۷۴۷
 روبن، اوتو ۳۵۶
 روتردام ۶۹۳، ۷۰۳
 روح اللہ خان ۲۰۲، ۲۰۶
 روزن [دکتر] ۲۴۸، ۶۹۰
 روزنو ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۶۶
 روستوم [استپان زوریان] ۳۷۵
 روسل (ایستگاه راه آهن) ۱۶۵-۱۶۶
 روسیه، روس، روسها ۲۲-۲۵،
 ۲۷-۲۹، ۳۴-۳۷، ۳۹-۴۱، ۴۳،
 ۵۲-۵۳، ۵۶، ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۷۱-
 ۷۳، ۸۲-۸۳، ۸۷، ۱۱۵، ۱۲۱-
 ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۲،
 ۱۴۶، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۵۴-۱۵۶،
 ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۰،
 ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۸-۱۹۹، ۲۰۴

۷۶۸ خاطرات مهاجرت

رومانوف ۲۶۶، ۷۳۲
 رومانی ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۸۲، ۱۸۴-۱۸۵،
 ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۵
 ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵
 ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۳، ۲۳۵
 ۲۳۸، ۲۴۴، ۳۷۴، ۳۸۲، ۴۱۲
 ۴۶۲، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۹، ۵۰۴
 ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۸۴، ۶۰۹، ۶۴۶
 ۷۴۵-۷۴۶
 روس [پرنس] ۸۳، ۱۵۵، ۳۹۶، ۴۸۲،
 ۵۰۳
 ریو A. Ribot ۳۰۰
 ریگا ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴-۳۹۵، ۴۱۲
 ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۹۲
 ۷۵۱، ۷۵۲
 رتوف بیک ۴۵
 ز
 زاره [پرفسور] ۱۴۱، ۱۴۳-۱۴۴، ۱۵۲،
 ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۰۸
 زاینده رود ۳۱-۳۲
 زمره [ایل] ۸۱
 زنجان ۷۵۴
 زنجانی، شیخ ابراهیم ۴۲۲
 زودکوم ۴۷۷
 زیلن ۲۶۰
 زیمرمن Zimmermann ۱۵۳، ۱۶۲،
 ۱۷۱-۱۷۲، ۱۷۵-۱۷۶
 ۱۷۸-۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۳
 ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸
 ۲۲۶، ۲۲۲-۲۲۴، ۳۴۵، ۳۴۶
 ۳۴۸-۳۵۳-۳۵۴
 ژ
 ژاپن ۲۸، ۲۵۷، ۵۳۵، ۶۰۸
 ژنو ۱۳۸
 س
 سالار لشگر ۶۳، ۷۰۹
 سالار معظم ۵۴، ۵۶، ۲۵۲، ۳۰۰،
 ۴۷۴-۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۰-
 ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۲، ۵۱۱
 ۵۱۹، ۶۴۳
 سالار ناصر زند ۳۸، ۳۹
 سالار نظام، محمدصادق خان کویال
 ۲۹، ۵۰
 سالونیک Salonika ۲۸۹
 سامره ۵۶، ۶۹، ۲۲۸، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۵۴
 ساوجیلاخ ۷۱۳
 ساوه ۲۳-۲۵
 سایکس ۱۷۱، ۲۵۴
 سپندار ۱۵۴، ۱۸۱، ۲۲۶، ۲۴۱، ۲۵۲،
 ۳۴۳
 سپهسالار ۲۳۲، ۳۳۱، ۳۴۳، ۷۴۴
 سریند اراک ۳۵، ۳۷
 سرتیپ زاده ۷۰۹
 سردار اسعد ۲۶۵، ۳۰۴، ۴۹۲، ۷۵۲
 سردار سعید ۵۴، ۵۶، ۶۴، ۷۴، ۸۱
 ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۳۰، ۲۰۳، ۷۰۹
 سردار شجاع ۷۰۹

سردار محیی ۷۰۹، ۲۹۲، ۷۷، ۵۴، ۴۹
 سردار مقتدر سنجابی ۷۰۹
 سردار مقتدر کاشانی ۷۰۹، ۷۴، ۶۱، ۵۴
 سعید حلیم پاشا ۲۱۸، ۱۱۳
 سفارت آمریکا در تهران ۱۹۸
 سلطان آباد ۳۹۶
 سلطان سلیمان ۱۰۳
 سلطان سلیم ثانی ۱۰۳
 سلطان محمد فاتح ۷۱۸-۷۱۷، ۱۰۲
 سلطان محمود ثانی ۱۰۳
 سلیمان میرزا ← اسکندری، سلیمان میرزا
 سلیمانیه ۳۰۵
 سم Somme [مکان] ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۹۶، ۳۹۶-۳۹۷، ۷۴۷-۷۴۶، ۷۵۵
 سنجابی [ایل] ۴۱۹، ۲۹۲، ۵۱، ۴۵
 سنج ۷۴۷، ۵۹
 سودربرگ ۳۲۵
 سودرتلیه Södertälje ۳۵۱
 سوریه ۲۲۵
 سوژن Souchon ۴۱۴
 سوئد، سوئدی ۳۰۹، ۳۲۲، ۳۳۱، ۳۲۲، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۵، ۳۷۱، ۳۷۶-۳۸۰، ۳۸۳، ۳۹۴، ۴۰۹، ۴۲۲، ۴۸۸
 سویس ۱۳۸-۱۳۹، ۱۵۱، ۲۲۲، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۰، ۳۰۶، ۳۳۱، ۳۶۱
 ۳۹۶، ۴۲۲، ۴۲۵، ۵۱۸-۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۹، ۵۸۰، ۶۲۷، ۶۴۳

سهام الدوله ۷۰۹، ۶۸
 سهم الملک ۳۷
 سهم الممالک ۳۶-۳۷
 سیاح، حمیدخان ۲۹۱، ۳۱۰، ۳۱۲-
 ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۳۵، ۳۴۱-۳۴۳
 ۳۴۷-۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۵۸
 ۳۵۹، ۳۶۶، ۳۷۸، ۳۸۱-۳۸۲
 ۳۹۳، ۴۲۲، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۲
 سیف الممالک ۷۵، ۷۷، ۹۹، ۱۰۶-
 ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۳
 ش
 شامات ۵۲۳، ۵۲۸، ۵۳۲، ۵۴۵
 شامپانی ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۷۴
 شاه آباد ۳۱۴
 شاهرودی، حاج محمدتقی ۵۵
 شامون بغدادی ۵۴۰
 شایدمن Scheidemann ۵۳۱، ۶۶۶، ۶۸۹
 شرف الملک ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۲-۱۱۳، ۷۰۹
 شریف الدوله ۳۶۳
 ششلی ۱۰۵
 شعاع الدوله ۶۶۱، ۶۸۶-۶۹۲
 شعاع السلطنه ۶۶۲
 شکرالله خان ۲۵، ۷۱، ۷۰۹
 شکری بیگ ۲۱۸
 شکی ۶۵۴
 شکیب ارسلان بیگ ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۲-۴۰۴، ۴۱۴-۴۱۸، ۴۲۰

۴۲۳، ۴۲۵، ۴۶۴، ۴۷۲، ۴۷۸
 سنجابی، شیرخان ۴۵
 شوستر، مورگان ۲۸۰، ۳۲۷، ۳۴۳، ۶۷۳
 شوستر ۲۳۱
 شوئس ۵۸
 شویمان Schülnemann ۲۶، ۴۵، ۱۵۵
 شهریان ۴۹، ۵۰، ۹۹
 شیبانی [طایفه] ۷۳
 شیبانی، حبیب الله ۲۶، ۷۲، ۲۶۵، ۳۰۰، ۳۹۴، ۴۲۸، ۴۴۲، ۴۴۶، ۵۱۴، ۵۱۹، ۵۲۵، ۵۳۰، ۵۹۶، ۶۳۷، ۶۴۲، ۷۰۹
 شیخ ترکمان ۳۴۹، ۳۵۰
 شیخ حسن خان ۵۹۰
 شیخ حسین خان چاکوتاهی ۶۲
 شیخ رئیس ۷۷، ۴۵۵، ۵۱۴
 شیخ صالح تونسلی ۲۷۲، ۲۸۱
 شیخ عبدالصالح مغربی ۴۲۰-۴۲۱
 شیخ عبدالعزیز شویشی ۱۲۹، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۷، ۴۷۲
 شیخ عبدالقادر ۴۲۰
 شیخ عبدالمجید ۷۳
 شیراز ۱۱۲، ۱۷۱، ۲۴۶، ۲۸۶، ۳۲۹، ۳۴۲، ۴۸۸، ۶۶۲، ۷۱۳
 شیرازی، آیت الله آقا شیرزادتی ۵۳
 شیرازی، سید یعقوب ۷۰۹
 شیرازی، فتحعلی ۷۱۳

ص

صادق اف ۱۴۰، ۱۴۳، ۲۹۷
 صالحه ۹۱-۹۲
 صدراپی ۳۵۵
 صدرالعلماء ۲۵۲
 صدیق دفتر ۷۰۹
 صرب، صربها ۲۰۴، ۵۲۵، ۶۰۹، ۷۵۶
 صربستان ۱۳۶، ۲۳۷، ۷۴۵، ۷۴۸
 صفایک ۵۷، ۶۷، ۷۳
 صفاء الممالک ۱۸۹، ۱۹۰، ۴۷۴، ۶۲۸
 صلاحیه ۳۴۲
 صمصام السلطنه ۳۰۴، ۵۰۹، ۵۱۳
 صنیع الدوله ۱۲۹، ۱۶۰، ۱۸۰، ۲۵۳
 صنیعی، سید احمدخان ۷۰۹
 صوراسرافیل ← میرزا قاسم خان
 صوفیه ۱۲۵-۱۳۶، ۲۲۲، ۴۲۷

ض

ضرابی کاشانی، میرزا ابراهیم خان ۷۰۹
 ضرغام السلطنه ۲۶۵، ۳۰۴
 ضیاء السلطان ۷۰۹

ط

طاهرزاده تیریزی ۱۱۵
 طباطبایی، سید ضیاء الدین ۲۴۲
 طباطبایی، سید محمد ۴۲، ۴۴، ۵۴-۵۷، ۵۹، ۷۷، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۲-۱۳۴، ۱۴۹، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۸-

ع

عارف قزوینی ۷۴، ۷۰۹
 عاقل مختار بیک ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۴۹
 عانه ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱
 عباس خان کلهر ۷۰۹
 عباس قلی خان ← نوری اسفندیاری،
 عباس قلی خان
 عبدالباقی خان ۷۰۹
 عبدالحق حمید بیک ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۸،
 ۴۱۵-۴۱۷
 عثمانی ۳۹، ۴۲، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۵-۶۰،
 ۶۲-۷۲، ۷۴، ۷۷، ۸۲، ۸۷، ۸۸،
 ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۳،
 ۱۰۶-۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴،
 ۱۱۶، ۱۲۷-۱۲۹، ۱۳۰،
 ۱۳۴-۱۳۷، ۱۴۰-۱۴۲، ۱۴۵،
 ۱۴۶، ۱۵۲-۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱،
 ۱۶۹-۱۷۶، ۱۷۸-۱۸۰، ۱۸۵،
 ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۰۲، ۲۰۳،
 ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۶،
 ۲۲۷-۲۳۷، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۱،
 ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸،
 ۲۶۰-۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۹-۲۷۱،
 ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۲،
 ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۶-۳۱۸، ۳۲۵،
 ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۹،
 ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۸،
 ۳۶۶، ۳۷۵، ۳۸۰، ۳۸۸، ۳۹۴،
 ۳۹۵، ۳۹۷-۴۰۰، ۴۰۲-۴۰۴،
 ۴۰۸، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۷

۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۶-۱۷۷، ۱۸۱،
 ۱۹۸-۲۰۰، ۲۱۴، ۲۱۷-۲۱۸،
 ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۵۲،
 ۲۶۲، ۲۹۱-۲۹۲، ۳۰۰، ۳۰۸،
 ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۲،
 ۴۲۰، ۴۵۹، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۴۴،
 ۶۴۳، ۷۰۹
 طباطبایی، سید محمد صادق ۴۷-۴۸،
 ۵۲، ۵۸، ۶۰-۶۱، ۶۳-۶۶، ۷۰-
 ۷۵، ۸۸، ۹۲، ۹۹، ۱۰۱-۱۰۲،
 ۱۰۷، ۱۱۱-۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۹-
 ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷،
 ۱۳۰، ۱۳۱-۱۳۲، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۸۱،
 ۱۹۳، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۶
 طباطبایی، سید مصطفی ۳۹۲، ۳۹۹،
 ۴۰۱-۴۰۳، ۴۰۷، ۴۱۹-۴۲۰
 طباطبایی، سید عبدالمهدی ۷۰۹
 طباطبایی همدانی ۷۰۹
 طیب زاده ۷۴، ۷۰۹
 طرسوس ۹۳
 طلعت بیک (طلعت پاشا) ۱۱۸-۱۱۹،
 ۱۲۲-۱۲۳، ۱۳۴، ۲۱۸، ۲۴۹،
 ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۱۸،
 ۳۸۹، ۳۹۱، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۹۶
 ظ
 ظل السلطان ۳۳، ۱۵۴، ۲۴۱، ۴۲۲،
 ۶۶۱
 ظهیر دفتر ۷۰۹
 ظهیرالدوله ۲۴۲

۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۸،
 ۴۴۲، ۴۴۹، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۴،
 ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۸۱،
 ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۹۱، ۴۹۳، ۴۹۵،
 ۴۹۸-۵۰۱، ۵۰۷-۵۱۰، ۵۱۳،
 ۵۱۴، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲-۵۲۶،
 ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵،
 ۵۳۶، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۶۸،
 ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۵۴،
 ۶۵۵، ۶۷۰، ۷۱۷، ۷۲۳، ۷۳۷،
 ۷۴۲-۷۴۵، ۷۵۲، ۷۵۴
 عدل الملک ۲۷، ۱۸۱، ۲۴۱
 عراقی ۳۴۳، ۵۱۵
 عراق عرب ۴۰، ۷۱-۷۳، ۷۸، ۸۱، ۸۲،
 ۹۵، ۹۹، ۱۵۶، ۲۴۹، ۲۶۰، ۲۶۳،
 ۲۶۹، ۲۸۸، ۳۴۲، ۴۳۲، ۴۹۸،
 ۵۱۸، ۷۰۸
 عراقی، نورالدین ۷۰۹
 عربستان ۷۸، ۴۱۳، ۴۱۵، ۵۳۲، ۵۴۵
 عزت پاشا ۵۲۵
 عشق، میرزاده ۷۰۹
 علاء السلطنه ۳۳۱، ۴۶۹، ۷۵۰، ۷۵۲
 علاء، حسین ۴۹۲، ۵۶۴، ۶۵۷، ۷۵۲
 علوی، ابوالحسن ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۸،
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱،
 ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۷،
 ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۱۱،
 ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۳،
 ۲۳۶، ۳۰۲، ۳۰۸، ۳۸۵، ۳۸۷،
 ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۵، ۳۹۹

۴۰۱، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۴، ۴۱۶،
 ۴۱۹، ۴۲۶، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۶،
 ۴۳۹، ۴۴۴-۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۱،
 ۴۵۵، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۵،
 ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۹۰، ۴۹۴، ۵۰۴،
 ۵۶۴، ۵۷۴، ۵۷۷، ۵۹۰، ۷۰۹، ۷۴۰
 علوی، حاجی سید محمد رضا ۷۰۹
 علی حن بیک ۳۱۷
 علی حسین بیک ۳۳۰
 علیقلی خان [پسیان] ۶۲
 علیقلی خان ۶۶۰
 علیمردان خان بیرانوند ۳۷، ۳۸
 عماد خلوت ۶۸، ۷۰۹
 عمار لویی، احمد ۷۴۰
 عمیدالحکماء ۵۶۴
 عمیدالسلطنه ۴۲۳
 عین الدوله ۴۶۹، ۷۵۲
 غ
 غفاری، اقبال الدوله ۴۲
 غلامعلی خان ۲۴۴
 ف
 فارس ۵۸، ۲۴۱
 فالکنهاین Falkenhayn [ژنرال] ۲۰۵،
 ۴۶۴، ۷۴۵
 فتح السلطنه ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۸۸
 فتحعلی شاه ۲۴، ۳۸
 فرانسه، فرانسوی ها ۲۸، ۱۹۰، ۲۱۶،
 ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۳۷-۲۳۹

فرنیباخ Fehrbach ۵۶۸	۲۶۴	۲۵۳	۲۴۸	۲۴۵
فریدییک [دکتر] ۴۰۰، ۳۳۵	۲۸۱	۲۷۵	۲۷۳	۲۶۸-۲۶۶
فریدالدوله ۷۰۹	۲۹۹	۲۹۵	۲۸۹-۲۸۷	۲۸۵
فریدالسلطان ۷۰۹	۳۵۶	۳۲۴	۳۱۵	۳۰۳
فوش F. Foch [مارشال] ۵۷۵، ۵۷۰	۳۸۶	۳۷۹	۳۷۴	۳۷۳
۶۱۲، ۶۰۲	۴۱۱	۴۰۶	۴۰۵	۳۹۷
فضل الله خان مهندس ۴۳۲، ۱۴۳	۴۳۸	۴۳۴	۴۳۱	۴۲۶
فطن الملك ۱۱۲، ۱۰۸، ۱۰۵، ۱۰۱	۴۶۰	۴۵۶	۴۴۶-۴۴۴	۴۴۱
۱۱۳، ۱۱۸، ۲۹۲، ۳۸۹	۵۰۱	۴۸۹-۴۸۷		۴۷۸
۳۹۹، ۴۰۷، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۵۰، ۷۰۹	۵۱۷	۵۱۳	۵۱۲	۵۰۸-۵۰۴
فلسطين ۵۲۲، ۵۲۸، ۵۲۵، ۵۱۰، ۴۱۵	۵۴۱	۵۳۵	۵۳۳	۵۲۴
فلوچه ۶۸، ۷۶-۷۱، ۸۰	۵۶۷	۵۶۶	۵۵۰-۵۴۷	۵۴۴
فن بادن، ماکس ۵۲۴	۵۹۲	۵۷۸	۵۷۵-۵۷۳	۵۷۰
فن بلوشر ۶۸۳	۶۰۲	۶۰۱	۵۹۹	۴۹۸
فن تیرینتز ۴۲۶-۴۰۴، ۳۹۴، ۳۴۵	۶۲۴	۶۱۲	۶۱۱	۶۰۷-۶۰۴
فن درگلس von der Goltz ۵۷، ۳۹	۶۴۸-۶۴۵	۶۴۳	۶۲۶-۶۲۳	۶۲۳
۳۹۶، ۱۵۶، ۱۵۴، ۱۵۰	۶۶۴	۶۶۳	۶۵۴	۶۵۲
فن روزنبرگ ۵۱۱، ۴۹۱	۶۹۶	۶۹۵	۶۹۳	۶۸۹
فن کاردورف Kardorff ۲۶۴، ۲۵۵	۷۵۳	۷۵۰	۷۴۷	۷۴۶
۶۲۴، ۴۸۰، ۳۰۴	۷۵۶	۷۵۵		۷۵۵
فن کلن Kühlmann ۵۱۸، ۵۱۱				فرانکفورت ۳۸۸
فنلاند ۴۹۷، ۴۳۲، ۴۲۷، ۳۵۱، ۲۴۵				فرانکی پو [جزیره] ۱۳۲
۶۰۰				فردریک ششم ۵۵۰
فن ویزندونگ Wesendong				فرزانه، میرزا اسمعیل ۲۴۵، ۲۴۳، ۲۴۱
۱۷۸، ۱۷۲-۱۷۰، ۱۵۳-۱۵۰				۳۱۰، ۳۳۳، ۴۲۳، ۷۱۲
۱۹۵، ۱۸۸، ۱۸۴، ۱۸۲				فرزین، محمدعلی ← میرزا محمدعلی
۲۱۰، ۲۰۷-۲۰۶، ۲۰۴-۲۰۲				خان کلوب
۲۲۸، ۲۲۵، ۲۲۰، ۲۱۴-۲۱۲				فرقد دموکرات ۷۲۱، ۴۲۳، ۳۳۳، ۳۱۰
۲۵۴، ۲۵۰، ۲۴۸، ۲۳۹، ۲۳۷				فرمانفرما ۲۷، ۴۵، ۱۵۵، ۱۸۰، ۱۸۱
۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۵۶				۲۴۱، ۴۰۰، ۶۶۱

احمدخان قزوینی	۲۸۰، ۲۹۶، ۳۰۶، ۳۵۰، ۳۵۳
قزوینی، میرزامحمد خان ← میرزامحمد	۴۳۹، ۴۴۰، ۴۵۴، ۴۷۲، ۴۹۷
خان قزوینی	۵۱۴، ۵۲۵
قشقای ۳۰۴، ۲۶۵	۴۹۸، ۴۸۸، ۴۸۲ Hentig
قصر شیرین ۲۱، ۴۲، ۴۴-۴۹، ۵۱، ۵۲	۵۰۳
۶۹، ۷۱، ۸۸، ۹۹، ۱۱۸، ۱۵۶	فن یاگو Jagow ۲۰۴
۱۹۸، ۲۶۷، ۳۰۴، ۳۳۹، ۵۱۵	فوادیک ۱۳۵
۵۱۶، ۷۱۳، ۷۴۴	فورست ۳۶۲
قفقاز ۷۳، ۹۵، ۲۶۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۷۴	فوزی بیک ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۶۴، ۶۵
۳۸۲، ۴۶۱، ۴۹۸، ۵۰۸، ۵۱۴	۶۷، ۶۹، ۷۱-۷۳، ۷۲، ۱۲۵، ۲۶۵، ۲۹۰
۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۶، ۷۵۴	فولکه [ماژور] ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۷۴، ۳۷۵
قم ۲۲-۲۵، ۲۷، ۴۴، ۴۷، ۶۳، ۵۹، ۸۳	۳۷۷-۳۷۹، ۳۹۳
۱۱۸، ۲۳۱، ۳۴۳، ۳۹۶	فیوم [بندر] ۶۶۳
قمی، سیدعلی ۷۰۹	
قوام السلطنه ۴۶۹	ق
قوام العلماء کرمانشاهی ۷۰۹	قارص ۵۰۸
قوام الملک شیرازی ۶۲، ۴۸۸	قائم ۹۰
قونیه ۹۶، ۹۷	قاضی، جواد ۲۰۱، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳
	۲۳۰، ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۷۰، ۲۷۳
	۲۷۴، ۲۸۰، ۳۰۰، ۳۸۶، ۳۸۹
	۳۹۰، ۳۹۳، ۴۰۸، ۴۱۸، ۴۲۵
	۴۴۵، ۴۵۴
	قراسو ۸۵
	قراطاق ۲۳۷
	قره العین ۴۲۱
	قرنه ۷۶
	قرل رباط ۴۹، ۶۸، ۷۲
	قزوین ۵۳، ۱۱۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۳
	۳۲۱، ۳۲۳، ۳۹۳، ۴۸۸، ۷۴۸، ۷۵۴
	قزوینی، میرزا احمدخان ← سیرزا

ک

کادونا Cadorna ۴۴۹

کارسکی Karski ۳۱۱

کارون ۳۱

کاشان ۲۴-۳۰، ۸۳، ۱۷۱، ۵۸۷

کاشانی، سیدفاضل ۷۴، ۷۰۸

کاشانی، سیدمحمدتقی ۳۸

کاظمین ۴۶، ۵۰-۵۴، ۵۷، ۷۰، ۷۱، ۷۳

۷۸، ۲۹۲، ۶۵۴

کامران میرزا ۲۴۱، ۴۲۲

کانیتس Kanitz [کت] ۳۸، ۳۹، ۶۷

۴۳۸

کلنل محمدتقی خان ← بیان، محمدتقی خان کلهر ۷۳، ۸۸ کلیمیان ← یهود کمبریج ۱۴۱ کمره‌ای، سیدمحمد ۳۳، ۳۶ کنارد Kennard ۳۱۲ کنگاور ۳۵، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۲۵۵، ۲۶۱ کوت‌العماره ۵۱، ۵۷، ۶۹، ۷۴، ۷۷، ۱۲۰، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۷۱، ۲۳۱، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۷۴۴	۱۵۱، ۱۹۸، ۳۹۶ کپنهاگ ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۸ کربلا ۵۴، ۵۵، ۷۱، ۷۵، ۸۰، ۶۵۴ کرج ۲۴۱ کردستان ۵۰، ۵۹، ۷۸، ۲۰۵، ۴۴۸، ۵۱۱، ۶۵۴ کرزن [لرد] ۲۵۴، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲ کرکوک ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۹۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۴۲۸، ۴۲۹، ۵۱۰ کرمان، کرمانی ۳۲۳، ۵۴۰ کرمانشاه ۳۵، ۳۹-۴۴، ۴۶، ۵۳، ۷۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۵۵-۱۵۷، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۵-۱۸۷، ۱۹۰-۱۹۲، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۷-۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۵-۲۲۸، ۲۳۶-۲۴۱، ۲۴۵، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۹، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۲۳، ۴۲۸، ۴۹۸، ۵۰۹، ۷۰۸، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۴ کرنه ۴۵، ۵۳، ۶۳ کرنسکی ۲۹۳، ۳۲۶، ۳۵۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۳-۴۵۶، ۴۶۱ کریم کرد ۳۵۰ کزازی، سیدحسین ۵۲، ۵۵، ۶۳، ۳۰۵، ۴۱۹، ۴۶۶، ۵۰۹، ۵۷۵، ۷۰۸، ۷۴۰، ۷۱۳ کلک بغازه ۹۳ کلمانسو ۵۰۵-۵۰۷، ۵۷۶، ۵۷۸، ۶۳۴، ۶۴۸، ۶۵۱، ۶۶۳
کهریزک ۲۱ کیلینگ [ماژور] ۴۳ کیف ۴۹۴، ۴۹۵	
گچکوف ۲۹۳ گراف برکدورف رانتزاو - Brockdorff Rantzau ۵۶۷ گراف دونیلو ۳۹۳ گراف روزنبرگ ۴۰۴ گرجستان ۳۸۲، ۵۱۸ گری، سرادوارد ۲۱۹، ۳۴۲، ۴۶۱ گرینبرگ ۳۲۲ گلپایگان ۲۵، ۳۳، ۳۴ گلدنبرگ ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۴۳، ۳۶۶ گوته ۵۵۲ گورکاما Gurkha ۱۶۶ گیلان ۲۱، ۵۰۵، ۵۶۵، ۷۲۳	

ل

لاسه ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۸، ۵۹۰، ۶۱۷، ۶۶۱، ۶۶۹، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۴، ۷۰۳ لپاردی [ماژور] ۸۸-۸۹ لرستان ۴۱ لرن ۲۱۳، ۳۰۱، ۳۴۱، ۳۷۴، ۴۴۳، ۵۰۵-۵۰۷، ۵۲۳، ۵۳۵، ۵۴۸، ۵۶۸، ۶۰۲، ۶۱۲، ۶۸۱، ۶۸۹، ۶۹۵ لینگتن [لرد] ۴۸۰ لسدن ۲۱۶، ۲۶۶، ۲۹۶، ۳۰۳، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۸۳، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۲۴، ۴۳۲، ۴۹۷، ۵۵۰، ۵۵۶، ۵۸۰، ۶۴۵، ۶۴۹، ۶۶۳، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۹۳ لنزدان Landsdowne [لرد] ۴۶۳، ۴۶۱ لنین ۳۵۴، ۴۴۸، ۴۵۵، ۴۶۱، ۴۹۷، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۷۰، ۶۷۱ لویلن ۱۹۵ لوف Lvov ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰ لودنلدورف ۳۵۸، ۴۹۹، ۵۷۴، ۵۸۴-۵۸۶، ۵۹۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۰، ۷۵۳، ۷۵۶ لوید جرج ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۴۲۶، ۴۵۳، ۴۶۷، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۰، ۵۵۶، ۵۹۷، ۶۴۸، ۷۴۷ لویی ناپلئون ۶۰۵، ۶۲۴ لویستان، لیستانی ۱۹۵، ۵۴۵، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۶۷، ۶۱۲، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۶۴، ۷۳۶
--

لیاخوف ۳۳۷، ۷۳۰
لیکنخت ۵۶۴
لیتن [دکتر] ۳۹۶، ۳۹۷، ۶۴۴، ۶۸۴
لئون ۱۹۴

م

مابرلی، جیمز فردریک ۷۴۳ ماچیلی ۳۸۱، ۳۸۲ مادرید ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵ مارسی ۶۴۳ مارلینگ ۴۸۴ مازندران ۱۵۴ ماتاءالله خان کاشی ۳۸، ۲۴۴ مان، اسکار ۱۴۷، ۱۹۷، ۲۳۰، ۴۶۵ مان، رمن ۳۲۶ ماهی دشت ۴۵ متین‌الطنه ۳۱۵ مجارستان ۱۲۱، ۱۳۶، ۴۱۲، ۵۱۷، ۵۴۶، ۵۴۸، ۶۳۹، ۶۴۶ مجیدخان ۲۹۱ مجید دفتر ۷۰۹ محمثم‌الطنه ۱۳۹، ۱۷۳، ۲۳۳، ۲۴۳، ۲۶۸، ۳۳۱، ۴۴۰، ۵۵۶ محسن خان [ماژور ژاندارمری] ۳۸۸، ۴۳۲ محلانی، شیخ علی ۷۰۹ محسن میرزا ۷۰۹ محمدتقی خان مافی ۳۹ محمدخان ۳۷۰، ۳۷۷ محمدعلی مافی ۷۱۶، ۷۴۰
--

محمدعلی میرزا ۲۷، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۶، ۶۷۳	مهدی خان [دکتر] ۴۸۸
محمدکریم خان ۷۱	محمدی خان امیرتومان ۵۱۷
مخبرخاقان ۷۰۹	مهرآباد ۲۴۲
مخبرالسلطنه ۴۹۲، ۴۶۹، ۴۲۳، ۳۹۳	مهندس الممالک ۵۶۰، ۵۸۰
۷۵۲	میتوخ، پروفیسور ۶۸۳
مخبرالملک ۷۵۲، ۴۹۲	میرزا ابوالحسن خان ۳۱۴، ۳۱۶-۳۱۸
مداین ۲۶۱	میرزا ابوالحسن خان شیرازی ۲۷۱
مدحت بیگ ۱۱۸	میرزا احمدخان قزوینی ۳۶، ۵۲، ۳۸۹
مدحت شوکت بیگ ۱۲۳	۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۰
مدرس، سیدحسن ۲۷، ۵۴، ۵۶	۴۹۱، ۴۹۴، ۵۰۲، ۵۱۱، ۵۱۹
۵۹-۶۳، ۶۹، ۲۹۰، ۳۰۵، ۳۹۲	۷۰۸
۳۹۴، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۶	میرزا اسمعیل خان [شیرازی] ۲۷۱
مدیرکاشانی ۷۰۹	میرزا داودخان ۴۵۸
مدیرالملک، محمدخان [جم] ۱۳۸، ۱۴۶	میرزا سلیمان خان ← میکده، میرزا سلیمان خان
مرآت السلطان ۷۷، ۷۰۹	میرزا سیدابوالقاسم خان ۳۱۴، ۳۲۲، ۵۶۴
مراد [رود] ۸۵	میرزا سیدجواد خان ۱۱۲، ۱۲۰
مساوات، سیدمحمدرضا ۲۱، ۲۲، ۳۶، ۴۸۱، ۴۹۴-۴۹۶، ۵۱۲، ۷۰۸، ۷۴۰	میرزا صادق خان بروجردی ۹۲، ۷۰۹
مستشارالدوله ۱۷۳، ۲۴۳، ۳۱۵، ۴۲۲، ۵۰۹	میرزا صالح خان ۷۰۹
مستوفی الممالک ۲۲، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۵۰، ۱۵۵-۱۵۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۸۰، ۳۱۵، ۳۳۱، ۴۶۹، ۴۸۴، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۰۹، ۵۱۳، ۵۱۵، ۷۵۲	میرزا عباس یزدی ۷۰۹
مجد حمیدیه ۱۱۹	میرزا علی اکبرخان ساعت ساز ۳۴۳، ۷۰۹
مکو ۲۶۴، ۲۷۷، ۴۵۶، ۴۸۸، ۵۰۱، ۵۱۹	میرزا علی خان ۳۸۷
	میرزا غفارخان ۷۰۹
	میرزا فضلعلی آقا ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۹
	۳۹۵، ۴۶۲، ۵۶۴، ۶۱۹
	میرزا قاسم خان صور اسرافیل ۲۶، ۲۷
	۴۹، ۵۴، ۵۹، ۷۵، ۱۸۱، ۳۰۰
	۳۰۵، ۴۴۶، ۴۷۴، ۴۷۵
	۵۲۰، ۵۲۲، ۵۷۸

۴۱۰، ۴۲۲-۴۲۵، ۵۲۰	مشارالدوله حکمت ۲۶، ۴۸، ۴۹
مفخم السلطنه ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۱، ۷۰۹	۵۱-۵۴، ۵۶، ۵۷، ۶۴، ۷۰، ۳۸۱
مقدنیه ۲۶۶، ۲۶۸، ۵۲۳، ۷۴۸	۳۸۹، ۷۰۸، ۷۱۳
مکرم السلطان ۷۱	مشارالسلطنه ۵۰۹
مکرم همایون ۷۰۹	مشارالملک ۱۹۸، ۲۴۱، ۲۵۲، ۴۶۹
مکزیک ۲۵۷، ۲۵۸	مشاورالممالک ۳۳۱، ۵۰۹، ۵۵۴، ۵۶۴
مکلنبورگ [دوک] ۳۹۴، ۴۰۴	۶۵۲، ۶۵۴، ۶۶۰، ۷۵۲
مکنزن Mackensen [مارشال] ۲۰۵، ۷۴۵، ۵۴۶	مشهد ۳۳۲، ۷۲۳
مکه ۷۳، ۲۹۰	مشیرالدوله، نصرالله ۱۷۳، ۳۱۵، ۳۳۱
ملاوای ۲۳۵، ۳۸۲، ۷۴۵	۳۷۱، ۴۲۲، ۴۵۸، ۴۶۲، ۴۶۹
ملایر ۳۸، ۲۶۱	۴۸۴، ۴۹۲، ۵۹۰، ۷۵۲
ممتاز، محمدعلی ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۳، ۳۵۸	مشیرالملک، محمدی ۳۳۱، ۳۶۳
ممتازالدوله ۳۳۱، ۴۴۰	مصر، مصری‌ها ۲۸۳، ۳۳۵، ۳۹۵-۳۹۸، ۴۰۰، ۴۴۹، ۴۷۷، ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۴۰، ۶۵۲، ۶۶۱
ممتازالسلطنه ۲۴۵، ۴۳۵، ۵۵۷، ۵۸۳، ۶۶۱	مصطفی خان ۵۶۲، ۵۶۴، ۶۸۷، ۶۹۰
ممقانی، شیخ اسدالله ۳۸۵	مصفی، میرزا اسدالله خان ۷۰۹
منتخب الدوله ۲۴۱، ۳۵۰	معاون، میرزا حسین خان ۷۰۹
منتظم السلطنه ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۰	معتمدالسلطنه ۱۱۳
منظریه ۲۲، ۲۵	معظم السلطنه ۱۰۰، ۱۰۱
موتمن الملک ۱۷۳، ۳۱۵، ۳۲۳، ۴۶۹، ۷۵۲	معین التجار بوشهری ۲۴۳
مود F. Maude [ژنرال] ۷۴۷	معین الوزاره ← علاء، حسین
موصل ۲۶۴، ۲۶۹، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۸۵، ۴۲۹، ۴۹۵، ۷۴۷	مفخم الدوله ۱۷۷، ۱۹۷، ۲۴۱، ۲۶۸، ۲۸۱، ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۷
مولر [دکتر] ۳۱۶، ۳۳۵، ۳۴۹، ۴۴۲، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۶، ۳۷۳-۳۷۰، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۳-۳۷۷، ۴۰۰	۳۳۰-۳۳۳، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۶۱

۴۳۵، ۴۳۳، ۴۲۵، ۴۲۲، ۴۱۶	۳۹-۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۴، ۵۲، ۵۴-۵۸
۴۵۰، ۴۴۶، ۴۴۵، ۴۴۱، ۴۴۰	۶۱، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۳، ۸۸
۴۶۹، ۴۶۴، ۴۶۲، ۴۵۹، ۴۵۴	۱۰۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۵۲، ۱۵۳
۴۸۴، ۴۸۱، ۴۷۵، ۴۷۴، ۴۷۰	۱۶۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۱
۵۰۱، ۴۹۸-۴۹۶، ۴۹۲-۴۹۰	۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹-۲۱۴
۵۶۸، ۵۲۶، ۵۱۴، ۵۱۱، ۵۱۰	۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۴۰، ۲۴۳
۵۸۳، ۵۸۲، ۵۷۷، ۵۷۶، ۵۷۴	۲۴۵، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶
۶۴۵، ۶۴۴، ۶۴۲، ۶۲۷، ۶۱۷	۲۶۴، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۸۵
۶۸۶، ۶۶۲-۶۶۰، ۶۵۲، ۶۴۸	۳۸۷، ۳۸۹، ۴۰۱، ۴۱۹، ۴۲۰
۷۲۵	۴۲۷، ۴۲۹، ۴۴۱، ۴۴۸، ۴۵۳
نواب، عباسقلی خان ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱	۴۵۹، ۶۴۳، ۷۰۹، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۱۷
۲۰۶، ۱۶۴، ۱۴۳	نظم السلطنه ۵۰، ۶۸، ۷۷، ۱۰۸، ۱۱۳
نواب التولید یزدی ۷۴، ۲۹۲، ۴۲۹، ۷۰۸	۷۰۹
نوبران ۱۵۲	نواب، حسین قلی خان ۱۰۲، ۱۰۷
نوبری ۶۸، ۵۲	۱۲۷، ۱۲۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰
نورالله خان ۷۷	۱۴۲-۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰
نوری اسفندیاری، عباس قلی خان ۱۳۹	۱۵۹-۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۲
۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۲	۱۷۵-۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۹
۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۳-۱۶۱	۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۶
۱۷۷-۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۹، ۱۹۰	۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹-۲۱۴
۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۴	۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۴-۲۲۷
۲۱۷، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۴۵	۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲-۲۳۴، ۲۴۴
۲۵۲، ۲۵۹، ۲۶۴، ۲۵۱، ۲۵۴	۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۱-۲۵۳، ۲۵۵
۲۶۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۸۰	۲۵۶، ۲۶۱، ۲۶۲
نوری ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۲	۲۶۷-۲۶۹، ۲۷۱-۲۷۵، ۲۸۱-
نوری، امیر ۷۱۳	۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۹-۲۹۱، ۲۹۴
نوس ۳۱۹	۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲
نهادند ۳۵، ۳۸، ۳۹	۳۰۵، ۳۰۶، ۳۲۷-۳۲۹، ۳۴۰
نیرالدوله ۵۱۴	۳۵۵، ۳۵۶، ۳۷۸، ۳۸۵، ۳۸۹
نیرالملک ۵۰۹	۳۹۱، ۳۹۷، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۱۴

۴۵۰، ۴۵۹، ۴۶۶، ۷۰۹	۴۸۰، ۴۹۱، ۴۹۴، ۵۱۱، ۵۲۲
میلیوکف Miliukov ۲۹۲	۶۲۸، ۶۳۷، ۶۴۳، ۷۰۸، ۷۱۶، ۷۴۰
ن	میرزا کریم خان رشتی ۵۷، ۷۷، ۱۰۵
ناپلئون بناپارت ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۹۹، ۶۰۰	۱۰۸، ۱۱۵، ۲۱۸، ۷۰۹
۶۰۲، ۶۴۸، ۷۰۶	میرزا محسن ۳۱۵
ناپلئون، لویی ۶۰۵، ۶۲۴	میرزا محمد خان قزوینی ۱۴۵، ۱۴۶
نادولنی R. Nadolny ۱۵۲، ۱۵۳	۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۵
۱۷۴، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۳	۱۸۷، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۷۰، ۲۸۱
۱۹۸، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۶۵	۲۸۴، ۲۹۷، ۳۰۲، ۴۲۰، ۴۲۳
۲۷۲، ۲۹۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۷	۴۲۵، ۴۳۳، ۴۳۶، ۴۵۰، ۴۶۰
۴۲۷، ۴۲۹-۴۲۷، ۴۴۳، ۴۴۶، ۴۹۸	۴۸۲، ۵۹۶
۵۸۲، ۶۴۴	میرزا محمد رحیم خان قزوینی ۲۶۷
ناصرالاسلام گیلانی ۲۶، ۴۲، ۴۶، ۴۸	۲۶۸، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۷، ۴۶۶
۵۵، ۶۵، ۳۰۵، ۴۹۴-۴۹۶، ۵۰۰	۴۷۳
۵۱۲، ۵۲۹، ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۷۶	میرزا محمد علی خان دواساز ۷۰۹
۵۷۷، ۵۸۲، ۷۰۸، ۷۴۰	میرزا محمد علی خان کلوب ۲۱، ۲۲
ناصرالسلطنه ۶۶۱، ۶۸۶، ۶۹۰	۲۴، ۴۱، ۵۲، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۷۴
ناصرالملک ۵۱۷، ۵۵۴	۳۰۵، ۳۵۳، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۸۷
ناظم بیگ ۱۲۳	۳۸۹، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۸۱
نانسی ۲۶۸	۴۹۴-۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۱۲
نایب حسین ۲۴-۲۶، ۳۰، ۲۴۴، ۶۱۷	۵۱۷، ۵۶۰، ۵۶۹، ۵۷۴، ۵۷۶
نبیل الدوله، علیتقی خان ۵۶۴	۵۷۷، ۵۷۷، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۶، ۷۴۰
نحیه ۸۹، ۹۰	میرزا محمود ۸۹، ۱۹۷، ۴۱۶، ۶۶۱
نروژ، نروژی ۱۸۸، ۴۶۹	میرشمس ۷۰۹
نسیم بیگ ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۸۰	میکائلیس Michaelis [دکتر] ۳۴۵
نصرت الدوله ۶۶۱	میکده، میرزا سلیمان خان ۲۲-۲۴، ۴۲
نصیرالسلطنه ۲۲۵، ۲۲۸	۶۴، ۶۸، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۱۱۳، ۱۸۴
نظام السلطان ۴۱۶، ۷۰۹	۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۲-۲۰۴، ۲۰۶
نظام السلطنه، رضاقلی خان مافی ۳۴	۲۰۷، ۲۱۳، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۲۸
	۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۹۲، ۴۲۹

۵۷۴، ۵۸۲، ۶۰۶، ۶۲۲، ۶۲۳
 ۶۳۵، ۶۴۰، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۶۲
 ۶۶۳، ۶۶۶، ۶۷۵، ۶۸۱، ۶۹۴-
 ۶۹۸

ویلهلم اول ۵۵۰، ۵۹۶، ۶۹۵

ویلهلم دوم ۵۰۷، ۵۴۴، ۵۶۰، ۶۲۴

وین، وینه ۱۸۹، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۸

۲۳۶، ۲۸۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۸۵

۳۸۸، ۴۲۳، ۴۷۴، ۵۱۷، ۵۲۵

۵۸۴، ۶۰۰، ۶۲۸، ۶۴۹

۵

هابزبورگ ۵۲۳، ۶۷۳

هارون آباد ۴۵، ۵۱

هارون یهود ۴۵

هازه H. Haase ۳۱۱

حاسبورگ ۲۹۷، ۵۳۰

هدایت، عزت‌الله ۱۲۹-۱۳۱، ۱۵۹-

۱۶۰، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۹۳، ۲۳۹-

۲۴۰، ۲۴۸-۲۵۱، ۲۵۲، ۲۶۶

۲۷۰، ۲۸۳-۲۸۴، ۲۹۶، ۲۹۸

۳۰۱، ۳۵۲-۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۸-

۳۵۹، ۳۶۲-۳۶۶، ۳۷۶، ۳۷۸-

۳۷۹، ۳۸۱-۳۸۲، ۴۰۹، ۴۱۶

۴۲۰، ۴۲۲، ۴۳۰، ۴۳۹، ۴۴۳

۴۶۵، ۴۷۳، ۴۷۹، ۴۹۸

هرتلینگ Hertling ۴۴۴

هرله [دکتر] ۵۱

هژبرالطنه ۳۶-۳۸

هلند، هلندی‌ها ۲۳۶، ۲۴۳، ۲۴۶

۲۴۸-۲۴۹، ۲۵۵، ۲۶۸، ۳۳۶

۳۶۰، ۳۶۷، ۳۷۵، ۳۷۸، ۴۲۶

۵۰۱، ۵۰۷-۵۰۸، ۵۲۹، ۵۵۶

۵۶۲، ۵۶۸-۵۶۹، ۵۷۵، ۵۸۰

۶۰۰، ۶۱۷، ۶۲۷، ۶۴۵، ۶۴۶

۶۴۸، ۶۶۲، ۶۶۸، ۶۸۵-۶۸۷

۶۹۰-۶۹۴، ۷۰۳-۷۰۶

همدان ۵۳، ۷۲، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۷۳

۱۸۸، ۱۹۱، ۲۳۸، ۲۶۱، ۲۶۵

۴۲۸، ۵۱۵، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۵۴

همدانی‌زاده، علی‌تاجی‌بیک ۱۳۲

هندرسن ۳۶۸

هندنبورگ ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۶۴، ۲۷۴

۳۲۳، ۳۳۰، ۳۵۶، ۳۵۸، ۴۱۷

۴۳۳، ۴۷۸، ۴۹۹، ۵۰۵، ۵۰۶

۵۱۳، ۵۱۵، ۵۹۶، ۷۵۳

هندوستان، هندی ۸۲، ۱۶۵، ۲۵۶

۲۸۳، ۳۲۲، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۹۳

۳۹۵، ۳۹۸، ۴۱۱، ۴۷۷، ۵۴۰

۵۵۴، ۶۵۲، ۶۷۲، ۷۰۶

هوهنزولرن Hohenzollern ۵۳۱

۵۵۰، ۵۵۹

هویمان Huysmans ۳۱۹-۳۲۰

۳۲۲، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۶۰، ۳۷۵

حیات علمی ۴۲

حیت ۸۱، ۸۲-۸۴، ۸۶

حیل [دکتر] ۴۱۶

ی

ی‌ارمحمد افشار ۷۱۳

ی‌المارسن [کلنل] ۱۴۹، ۱۶۲، ۱۷۱

۳۲۴، ۳۳۴، ۳۴۸، ۳۵۵، ۳۷۳

۳۷۸، ۳۷۹-۳۸۱، ۳۹۳

یعقوبیه ۵۰، ۵۴

یمن‌الملک لرستانی ۷۰۹

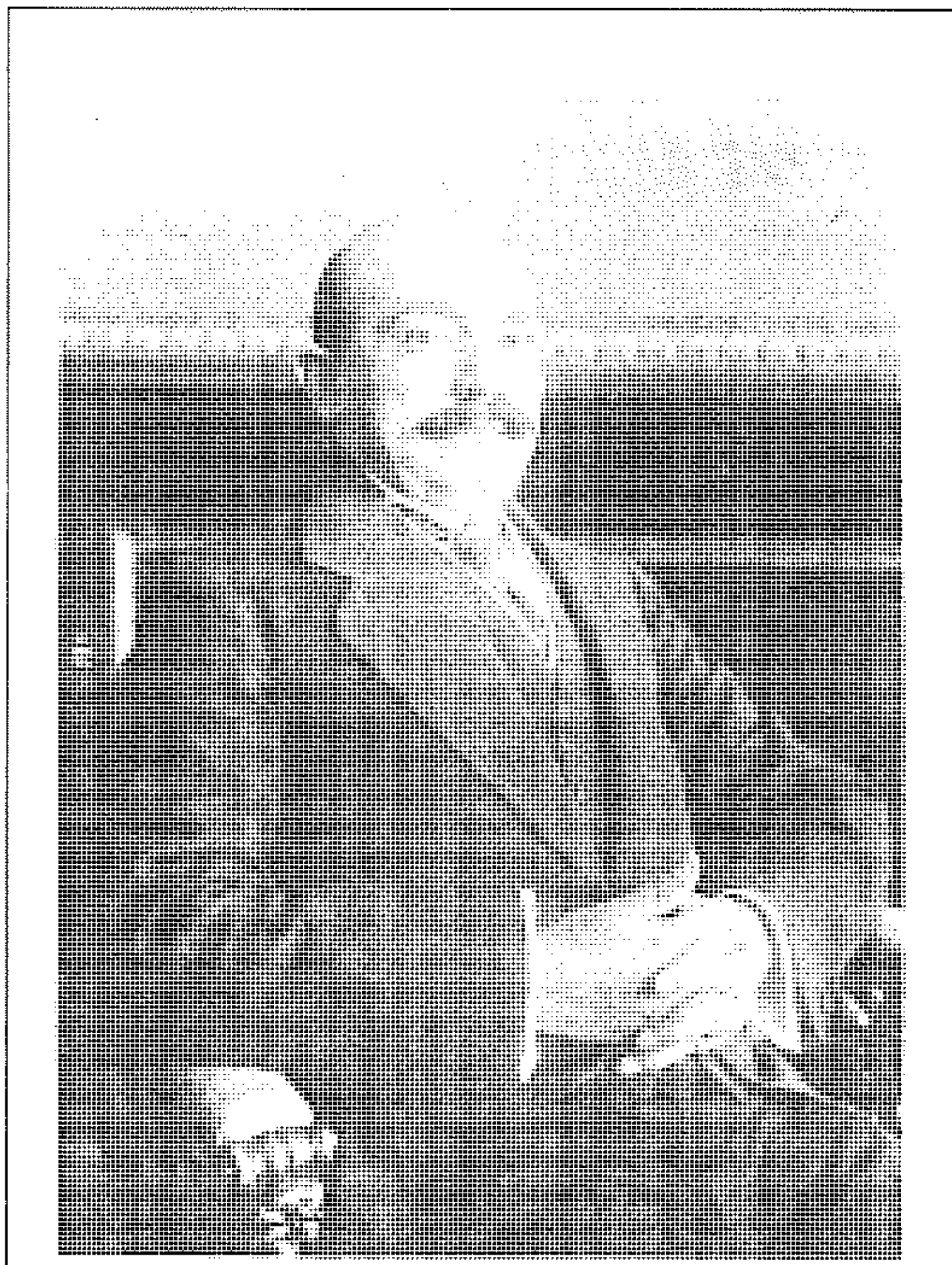
یونان، یونانی‌ها ۲۲۰، ۲۲۵-۲۲۶

۳۰۳، ۳۲۱، ۴۳۵، ۵۳۵، ۶۰۶، ۶۰۸

یهود، یهودی ۱۲۱، ۱۶۸، ۷۳۶

ییلدیز [کاخ] ۱۱۹

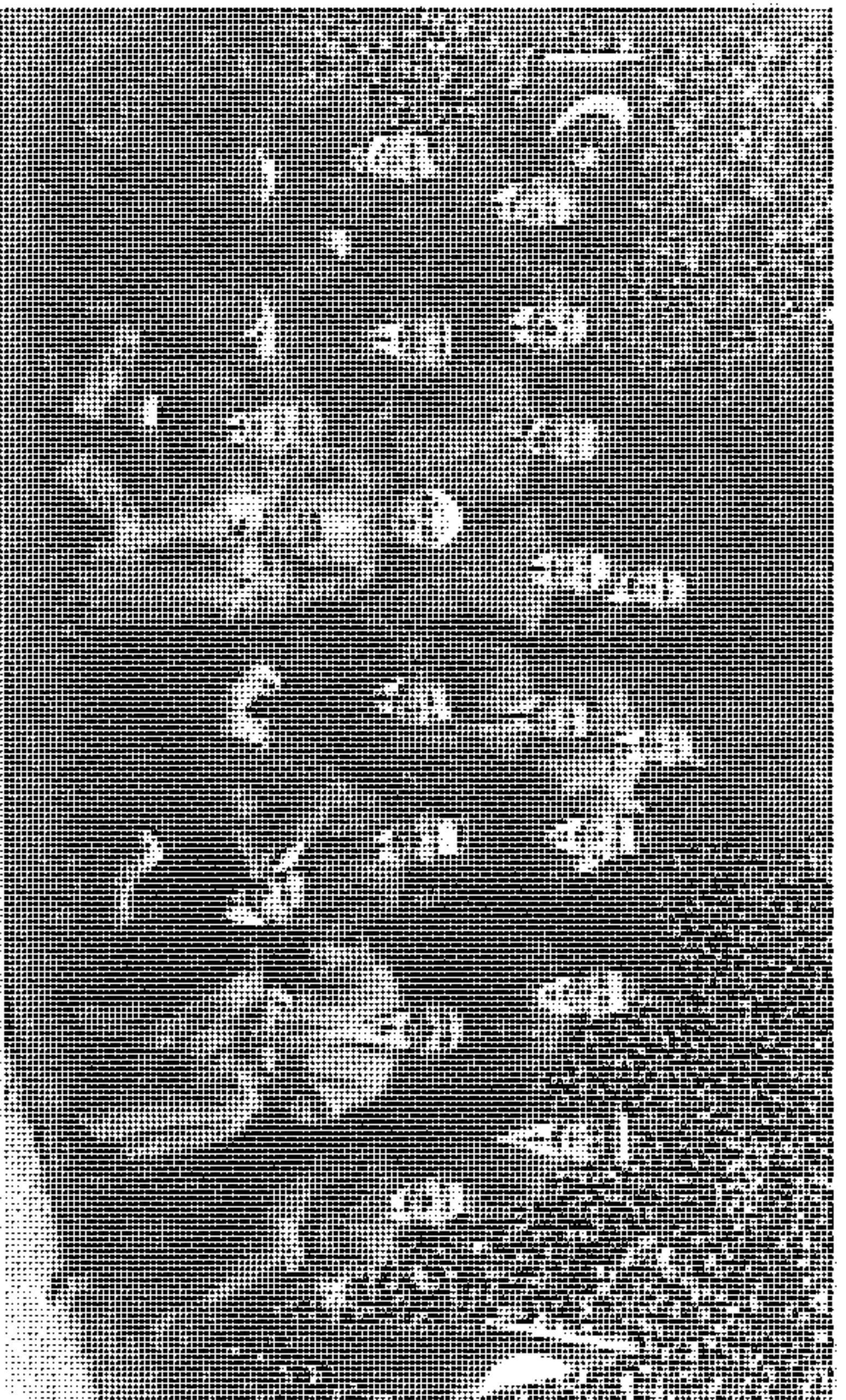
در زمانیکه جنگ اول عالم بر این مملکت با نهایت شدت در جریان بود و دول روس و انگلیس و فرانسه و آمریکا
 چنانکه بر سره حال آن زمان در اطرافش و متممین آن در میدان جنگ و غیره نیز می باریدند و کشور را بر نجات داشت و
 و در آن زمان نیز می شاهدید که در میان ما پانصد سلطان احمد شاه قاجار در حرکت بود و هم آن پسرش که هر چه زودتر
 را نجات اشغال کرده و مرکز آزادی و استقلال کشور را بر طرف سازد هم از وجود بیرون نماند و همه از
 خانه گمان دوره بیست و شش شورای ملی با اطلاع خصم و رئیس دولت وقت مردم شریفی الهی که از در حال
 جنگ و نای دوره دیگر کسی ایران بشمار رفتند تقسیم کنیم از تهران بطرف جنوب حرکت کرده بلکه سوتها را
 این امر را آزادی بیست آورده است که آتش خردان را کلاکت نموده اند و باقیته بمانیم و رضا از آن
 و متممین آن شکست خورده مغلوب از میدان خارج شده و روس و انگلیس و آمریکا نیز از آن بجزم کردند
 برافراشته اوضاع ما چه خواهد بود؟ به ترتیب خردان را حفظ خواهیم کرد؟ دولت ممالک کرده چه بود؟
 بجز خواهد گرفت؟ آیا با نظریه قتل آن و متممین آن دولت مدعی ایران چه خواهد بود؟ آیا خواهیم
 توانست منابع خردان را کلاکت کنیم؟ آیا آنها با ما سرانجام خواهند داشت؟ آیا آنها حاضر
 خواهند بود استقلال را نجات دهند؟ آیا آنها با ما سرانجام خواهد داشت؟ استقلال را نجات خواهند داد؟
 آیا آنها نیز نظریه مخالف استقلال را نداشتند و آمده ای به علییه انخواهند کرد؟ از این سؤالات زیاد بود
 که در جایش چنان سخن بود مخصوص در آن مملکت زمان
 ما آزاد بخواهیم، خانه گمان دیگر است مجلس شورای ملی چه خواهد بود؟ آیا بپوشیده برای حفظ استقلال
 کامل خودمان بپوشیدیم یا بپوشیدیم که سرزشت ایران را کلاکت در دست خردان نگاه داریم یا از دست
 بودیم دارای کشور آزاد و مستقل و مشرقی باشیم یا بپوشیدیم ایران را با نماند از روزی کلاکت کرد و سرزشت
 ما را بپوشیدیم پس خردان را بجز است و ترتیب امری نزدیک آوردیم و استقلال مملکت را با سرزشت



عبدالحسین شیبانی (وحدالملک)



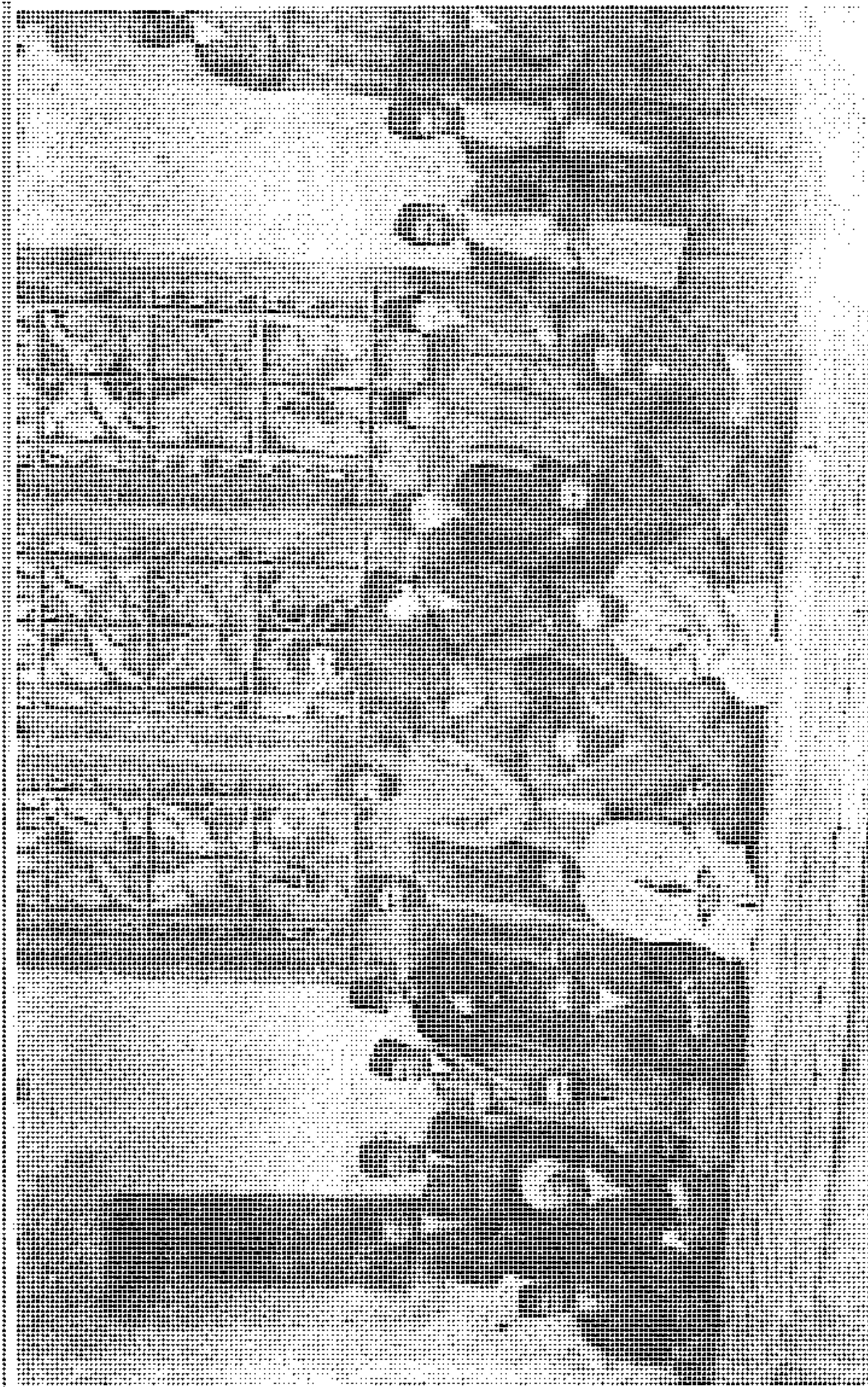
نفاشی از صورت وحیدالملک



تصویری از دوران تحصیل در کمبریج، ۱۹۰۵

JJJeip - W. D. Matthews

J. Morgan - H. G. Chick - H. A. MacMichael - W. A. Smart - M. S. MacDonell - E. H. Mulock - E. C. D. Rawlins - J. F. - aye
W. Hough - Shaylet Muhammad Asal - Prof. E. G. Brown. Dr. A. R. Higgins - میرزا عبدالرحمن خان شیبانی - C. A. Greig - Hâhid Efendi



الملك و الملكة مع اطفالهم



وحيد الملك، وزير حمايون، -



علی محمدخان پرورش (برادر وحیدالملک)



عبدالحسین خان شیانی (وحیدالملک)



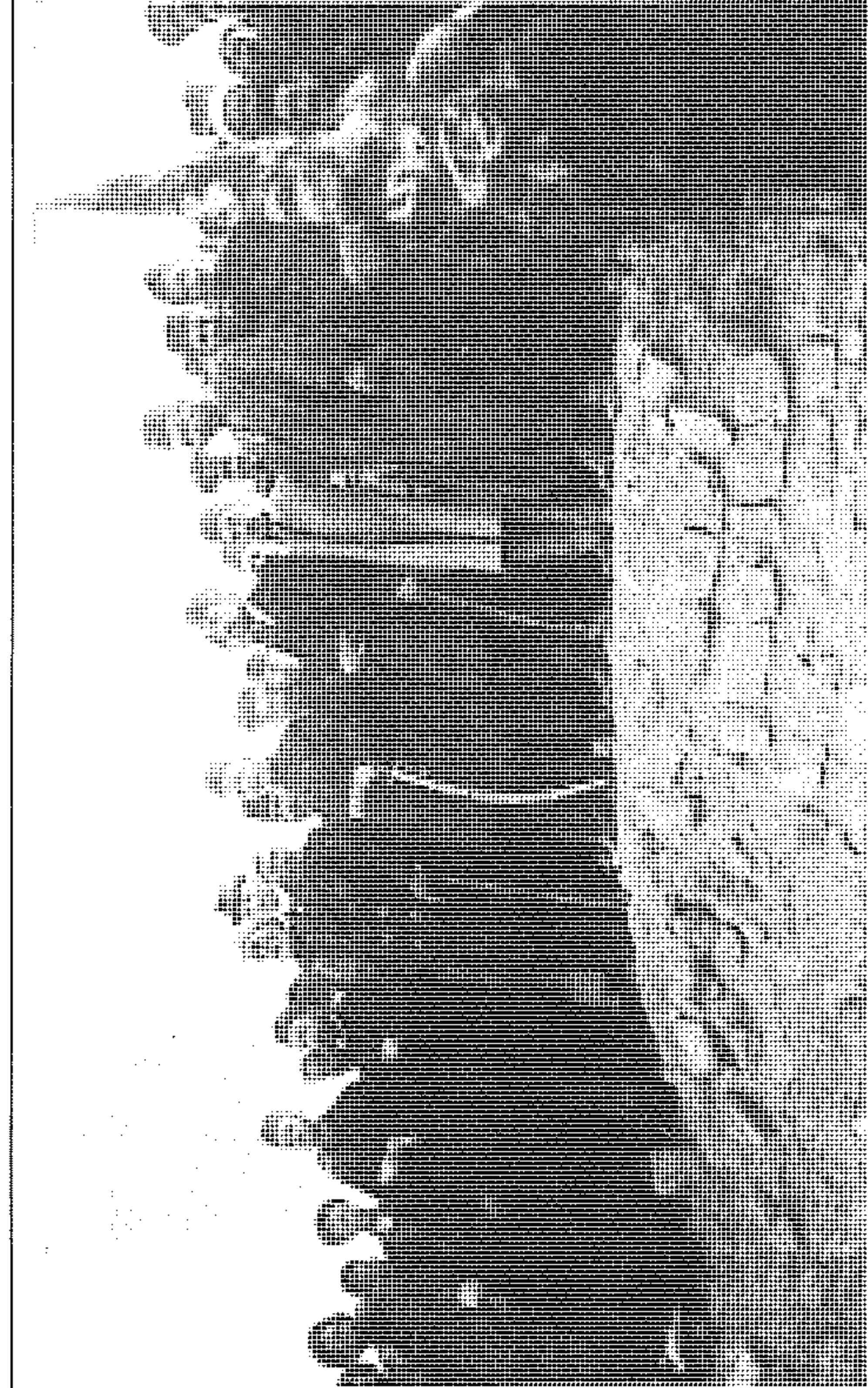
نظام السلطنة مافی (نشسته)، سردار ناصر سنجابی، سردار مقتدر سنجابی،
سردار ظفر سنجابی و عباس خان کلهر



بیگلریگی رشت، عیسی خان شاگرد مدرسه لندن، خانم اطریشی،
دختر والی، عبدالحسین خان شیبانی (وحیدالملک)



نظام السلطنة رئیس حکومت موقت



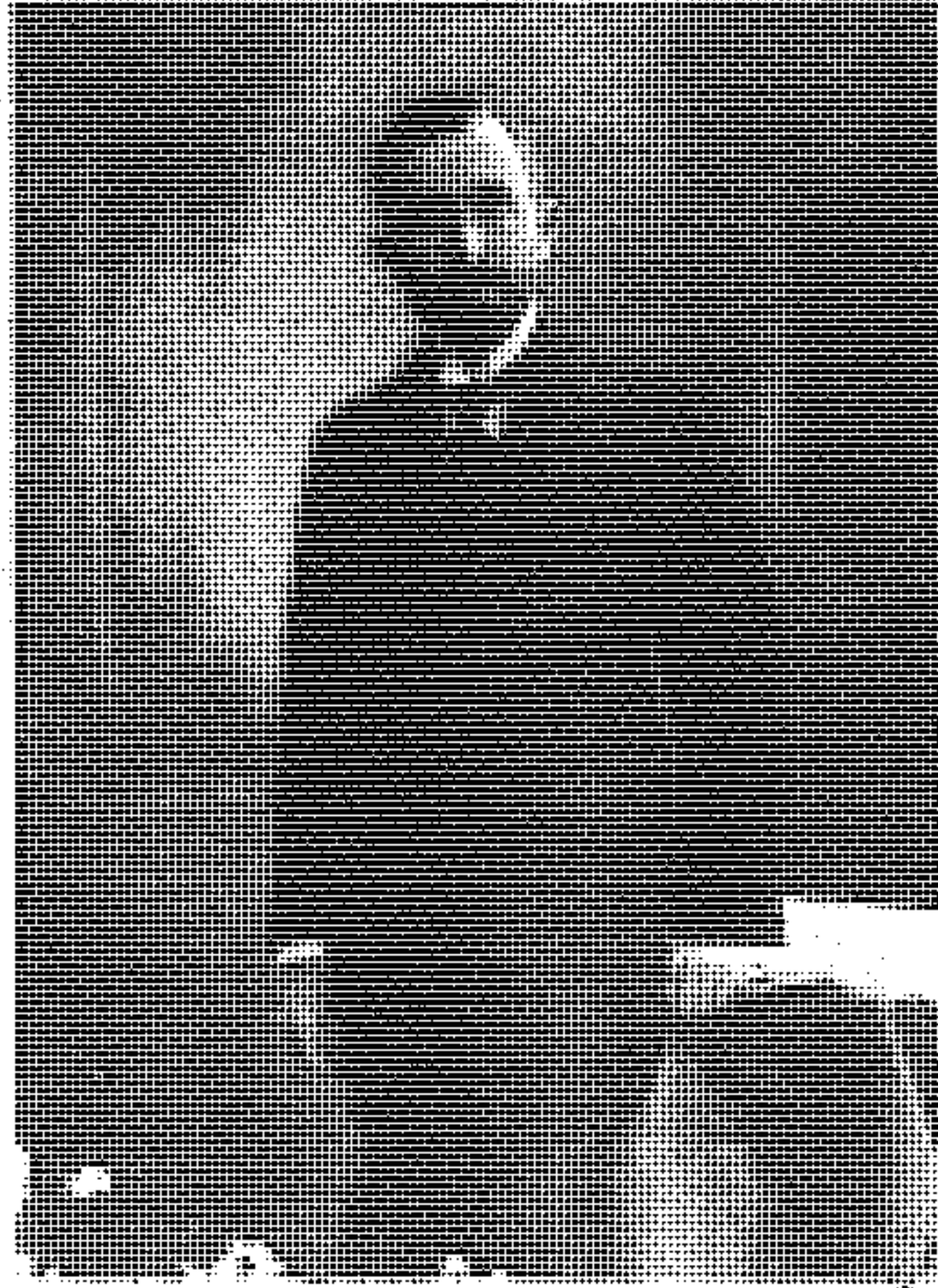
نظام السلطنة و جمعی از مهاجرین



سید ابوالحسن علوی



ردیف اول، راست به چپ: وحید الملک، نواب، ماوات، تقی زاده، ردیف دوم: -، صوراسرافیل، عزت الله هدایت، عمار لویسی (۶)،
تربیت، محمدعلی نظام مافی، علوی، فرزین



محمد علی خان نظام مافی
نظام مافی
نظام مافی

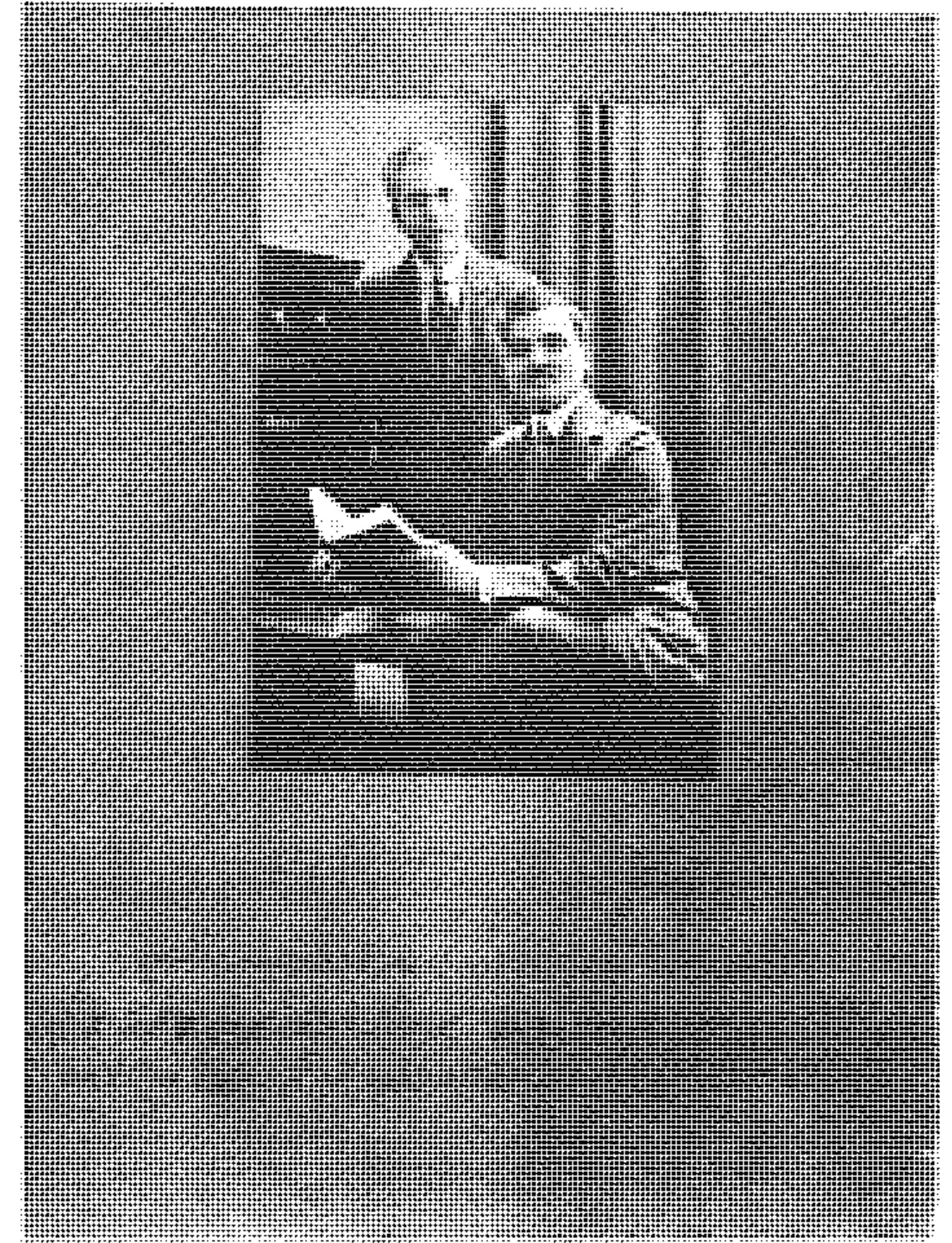
محمد علی خان نظام مافی



حسینقلی خان نواب



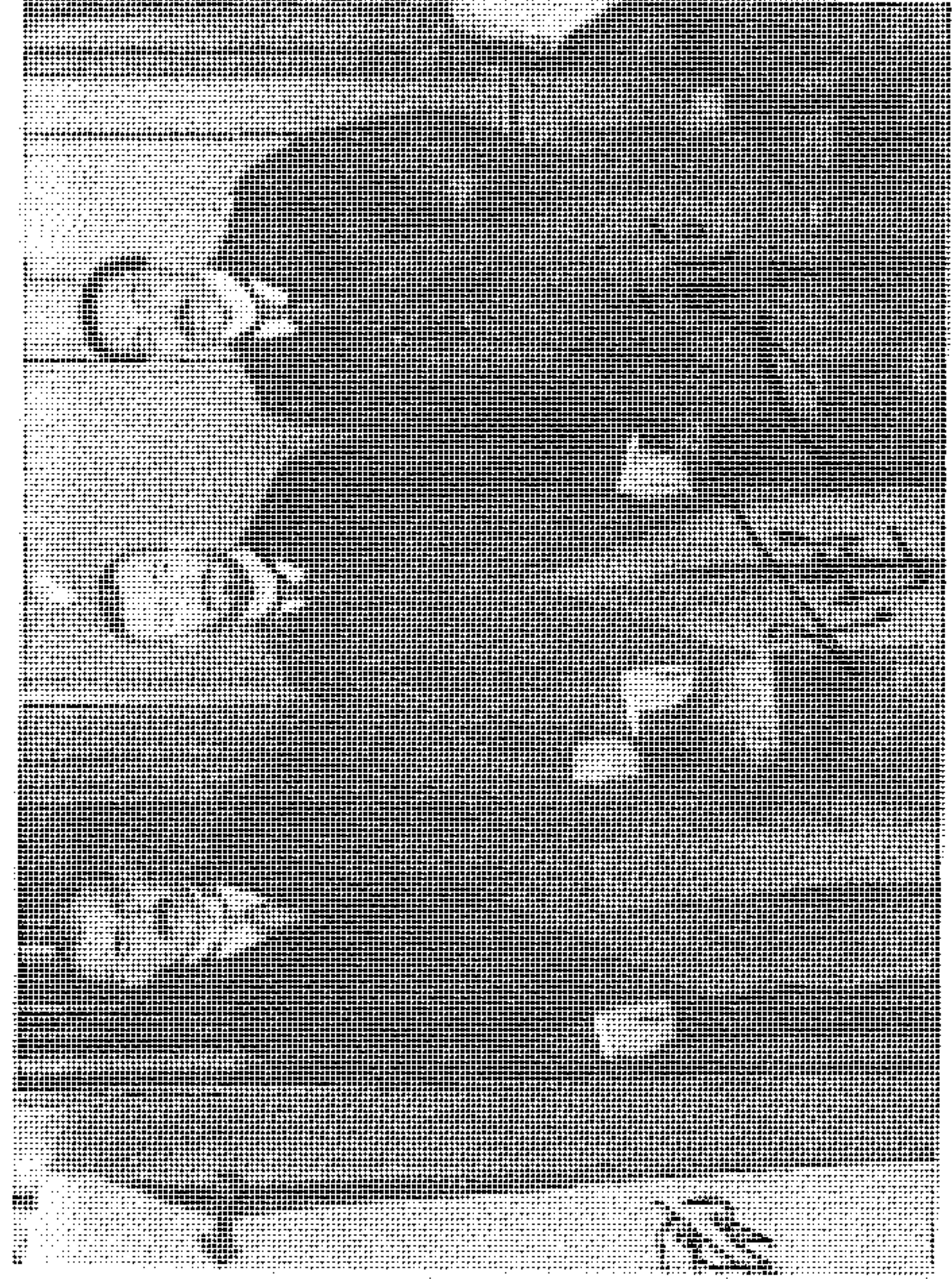
میرزا احمدخان قزوینی



سید حسن تقی زاده و حسینقلی خان نواب

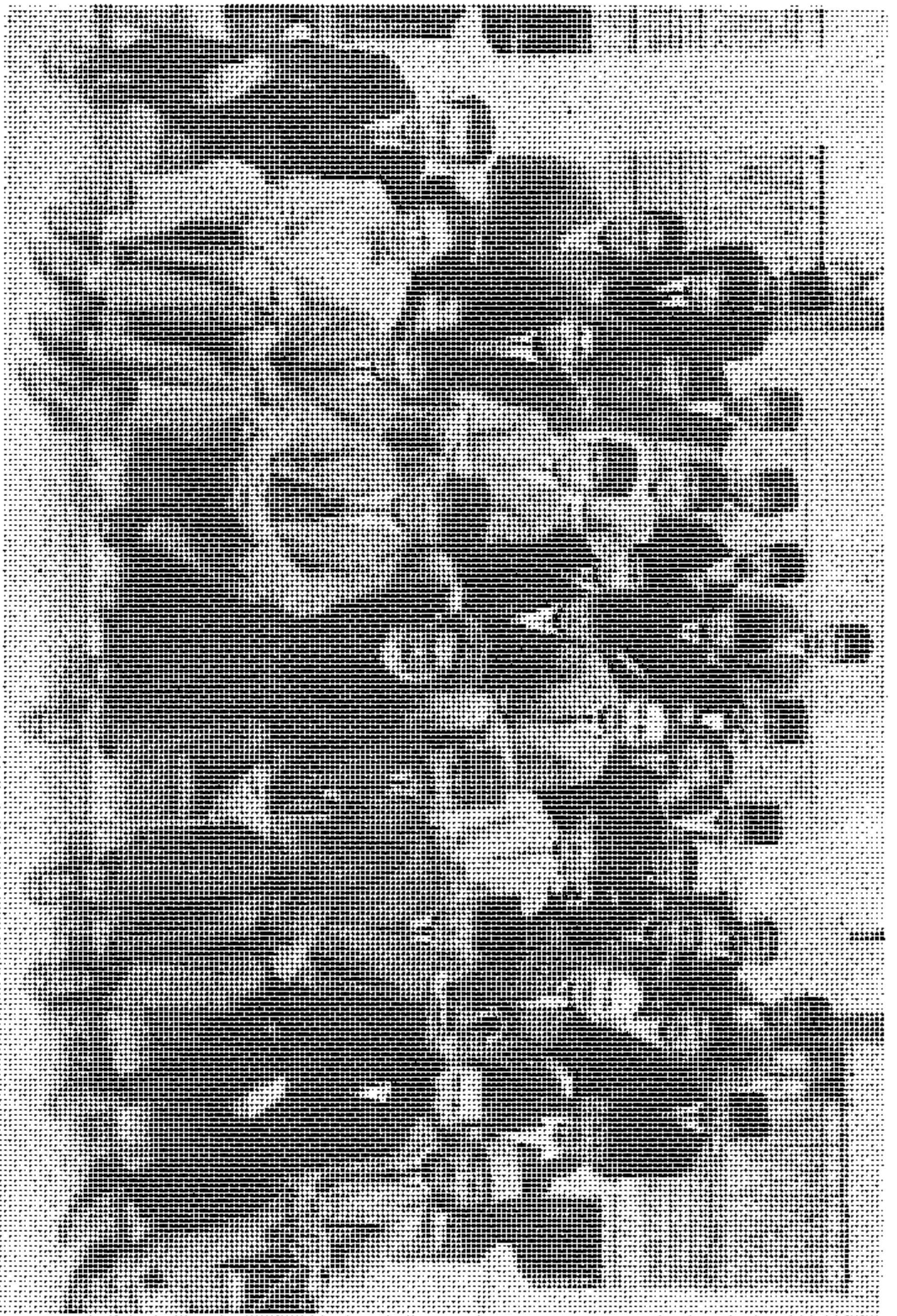
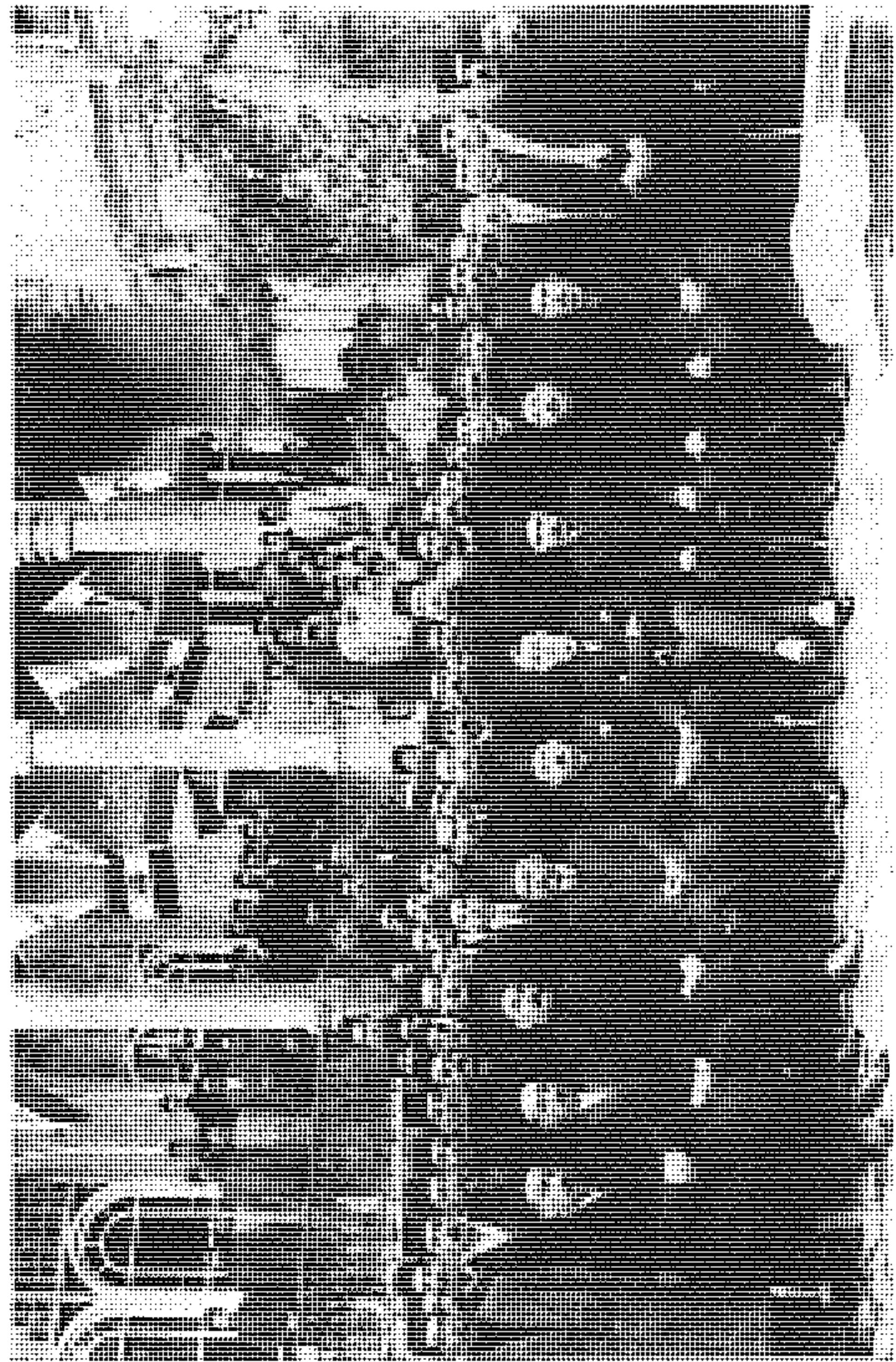


میرزا محمد علی خان کلوب (فرزین)



میرزا قاسم خان صور، محمد علی خان نظام بافی، میرزا احمد خان قزوینی

وحیدالملک، وزیر پست و تلگراف (۱۳۰۱ شمسی)



ردیف اول، نشسته، از راست به چپ: محمودخان کیهان، -، رضاآزاده شفق، بهمنیار، -، وحیدالملک، عباس اقبال

